

نمونه میناتور قدیم غزنی که در وقایع یکی از کتب قلمی کار شده (موزه کابل)
Spécimen de l'ancienne miniature de Ghazni (Musée de Kaboul)

Ketabton.com

پول و کتاب

پول و کتاب
پول و کتاب
پول و کتاب
پول و کتاب



ششمین سالنامه کابل

داوی خبثین په دیرو مهر بانو او
دا علی حضرت همایونی په بنو توجها تو
دغه دی د کابل د شپږمی سالنامی
په نشر موفق گرزو!

از مر احم بی پایان حضرت
خداوندی و توجها شاهانه
اعلی حضرت معظم همایونی، اینک
به نشر ششمین سالنامه کابل
موفق میگردیم!

سالنامه « کابل »

خیلی خوشبختیم که نشر سالنامه‌های کابل که مراد از آن تنویر افکار انبای وطن و معرفی شعون تاریخی و مدنی افغانستان میباشد همواره طرف قبول هموطنان عزیز و سائر علاقه مندان این آب و خاک ، واقع شده و این حسن نظر و تقدیرات است که کارکنان این مؤسسه ملی را بیش از پیش به مفید گردانیدن و دلچسپ ساختن نشریات شان بالخاصه سالنامه‌های کابل موقع داده است . و بیشتر خود را سعادت مند می بینیم که همه ساله و وطن عزیز از اثر مساعی خالصانه و عرق ریزی‌های شبانروزی زمام داران صحیح و وطن پرست خود در زمینه های مختلفه ترقیات بزرگتر و مهمتری را حائز گشته و ما میتوانیم که در هر سال مظاهر بهتری را از این پیشرفتهای مملکت در مد نظر هوا خواهان این کشور بگذاریم .

درین سال که انجمن ادبی

دیر نیکبخت یوچه دکابل دسالنامو نشر چه مراد ورخه دوطن دزامنو دفکر ونوتویر اودافغانستان دتاریخی اومدنی شئونومعرفی ده : تل ددی خا ورو دعلاقه مندانو او زمو ننگ دو طندارانو خوبه شویده ، دغه نیک نظر او تقدیر دی چه ددی ملی مؤسسی کارکو ونکوته یی دیره موقه ور کریده چه خیل نشریات او خصوصاً دکابل سالنامی یی دپخوانه دیری بنی گری . اوخیل لحاونه دیر نیکبخت وینوچه کال په کال ز موژه خوژ وطن دخالصانه کوششونو اوزیار و خکو دصحیح واکدارانو دوطن په اثر باندی په مختلفه خصوصیاتو کبس دیری ترقی او وړاندی والی موندلی دی مونزه کولی شو چه په هرکال کبس ینه ینه مظاهر ددی وړاندی والی دخیل مملکته زنی د وطن دوستانو په مخ کبس پریژدو .

په دی کال کبس چه دکابل انجمن دیوی علمی او ادبی اکادیمی

په صورت تشکیل شو، اود خپلو
پخوانوملی وظائفو څخه علاوه دپښتو
ژبی دترقی اوتعمیم وظیفه هم دی
ته وسپارل شوه، نو دکابل په سالنامه
کښ خو مقالی ددی ژبی داهمیت
اوتاریخ اود پښتنو دملی شو نو په
باب د محترم مولوستونکو داستفادی
دپاره مخکښ ژدو .

په آخر کی دتولو ذواتو
او مؤسسو څخه چه ددی مجموعی
په تدوین اوترتیب کښ یی دمونډ
سره کومک کړیدی، خصوصاً دولتی
دواثرو څخه تشکر کوو او ددینه
زباته ترقی د اعلیحضرت معظم
همایونی د حمایت د سوری لاندی
دگران افغانستان دپاره د خاوند
ددربار څخه غواړو .

« پښتو ژوله »

کابل بصورت يك اکادمی علمی
و ادبی تشکیل و علاوه بروظائف
ملی سابق خود، وظیفه ترقی و
تعمیم زبان پښتو هم به آن تفویض
گردیده، در سالنامه کابل نیز
مقالاتی چند را جمع به اهمیت و
تاریخ این زبان و شئون ملی
افغانها برای استفاده خوانندگان
عزیز تقدیم میداریم .

در خاتمه از عموم ذوات و
مؤسساتی که در ترتیب وتدوین
این مجموعه با ما کمک فرموده اند
بالخاصه از دو ائرم محترم دولتی
تشکر نموده، ترفیات بیشتری را
در تحت حمایت اعلیحضرت معظم
همایونی برای افغانستان عزیز از
درگاه خداوندی تمنا میکنیم .

« انجمن »



پادشاه افغانستان

شهریار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله ملکه و اطال الله عمره و دواته که ذات همایونش درین سنه قدم بر حله بیست سو مین حیات شریف خود میگذازند، ذات همایونی متولد در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در کابل و پس از سن مقتضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی و متوسط و بالاخره تحصیلات خود را ذات همایونی در مکاتب عالی کابل با ختم رسانیده موقعیکه و الد ماجد فقید شان اعلیحضرت محمد نادر شاه کبیر عازم سفارت افغانستان در پاریس گردیدند، ذات همایونی نیز به عیت آن شهریار فقید بفرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه و علوم عالیہ را در رشته های مختلف به مکاتب عالی و خاندان های با دانش و معظم آن مملکت تحصیل، و تربیة خصوصی را نسبت بمسائل داخلی و اخلاق ملی و ادراک مطالب لازمه راجع بوطن و خصایص را از والد بزرگوار خود حاصل فرمودند.



عالمگیریت منظرہ ہائے یونیورسٹی خاں شاہ پادشاہ ترقی پرواقفاست
S.M. Mohammad Zaker
Chah Rai of Afghanistan

یاد شاه افغانستان

پس از واقعه شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسرحد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان و تعقیب سنت سنیه پدر بزرگوار خود در شعبه عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی باصیبه معظمه والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده و در اخیر همین سنه چندی بوکالات وزارت جلیله حریبه و بعداً بوکالات وزارت معارف مؤظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی در حسن اداره و صحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهید یارشهید بتاريخ ۱۶ عقرب با اتفاق و در خواست و کلا و بزرگان ملت و عموم افراد عسکری و کشوری ازیکه پیرای سلطنت سنیه افغانستان شده سال حاضر پنجمین سال از جلوس میمنت مانوس این شهید یار جوان محسوب میشود .

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

- ۱- شهزاده بیگم بلقیس تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
- ۲- والا حضرت شهزاده محمد اکبر خان « ۱۹ اسد » « ۱۳۱۲ »
- ۳- والا حضرت شهزاده احمد شاه خان « ۳۱ سنبله » « ۱۳۱۳ »
- ۴- شهزاده بیگم مریم « ۱۰ عقرب » « ۱۳۱۵ »

افغانستان



افغانستان در آسیای مرکزی در تحت (۲۹) درجه و (۳۰) دقیقه و ۳۸ درجه و (۲۵) دقیقه عرض و (۶۰) درجه و (۵۰) دقیقه طول البلد واقع است جواز این مملکت محدود است: شرقا با پنجاب هند که کوهستان افغانان سر حدی آنرا از پنجاب و سند جدا می نماید، از جهت شرق شمالی با تورکستان چین اتصال دارد. شمالا به صحرای خوارزم و مملکت بخارا که رود خانه آمو آن را از خاک بخارا فصل می نماید، غربا بخاک ایران، جنوبا ملحق است با بلوچستان.

این مملکت با فراخی (۷۰۰،۰۰۰) کیلومتر مربع دارای سطوح مرتفعه و کوههای بلند است که مهم ترین آن سلسله هندو کش بطرف شمال و سلسله سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد، بلند ترین ارتفاعات این مملکت کوهستانی الی (۷۳۰۰) متر بشمار آمده ضمنا صحاری فراخ، جلگه های سرسبز، کوه پاهای خاکریز داشته، رودخانه های آب های خوشگوار که غالباً داخله خاک را مشروب می سازد فراوان دارد. منبع اکثر واهم این رودخانهها کوهستان مرتفع مرکزی است که اگر بقاعده آبیاری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساخته میتواند.

افغانستان

آب و هوای ملک گرچه از لحاظ پستی‌ها و بلندپه‌ای وضعیت طبیعی مختلف و نقاط گرم سیر و سرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است و اندازهٔ حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالک طاقت فرسا شده نمیتواند.

بعثت همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات ممالک گرم سیر و سرد سیر هر دو درین مملکت بعمل می‌آید. رویهمرفته درجهٔ حرارت بحساب سانتیگرید در تابستان از (۴۲) درجهٔ فوق و در زمستان از (۲۰) درجهٔ تحت الصفر متجاوز نمی‌شود.

از نقطهٔ نظر اقتصادی این کشور عزیز خیلی غنی و بهترین و دایع قدرت را دارا است مثلاً: زراعت، فلاحت، معادن بکر، حیوانات اهلی و وحشی، اقسام طیور و جنگلات میوه و غیر میوه، ادویه جات طبی سبزیجات، در هر نقطهٔ آن موجود و مورد استفاده است.

قسمت اعظم و عمدهٔ حیات اهالی را زراعت و فلاحت و مالداری تامین می‌نماید، از بارزترین پیداوار ملک بمقصد تجارت، پشم، پنبه، قالین، ابریشم، پوست قره‌قلی، پوست دیگر حیوانات، ادویه جات، میوه‌های خشک و تازه است که بخارج میرود، اما برتر از آن موادیکه مهم‌ترین سرمایهٔ مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن و مس و ذغال سنگ و نفت و غیره معدنیات است که تا هنوز بکار نیفتاده و فقط در طول سال ۱۳۱۶ برای استخراج آنها قرار داده‌ای با خارجه عقد گردیده است. افغانستان از حیث دارائی معادن مختلف و متعدد و پیدوار زراعتی و حیوانی اهمیت بسزا دارد.

سالنامه « کابل »

صنایع در افغانستان خیلی سابقه دارد. چه از اعصار قبل الاسلام الی دوره های چهار قرن ، سه قرن قبل ، صنایع بومی از قبیل معماری مجسمه سازی نقاشی ، منبت کاری ، حجاری ، نساجی ، خامک دوزی ، چکن دوزی و سایر کارهای دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلالی ، نجاری و غیره بقدری رونق و ترقی داشت که امروز آثار و بقایای آن زیب موزه ها و اسباب استعجاب تماشا ثیان میشود . صنایع حاضره عبارت است از اقسام صنایع قدیمه فوق و بعضی صنایع عصریه . ولی بطوری که در همه جای دنیا رونق صنایع قدیمه گناسته شده است صنایع قدیمه افغانستان نیز ازین حادثه تخلیص گریبان نتوانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بسیاز اندازه مکفی حوایج حیاتی اهالی شده میتواند .

تجارت امتعه ممالک خارجه در افغانستان و مواد خام و قالین و قالینچه افغانستان بممالک مذکوره مبادله شده ، نماینده های تجارتی در شهرهای معروفه اروپا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین و غیره و در شرق در هند و بلوچستان میباشد .

مبادلات تجارتی افغانستان غالباً بوسیله شرکت های ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آزاد و تحت کنترل حکومت نبوده و سرمایه های خارجی در افغانستان تا هنوز نمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت و تجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار و سپس تورکستان است که راهای آن ترمز کشکی و بندر کرکی میباشد ، و بعد خاک ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه و سیستان بشمار میرود .

مهمترین سرکهای موترزو مسافرتی افغانستان بقرارذیل میباشد .

افغانستان

- از تورخم (سرحد هند) براه جلال آباد تا کابل (۲۴۰) کیلومتر
- » از سین بولدک (سرحد بلوچستان) تا قندهار (۱۱۰)
- » از اسلام قلعه (سرحد ایران) تا هرات (۱۳۰)
- » از پته کی سر (سرحد شوروی) تا مزار (۴۰)
- » از کشکی (آخرین استیشن خط آهن روسیه) تا هرات (۱۰۰)
- » از کابل تا قندهار (براه غزنی) (۶۰۰)
- » تا مزار شریف (براه دره شکاری) (۶۰۵)
- » تا خان آباد (» ») (۵۳۵)
- » تا هرات (براه سطح مرتفع مرکزی) (۵۶۰)
- » تا خوست (براه گردیز) (۱۶۰)
- » تا بامیان (۲۳۰)
- » از قندهار تا هرات (براه فراه) (۶۰۵)
- » هرات تا میمنه از راه قلعه نو و مرغاب (۴۶۰)
- » میمنه تا مزار شریف (براه اندخوی و بلخ) (۳۶۶)
- » مزار شریف تا خان آباد (۵۷۱)
- » خان آباد تا فیض آباد (۱۱۰)

نفس افغانستان بتعداد ۱۲ میلیون و اساسا دارای نژاد واحد آریائی و بطور عمومی متکلم بدوزبان پشتو و فارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی باهم تفاوت جزئی دارد و نیز بطور اقلیت بعضی لغات از قبیل نورستانی، پشتی ارمری و غیره در بین اقوام محدودی مروج است ولی عموماً لغات متذکرة فوق منشعب از لغات اصل پشتو که بکربان خیلی قدیم این مملکت است و لغات غلجه و داردی میباشد که خود اینها با اصطلاح اهل زبان از خانواده زبانهای « هندو ایرانی » شناخته میشوند.

سالنامه « کابل »

تخصیص زبان پشتو و فارسی در جزء نصاب مکاتب کشوری و دواير دولتي حتمي است . دين رسمي ملت افغانستان ديانت مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفي است . پيروان اديان جزئيه از قبيل هندو و يهود که يکمقدار کمی جزء اتباع افغاني اند نيز تحت تايمين گرفته می شود . حکومت افغانستان شاهي مشروطه و مستقل است . پارلمان مرکب از مجلس شورای ملی و اعيان است . و کلاي مجلس شورای ملی نماينده های مستقيم ملت میباشند که بلا واسطه برای سه سال از طرف ملت انتخاب می شوند . حقوق و حدود ملت و دولت در قانون اساسی بواسطه نخستين پاراما نيکه در سال ۱۳۰۸ باراده شهر يار شهيد اعليحضرت محمد نادر شاه پادشاه غازي و فقيد افغانستان افتاح شده بود تعين گردیده ، مجلس اعيان که اعضای آن از برجسته گان مملکت است از حضور پادشاه تعيين می شود .

پای تخت مملکت شهر کابل است . و لايات نایب الحکومه نشين افغانستان بعد از کابل ، قندهار ، هرات ، مزار شريف ، قطغن و بدخشان است . کنذا و لايات حاکم اعلي نشين آن جنوبي مشرقی ، میمنه ، فراه و چخانسور میباشد .

در تقسیمات ملکیه ، افغانستان منقسم است به نایب الحکومه گی ها حکومتی های اعلي ، حکومتی های کلان ، حکومتی های درجه اول و دوم و سوم و علاقه داری ها .

مراتب عسکری در افغانستان عبارت است از : سپه سالار ، نایب سالار فرقه مشر اول و ثانی ، غنڈ مشر اول و ثانی ، کند کشر ، تولی مشر بلوک مشر اول و ثانی ، پرک مشر ، دلگیمشر . و مراتب رسمی کشوری

افغانستان

عبارت است از: مقام صدارت عظاما، و زیرها، معین ها، رئیس ها، مدیر های عمومی، مدیر های شعبه، معاونین ریاست ها و مدیریت های عمومی، معاونین شعبه، مامورها، سرکاتب، کاتب ها.

کابینه دولت مرکب است از: صدر اعظم، وزیر حربیه و وزیر خارجه، وزیر داخله، وزیر عدلیه، وزیر مالیه، وزیر معارف و وزیر تجارت، وزیر فوائد عامه، وزیر صحیه، وزیر پست و تلگراف رئیس مستقل معادن و رئیس مستقل زراعت.

امور دربار و دفتر شاهی بوسیله وزارت دربار و دارالتحریر شاهی اداره میشود.

پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلدالله تعالی ملکه خلف الصدیق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی محصل استقلال افغانستان است که در سال ۱۳۱۲ بعد از شهادت والد بزرگ خود بسن ۲۰ سالگی بدرخواست ملت زینت بخشای تخت شاهی افغانستان گردیدند. درین سنه از سلطنت همایونی چهارمین سال منقضی و سال پنجم جلوس اعلیحضرت شان میباشد.

خدمت عسکری و پولیس در مملکت اجباری است. یک قسم عسکر خوش برضای دایمی نیز دولت دارد.

کذا تعلیم علوم عصری در مکاتب جبری و مصارف تعلیم و تربیت از طرف دولت پرداخته شده محصول از اولیای اطفال اخذ نمیشود: اقسام مکاتب در افغانستان: دارالفنون، مکاتب عالی، مکتب صنایع، مکاتب متوسطه (اعدادی) رشدی، مقدماتی است و شعبه عسکری افغانستان بر علاوه مکاتب اعدادی

سا لنامه « کابل »

ورشدی و مقدماتی تعلیم گاهها نیز موجود میباشد. در افغانستان تنظیمات صحی باصول عصری است. مرضائیکه بشفاخانهای دولتی مراجعه کنند معالجه بطور مجانی می شود علاوه معالجه آزاد بوسیله اطباء نیز برای مرضا در هر نقطه مملکت ممکن و میسر است.

مخابرات پستی ، تلیفونی ، تلگرافی بطور شخصی و در ازای محصول معینه در هر نقطه مملکت آماده و ممکن است ، حمل و نقل پستی و تجارتی و مسافرت در تمام مملکت غالباً بوسیله موتر می شود.

خطوط سرب و سیم های تلیفون در تمام نقاط مملکت کشیده شده هتل ها و جاهای رها یشی در راها و شهرهای کشور موجود است . مصارف حد متوسط یک نفر در افغانستان ار ۱۵ افغانی « ۶ شلنگ » شب و روز تجاوز نمیکند و مصارف ساده تر از آن خود بر مراتب کمتر از این است .

طرز معیشت ، البسه ، عمارت در افغانستان بدو صورت سابق و جدید (عصری) متداول است . اهالی شهر نشین غالباً با سلوب عصری حیات بسر میبرند اما هر طبقه بانتخاب سلوب حیاتی آزاد و تکلیفی درینخصوص داده نمی شود.

از مهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض ممالک خارجی محصول سرانه گرفته نمی شود . تجار و سیاحین خارجی بموجب اجازه نامه های پولیس محلی براحث توقف کرده میتوانند . سلوب تجارت و داد و ستد تماماً در افغانستان عصری و برای رسیدگی بامور دعاوی تجار محاکم در هر شهر افغانستان موجود است .



مجدد حیات مدنی و محصل استقلال و نجات بخشایندۀ افغانستان اعلیحضرت
محمد نادر شاه غازی شهید رحمة الله علیه که نام نیک و کار نامه های
بزرگ شان در تاریخ این مملکت بخط درشت یادگار خواهد ماند

*S.M. Mohammad Nadir Ghah, le très regretté roi
d'Afghanistan*

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمیٰ

صدر اعظم	: ج، ع، ج، ا، انشان والاحضرت سردار محمد ہاشم خان
مشاور اول	: ع ، ص ذوالفقار خان
» دوم	: ، ، » سید احمد خان
» سوم	: ، ، » یار محمد خان
» چہارم	: ، ، » عبد الرحیم خان
رئیس ضبط احوالات	: ، ، » محمد شاہ خان
مدیر شعبہ اول	: ، ، » خلیل اللہ خان
» دوم	: ، ، » غلام محمد خان
» سوم	: ، ، » محمد فاروق خان
» اوراق	: ص ، محمد اسمعیل خان
» عرائض	: ، ، » میر عبداللہ خان
سرکاتب ادارہ شفر	: ، ، » محمد نعیم خان
وقلم مخصوص	
» مجلس عالی وزراء	:
مامور محاسبہ و کنٹرول	: ص ، خواجہ ذکرا اللہ خان
مامور اجرائیہ	: ، ، » محمد ابراہیم خان



این مرد بزرگ که عمر شریف
خود را در خدمت مملکت
بصرف رسانیده و در دوره
های مختلفه ، امور لشکری
و کشوری و سیاسی مهمی را
عهده دار شده و در زمان
انقلاب ، در نجات وطن سهم
بزرگی گرفته اند ، مخصوصاً
درین هشت سال اخیر که
بریاست کابینه دولت عزت‌نظر
دارند ، از اثر زحمات و مساعی
خستگی ناپذیر شبها روزی
ایشان است که افغانستان
با این سرعت مرا حل ترقی
و پیشرفت صحیح و اساسی
خویش را می بیناید .

ج، ع و ج ۱، ۱ . نشان والا حضرت سردار

محمد هاشم خان صدر اعظم

S.A.R. «A.A.» Sardar Mohammad

Hachem Khan premier ministre

سالنامہ « کابل »

وزارت حرّیہ

وزیر حرّیہ	: ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت
وسیع سالار	سردار شاہ محمود خان غازی
معاون وزارت	: ع ، ع ، ش ، محمد انور خان نائب سالار
یاور وزیر حرّیہ	: ح ، غلام سعید خان
مدیر تحریرات	: ش ، محمد قاسم خان کندک مشر
مدیر مخصوص	: « ، محمد یوسف خان کندک مشر

دائرۂ استخبارات :

مدیر	: ح ، محمد عمر خان غند مشر اول
آمر شعبہ الف	:
آمر شعبہ ب	: ش ، عبد اللہ خان کندک کمشر
آمر شعبہ ج	:

ریاست ارکان حرّیہ عمومی :

رئیس	: ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشر اول
معاون	: ح ، مصطفیٰ خان غند مشر اول

دائرۂ عمومی حرکات :

مدیر	: ح ، سراج الدینخان غند مشر ثانی
آمر شعبہ ۲ تشکیلات	: ش ، محمد امین خان کندک کمشر
» » ۳ تحشیدات	:



این فرزند رشید و این رجل
نامدار و وطن کز در تمام
ادوار زندگی خویش
مصرف خدمت مملکت و
ملت بوده و در رشته های
مختلفه امور عسکری و ملکی
مشغولیت ورزیده اند، کارنامه
های بزرگ شان در جنگ
استقلال و نجات وطن بهمه
افراد این کشور معلوم می باشد
و با لگن از اثر مجهودات
و تدابیر سنجیده ایشان است
که افغانستان امروز دارای
یک عسکر آبرومندی شده

و روز بروز در عالم عسکریت مقام
بلندتری را احراز میکند.

ع، ج، ا، ا، ا، نشان والا حضرت سردار
شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حریه
S.A.R. «A. A.» Sardar Chah Mahmoud
Khan ministre de la guerre

سالنامه « کابل »

دائرة عمومی تعلیم و تربیه :

- مدیر عمومی :
وکیل آمر شعبه بیانده
وسواری : ش ، نثار احمد خان کندکش
آمر شعبه هواپازی :
» » : ش ، ذکریا خان کندکش
مدیر خرید : ش ، عبدالسلام خان کندکش

ریاست اردو :

- رئیس : ح ، ش ، س ، ع ، احمدعلیخان فرقه مشراول
مدیر عمومی مامورین : ح ، عبد الخالق خان غند مشر ثانی
مدیر اخذ عسکر : » ، حیب الله خان » اول

مدیریت صحیه :

- مدیر : ح ، حسین علی خان غند مشر ثانی
سرطبیب عزت مند : انظارالسلام دا کتر قریشی
سرریضار :

مدیر انشآت و تعمیرات :

- وکیل مدیر : ح ، غلام سعیدخان غند مشر ثانی یاوروزیر حزیبه
معاون : ش ، محمد ایاز خان کندکش

مدیریت عمومی نقلیه :

- مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غند مشر اول
مدیر نقلیه شعبه میخانیککی : ش ، ذکریا خان کندکش مشر
» » حیوانی : » ، محمد حسن خان

تشکیلات مملکتی

ریاست حربیه

ع ، ش ، سیدحسن خان فرقه‌مشر ثانی	:	رئیس
ح ، محمد اکرم خان غندمشر ثانی	:	آمر شعبه هیئت معاینه و تدقیق
ش ، سر بلند خان کندکمر	:	» » اسلحه
ح ، عبدالرحیم خان غندمشر ثانی	:	» » جباخانه
» ، محمداسلم خان	:	» » آلات

وادوات فنیہ

ح ، عبدالرشیدخان	:	اسلحه دار
» ، محمدعثمانخان	:	جبا دار

ریاست لوازمات :

ع ، ع ، ش شیر احمدخان نائب سالار	:	رئیس
ش ، خواجہ عبدالقیوم خان کندکمر	:	مدیر محاسبہ
» ، حبیب‌الله خان	:	مدیر لوازم

ریاست قبایل :

ح سید محمدحسین غندمشر ثانی	:	رئیس
ح ، شیر باز خان غندمشر ثانی	:	معاون

ریاست محاکمات :

ح ، سید علیخان غندمشر اول	:	رئیس
ش ، عبدالباقی خان کندکمر	:	معاون
ع ، ش ، محمدشاه خان فرقه‌مشر ثانی	:	وکیل ریاست انجمن اصلاح و ترقی

سالنامه « کابل »

مدیر اوراق	:	ش ، عبدالشکور خان کیند کمشر
مدیر کلوب	:	ش ، ظهیر الدینخان « »

شفاخانه عسکری :

سرطیب	:	عزتمند دا کتر عبدالغنی شاه خان
سر جراح	:	» » نور محمدخان
معاون	:	» » سید صالح خان
جراح	:	» اسمعیل جوهری

قوماندانی طیاره :

قوماندان	:	ع ، ش ، محمداحسانخان فرقه مشر ثانی
مدیر دسته	:	» ، غلام دستگیر خان غند مشر «
مدیر لوازم	:	ش ، غلام بهاوالدینخان کیند کمشر

قوماندانی مکاتب حریمه :

قوماندان	:	ع،ش،س،ع،سردارعلیشاه خان فرقه مشر اول
معاون	:	
مدیر داخله	:	ح ، محمدحسین خان غند مشر اول
مدیر لوازم	:	ش ، یابنده محمدخان کیند کمشر
معلم صنف پیاده	:	ح ، لطیف احمدخان غند مشر ثانی
» » توپچی	:	» ، علی احمد خان «
سر معلم « استحکام	:	عزتمند مکی احمد بیگ
معلم سپورت	:	» محمد افضل خان
سر معلم صنف توپچی	:	» ظفر حسن خان

تشکیلات مملکتی

معلم اسان روسی : عزتمند عبد الرحمن خان
» جوچید سو : » عبد الله خان

مدیریت مکتب رشدیہ :

مدیر : ش ، احمد شیر خان کند کشر
معلم : » افتخار الدینخان کندک مشر
» اسان انگلیسی : عزتمند محمد اعظم خان
» فزیک و کیمیا : » چودھری عبدالعزیز خان

مکتب احضاریہ :

نگران :
مدیر داخلہ : ش ، شیر محمد خان کند کشر
سر معلم : عزتمند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیک : ش ، محمد یعقوب خان کند کشر
» کورس عالی : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی

ریاست فابریکات حرابی :

رئیس : ع ، ع ، ش ، سید عبداللہ خان نائب سالار
معاون :
مدیر تحریرات و اوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کشر

قوماندانہای عسکری مرکزی :

قوماندان فرقة شاهی : ع ، ش ، سردار اسدالله خان فرقة مشراول
» قول اردو : » ع ، ش ، س ، ا ، محمدغوث خان نائب سالار
» فرقة اول قول اردو : » ش ، عبدالغنی خان فرقة مشر اول

تشکیلات مملکتی

ع ، ع ، ش	:	سر بلند خان نائب سالار حاجی
» » »	:	زر خان » » وزیری
» » »	:	زلمی خان » » منگلی
» » »	:	عبدالغنی خان » » محمدزائی
» ش	:	اعظم گل خان فرقه مشر طوطا خیل
» »	:	غلام نبی بیگ خان » ہزارہ درہ صوف
» »	:	نور احمد خان » ہراتی
» »	:	فضل احمد خان » فوغل زائی
» »	:	داؤد شاہ خان » ترہ خیلی
» »	:	محمد ہاشم خان » لوگری
» »	:	سعادت خان » احمد زائی
» »	:	محمد اصیل خان » منگلی
» »	:	عبداللہ خان » وردکی
» »	:	سرکی خان » احمد زائی
» »	:	علی دوست خان » ہزارہ
» »	:	غلام محمد خان » تگابی
» »	:	عبد الرؤف خان » اورباخیل
» »	:	محمد شعیب خان » یوسف زائی
» »	:	محمد عمر خان » ناصری
» »	:	محمد ہاشم خان » کباکری
» »	:	پیر محمد خان » ترہ خیل

وکیل قوماندان فرقه دوم	:	ع ، ش ، عبد اللہ خان فرقه مشر ثانی
قول اردو	:	» » »
قوماندان فرقه ۳ قول اردو	:	» » نور محمد خان » اول
» تویچی	:	» » » عبد القیوم خان » »

قوماندانہای عسکری اطراف:

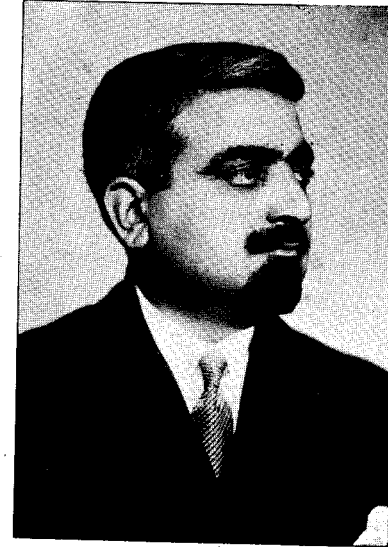
قوماندان عسکری غزنی	:	ع ، ش ، عبدالاحد خان فرقه مشر اول
» قندھار و فراه	:	» » سردار محمد داؤد خان » »
» ہرات	:	» » محمد قاسم خان » ثانی
» مزار شریف و مینہ	:	» » » اللہ داد خان » »
» قطغن و بدخشان	:	» » » عبد القیوم خان » »
» مشرفی	:	» » » محمد جعفر خان » »
» قول اردوی جنوبی	:	» » » س ، ع ، محمد افضل خان » اول
» فرقه اول قول اردوی	:	» » »
جنوبی	:	» » فیض محمد خان » ثانی
» فرقه دوم قول اردوی	:	» » »
جنوبی	:	» » » عبد القیوم خان » »

صاحب منصبان احتیاطی:

ع ، ع ، ش	:	مہر دل خان نائب سالار قندھاری
» » »	:	» » محمد نعیم خان » بدخشی
» » »	:	» » محمد عمر خان » محمد زائی
» » »	:	» » غلام نبی خان » ناصری

تشکیلات مملکتی

وزارت امور خارجه



وزیر :
 ع ، ج فیض محمد خان
 معین :
 ع ، س عبدالحمید خان
 مدیریت عمومی سیاسی :
 ۱ - مدیر عمومی سیاسی :
 ع ، نجیب الله خان
 ۲ - مدیر شعبه شرق :
 ص ، عبد الوهاب خان
 ۳ - مدیر شعبه غرب :
 ص ، دید الحکیم خان
 ۴ - مدیر شعبه مطبوعات
 و اطلاعات و ترجمه :
 ص ، محمد قاسم خان

ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه
S. Ex. Faiz Mohammad Khan
ministre des affair étrargeres.

مدیریت عمومی تشریفات :

۱ - مدیر عمومی : ع ، محمد اکرم خان
 ۲ - معاون : ص ، عبد الاحد خان

مدیریت عمومی امور بین المللی :

۱ مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان
 ۲ - معاون معاهدات : ص ، عبد الملك خان
 ۳ - « کنفرانسها و جامعه ملل » : « غلام صفدر خان
 ۴ - « حقوق » : « عبدالرزاق خن

د : مدیریت عمومی اداری :

۱ - مدیر عمومی اداری : ع ، عبدالرؤف خان
 ۲ - مدیر شعبه مامورین : ص ، عبدالقادر خان
 ۳ - « ویزه و تابعیت و قونسلیگری » : « محمد اسمعیل خان
 ۴ - « محاسبه » : « عبد الرؤف خان

مدیر عمومی اوراق : ع ، عبدالغفار خان

مدیر شعبه شفر : ص ، محمد سلیمان خان

مدیر قلم مخصوص :

معاون قلم مخصوص : ص ، فیض محمدخان

سفرا و نمایندگان اعلیحضرت در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره :

سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمدخان (سفیر کبیر انقره که سمت وزارت
 مختاری اعلیحضرت در مصر را نیز دارند)

سرکاتب : ص ، عبد القیوم خان

کاتب : « محمد زمان خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما :

وزیر مختار : ع ج ، عبدالصمدخان
کاتب : ص ، محمد رسول خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین :

وزیر مختار : ع ، ج ، الله نواز خان
سرکاتب : ص ، حفیظ الله خان
کاتب : علی محمد خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در توکیو :

وزیر مختار : ع ، ج حبیب الله خان
سرکاتب : ص ، عبدالرؤف خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در جدہ :

وزیر مختار : ع ، ج محمد صادق خان مجددی
سرکاتب : ص ، عبدالرحمن خان

نہایندگی دائمی افغانستان در جامعہ ملل :

نمایندہ اول : ع ، ج محمد حیدر خان
کاتب : ص ، عبد القادر خان

جنرال قونسلاگری اعلیحضرت در دہلی :

جنرال قونسل : ع ، ص صلاح الدینخان
سرکاتب : ص ، نور الحق محمد خان
کاتب : « ، عبد الخالق خان
» : « ، صالح محمد خان

جنرال قونسلاگری اعلیحضرت در مشہد :

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان
سرکاتب : ص ، عبد القدوسخان
کاتب : ص ، محمد عزیز خان
» : ص ، محمد سعید خان

قونسلاگری اعلیحضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبد الرحمن خان
سرکاتب : ص ، عنایت الله خان
کاتب : « عبد الصمد خان
آئینہ اقتصادی : « مہر حسن شوکت

قونسلاگری اعلیحضرت در کراچی :

قونسل : ع ، محمد شفیع خان
سرکاتب : ص ، محمد احمد خان
کاتب : « ، محمد نعیم خان

قونسلاگری اعلیحضرت در سیستان :

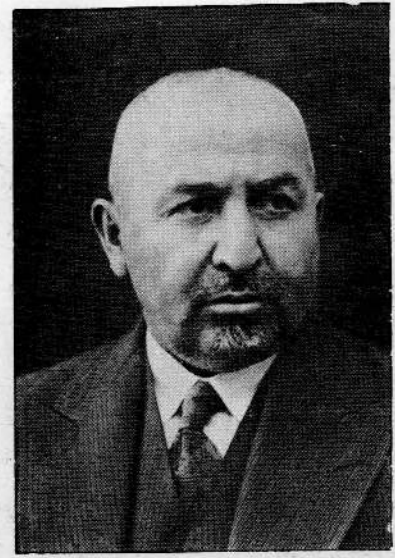
قونسل : ع ، قاری عبد الله خان
سرکاتب : ص محمد طاهر خان

ماموریت ویژه افغانی در پشاور :

مامور ویژه : ص ، محمد یوسف خان

تشکيلات مملکتی

وزارت مالیه



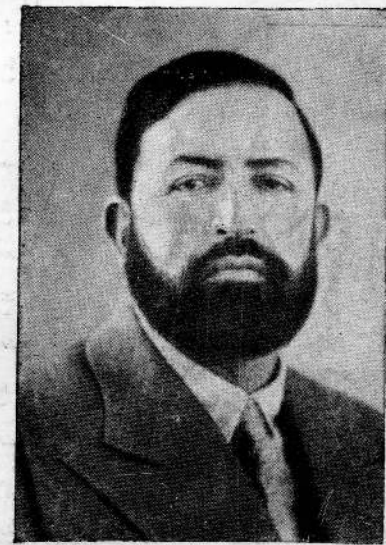
ع . ج . میرزا محمد خان وزیر تجارت و کفیل مالیه
S.Ex. Mirza Mohamimad Khan
ministre de commerce et gérant
du ministère des finances.

مدیر مالیات و محصولات : ص ، غلام حسن خان
« مامورین : » ، محمد افضل خان

کفیل وزارت مالیه :
ع . ج . میرزا محمد خان
معین :
ع . ص . غلام مجتبی خان
مدیریت عمومی
محاسبه و کنترل :
مدیر عمومی :
ع . محمد اسلام خان
مدیر محاسبه و کنترل بودجه :
.....
مامور محاسبه و کنترل :
ص . محمد عثمان خان
مامور بودجه :
ص . غلام رسول خان
مدیر خزائن و ذخائر :
ص . سید کمال خان

مدیریت عمومی
اجرائیه :
مدیر عمومی :
ع . محمد انور خان

وزارت عدلیه



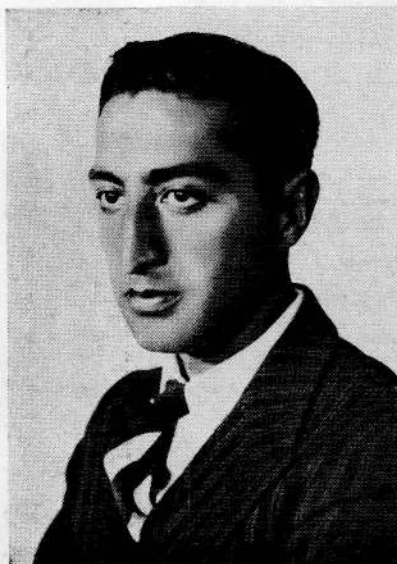
ع . ج . فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه
S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre
de la justice.

مدیر محاسبه و کنترل : ص ، محمد ناصر خان

وزیر :
ع . ج . فضل احمد خان مجددی
معین :
ع . ص . امین الله خان
رئیس تمیز :
ج . ف . عبدالرب خان
کفیل رئیس جمعیت العلماء :
ف . ملا پروگ خان
سر محرر مجله الفلاح :
ف . قاضی عبدالکریم خان
مدیر تحریرات و اوراق :
ص . عبد السلام خان

مدیر مامورین :
ص . محمد میر خان

وزارت معارف



وزیر :

ع ، ج سردار محمد نعیم خان
معین اول :

ع ، ص عبد الجبار خان
معین دوم :

ع ، ص عبد الاجد خان
ریاست تعلیم و تربیه :

رئیس :

ع ، ص هاشم خان شائق
عضو ریاست :

ع ، ص محمد قاسم خان
عضو ریاست :

ع ، ص عبد الجبار خان
عضو ریاست :

ع ، ص محمد نبی خان
عضو ریاست :

ع ، ص محمد عثمانخان
عضو ریاست :

ع ، ص عماد الدین خان و رئیس انجمن ادبی

رئیس تدریسات *président de l'Académie Afghane*

رئیس : ع ، ص عنبر الرحمن خان

وزارت تجارت

وزیر

ع ، ج ، میرزا محمد خان

معین اول

ع ، ص محمد حسین خان

» دوم

ع ، ص ، غلام غوث خان

مدیر عمومی گمرکات و احصایه : ع ، عبد القیوم خان

» تجارتنی

ع ، ص ، میر محمد ضیا الدین خان

کفیل مدیریت ترجمانی : » ، محمد عالی خان

مدیر مجله اقتصاد : » ، محمد زمان خان

» ماهورین

» ، محمد مالک خان

» کنترول

» ، محمد عنایت الله خان

» اوراق

» ، عبدالودود خان

سرکاتب قلم مخصوص : » ، غلام سخی خان

سرکاتب تصفیة محاسبات شرکتها : ص ، عبدالحسین خان

» شعبه تورید رنگ

و حفظ صنایع : ص ، محمد عمر خان « رسا »

» د انحصارات : » ، حبیب الله خان

شعبه مر بوطه مر کز :

رئیس فیصله منازعات تجاریه : ع ، ص ، غلام حیدرخان

معاون داکتر شفا خانہ وزارت: ص ، سید حفیظ خان
 مامور کتاب خانہ وزارت : « ، محمد زمانخان
 » » » ملی : « ، عبد الغنی خان

شعبات مر بوط مر کز :

رئیس دارالعلوم عربی

و مکتب حفاظ : ع ، ص عبد الرسولخان
 رئیس فاکولتہ طبی : عزتمند داکتر بای حسن رشاد
 » تریبہ حیوانات

وزراعت : ع ، ص محمد یوسف خان
 مدیر موزہ : ص ، غلام محی الدینخان

مکتب حیاتیہ : « ، سید عبد اللہ خان

» » استقلال : عزتمند مومال
 » » نجات : « روبرت متروننگ

» » صنائع فنیہ : ص ، عبد الغفور خان « برشنا »

منتظم مکتب طبی :

وکیل مدیر مکتب زراعت : ص ، غلام صدیق خان

معاون مکتب دارالمعلمین : « ، محراب الدینخان

» » غازی : « ، فدای احمد خان

منتظم کورس دارالمعلمین

مستعجلہ : « ، میا حسین خان

» سینما : « ، میر ابوطالب خان

مفتش : ص ، عبد الغفور خان
 » : « ، محمد یوسف خان
 » : « ، عبد القیوم خان
 » : « ، عبد الغفار خان
 » : « ، محمد آصف خان

رباست تفتیش :

رئیس : ع ، ص سید محمد فاروق خان
 مفتش : ص ، قربان علیخان
 » : « ، گلبدین خان
 » : « ، عزیز محمد خان
 » : « ، محمد طاہر خان

مدیر مامورین و معلمین : ص ، محمد مرید خان

مدیر کنترول : « ، محمد یونس خان

مدیر تنظیمات و اجرائیہ : « ، عبد اللہ خان

وکیل مدیر تعمیرات : « ، فقیر محمد خان

مدیر اوراق : « ، عبد اللہ خان

سر کتاب قلم مخصوص :

مامو تحویلخانہ عمومی : « ، محمد یونس خان

» محافظہ آثار عتیقہ بامیان : « ، میر محمد اسلم خان

» انتظام کلوب معارف : « ، احمد علیخان

» دائرہ لاہور اتوار : « ، داکتر انور علیخان

» اہنیہ دار الفنون : « ، عبد الرحیم خان

تشکیلات مملکتی

مدیر فابریکه نختا بی جبل السراج : ص ، محمد ابراهیم خان
 متخصص » » » » : عزتمند مانیکه
 بسته کاری ماشین » » : » گونسلمر
 » » » » : » پتروش
 » » » » : » ریسنیر
 » » » » : » ما کس شمیت
 مدیر فابریکه نجاری مرکز : ص ، عبد الغفور خان
 مامور تعمیر فابریکه دهمزنگ : » ، فقیر محمد خان

مدیریت عمومی معابر :

مدیر عمومی : ع ، سعد الدین خان
 مهندس : عزتمند مستر سیده
 معاون مهندس : ص ، احمدشاه خن
 » » : » ، محمد افضل خان
 مدیر تعمیر سرك مشرقی حصه کابل : ص ، عبد الرسول خان
 » » » » : » ، محمد کبیر خان

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع ، عبدالغیاث خان
 مامور اکتزول : ص ، محمد موسی خان
 مدیر جشن و احتفالات : » ، غلام محی الدین خان
 معاون : » ، نور احمد خان

وزارت فواید عامه



ع ، ج عبدالرحیم خان وزیر فواید عامه
 S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre
 des travaux publics

وزیر :
 ع ، ج ، عبدالرحیم خان
 معین :
 ع ، ص ، نصر الله خان
 الف - مدیریت عمومی
 فابریکات :
 مدیر عمومی :
 ع ، سردار غلام محمد خان
 معاون :
 ص ، امیر محمد خان
 مدیر کنترل :
 ص ، یعقوب علیخان
 مدیر نگرانی :
 ص ، نظام الدین خان
 مدیر گوگرد سازی :
 ص ، محمد حسین خان
 مامور نجاری دارالفنون : ص ، نور احمد خان
 مدیر فابریکه نجاری مرکز : » ، محمد اسمعیل خان
 » » بوت دهبزی : » ، محمد اسلام خان
 متخصص » » : » ، عبد الله خان

تشکيلات مملکتی

وزارت صحیہ



ع ، ج غلام یحیی خان وزیر صحیہ
S.E.x. Gholam Yahya Khan ministre
de l'hygiène.

وزیر :
ع ، ج ، غلام یحیی خان
معین :

مدیریت مشاوره فنی :

مدیر :

ص ، جلال الدین خان

معاون فنی شعبه تقطیس :

ص ، عبدالرحیم خان

سرکاتب شعبه مشاوری :

ص فیض محمد خان

سرترجمان شعبه ترجمانی :

ص عبدالهادیخان

مدیر مجموعه صحیہ و نشریات :

ص ، عبدالرشید خان

مدیر کنترول :

ص ، محمد محسن خان

مامور اجرائیہ و مامورین : ص ، محمد ابراہیم خان

سرکاتب قلم مخصوص : « ، احمد ضیا خان

سرکاتب اوراق : « ، صالح محمد خان

سالنامہ « کابل »

مدیریت عمومی برق :

مدیر عمومی : ع ، غلام محمد خان

انجنیر : عزتمند مستر هوپل

مامور فابریکہ چک وردک : ص ، فضل احمد خان

سر مهندس » : عزتمند ابراین

مهندس » : « شتووی »

» : « هایدوک »

مدیر کنترول وزارت : ص ، عبد الکریم خان

مدیر مامورین : « ، عبدالحدین خان

مدیر اوراق : « ، حبیب اللہ خان

سرکاتب قلم مخصوص : « ، غلام رسول خان

ترجمان انگلیسی : « ، محمد افضل خان



وزارت پست، تيلگراف و تيلفون



- وزير :
- ع، ج، رحيم الله خان
- معيّن :
-
- مدير شعبه ارتباط خارجي :
- ص، محمد سعيد خان
- مدير شعبه پست :
- ص، احمد شاه خان
- مدير تيلگراف و تيلفون :
- ص، امين الله خان
- مدير عمومي حمل و نقل :
- ع، غلام جيلاني خان
- مدير محاسبه و كنترول :
- ص، غلام احمد خان
- مأمور شعبه هوتلها
- ص، غلام دستگير خان
- مأمور اجرائيه مأمورين
- وتجويرات :
- ص، سيد مصطفي خان
- مدير شعبه اوراق :
- ص، پايشده محمد خان
-
- مترجم الماني :

شعبات مربوطه مركز :

- مدير شفاخانه مليکتي : ص، عبدالغفار خان
- سرطبيب « » : عزتمند، دكتور فواد بيگ
- مديره شفاخانه مستورات : ص، زينب بيگم
- كفيل مدير دواخانه عمومي : ص، عبدالغني خان
- دكتور دندان : « دكتور محي الدين بيگ
- دكتورس دندان : « شاديه خانم
- سرطبيب رفقي سناتور يوم
- وسناتور يوم مستورات : دكتور ربيع حكمت بيگ
- سرطبيب شفاخانه امراض
- عقليه و عصبيه : « نوزاد اشرف بيگ
- ماموره سناتور يوم مستورات : ص، روح افزاء بيگم
- متخصص باكتريولوژي : « دكتور زهدى بيگ
- معاون معاينه خانه واقع
- شهر آرا : « نصر الله خان
- معاون معاينه خانه واقع
- چند اول : عزتمند كرم الهى خان
- معاون معاينه خانه واقع
- بالاحصار : « محمد موسى خان

تشکيلات مملکتی

مدیر محبس کوتوالی	:	ش ، سید کمال خان
رئیس گمرک	:	ع ، س غلام حیدر خان
مدیر محاسبہ گمرک	:	ص ، فخر الدین خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا احمد خان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبد الواحد خان
مدیر معارف	:	« ، غلام جیلانی خان « جلالی »
مدیر خزانہ	:	« ، محمد اسمعیل خان
مدیر محابرات	:	« ، غلام صفدر خان (بحیث مدیر عمومی)
منتظم تلگراف سیمدار	:	« ، محمد امان خان
» » بی سیم	:	« ، علی گل خان
مامور معاہر	:	« ، دلاور خان

حکومت کلان سمت شمالی :

حاکم کلان	:	ع ، ع محمد اسمعیل خان
مدیر کنترول	:	ص ، محمد عثمان خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا عبد الجلیل خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبد القادر خان
مامور گمرک	:	ص ، علی محمد خان
کفیل مدیر صحیہ	:	« ، نصر اللہ خان

حکومت کلان غزنی :

وکیل حاکم کلان	:	ع ، ش عبدالاحد خان فرقه مشر
مدیر کنترول	:	ص ، فتح محمد خان

تشکيلات ولايات و حکومتی های ولايات اعلى

و حکومتی های کلان

ولایت کابل

والی	:	و ، ج ، محمد عمر خان
مستوفی	:	ع ، ص ، سید حبیب خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر امام الدین خان
مامور اجرائیہ	:	« ، عزیز الدین خان
» تحصیلی	:	« ، محمد رضا خان
» تقشیش	:	« ، امیر محمد خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، طرہ باز خان
سر مامور قوماندانی کوتوالی	:	ش ، میر عبدالعزیز خان
مدیر جزاء	:	» »
کفیل مدیر ضبط احوالات	:	ص ، محمد سرور خان
» » تعلیم و تربیہ	:	ش ، حبیب اللہ خان
مدیر تعلیم گاہ پولیس	:	ح ، محمد اکبر خان
» محاسبہ	:	ص ، غلام رضا خان

تشکيلات مملکتی

ص ، عبدالقدوس خان	:	مامور اجرائیه
» ، عبدالظاهر خان	:	سر کتاب تحصیلی
» ، محمد حسین خان	:	مامور تفتیش
ف ، اختر محمد خان	:	قاضی مرافه
ح ، محمد اکبر خان	:	قوماندان کوتوالی
ع ، ص فخرالدین خان	:	رئیس گمرک
ف ، ملا صاحب خان	:	قاضی ابتدائیه
ص ، محمد اکبر خان	:	مدیر خارجه
» ، محمد اسمعیل خان	:	» تحریرات
» ، پاینده محمد خان	:	» مخابرات
» ، غلام جیلانی خان	:	منتظم تلگراف
» ، محمد یوسف خان	:	کفیل مدیر صحیه
» ، سیف الله خان	:	مدیر خزانه
» ، غلام حیدر خان	:	» معارف
» ، حاجی جان محمد خان	:	رئیس فیصله منازعات تجاریه
» ، محمد اصغر خان	:	مدیر معابر
» ، غلام جیلانی خان	:	کفیل مدیر زراعت
» ، غلام علی خان	:	مامور برق
» ، شهر محمد خان	:	مدیر فابریکه پشمینه باقی
عزت مند شنیدر	:	متخصص
» فرو مل	:	»
» نیچتر	:	»
» زخرس	:	»

قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبدالحق خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید امیر خان
مدیر گمرک	:	ص ، محمد عمر خان
کفیل مدیر صحیه	:	» ، سلطان احمد خان

حکومت کلان دایزنگی :

حاکم کلان	:	ع ، ع غلام محی الدینخان
مامور کنترول	:	ص ، میر عن یز الله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا دین محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد نبی خان
مامور گمرک	:	ص ، حبیب الله خان

حکومت کلان لوگر :

وکیل حاکم کلان	:	ع ، ع عبدالمعلی خان
مامور کنترول	:	ص ، محمد حسین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد حسن خان
مامور گمرک	:	ص ، نور الحق خان
کفیل مدیر صحیه	:	» ، محمد نبی خان

ولایت قندھار

نائب الحکومه	:	ع ، ش سردار محمد داؤد خان
مستوفی	:	ع ، ص محمد نعیم خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سید فقیر محمد خان

تشکیلات مملکتی

مامور کنترول مستوفیت	،	ص ، محمد عثمان خان
» اجرائیہ	:	» ، عطا محمد خان
» تحصیلی	:	» ، عبد السلام خان
» تفتیش	:
قاضی سرا فہمہ	:	ف ، ملا احمد علیخان
قوماندان کوتوالی	:
رئیس گمرک	:
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا عبد الباقیخان
مدیر خارجہ	:	ص ، محمد صدیقخان
» تحریرات	:	» ، عبد القدیر خان
» خزانہ	:	» ، عبد الوہاب خان
کفیل مدیر مخبرات	:	» ، نظام الدینخان
کفیل منظم تلگراف	:	» ، علی گل خان
مدیر زراعت	:
کفیل مدیر صحیہ	:	ص ، عبد النبی خان
مامور معارف	:	» ، عبد الواحد خان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ	:	» ، حاجی گل محمد خان
مدیر معابر	:	» ، محمد عمرخان

حکومت کلان غورات

حاکم کلان	:	ع ، ع ، گلابشاہ خان
مامور کنترول	:	ص ، رحیمداد خان
قاضی ابتدائیہ	:

حکومت کلان قلات :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، میر اکبر خان
مامور کنترول	:	ص ، عبد اللہ خان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، احمد اللہ خان
قوماندان	:	غ ، سید احمد خان
مامور گمرک	:	ص ، محمد کبیر خان

حکومت کلان گرشک .

حاکم کلان	:	ع ، ع ، دوست محمد خان
مامور کنترول	:	ص ، احمد علیخان
قاضی ابتدائیہ	:	ف ، ملا محمد قسیم خان
مامور گمرک	:	ص ، محمد رضاء خان
» صحیہ	:	» ، محمد صدیق خان

حکومت کلان ارزگان :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، شاہ بزرگ خان
مامور کنترول	:	ص ، نظام الدینخان
قاضی ابتدائیہ	:
قوماندان کوتوالی	:	غ ، تاج محمد خان
مامور گمرک	:

ولایت ہرات

نائب الحکومہ	:	و ، ج ، س ، ا ، غلام فاروق خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمد علیخان

مدیر تحریرات	:	ص ، عبد السمع خان
« مغابرات	:	« ، عبد الفتاح خان
« خزانه	:	« ، میر سکندر شاه خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبد الرحیم خان
کفیل مدیریت صحیه	:	« ، میرزا محمد خان
مدیر زراعت	:	« ، محمد زمانخان
مامور معارف	:	« ، عبد السلام خان
رئیس فیصله منازعات تجاریه	:	« ، عبدالاحد خان
مدیر معابر	:	« ، داد محمد خان
مامور موزیم	:	« ، میرزا عبد الرحمن خان

حکومت کلان شبرغان :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، سید آقا خان
مامور کنترول	:	ص ، عبد الله خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، احمد جانخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد امین خان
مامور گمرک	:

ولایت قطن و بدخشان

نائب الحکومه	:	و ، ج شیرمحمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمد سرور خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر محمد نبی خان

قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد عاصم خان
مامور گمرک	:	ص ، شهاب الدین خان
حکومت کلان بادغیسات :		
حاکم کلان	:	ع ، ع ، محمد اختر خان
مامور کنترول	:	ص ، نصر الله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملانیک محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید محمد خان
مامور گمرک	:	ص ، عبدالقادر خان
کفیل مامور صحیه	:	ص ، عبد الحمید خان

ولایت مزار شریف

نائب الحکومه	:	و ، ج ، گل احمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، عزیز الله خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سر فراز خان
مامور اجرائیه	:	« ، حبیب الله خان
سر کتاب تحصیلی	:	« ، عبد الرحمن خان
مامور تفتیش	:	« ، عبد الغنی خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد جانجان
قاضی صرافه	:	ف ، ملا میر محمود خان
« ابتدائیه	:	« ، محمد ملا رجب خان
مدیر خارجه	:	ص ، سید مومن خان
« گمرک	:	« ، عبد الحق خان

تشکیلات مملکتی

مامور صحیہ : ص ، محمد جعفر خان
سرکاتب اخبارات : « ، شیر احمد خان

حکومت اعلیٰ سمت مشرقی

حاکم اعلیٰ : ع ، ع ، ص ، محمد قاسم خان
سررشته دار اعلیٰ : ع ، س ، شیر احمد خان
مامور کستروول :
سررشته داری اعلیٰ : ص ، شیر احمد خان
سرکاتب اجرائیہ : « ، سید محمد اکبر خان
« تحصیلی : « ، محمد خان
مامور تفتیش : « ، غیاث الدین خان
قاضی مرافعہ : ف ، ملا عبیداللہ خان
قوماندان کوتوالی : ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گمرک : ص ، عبدالکریم خان
قاضی ابتدائیہ : ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجه : ص ، سلطان عزیز خان
کفیل مدیر صحیہ : « ، محمد اسمعیل خان
مدیر زراعت : « ، سید حب علی شاہ خان
مدیر مہاجر : « ، عبدالوکیل خان
مدیر تحریرات : « ، عبدالرزاق خان
مدیر خزانہ : « ، محمد جانخان
مدیر معارف : « ، عبدالعلیخان

مامور اجرائیہ مستوفیت : ص ، محمد سالم خان
سرکاتب تحصیلی : « : « میر عبداللطیف خان
مامور تفتیش : « : « محمد اکبر خان
قاضی مرافعہ : ف ملا گل دست خان
« ابتدائیہ : « ملا علی محمد خان
قوماندان کوتوالی : ح فقیر شاہ خان
مدیر گمرک : ص محمد انور خان
مامور خارجه : « سید محمودخان
مدیر تحریرات : «
کفیل مدیر اخبارات : « گل احمدخان
تلگرافی : « محمد یوسف خان
کفیل مدیر صحیہ : « محمد عمر خان
مدیر خزانہ : « خواجہ عبدالرشید خان
مامور معارف : « عبدالرسول خان
رئیس فیصلہ منازعات تجاریہ : « میان فضل احمدخان

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان : ع ، ع ، سید عباس خان
مامور کستروول : ص فضل احمد خان
قاضی ابتدائیہ : ف ملا محمد غوث خان
قوماندان کوتوالی : غ غلام محی الدین خان
مامور گمرک : ص غلام فاروق خان

مدیر مخبرات : ص ، نیک محمد خان
 منظم تبلیغات طورخم : « ، عبدالرزاق خان

حکومت کلان کنر ها و آسپار :

حاکم کلان : ع ، ع ، سید جلال خان
 مامور کنترول : ص ، میر زا گل احمد خان
 قاضی ابتدائیه : ف ، ملا عبدالغفور خان
 قوماندان کوتوالی : غ ، شبرمحمد خان
 سرکاتب گمرک : ص ، محمد رحیم خان
 مامو صحیه : « ، عبدالجلیل خان

حکومت اعلاى سمت جنوبی

حاکم اعلی و قوماندان عسکری : ع ، ش ، س ، ع ، محمد افضل خان فرقه مشراول
 سررشته دار اعلی : ص ، عبدال محمد خان
 مامور کنترول سررشته داری : « ، احمد خان
 سرکاتب اجرائیه » : « ، عبد الحمید خان
 سرکاتب تحصیلی » : « ، عبدالستار خان
 مامور تقیش : « ، سید علم خان
 قوماندان کوتوالی : ش ، مدد خان
 قاضی مرافعه : ف ، ملا سید کاظم خان

قاضی ابتدائیه : « ، ملا عبدالحق خان
 مدیر خارجه : ص ، سلطو نعلیخان
 « گمرک » : « ، عبد المجیدخان
 کفیل مدیر صحیه : « ، عبدالغنی خان
 مامور تحریرات : « ، غلام حیدر خان
 « استخبارات » : « ، محمد عاشورخان
 « معارف » : « ، علیجانخان
 « معابر » : « ، مددخان
 « زراعت » : « ، عبدالکریم خان
 « خزانه » : « ، جمال الدین خان
 « قبایل » : « ، محمد مسلم خان
 « مخبرات » : « ، محمد نعیم خان

حکومت اعلاى میمنه

حاکم اعلی : ع ، ع ، ص ، محمد عزیز خان
 سررشته دار اعلی : ص ، نور محمد خان
 مامور کنترول سررشته دار اعلی : « ، عبدالعزیز خان
 سرکاتب اجرائیه » : « ، غلام حسین خان
 « تحصیلی » : « ، سکندر خان
 « تقیش » : « ، محمد حسن خان

تشکيلات مملکتی

سرکاتب اجرائیه	: ص ، شیخ احمد خان
« تحصیلی	: « ، محمدافضل خان
« تقیث	:
قاضی مرافعه	: ف ، ملا نورالحق خان
قوماندان کوتوالی	: ش ، محمد یوسف خان
مدیر خارجه	: ص ، عزیز الله خان
وکیل مدیر صحیه	: « ، عبدالحمید خان
مدیر زراعت	: « ، عبدالباقی خان
مامور گمرک	: « ، شیر احمد خان
قاضی ابتدائیه	:
مامور تجریرات	: ص ، محمد انور خان
مامور مخابرات	: « ، محمد علم خان
« معابر	: « ، محمد حسین خان
« معارف	: « ، گبیدن خان
سرکاتب استخبارات	: « ، محمد اسحق خن
خزانه دار	: « ، محمد ابراهیم
منتظم تلگراف سیددار	: « ، غلام محی الدینخان

قوماندان کوتوالی	: ش ، عبدالغفور خان
قاضی مرافعه	: ف ، ملا محمد یوسف خان
قاضی ابتدائیه	: « ، ملا عبدالرؤف خان
مدیر گمرک اند خوی	: ص ، محمود خان
مامور گمرک میمنه	: « ، محمد اسمعیل خان
مدیر خارجه	: « ، عبدالشکور خان
مامور تجریرات	: « ، عبدالحمید خان
کیفیل مدیر صحیه	: « ، محمد نبی خان
« مامور مخابرات	: « ، غلام غوث خان
مامور زراعت	: « ، آقارحیم خان
مامور خزانہ	: « ، طوره خان
مامور معارف	: « ، محمد طاہر خان
رئیس فیصلہ متازعات تجارتی	: « ، محمد عمر خان
مامور معابر	: « ، سلطان عزیز خان
منتظم تلگراف	: « ، عبدالله خان
رئیس مدرسہ ظاہرشاہی	: « ، ملا نظام الدین خان

حکومت اعلاى فراه و چخاناسور

حاکم اعلی	: ع ، ع ، ص محمد کریم خان
سررشته دار اعلی	: ع ، ص ، نور احمد خان
مامور کنترول	: ص ، عزیز احمد خان

تشکيلات دائرہ ملی

هيئت و کلاي دورۀ سوم شوراي ملی :

و کيل مرکز کابل : ص ، سيدجلال الدينخان مربوط ولايت کابل

- » » » يغمان : » ، محمد عليخان »
- » » » اوگر : » ، حاجي محمد ابراهيم خان »
- » » » ميدان : » ، مولوي عبدالقدوس خان »
- » » » وردك : » ، عبد القيوم خان »
- » » » سروبي : » ، عبدالمومن خان »
- » » » چهاريكار : » ، ميرزا محمد جانخان »
- » » » جبل السراج : » ، حاجي امير محمد خان »
- » » » كوهدامن : » ، سيد احمدخان »
- » » » ريزه كوهستان : » ، عبدالحبيب خان »
- » » » تنگاب : » ، محمد يعقوب خان »
- » » » نجراب : » ، غلام نبي خان »
- » » » سينان وكهمرد : » ، احمد جانخان »
- » » » پنجشير : » ، عبد الروف خان »
- » » » سرخ و پارسا : » ، سيد اسماعيل شاه خان »
- » » » غوربند : » ، محمد قاسم خان »
- » » » غزنفي : » ، حكيم خان »
- » » » مقر : » ، حاجي عبدالقيوم خان »
- » » » نده شين كتواز : » ، آزاد خان »
- » » » كوچي داماني كتواز : » ، علي گل خان »
- » » » دايزنگي : » ، محمدنعيم خان »

تشکيلات دوائر ملی

رياست عالی شوراي ملی

هيئت رئيسه :

رئيس شوراي ملی :

ع ، ج عبدالاحدخان

معين اول :

ع ، ص سيدمحمدیونس خان

معين دوم :

ع ، ص سيد محمد خان

منشی :

ع ، عبد اللطيف خان

معاون منشی :

ص ، عبدالباقیخان

سرکاتب مجلس :

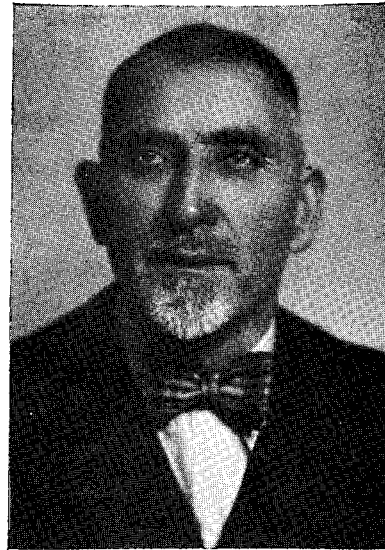
ص ، عطا محمد خان

مامور كنترول :

ص ، فيض محمد خان

سرکاتب اوراق :

ص ، عبدالودود خان



ع ، ج عبدالاحدخان رئيس شوراي ملی
S. Ex. Abdoul Ahad Khan président
du Conseil National.

تشکيلات دوائر ملي

وکیل	شین دند	ص ، احمد جانخان مربوط ولایت هرات
»	غوریان	» ، نصر الدین خان » » »
»	کشک و گاران	» ، سیدغیاث الدینخان » » »
»	قلعه نو	» ، غلام محمدخان » » »
»	بالا مرغاب	» ، عبدالقادر خان » » »
»	اوله	» ، حاجی فیض محمدخان » » »
»	توالک و تگا بستان	» ، عبدالرحمن خان » » »
»	شهرک	» ، غوث الدینخان » » »
»	چقچران	» ، محمد یعقوب خان » » »
»	شهر مزار شریف	» (سید محمدیونس خان که معین اول شورامیباشند)
»	نهر شاهي	» ، سراج الدینخان مربوط ولایت مزار شریف
»	سنگ چارک	» ، عبدالکریم خان » » »
»	تاشقرغان	» ، غلام حسن خان » » »
»	ایبک	» ، میرزا کیلان خان » » »
»	سرپل	» ، عبدالرحمن خان » » »
»	آقچه	» ، عبدالرؤف خان » » »
»	دولت آباد	» ، محمد مرادخان » » »
»	دره صوف	» ، محمد رحیم خان » » »
»	شبرغان	» ، میر محمداسلم خان » » »
»	بلخ	» ، عزیزالله خان » » »
»	شهرخان آباد	» ، غلام حیدر خان » قطغن و بدخشان
»	قندوز	» ، عبدالغفور خان » » »
»	نهرین	» ، محمدافضل خان » » »

سالنامه « کابل »

وکیل	بهبود	ص ، میر محمد علیخان مربوط ولایت کابل
»	یکتا ولنگ	» ، میر حبیب الله خان » » »
»	جاغوری	» ، محب علیخان » » »
»	مرکز قندهار	» ، عبد القیوم خان » قندهار
»	دند	» ، غلام دستگیر خان » » »
»	کدنی	» ، محمد شاه خان » » »
»	تیرین	» ، فیض الله خان » » »
»	کشک نخود	» ، محمد اقبال خان » » »
»	دهاه	» ، محمد سعید خان » » »
»	دهراؤد	» ، غلام دستگیر خان » » »
»	گرشک پشت رود	» ، محمد موسی خان » » »
»	موسی قلعه زمین داور	» ، عبدالحمید خان » » »
»	گرمسیر	» ، یار محمد خان » » »
»	گینزاب	» ، محمد حسن خان » » »
»	مرکز ارزگان	» ، مولاداد خان » » »
»	ترنک و جلدک	» ، حاجی عبدالسلام خان » » »
»	اجرستان	» ، خان محمد خان » » »
»	قلات	» ، حاجی عبدالمحمدخان » » »
»	کوچی قندهار	» ، اسمعیل حبیب خان » » »
»	مرکز هرات	» ، حاجی غلام نبی خان » هرات
»	بلوکات	» ، محمد قاسم خان » » »
»	غور	» ، عبد الوهاب خان » » »

وکیل اندر آب	: ص ، محمد اکبر خان مربوط ولایت قطغن و بدخشان
» تالقان	: » ، سید محمد خان
» حضرت امام	: » ، صاحب نور خان
» چال و اشکمش	: » ، میر فضل احمد خان
» غوری	: » ، عبدالله خان
» بدخشان	: » ، بزرگ خواجه خان
» رستاق	: » ، عبدالعزیز خان
» ینگی قلعه	: » ، محمد نبی خا
» جرم	: » ، غلام محمد معصوم خان
» درواز	: » ، شاه منصور خان
» واخان زیباک	: » ، سلطان علیخان
» کشم و درآیم	: » ، محمد حسین خان
» جلال آباد	: » ، سید محمد اکبر خان
» سر خرو	: » ، عیدالله خان
» لغمان	: » ، سید حمزه خان
» نورستان لغمان	: » ، مشاک عالم خان
» خوگیانی	: » ، عبدالرشیدخان
» شنوار	: » ، محمد گل خان
» مهمندره	: » ، محمد خان
» زودات	: » ، ثناء گل خان
» کامه	: » ، محمد مراد خان
» حکومت کلان اسمار	: » ، مجاهدینخان

وکیل دره بیچ	: ص ، عین الله خان ، مربوط حکومت اعلاى مشرقى
» کنر خاص	: » ، (سید محمد خان که معین دوم شورامیباشند)
» بر کنردره سین	: » ، عتیق الله خان ، مربوط حکومت اعلاى مشرقى
» حصارک غلجانی	: » ، حاجی گل علم خان
» کوچی ننگه نهارى	: » ، محمد هاشم خان
» گردیز	: » ، امیر محمد خان
» زرمتم	: » ، غلام محمد خان
» خوست	: » ، میرزا محمد خان
»	: » ، گل صاحب خان
» ارگون	: » ، اسمعیل گل خان
» جدران	: » ، خانه گل خان
» منگل	: » ، جانخان
» حاجی	: » ، فتو خان
» چمکنی	: » ، یار محمد خان
» شهر میمنه	: » ، ابوالقاسم خان
» تنکاب شیرین	: » ، سید ابوالخیر خان
» اندخوی	: » ، چار یارقل خان
» درزاب و گریوان	: » ، محمد اسلم خان
» قیصار	: » ، آستانه قل خان
» شهر فراه	: » ، سلطان محمد خان
» چخانسور	: » ، عبدالوکیل خان
» بکواه و خاشرود	: » ، در محمد خان

تشکيلات دوائر ملي

اعضای مجلس	:	س ، شاه محمود خان
»	:	» ، حاجی میرزا عبدالرحیم خان
»	:	» ، عبدالمجید خان
»	:	» ، حاجی خان آقا خان
»	:	» ، محمد رسول خان
»	:	» ، عبدالصمد خان
»	:	» ، عبد الغفور خان
»	:	» ، حاجی عبدالحکیم خان
»	:	» ، سید فیض الله خان
»	:	» ، حاجی میرزا محمود خان
»	:	» ، عبدالمطیف خان
»	:	» ، امین الله خان
»	:	» ، محمد عمر خان
»	:	» ، عبدالستار خان
»	:	» ، میر محمد علیخان
»	:	» ، سید احمد شاه خان
»	:	» ، علی احمد خان
»	:	» ، محمد حسن خان مهمند
»	:	» ، میرزا خداداد خان
»	:	» ، نظر محمد خان
»	:	» ، ملک محمد اصغر
»	:	» ، جلال الدینخان

مجلس اعیان



ع ، ج ، میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
président du Sénat.

- رئیس :
- ع ، ج ، میر عطا محمد خان
 معاون اول :
- ع ، ص ، حاجی محمد اکبر خان
 معاون دوم :
- ع ، ص ، عبد الرحیم خان
 رئیس تمیز :
- ع ، ص ، حافظ عبدالغفار خان
- اعضای مجلس :
- ص ، سردار گل محمد خان
 » ، حاجی خیر محمد خان
 » ، عطا محمد خان
 » ، عبد الحکیم خان
 » ، معاذ الله خان
 » ، شرف الدینخان
 » ، جان محمد خان
 » ، سید یاقوت شاه خان
 » ، ایشان امان الدینخان
 » ، ملک رحمدل خان

ریاست بلدیة کابل

رئیس	:	و، ج محمد عثمان خان
معاون	:	ع، محمد رحیم خان « رفیق »
مدیر تنظیمات و صحیہ	:	س، غلام محمد خان
مدیر مهندسی و تعمیرات	:	« عطا، محمد خان
« ارزاق	:	« محمد حسن خان
« کفایت و قلم مخصوص	:	« علی محمد خان
« احصائیه	:	« عبدالرشید خان
« کنترول و محاسبہ	:	« محمد رفیق خان
« مامورین و اجرائیہ	:	« عبدالله خان
سرکاتب اوراق	:	« سید محمد حسین خان
مأمور یتیم خانہ	:	« محمد ابراہیم خان
مهندس	:	« عزیز محمد ساہیلوف

اعضای مجلس

:	س، محمد حسن خان وردن	»	»
:	« سید شمس الدین خان	»	»
:	« سید محمد خان	»	»
:	« سید احمد خان	»	»
:	« ملا محمد پندیر خان	»	»
:	« نورالدین خان	»	»
:	« حاجی محمد شریف خان	»	»
:	« غلام رسول خان	»	»
:	« محمد اکبر خان	»	»
:	« عبدالعزیز خان	»	»
:	« دیوان حکم چند	»	»

هیئت اداری :

منشی مجلس	:	س، محمود خان
سرکاتب تحریرات	:	« محمد حسین خان
»	:	« انجمن تحقیقہ
»	:	« محمد انور خان
»	:	« تدوین اصول
»	:	« سید محبوب خان
»	:	« دائرہ تمیز
»	:	« غلام رسول خان
»	:	« دائرہ محاسبہ
»	:	« محمد یوسف خان
»	:	« محمد اکبر خان
»	:	« اوراق

تشکیلات دوائر حضور وزارت دربار



ع، ج، و الاحضرت سردار احمد شاه خان
وزیر دربار
*S. A. Ahmad Chah Khan ministre
de la cour.*
ص، صالح محمدخان
ع، عبد الرشیدخان

- وزیر :
- ع، ج، و الاحضرت سردار احمد شاه خان
- معین :
- ع، ص غلام احمد خان
- مدیر تنظیمات و اجرائیه :
- ص، عبد الرحیم خان
- معاون تنظیمات ،
- ص، محمد اکرم خان
- مدیر تشریفات :
- ص، عبد الرشید خان
- مدیر محاسبه :
- ص، عبد الوهاب خان
- مدیر خزانه :
- ص، سراج الدیخان
- مدیر نقلیه :
- ص، میر اکبر خان
- ناظر کبار خانه طباطبائی :
- ص، حاجی نظر محمد خان
- خانه سامان باشی عمومی :
- ص، عبد الرشیدخان
- فراشباشی

روسا و مامورهای بلدیة مراکز ولایات و حکومتیهای اعلا و کلان

- رئیس بلدیة قندهار : ع، محمد ناصر خان
- « هرات » : « احمد قلیخان
- « مزار شریف » : « فراح الدین خان
- « خان آباد » : « میر عبدالسلام خان
- « جلال آباد » : ص، سلطان احمد خان
- « گردیز » : « محمد رضا خان
- « میمنه » : « »
- مامور « فراه » : « محمد حسین خان
- « چهاربیکار » : « عبد الرسول خان
- « غزنی » : « عبد السلام خان
- « دایزنگی » : « »
- « لوگر » : ص، لطف الله خان
- « کرشک » : « »
- « ارزگان » : « »
- « قلات » : « »
- « غوروات » : « »
- « بادغیستان » : « »
- « شبرغان » : « »
- « بدخشان (فیض آباد) » : ص، بزرگت خواجه خان
- « کندها و اسمار » : « »

دارالتحریر شاہی



- سرمنشی حضور ہمایونی :
- ع ، ج محمد نوروز خان
- مدیر قلم مخصوص :
- ع ، نور محمد خان
- مدیر شعبہ اول :
- ع ، حافظ نور محمد خان
- مدیر شعبہ دوم :
- ع ، سردار محمد عمر خان
- مدیر شعبہ سوم :
- ع ، سراج الدین بخان
- مدیر شعبہ چہارم :
- ع ، غلام قادر خان
- مترجم زبان عربی و ترکی :
- ص ، سید مبشر خان طرازی
- مترجم زبان فرانسوی :
- ص ، عبدالغفور خان
- مترجم زبان انگلیسی :
- ص ، محمد سرور خان
- مشاور امور شرعیہ :
- متخصص اقتصاد :
- ص ، حبیب اللہ خان

ع ، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور ہمایونی
ورنیس افتخاری النجمن ادبی

*S. Ex. Mohammad Naouroz Khan
secrétaire privé de S. M. et président
honoraire de l'Académie Afghane*

رئیس دائرہ خصوصی حضور ہمایونی : ع ، ص ، خواجہ جانگل خان

عرض بیگی حضور ہمایونی : ص ، محمد اسمعیل

موتران باشی : » ، خواجہ محمد خان

سرکاتب اوراق : » ، محمد عظیم خان

.....

مصاحبین حضور ہمایونی

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

» ، سلطان احمد خان

» ، حاجی محمد نواب خان

» ، صالح محمد خان

» ، محمد سرور خان

سریاوریت حربی حضور همایونی

سریاور حربی حضور : ع ، ش ، عبدالغفور خان فرقه مشر ثانی

معاون سریاور : « ، محمدلطیف خان » »

یاور : ح ، محمدصفر خان غند مشر اول

» : « ، سیدصالح محمدخان » »

» : « ، عبدالغنی خان » ، ثانی

» : « ، عبدالله خان » »

» : ش ، محمدحسین خان کیندک مشر

» : غ ، غلام محمد خان دوایمشر

سرکاتب تحریرات : ص ، پاینده محمد خان

اجراآت دوائر مملکتی

حاجت به تذکار نیست که افغانستان درین عرصه ۸ سال اخیر از یک راه صحیح بسوی ترقی و تعالی خود روان شده و بنا برین درین مدت علاوه بر تلافی خسارات و ضایعات انقلاب گذشته ، قدمهای بزرگی را در رشته های مختلفه بسوی پیشرفت خود برداشته که بجز نت میتوان گفت ، اینتقسم اقدامات بزرگ و سریع در وطن ما بی سابقه میباشد . ما خیلی خوش بختیم که توانسته ایم در هر سال مظاهر مهم این پیشرفتها و خطوط اساسی این ترقیات را از نظر هموطنان عزیز و سایر علاقه مندان شعون افغانستان ، گذارش بدهیم . چنانچه اگر کسی خواسته باشد که گفتار فوق را بمعک تحقیق مقابل کند تنها ورق زدن سالنامه های پنج ساله گذشته « کابل » کفایت خواهد کرد .

اما به مسرت تمام می بینیم که در سال ۱۳۱۶ حرکت ارتقائی وطن سرعت و وسعت بیشتری پیدا کرده و می توان گفت که ازین وقت افغانستان داخل یک دوره نهضت جدیدی شده که از حالا مظاهر نیک آن ظاهر شدن گرفته که هر یک خاطر عموم علاقه مندان ترقیات این خطه را مملو از مسرت و شادمانی میگرداند : از قبیل توسعه معارف و بکار افتادن ذخائر تحت الارضی و تأسیس و تکوین صنایع مهمه و ترقی زراعت و ترویج وسائل مدنیت و غیره از این است که اینک پیش از درج کبار زوایای مهمه سال ۱۳۱۶ دولتی و وظیفه خود میدانیم که نسبت به اینهمه موفقیات ، تبریکات خالصانه و

از مقرریرهای مهمه سال ۱۳۱۶



ع . ش . عبد القیوم خان قوماندان
عسکری قطن و بدخشان



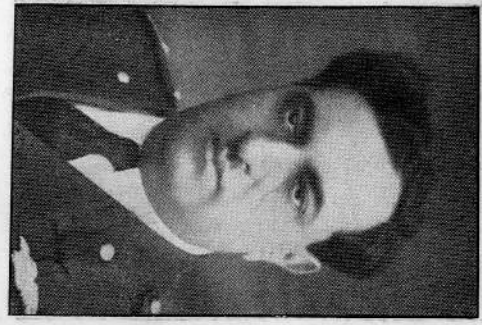
ع . ش . فیض محمد خان قوماندان
فرقه دوم قول اردوی جنوبی



ع . ش . محمد قاسم خان قوماندان
عسکری هرات



ع . ش . عبد لاجد خان حاکم کلان
وقوماندان عسکری غزنی



ع . ش . محمد احسان خان قوماندان
طیاره



ع . ش . عبد الصمد خان وزیر
وزارت امور خارجه

از مقرریرها و نزقیعات مهمه سال ۱۳۱۶

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶



ع ، ص ، نورمحمد خان معین ریاست
مستقله زراعت



ع ، ص ، دکتور عبدالله خان معین
ریاست مستقله معادن



ع ، ص ، عبدالاحمد خان معین دوم
وزارت معارف



ع ، ع ، ص ، محمد کریم خان حاکم
اطلاعی قراه و چغتایسور

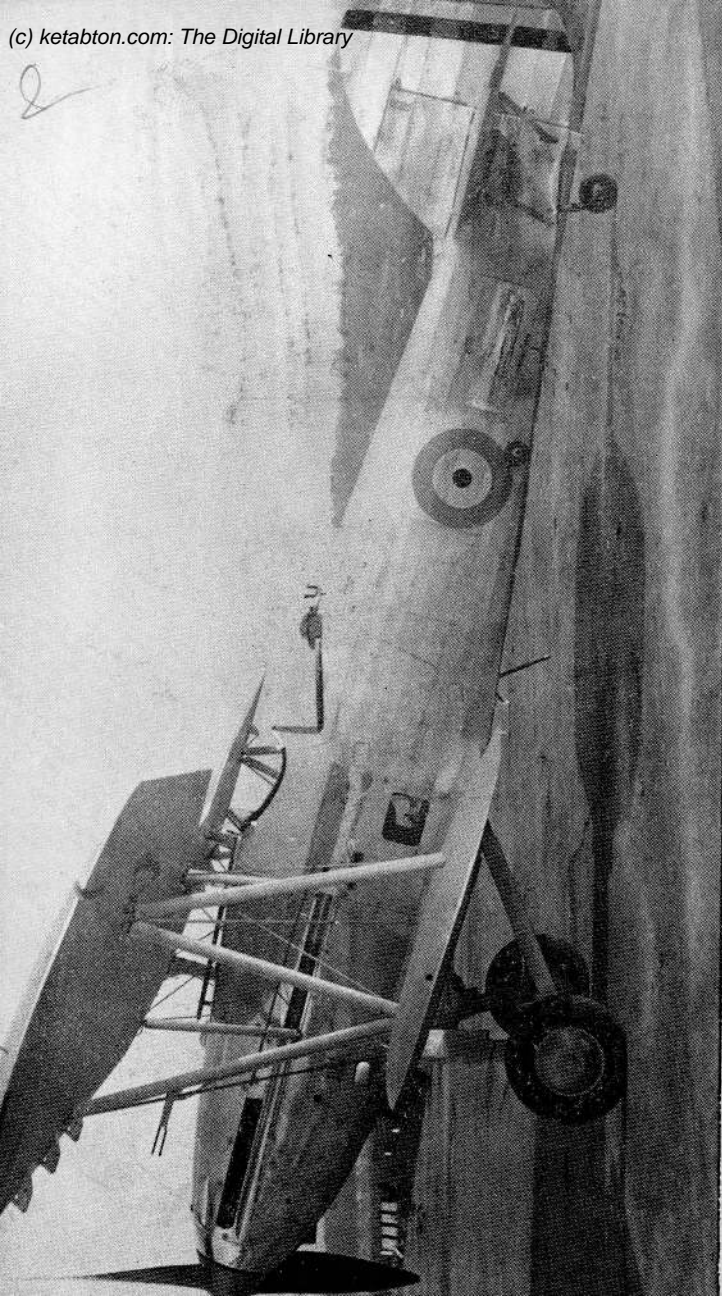


ع ، ص ، یار محمد خان مشاور
صدارت عظمی



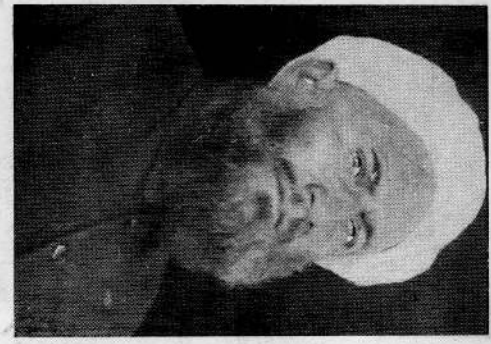
ع ، ص ، عبدالرحیم خان مشاور
صدارت عظمی

از مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶



از کارروائی سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونه طیارات کشف رقم «ها کر هند» انگلیسی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministère afghan, de la guerre

ع ، ح سید محمد یونس خان مین اول



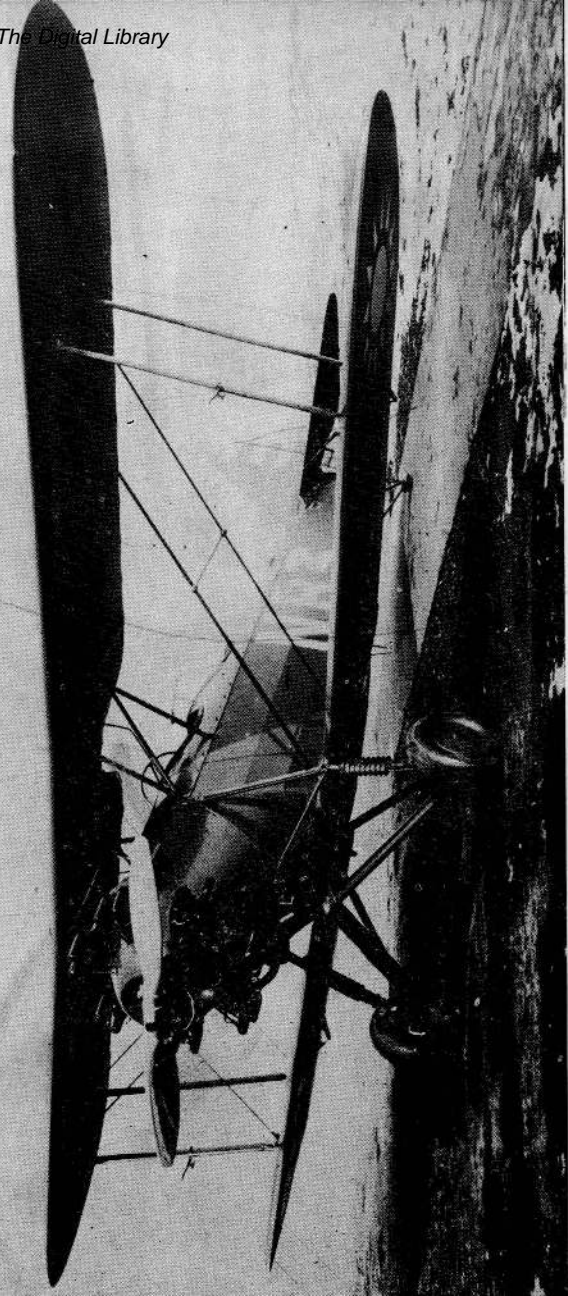
ع ، ح عبدالمطیف خان مینشی



ع ، ح سید محمد خان مین دوم

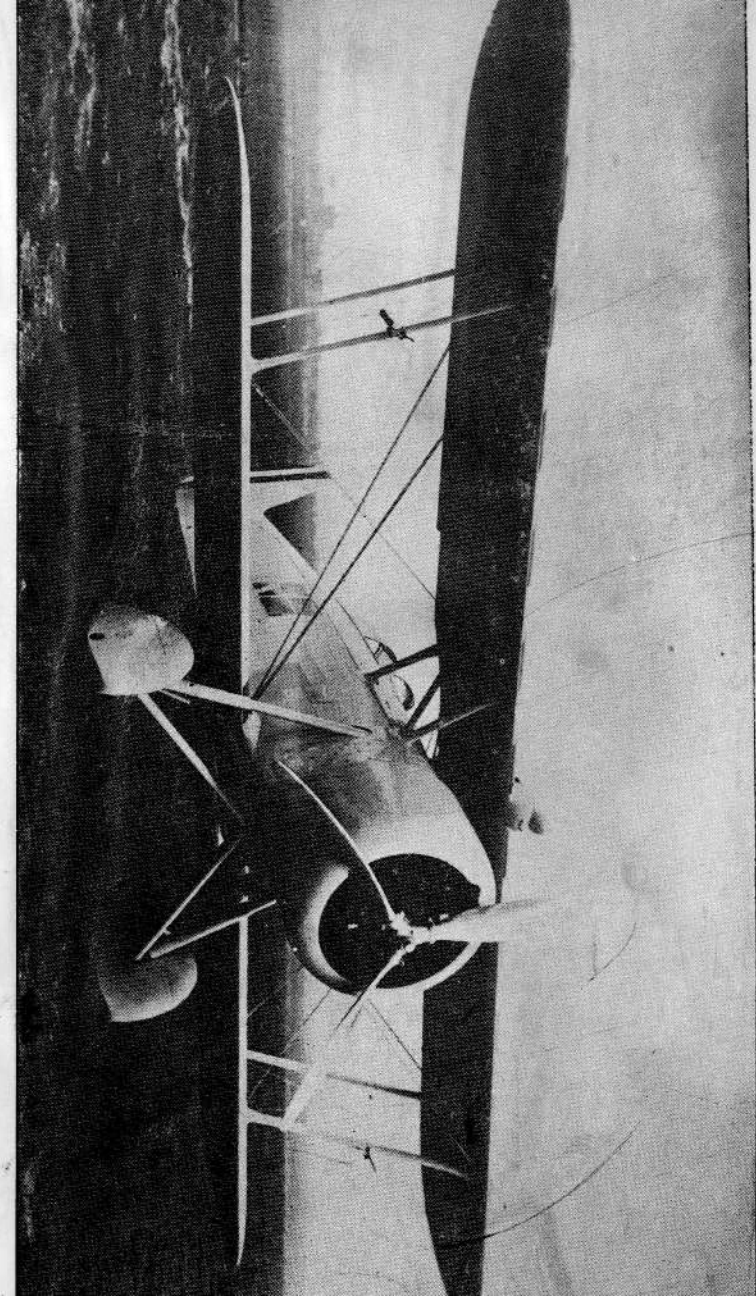


از انتخابات دوره سوم شورای ملی



ازکار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونه طیارات تعلیمی رقم « بردا ۲۵ » ایتالوی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions d'enseignement achetés par le ministère afghan de la guerre

ازکار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونه طیارات کشف « رقم رمبو ۳۷ » ایتالوی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministère afghan de la guerre



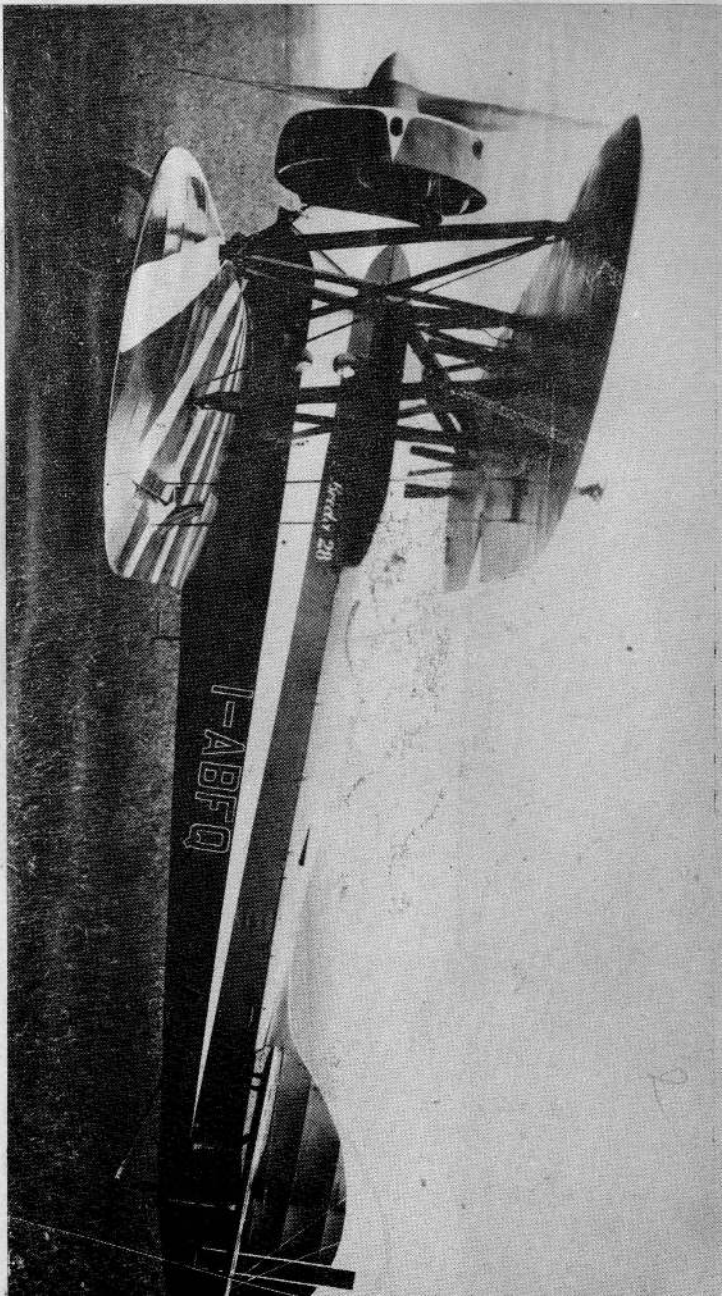
اجرا آت دوائر مملکتی

وسعت یافته زوداست که افغانستان عزیز دارای یک عکسرمکمل عصری گردد
اینک خلاصه اجرا آت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت حریبه را ذیلا
به تفریق ریاست های آن از نظر خواننده گان میگذرا نیم :

ریاست ارکان حریبه عمومیه :

- ۱ - توزیع ساحه وانکشاف و پیشرفت امور تعلیمی قطعات اردوی
شاهی افغانستان اقدامات مکملی بعمل آمده .
- ۲ - تعلیمات مکتب حریبه بعد از آنکه یک عده ضابطان مقتدر
ترکیه برای معلمی مکتب حریبه استخدام شده اند پیشرفت خوبی نموده
مانند مکاتب حریبه دول متمدن قدمهای سریعانه در تکامل تعلیمات شان
گذاشته شده .
- ۳ - در توسیع مکاتب احضاریه و رشديه عسکریه و تزئید طلاب
آنکه اساس تکامل و انکشاف اردوی همایونی ازین سرچشمه علم
و عرفان شروع میشود اقدامات مکفی بعمل آمده .
- ۴ - جریان کنفرانسهای فنون حریبه که باعث تنویر و تجدید و
افکار ضابطان اردو می شود و توزیع اوراق مطبوعه آن بقضعات
سرکنز و ولایات .
- ۵ - تشکیل یک مفرزه مرکب از صنوف مختلفه زیر اثر فرماندانی
مکتب حریبه .
- ۶ - اعزام یک عده ضابطان هوا بازی در کراچی جهت استاز
و بازگشت موققاته شان .
- ۷ - اعزام یک عده ضابطان برای اخذتعلیمات تخنیککی در جرمنی .
- ۸ - ورود یک عده از ضابطان فارغ التحصیل صنوف مختلفه از
ترکیه بکابل و تعین شان در اردو .

از کارروائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حریبه : نمونه طیارات اکراباسی (شطارت های معلق زدن و غیره) رقم برد
ایطالوی که تجدید خریداری شده
Type des nouveaux avions d'aerobatie achetés par le ministère afghan de la guerre



- ۹ - تاسیس و افتتاح کورس لوازم برای توسیع معلومات ضابطان لوازم .
 ۱۰ - « » « » « » « » « » « » « » « » « » « »
 ۱۱ - تاسیس کورس ضابطان در داخل قطعات .
 ۱۲ - اكمال تحصیل ضابطان مداومین کورس عالی و توزیع شهادتنامه ها به فارغ التحصیلان مذکور .
 ۱۳ - تشکیل کورسهای زبان پشتو به تمام مر بوقات وزارت حربیه و اهتمام زیاد در تعمیم آن .
 ۱۴ - استخدام بعض معلمین المانی برای کورس عالی .
 ۱۵ - استخدام یکمده مستخدمین انگلیسی و اطالوی برای امور هوا بازی .
 ۱۶ - اصلاحات در بعضی نقاط لازمه تشکیل اردو .
 ۱۷ - اجرای تفتیش بعضی قطعات اردو .
 ۱۸ - سو قیات یکمده عسا کر برای اضافی نایره شقاوت يك جمعیت اشرار بعضی طائفه های کتوازی و در نتیجه فتح ایشان و سر کوبی شقاوت پیشه گان (در ماه سرطان)
 ۱۹ - اعاده امور کیمیا ریهای سرحدی بریاست ارکان حربیه عمومی که درین خصوص اجراآت لازمه شده .
 ۲۰ - در راه توسیع معارف عسکری آثار مفیده که از قلم برآمده و قسم مطبوع و نشر گردیده و برخی زیر طبع بوده قرار آتیست .
 ۱ - تعلیمنامه سواری بصورت مطبوع در اردو نشر شده است
 ۲ - « کریچ و نیزه »
 ۳ - « قسم اول پیاده »
 ۴ - « دوم »
 ۵ - جلد دوم جزو سوم حصه ۲ »

- ۶ - کتاب معنویات اردو بصورت مطبوع در معرض اشاعه گذاشته شده
 ۷ - تعریفنامه ماشیندار « » « » « » « » « » « »
 ۸ - نظریات موزیک « » « » « » « » « » « »
 ۹ - از دائره خریطه يك تعداد خریطه ها طبع و برای استفاده بمقامات لازمه توزیع شده .
 ریاست اردو :
 ۱ - تکمیل نفری فرقه های مرکز و اطراف بقرار نفوس و معاینه صحتی شان .
 ۲ - مرخصی اشخاصیکه مدت خدمت شان بسر رسیده بود .
 ۳ - اعزام نفری انشاآت برای بعضی کارهای دولتی .
 ۴ - خریداری و بکار انداختن يك عمده موترهای جدید برای نقلیات اردو
 ۵ - تسیس يك مکتب میخانیک و تهیه طلبه آن .
 ۶ - عمرانات سال ۱۳۱۶ شعبه تعمیرات قرار ذیل است :
 الف : ملحقات مکتب احضاریه واقع مهتاب قلعه از قبیل درسخانه ها اطاق های نانخوری و مطبخ و تحویلخانه ها وغیره .
 ب : تلگراف خانه جدید قوماندانی طیاره .
 ج : يك سلسله اطاقها برای طیارات .
 د : تحویلخانه بزرگ جو در شیر پور .
 ه : يك سلسله تعمیرات مهم و وسیع از طرف قوماندانی های فرقه های مرکز و اطراف درین سال بعمل آمده است .
 ریاست حربیه :
 الف : مدیریت عمومی اسلحه :
 ۱ - تو حید و تکمیل اسلحه تاریه و جارحه قطعات مرکز و اطراف به سلاح سیستم جدید .

- ۲ - خریداری يك تعداد كافی طوپ های سیستم جدید .
- ۳ - « تفنگک های جدید » »
- ۴ - « ماشیندارهای جدید » »
- ۵ - ترمیم طوپ ها و تفنگک ها و ماشیندار های قطعات مرکز و اطراف در فابریکهٔ حربی و مگزین ارگک .
- ۶ - خریداری اسباب و سامان طوپ های سریع الاتش از خارج .
- ۷ - دستیاب نمودن يك تعداد اسلحه جات که در وقت انقلاب در نزد اهالی مانده بود .
- ۸ - خریداری يك تعداد طیاره های جدید از خارج .

ب : مدیریت جباخانه :

- ۱ - توحید و تکمیل جبه خانهٔ حربی و مانوره ئی در عموم قطعات .
- ۲ - خریداری يك تعداد جبا خانه طویی از خارج .
- ۳ - « » « » « تفنگی » »
- ۴ - « » « » « ماشیندار » »
- ۵ - « به های طیاره و غیره لوازم آن از خارج .
- ۶ - تهیه و اعمال بعضی از انواع جبه خانه مانند به های دستی و سمری های طویچی و جباخانهٔ تعلیمی و مانوره و بعضی مواد ناربه توسط فابریکه های حربی .
- ۷ - تحصیل و دستیاب نمودن يك تعداد جبه خانهٔ تفنگی که در زمان انقلاب نزد اهالی مانده بود .
- ۸ - تهیه و تادیبهٔ بارود و غیره برای انشاء آت اطراف و غیره داخلهٔ مملکت که از بعضی مقامات خواسته شده .
- ۹ - تطهیر و ترتیب جبه خانهٔ بازگشتی که خواه از قطعات و خواه بدیگر وسایل بصورت پراگنده به جباخانه ها رسیده است .

ج : مدیریت فنیه :

- ۱ - اقدامات لازمه برای تهیه و تکمیل و توحید ادوات استحکامیهٔ اردو بصورت فنی .
- ۲ - اقدامات برای تهیهٔ آلات و ادوات مخابره و مواصلهٔ اردو .
- ۳ - تهیه ماشین های آب رسانی برای بعضی مناطق اردو که از آب دور افتاده اند .
- ۴ - تکمیل کار آمد دوربین ها و میروسکوپ های عسکری قرار بست .
- ۵ - تشبث در خصوص تهیهٔ آلات تخریبیهٔ صنف استحکام و مواد ناربه آن .

ریاست لوازمات :

- ۱ - بودجه مصارفاتی وزارت حربیه نظر به سال گذشته از باعث تشکیل عموم فرقه ها بصورت عصری فی صد چهل ترنید یافته .
- ۲ - موترهای نقلیه که به کمپنی شورلیت و فورد دا سکودا توسط بانک ملی فرمایش داده شده بود قسماً رسیده و قسماً عنقریب میرسد .
- ۳ - دریشی های عسکری نظر به کسب تکمیل و مطابق افراد ترخیص شده به تحویلخانهٔ احتیاط ذخیره شده .
- ۴ - بودجه و تعداد طلب حربیه نظر به سال گذشته ۱ بر ۳ ترنید یافته .
- ۵ - نواقص البسه و تجهیزات اردو بصورت عصری اصلاح یافته

هیئت تدقیق و معاینه :

- ۱ - اعطای هدایت و نگرانی در خصوص ترمیم اسلحه در فابریکهٔ حربیه .
- ۲ - بعضی اصلاحات در اعمال خول و گله ها و سرگوله های طویچی که در فابریکهٔ حربیه اعمال می شود و ذکرا فی تمام اعمال فابریکهٔ آلات حربیه .

الف - امور بین المللی :

در سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ و ۱۹۳۸) علاوه بر اینکه مانند سالهای گذشته در سائر امور عرفانی ، اجتماعی ، صحتی ، مدنی و غیره جامعه اقوام ، دائره بین المللی کار و دیگر کمیسیونهای بین المللی همفکر و همقدم بوده و صیای روزمره جامعه و دائره بین المللی کار را در موارد متذکره بصحنه عمل گذاشته است در اکثر مجامع و جلسات و کنفرانسهای علمی (صحتی ، تکنیکی ، عرفانی و غیره) بین المللی که در بعضی نقاط دور و نزدیک بعمل آمده است نیز سهیم گردیده و نمایندگان خویش را در هر واقعه لازمه فرستاده است ، خطوط عده اجرا آتی که در ظرف سال ۱۳۱۶ نسبت بامور بین المللی بعمل آمده است ذیلاً بطور اختصار نگاهشته میشود :

۱- در سال ۱۳۱۶ حکومت افغانستان بکنوانسیون (معاهده) بین المللی که بتاريخ ۱۲ ستمبر ۱۹۲۳ بمقصد انسداد نثریات فحش منعقد شده بود التحاق نموده است چنانچه حسب معمول وثیقه الحاق افغانستان بکنوانسیون مذکور نیز بتاريخ ۲۰ ثور ۱۳۱۶ (۱۰ می ۱۹۳۷) بدارالانشای جامعه ملل ثبت گردیده است .

۲- بتاريخ ۲۸ ثور ۱۳۱۶ (۱۸ می ۱۹۳۷) وزیر مختار اعلیحضرت در لندن هدایت داده شد تا به « پروسه و ربا » (صورت رویداد مجلس که بتاريخ ۱۴ عقرب ۱۳۱۵ (نومبر ۱۹۳۶) راجع به قواعد عملیات جهاز های تحت البحری نسبت بکشتی های تجارتمی) در کنفرانس لندن قبول شده بود از طرف حکومت افغانستان امضاء و اظهار موافقت کند .

۳- نماینده دائره افغانستان مقیم جامعه ملل بر حسب هدایت مرکز در (اسامبله) جمع فوق العاده که راجع بشمولیت مصدرر جامعه اقوام

۳- معاینه اعمال فابریکه بوت دوزی و چرمگری .

۴- معاینه بعضی اعمال فابریکه مواد ناریه .

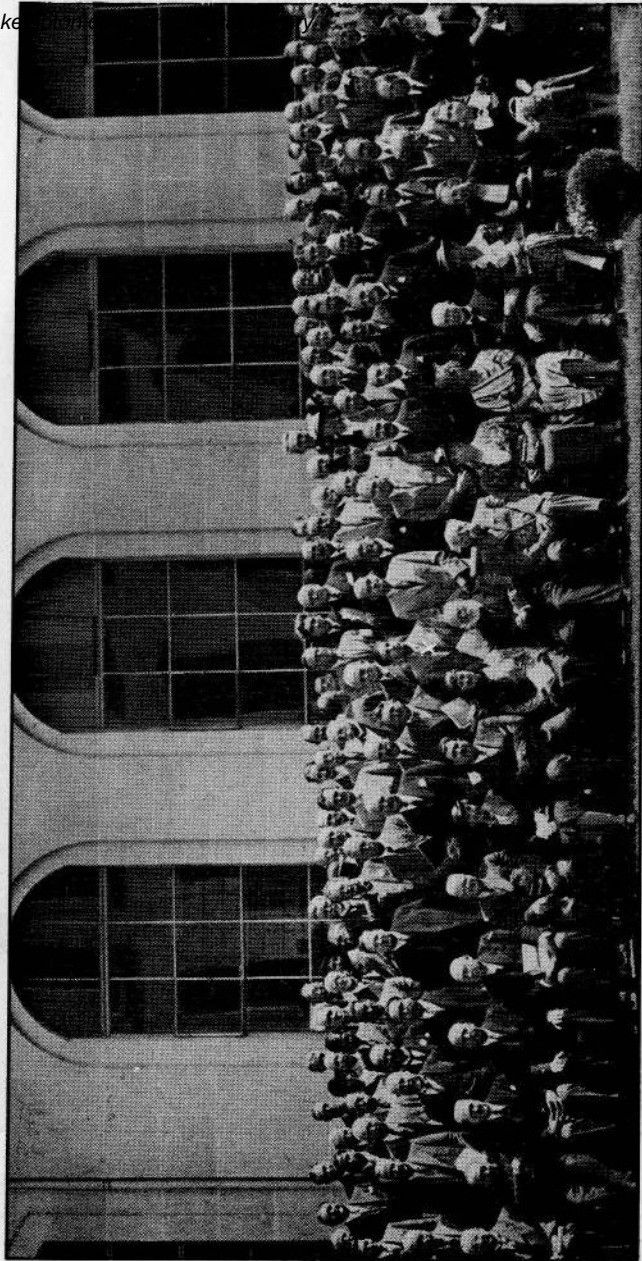
۵- تدقیق و معاینه جبه خانه و دیگر لوازم حربیه که از خارج خریداری شده است .

مقرری و ترفیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه :

- ع ، ش ، عبد الاحد خان فرقه مشراول از فرقه هرات تبدیلاً بفرقه غزنی .
- » » عبد القیوم خان فرقه مشرانانی از فرقه غزنی تبدیلاً بفرقه قطغن و بدخشان .
- » » محمد قاسم خان فرقه مشرانانی از فرقه قطغن به فرقه هرات .
- » » پیر محمد خان فرقه مشرانانی از قول اردوی جنوبی در بست احتیاطی
- » » فیض محمد خان فرقه مشرانانی یا ور حضور هایونی بفرقه دوم
- اردوی قول اردوی جنوبی .
- » » محمد احسان خان قوماندان ضاره ترفیعاً بر تبه فرقه مشری ثانی .

امور خارجه

از آنجا که حکومت صلح دوست ماضرف دار آرا من و امنیت عمومی میباشد از ابتدا تا امروز خاصناً بعد از شمول بجامعه اقوام در پیشبرد سیاست خارجه خویش همواره مطابق مقررات بین المللی حرکت نموده حقوق دیگران را محترم شمرده است و چنانچه بهمه کس معلوم است در تعاون عمومی با جامعه ملل و دیگر موسسات بین المللی همیشه ابراز همدستی و هم آهنگی نموده و مینماید و همچنین با سایر ممالک بالخاصه دول متحابه رفتار دوستانه و مساویانه بعمل می آورده اینک خلاصه اجرا آت و اقدامات سال ۱۳۱۶ وزارت امور خارجه را ذیلاً درج میکنیم :



افغانستان در مجامع بین‌المللی : نمایندگان مالك در كنجره سندات عمومی بین‌المللی که نماینده افغانی نیز در وسط صف دوم قرار گرفته است

Le congré international de documentation à Genève : le délégué afghan au milieu du 2é. rang

تاریخ ۵ جوزای ۱۳۱۶ (۶ می ۱۹۳۷) درجینوا انعقاد یافته بود شامل گردیده و از طرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

۴- درکنفرانس بیست و سوم بین‌المللی کار که بتاريخ ۱۳ جوزا الی ۲ سرطان ۱۳۱۶ (۳ الی - ۲۳ جون ۱۹۳۷) درجینوا برکنز اداره بین‌المللی کار بعمل آمد از طرف حکومت متبوع مانماینده دایمی افغانستان مقیم جامعه ملل و کاتب نمایندگی موصوفه بکنفرانس مذکور شمولیت ورزیده اند .

۵- بتاريخ ۷- الی ۱۲ سرطان ۱۳۱۶ (۲۸ جون الی ۳ جولائی ۱۹۳۷) يك کنفرانس بین‌المللی مهندسی دریاریس بعمل آمده و بحسب امر برکنز سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت دریاریس بصفت نمایندده (او بسرواتور) « مشاهد » بکنفرانس مذکور معرفی وشامل گردیده است .

۶- درکنفرانس بین‌المللی علم اوزان ومقیاسات که بتاريخ ۱۲ و ۱۳ سرطان ۱۳۱۶ (۳ الی ۴ جولائی ۱۹۳۷) دریاریس انعقاد گردیده بود از طرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم یاریس بصفت نمایندده (او بسرواتور) معرفی گردیده ونماینده گی کرده است .

۷- پنجمین کنجره بین‌المللی صحی یاریس بتاريخ ۱۵ الی ۲۰ سرطان ۱۳۱۶ (۱۱ جولائی ۱۹۳۷) دریاریس انعقاد گردیده ومطابق امر مرکز بکنفر طالب العلم شعبه طب افغانی مقیم خاراج به کنجره مذکور شامل گردیده از طرف حکومت خویش دران کنجره نماینده گی کرده است .

۸- درنمایش بین‌المللی روزهای صحی عمومی یاریس بتاريخ

۱ اجرا آت دوائر مملکتی

۹ سرطان ۱۳۱۶ (۱۰ جولائی ۱۹۳۷) نیزدونفر از طلبه شعبه طب افغانی مقیم خارج بصف نمایندہ گان افغانی فرستاده شدہ و از طرف حکومت متبوع خویش تمثیل کردہ اند .

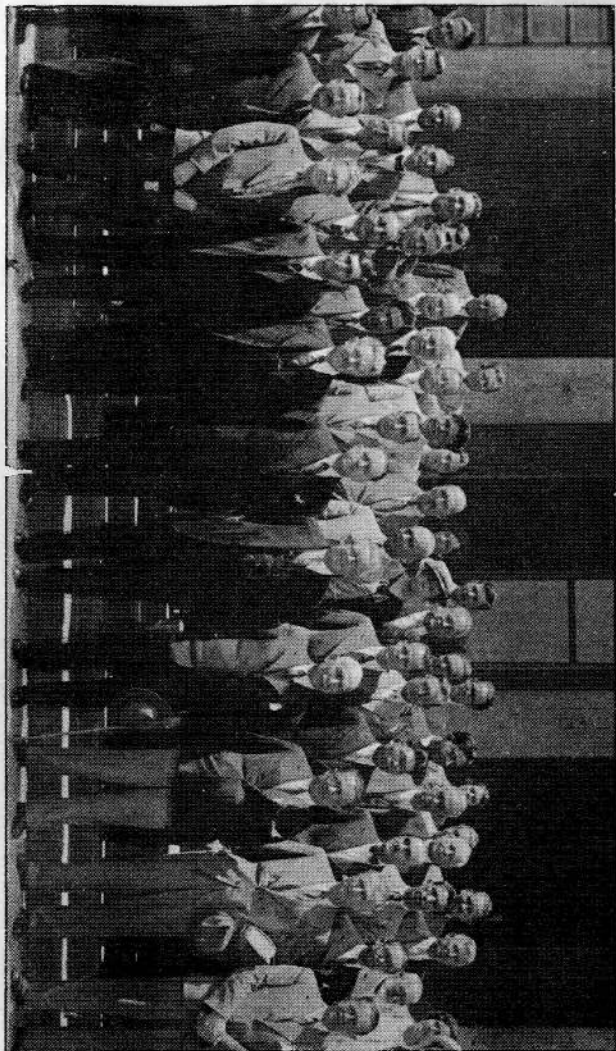
۹ - بہنچمین کنگرہ بین المللی عرفانی کہ در جینوا بتاريخ ۲۸ سرطان ۱۳۱۶ (۱۹ جولائی ۱۹۳۷) انعقاد یافته بود از طرف حکومت متبوع ما نمایندہ دائمی افغانستان مقیم جامعہ ملل : نمایندہ معرفی گردیدہ و درہوقعش راپورت عرفانی مرتبہ وزارت جلیلہ معارف را قرائت و تمثیل کردہ است .

۱۰ - ہکذا بتاريخ فوق الذکر دومین کنگرہ بین المللی حفظ الصحہ دماغی نیز در پاریس بعمل آمدہ و حسب ہدایت مرکز بکفر از طلبہ شعبہ طبابت افغانی مقیم خارج بان شامل شدہ از طرف حکومت متبوعہ خود نمایندگی کردہ است .

۱۱ - کنگرہ بین المللی علم حقوق از تاریخ ۲۸ سرطان الی اول اسد ۱۳۱۶ (۱۹ الی ۲۴ جولائی ۱۹۳۷) در پاریس منعقد گردیدہ و از طرف حکومت افغانستان نمایندہ دائمی افغانی مقیم جامعہ ملل در کنگرہ مذکور نمایندگی کردہ است .

۱۲ - کنگرہ بین المللی علم طبقات الارض کہ در برج اسد ۱۳۱۶ (جولائی ۱۹۳۷) در ماسکو بعمل آمدہ بود از طرف حکومت افغانستان آقای نجیب اللہ خان (در آنوقت معاون شعبہ کانسفرانسہای وزارت امور خارجہ) بصف نمایندہ معرفی گردیدہ در دوران کنگرہ شامل و نمایندہ گی کردہ است .

۱۳ - بتاريخ دہم اسد ۱۳۱۶ (۲ اگست ۱۹۳۷) کنفرانس بین الحکومتی عرفانی از طرف حکومت جاپان در توکیو انعقاد یافته و حسب ہدایت مرکز سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم توکیو بکنفرانس



نمایندگان عاملان در پنجمین کنفرانس بین المللی عرفانی : - ع ۱ ح محمد حیدرخان نمایندہ دائمی افغانستان در جامعہ ملل و س عبد القیوم خان مہتمم نمایندگی افغانی در ان شامل میباشند
La 5e. conférence internationale de coopération intellectuelle à Genève
Le délégué afghan est marqué par un croix.

برای شمولیت با سامله عادی جامعه اقوام بجنوارفته نتوانست در کنفرانس های دول چارگانه (افغانستان، ایران، ترکیه، عراق) کوقتا در چینوا بعمل می آید وزیر مختار اعلیحضرت مقیم لندن بو کالت وزیر امور خارجه افغانستان شامل گردیده از طرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

۱۸- اخیراً از مرکز به نماینده دائمی افغانستان در جامعه ملل هدایت صادر شده است تا پروژة اعلامیه راجع به تدریس علم تاریخ (تجدید نظر در متن های کتب مدرسی) که قبلاً حسب تعمیم مورخه ۱۰ اکتوبر ۱۹۳۶ اسامبله جامعه ملل پروژة متذکره ترتیب گردیده ویس از حصول موافقات ممالک اسامبله جامعه ملل آنرا بتاریخ ۹ میزان ۱۳۱۶ (۱۲ اکتوبر ۱۹۳۷) تصویب و برای امضای نمایندگان ممالک مقتوح قراردادده بود از طرف حکومت متبوع خویش امضا نماید .

۱۹- در کنفرانسیکه از نهم الی بیست وچهار رم عقرب ۱۳۱۶ (اول الی ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷) جهت مطالعه و تصویب دونه نسخه پروژة کنوانسیون منعقد راجع بجلو گیری از تروریسم « هنگا مه جوئی بین المللی » در چینوا انعقاد گردیده بود قبلاً نماینده دائمی افغانستان متعین جامعه اقوام از طرف حکومت متبوع مابدار الانشای جامعه ملل نماینده معرفی شده و در جریان کنفرانس مذکور شامل گردیده تمثیل کرده است همچنین دوبروزه کنوانسیون متذکره نیز فعلا در تحت غور می باشد .

۲۰- منشی عمومی جامعه اقوام بر طبق تصمیم اسامبله سال ۱۹۳۵ جامعه ملل قوانین راجع بحقوق (اساسنامه های) نسوان را برای غور و تدقیق از ممالک عضو جامعه مطالبه نموده بود حکومت افغانستان نیز حقوق نسوان را از روی قوانین شرعی استنباط نموده و به ماه جدی ۱۳۱۶ (دسمبر ۱۹۳۷) بوسیله نمایندگی دائمی خویش بجامعه فرستاده است .

مذکور شامل گردیده از طرف حکومت افغانستان نمایندگی کرده است .

۱۴- کننگره سندات عمومی بین المللی بتاریخ ۲۴ اسد ۱۳۱۶ (۱۶ اگست ۱۹۳۷) در پاریس منعقد شده و از طرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بکننگره مذکوره بصفت نماینده (اوبسرواتور) معرفی و شامل گردیده است .

۱۵- بتاریخ پنجم سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) کننگره علم تاریخ درسوریک (سویس) بعمل آمده و نماینده دائمی افغانستان در جامعه ملل، بامر مرکز در کننگره متذکره شمولیت ورزیده از طرف حکومت خویش تمثیل کرده است .

۱۶- بتاریخ ه سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) الحاق حکومت افغانستان بکنوانسیون عمومی پستی و یارسلات پستی قاهره (منعقد مورخه ۲۰ مارچ ۱۹۳۴ بوسیله وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بوزارت امور خارجه حکومت سویس ابلاغ گردیده چنانچه وثیقه الحاق حکومت متبوع مابدفتر وزارت امور خارجه سویس قید و بسائر ممالک عضو کنوانسیون فوق الذکر متحد الممالک مخابره شده است .

۱۷- هژد همین اسامبله عادی سالانه جامعه اقوام حسب معمول سنوات گذشته به ماه ستمبر ۱۹۳۷ (سنبله ۱۳۱۶) در مرکز جامعه ملل (چینوا) انعقاد گردیده و از حضور اشرف ملوکانه، ج، علی محمدخان وزیر مختار اعلیحضرت مقیم لندن بحیث نماینده اول ورئیس هیئت افغانی وع، ج، محمدحیدرخان نماینده دائمی اعلیحضرت مقیم جامعه ملل بحیث نماینده دوم تعین گردیده بالاعتقاد نامهای رسمی در اسامبله عادی مذکوره حضور بهم رسانیده از طرف حکومت متبوع خویش تمثیل نمودند .

و علاوه چون امسال، ج فیض محمدخان وزیر امور خارجه افغانستان

اجراآت دوائر مملکتی

معین وزارت خارجه و آقای (ویویان) عضو کمیته مذکور تعاطی شده مراتب آن طی گردید .

۳- مصدقه های معاهده مودت بین افغانستان و دولت لاتریه بتاريخ ۱۸ عقرب ۱۳۱۶ درپاریس بین والا حضرت افخم سردار شاه ولی خان وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس و نماینده دولت لاتریه تعاطی شد .

۴- معاهده مودت که در بین افغانستان و دول متحده جمهوری برازیل در سال ۱۳۱۱ در انقره بین ع،ج، سلطان احمدخان سفیر کبیر اعلیحضرت در آنجا و سفیر برازیل در انقره امضاء گردیده بود مصدقه های آن بتاريخ ۲ جدی ۱۳۱۶ درپاریس درین نماینده مذکور و والا حضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس تبادل گردید .

۵- معاده مودت بین افغانستان و دولت چکسلواکیه بتاريخ ۲۰ میزان ۱۳۱۶ درپاریس بین والا حضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس و سفیر چکسلواکیه درپاریس امضاء گردید .

۶- موافقه قرارداد کمیسرهای سرحدی افغانستان و ایران، الی اخیر ۱۳۱۶ تمدید شد .

۷- پروتوکل تجارتي بین افغانستان و چکسلواکیه در برلین بتاريخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۳۷ بین ع،ص، عبدالمجید خان رئیس بانک ملی و سفیر دولت چکسلواکیه امضاء گردید .

۸- معاهده مودت و تشریک مساعی منعقد ۲۵ می ۱۹۲۸ بین افغانستان و دولت جمهوری ترکیه ، برای ده سال دیگر تمدید و پروتوکل تمدیدیه آن بتاريخ ۱۰ جدی ۱۳۱۶ در انقره بین ع،ج، سلطان احمدخان سفیر کبیر اعلیحضرت در ترکیه و ع،ج، توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجه جمهوری ترکیه امضاء و مراتب قانونی خود را طی نمود .

نمایندگان افغانی که بکنفرانسها و کنگره های بین المللی فوق الذکر شمولیت ورزیده اند اکثر بعد از انحلال کنفرانسها و کنگره های متذکره راپورت های مفصلی مبنی بر مراسم و صورت جریانات مجالس مذکوره بمرکز فرستاده اند و از طرف شعبه مجلس اقوام و کنفرانسهای وزارت امور خارجه راپورت های مزبوره (آنچه واصل شده است) برای استفاده دوائر ذیصلاحیت مربوط آن توزیع و تقدیم شده است . مزید بران مسئله الحاق بکنوانسیون منعقد لایبی (سال ۱۹۳۰) راجع به تابعیت با پروتوکولهای منضمه آن و کنوانسیون منعقد کنفرانس تاریخی ۲۳ جون ۱۹۳۶ کمیته مشاوره تریاک راجع بجلوگیری از تجارت نامشروع ادویه مخدره و هکذا بعضی توصیه جات و کنوانسیونهای منعقد کنفرانسهای سالانه دائره بین المللی کار نیز در تحت غور دوائر ذیصلاحیت حکومت میا شد .

ب- معاهدات جدیده :

۱- پیمان سعدآباد بین دول چهارگانه افغانستان ، ایران ، عراق ، ترکیه بتاريخ ۱۷ سرطان ۱۳۱۶ مطابق ۸ جولائی ۱۹۳۷ در قصر سعدآباد طهران بین وزرای خارجه دول مذکوره امضاء گردید بعداً درین اراخه مطابق مقررات قانون اساسی از تصویب مجلسین عالی شورا و اعیان گذشته به صحنه مبارک اعلیحضرت همایونی موشح گردیده و بتلگرامهای تبریکه بوزرای خارجه دول مذکوره اطلاع داده شد .

۲- قرار داد نفت در بین افغانستان و اولند اکسیلور یشن کمپنی امریکائی که بتاريخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ در برلین توسط ع،ج، فیض محمدخان وزیر امور خارجه امضاء گردید . بود مصدقه های قرارداد و پروتوکل طرفین بتاريخ ۲۸ جدی ۱۳۱۶ در کابل بین ع،ص، عبدالحمید خان

۹ - قرار داد های یستی و تلگرافی و رادیو تلگرافی بین افغانستان و شوروی و افغانستان و ایران و قرار داد معادن با المان هنوز در تحت اجراءآت است .

ج - اجراءآت مزیده :

۱- کورس حقوق عمومیہ دول کہ در جریان سال ۱۳۱۵ دوام داشته و در ثور ۱۳۱۶ امتحان شاملین آن گرفته شد ۴۳ نفر کامیاب برآمدند .
۲- در سال جاری کورس حقوق خصوصیه دول و دوره شش ماه اول آن (حقوق تابعیت) تمام شده در امتحان ۳۹ نفر کامیاب گردیدند .
تبصره : علاوهً بعد از اختتام شش ماه اول کورس حقوق خصوصیه دول سه کورس دیگر مربوط بعلوم سیاسی دائر شده که ازین قرار کورسهای سیاسی و حقوق قرار ذیل است .

۱- حقوق خصوصیه دول (حقوق تابعیت، شرایط خارجی ها و اختلاف فواین)

۲ - معلومات سیاسیه ۳ - تاریخ سیاسی ۴ - تمام شعب جغرافیا .

مقرریهات و ترفیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت امور خارجه :

ع ، ص عبد الحمید خان « عزیز » سابق مدیر عمومی تشریفات ترفیعا به معینی وزارت امور خارجه .

ع ، نجیب الله خان سابق معاون شعبه کاندیدانها ترفیعا بمدیریت عمومی سیاسی .

ع ، محمد اکرم خان سابق مدیر شعبه شفر ترفیعا بمدیریت عمومی تشریفات .

ع ، عبد الرؤف خان سابق مدیر شعبه مطبوعات ترفیعا بمدیریت عمومی اداری .

ص ، عبد الوهاب خان سابق سر کاتب سفارت کبرای افغانی در انقره ترفیعا بمدیریت شعبه شرق .
ص ، محمد سلیمان خان معاون شعبه شفر ترفیعا بمدیریت شعبه مذکور .

امور داخله

امور امنیت عمومیہ مملکت و انضباط اداری که از وظائف اساسیه وزارت داخله بشمار میرود و درین سال بیش از پیش اطمینان بخش بوده ، و از اثر مجهودات نائب الحکومه ها و حکام محلی امنیت در سر تاسر مملکت حکمفرما و علاوتا چنان ترتیبات درستی برای تحکیم مبانی رفاه هامة گرفته شده که از هر جهت امور مملکتی و انتظامات اداری بصورت صحیح جریان نموده و در عین حال ملت به رفاهیت تامه بسر برده است ، خلاصهً اجراءآت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت داخله قرار ذیل است :-

شعبه پولیس :

۱ - سفارش و اخذ تدابیر جهت تحکیم و قیام امنیت عمومیہ مملکت چنانچه از ملاحظه احصائیة واقعات جرائم درین سال واضحا معلوم میگردد که در سر تاسر مملکت امنیت کلی بوده (و بیگانه واقعه قابل ذکر عبارت از تجاوز یک عده اشرار بر تهانه جانی خیل کتواز بوده که در ماه سرطان رخ داده و بفضل خداوندی و اقدامات موثر و بموقع حکومت اشرار مذکور سر کوبی فوری یافته واقعه مذکور خاتمه پذیرفت) .

۲ - در تعلیمگاه پولیس که در مرکز برای تحصیل تعلیمات عصری در سال ۱۳۱۵ تاسیس و تشکیل شده یک عده متعلمین از صنف ضابطان و خورد ضابطان و صلاح اندازان از تمام قوماندانیهای کوتوالی

ولایات و حکومت‌های اعلی شامل آن شده بودند درین سال نصاب تعلیمیه خود را تکمیل و دوره تعلیمگاه را طی کرده شهادت نامه حاصل و بنصاب و رتبه‌ها ناگل گردیدند .

۳ : - برای تنظیم دوره ثانی تعلیم گاه پولیس درین سال ترتیبات درستی زیر نظر بوده چنانچه برای انتظام و توسعه و وسیع تر امور تعلیماتی و تدریسی آن یکمفتر معلم المانی آقای (مائیر بایر) مستخدم گردیده است از حالا برای انتظام و تدویر امور تعلیمگاه و تدوین نصاب دروس آن داخل اقدامات است .

۴ : - تشکیل یک مدیریت بنام مدیریت ترافیک در قوماندانی کوتوالی مرکز برای انتظامات جاده‌ها و امور وسایل نقلیه که تشکیل فعلیه مدیریت مذکور عبارت است از یکمفتر مدیر بدرجه کندکشر که درحین حال سرمفتش نیز می باشد و یکمفتر معاون برتبه تولیمشربحیث مفتش و یکمفتر سرکاتب و یکمفتر کاتب اول و یکمفتر کاتب ۲ و یکمفتر تحویلدار منظور گردیده ایفای وظائف معابر و وسائط نقلیه را بصورت عصری زیر نظر و مطابق اصولنامه مخصوصه آن بدست اجرا گرفته اند .

۵ : - تشکیل یک بلوک سوار و یک بلوک پلیس بیاده بایسکل سوار و اسب سوار تفنگچه دار جهت نوکری و الای حضور شاهانه .

۶ : - تشکیل چهار پهره پلیس و محافظ برای پهره مواضع لازمه در شهر کابل .

۷ : - استخدام یک تعداد نفری با سواد برتبه دلگی مشری و یک تعداد نفری سائر برای تولى اطفائیه قوماندانی کوتوالی مرکز .

۸ : - تربید قوه ضابطه و صنف کوتوالی حکومتی کلان غزنی .

۹ : - تشکیل قوه ضابطه برای دو حکومتی جدیدالتشکیل پنجوا می

از عمرات سال ۱۳۱۶ قوماندانی کوتوالی ولایت کابل : الحانات محبس دهر نیک
Les annexes des bâtiments de la prison centrale à Kaboul

امور مربوط بمسائل حقوقی و ممر عایدات آن درین سال ترتیباً تی
درستی اتخاذ و توجه شده است .
۱۴ : - تهیه یک تعداد موتورهای تانک جهت آب پاشی و غیره
در بستان فومانندانی کوتوالی کابل .

تشکیلات جدید و تغییر و تبدیل تشکیلات ملکیه :

الف : مربوط ولایت کابل :

۱ : - حکومت درجه ۳ کوهدامن مربوط حکومت کلان شمالی
نظر بوسعت آن بحیث حکومت درجه اول منظور شده است .
۲ : - یک حکومت درجه ۲ جدید تشکیل و مربوط حکومت کلان
غزنی منظور شده است .

ب : ولایت قندهار :

۱ : - علاقه داری پنجوائی مربوط حکومت درجه اول دند نظر
بموقعیت آن بحیث حکومت درجه ۲ مربوط ولایت مزبور منظور شده .
۲ : - علاقه داری ارغنداب حکومت درجه ۲ » » » »

ج : حکومتی اعلای مشرقی :

۱ : - علاقه داری پچیر و آگام مربوط حکومت درجه اول خوگیانی
جدید منظور شده است .
۲ : علاقه داری چیرهار مربوط حکومت درجه اول رودات
جدید منظور شده است .
۳ : - علاقه داری بهسود مربوط حکومت درجه اول سرخ رود
جدید منظور شده است .

د : حکومتی اعلای فراه :

۱ : - علاقه داری خا شروود مربوط حکومت درجه ۲ بکواه
جدید منظور شده است .

مقررریها و تر فیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت داخله :

۱ : ع ، ع ، ص محمد کریم خان سابق مدیر عمومی سیاسی وزارت
خارجہ بحکومت اعلای فراه .

۲ : ع ، ع ، محمد اسمعیل خان سابق مدیر شعبه شرق وزارت
خارجہ بوکالات حکومتی کلان شمالی .

۳ : ع ، ش ، عبدالاحد خان سابق فرقه مشر هرات بحیث
فومانندان عسکری و حاکم کلان غزنی .

۴ : ع ، ع ، محمد اختر خان سابق کیسار آند خوی بحکومت
کلان بادغیسات .

۵ : ع ، ع ، عبدالله خان حاکم درجه اول بهسود تر فیعا
بحکومت کلان دایزنگی »

۶ : ع ، ع ، عبدالعلی خان سابق مدیر شعبه برق وزارت فواید عامه
بوکیالت حکومت کلان لوگر .

۷ : س محمد نبی خان به مدیریت تحریرات ولایت قطن و بدخشان .

امور عدلیه

امور عدلیه از تو جهات قیمت دار ذات ملوکانه و جدیت
وزارت عدلیه و عموم قضات که به کمال و طیفه شناسی و پاک نفسی
کار کرده اند ، در سر تا سر افغانستان بکمال انتظام و مطابق

از مقرریها و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه:

- ۱ - ف ، مولوی فضل کریم خان به فضای محکمه ابتدائیه زیره کوهستان
- ۲ - « ، ملا پاینده محمد خان » » » غوربند
- ۳ - « ، « ، حمدا لله خان » » » حکومتی کلان قلات
- ۴ - « ، « ، محمد نبی خان » » » کشک نخود
- ۵ - « ، « ، لعل محمد خان » » » ترنگ و جلدک
- ۶ - « ، « ، عبدالواحد خان » » » غورک خاکریز
- ۷ - « ، « ، عبدالعلیم خان » » » زمین داوور موسی قنچه
- ۸ - « ، « ، محمد فاضل خان » » » او به هرات
- ۹ - « ، « ، عبدالرؤف خان » » » حضرت امام صاحب
- ۱۰ - « ، « ، سید حسین خان » » » واخان
- ۱۱ - « ، « ، عبدالحکیم خان » » » رستاق
- ۱۲ - « ، « ، سید عثمان خان » » » قندوز
- ۱۳ - ف ، مولوی غلام حیدر خان به فضای محکمه ابتدائیه لندن سین
- ۱۴ - « ، « ، ملا جمعه خان » » » جدران
- ۱۵ - « ، « ، مولوی شیر حسن خان » » » اندخوی
- ۱۶ - « ، « ، محمد حسن خان » » » پښتون کوت
- ۱۷ - « ، « ، ملا نورالحق خان » » » مرافعه مرکز فراره

امور مالیه

امور مالیه که یکی از اساس های مهم امور اقتصادی و پیشرفت های مدنی را تشکیل میدهد همانطوریکه طرف توجه حکومت متبوعه ما واقع میباشد در بین سال نیز پیشرفت های خوبی کرده و از یکطرف امور

شریعت مقدس محمدی (ص) جریان نموده و موجبات رفاهیت عامه طبقات ملت را فراهم کرده است . خلاصه اجراآت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه قرار ذیل است :

۱ - وزارت عدلیه اقدامات بسیار جدی برای تعمیم نکاحنامه و باقی و نائق شرعی به عمل آورده و بتمام شعب مربوطه تا کیدات زیاد نموده تناسبت به فروش نکاح نامه ها حسب هدایات سابقه متوجه بوده معاملات وارده محاکم را داخل و ثبته شرعی بدارند تا از یکطرف در عایدات دولت افزونی رخ بدهد و از طرف دیگر دامنه دعاوی و نزاع ها کوتاه بشود ، چنانچه از اثر اقدامات جدی وزارت عدلیه که در سر تا سر افغانستان به عمل آمده در سال ۱۳۱۶ فروش نکاحنامه و سائر و نائق شرعیه نسبت به سال ۱۳۱۵ (۳) فیصد و نسبت به سالی ۱۳۱۴ (۶۱) فیصد زیاد شده و بالمقابل تاجیکه از ملاحظه احصائیه ها معلوم میشود تعداد دعاوی روز بروز در تقلیل میباشد .

۲ : وزارت عدلیه تصمیم گرفته که ازین پس مضمون و نائق شرعیه از قسم قباله و کالت خط و حجت و تملیک و غیره متحدالشکل بوده به استثنای بعضی کلمات قابل تغییر باقی مضامین و نائق مذکور طبع گردد و همانطور مطبوع بفروش رسیده در موقع استعمال جاهای قابل تغییر را پر کنند . این ترتیب از اشتباهات و مشکلاتی که از رهگذر صحیح نبودن مضامین و نائق شرعیه پیش میشد ، جلوگیری و در عین حال زحمت مراجعه کنندگان را بایستی توسط کاتبان مخصوص و نائق خویش را می نوشتند و حق الزحمه میدادند ، تخفیف یافته است .

امور معارف

امور معارف در سال ۱۳۱۶ نسبت بسالهای گذشته مظهر توجهات زیاد گردید . همینکه سال نو بروی کار آمد ، کوچکترین ماشین معارف رنگ و رونق دیگری بخود گرفت قوای تازه ، تشکیلات جدید ، پروگرامهای عمیقی دران پیش بینی شد . حکومت معارف پرور قوای جوان ، دماغهای فعال ، دستهای توانا ، مواد گرانبهای دران اضافه فرمود .

نخستین توجهی که حضور همایونی درباب معارف احسان فرمودند همانا بمد از انفکاک عالیقدر جلالتمآب سردار احمد علیخان ازوزارت معارف بسمت سفارت کبرای طهران ، معین اول و وزارت خارجه عالیقدر جلالتمآب سردار محمد نعیم خان که با فضل و دانش و فعالیت امتیاز داشته ، بوزارت معارف عزت تقرر یافت این جوان زکی ، عاقل و فضیلت پرور در اواخر حمل با تمام قوی و دانش خود در ظرف چند روز بامور معارف غور و ملاحظه کرده پروگرام وسیعتری در پیشرفت علم و فن سنجمیده راه ترقی عرفان مملکت را دریافته فوراً در عملی ساختن آن اقدام کرد .

در دوم ثور ۱۳۱۶ مجلسی مرکب از تمام وزراء ، اعیان و رجال بزرگ علم و فن در عمارت سینما منعقد شد . همه معلمین و شاگردان مکاتب و مأمورین معارف نیز دران شامل شدند . وزیر جوان پروگرام مرتبه خود را در محضر عموم بیان فرموده که عماید آن مواد ذیل بود :

دفترداری و محاسبه انتظام درستی را حاصل و از طرف دیگر در مر عایدات دولت رویهمرفته نسبت بسال ۱۳۱۵ بقدر (۲) فیصد اضافه گوی بعمل آمده خلاصه اجراآت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت مالیه قرار ذیل است .

۱- تشکیل وزارت مالیه نظر به تقاضای اصول جدید محاسبات تغییر و تعدیل یافته تشکیل وزارت در تحت دو مدیریت عمومی ،

مدیریت عمومی محاسبه و کنترول - مدیریت عمومی اجرا ئیه و یک مدیریت تفتیش و یک مدیریت تصفیه شهریه (که این دو مدیریت اخیر الذکر راسا بمقام وزارت مربوط است) در آمده است .

۲ - تهیه و نشر یک سلسله مسکوکات ۲۵ پولی که در اروپا از نکل ضرب شده و اخیراً در معرض داد و ستد قرار گرفته است .

۳ - اجرای یک سلسله تفتیشات نسبت به اجراآت امور مالی در ولایات و حکومتات اعلی .

۴ - تشویق و اقدامات برای آباد و مزروع ساختن اراضی و بست مالیه نسبت بزمین های نو آباد . (چنانچه تنها در ولایت کابل بطول سال ۱۳۱۹ (۱۴۳۶۱) جریب زمین نو تحت زراعت آمده و دران بست مالیه بعمل آمده است) :

مقررین و تر فیعات سال ۱۳۱۶ وزارت مالیه .

ع ، محمد انور خان مدیر عمومی بودجه بمد یریت عمومی اجرا ئیه .

« ، محمد نعیم خان مدیر شعبه (تصفیه شهریه) وزارت مالیه بمستوفیت قندهار .

ص ، محمد عثمانخان ترجمان مشاور مالی بحیث مدیر ابتدائی .

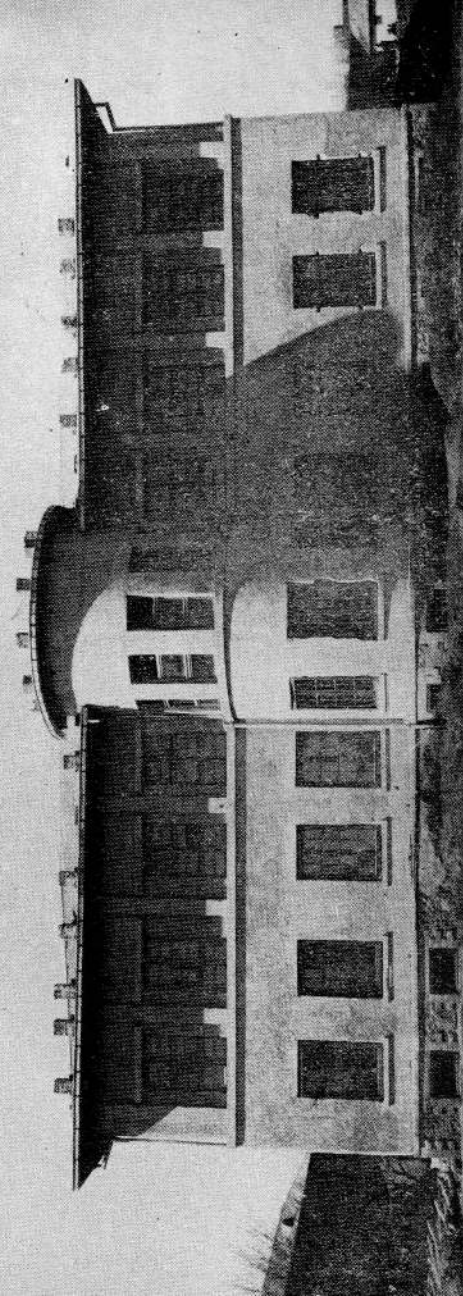
عزتمند موسیو منچولی مشاور وزارت مالیه بحیث رئیس .

اجرا آت دوائر مملکتی

۶- بالاخره در ترمیم بناهای موجوده و تعمیر بناهای مکاتب و مدارس جدیده از همین روز اقدامات درست بعمل آورده شود تا مفهوم تعلیم و تربیه در نظر طفل و رشید معاصر معلوم شود که موسسات عرفانی از ماده و شکل هر دو بعمل میآیند .

اینک در داخل همین شش ماده اساسی اقدامات کرده شد و قدم اول به اصلاح و تعدیل دوائر مرکزی سابق و تاسیس دوائر دیگر که عصر اقتضای آن را بکنند بعمل آمد . طوریکه در قسمت تشکیلات وزارت معارف دیده میشود علاوه بر ریاست تعلیم و تربیه که در آن وسعت و اهمیت جداگانه بخشیده شده است امور تدریس و تفتیش که سابق در ضمن یک مدیریت با امور مأمورین و معلمین یکجا اداره میشد ، ریاست تدریس جداگانه ، ریاست تفتیش جداگانه ، مدیریت مأمورین و معلمین علیحده تشکیل گردید . خاصه مدیریت صنایع ، مدیریت سیورت و حفظ الصحه و مدیریت تعمیرات در همین سال تشکیل یافت . مأموریت اوراق بهدیریت ارتقا و مدیریت محاسبه بهدیریت کنترول و مدیریت تنظیمات بهدیریت اجرائیه تبدیل یافت .

بعد از آن تعمیم و ترمیم مکاتب ابتدائی بنظر گرفته فوراً بتاسیس تقریباً هشتاد مکتب ابتدائی ترتیبات لازمه روی کار آورده شد . ازین تدابیر لازمه اولاً به تشکیل یک دارالمعلمین مستعجل ابتدائی آغاز گردید شاگردان این کورس را از تعلیمات فنگان ولایات و مرکز انتخاب و همه لوازم تحصیل و سامان ضروری از داخل و خارج تهیه گردیده در اوائل برج اسد دارالمعلمین مذکور بکار تعلیم و تربیه



ازمعمارات جدید وزارت معارف در کابل : تجربه خانه کیمیا واقع باغ عمومی
Laboratoire de chimie nouvellement construit à Kaboul

خود قدم نهاد درین کورس چهارصد و پنجاه نفر شامل شده تصور شد که از روی پروگرام مصوبه در آخر برج دلو یعنی در ظرف هفت ماه تقریباً چهارصد نفر معلم ابتدائی اصولدان تربیه کرده بمنطق خود شان بوظیفه معلمی مقرر کرده شوند. در حقیقت چنین شد. این دسته معلمین جوان وطن پرور بجریان امور هشتاد مکتب موظف گردیدند که رویهمرفته وزارت معارف دارای یکپنجاه معلم آانی گردید. ضیعی است که وزارت معارف در باب این کورس در حدود لک ها رویه تخصیصات جداگانه و بناهای معتنائی برای آن مشخص کرد.

این نکته مهم را نیز در اینجا باید گفت که یکی از نواقصی که دورهای گذشته از اصلاح آن غفلت ورزیده زبان ملی بود. ازین غفلت در بنیان اجتماعی رخنه بررگی واقع بود و روز بروز این رخنه مملکت را از حیث حرث و وحدت ملی مجزی میداشت، این مرض را اعلیحضرت نادر شاه شهید حس کرده روی آن نظر رجال و فضلاء را متوجه ساخته بود. همینکه دور زمامداری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رسید روی این مرض معاینه و تشخیص عمیقی بعمل آمد بالاخره قرار یافت که در اصلاح این نقیصه پلانیها و نقشه های جدی بیوی کنار آورده شود. بهترین این نقشه ها همین شد که تدریس زبان ملی از یکطرف در خارج مکاتب میان ماهورین بواسطه کورس داخل شود و از طرف دیگر از صنف اول مکاتب ابتدائی شروع کرده متدرجا هر سال یک دوره تحصیل بزبان ملی تبدیل کرده شود. بالاخره

در تاسیس مکاتب ابتدائی اولاً بنای صحی و تربیوی، ثانیاً معلم اصولدان، ثالثاً کتاب و وسائط تعلیم در نظر گرفته شد. این سه مسئله بسته بیودجه بود. لذا بودجه معتنایی در فصل تزیید مکاتب و تعمیم معارف تخصیص یافت. ازیشرو در هر نایب الحکومه کی دوازده، یا نوزده و در هر حکومتی اعلی هفت الی ده مکتب ابتدائی که رویهمرفته هشتاد مکتب ابتدائی بود تقسیم گردید. نایب الحکومه ها و حکام اعلی در همین سال شروع بتعمیر بعضی از بناها آغاز کردند و توسط هیئت فنی فوراً پلان صحی و تربیوی آن ساخته بمراجع مر بوطه سپرده شد. برای مصارف بنای هر مکتب یک اندازه پول تخصیص داده شد. برینوجه زمینه برای تاسیس مکاتب بعد از ابتدائی نیز حاصل شد. این بود که مکتب های متوسطه (رشدی سه ساله) در بعضی از حکومتات اعلی و مکاتب رشدی که متدرجا بیایه اعدادی میرسد در مرکز بعضی از ولایت های دیگر نیز تشکیل یافت. و در ضمن این اقدامات در اوائل ثلث اول امسال انجمن ادبی پشتو و انجمن ادبی کابل یکجا گردانیده بنام (پشتو قولنه) در تشکیلات آن وسعت بخشیده شد.

خود قدم نهاد درین کورس چهارصد و پنجاه نفر شامل شده تصور شد که از روی پروگرام مصوبه در آخر برج دلو یعنی در ظرف هفت ماه تقریباً چهارصد نفر معلم ابتدائی اصولدان تربیه کرده بمنطق خود شان بوظیفه معلمی مقرر کرده شوند. در حقیقت چنین شد. این دسته معلمین جوان وطن پرور بجریان امور هشتاد مکتب موظف گردیدند که رویهمرفته وزارت معارف دارای یکپنجاه معلم آانی گردید. ضیعی است که وزارت معارف در باب این کورس در حدود لک ها رویه تخصیصات جداگانه و بناهای معتنائی برای آن مشخص کرد.

این نکته مهم را نیز در اینجا باید گفت که یکی از نواقصی که دورهای گذشته از اصلاح آن غفلت ورزیده زبان ملی بود. ازین غفلت در بنیان اجتماعی رخنه بررگی واقع بود و روز بروز این رخنه مملکت را از حیث حرث و وحدت ملی مجزی میداشت، این مرض را اعلیحضرت نادر شاه شهید حس کرده روی آن نظر رجال و فضلاء را متوجه ساخته بود. همینکه دور زمامداری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رسید روی این مرض معاینه و تشخیص عمیقی بعمل آمد بالاخره قرار یافت که در اصلاح این نقیصه پلانیها و نقشه های جدی بیوی کنار آورده شود. بهترین این نقشه ها همین شد که تدریس زبان ملی از یکطرف در خارج مکاتب میان ماهورین بواسطه کورس داخل شود و از طرف دیگر از صنف اول مکاتب ابتدائی شروع کرده متدرجا هر سال یک دوره تحصیل بزبان ملی تبدیل کرده شود. بالاخره

این انجمن در تحت یک مدیر عمومی ، مدیریت تالیف و ترجمه مدیریت ادبیات (فوکلور) مدیریت نشریات و مدیریت لغت تشکیل گردید . چنانچه در مقاله پینتو اولیه مطالعه می شود .

در تشکیل جدید پینتو تولنه بیشتر از همه تعمیم و تکامل زبان ملی بنظر گرفته شد . چونکه فرمان همایونی دوازدهم عقرب سنه ۱۳۱۵ را با فرمان مبارک صدارت عظمی مورخه ۲۱ حمل ۱۳۱۶ که به وزارت معارف شرف صدور بخشیده بود بعد از مذاکرات و تدقیقات در اطراف پیشرفت این مقصد قرار یافت که اولاً تمام طبقات مامورین افغانستان در ظرف سه سال در ضمن کارهای رسمی و دولتی به آموختن زبان ملی موظف باشند لذا پروگرام بسیطی برای تشکیل کورسهای زبان در همه دوائر مرکز ساخته شد . کتابهای متعددی از طرف اهل قلم و زبان تالیف گردید و بعضی ازین کتابها انتخاب شد که درین کورسها تدریس کرده شود و یکدسته معلمین گماشته شد که بتعلیم آن بپردازند . برینوجه در ظرف مدت بسیار کم تمام مامورین هر شعبه حکومت و دوائر ملی خواهش کردند که در محیط ایشان نیز کورس جداگانه تشکیل بیاید . آنوقت پی در پی کورسها تشکیل گردید معلمین مقرر شدند و شاملین کورس بلا استثنا از نوبی تلمذ خم کرده سرگرم آموختن زبان میگردیدند . برینوجه ۲۶ کورس در مرکز و همین قدر دیگر در تمام ولایات جاری گردید ، عجله نتیجه این اقدام نکات ذیل است ،

۱ - احساسات ملی در قلب و دماغ هر فرد افغان بیکدرجه

انکشاف نموده داخل فعالیت شد .

۲ - علاوه بر مجلات و اخبارهای افغانستان که یکی بعد دیگر ستونهای خبر ومطالب علمی و اجتماعی را بران ملی آورده اند در حدود پنجاه کتاب بیشتر در زمینه ادبیات و قواعد لسان و لغت در پینتو نوشته مقدار کما فی ازان بطبع هم رسید . کتب ابتدائی نیز به پینتو در آورده شد .

۳ - در اثر فکر تشکیل کورسهای پینتو جهت مامورین یک کورس لسان پینتو که دران اصول تدریس و گرامر و ادبیات این زبان است نیز تشکیل یافت ، تا تشکیل کورسهای آینده علاوه بر معلمین پینتو که برای مکاتب ابتدائی ترتیب یافته اند پرورش و بانوسیمه عنقریب است از احتیاج دور اول معلمین پینتو فارغ و مستغنی بشود .

بعد از اینکه از امور مکاتب ابتدائی قدری اطمینان حاصل شد آن وقت وزارت معارف را جمع به پیشرفت فن نیز توجه مخصوصی مبذول داشت . از آنجمله یک باب مکتب میخانیک باز کرده متخصصین این شعبه را از خارج جلب ومثل شعبه ایتو گرافی صنایع نفیسه ماشین های متعدد و بنای کافی تهیه و تعمیر نمود .

در شعبه زراعت نیز اهمیت مخصوصی داده شد . توسط متخصصین آن اراضی زیادی برای تجربه در بعضی منطقه های ولایت کابل تخصیص داده تجزیه ابتدائی خود را در باب هرگونه زراعت مخصوصاً سبزیجات ، گل ها وبقولات بکار انداخت .

کذا در تحصیل عالی نیز باب نوی کشود . یونیورسیتی افغانستان که

اجرا آت دوائر مملکتی

خلاصه امور معارف ضوریکه اجالا دربالا تذکر یافت رویهمرفته درسال ۱۳۱۶ قابل اطمینان وحتى جای افتخار میباشد . طبیعی است که این اطمینان افتخار در سایه تو جهات حکومت معارف پرور نسبت بهمه سنواتیکه درعصر جدید افغانستان بعمل آمده است زیاد است . چونکه بودجه معارف سالیانه رویهم رفته برای هرطلبه پنجمصد افغانی فصل مصرف دارد . این نسبت را هیچ یکی از دول دیگر درباب معارف صرف کرده نمیتواند .

مقرریهها و ترفیعات مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت معارف

ع ، ج سردار محمدنعیم خان سابق معین اول وزارت خارجه ترفیعا بحیث وزیر .

ع ، ص ، عبدالاحد خان سابق مدیر اول دارالتحریر شاهی ترفیعا بحیث معین دوم .

ع ، ص ، هاشم خان شایق سابق معاون ریاست تعلیم و تربیه ترفیعا بریاست تعلیم و تربیه .

ع ، ص ، عزیز الرحمن خان سابق مدیر تفتیش ترفیعا بریاست تدریسات .

ع ، ص ، سیدمحمد فاروق خان سابق مدیر مکتب حبیبیه ترفیعا بریاست تفتیش .

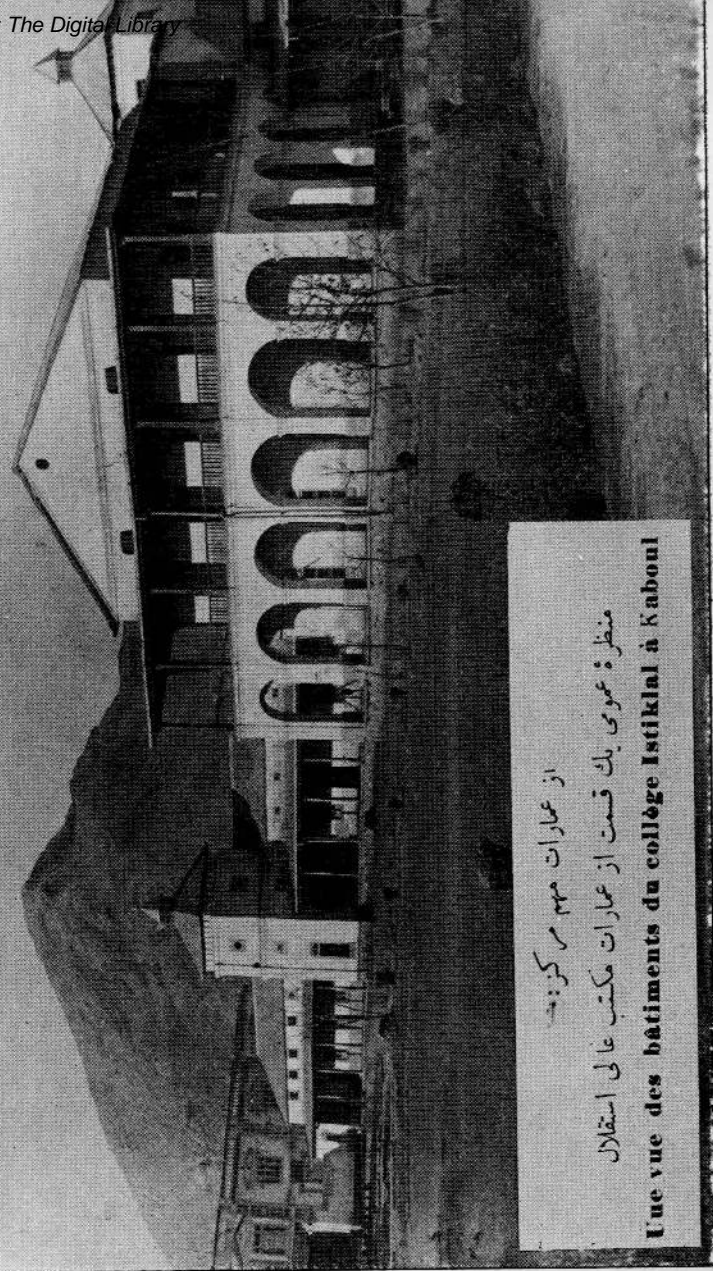
ص ، محمدمریدخان سابق سرکاتب شعبه دوم دارالتحریر شاهی ترفیعا بمدیریت مامورین .

ص ، عبدالله خان مامور اوراق ترفیعا بمدیریت اوراق که جدیداً مدیریت تشکیل شده .

دارای يك فاكولته طب بوده ثمر دور اول خود را امسال با تقدیم دسته اول دکتورها و دواسازهای اصولی و قابل اطمینان وطنی ابراز می نمود هنوز نتیجه مسعود آثر ابدست نیاورده فوراً بتاسیس فاكولته دیگرى بنام فاكولته سیانس اقدام گردید . بانصورت که دوره (پ ، س ، ب) بادوره اول طبی اتحاد نموده فارغ التحصیلان امساله دران شامل بگردند . برای پیش بینی این موسسه از رهگذر بنا نقشه تعمیر بزرگی در نظر گرفته شد . عجاله ازلا بوراتوارهای پنجگانه فاكولته طب و لابوراتوار بزرگ مرکزی برای کیمیا ، بیولوژی استفاده کرد و میتوان گفت که در زمره محصلین عالی که در اروپا ، امریکا ، ترکیه ، جاپان و هند مشغول تحصیل بوده عنقریب از تحصیل خود فراغت یافته بخدمت وطن پس میگردند اطمینان خواهند بخشید ، طبیعی است که باندازه که فارغ التحصیلان عالی ما بخدمت وطن بر میگردند بهمان اندازه قرار است که بمراکز مدنی دیگر طلبه فرستاده شود .

درباب آثار عتیقه سال ۱۳۱۶ صفحه زرینی بشمار میرود . اگرچه مناطق حفريات تنها در ولایت کابل مخصوصاً کوه دامن ، کوهستان تخصیص یافته بود ؛ اما اشیای گرانها و ممتازی که امسال از حفريات بگرام بدست آمد بیشتر موزه های دنیای دیگر از سرمایه آن محروم است . این اشیای اگرچه یادگار صنایع دور قبل المیلاد وحوالی سنوات میلادی بوده لاکن نوع صنعت وما الزمه صنعت بروی عاج و گل ، شیشه . ضوری مکشوف گردید که بسا صفحات تاریک مدنیت افغانستان را در عالم تاریخ روشن می سازد .

2

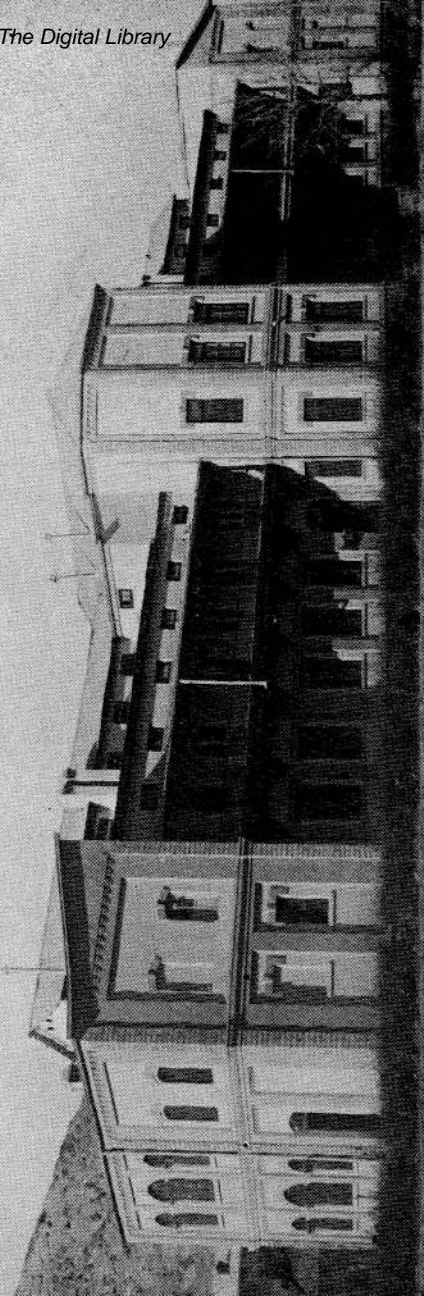


از عمارات مهم مرکز -
 منظره عمومی يك قسمت از عمارات مکتب عالی استقلال
 Une vue des bâtiments du collège Istiklal à Kaboul

سائنامه « کابل »

- ص ، سيد عبد الله خان سابق و كيل دار المعلمين تر فيعاً بمديريت
 مکتب عالی حبيبيه .
 ص ، غلام جيلانيخان جلال سابق معاون شعبه تاليف وترجه انجمن
 ادبي بحيث مدير معارف ولايت کابل .
 ص ، غلام صديق خان متخصص زراعت بحيث و كيل مديريت مکتب زراعت
 ص ، عبدالغفور خان بحيث مفتش رياست تدريسات .
 ص ، محمد يوسف خان « مفتش رياست تدريسات .
 ص ، عبد القیوم خان »
 ص ، محمد اسحق خان بمديريت اجرائيه مکتب صنائع .
 ص ، عزتمند ، مو مال بمديريت مکتب عالی استقلال .
 ص ، فدای احمد خان به معاوني مکتب غازی .
 ص ، محراب الدين خان « مکتب دار المعلمين .
 ص ، مرزا امير محمد خان سابق سر کاتب مکتب حبيبيه به اموريت اجرائيه
 انجمن ادبي .
 ص ، مير ابو طالب خان بحيث منتظم سينما .
 ص ، ميان حسين خان بحيث منتظم کورس مستعجله .
 ص ، محمد ظاهر خان بحيث مفتش رياست تفتيش .
 ص ، قربا نعلبخان بحيث »
 ص ، خواجه گلبدینخان بحيث مفتش رياست تفتيش
 ص ، عزيز محمد خان بحيث

۲



از عمارات مهم سر کوز :
 منظره عمومی عمارت مکتب عالی نجات
 Vue d' ensemble du bâtiment principal du collège Nidjat
 à Kaboul



از عمارات مهم سر کوز :
 یک گوشه از عمارات مکتب عالی جنبه
 Une Vue de la façade du collège Habibya à Kaboul

اجراآت دوائر مملکتی

امور تجارت و صناعت

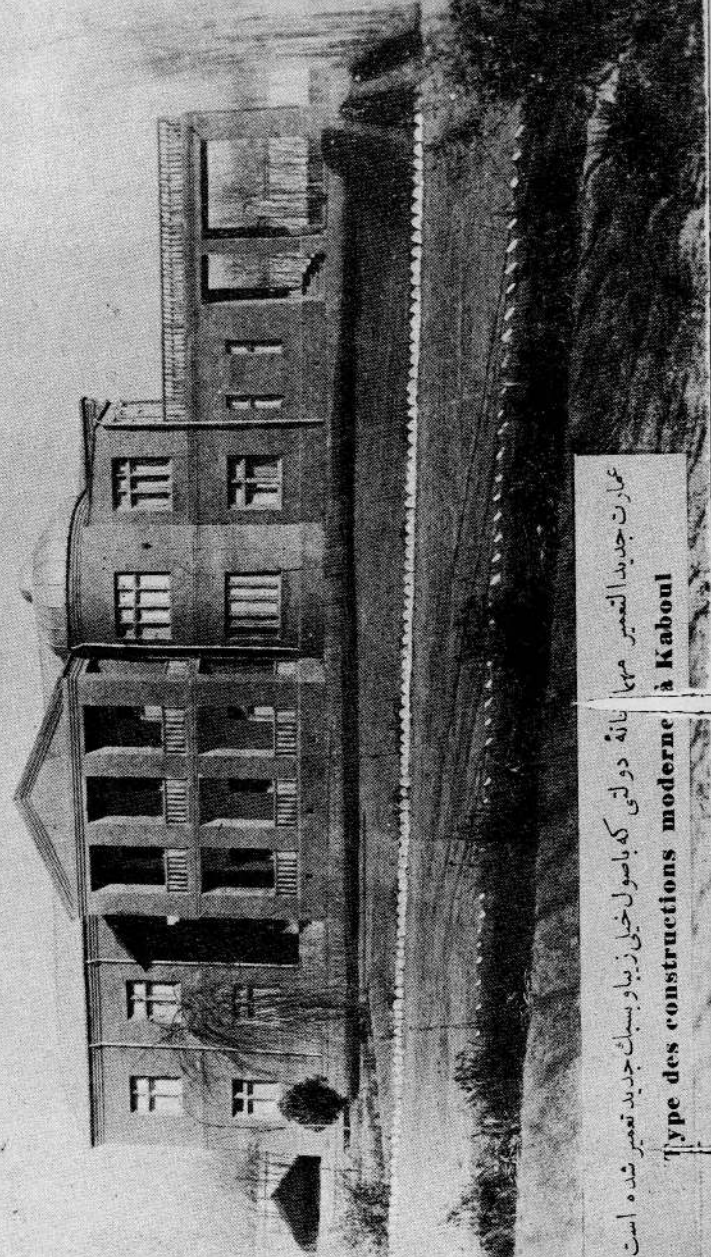
امور تجارت و صناعت در این سال نسبت بسالهای گذشته مدارج ترقی خود را بقدمهای سریع تر و فراخ تری پیمووده و چنانچه از احصایه های مرتبه معلوم میشود میزانیه تجارتی بقدر (۵) فیصد نسبت به سال ۱۳۱۵ بلند رفته و همچنین از صنایع پیشرفت های خوبی بعمل آمده که خلاصه آن قرار ذیل است :

شعبه تجارتی :

از اثر اقدامات و تشویقات مدیریت تجارتی وزارت تجارت در سال ۱۳۱۶ چند شرکت مفید دیگر که مطابق احتیاجات و مفاد مملکت تشکیل آن ضروری دیده میشود ، تاسیس شده است بشرح ذیل :

۱- شرکت عمران : این شرکت در برج سرطان ۱۳۱۶ تاسیس شده ، منظور و مرام آن فقط معاونت و اشتراک مساعی است در امور عمرانی شهر بابلدیه کابل و سرمایه که برای آن قرار داده شده در حدود (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد چنانچه درین مدت قلیل شرکت مذکور موفق به ساختمان یک سلسله عمرانات شده است .

۲- شرکت ارزاق : این شرکت در برج عقرب ۱۳۱۶ تاسیس گردیده و شروع بکار نموده است سرمایه ابتدائی آن (۳۰۰۰۰۰۰۰) افغانی است مرکز شرکت ارزاق در کابل است و به اطراف هم شعبات و نماینده گی ها از خود دارد ، شرکت ارزاق تجارت مواد



عمارت جدید التعمیر مهیا
à Kaboul

نانه دولتی که با اصول خیلی زیبا و بسبک جدید تعمیر شده است
Type des constructions moderne

ارزاقیه را با عموم و عیالاً تجارت و رساندن روغن طرف احتیاج مرکز را مخصوصاً در نظر گرفته در عین حال بصورت عمومی تجارت وارداتی و صادراتی را نیز میناید.

۳- شرکت میوه کابل: این شرکت در برج عقرب ۱۳۱۶ افتتاح و سرمایه ابتدائی که برایش قرارداد شده فعلاً (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی است و کار آن مخصوصاً تجارت صادرات میوه خشک بخارج است مرکز شرکت میوه در کابل و بخارج هم دارای شعبات میباشد و درین مدت قبیل به تمرکز دادن بازار فروش میوه در خارج و همچنین به افزودن نرخ و رفع تجارذات الینی و فروش مقدار کملی میوه جات خشک شده است.

شعبه صنایع و رنگ:

الف: در حصه صنایع:

۱- کشفیات طرز و اسلوب صنعتی مصنوعات مروج و وطنی و دریافت عیوب و نواقص آنها.

۲- ترتیب فهرست اصناف صنعت کاران وطنی در مرکز ولایات

۳- اکتساب معلومات راجع به مخترعین صنعتی افغانی.

۴- اصدار دستاویز لازم بولایات و حکومتات اعلی راجع به تشویق ارباب صنعت. به صنایع معموله شان و ترویج مصنوعات آنها

ب- در حصه رنگ:

۱- تاسیس يك كورس برای تعلیم رنگ ریزی و تجربه و تحلیل

- رنگ و شمولیت يك عده محصلین برای تحصیل در کورس مذکور.
- ۲- تعلیم اصول رنگ آمیزی (ترکیب و تجزیه رنگهای جوهری) بدونفر از ضلاب معارف و موظف نمودن آنها در مواظبت و تدقیق رنگهای خارجی بریاست گورک کابل تارنگهای ممنوعه وارد مملکت نشود.
- ۳- فارغ التحصیل شدن دونفر متعلین از کورس رنگ آمیزی و تقرر آنها به فابریکه نساجی جبل السراج و فابریکه پشمینه بافی قندهار بغرض رنگ آمیزی پارچه جات مصنوعه و غیره.
- ۴- استعمال رنگهای پخته و بادوام در پارچه جات مصنوعه محبس دهن رنگ و تعلیم فن رنگ آمیزی بیک عده از محبوسین.
- ۵- جمع آوری نمونه های رنگ های خام و ارسال مجموعه (البم) آن بتمام ولایات و حکومتات اعلی بغرض عدم توریید رنگهای ناقص.
- ۶- استفادہ از رنگهای معدنی با میان و استعمال آن در تعمیرات مختلفه دولتی و ملی وار سال نمونه های آن بخارج.
- ۷- تکمیل سامان لازمه لابراتوار تجربه خانه رنگ.

ج- در حصه تجارت:

- اداره صنایع و رنگ علاوه بر وظایف خصوصیه خویش موظف به اجرا و انجام امور متعلقه بکسفراس و تریاک و کنترول تجارت ادویه مخدره و واردات و صادرات آن میباشد که با مطابق مقررات بین المللی انجام بگیرد چنانچه درین سال بسلسله سنوات گذشته درین باره اقدامات زیاد بعمل آمده و از اثر آن تجارت ادویه مخدره مطابق مقررات بین المللی صورت گرفته است.

اجرا آت. دوائر مملکتی

بیش از سالهای گذشته انبساط و ترقی کرده و روی هرفته برای تدویر کار خانه جات و امتداد راه ها و تعمیر عمارات عمومی اقدامات مهم و وسیعی بعمل آمده است .

خلاصه اجرا آت وزارت فوائد عامه و ذائب الحکومه ها و حکام اعلی و کلان و محلی که در قسمت امور منفعت عموم در سال ۱۳۱۶ بعمل آمده است ، ذیلا تذکار می یابد :

امور معابر : سرک ها و پلها :

الف ، ولایت کابل :

۱ - سرک مشرقی که از مهم ترین سرکهای افغانستان بشمار میرود از چند سال باینطرف کار ساختمان آن جار بست در سال ۱۳۱۶ بیشتر مورد توجه واقع و در کار مذکور سرعت مزیدی رخ داده چنانچه امید است در سال ۱۳۱۷ تکمیل و رفت و آمد مابین کابل و جلال آباد و خارج بواسطه آن صورت بگیرد درین سال در خط مذکور علاوه از پخته کاری سرک به تعداد ۱۷ پل و معبر خورد و بزرگ ساخته شده .

۲ - تعمیر پل آهنی نجراب که پایه های آن بصورت پخته کاری و آهن های گادر پل و کتاره های آن تکمیل شده تنها فرش پل و دوطرفه هرک باقیمانده طول - ۲۵ متر عرض ۵۰ سانتی « ۵ متر » بلندی ۳۰ سانتی « ۳ متر »

۳ - تعمیر پل آهنی سعدالله شمالی که پایه های آن بصورت

امور گمرکات :

دراثر توجهات وزارت تجارت و نایب الحکومه ها و مساعی عموم مامورین گمرکی عایدات گمرکی در سال ۱۳۱۶ روی هم رفته نسبت بسال ۱۳۱۵ - - (۶/۶۸) فیصد افزود شده است بشرح ذیل :-

الف :- ولایت کابل (۷۳ و نیم / ۰) فیصد تزئید

ب :- « قند هار (۱۲ و نیم / ۶) » »

ج :- « هرات (۹۰ و نیم / ۰) » »

د :- « مزارشریف (۲۲ / ۴۹) » »

ه :- « قطن و بدخشان (۴۰ / ۸۵) » »

و :- حکومت اعلای مشرقی (۰ / ۱) « کسر

ز :- « « جنوبی (۱ / ۷۷) » تزئید

ح :- « « میمنه (۱۶ / ۷۱) » »

ط :- « « فراه (۱۵ / ۰) » »

مقرریهای سال ۱۳۱۶ وزارت تجارت :

ع ، ص غلام حیدر خان رئیس گمرک هرات تبدیل بریاست گمرک کابل .
ع ، خواجه تاج الدین خان و کیل ریاست گمرک کابل بکار پنبه .
ص ، محمد مالک خان به مدیریت مامورین وزارت تجارت .

امور فوائد عامه

امور فوائد عامه که تحت توجه مخصوص حکومت موجوده واقع برای توسعه آن مساعی بزرگی بخرج داده میشود ، درین سال

پخته کاری و آهن های گادر و غیره آن تمام شده طول ۵۰ متر عرض ۵۰ سانتی ۵ متر .

۴ - پل دو آب سینان - دو قنذاق دارد مسافه طول ۳۰ متر قنذاق های مذکور از سمت و سنگ و پوشش آن از آهن گادر و کار بسته کاری آن تکمیل و در سطح پل مذکور تخته نصب و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده طول ۲۰۰ متر

۵ - پل اول دهنه شکاری - دو قنذاق دارد قنذاقهای مذکور از سمت و سنگ ساخته شده طول مسافه پل مذکور - ۳۰ متر و پوشش آن از آهن گادر و کار بسته کاری آن اکمال گردیده تخته چوبی بالای پل مذکور فرش شده و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده طول ۴۵ متر

۶ - تعمیر ۱۰ پل دیگر بمقامات بگرامی و دکو و کاریز میر و کشکین و شکر دره و قلعه مراد بیگ و قلعه نو غزنی که هر یک بصورت پخته کاری تکمیل شده .

۷ - پخته کاری سرک دهرنگ بطول ۳ کیلومتر

۸ - تعمیر راهیهای جاهای معا بر حصه ولایت کابل طرف سمت جنوبی ۱۳ رهایش گاه ، طرف سمت مشرقی ۷ رهایش گاه ، طرف سمت مغربی ۲۶ رهایش گاه طرف سمت شمالی ۷ رهایش گاه که جمله آن ۵۳ میشود .
ب - ولایت قندهار :

الف : پل هلمند : که بزرگترین پلهای افغانستان است و عموماً طول آن - ۱۲۱۶ متر و عرض آن ۶ متر میباشد و تحت توجه مخصوص و ، ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه قندهار در سال گذشته

آغاز بساختن آن شد ، کنار پل مذکور خیلی پیشرفت کرده و امید که در سال ۱۳۱۷ افتتاح شود . عمارت دوم نیزه مزبوضه آن نیز بصورت پخته کاری قریب اختتام است .

ب - پل خاشرود : قرار نقشه ۱۰ دهنه ۱۱ متره و یک معبر بطول ۱۶۰ متر و دو جلوه دارد که عبارت از ۹۰ متر و جمله طول پل ۴۰۰ متر شود . این پل نیز قریب اختتام و در سال ۱۳۱۷ افتتاح خواهد شد .

ج - سرک قلات : قرار نقشه و برآورد مهندس پل ها و پیچک ها و معبرها و بگی پره های آن جمله به تعداد ۲۰۰ بالغ میشود به خشت و سمنت و چونه پخته کاری شده است .

د - ترمیم و جفله اندازی سرک ها : -

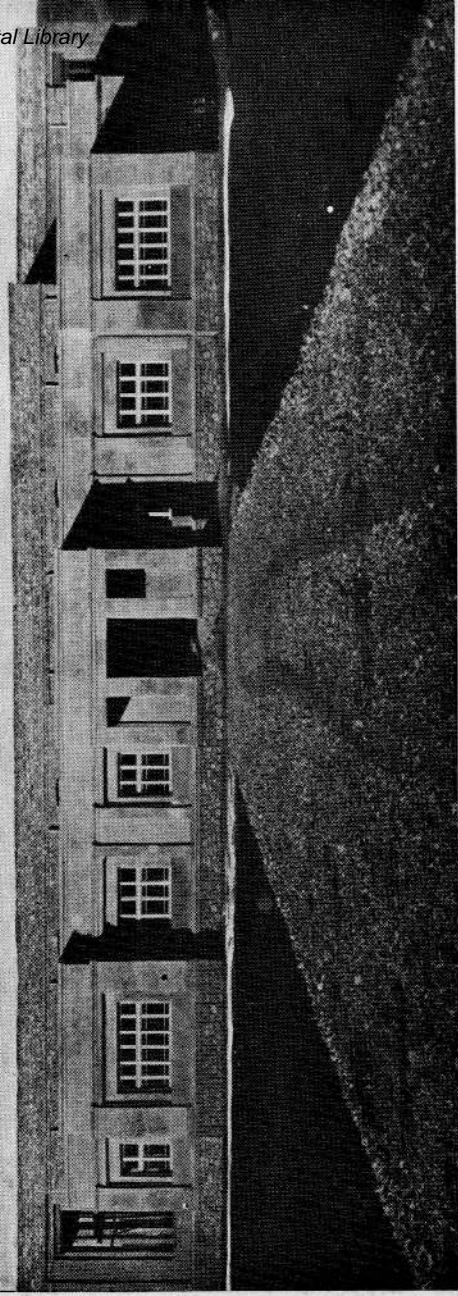
۱ - از قندهار الی حکومتی قلات و از حکومتی مذکور الی کندی پوش ووش مقر که ترمیم کاری و جفله انداخته شده - ۲۰۸ کیلو متر
۲ - از قندهار الی حکومتی اسپین بولدک الی ویش .

۳ - از قندهار الی حکومتی کلان گرشک و از گرشک الی دلارام .

۴ - تمديد سرک جدید خا کریز که بخط سرک ارزگان از حد و د جوی لا هوری بطرز فنی از بین دره سیاه الی حکومتی خا کریز تمديد گردیده و از حکومتی الی زیارت شاه مسعود جفله انداخته شده .
۵ - احداث سرک : از قندهار تا سرده در امتداد رود پاتا و بطول ۱۰ کیلو متر .

ج - ولایت هرات :

۱ - پشتون پل که یکی از پلهای بزرگ افغانستان و بعوض پل مالان در نزدیکی هرات بسر راه فراه و هرات ساخته شده ، دارای ۱۰ - متر عرض و ۶ کمان ۱۵ متره میباشد و علاوه بر خود



از عمارات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : عمارت دارالحکومت
La façade du nouveau palais du gouverneur à Hérat

پل بدو طرف آن باندازه - ۶۰۰ متر د که پخته کاری نیز ساخته شده و این پل بتوجه مخصوص و ج ، غلام فاروق خان نائب الحکومه هرات در طول سال ۱۳۱۶ شروع و ختم شده است .

۲ - پل سر غاب که دارای دو چشمه ۱۲ متره و یک چشمه ۱۸ متره و ۶۵ متر د که میباشد و به پنجمصد متر طول دریا از بجرای اصلی گشتانده شده و به طول مذکور جدیداً برای عبور دریا جر کشیده و پل مذکور در همین سال تعمیر شده است

۳ - پل اور سنگن که دارای دو چشمه ۱۵ متره میباشد ۳۰۰ متر د که بدو طرفه آن وجود دارد .

۴ - پل رودگر که دارای ۲ چشمه (۱۵) متره و ۶۰ متر د که میباشد .

۵ - به تعداد (۵) پل خورد و بزراگت دیگر بمقامات کارته کاربار ، نا گهان ، غیزان ، آ لنگان ساخته شده است .

۶ - تمديد سرک از (درواجی) تا (رودگر) بفاصله ۸۰ کیلومتر

۷ - « خام کاری از سرحد اسلام قلعه تا قریه زنده جان تخمین بفاصله ۸۵ کیلومتر تقریباً کار این دوسرک بصورت اساسی کرده شده و سرک های عمومی میباشد

۸ - تمديد خام کاری از (غوریان) تا (موسی آباد)

تخمین بفاصله ۶۵ کیلومتر .

۹ - خام کاری از (رباط سرخ) تا (مرکز گلران)

۷۰ کیلومتر

۱۰ - خام کاری از (شین د نند) تا (کلاته نظر خان)

۱۳۰ کیلومتر

۱۱ - سرک از مرکز هرات الی میرداود که پنتون پل در همین

ولایت طور بی نظم بود امسال کار مذکور ذریعه مهندس سر از نو تجدید گردید این سرک جدید با بهترین اصول مهندسی از حد میدان طیاره (خان آباد) تا (علی آباد) بمسافه (۲۰ کیلومتر (۷ کروه) بر روی یک خط مستقیم تمديد و علاوه بران چهار سرک جدید دیگر ازین سرک جدا شده که یک راه آن از حصه جنوب مغرب میدان طیاره شروع شده براه (ایشک چی) بفاصله ۳۵ کیلو متر (۱۲ کروه) باشکمش موصول و یک راه از حصه (جرقمقول) مجزا گردیده بداخل سرک شوراب ملحق و یک راه دیگر آن از حدیکه توت سردوره جدا شده مستقیماً داخل دره (شوراب) میشود. و یک راه آن از سرک جنوب قندوز منشعب گردیده بمسافه ۶ کیلومتر بدره شوراب الحاق می پذیرد .

۴- یک سرک از چارسوق بازار قندوز باستقامت جنوبی شهر جدید قندوز تمتد و مستقیماً بفاصله ۲۲ کیلومتر (۷ و نیم کروه) به علی آباد واصل می شود و قندوز را بی رابطه خان آباد براه کابل وصل میدارد .

۵- سرک فرخار و کلفکان که سابقاً بی ترتیب تیار شده بود درین سال تا حدی طرف اصلاحات قرارداد شده .

۶- برای اینکه از معدن ذغال (ایش پشته برفک) استفاده کرده شود یک سرک جدید از حدود برفک بطرف معدن ذغال سنک مذکور تمديد کرده شده طول ۴ کیلو متر .

۷- جبهه مواصلت به (دره اشرف) واقع در جنوب مشرق علاقه داری تاله که یکی از تفرجگاهای خوبی است یک حصه سرک از حصه تاله تمديد و بدره اشرف وصل کرده شده بطول ۱۲ کیلومتر ۴ کروه و بتزدیک آن پل مینی بر روی دریای تاله تیار کرده شد که موترها بتوانند از ان عبور و مرور کنند.

۱- از عمارت شکارگاه « یاد شاه غوری » یک سرک جدا و بطرف دریای غوری تیار کرده شده بمسافه ۶ کیلو متر .

ب : پلهای دوشی و غیره که در راه کابل و قرضن واقع و را س از طرف وزارت ساختمان گردیده :

۱- پل اول دوشی دوقنداق و دویایه که جمله چهارپایه شود جدید ساخته شده و ساختمان آن از سمنت و سنک است و سه دهنه دارد که دودانه دوضرفه پل مذکور ۲۵ متر و دهنه ما بین آن ۳۰ متر بطول میباشد که جمله طول آن ۸۰ متر است و از آهن جالی گادر پوشش کرده شده که کار بسته کاری آن کاملاً اکمال و تمام گردیده (۸۰۰ متر)

۲- پل چغه دوشی دوقنداق و یکپایه دارد که جمله سه قنداق و پایه می شود پایه و قنداق پل مذکور از سمنت و سنک ساخته شده و پل مذکور دودهنه دارد یک دهنه بطول ۲۵ متر و یک دهنه دیگر آن ۴۲ متر که جمله طول آن ۶۷ متر میباشد پوشش آن از آهن گادر است کار بسته کاری گادرها پل مذکور کاملاً تمام شده (۱۹۰۰ متر)

۳- پل انارستان دوقنداق دارد و مسافه طول آن ۳۰ متر است کار پخته کاری قندان مذکور از سمنت و سنک و پوشش آن از آهن گادر است که کار بسته کاری آن تکمیل شده (۱۰۰ متر) .

۴- پل باغک ، دوقنداق دارد مسافه طول ۲۵ متر قنداقهای مذکور از سمنت و سنک و پوشش آن آهن گادر و در روی پل تخته های چوبی نصب و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده .

۵- پل شادی کک ، دوقنداق دارد مسافه طول ۲۵ متر ساختمان قنداق مذکور از سمنت و سنک و پوشش آن از گادر و روی پل تخته چوبی فرش و بالای آن ریگ و چونه انداخته شده .

اجراآت دوائر مملکتی

امور کارخانه جات :

- ۱- بکار انداختن فابریکه پشمینه بافی قندهار و تکمیل لوازم آن و تهیه یک مقدار پشم جهت تدویر کارخانه مذکور .
- ۲- تکمیل عمارات و ماشینهای فابریکه نختابی و بارچه بافی جبل السراج که عنقریب افتتاح میشود .
- ۳- خریداری یک دستگاه برای تهیه ینبه هیدروفیل جهت شفاخانه ها و غیره و تهیه محل نصب آن در جوار فابریکه نختابی جبل السراج .
- ۴- اقدام به خریداری یک فابریکه بزرگ سمنت سازی .
- ۵- تاسیس یک کارخانه بزرگ پاك کردن و عدل بندی ینبه در قندوز و کویچکتر از آن در امام صاحب و تهیه عمارت برای آن و همچنین ساختمان عمارت برای گدام ینبه در بغلان و تالقان و خواجه غار که این موسسات به توجه و ، ج شیرمحمد خان نائب الحکومه قطنین بوجود آمده است .
- ۶- اصلاحات در فابریکه های سابقه و نگرانی در خوبی و تزئید حاصلات صنعتی آنها از قبیل فابریکه گوگرد سازی و فابریکه چرم گری و بوت دوزی و فابریکه نجاری مرکز و غیره .
- ۷- تشکیل یک مدیریت تخنیکي و نگرانی برای تقویت و خبرگیری دائمی فابریکه ها .

امور تعمیرات :

تبصره : این تعمیرات بجز از دو تعمیر اول الذکر که توسط مدیریت عمومی تعمیرات وزارت فواید عامه ساخته شده ، باقی توسط نائب الحکومه ها و حکام اعلی اعمار گردیده و نیز عمارات مربوط به وزارت خانه ها

- ۶- پل جلمس - دو قنناق دارد ساختمان آن از سنک و سمنت مسافت طول ۳۰ متر پوشش آن از آهن گادر و بسته کاری گادرهای مذکور تکمیل و روی پل مذکور تخته چوبی فرش و بالای آن چونه و ریک انداخته شده .
- ۷- پل دینوا - دو قنناق دارد و قنناقیها بمنذ کور از سمنت و سنگ ساخته شده طول مسافت پل مذکور - ۳۰ متر پوشش آن از آهن گادر بسته کاری آن اکمال و در روی پل مذکور تخته چوبی فرش و بالای آن چونه و ریک انداخته شده .

حکومت اعلائی مشرقی :

- ۱- خامه کاری سرک ما ماخیل از حد نشین حکومتی اعلی تاقریه ملایان کته خیل بطول ۳ کیلومتر و عرض ۶ متر تمام و آباد شده .
- ۲- سرک طرف حکومت رودات از حد تهنانه سیوم چوره گلی الی حکومتی جدید تمدید شده طول ۹ کیلومتر .
- ۳- پخته کاری سرک بجد شاه ناصر آقاصربوط حکومتی سرخورد .
- ۴- پخته کاری سرک این عمومی زحد جای نقیب صاحب الی جای ملک غلامرسول خان بطول ۲۴۵۶ متر که بمع ۸ آبرو پخته کاری شده .
- ۵- سرک دره علی شننگ لغمان از حد قلعه گل احمد الی نجیل بطول ۱۵ کیلومتر تمدید شده .
- ۶- پلها و آبروهای ذیل که از سابق و ترمیم طلب شده بود ، درین سال ترمیم شده است : پل هاشم خیل ، پل نویان ، پل درونته ، پل قلعه السراج ، پل سرخ آب ، پل نمه ، آبرو و پل قرغه گی لغمان . آبرو سراج العمارت ، دو آبرو بجد پل کلان قلعه السراج .
- ۷- یک معبر بجد شیله فتح آباد که بطول ۶۸ متر و عرض ۸ متر میشود جدید ساخته شده .

دران شامل نبوده درذیل هر وزارت ذکر گردیده است)

الف ولایت کابل :

۱- تعمیر مقبره اعلی حضرت شهید رحمت اللعالمه که کار ساختمان آن ازدوسال باین ظرف جاری و درسال ۱۳۱۶ طبقه تحتانی آن ازسنگ خشتی آباد و طبقه دوم هم تا حد پوشش رسیده است .

۲- عمارت بالاحصار که ازسه سال باینطرف ساختمان آن جاری بوده درسال ۱۳۱۶ باتمام رسیده است .

۳- دکانهای چمن که در اثر حریق طبقه فوقانی آن ویران شد و چون وقت جشن نزدیک و عمارت مذکور در منطقه جشن واقع بود یک یک حصه آن از طرف هر وزارت خانه تعمیر و تا وقت جشن استقلال سال ۱۹ تکمیل شد .

ب : ولایت قندهار :

۱- تعمیر هتل گر شک که درسال گذشته کار تعمیر آن جاری و اینک درسال ۱۳۱۶ کار آن باختم رسیده .

۲- تعمیر هتل دلارام هم مطابق هتل گر شک تکمیل و خاتمه یافته
۳- تکمیل تعمیر فونسلگری که در شهر نو باصول عصری درسال گذشته مطابق نقشه اصولی شروع و درسال ۱۳۱۶ خاتمه یافته .

۴- تعمیر هتل قندهار که درسال گذشته شروع و در ۱۳۱۶ خاتمه یافته .

۵- تشویق یک عده از اهالی برای ساختمان عمارت عصری در شهر نو که تا حال به تعداد ۴۰ عمارت بالغ و اکثراً نزدیک بتکمیل است .

ج : ولایت هرات :

۱- تکمیل عمارت دارالحکومتی که درسال ۱۳۱۵ شروع شده بود .

۲- ساختمان یک عمارت برای دوائر مستوفیت در شهر نو که

کلیه کار آن تمام و مابقی درسال ۱۳۱۷ تکمیل خواهد شد .

۳- ساختمان عمارت بزرگ برای مکتب رشده متوسط در شهر جدید که قسمت کلی کار آن تمام و درسال ۱۳۱۷ تکمیل خواهد شد .

۴- تکمیل عمارت مدیریت خارجه که درسال ۱۳۱۵ شروع شده بود .

۵- تکمیل عمارت مهما نخانه « « « « « «

۶- تعمیر تپانه سر حدی در اسلام قلعه بایک کار وان سرای و یک هتل و یک گاراج برای مسافرین .

۷- تعمیر ۴ تپانه دیگر (بمقامات : موسی آباد ، کلاته نظر خان دهنه ذالفقار ، چهار یگ ، کمانه) که اکثر آن تکمیل شده .

۸- تکمیل عمارت مکتب ابتدائی مرکزی که کار مذکور در سال ۱۳۱۵ شروع و درین سال خاتمه یافته .

۹- تکمیل عمارت پست و تلگراف که در آخرسال ۱۳۱۵ شروع و در این سال ختم شد .

۱۰- تشویق یک عده تجار و مامورین به ساختن عمارات عصری

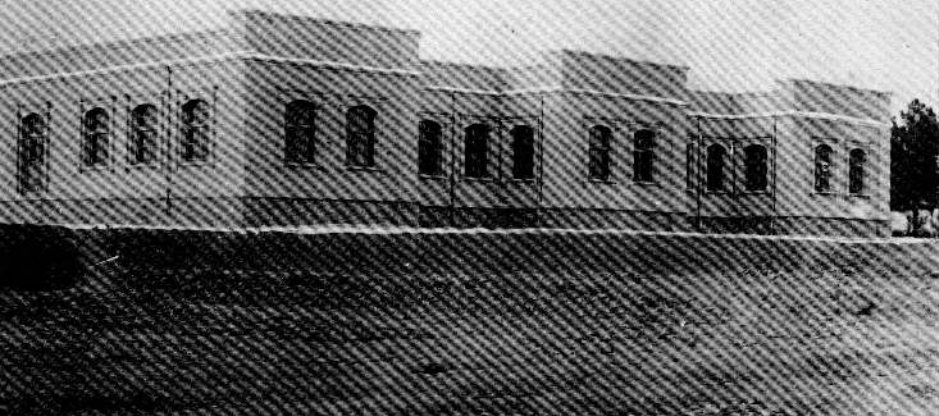
در شهر نوهرات که عموم این عمارات با عمارات دولتی فوق الذکر در دو طرف جاده بزرگیکه دارای دو سرک مو تر رو (رفت و آمد)

و ۷ متره و در وسط دارای یک گلدان بعرض ۳ متر و در دو نهایت آن دو پیاده رو فراخ میباشد ، بنا گردیده است . که تماماً عرض سرک مذکور ۳۰ متر است .

د : ولایت مزار شریف :

۱- چون در دره صوف یک معدن ذوغال سنگ موجود است

درسال ۱۳۱۶ داشهای خشت پزی که بواسطه ذوغال سنگ گرم



از عمرانات سال ۱۳۱۶ و لایت هرات : دوائر مستوفیت

Type des bureaux des finances nouvellement construits à Hérat

از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای میمنه : عمارت سررشته داری اعلای

Type des bureaux des finances nouvellement construits à Maimanah



سالنامه « کابل »

میشود ساخته شده و علاوه بر آن از ذوغال مذکور برای دوائر رسمی و رعیتی در موقع زمستان استفاده بعمل آمده است .

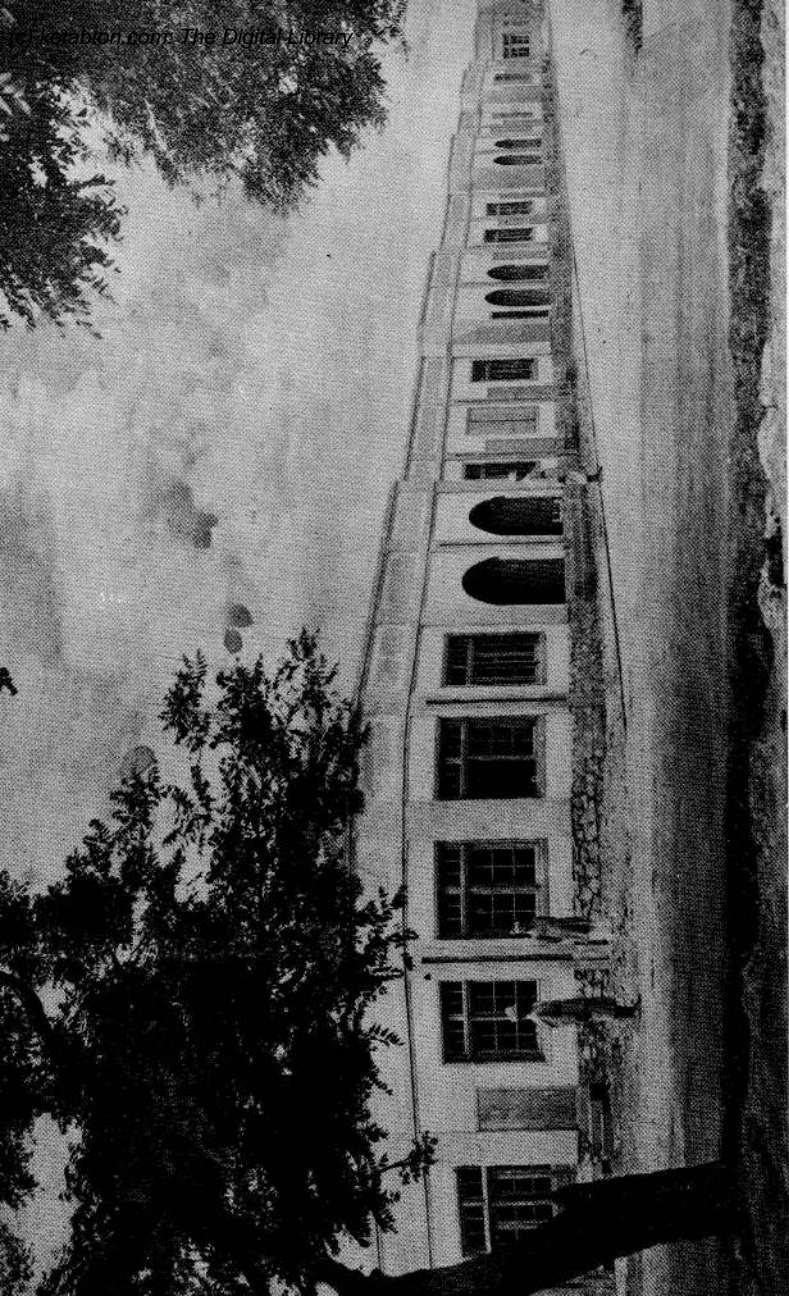
۵- ولایت قطغن و بدخشان :

۱- احداث بازار جدید بغلان : چون درین اوقات قریب ، احوال حیاتی اهالی بغلان بواسطه ترقیات زراعتی پنبه و غیره بد رستی تامین شده و اقتضای نمود که بازار جدیدی در آن ناحیه آباد شود چنانچه به ترتیب نقشه آن پرداخته شده در عرض سه ماه امسال به تعداد (۱۲۰) دکان و (۴) کاروان سرای و چندین باغچه و چندین حویلی و یک عمارت مکمل و منظم برای دوائر حکومتی محلی و کددام های پنبه و مامورین پنبه در آن ناحیه آباد و صرف استفاده واقع شده - چون نقشه شهر مذکور خیلی منظم و بسیط است و موفقیت بغلان نیز برای ترقی و آبادی مساعد میباشد امید است در آتی قریب بترقی خوبی نائل گردد .
۲- در حکومت دوشی یک عمارت منظم و مکفی برای حکومت دوشی و دوائر مربوط آن تیار گردیده .

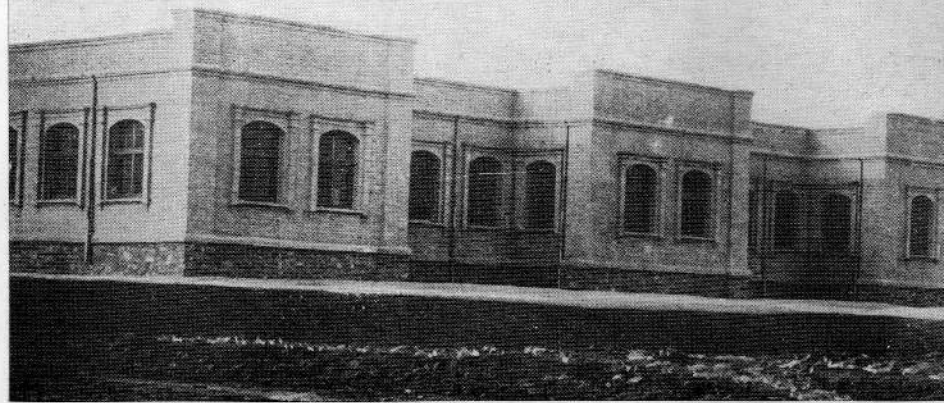
۳- ساختمان عمارت درعلاقه داری تاله و برفک برای دوائر حکومتی .
۴- ساختمان عمارت درعلاقه داری خنجان برای دوائر حکومتی .
۵- ساختمان عمارت درعلاقه داری چادره قدسوز برای دوائر حکومتی .
۶- برای بود و باش ذواتیکه در حصه غوری برای شکار می آیند یک عمارت عالی و موزونی تاسیس و کار تعمیریه آن درین سنه بیشتر تکمیل شده است .

و - حکومت اعلای مشرفی :

۱- تعمیر یک هتل عصری در باغ عمومی ماما خیل



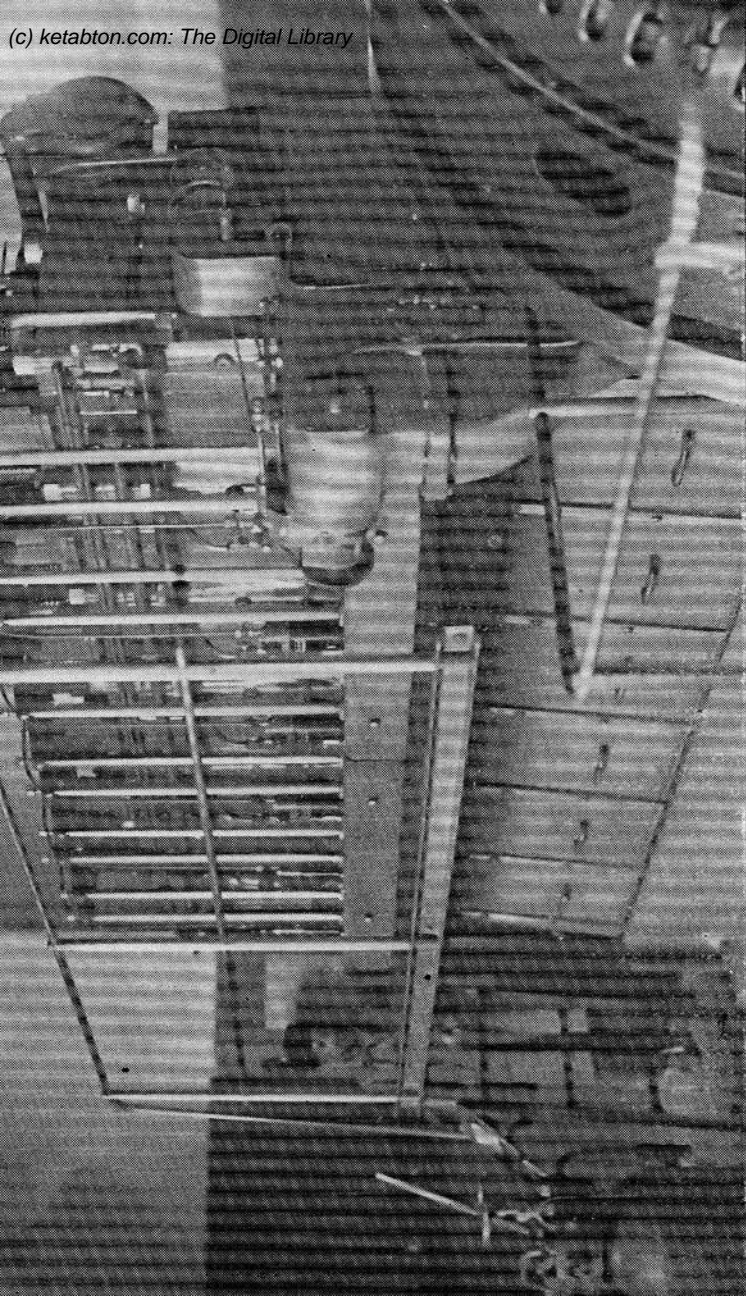
از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلیٰ مشرقی : بازار جدید در شهر نوجلان آباد
Type des bazars nouvellement construits à Djelalabad



از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : مهمانخانه دولتی
Type des hôtels nouvellement construits à Hérat

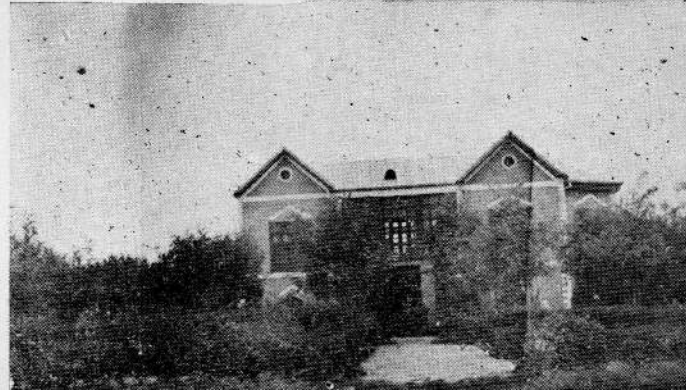
از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : پل ادرسکن
Type des ponts nouvellement construits à Hérat





از کار رواتی های سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه در کابل : ماشین دیزل برقی که اخیراً در کابل بکار افتاده
و (۳۰۰) اسپر قوه میدهد

Type des machines électriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul



در اطراف باغ عمومی
مزاراد باد شده است
aux alentours des
jardins publics

از نوع رواتی مدرن است



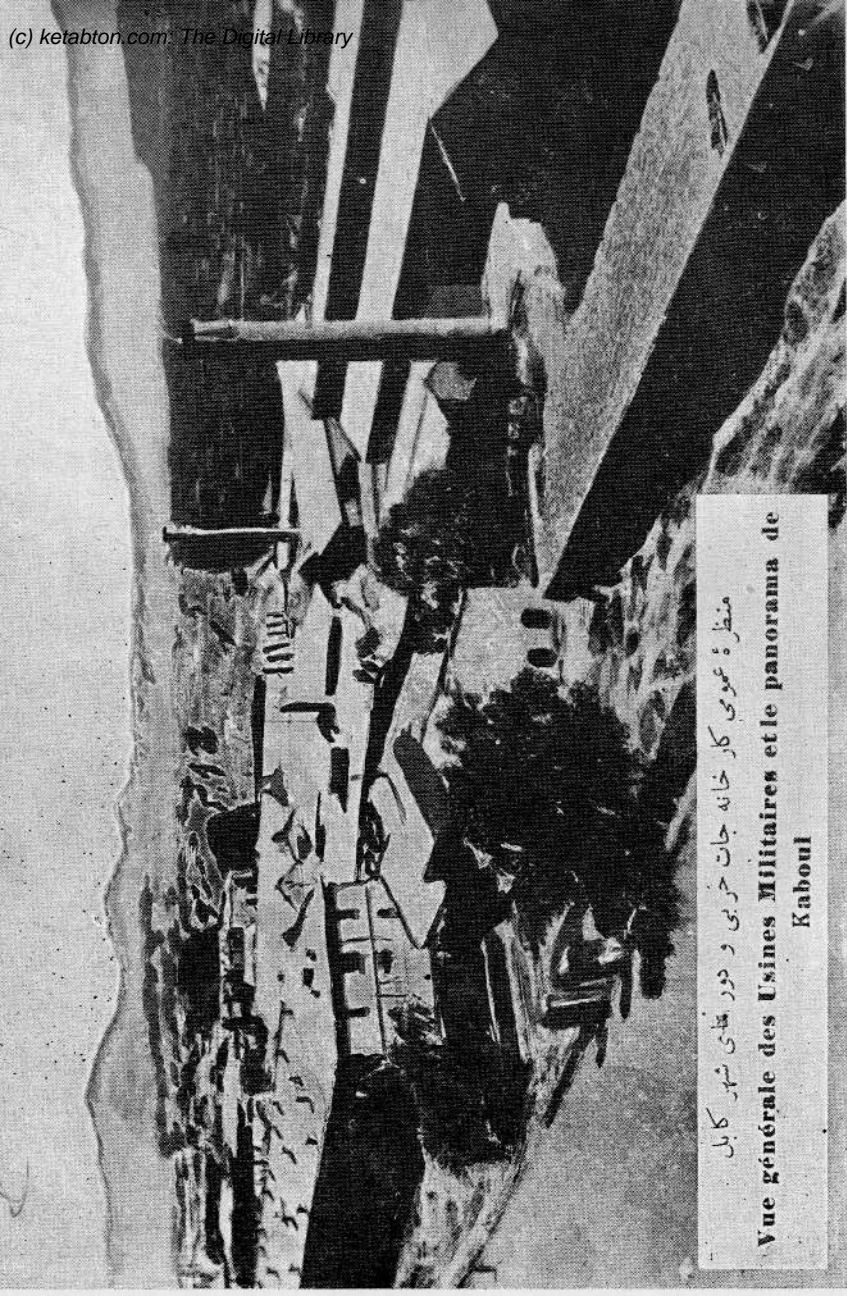
کرده و اکنون بوجه مقام دار الحکومه کی
بات سلسله تعمیرات دولتی و شخصی
nouvellement construits
à Mazari-i-Chérif ,



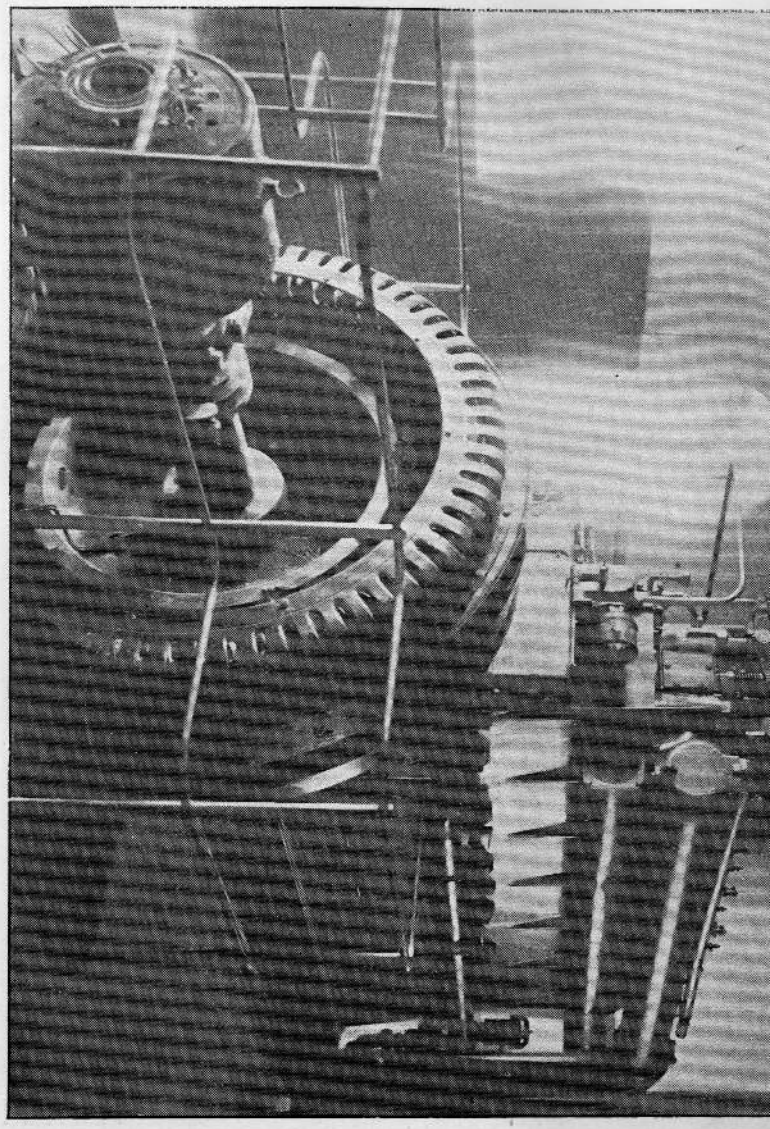
بعضی از عمارات سال ۱۳۱۶
ولایت مزار شریف : نهضت عمرانی
در ولایت مزار شریف نیز ترقی

Types des bâtiments modernes

منظره عمومی کارخانه جات خربی و دور بخای شهر کابل
Vue générale des Usines Militaires et le panorama de
Kaboul



از کار روانی های سال ۱۳۱۶ وزارت فواید عامه در کابل: ماشین دیزل بوقک اخیراً در کابل بکار افتاده و
(۳۰۰) اسب قوه میدهد
Type des machines électriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul



ممکن است کسب ارتقاء نموده و مفهوم حقیقی صحت و تندرستی در تمام حصص و صن بسط و توسعه یابد، مسائل صحتی و کارهای متعلق بصحیه در جریان سال ۱۳۱۶ بهراتب از آنچه که در سال گذشته بود پیشرفت حاصل نموده و وزارت صحیه را موفق گردانیده است تا به تعمیم نظریات و پروژه های حکومت متبوعه در هر یک از نواحی صحتی بپردازد.

اینست که خلاصه اجرا آت مهمه سال ۱۳۱۶ وزارت صحیه را ذیلاً از نظر خوانندگان گرام میگذرانیم:

شعبه تداوی داء الکلب:

داء الکلب مرضی است که بواسطه گزیدن سگ دیوانه پیداشده و همه میدانیم که هرگاه این مرض شوم در موقع لازمه اش معالجه نشود عواقب ناگواری برای مریض پیش کرده و بالاخر او را بایک عالم اعراض و آلام مدهشه بدیار مرگ و فلاکت سوق میدهد. وزارت صحیه درین سال موفق شد تا توسط متخصص موسسه باکتریولوژی مربوط خویش بمقدار مکفی از (واکسین) مرض سگ هار تهیه و احضار نموده و صرف استفاده مراجعین سگ هار گزیده قرار دهد، اینست که برای حاضر دوشعبه جهت پذیرائی و معالجه هار گزیده گان افتتاح نموده است که یکی آن در خود موسسه باکتریولوژی واقع دارالفنون کدرحقیقت موسسه مزبوره یک انستیتو پاستور حقیقی است که در تمام ممالک دنیا معروفیت داشته و یک یک موسسه بهمین نام در هر مملکت موجود میباشد، شعبه دیگر آن در شفاخانه ملکی مرکز دائر گردیده است تا حتی الامکان تسهیلاتی برای مراجعین و مریضان مصاب باین خطر بعمل آمده باشد چنانچه موسسه های مذکور تا کنون به تداوی یک عده مراجعین پرداخته و نتایج مثبتی از آن بدست آمده در موسسه

شده در طول سال ۱۳۱۶ یک ماشین جدید بقوه (۹۵۰) کیلوات برای سارخانه بزرگ جبل السراج خریداری و تورید کرده شده چنانچه عنقریب بکار خواهد افتاد و آنوقت ماشین های سابقه که خدمت زیادی نموده زیر ترمیم و اصلاحات گرفته خواهد شد.

۲- کار ساختمانی کارخانه بزرگ برقی آبی (۳۰۰۰) کیلوواته که در چک وردک ساخته میشود و آغاز آن در سال ۱۳۱۵ شده در جریان سال ۱۳۱۶ خیلی پیشرفت کرده و ممکن در سال ۱۳۱۷ عملیات مقدماتی تمدید نهر و بند آب تکمیل و کار نصب فابریکه شروع گردد.

مقررریها و تر فیعات سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه:

ع، غلام محمد خان انجنیر برق بمدریت عمومی برق؛
ص، نظام الدین خان سابق مدیر فابریکه پشمینه باقی قند هار بمدریت جدید تشکیل تخنیکي نگرانی و فابریکه ها.
ص، شیر محمد خان سابق متخصص پشمینه باقی مرکز تر فیعا به مدیریت فابریکه پشمینه باقی قندهار.

امور صحیه

ذواتیکه دلچسپی و علاقه مفراطی در شعون مملکتی داشته و تحولات یومیه تمام شعب آنرا بانظر غور و دقت مینگردند ملاحظه خواهند فرمود که در قسمت امور صحیه که یکی از شعب مهم حیاتی بشمار میرود، در دوام هر سال قدمهای فراختر و متین تر برداشته شده و توجه خاصیکه حکومت نسبت به آن مبذول فرموده و در نظر دار دجنه صحتی مملکت تا آنجائیکه

با کتریولوژی علاوه بر تهیه واکسین داء الکلب و تهیه خال چیچک که سالانه بربیک مقدار مکفی تهیه گردیده و در تمام نقاط مملکت بمصرف رسانیده میشود و اکسین مرض کولرا (وبای هیضه) نیز تهیه و احضار گردیده میروند تا اگر خدا ناخواسته در کدام نقطه ازین مرض بروز نماید هماندم جلو آن مسدود گردیده و واکسین مزبور تطبیق یابد و همچنان واکسین ضد سحره آماده شده برای استعمال حاضر کرده شده است .

فلمهای صحی :

بهر اندازه که نشریات و تبلیغات و بالاخره کنفرانسهای صحی برای تنویر اهالی راجع با امراض و طرق و قایه یا حفظ ما تقدم از مرض و صورت اتخاذ طرز زندگی مطابق بقواعد حفظ الصحه خدمت مینماید، سینماهای صحی نیز بهمان اندازه و بلکه بیشتر از آن در طریق این منظور خدمت نموده و ناظرین را علی المشاهده از چگونگی یک مرض و صورت سرایت و نشو و نما و خرابی ها و اضرار و غیره آن در وجود، مطلع ساخته و بدون شبهه آنها را از ابتلا به بسا امراض مهلکه نجات می بخشد علیهذا وزارت صحیه در پی اقداماتیکه راجع به نشر رساله دائر ساختن کنفرانس های ماهانه صحی بکار برده و انرا دوام داده میروند، چنانچه ملاحظه شد، اقدام به توريد فلمهای صحی نیز نموده و چنین تجویز کرده است تا همیشه فلمهای صحی راجع بهر نوع امراض و مهلکه را مجاناً در دسترس استقاده عموم گذاشته و در قسمت دومررض خیلی مغفور « سفلیس و سوزاک » که درسائر ممالک تخریبات مد هسه خود را نشان داده و تاثیر نازیبائی در نسل بشری وارد میکنند فلمهای آنها را بطور قطع خریداری نموده و دائماً در تمام نواحی مملکت در معرض تماشای اهالی قرار دهد و بطوریکه اشاره شد

تا کنون فلمهای صحی از قبیل ملارینا سفلیس، تیفوئید و غیره از خارج وارد و در معرض نمایش و مشاهده عامه گذاشته شده و برای تهیه و توريد سائر فلمهای لازمه نیز تشبث شده است .

۳ - افتتاح شفاخانه های جدید در ولایات :

الف : شفاخانه مستورات درسه ولایت ذیل :

۱- مزار شریف

۲- قندهار

۳- هرات

این سه شفاخانه تماماً از پول اعانه اعلیحضرت همایونی تا سیس یافته است .

ب : شفاخانه های مردانه :

۱- شفاخانه ملکی دایرنکی مربوط ولایت کابل

۲- « « بادغیسات « « هرات

۳- « « غورات « « «

۴- « « قلات « « قندهار

۵- « « شهرگان « « مزار شریف

۶- شفاخانه بلدییه اندخوی : این شفاخانه در اثر تشویق و ترغیب وزارت صحیه از پول بلدییه و اعانه اهالی اندخوی تاسیس یافته و شفاخانه موصوف هم به بلدییه آنجا متعلق و از طرف وزارت صحیه مساعدتهای لازمه در باره آن بعمل آمده میروند .

۷- شفاخانه ملکی چخانبور مربوط حکومتی اعلائی فراهم .

علاوتاً در منطقه اندخوی یک شرکت دوا فروشی نیز با اجازه

وزارت صحیه برطبق سائر شرکت های ادویه فروشی از طرف چند نفر شرکا تاسیس یافته و مجبور به رعایت از مقررات اصولنامه دوا فروشی ها قرار داده شده است.

۴ : پروانتوریم : پروانتوریم که عبارت از استراحت خانه یا نقاهت خانه میباشد ، مؤسسه ایست که نسبت به ستاتوریم بیشتر مستزم صرف پول و مصارف گزاف می باشد درین مؤسسه اشخاص ضعیف و آنهاییکه بدوره نقاهت مرض آمده و محتاج استراحت باشند و نیز کسانیکه مستعد بقبول مرض سل بوده و دارای میکروب این مرض نمیباشند و غیره . . . جا داده شده تا مدت عود صحت کامه استراحت مینمایند .

تاسیس این مؤسسه خیلی مفید و نیز از پول اعانه اعلیحضرت همایونی است که دقایق ضعف و اضطراب اشخاص ضعیف را ملاحظه فرموده و یک پول هنگفتی را اعانتا بوزارت صحیه لطف و احسان فرموده اند . تعمیر و محل و لوازم کار آمداین مؤسسه سردست تهیه و آماده گئی بوده و در شروع سال آینده اگر خدا بخواهد افتتاح می شود .

۵ : - عمارت شفاخانه ملکی شمالی : کار ساختمانی عمارت شفاخانه ملکی شمالی که بصورت عصری و موزونی است با تمام رسیده و اکنون شفاخانه مزبور در عمارت جدید خویش نقل مکان نموده است .

۶ : - عمارت شفاخانه ملکی مزار شریف : از پول اعانه ملی و کمک عموم مامورین و ولایت مزار بتوجه و ، ج گل احمد خان نائب الحکومه یک عمارت عصری برای شفاخانه ملکی مزار شریف در قریب شهر تاسیس و کار تعمیر آن جاراست .

۷ : - شفاخانه سیار : چون در اکثر اوقات در بعضی نواحی

وضن ، مجادله با کدام مرض ایجاب نموده و بدفع و محای آن اقدامات سریعه لازم می افتد ، علیهذا وزارت صحیه برای آماده گئی جهت اجرای این منظور و اینکه عندالضروره هیچ سکتگی در کار مجادله با کدام مرض رخ ندهد یک شفاخانه سیار مکملی با سامان و لوازم و ادویه آن تهیه دیده است تا در وقت لزوم سریعا با اجراآت خویش قیام ورزیده بتواند .

۸ : - بنای جدید مؤسسه معالجات برقی : وزارت صحیه در قسمت تداوی حکمی و الکتریکی نیز داخل اقدامات گردیده در سال ۱۳۱۶ در جنب عمارت سابقه اکسریز (در کابل) به تعمیر یک عمارت جدیدی پرداخته که عمارت موصوف بخواست خداوند تا اوایل سال آتی با تمام خواهد رسید ، درین عمارت انواع ماشین های جدید تداوی حکمی و الکتریکی از بهترین سیستم عصری نصب و طرف استفاده مراجعین گذاشته خواهد شد ، راجع بخرید ماشین و لوازم آن اقدامات لازمه بعمل آمده و تا بسر رسیدن عمارت جدید ، وارد و بکار انداخته خواهد شد . مؤسسه مزبور پس از تکمیل در قضاوت بهترین مؤسسات اکسریز دنیا اخذ موقع نموده میتواند .

۹ : - کود کستان : کود کستان مؤسسه ایست که در سر نوشت آتیه مملکت رول عمده ایفا مینماید الله الحمد مملکت ما هم نائل چنین یک مؤسسه قیمتمدار گردیده و از طرف وزارت صحیه زمینه مقدمات آن در هذاگسته وضع گردیده است تا در آتی بخواست خداوند تکمیل و افتتاح شود .

این مؤسسه که جا دارد در اطراف آن هر چه تمجید و تعریف

کرده شود از پول اعانه علیا حضرت ملکه معظمه شرف تا سپس حاصل نموده است .

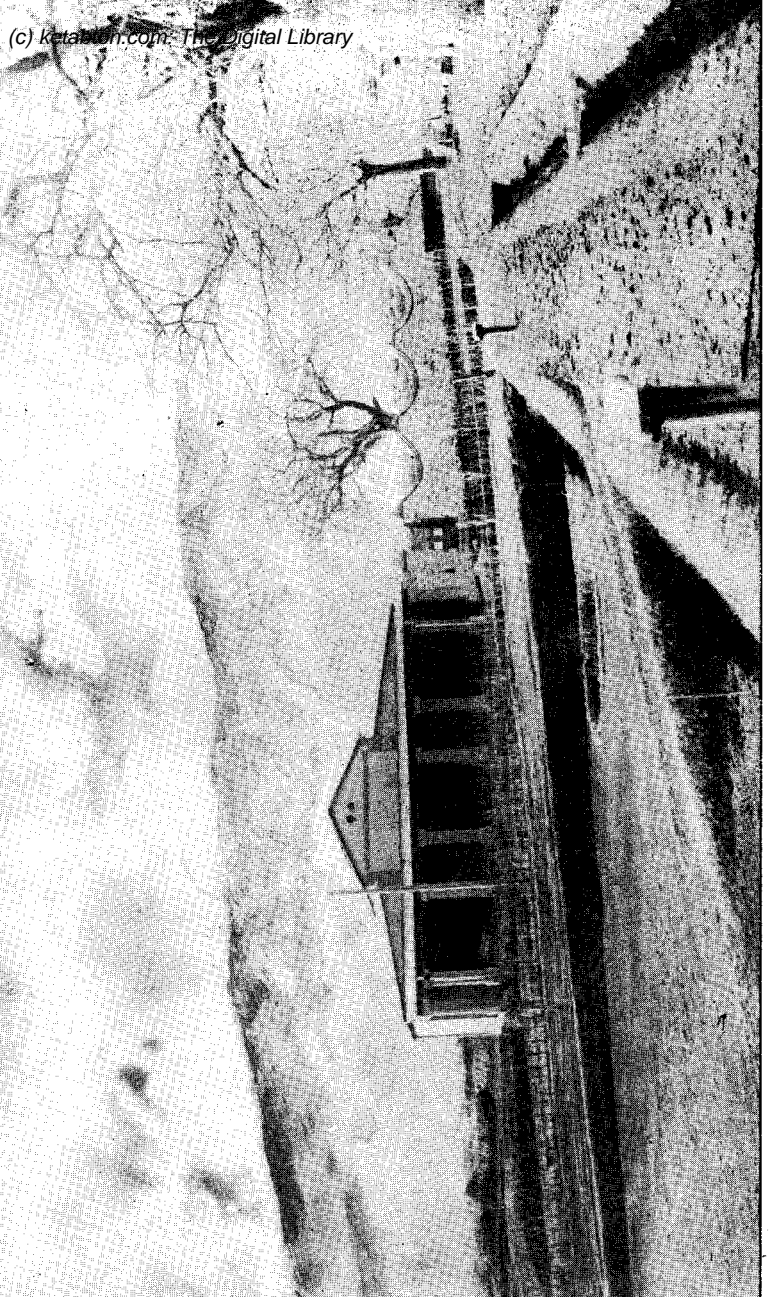
۱۰ - استخدام دکتور متخصص اطفال و منظوری يك تعداد بستره برای اطفال مریض ؛ در سال ۱۳۱۶ وزارت صجیه بکنفر دکتور متخصص امراض اطفال (عزتمند انفوس سوله) را از اطریش استخدام نموده و از مدتی است که این شخص وارد و بمعاینه و معالجه اطفال مریض می پردازد ، ولی چون در بعضی موارد ، لازم می افتد برخی از اطفال بصورت بستری تحت نظر متخصص موصوف زیر معالجه قرار داده شوند . از انرو وزارت صجیه منظوری يك تعداد بستره را برای اطفال نیز حاصل نموده است تا اطفال مریضی را که دکتور لازم بداند بصورت بستری زیر معالجه و تداوی خویش قرار دهد .

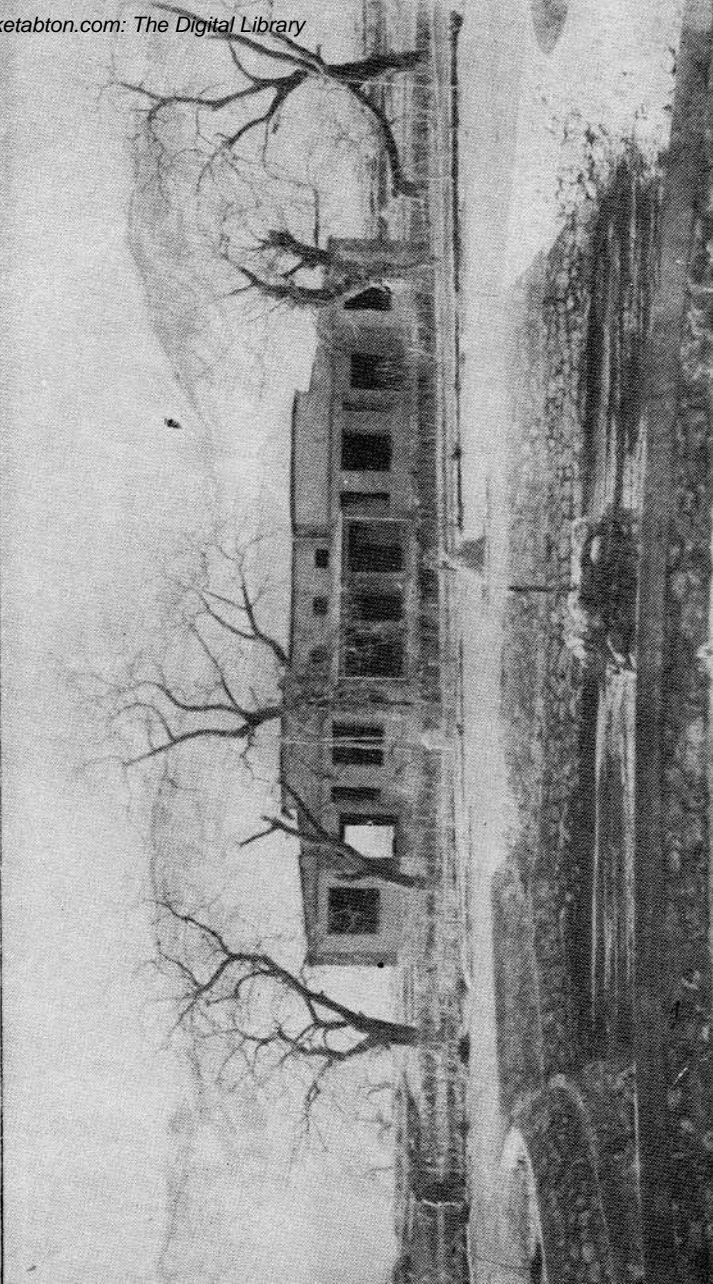
۱۱ - کورس قابله گی و پرستاری ؛ امسال نیز مانند سالهای گذشته یکمده از متعلمات کورس قابله گی شفا خانه مستورات و عنده از طلاب کورس کمپودری و پرستاری شفاخانه ملکی فارغ التحصیل گردیده و شهادتنامه های اصولی برای شان اعطا گردیده است تا بهر جا خواسته باشند بکار قابله گی و پرستاری بپردازند .

۱۲ - توسیع صنوف قابله گی ؛ چون از طرف اهالی یوما فیوما رغبت و تمایل زیادی باین شعبه بملاحظه رسیده و هر روزه تعداد داخله صنوف آن درترتاید میباشد ، امسال در صنوف قابله گی ایزاد بعمل آمده و تجویزی بکار برده شده است تا مراجعین بصنوف متذکره محروم از تعلیم و تحصیل نمانده و در هر مورد پذیرفته شده بتواند .

۱۳ - در فهرست های تعیین اخذ اجرت ساخت و تداوی و پرکاری دندان متعلق بمؤسسات دندان سازی مردانه و زنانه مربوط وزارت

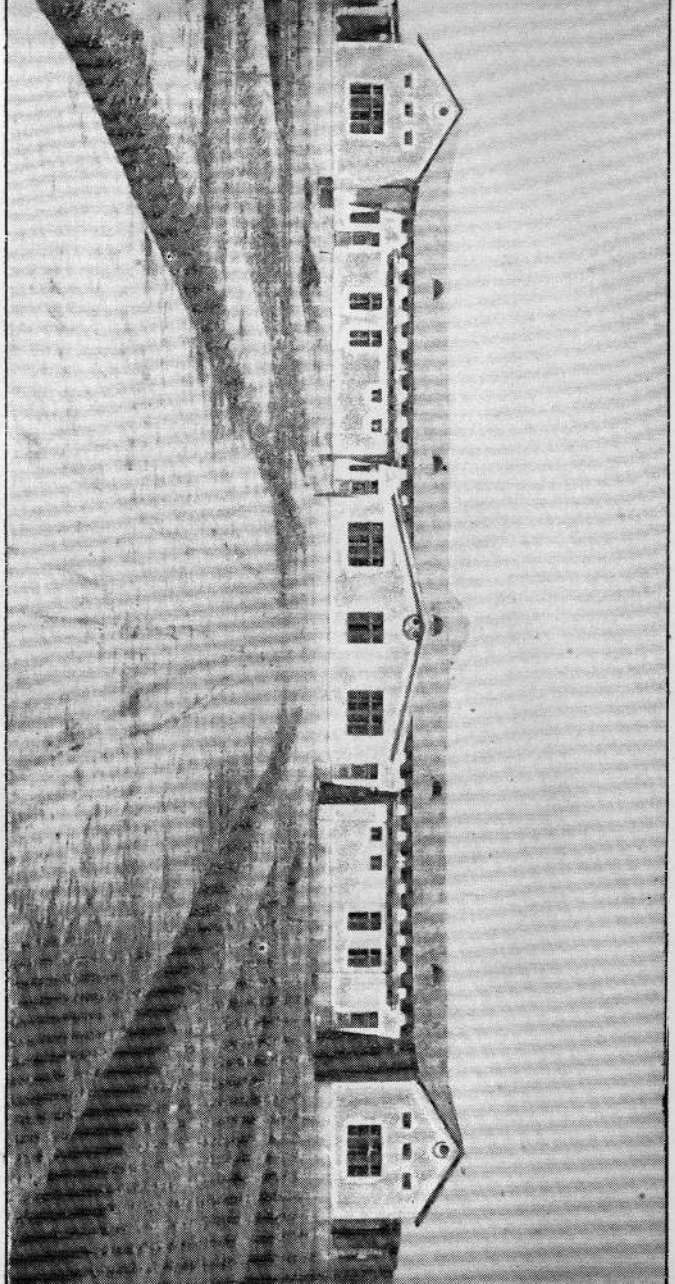
از عمارات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای مشرفی ؛ دکان های مقابل باغ عمومی ماماخیل
Type des magasins nouvellement construits aux alentours des jardins publics de Mama-Khil
(Prov. de l'Est)





از عمرات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلاى سمت مشرفى : هوتل باغ عمومى ما ما خيل
 Hotel nouvellement construit à Mama-Khil (Prov. de l'Est)

از عمرات سال ۱۳۱۶ صحى در ولايت مزار شريف : شفاخانه ملكى
 Hôpital civil nouvellement construit à Mazar-i-Chérif



اجرا آت دوائر مملکتی

صحبہ تعدیلاتی وارد گردیده و امسال در بسیاری از قلمت آن نسبت بسال گذشته تنزیل بعمل آمده است .

۱۴ :- برطبق معمول سنوات گذشته امسال نیز یاد داشتہای متعلق بامور صحبہ برای ریاست بلدیہ صادر گردیده تادرقسمتہای مربوط ریاست موصونہ در دست اجرا گرفته شود .

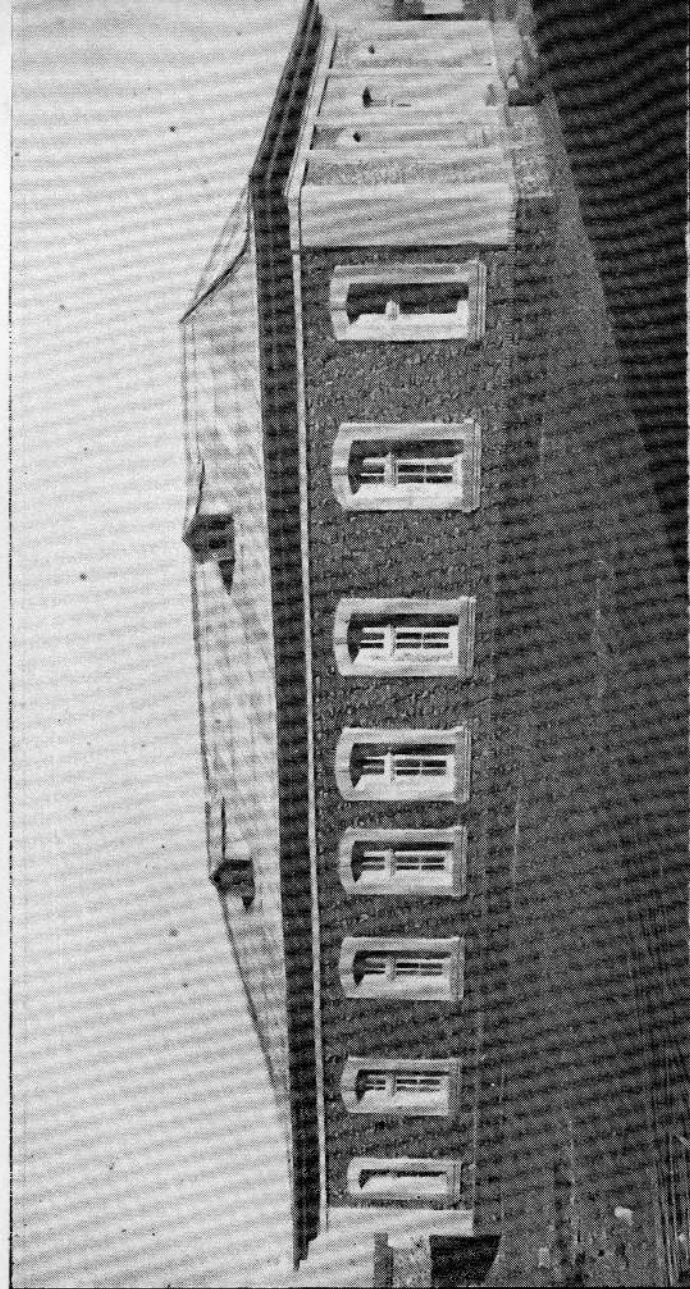
۱۵ :- در سال ۱۳۱۶ قرار معمول ہمہ سالہ یک نفر دکاتور و یک نفر کمبوندنر با مقدار ادویہ و سایر مایحتاج صحبہ حجاج افغانی بطرف بیت اللہ شریف اعزام گردیده و دکاتور آن آقای سیدرشیدالدینخان مقرر شدہ است .

۱۶ :- در سال ۱۳۱۶ یک عده تعمیرات دیگری نیز در جنب عمارت شفا خانہ ملکی علی آباد کہ ملحق بشفاخانہ موصوف میباشد اعمار گردیدہ است .

۱۷ تفتیشات و تعقیباتیکہ وقتافوقتا از طرف شعبہ تفتیش مدیریت مشاورہ فنی وزارت صحبہ را جمع بہ امور مختلفہ و خصوصا شرکت های دوا فروشی بعمل آمده میروند نتائج خوبی داده و اکنون تمام کارهای شرکت های دوا فروشی حسب ہدایات ومقررات اصولنامہ دوا خانہها بہ محور خویش دور میزنند .

۱۸ :- مسئلہ تطبیق خال چیچک کہ در ہر سال از ضروریات امور صحبہ بشمار میرود در سال ۱۳۱۶ نیز در تمام نقاط دور و نزدیک مملکت تطبیق گردیدہ و تعداد مخال زدہ شدہ گان آن بالغ (۱۳۳۰۸۱۵) نفر میشود .

۱۹ :- مدیریت مشاور فنی نظر بہ کثرت وظائف خود منقسم بہ سه شعبہ ذیل گردیدہ است : شعبہ شناوری ، شعبہ تفتیش ، شعبہ ترجمانی .



ازموسسات سال ۱۳۱۶ وزارت صحبہ درولایت کابل: شفاخانہ ملکی چاریکار
Hospital civil nouvellement construit à Teharikar (Prov. de Kaboul)

۱۳۱ : ...
 ۱۳۲ : ...
 ۱۳۳ : ...
 ۱۳۴ : ...
 ۱۳۵ : ...
 ۱۳۶ : ...
 ۱۳۷ : ...
 ۱۳۸ : ...
 ۱۳۹ : ...
 ۱۴۰ : ...
 ۱۴۱ : ...
 ۱۴۲ : ...
 ۱۴۳ : ...
 ۱۴۴ : ...
 ۱۴۵ : ...
 ۱۴۶ : ...
 ۱۴۷ : ...
 ۱۴۸ : ...
 ۱۴۹ : ...
 ۱۵۰ : ...

۱۵۱ : ...
 ۱۵۲ : ...
 ۱۵۳ : ...
 ۱۵۴ : ...
 ۱۵۵ : ...
 ۱۵۶ : ...
 ۱۵۷ : ...
 ۱۵۸ : ...
 ۱۵۹ : ...
 ۱۶۰ : ...
 ۱۶۱ : ...
 ۱۶۲ : ...
 ۱۶۳ : ...
 ۱۶۴ : ...
 ۱۶۵ : ...
 ۱۶۶ : ...
 ۱۶۷ : ...
 ۱۶۸ : ...
 ۱۶۹ : ...
 ۱۷۰ : ...

عایدات هتل مذکور در سال ۱۳۱۶ نسبت به ۱۳۱۵ (۲۵) فیصد زیاد شده است .

۲ - تعمیر گاراچها و دکانهای هتل دوآب میخ زرین که در شرف تکمیل است .

۳ - تعمیر هتل جدید در استاف که در شرف تکمیل است .

۴ - ترمیم هتل بهار و هتل فرح یغمان .

۵ - شروع تعمیر یک هتل عصری جدید در میمنه .

فابریکه ترمیم موتر :

این فابریکه که برای ترمیم عماده ها و بعضی کارهای بسته کاری وغیره از چند سال باینطرف تاسیس و از دو سال باینطرف بر وزارت پست و تلگراف مربوط گردیده ، در سال ۱۳۱۶ یک عمده ماشین های جدید دران بکار افتاده و از طرف دیگر در نرخها تنزیل زیادی داده است . چنانچه درین اوقات عمده مراجعین خیلی بلند رفته و ضمناً موتر های پوسته نیز دران همواره ترمیم شده و میشود و علاوه از کار ترمیم موتر یک عمده کارهای بسته کاری وغیره نیز در فابریکه مذکور انجام میگردد . از روی احصائیه که مدیریت فابریکه ترتیب داده کار کردگی سال ۱۳۱۶ نسبت به سال ۱۳۱۴ فیصد (۶۰۰) و نسبت به ۱۳۱۵ فیصد (۴۰۰) اضافه شده و هم تناسب عایدات با مصارف بتدریج نزدیک و اخیراً پله عایدات بلند رفته است .

اجرا آت متفرقه:

الف : تشکیلات و تعدیلات اداری :

۱- تشکیل مدیریت عمومی حمل و نقل برای کارهای حمل و نقل دولتی

۲- مأموریت هتل ها نظر بوسعت کارهای مذکور بمدیریت تبدیل و تشکیل یافته است .

۳- در پست مدیریت تلگراف و حمل و نقل پوسته یک اندازه مأمورین اضافه شده .

مقررین و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت پست و تلگراف و تیلیفون :

ع ، غلام جبلانی خان سابق مدیر حمل و نقل پوسته ترفیعاً به مدیریت عمومی حمل و نقل .

ص ؛ عبدالخالق خان سابق مدیر شعبه تلگراف و تیلیفون تبدیلاً بمدیریت حمل و نقل پسته .

ص ، امین الله خان مأمور شعبه هوتلها ترفیعاً بمدیریت شعبه تلگراف و تیلیفون .

ص ، احمد شاه خان مدیر ابتدائی شعبه پست ترفیعاً بحیث مدیر انتهایی ص ، عبدالعزیز خان مأمور فابریکه ترمیم موترها بازر و سعت یافتن تشکیلات فابریکه مذکور ترفیعاً بحیث مدیر ابتدائی فابریکه مذکور ص ، غلام دستگیر خان سابق سرکاتب هتل کابل ترفیعاً بمأموریت هوتلها .

امور زراعت و فلاحت

امور زراعت از لحاظ زراعتی بودن افغانستان ، یکی از شعب درجه اول اقتصادی مملکت را تشکیل داده خیلی طرف توجه حکومت متبوعه ما واقع میباشد ، از همین جهت است که در سال ۱۳۱۶ نظر به نقشه هایی که حکومت متبوعه نسبت به بسط و توسعه آیینده زراعت سنجدیده است امور زراعت از وزارت تجارت منفک و بصورت یک ریاست مستقل تشکیل

یافته و ج، میرمحمد یوسف خان سابق مدیرمکتب زراعت که در فرانسه به شعبه زراعت تحصیل کرده اند، بریاست مذکور مقررودر قطار اعضای کابینه شامل شده و نیز یک تشکیل نسبه و سعی برای اداره امور زراعتی منظور و متخصصین فنی در رأس هر کدام تعیین گردیده است.

خلاصه اجراآت سال ۱۳۱۶ شعبات زراعتی قرارذیل است:

تبصره: چون ریاست زراعت در اخیر سال تشکیل شده اجراآت ذیل عبارت از همان اجرا آتی است که در تحت اثر وزارت تجارت بعمل آمده.

الف امور بندها و انهار: امور بندها که در سالنامه گذشته تفصیل داده ایم درین سال محض کار کرده گی سال ۱۳۱۶ آن را بیان میکنیم:

۱ - بند سراج غزنی: کار تعمیر این بند سابق ختم و یک مقدار آب کافی در آن همه ساله ذخیره میشود در وازه و نهای آن که جدید از خارج خواسته شده عنقریب رسیده نصب خواهد شد تنها بعضی ترمیمات و درز گیری آن در هندالسته بعمل آمده.

۲ - بند خروار لوگر: درین حال کار ساختمانی مذکور جریان داشته صورت کار کرده گی مذکور قرار ذیل است:

سنگ کاری از جمله ۶۰۰۰۰ متر مکعب که بر آورد شده - از ابتداء تا کنون ۳۰۰۰۰ متر مکعب آن باتمام رسیده و ۳۰۰۰۰ متر مکعب باقیمانده پخته کاری از جمله ۱۲۰۰۰ متر مکعب که بر آورد شده - ۷۰۰۰ متر مکعب تمام و ۵۰۰۰ متر مکعب پخته کاری با ۹۰۰ متر مکعب سمنت کاری باقیمانده.

۳ - بند قرغه: صورت کار شده گی سال ۱۳۱۶ قرار ذیل است:

۱ - از جمله ۷۳۶۰۶۰۰ متر مکعب حجم دیوار بند از ابتداء تا حال ۲۵۰۰۰۰۰ متر مکعب تکمیل و ۴۸۶۰۶۰۰ متر مکعب باقیمانده -

۲ - از برج مجرای آب ۴۰۰۰ متر مکعب پخته کاری از سنگ خشتی و سمنت بعمل آمده است.

۴ - بند زنه خان غزنی: کار این بند قریب اختتام بوده دروازه و نل بند نصب شده که در سال ۱۳۱۶ یک مقدار آب در آن ذخیره شده و البته برای سال آینده کاسه بند بدرجه کافی مملو خواهد شد.

حجم تعمیر بند فرار بر آورد مهندس - ۴۵۰۷۵۲ متر مکعب است حصه کار شده گی از ابتداء تا حال ۲۴۰۱۱۵ متر مکعب کار باقی مانده از روی متر مکعب قرارذیل است:

پخته کاری چونه و ریگ ۱۰۰۵۰۰ متر مکعب.

حصه کار کانا کربت ۱۸۳ متر مکعب.

کار سنگ پارچه و سمنت و ریگ ۹۵۴ متر مکعب.

۵ - بند مچلغوی سمت جنوبی: یک حصه مهم کار تهداب بند مچلغو باتمام رسیده چون جسم بند به نسبت بند های دیگر خورد تراست ممکن که بمدت سه سال دیگر بند مذکور باتمام برسد. حجم پخته کاری بند مچلغو قرار بر آورد مهندس - ۴۰۳۲۶ متر مکعب است حصه خام کاری - ۱۴۲۰۰ متر مکعب حصه پخته کاری که از شروع تا حال شده است ۱۶۷۶ متر مکعب حصه پخته کاری باقیمانده ۳۸۰۶۵۰ متر مکعب حصه خام کاری باقیمانده ۶۹۰۰ متر مکعب.

۶ - نهر سراج مشرقی: کار های نهر سراج مشرقی از قبیل تعمیر بروقهای جدید و ترمیم بعضی حصه های نهر مذکور و پاک کردن نهر احتیاطات لازمه گرفته شده در وسعت اراضی قابل الزرع و آبادی نهر مذکور افزوده خواهد شد.

ب - امور باغها و نباتات: در باغهای مر بوضه بسلسله سابق

- (۳) ولایت هرات (۳۰) فیصد
- (۴) « مزار شریف (۲۵) »
- (۵) « قطن و بدخشان (۱۵) »
- (۶) حکومت اعلائی سمت مشرقی (۱۲)
- (۷) « جنوبی (۸) »
- (۸) « میمنه (۷۰) »
- (۹) « فراه و چخانسور (۲۰) »

و - اجراآت متفرقه زراعتی در ولایات :

ولایت کابل :

- ۱ - غرس اشجار در تمام نقاط ولایت کابل که چه بروز های قلبه کشی وجه در باقی مواسم از طرف حکومت و اهالی بعمل آمده .
 - ۲ - غرس اشجار در دوطرفه سرك های جدید الاحداث و سابق .
 - ۳ - منع قطع اشجار در بعضی نقاط مثل یغمان و غیره .
- ولایت قندهار ،

۱ - زراعت پنبه درین سال در ولایت قندهار نتایج بهتری داده و هیئت های متخصصین کشت زار های پنبه را جهت معلوم کردن نواقص آن ملاحظه کرده اند .

۲ - احداث باغها در مرکز قندهار و تشویق اهالی به ساختمان باغچه های شخصی

ولایت هرات :

۱ - مدیریت فوق العاده جنگلات بر اثر پیشنهادات مدیریت زراعت در مناطق باد غیسات تشکیل و بیست و دو خروار هرات پسته جمع کرده کی خود را در اراضی باد غیسات بذر نموده و پسته های

تجارب فنی برای اصلاح نباتات بعمل آمده متخصصین جاپانی و غیره بکماک طلبه افغانی در هر حصه برای کشت اجناس جدید و تربیه بچویوانات و اصلاح نباتات صرف مساعی کرده اند خصوصا موسیواروزاکی جاپانی در حصص یغمان و چهاردهی برای زراعت نهال های جنگلی از قبیل پسته ، ارغوان ، بلوط ، اکاسی و اقسام صنوبر و بته های جای و تنباکو و غیره تجارب خود را شروع کرده است .

ج - تربیه کرم پيله : متخصص کرم پيله ، تجارب خود را بالای تربیه کرم پيله شروع نموده از روی معلومات و تجارب که اخذ نموده است پروگرام کار و حوایج خود را برای سال آینده پیش نهاد نموده در سال ۱۳۱۷ انشاءالله نتایج اطمینان بخشی حاصل خواهد شد .

د - تربیه گوسفند مری نوس و انتشار نسل آن در افغانستان : در سرکز و مزار شریف و قطن و میمنه و هرات و قندهار که به تفاریق یکعده فوج و میش مری نوس از خارج خریداری و فرستاده شده نتایج محصوله اطمینان بخش است و در ولایات و سرکز چوچه ها نیکه از جنس مری نوس و وطنی حاصل شده است خیلی باصل جنس مری نوس مشابهت دارد و به این قسم يك عده زیاد چوچه حاصل شده است .

ه - نهال شانی : نهال شانی باساس توصیه و تشویقات ذات اشرف ملوکانه و توجهات نایب الحکومه ها و حکام اعلی و حکام کلان و حکام ثلاثه و غیره ماورین مربوطه خیلی وسعت یافته و از روی احصائیه های مرتبه معلوم میشود که در سال ۱۳۱۶ نهال شانی نسبت به سال ۱۳۱۵ روی هم رفته در تمام افغانستان زیاده از (۲۴) فیصد ترقی کرده شرح ذیل :

(۱) ولایت کابل (۲۰) فیصد

(۲) « قندهار (۱۱) »

بذر شده سال گذشته و جنگلات سابقه پسته را بخوبی محافظه کرده است و هم پسته حاصله را بخوبی محافظت کرده تا پخته شویه و از آن رهگذر فایده ملی و تجارتهی بعمل آمده است .

۲ - برای ترویج بادام مقدار سه خروار بادام بحکومت کلان غورات ارسال شده تا در نقاط لازمه بذر گردد .

۳ - تخمین پنجهزار جریب زمین موسوم بفرق زنده جان که ریکرار و لامزروع بوده امسال برای زراعت تحت نظر گرفته شده که تخمین (۵۰۰) جریب آن پسته و بادام بذر شده و در دیگر حصه آن خنجاک و کاسور و عناب و انجیر و غیره بذر و غرس خواهد شد .

۴ - باضراف پل پنبتون که کناره های دریاست باندازه پنجم جریب زمین برای احداث جنگل در نظر گرفته شده است :

۵ - ازسبب کم رسی آب به تخت سفر تعمیر یک حوض ۳۶ بر ۲۵ متر در نظر گرفته شده که در مرتبه دوم آن بشکل سه مرتبه ساخته و پخته کاری شود .

ولایت مزار شریف :

بتأسی افکار بهی خواهانه حکومت مشوعه باحداث جنگل باغ های بزرگ در چند حکومت محلیه که زمین مساعد و آب بقدر کفایت موجود می شد اقدامات لازمه شروع و تا درجه موفقیت حاصل شده است به این تفصیل بحکومات بلخ ، دولت آباد ، اقیچه ، شیرخان ، سرپل تا شقرغان ، درین شش حکومتی در مواضع قریب مراکز از دو صد و پنجاه الی سه صد جریب زمین یک یک باغ بزرگ جنگل و ذخیره احداث شده ترتیب خیابانها و تقسیمات چمن های آنها به بسیار وضع درست اجرا شده و در هر باغ به تعداد زیاد نهال های مثمر و به

لك ها قلمه چنار و بید شانده شده که هر باغ در قسمت خود باعث زینت همان محل گردیده و حالا شکل يك نفر جگه عمومی را بخود گرفته امید است که در ظرف شش یا هفت سال اهالی هر منطقه و هم حکومت از آوردن و رساندن چوب کنار آمد عمرانات از يك نقطه به نقطه دیگر بالکل فارغ و مستغنی شده احتیاجات هر شهر و محل از خود همان جنگل باغ حاصل شود و هم حاصل درختان مثمر آن باعث استفاده زیاد خواهد شد .

و لایت قطغن :

۱ : مقدماتیکه برای توسیع زراعت پنبه سال ۱۳۱۶ این ولاسنجیده شده بود ، تخمین کرده می شد که عایدات پنبه امسال قطغن و بدخشان بدرجه متوسط میزان ده میلیون سیر را که معادل هفتاد و یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت تن میشود شامل خواهد شد ، متأسفانه باثر عارضه (گرد) که یکی از آفات مدعش زراعتی است پنبه در وقتیکه گل کرده بود دچار نقصان گردید . معذالک به اندازه (بیست و يك) لك سیر پنبه عایدات آن بدست آمد که این مقدار سه برابر عایدات پنبه سال ۱۳۱۵ میا شد .

۲ : حاصل تریاک بدخشان درین سته به ترقیبات معقوله نایل گردیده و رو بهم رفته چهارونیم برا بر عایدات سال ۱۳۱۵ تفوق جسته است

۳ : یکی از اجراآت سال ۱۳۱۶ اصلاح نهر (جوزون) واقع فیض آباد بدخشان می باشد ، چون دریای کوچکی بر زمین های فیض آباد آب داده نمیتواند و آب جوزون نیز مجرای درستی بداخل شهر موصوف نداشت لهذا باشندگان شهر فیض آباد ازین رهگذر احساس تکلیف مینمودند .

و ، ج شیر محمد خان نائب الحكومه قطغن در حین افتتاح سرك

اجراآت دوائر مملکتی

بدخشان این مسئله را تحت مطالعه درآورد و امر دادند که بصورت فنی نهر مذکور وسعت داده شود و بجریان آب مساعد گردد بهمان اثر نهر مذکور آباد و برای آبیاری شهر فیض آباد مساعدت درستی بعمل آورد .

۴ : سابقا تمام اراضی حضرت امام صاحب از نهر شهر و آن مشرب و ب میگردید ، چون سلسله آ بادی اراضی و پیشرفت زراعت درین سنوات آخر در امام صاحب زیاد گردید - بدیهی است تنها نهر شهر و آن به آبیاری کل اراضی وسیع امام صاحب کافی شمرده نمی شد ، لذا از طرف ولایت نقشه به آ بادی نهر کنم که در شرق حضرت امام واقع بوده و از دریای آمو آب میگیرد ترتیب و در حدود این سنه تا اندازه ۱۸ کیلومتر (شش کروزه) به عرض (چهار) متر حفر و ظرف استفاده صحیح زراعتی قرار داده شد .

حکومت اعلا ی میمنه :

۱ - غرس نهال های مشرب و غیر مشرب در نقاط مختلفه حکومت اعلا ی به تعداد (۱۰۰۰۰۰۰۰) اصله .

۲ - بندر تخم پسته در نقاط مختلفه

حکومت اعلا ی فراه :

۱ - غرس نهال های زیاد در مرکز فراه و باقی مراکز مهمه که چه از قسم اشجار مشرب و چه از قسم اشجار غیر مشرب که بصورت باغهای ذخیره ساخته شده .

۲ - زراعت پنبه در چغانسور که نتایج آن در سال ۱۳۱۶ نسبت به سال ۱۳۱۵ خیلی اطمینان بخش بوده و برای صادرات مقدار کلی پنبه تهیه شده است .

مقرریهای مهمه سال ۱۳۱۶ ریاست زراعت :

ع ، ص نور محمد خان متخصص زراعت به معینی ریاست .

ص ، محمد اسلم خان سابق مستوفی ولایت قندهار به مدیریت

کنترل ریاست .

ص ، نادر علیخان سابق وکیل شورای ملی به مدیریت مأمورین

و اجرائیه ریاست .

امور معادن

امور معادن که یکی از مهمترین بحث اقتصادی مملکت را تشکیل

میدهد ، خوش بختانه از مدتی با بنظر طرف مورد توجه حکومت متبوعه

واقع و جهت کار انداختن ذخائر تحت الارضی و طبق ترتیبات لازمه

گرفته شده ، چنانچه برای این مقصد ریاست مستقله معادن بنازگی

تشکیل و مشغول طرح پلانهای مهم و اقدامات بزرگی میباشد .

اجراآتیکه در مرور سال گذشته در امور معادن تحت نظر

وزارت تجارت بعمل آمده یکو انعقاد قرار داد استخراج معادن

جنوب است بایک شرکت افغان و المان و دیگر کار انداختن معدن

ذوغال غور بند که برای داشهای خشت پزی و غیره مصارف مقدار زیاد

ذوغال مرکز آورده شده است .

اعطای نشان

فهرست نشانهایی که درمور سال ۱۳۱۶ از حضور اعلیحضرت
همایونی اعطا گردیده :

- (۱) برای ۱۵ کتلهنری هراس اسپانیولی مستشرق و مدیر دارالفنون بمبئی
بموجب اعتبارنامه نمبر ۱۵۳ تاریخی ۲۹ ثور نشان درجه دوم معارف .
- (۲) برای ۱۵ کتله کورت تسمیککی وزیر مختار دولت المان
بموجب اعتبارنامه ۴۵۴ تاریخی ۱۶ سنبله نشان سردار عالی .
- (۳) برای عزتمند ظفر حسن خان سر معلم توپچی مکتب حر بیه
بموجب اعتبارنامه نمبر ۱۱۸۹ تاریخی ۵ میزان نشان استور درجه سوم .
- (۴) برای ع ، ج عبدالرحمن عزام وزیر مختار دولت شاهی مصر
بموجب اعتبارنامه نمبر ۵۹۷ تاریخی ۱۶ عقرب نشان سردار عالی .
- (۵) برای عزتمند برویسر بای حسن رشاد رئیس فاکولته طبیی
بموجب اعتبارنامه نمبر ۶۷۹ تاریخی ۲۹ قوس نشان استور درجه اول .
- (۶) برای عزتمند دکتور بای رفقی کامل دکتور حضور و مشاور
طبی وزارت صحیه بموجب اعتبارنامه نمبر ۶۷۸ تاریخی ۲۹ قوس
نشان سردار عالی .
- (۷) برای ع ، ج کیتا دا و وزیر مختار دولت جاپان بموجب
اعتبارنامه نمبر ۸۳۱ تاریخی ۱۷ دلو نشان سردار عالی .
- ۸ عزتمند مایور شانک المانی سر معلم کورس عالی حر بیه بموجب
اعتبارنامه نمبر ۲۰۸۸ - ۲۹ حوت ۱۳۱۶ استور درجه دوم .

مجلس شورای ملی

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی

- معاهدات و قرار دادها :
- ۱ : معاهده عدم تعرض بین ممالک چهارگانه افغانستان ، ترکیه ،
ایران ، عراق .
 - ۲ : پروتوکول تمديد معاهده مودت بین دولت شاهی افغانستان
و دولت جمهوری تورکیه .
 - ۳ : معاهده مودت بین افغانستان و حکومت چکسلواکی .
 - ۴ : معاهده مودت بین افغانستان و دولت جمهوری لیبری .
 - ۵ : قرار داد تجارتي دولت افغانستان و دولت جمهوری چکسلواکی .
 - ۶ : قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلیند اکسیور شن
کمپنی) امریکائی .
 - ۷ : قرار داد امتیاز معادن افغانستان با شرکت مختلط افغان و المان .
اصولنامه ها :
 - ۱ : اصولنامه تولید ادویه مخدره در افغانستان .
 - ۲ : « صکوکات و تنکتهای محصولی .
 - ۳ : « تلگراف .
 - ۴ : لایحه صنعت زرگری .
- ضمایم اصولنامه ها :
- ۱ : تعدیل اصل ۲ ضمیمه نمبر اول اصول اساسی مملکت .
 - ۲ : ضمیمه اصولنامه خزائن راجع به ضمانت و وکالت خزینه داران .
 - ۳ : « « بلدیہ در موضوع تعیین مرجع انتخاب مأمورهای
حکومات کلان و سایر حکومتات تصویب بودجه سال ۱۳۱۶ مملکتی .

مجلس اعیان

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس اعیان :

معاهدات ها و قرار داد ها :

- ۱- معاهده عدم تعرض بین ممالک چهارگانه افغانستان، ترکیه، ایران، عراق.
- ۲- پر وتوکل تمدید معاهده مودت بین دولت شاهی افغانستان و دولت جمهوری ترکیه .
- ۳- معاهده مودت بین افغانستان و حکومت چکسلواکی .
- ۴- معاهده مودت بین افغانستان و دولت جمهوری لیبی .
- ۵- قرارداد تجارتي دولت افغانستان و دولت جمهوری چکسلواکی .
- ۶- قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلند اکیپلو ریشن کمپنی) امریکائی .
- ۷- قرار داد امتیاز معادن افغانستان با شرکت افغان و المان .

اصولنامه ها :

- ۱- اصولنامه تورید ادویه مخدره در افغانستان .
- ۲- « « صکوکات و تکت های محصولی .
- ۳- « « تلگراف .
- ۴- لایحه صنعت زرگری .

ضمایم اصولنامه ها :

- ۱- تعدیل اصل ۲- ضمیمه نمبر اول اصول اساسی مملکت .
- ۲- ضمیمه اصولنامه خزائن راجع بضمانت و وکالت خزینہ داران .
- ۳- « « « « بلدیہ در موضوع تعیین مرجع انتخاب مامور های حکومت کلان و سائر حکومتات تصویب بود چه سال ۱۳۱۶ مملکتی .

بلدیة کابل

- ۱- خرید چندین عمرا ده موترهای لاری برای امور حمل و نقل بلدی .
- ۲- اقدام تورید یک دستگناه ماشین مسلخ برای ننگه داشت (۴۰۰۰۰۰) گوسفند ، گاو ، گوساله ، ترکیاری و میوه جات و غیره که بسال ۱۳۱۷ ساختمان آن شروع خواهد شد .
- ۳- همکاری در تاسیس شرکت عمران جهت ساختمان عمارت جدید در شهر .
- ۴- همکاری در تاسیس شرکت ارزاق جهت تورید مقدار کافی ارزاق و ازوفه جات .
- ۵- تهیه (۵۰۰) خروار روغن برای مصارف زمستان شهر و دوائر رسمی .
- ۶- ساختمان پنججانب مسجد در شهر .
- ۷- تعمیر چندین آب روهای گذرهای شهر و ترمیمات نل ها و جادها .
- ۸- خرید و انهدام خانه های ده افغانان برای کشیدن یک سرك جدید ازینش روی ولایت کابل الی چهار راهی متصل مجلس اعیان .
- ۹- تخریب دکانهای دورگنبد کوتوالی برای کشیدن یک سرك اساسی .
- ۱۰- خریداری یک تعداد خانهای اهالی واقع اب دریا و برج وزیر و تخریب آن برای توسیع سرك تعمیر پارتمانها مطابق حصه مقابل آن .
- ۱۱- پخته کاری سرك های جدید شهر نو .
- ۱۲- افرمایش نلهای بزرگ آهنی برای موضع شاد و شمشیره و باغ عمومی .
- ۱۳- ترمیمات و اصلاحات سركها و فرش ریگ به تمام جاده های بزرگ شهر .
- ۱۴- وضع مقررات برای حفظ الصحه دکانهای خورا که فروشی .

مطبوعات و وطن

جرائد و مجلات حاضره

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
جریده اتحاد مشرقی - ۱۲۹۸ شمسی	جناب شمس الدین خان قلعتیکی	
(بزبان پشتو)		
جریده اتفاق اسلام هرات - ۱۲۹۹ شمسی	جناب میر محمد عثمان خان	
« طلوع افغان قندهار - ۱۳۰۰ »	« عبدالحی خان حبیبی	
(بزبان پشتو)		
« بیدار منار شریف - ۱۳۰۰ »	« عبدالصمد خان	
« اتحاد خان آباد - ۱۳۰۰ »	« سید محمد خان	
« انیس کابل پښتو و فارسی - ۱۳۰۶ »	« محمد امین خان خوگیانی	
« اصلاح » « » - ۱۳۰۸ »	« برهان الدین خان کشککی	
مجله اردوی افغان - ۱۳۰۰ »	« از ریاست ارکان حربیه	
	عمومیه نشر میشود	
« آئینه عرفان کابل - ۱۳۰۳ »	« از ریاست تعلیم و تربیه معارف	
« صحیه کابل - ۱۳۰۶ »	« عبدالرشید خان لطیفی	
« الفلاح کابل - ۱۳۰۹ »	« عبدالکریم خان گدا	
« اقتصاد کابل - ۱۳۱۰ »	« محمد زمان خان تره کی	
« کابل پښتو و فارسی - ۱۳۱۰ »	« از مدیریت نشریات انجمن ادبی	
« ادبی هرات - ۱۳۱۱ »	« از انجمن ادبی هرات	
« بلدیة هرات - ۱۳۱۱ »	« جناب صفر علی خان امینی	
جریده زیری تعلیمی پښتو - ۱۳۱۶ »	« از مدیریت نشریات انجمن ادبی	

سفرائیکه در سال ۱۳۱۶ وارد کابل شده اند.

وزیر مختار مصر :

جلالت‌آب آقای عبدالرحمن عزام وزیر مختار و نماینده فوق العاده حکومت پادشاهی مصر در دربار کابل بتاريخ ۶ مارچ ۱۸۹۳ در قاهره تولد شده ، پس از تحصیلات لازمه در تربیت ملی بمقصد استقلال وطن شامل شدند . و در تمام مدت قبل از احزاب عمومی و در دوران محاربه

چه در داخل و چه در خارج مملکت برای همین منظور ملی مشغول کوشش بودند . بعد از جنگ از طرف حزب وفدکه شخصا از اعضای مبرز آن بشمار میروند ، وظائف و کالات ملی را در مجلس شورای مصر بعمل می آوردند ولی همواره هدف مقصودشان آزادی مملکت بوده هر چند بیکه مأموریت های مهم از قبیل رتبه های وزارت و



سفارت بایشان پیش نهاد میشد ، نمی پذیرفتند ولی بالمقابل همواره بطور غیر مستقیم در امور مملکتی حصه گرفته در چندین مجالس بین المللی شامل و مخصوصا در قضیه رفع اختلافات مصر و عربیه سعودیه سهم زیادی گرفتند تا آنکه پس از امضاء شدن معاهده استقلال مصر از طرف کابینه نحاس پاشا وزارت مختاری مصر در دول اسلامی شرق یعنی افغانستان ، ایران ، عراق ، عربیه سعودیه بایشان تفویض شده .

کور دیپلوماتیک مقیم دربار کابل

سفارت کبرای ترکیه

سفیر کبیر: ع. ج. آقای ممدوح شوکت.

سرکاتب: آقای حامی بایور.

کاتب و عهده دار امور فونوسولی: آقای حقی کشتلی.

ترجمان: آقای عباس.

داکتر: آقای فواد.

سفارت کبرای ایران

سفیر کبیر: ع. ج. آقای علی اکبر بهمن.

مستشار: آقای شایان.

کاتب سوم: « حکیمی ».

سفارت کبرای شوروی

سفیر کبیر: ع. ج. آقای میخائیلوف کونستنتین الکساندروویچ.

سرکاتب: آقای سیچوف.

آتشه نظامی: آقای کولونل الکزندر بند یکتوف.

داکتر: آقای ایوان یاسفگی کاس آندروویچ.

وزارت مختاری انگلیس

وزیر مختار: ع. ج. آقای لفتننت کلونل فریزر تنلر.

مستشار: آقای میجر ای. ای. اچ. میکن.

آتشه نظامی: آقای میجر ای. سی. لنکاستر.

کاتب: آقای رود ویک پار کس.

داکتر: « کاتین آچ دلیو فارل ».

کاتب: « خان بهادر سکندر خان ».

معموله وارد کابل شده در ۲۳ حوت بساعت ۱۱ قبل از ظهر در طی تشریفات لازمه در قصر دلکشاء اعتماد نامه های خویش را بحضور اعلیحضرت معظم همایونی تقدیم کردند.

فوت وزیر مختار فرانسه

جلالتآب آقای « دو فور دولایراد » وزیر مختار فرانسه مقیم دربار کابل که سوانح شان در سالنامه گذشته مندرج است در ماه

سنبله ۱۳۱۶ با اثر

مرض قلب که از مدتی

دامنگیر شان شده

بود، بمقام ایت آباد

هند وفات یافتند.

حکومت متبوعه ما به

تقریب فوت مشاورا لیه

مراتب همدردی خویش

را به حکومت فرانسه



و باز ماندگان فقید مذکور ابراز نمود. چنانچه متعاقب آن آقای، باریه از طرف حکومت فرانسه بجیت و زیر مختار به دربار کابل معرفی و اگر یمان ایشان صادق و عنقریب وارد کابل خواهند شد.

وزارت مختاری ایتالیا

وزیر مختار: ع، ج آقای کوم دوت بیتر و کوارونی.

سرکاتب: آقای آنری لوتی هانری کو.

دفتر دار: « دوت اولف کریشینی ».

وزارت مختاری المان

وزیر مختار: ع، ج آقای پلگر.

دفتر دار: آقای شمت.

وزارت مختاری مصر

وزیر مختار: ع، ج آقای عبدالرحمن عزام.

سرکاتب: آقای احمد جلال الدین (فعلاً شارژ دافر).

کاتب: « عثمان حلمی ».

دفتر دار: « حسن وهبی ».

وزارت مختاری فرانسه

وزیر مختار: ع، ج آقای باریه.

کاتب: آقای گابریل بونو - (فعلاً شارژ دافر).

وزارت مختاری جاپان

وزیر مختار: ع، ج آقای وارو موریا.

کاتب: آقای کوبا را - (فعلاً شارژ دافر).

کاتب: « ستارو ایفازاکی ».

آتشه: « او ما گاوا ».

« « سایتو »

دکتور: « هیچی ایما گاوا ».

گزارشات دنیا

در سال ۱۳۱۶

بقلم جناب میر محمد صدیق خان

اگرچه سال ۱۳۱۵ متضمن اغتشاشات و کشیدگی های زیادی در اوضاع سیاسی جهان بود اما در اوایل ۱۳۱۶ بهبودی رو نموده اضطرابات مذکور اندکی تخفیف یافت و امید آن میرفت که شبح مخوف و وحشتناک جنگ محو گردد و روح تساند و اعتماد دوباره عودت کند متأسفانه این آرزو صورت خارجی پیدا نکرد و در جریان این سال وقایعی رخ داد که امید طرف داران صلح را مبدل به یاس و اعتماد ملل را از یکدیگر سلب نمود و حتی آتش جنگ و جدال در بعضی از نقاط عالم سر کشید.

دو چیز از همه زیاده تر اضطرابات بین المللی و ارتجاع سیاسی عالم را درین سال مشهود می سازد اول - ضعف جامعه ملل - اگرچه سقوط حکومت ملی حبشه و تسلط عسکری ایتالیا بران مملکت، بزرگ ترین لطمه بود که بریکر سیاسی (چینوا) وارد آمد اما نتایج و عواقب این واقعه شوم در سال ۱۳۱۶ ظاهر گردیده اعتماد و اطمینانی را که اکثر ملل عالم بوساطت و حمایت موسسه جمعیت اقوام داشتند زائل ساخت طوریکه اولیای این موسسه نیز به ضعف خود پی برده دروقایعی که بعد از قضیه حبشه رونمود راه احتیاط را پیش گرفتند و برای آنکه زیاد تر عدم قدرت و ناتوانی خود را فاش نساخته باشند حتی از اظهار رأی هم در اکثر موارد خودداری نموده حل مشکلات

گزارشات دنیا

که این وضعیت در دنیا رو داده نتیجه مستقیم آن ظهور جنگ و تصادم دودسته مذکور بوده است. بایک دیگر علل مهم دسته شدن دول بزرگ از دو نوع است :

الف : علل اقتصادی : - معاهده و رسای که تحت تأثیر احساسات دول فاتح امضا گردیده بود دست چندین مملکت را بنام دول مغلوب و مسئول حرب عمومی از منابع ثروت کوتاه نمود و بر علاوه چنان بار سنگینی از قروض محاربه و خسارات جنگ بالای شان گذاشت که سیستم زنده گانی اقتصادی آنها منقلب و بقر و فاقه عظیمی مبتلا شدند. از طرف دیگر درین دول فاتح نیز تفریقی بعمل آمده آنهاییکه از همه مقتدر بودند غنایم بزرگ را به خود و حلقای خویش تخصیص دادند و برای دیگران چیز قابل اعتنائی باقی نماند. روی هم رفته معاهده و رسای از حیث اقتصادی مخالف حفظ امنیت و تعاون بین المللی بوده و نتیجه آن شد که چند سال پس از عقد آن ضعیف دول عالم بدو دسته : دول محتاج و دول ثروت مند تقسیم گردیده و بحران اقتصادی شدیدی عالم را فرا گرفت. اغتشاشاتی که در چند سال اخیر رو داده در حقیقت چیزی نیست بجز تجاوز دول محتاج و فقیر بر دول ثروتمند و دفاع اینها از حقوق و امتیازات خویش .

ب : علل اجتماعی : - بحران اقتصادی بعد از حرب تأثیر عمیقی در روحیات ملل نمود و دول محتاج و یا بهتر بگوئیم جمیع دول حسود و ناراضی را ، از موسسه جینوا و سیاست بین المللی و منصفانه آن که اساساً مخالف هر نوع تجاوز است روگردان و وادار باخذ سیاست مستقل و ملی نموده تا بوسیله آن شئون ازدست رفته خویش را که بدیگرو سایل ممکن نبود حصول شود بدست بیاورند - روی هم رفته این انقلاب یک ارتجاعی

را بمجالس سیاسی دیگری سپردند که بسکلی از روح میثاق ملل بیگانه بود مثلاً کمیته عدم مداخله ، کنفرانس نیون و بروسل و غیره .

از علل مهم ضعف جامعه ملل یکی آنست که مجلس مذکور از همه بیشتر یک مجلس سیاسی و مقصود آن جلوگیری از وقوع جنگ عالم گیر است ، و او که درین راه حقوق بعضی از دول پای مال هم شود ، زعمای جینوا پروای آنرا ندارند ، چنانچه در موقف جنگ حبشه و قضیه آسیانیا این مفکوره بخوبی ظاهر شده رؤسای بزرگ جمعیت اقوام بیان نمودند که حاضر نمی باشند برای اطفای نائره حرب در خاک افریقا و یا حفظ استقلال حبشه و حقوق دولت مادرید بچنگ بزرگی اقدام نمایند و طبیعی است که این سیاست جلب اعتماد دول را نتواند کرد ، و دیگر آنست وقتیکه ویلسن پلان جمعیت اقوام را طرح میکرد فرض نموده بود که در اندک مدتی اسلحه جمیع دول عالم خلع و یا باندازه معینی محدود میگردد و در انصورت البته امداد اخلاقی و اقتصادی بامظلوم و اجرای مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق ، بر علیه دولت متعرض کفایت میکرد . حال آنکه قضایای پس از حرب پیش بینی های مشار الیه را تصدیق نمود و امر و ز چنان تفاوت فاحشی بین قوای دول موجود است که تجاوز اقتصاد و انهم بطور ناقصی که در مورد ایتالیا استعمال گردید از اقدامات متجاوز جلوگیری نمیتواند و کلمات قشنگ با اسلحه آتشین بس نمی آید .

۲- دسته بندی دول بزرگ : در جریان سال ۱۳۱۶ کیفیت مدهشی در روابط بین المللی عرض اندام کرد که آنرا میتوان علامه سقوط کاخ صلح و آرامش عالم دانست و آن عبارت است از تقسیم گردیدن دول عالم بدو دسته معین و تاریخ نشان میدهد هر دفعه

بود از اصول مسالمت بجانب اصول تشدد که بانظام اجتماعی امروزه شایسته نمیشد و ممالکی که از آن پیروی نمودند اولاً در داخله خودها برای مقابله با تاثیرات ممانعت کننده و تسریع عملیات خویش، اقتدار مطلقه را روی کار آوردند و در زمینه سیاست بین‌المللی آهسته آهسته از حیث اشتراک مفاد بیکدیگر نزدیک شده و بالاخره در سال ۱۳۱۵ دسته معینی در مقابل دول محافظه کار و ثروت مند تشکیل دادند. مخالفین آنها نیز برای حفظ مفاد و دفاع از تهذیب و امتیازات خودها چاره جز رو آوردن بسوی اتحاد و اتفاق و ازدیاد قوای عسکری و تسلیحات ندیده باین صورت دول بر رگ در دو دسته منقسم و مسابقه تسلیحات بشدتی در بین آنها قائم گردید که عواقب آن بس خطرناک دیده می شود. ضمناً دول ناراض از وضعیت تردد دسته مقابل که نسبت باتفاق باهمی خودشان میدهندوهم از ضعف جامعه ملل استفاده کرده روز بروز میدان اقدامات خود را وسعت دادند بطوریکه در ظرف سه سال اخیر چندین مملکت مستقل از صحنه هستی نا بود و ضمیمه دول دیگر شده است و دامنه این اقدامات بطور نامحدودی ادامه دارد. مابینت مسلک اجتماعی و جذبات حزبی نیز آتش تفاق و بد بینی را در بین این دو دسته دامن زده روز بروز آنها را از بیکدیگری دور نمود و تعصب و عداوت را جانشین مفاهمه و اعتماد ساخت. یکی از نتایج وخیم این دسته بندی هما نا مسابقه تسلیحات و مبالغ خطبری است که ملل عالم دیوانه وار درین راه صرف مینمایند و انجام آن معلوم نیست که بکجا خواهد کشید، چنانچه میگویند روزی خواهد رسید که دیگر ملل عالم توان ادامه تسلیحات و بودجه های کمر شکن آنها نداشته برای خلاصی از چنگال آن

دست بجنگ بزنند و نتیجه زحمات يك عالم را صرف خونریزی و انهدام تمدن و تهذیب بشر سازند.
جامعه ملل و مجالس بین المللی :

جامعه ملل

بتاریخ ۷ جوزا اجلاس جامعه ملل تحت ریاست رشدی آراس نماینده اول و وزیر خارجه ترکیه تشکیل یافته در خواست حکومت مصر راجع به قبولیت آن بحیث عضو جامعه ملل قرائت و با کثرت آراء تصویب گردید چنانچه افغانستان نیز باین تقریب يك تلگرام سفارش بنام سرمنشی جامعه مخابره کرده بود. راجع بقضیه سنجاقهای انطاکیه و اسکندرون عیناً فیصله که مستقیماً بین فرانسه و ترکیه درین زمینه بعمل آمده بود تصدیق شد. « دل وایو » نماینده حکومت اسپانیا قرضاس ایض راجع بمداخله اجانب و مخصوصاً ایتالیا و المان به مجلس رویت داد و در خواست نمود که بین حکومت قانونی و باغیان تمیز نموده باول الذکر اجازه خرید اسلحه از خارج داده شود اما این در خواست طرف قبول واقع نشد. در او اخر سنبله اجلاس سالانه جامعه ملل تحت ریاست آغا خان نماینده هند و رئیس فرقه اسماعیلیه بعمل آمد. « ولنگتن کو » نماینده چین عرض حالی راجع به تعرض جاپان تقدیم نموده از جامعه ملل امداد خواست. باشر درخواست مشارالیه هیئتی مرکب از ۱۳ نفر برای مطالعه او ضاع شرق اقصی مقرر شد که هیئت مذکور پس از چندین اجلاس عملیات جاپان را مذموم و مخالف میثاق ملل و معاهده نه گانه و قرار داد بریان کیلاک قرار داده و بجمع دول عالم سفارش نمود که باحکومت چین امداد اخلاقی کرده شود. درعین حال رئیس الوزرای

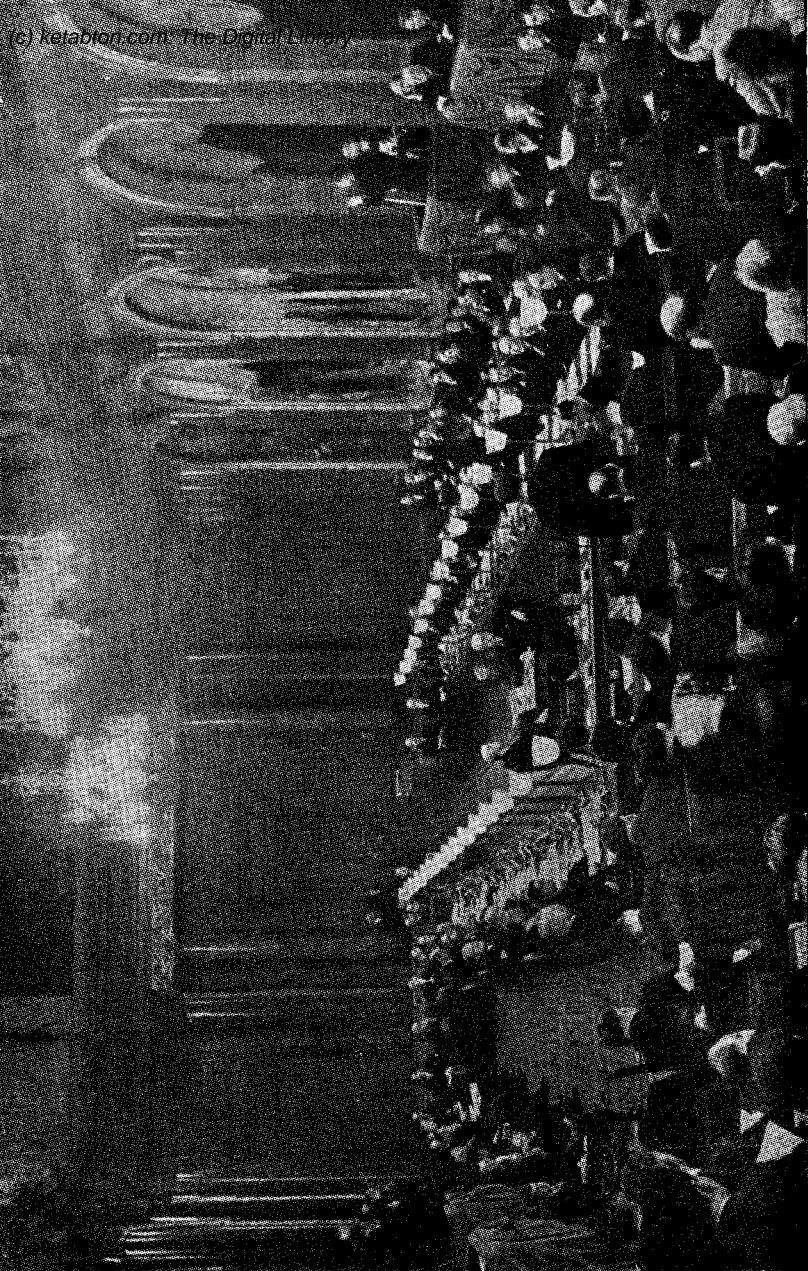
دولت جمهوری اسپانیا بر علیه مداخلات ایتالیا و آلمان اقدام دعوی و اجرای ماده ۱۶ میثاق ملل را بر علیه ایشان مطالبه کرده اما مجلس مذکور در خواست مشارالیه را به کمیته عدم مداخله رجعت داده و سفارش نمود که برای اخراج داو طلبان اجنبی از خاک اسپانیا اقدامات فوری بعمل آورد .

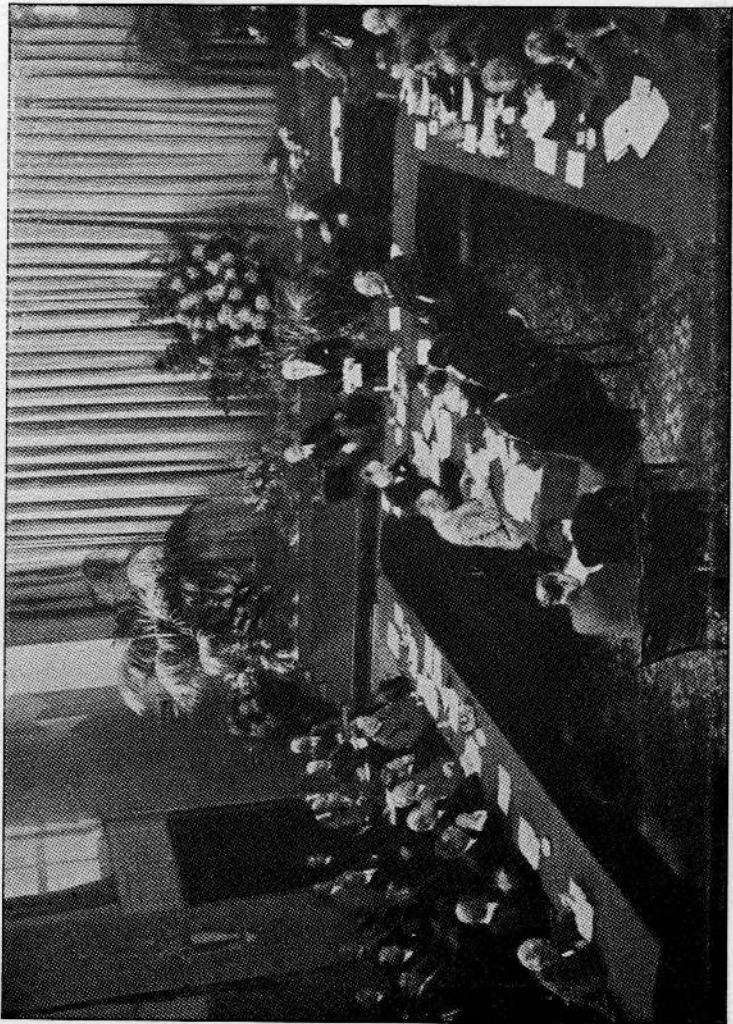
این بود رویدادهای مهم جامعه ملل در ینسال ولی از طرف دیگر موسسات علمی و اجتماعی و عرفانی و صحیحی و غیره جامعه ملل که بر روی اساسات غیر سیاسی استوار میباشد بموقفیت تمام کنار کرده و میتوان گفت که تنها در ین زمینه هاست که مفهوم حقیقی جامعه ملل و تعاون بین المللی صورت حقیقی پیدا کرده است .

کنفرانس مونتر و

پس از آنکه دولت مصر استقلال کامل خود را حاصل نموده در صدد آن افتاد که کابینتو لاسیون (امتیازات) مما لك خارجه را نیز رفع نماید زیرا اکثر دول اروپائی در خاک مصردارای امتیازات مخصوص بود و تبعه ایشان در حین ارتکاب جرم و جنایت و یادداشتن دعوی از طرف محاکم مخصوص محاکمه و قضاوت شده و این وضعیت منافی استقلال و تمامیت حقوق دولت مصر بشمار میرفت . همان است که بانر پیشنهاد نجاس پاشا و موافقت دولت انگلیس و دیگر دول ذیعلاقه کنفرانسی بتاریخ ۲۳ جول در شهر مونتر و (سویس) تشکیل یافت نجاس پاشا که شخصا ریاست هیئت نماینده گان مصر را داشت درخواستی راجع بر رفع کابینتو لاسیون قضائی جمیع دول تقدیم نمود پیش نهاد مذکور اساسا تصویب گردید و پس از اندک مخالفتی که فرانسه

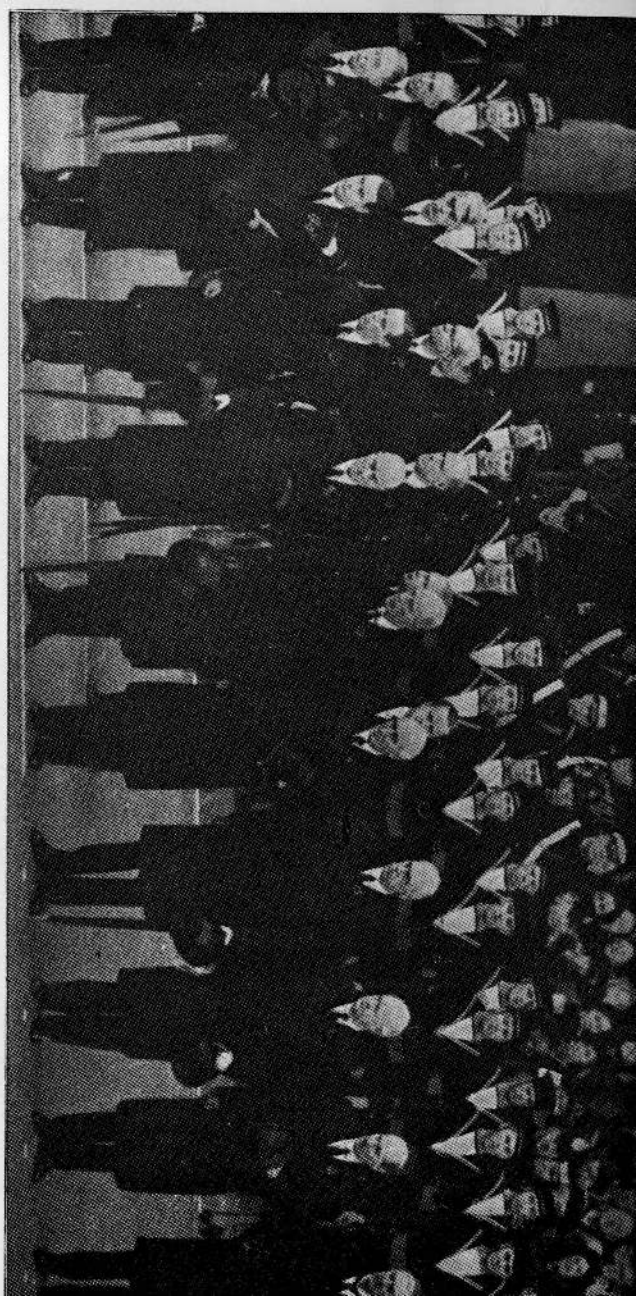
افتتاح کنفرانس بروسل راجع به قضایای شرق اقصی توسط سپاک وزیر خارجه بلژیک .





کنفرانس نیون زراعت به رهبران دریائی بحر مدیترانه : - دلبو نماینده فرانسه نطق میکند .

کابینه انگلستان : ازراست بچپ : نیوائل چمبرلین رئیس الوزراء ، میجر اتلی رئیس حزب کارگر (خارج کابینه) ،
 لاردهیشام معاون رئیس الوزراء - کیتین فترای نطق دارالعموم (خارج کابینه) ، سرجان سامنن وزیر مائیه ،
 لارده هیلیکس وزیر خارجه ، سرسویل هور وزیر داخله ، لارده دلی ور وزیر مہر شاهی ، مائکم مکالمالہ
 وزیر مائک نیم مستقل، لارده زلینڈ وزیر ہند . (صفحہ دوم) دف گوہر وزیر بحریہ ، ہور بلینا وزیر حربیہ
 باقی معاونین وزارت خانہ ماہا .



گذر از داد و دریا

نشان داد بالاخره در ۱۹ ثور نمایندگان دولت بریک
معاهده امضاء نمودند که بموجب آن دولت مصر از قیود کاپیتولاسیون
آزاد شد و پس از یک مدت کوتاه برای سر رشته امور قضائی و
حقوقی مذکور، دیگر تمام امتیازات خارجیها از مصر مرفوع میگردد.

کمیته عدم مداخله

این کمیته که در سال ۱۳۱۵ برای جلوگیری از مداخله اجانب
در امور آسیاینا و محدود ساختن جنگ در آن مملکت تشکیل گردیده
بود با وجود خطرات بزرگی که هر آن وجود آن را تهدید میکرد
در جریان سال ۱۳۱۶ مرتباً اجلاس نموده و حتی موفق با اجرای دساتیر
چندی در راه مقصد خود گردید. روی هم رفته میتوان گفت که تا حال
در یک قسمت از مقصد خود کامیاب یعنی از سرایت جنگ آسیاینا
در باقی ممالک جلوگیری بعمل آورده است چنانچه اجرا آت مهمه
آن در ذیل شرح داده میشود.

بتاریخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ مراقبت سواحل و سرحدات آسیاینا که
در حوت ۱۳۱۵ از طرف جمیع دول شامله کمیته، تصویب گردیده بود
انفاذ یافت. بتاریخ ۷ جوزا در حالیکه یکی از جهازات مراقب جرمنی
موسوم به « دو یچلند » در منطقه نظارت فرانسه ایستاده بود مورد
حمله طیارات دولت آسیاینا واقع گردیده دو عدد بم بان اصابت کرد و ۲۳ نفر
ملاح آن تلف و ۸۳ نفر مجروح شد. حکومت المان ازین مسئله بغض
آمده به انتقام ملاحین خود بندر گاه المیریارا از طریق بحر بمبارد
نموده ضمناً بهمراهی ایتالیا مراقبت سواحل را ترک داد اما بمبارد
المیریا نتایج بسیار وخیمی تولید نکرده دولت انگلیس فوراً در کمیته
عدم مداخله پیشنهاد کرده که منطقه مخصوص در آبهای آسیاینا برای

بندرتانی لارد هیلپیکس در برلین : طرف چپ لارد هیلپیکس (وزیر خارجه انگلستان) در وسط شهباده
گوتا، طرف راست فون ریتتروب وزیر خارجه المان.



توقف چهارات مراقب تعیین گردد و باصرار او دولتین ایتالیا و جرمنی بتاريخ ۲۷ جوزا مراقبت سواحل را از سر گرفتند تا آنکه در اوائل سرطان حکومت جرمنی باز دعوا نموده که بالای یکی از چهارات او موسوم به « لائینگ » از طرف تحت البحری های دواتی تارپیدو انداخته شده و بدین علت ایتالیا و جرمنی دوباره از کنترل سواحل کناره گرفتند. درین بار دولت فرانسه پس از مشوره با لندن بتاريخ ۲۳ سرطان اعلان نمود که سرحدات خود را بروی دولت جمهوری اسپانیا آزاد می نماید. تهدید مذکور کار خود را کرد و دولتین المان و ایتالیا کمی آرام گردیده نماینده انگلیس پیشنهادی تقدیم نمود که مراقبین جدیدی در سرحدات فرانسه و ایتالیا و بنا در میدانهای طیاره طرفین متحار بین اعزام شود و داوطلبان خارجی هم اخراج گردیده بطرفین حقوق متحارب اعطا گردد. قسمت اول این پیشنهاد یعنی تعیین مراقبین جدید طرف قبول جمیع دول واقع گردیده قسمت دوم بعلت مخالفت شدید نماینده گان ایتالیا و روسیه معطل ماند.

در اوائل ماه میزان مجمع ملل در اثر شکایت رئیس الوز رای حکومت سرکنزی اسپانیا بکمیته عدم مداخله سفارش نمود که داوطلبان خارجی را از خاک اسپانیا خارج نماید. همان بود که دولتین فرانسه و انگلیس پیشنهادی درین باره تقدیم کردند و چون ایتالیا صریحاً پیشنهاد مذکور را رد نموده و از شمولیت در یک مجلس سه گانه هم برای مذاکره این موضوع اعراض کرد دولت فرانسه دوباره تصمیم گرفت که سرحدات خود را بروی حکومت مادرید باز نماید ولی بمشوره ایدن وزیر خارجه انگلیس قبلاً موضوع را بمثل اتمام حجت بکمیته

عدم مداخله رویت داد و کمیته پیشنهاد مذکور را دوباره باطلاع دول ذیعلاقه رسانیده نظریات ایشان را مطالبه نمود. درین بار برخلاف امید، دولت ایتالیا تشدد را کنار گذاشته با اساس پیشنهاد موافقت کرد و مجلس فیصله نمود که دو کمیسیون برای این امر با اسپانیا اعزام شود. ولی تاکنون نتیجه از این اقدام بدست نیامده است.

کنفرانس نیون

از موقعی که محار به داخلی اسپانیا شروع گردیده وقتاً فوقتاً در آبهای ساحلی آن مملکت و احیاناً در قسمت غربی مدیترانه بر جهازه های تجارتي دول بیطرف تعرضاتی بعمل می آمد اما دول بزرگ اکثر ازین قضایا چشم پوشی کرده به تشدد نمی پرداختند. تا آنکه در جریان ماه سرطان و اوائل اسد تعرضات مذکور بطور وخیمی شدت یافت و در عرصه چند روز یک تعداد چهارات انگلیسی، روسی و فرانسوی مورد حمله طیارات و تحت البحری های مجهول واقع شده بعضی از آنها غرق و ملاحین آن تلف گردیدند. جرایم این ممالک باهیجان و غضب تمام بر علیه دزدان دریائی مدیترانه احتجاج و پروا گند نموده ممالک فاشیست و مخصوصاً ایتالیا را محرم و مسئول آن قرارداداند همان بود که دولتین فرانسه و انگلیس جمیع دول ساحلی بحر مدیترانه و روسیه و المان را بشمولیت در کنفرانس دعوت نمودند که بر علیه دزدان دریائی مدیترانه دساتیر مجربی اتخاذ نمایند. مقارن اینحال دولت روسیه که چندین چهارت او در حصص مختلفه مدیترانه و حتی در مدخل در دانیل غرق شده بود دولت ایتالیا را مسئول این امر قرارداد داده پروتست شدیدی بار داد و تقاضای غرامات کرد. حکومت ایتالیا و جرمنی این قضیه را اساس گرفته از شمولیت در کنفرانس

گذارشات دنیا

مشئول وقائع شرق اقصی قرار داده بدون آنکه به نتایج بهتری واصل شود و باتجاویر درستی برای امداد دول باجین اتخاذ نماید منحل گردید
دول آسیائی

ایران

دولت ایران سال ۱۳۱۶ را بر فاهیت و آرامی تمام بسر برده و بموفقیت های بزرگی در زمینه حیات اجتماعی و اقتصادی نائل گردیده است. هم چنین روابط دوستانه آن با اکثر ممالک تشدید یافته و مخصوصاً بممالک شرق وسطی و شرق نزدیک ذریعه معاهده سعدآباد رشته اتحاد و یگانگی خلل ناپذیری عقد نموده است که درین عصر پر آشوب و اضطراب آلود کامیابی بزرگ و بنیان محکمی برای صلح ممالک مشرق زمین محسوب میگردد - در اوائل این سال خط آهن ماورای ایران به طهران واصل گردیده ، دولت و ملت ایران یکی از آرزوهای دیرینه خود واصل شدند و نیز دولت برای استخراج نفت ولایت خراسان اقدام نموده بایک کمپانی امریکائی قرار دادی عقد نمود .

کشیده گمی ها و اختلافاتی که راجع به تقسیم نواحی سرحدی بین ایران و عراق از چند سال باینطرف موجود بود درین سال بمسألت فیصله شد و متعاقب آن حکومت ایران مسئله بیمان شرقی و عقد معاهده عدم تعرض و عدم مداخله بین ممالک افغانستان و ایران و ترکیه و عراق را که از چندی زیر نظر اولیای دول مذکور بود پیش کشیده و وزرای خارجه سه مملکت فوق را برای امضاء آن در طهران دعوت کرد و بتاريخ ۱۷ سرطان بیمان شرقی در قصر سعدآباد بین وزرای خارجه دول چهارگانه بمضاء رسید. چنانچه معاهده مذکور در ظرف امسال از طرف مؤسسات

اعراض نمودند . باوجود این ، کنفرانس بتاریخ ۱۸ سنبله در قصر نیون (سویس) افتتاح و دلبو وزیر خارجه فرانسه بریاست آن انتخاب شد . مجلس پس از مذاکرات مختصری فیصله نمود که سیستم مراقبات در بجزر مدیترانه جاری شود و هر مملکت بحری در سواحل خود و بحریه انگلیس و فرانسه بحر آزاد را مراقبت نموده جهازات مجهول و متعرض را بسزا برسانند . نقل این فیصله را بحکومت ایطالیانیز فرستاده درخواست شمولیت آنرا نمودند - دولت مزبور در بدو امر اعتراض کرده ثانی تقاضای مساوات حقوق را با فرانسه و انگلیس نمود و بالاخره راضی شد که متخصمین بحریه خود را برای مشاوره بامتخصمین دو دولت دیگر به یاریس بفرستند مجلس متخصمین بتاریخ ۵ میزان بعمل آمده بالاخره بتاریخ ۲۰ عقرب ایطالیان نظارت بعضی از راه های تجارتی مهم ایطالیای غربی و ادریاتیک را بمهده گرفت .

کنفرانس بروسل

در اثر تعرضات عسکری جاپان در داخل مملکت چین بتحریک انگلیس و موافقت امریکا و دیگر امضاء کنندگان معاهده نه گانه کنفرانسی برای مطالعه اوضاع شرق اقصی بتاریخ ۱۲ عقرب در بروسل (بلژیک) بریاست اسپانیا وزیر خارجه آن مملکت افتتاح شد . جاپان و آلمان با آنکه در کنفرانس دعوت شده بودند از شمولیت آن انکار ورزیدند . نمایندگان دول از عدم حضور جاپان اظهار تاسف نموده و دولت مذکور را بشمولیت در مجلس کوچکی مرکب از نماینده گان چند دول منتخب دعوت کردند اما وزارت خارجه جاپان باین درخواست نیز راضی نشده علاوه التالی معاهده نه گانه را اعلان کرد و کنفرانس پس از چندین اجلاس جاپان را ملامت و

در اواخر جوزا دفعتاً مارشال توخاچفسکی رئیس ارکان حریه عمومی شوروی باهشت نفر از جنرال های بزرگ قشون سرخ توقیف و محاکمه گردیده بجرم خیانت بوطن محکوم باعدام گردیدند.

بتاریخ ۱۰ سرطان در یکی از جزایر مختلف فیه دریای آمورتصادمی بین عسکریان شوروی و جاپان روداده و چند نفر بقتل رسید و فوراً طرفین تیاری حرب را گرفتند اما در اخیر حکومت شوروی قضیه را با مسالمت و یک اندازه بدخواه جاپان فیصله کرد. یک هفته پس از واقعه دریای آمورتصادم لو کوچیاو بین جاپان و چین رو داده منجر بجننگ شدید و محاربات خونینی بین دولتین مذکور گردید و دولت شوروی اگر چه در ظاهر مظاهراتی بر علیه جاپان بعمل آورده قوای عسکری خود را در شرق اقصی و جمهوریت مغستان خارجی تقویه کرد و حتی بتاریخ ۸ سنبله معاهده عدم تعرض را با جمهوریت مرکزی چین امضا نمود اما جدأ در گیر و دار شرکت نجست و امداد معتابهایی هم باچین بر علیه جاپان بعمل نیاورده آنچه از معاونت و مداخله او درین امر ظاهر گردیده است امداد چند عدد طیاره و چند نفر هوا باز و انتظام قشون کونست ولایات شمال غربی چین و اخیراً امضای یک قرار داد راجع به تعمیر خط آهن بین چین و شوروی از راه ترکستان شرقی میباشد. در ماه سرطان کسنگره بین المللی طبقات الارض در مسکو انعقاد یافته از طرف افغانستان آقای نجیب الله خان بحیث نماینده دران شمولیت ورزید. در قضیه آسیا نپا دولت شوروی تا جائیکه مقدور او بود در داخل و خارج کجیته عدم مداخله با دولتیان امداد بعمل آورده از اعطای حقوق متحارب بحکومت فرانکو مخالفت و جلوگیری کرد اما بعلت اوضاع مدیترانه و مراقبت سواحل اسپانیا و مشغولیت های داخلی امداد او از حیث لوازم و

تقینیه دول موصوف به تصویب رسیده و قوه قانونی را حاصل کرد و متعاقب آن مجلس سالانه دول چهار گانه شرقی در جینوا موقع جلسه سالانه جامعه ملل انعقاد یافت.

بتاریخ ۶ حوت آقای سمعی وزیر خارجه ایران وفات نموده و آقای عدل بکفالت وزارت امور خارجه مقرر شد. مراسم تعزیت آقای سمعی که از رجال کار آگاه و خدمت گذار ان بزرگ ایران بوده با تشریفات مهم بعمل آمده دول خارجه خصوصاً دول شرقی و منجمله افغانستان بتقریب این ضایعه، مراتب همدردی خویش را بحکومت و ملت ایران ابراز نمودند.

دولت شوروی

اگر چه پلانهای اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی بقدر کفایت بکامیابی اجراء میشود، اما در زمینه سیاست زعمای کمونسنت با مشکلات بزرگ و مخالفت های شدیدی دوجار گردیده اند که هنوز راه حل آن پیدا نیست. درین سال نکته اساسی سیاست شوروی در داخل رجوع آن مملکت بود با صول دمو کراسی آزاد و قلع و قمع عناصر مخالف و در قسمت روابط بین المللی دولت شوروی که خود را مورد تهدید حریفان نیرومندی در شرق و غرب مشاهده میکرد راه احتیاط را پیموده حتی المقدور رشته اتحاد خود را با دول دیموکرات محکم کرد و در امور دیگران کمتر مداخله بعمل آورد.

بتاریخ ۱۳ تور کاناال بزرگی که شهر مسکو مرکز اتحاد جماهیر اشتراکیه را بدریای ولگا وصل میدهد افتتاح شد. این کاناال از عجایب روزگار و از شاهکار های انجنیری عالم بشمار رفته با زحمت زیاد و صرف پول هنگفت تکمیل گردیده و شهر مسکو را بصورت بندر گاه بجماری در آورده در ترقی تجارت آن کمک بزرگی نموده است.

سالنامه « کابل »

ضروریات حربی باندازه سال گذشته نبود :

درماه سنبله باثر غرق شدن بعض جہازات خود در بحر مدیترانه حکومت شوروی ایطالیایا را مسئول قرار داده و اعتراض شدیدی را بران دولت نموده تقاضای غرامات کرد و نزدیک بود کہ روابض سیاسی دولتین قطع شود اما کنفرانس نیون کنترول عمومی را در بحر مدیترانه قایم کرد . واز تکرار حوادث مذکور یک اندازہ جلو گیری بعمل آمد چندی بعد ایطالیایا ہم در معاہدہ ضد کمترین بر علیہ کمونیزم شرکت ورزید .

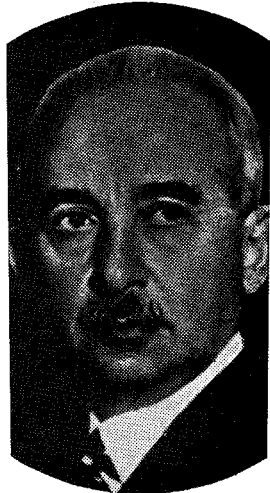
بتاریخ ۲۲ جدی اولین پارلمان مرکزی شوروی مرکب از نماینده های جہامیر اشتراکیہ مطابق قانون اساسی جدید در مسکو افتتاح شد . اما تشکیلات قوہ اجرائیہ بحال سابق باقیمانده کالینین بحیث رئیس جہامیر اشتراکیہ ، مولوتوف بحیث رئیس کمیساری های ملی وستالین بحیث منشی حزب رنجبر از طرف پارلمان تصدیق و تقرر یافتند . در جریان سال ۱۳۱۶ علاوه بر محاکمہ صاحب منصبان بزرگ یک تعداد از رجال مهم و سیاسیون وزما مداران جہامیر مختلفہ بجرم خیانت محاکمہ و اعدام شدند . در انجمہ ریچکوف (رئیس الوزرای اسبق) ، کرستنسکی (کفیل امور خارجه) قراخان (معاون سابق کمیساری امور خارجه وسغیر کبیر آنقرہ) یاگودا (رئیس سابق گک ، پ ، او) بوخارین رئیس کمترین ، فیض الله خواجه آخند بابا اوف وغیرہ نیز شامل بودند . در روزهای اخیر حوت دولت شوروی از الحاق آستریا متأثر گردیده بہمراہی فرانسه سرحدات چکوسلواکی را ضمانت کرد وهم لیتوینوف وزیر خارجه آن بیسپہادی بدول بزرگ عالم راجع بہ انعقاد یک کنفرانس بر علیہ



مرحوم آقای سیمعی وزیر امور خارجه ایران موقع امضای معاہدہ سعد آباد



جلال بایار رئیس الوزرای جدید ترکیه



عصمت ایننو رئیس الوزرای سابق ترکیه



نحاس پاشا رئيس الوزراى مصر
در كنفرانس موتر و



آغا خان نماينده هند در جامعه ملل
ورئيس هجدهمين اجلاس آن



كنفرانس بروسلا راجع بشرق افصى: از چپ براست ايدين ، نارمن ديوييس ودلبو

گذارشات دنيا

جلوگيرى از تجاوزات دول فاشيست تقديم كرد كه مورد قبول واقع نشد .

هند

درين سال تغيرات بزرگى در حيات سياسى ملت هند رو داده وفاقه ديومو كراسى نيم مستقل جانشين حكومت مطلقه سابق گرديد وملت هند براى او اين دفعه پس از مدت دراز در زندگاني سياسى و اداره مملكت خود موقع شركت را يافت به اين تفصيل : چنانچه سال گذشته ديده شد كانگرس ملي هند در انتخابات وفاقه شركت ورز ينده در اكثر ولايات اكثر يت قطعى را حاصل نمود . اما چون قانون اساسى جديد مخالف سياست او بود بدو از تشكيل كابينه هاى ولايتى خود دارى نموده و مخصوصاً بر عليه اختيارات فوق العاده حكام انگليسى قيام كرد و از بنجيت بجران شديدى روى كار آمده اجراى تشكيلات جديد به تعويق افتاد . اما اوضاع بجران آلود هند تاثيرات مهمى در مراکز لندن و حلقه هاى سياسى آنجا نموده بالاخره در ۱۷ مهل لارذ لوتيان كه از ساسيون بزرگ انگليس است ، مکتوبى بجریده « تاغز » نگاشته وضعیت كانگرس و كانهى را كه درين موقع نازك از شموليت در قضاى سياست كناره گرفته بود سخت تنقيد نمود . كانهى جواب او را در همان جريده داده و متعاقب آن تلگرامهاى مفصلى بين لارذ موصوف و بنديت نهروزعيم احراز هند تبادل شد وبراى او اين دفعه كانگرس ملي با حكومت انگليس تماس مستقيمى پيدا نمود . در نتيجه اين اقدامات كانهى راضى شد كه بين كانگرس و حكومت هند واسطه و باب مذاكرات صلح رامفتوح نمايد و همان بود كه بتاريخ ۱۳ اسد در دهلى بانائب السلطنه ملاقات نمود و ضمانت هاى چندينى راجع به محدود بودن

کابینگز است مسافرتی در اروپا به عمل آورده با اکثر سیاستمداران آنجا ملاقات نمود در مراجعت به هند از طرف مجلس عمومی کابینگز بر ریاست حزب مذکور مقرر شد و جواهر لال نهرو رئیس سابق به عضویت کمیته اجرائیه انتصاب یافت .

ترکیه

جمهوریت ترکیه در این سال به پیشرفت های بزرگ و ترقیات اقتصادی مهمی از قبیل تمديد خطوط آهن و تکوین صنایع و تاسیس بانک خلق و غیره نائل گردیده در زمینه سیاست خارجی با جمع دول از در مسالمت و صلح پیش آمده ذریعه معاهده سعد آباد مناسبات دوستانه خود را با دول آسیای وسطی تقویه وهم رنجشی را که در اثر قضیه سنجاق های انطاکیه با فرانسه و اهالی سوریه روداده بود رفع کرد . از وقایع مهمه داخلی آن مملکت یکی شورش قبائل کرد بود در ماه جوزا که در اثر اقدامات سریع عساکر و طیارات حکومتی رفع گردید و دیگر استعفای عصمت اینیواست از مقام ریاست وزراء . مشارالیه یکی از رجال درجه اول تورکیه و از رؤسای منتقد حزب خلق بشمار رفته در نهضت ملی اخیر سهم بزرگی داشت و از عرصه یا فرود سال به اینطرف بحیث رئیس الوزراء ، دوش بدوش کمال اتاتورک برای ترقی و تعالی ترکیه جد و جهد میکرد . همان بود که جلال بایار وزیر سابق اقتصاد کابینه جدید را از وزرای سابق با اندک تغییرات تشکیل نمود . رئیس الوزراء جدید بیشتر هم خود را صرف مسائل اقتصادی نموده قرار داد های تجارته زیادی را با اکثر ممالک رویدست گرفت و در داخل برای تقلیل معیار معیشت زحمت زیاد کشید . در اوائل حوت کنفرانسی

امتیازات حکام انگلیس از و حاصل کرد و در اوائل خزان و کلای کابینگز در چندین ولایت هند کابینه های خود را تشکیل دادند .

اما در ماه دلو رئیس الوزرای کابینگز ولایت بهار تصمیم گرفت که محبوسین سیاسی ولایت مذکور را آزاد نماید . اما حاکم انگلیس ولایت مذکور مخالفت ورزید و پیشنهاد کرد که هیئتی مقرر شده بعضی از محبوسین را که جرایم ایشان بسیار سنگین نباشد آزاد نماید ، اما کابینه به این فیصله راضی نشده استعفا نمود درین وقت کمیته اجرائیه حزب کابینگز تصمیم گرفت که اعتصاب عمومی کابینگز را بر علیه حکومت اعلان نماید اما سیاستمداران لندن مداخله نموده و پس از مذاکرات زیاد نایب السلطنه هند بیانه مسالمت آمیزی را نشر کرد و راجع به محبوسین بهار پیشنهاد کابینه سابق را قبول و حاکم انگلیس که مخالف این امر بود عوض شد .

درین سال بموجب قانون اساسی جدید بتاريخ ۱۳ حمل بر ما و عدن از هند منفک گردیده هر یک مستقیماً به لندن مربوط گشت . مخالفت هندو و مسلمان در سر مسئله مسجد شهید گنج لاهور با وجود اقدامات حکومت پنجاب و زحمات طرفین فیصله نیافت و زدو خورد های کوچکی به عمل آمد . همچنین در روزهای اول محرم و روز عاشورا تضاماتی بین هندو و مسلمان و شعه و سنی در بلاد مختلفه روداد . قضیه شورش اقوام وزیرستان و مخالفت ایشان با بسط و توسعه نفوذ انگلیس در اراضی سرحد آزاد ادامه یافته زد و خورد های متواتری واقع شد و قبائل مذکور با وجود فشار عساکر مستعمراتی از تمديد سرک و باقی تعمیرات انگلیسی تا کنون جلوگیری بعمل آورده اند .

در زمستان این سال (چند رابوس) که از زعمای درجه اول

گزارشات دنیا

پیشنهاد کرد که حکومت مصر در آن قضیه مداخله نموده اعراب فلسطین را در حصول خواهشات ایشان امداد نماید. اما نحاس پاشا رئیس الوزرای وقت که بعزت خرابی او ضاع مدیترانه و قشر ن کشتی های ایتالیا در طرابلس نمیخواست روابط خود را بادولت برطانیا خراب بسازد به این پلان موافقت نموده و در نتیجه نقراشی پاشا باضر فداران خود از وفد خارج گردید و حرب مذکور اندکی در پارلمان ضعیف شد بتاريخ ۱۶ اسد شاه فاروق اول بسین رشد (۱۸ سنلگی)

رسیده زمام مملکت را بدست گرفت و علی ماهر پاشا را که یکی از دوستان و طرفداران شاه فقید بود بمشاوریت سلطنت مقرر نمود. اما رئیس الوزرا این اقدام را مخالف قانون اساسی دانسته بر تقرر مشارالیه اعتراض نمود وخواست که احزاب دست راست را زیر فشار بگیرد. درین موقع به علت دوری نقراشی پاشا و تجربه حزب و فد موقعیت او بمانند سابق محکم نبود زیرا که افراطیون وفد با او مخالفت می ورزیدند و حتی در مسافرتی که بجنوب مملکت بعمل آورد یکی از جوانان پیراهن آبی سوء قصدی بمقابل او بعمل آورد که خوش بختانه ناگام شد. بهر صورت کشیدگی بین رئیس الوزرا و دربار سلطنت زیاد گردیده بالاخره بتاريخ ۹ قوس به اثر درخواست شاه فاروق، نحاس پاشا از مقام خود استعفا داد و محمد محمود پاشا (رئیس حزب احرار مشروطه) کابینه جدید را تشکیل نمود و چون اکثریت پارلمان با او مخالف بود بموجب فرمان سلطنت پارلمان را با وجود احتجاج شدید و فدیون فتنل ساخته انتخابات جدید را اعلان کرد و تشکیلات نیمه نظامی حزبی پیراهن سبز و پیراهن آبی را نیز لتو قرار داد. آئینه اوضاع البته مربوط به انتخابات جدید است که نتیجه آن هنوز ظاهر نشده.

اتحادیه بالقان در انقره انعقاد یافت و دولت تورکیه به اشتراک رومانیه و یوگوسلاویه، و یونان رسمیت امپراطوری ایتالیا را در حبشه تسلیم نمود. در خزان این سال وزیر خارجه ایران رسماً به ترکیه مسافرت کرد. و علاوه بر این روابط ترکیه در عین زمان با انگلستان و روسیه از یکطرف و با ایتالیا و آلمان از طرف دیگر خوب بوده یعنی دولت مذکور سیاست میانه روی را در تمام روابط خارجه خویش بدرجه کمال حفظ کرده است.

ممالک عربی

مصر: مملکت جوان مصر که بقیمت فداکاری های بزرگ تازه استقلال خود را بدست آورده، و زمینه سیاست خارجی درین سال بموقیعت های بزرگی ناقل گردید و امتیازات خارجه را که بهزار اسم و رسم به آزادی و افتخار او صدمه میزد رفع نمود. اما در داخل مشکلات و بحران های بس مهمی در آن مملکت رو داده حزب و فد که محصل حقیقی استقلال مملکت بود از اداره امور کناره گرفت و انعکاس اقدامات و مخالفت های دول اروپائی در بحر مدیترانه در بین احزاب سیاسی آن تشتت و ففاق را جانشین بیگانگی و اتحاد ساخت. در اواخر حمل نمایندگان مصر در کنفرانس (موترو) شرکت ورزیده برفع کابینه لا سبون قضائی و غیره امتیازات دول اروپا کسایابی بزرگی را حاصل نمودند و چندی بعد در ماه جوزا دولت مصر در جامعه ملل رسماً شامل شد چنانچه افغانستان نیز برای پذیرفتن مصر در جامعه ملل سفارشات بعمل آورد. درین موقع شورش اعراب فلسطین بشدت دوام داشت و افکار جوانان عرب سخت بر علیه انگلیس بر آشفته بود، یکی از روسای بزرگ وفد نقراشی پاشا

در زمستان این سال که گفتگوی مذاکرات بین حکومت انگلیس و ایتالیا بالا شد یکی از درخواست های اخیر الذکر حصول امتیازاتی در کانال سوئز بود. از این جهت رئیس الوزرای برطانیه بیان نمود که حکومت مصر را از جریان مذاکرات اطلاع دهی شده و در قضایای مربوطه، با آن دولت مشوره بعمل خواهد آمد. حکومت مصر به مشوره صا جنمندان انگلیس پلان و سعی را برای تهیه یک عسکر منظم جهت دفاع مملکت و حفظ کانال سوئز و غیره رویدست گرفته و مبلغ خطیری را برای خریداری اسلحه و لوازم عسکری تخصیص داده است که در آینده او را از احتیاج اجنبی فارغ خواهد ساخت.

پس از انقلاب مختصری که در سال ۱۳۱۵ روداد و منجر به تبعید عراق: نوری سعید پاشا و قتل جعفر پاشا العسکری شد اداره مملکت بدست رجال افراطی افتاده مشارالیه اصلاحات مهمی را روی دست گرفته که از نکات عمده آن یکی اجرای نظام اجباری در بین عشائر و قبائل کوهستانی مملکت و دیگری توسعه معارف بود. همچنین در سیاست خارجه روش دولت کمی تغییر یافت و در قضایای فلسطین بحیث یک مملکت عربی مداخله بعمل آورده بر پلان تقسیم فلسطین احتجاج شدیدی بعمل آورد اما بتاريخ ۲۰ اسد جنرال بکر صدقی رئیس ارکان حزب ورکن مهم حکومت جدید در میدان طیاره موصول بقتل رسید و متعاقب آن بتاريخ ۲۵ اسد، کابینه حکمت سلیمان سقوط کرد و کابینه جدید بصورت اتحاد ملت تشکیل شده رؤسای جمیع فرق بشمولیت در آن دعوت شدند. چنانچه برای نوری سعید و باقی سیاسیون تبعید شده نیز حق مراجعت بوظن داده شد.

درین سال دولت عراق مخالفت های سرحدی را که از دیر با دولت ایران داشت بصورت دوستانه فیصله نمود. بتاريخ ۱۹ سرطان

وزیر خارجه آن مملکت بطهران آمده قرارداد های سرحدی را با ایران و معاهده سعد آباد را با دول افغانستان و ایران و ترکیه امضا نمود.

دولت عربیه سعودیه درین سال در داخل، پلان عربیه سعودیه: اصلاحات مدنی و اقتصادی خود را تعقیب نموده و در خارج مناسبات خود را با کثردول و مخصوصاً دول عربیه مانند مصر، یمن و عراق استحکام بخشیده است و همچنین زمامداران آن علاقه مدنی خود را بقضیه فلسطین و دفاع از حقوق اعراب ظاهر ساخته اند.

این مملکت که که دارد بطرف تجدید و عصری ساختن خود یمن: قدم بردارد روابط خویش را روز بروز با ایتالیا وسعت داده و ضمناً مناسباتش با دیگر ممالک عربی نیز روی هم رفته خوب بوده است.

در باقی ممالک عربی از قبیل کویت و مسقط و حضر موت و غیره وقایع قابل ذکری بظهور نیوسته است.

هیجان اعراب بمقابل اسکان یهود در فلسطین و شرق اردن: فلسطین که از دو سال باینطرف شدت کرده درین سال وخامت بیشتری کسب و دولت برطانیه برای اصلاح امور هیئتی تحت ریاست لارد پیل به فلسطین اعزام نمود هیئت مذکور که بنام هیئت شاهی یاد میشود پس از چند ماه تحقیقات بنندن مراجعت نموده را پورت خود را مبنی بر تقسیم مملکت کوچک فلسطین و شرق اردن به سه قسمت بین اعراب و یهود و دولت انگلیس تقدیم نمود. اما را پورت مذکور در پارلمان انگلیس مورد اعتراض حزب کارگر قرار گرفت و همچنین ممالک عربیه و حتی محافل بین المللی یهود عدم قناعت خود را به نسبت آن اظهار نمودند. در داخل مملکت شو رش اعراب بیش از پیش کسب شدت نمود چنانچه دولت انگلیس هم بنای تشدد را گذاشته اکثر از زعمای



محمد محمود پاشا رئیس الوزرای مصر



داکتر وزیر من رئیس انجمن
بین المللی یهود



مفتی اعظم بیت المقدس

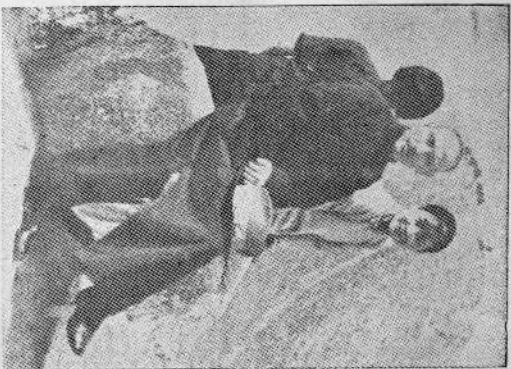


جنرال دل حاکم نظامی
فلسطین

ملی را محبوس و بعضی ها را اعدام نمود . مفتی اعظم که زعیم آزادی خواهان است بدو در مسجد اقصی اعتکاف نموده پس از سه روز بحر مانه بسوریه فرار کرده از چنگال عساکر مستعراتی نجات یافت . اما پلان تقسیم اراضی فلسطین در اجلاس جامعه ملل با مخالفت دول آسایشی مقابل گردیده دولت انگلیس هیئت دیگری بنام هیئت تخنیککی به فلسطین اعزام نمود که نقائص پلان مذکور و وجوه مخالفت یهود و اعراب را از نقطه نظر اجتماعی و اقتصادی مطالعه نماید . در خلال این حال خونریزی بطور فجیعی دران سرزمین ادامه دارد . مملکت سوریه که در اواخر سال گذشته معاهده سوریه و لبنان : استقلال خود را از فرانسه حاصل کرد ، ازان پس داخل یکدوره جدیدی شده که عنقریب منجر به آزادی تامه آن مملکت خواهد گردید . قضیه سنجاق های اسکندرون که میان ملیون سوریه و حکومت تورکیه اختلاف نظری را پیش کرده بود . در اوائل سال بین فرانسه و تورکیه بموافقت انجامیده و جامعه ملل نیز موافقت مذکور را تایید نمود و به اثر آن رئیس جمهور سوریه به انقره مسافرت دوستانه بعمل آورد . از طرف دیگر مردمان سوریه از لحاظ علائق مذهبی و نژادی با اعراب فلسطین همدردی خود را نشان داده . لیکن حکومت موجوده سوریه در امور فلسطین کدام سهمی نگرفته و تنها مفتی بیت المقدس را با بعضی پناه گزینان دیگر پناه داده است .

شرق اقصی

فضای سیاسی شرق اقصی درین سال وضعیت شوم و وحشتناکی را بنظر مجسم مینماید زیرا که صلح و امنیت ازان سامان رخت بر بسته و قشون جاپان مملکت پهناور چین را مورد تاخت و تاز قرار داده است .



مارشال چیانگ کای شیک در کنار تورچین با خانم و دختر خود



وروشیوف کبیر ملی مدافعه و سپه سالار قشون سرخ شوروی

گذارشات دنیا

عجالتاً با همه قدرت و توانائی جاپانیها و فتوحات مهمه ایشان نتیجه حرب معلوم نیست و امید آن نمیرود که درین زودبها صلح و آرامش جا نشین قتل و خون ریزی بشود. تفصیل و قانع مذکور اینست که حزب عسکر و استعمار طلبان جاپان از قضا یای سال ۱۹۳۱ و فتح منچوریا و جیپول و غیره ولایات چین و ضعف دفاع حکومت مرکزی بجزرت آمده همیشه آرزوی تجدید حمله و توسعه ممالک مفتوحه را بخاطر داشتند لکن محافظه کاران و طبقه سرمایه دار چندان باین اقدامات خطرناک راضی نبود و در داخل مملکت جاپان جنگ و جدال سیاسی بین دو فرقه مذکور دوام داشت تا آنکه یکدفعه در سال گذشته منجر به قتل عناصر محافظه کار از طرف عسکر گردید و دفعه دیگر در اثر اقدامات همین عساکر در ۱۱ حمل ۱۳۱۵ پارلمان منحل و انتخابات جدید اعلان شد درین فرصت قضایا در اروپا بعد از آخر تیره گردیده هر یک از دول روس و انگلیس بمعاملات خود در غرب مشغول بود از تصادم دریای آمور بین قشون جاپان و شوروی همان است که یک هفته بعد بتاريخ ۱۷ سرطان جاپان یک واقعه سرحدی کوچک را که در مقام (لوکوچیانو) با عساکر چینی، روداده بود اساس گرفته از دولت ناانگن تقاضا نمود که استقلال پنج ولایت چین، یعنی ولایات، شانسی شنسی، هوبی، چاهار و شانتونگ را مستقل ساخته تعرفه گمرک اموال جاپانی را تقلیل بدهد و با کمونیزم جداً مخالفت نماید. اگرچه مارشال چیانگ کای شیک باین شرایط تن نداد اما مذاکرات بین ما مورین، سرحدی طرفین شروع گردید و در حال حکومت چین سو فیاتی بسرحد مذکور بعمل آورد - حضور عساکر مسلح طرفین در مقابل یکدیگر موجب تصادمات شدیدی شد و قشون جاپان بمانند سیل سرازیر گردیده

گذارشات دنيا

چيني‌ها بمشكلاتي دچار آمده و هنوز قادر بعبور در ياي زرد نشده اند تا با قشون نانگن ملحق گرديده از انجا بطرف هانگوجه بپرند .
حکومت چين پس از شروع جنگ مناسبات خود را با روسيه شوروي اصلاح نمود و بتاريخ ۸ سنبله به آن دولت يك قرارداد عدم تعرض و عدم امداد بامتعرض را بصورت منقابه امضاء نمود و حکومت شوروي يك اندازه اسلحه و يك تعداد طياره و طياره ران بامداد نانگن فرستاد و هم دولتين موافقت نمودند که يك خط آهن بين چين و روسيه از راه ترکستان شرفي تعمير گردد . دول انگليس و امريکا و فرانسه که هر يك مفاد بزرگي در چين داشته و هم بموجب ميثاق منل موظف بامداد دولت مذکور ميشانند در کيفرانس بروسيل بهمين اکتفا نمودند که عمليات جاپان را مذموم قرار داده و بحکومت چين و عده امداد اخلافي بدهند . مملکت المان که آن نهم مناسبات اقتصادي مهمي با چين داشته و با جاپان هم ذريعه اتحاد ضد کمترن مربوط است در اوائل امر اقدام بوساطت و ميانجيجري بين متحارين شرق اقصي نموده اما بعد از آن صرف نظر کرد .
دول اروپايي :

انگلستان

اگر چه در بين سال او ضاع داخلي و مالي انگلستان بهبود زيادي حاصل نموده بازار تجارت گرم و کارخانه جات بفعاليت زيادي مشغول کار بوده از رهگذر سياست خارجي کابينه لندن به غوامض بزرگي دچار گرديده و هنوز راه صحيحي براي استحکام موقعيت بين المللي خود نيافته اند . رويهمرفته در قسمت بزرگ اين سال (يعني تا موقع استعفاي ايدين) سياست دولت انگليس واضحاير

شهرهاي پيکن و تين تسين را تسخير نمود و جنگ بزرگي بدون اعلان حرب بين طرفين شروع شد . کابينه جاپان براي اجرائ عمليات عسکري مبالغ بزرگي را منظوري داد و چند لک عسکر بسرحدا ت چين سوق کرد . حکومت نانگن نيز ملت را براي دفاع مملکت تحريك نموده حتي المقدور وسائل حرب را آماده ساخت و با کونست هاي داخلي صلح نمود بجامعه منل شکايت کرد . بتاريخ ۱۴ اسد قشون بحريه جاپان در بندر شنگهاي بغرض تسخير محله چيني حمله آورده جنگ شديدي بين طرفين شروع شد و در عرصه سه ماه قشون جاپان تحت امر جنرال متسوئي خطوط دفاعيه دشمن را در هم شکست و شهر مندکور را با اراضي مجاور آن فتح نمود و پس از ان بجانب نانگن حمله برده آخرين استحکامات و مدافعين چين را در مقابل اين شهر مضمحل نمود و بتاريخ ۲۲ قوس بايتخت را مسخر کرد . در تمام اين مدت طيارات جاپاني بر شهرهاي بزرگ چين بمبارد مان مهيب و وحشت ناكي را اجرا نموده در بين وقائع و تصادمات چندي بين عساکر جاپان و دول امريکا و انگليس و فرانسه رويداد مثلاً واقعه مجروح شدن سفير انگليس و حادثه جهاز ياني امر يکائي وغيره که هر کدام ميتوانست سبب بروز جنگ شود اما هيچ يك از اين دول بجنگ اقدام نکرد و با اعتدالات جاپان اکتفا نمودند .

پس از چندي پيش از فتح نانگن مارشال چانگ کاي شيک با اعضاي حکومت و کومتانگ (مجلس مرکزي) به هانگورفته شهر مذکور را مرکز حکومت قرار دادند و با وجوديکه جاپان بپادشهر نانگن حکومت چيديدي از طرفداران خود تشکيل داده اند اما جنگ ادامه دارد و عساکر جاپان در شمال از حيث وسعت جبهه و حملات منظم وغير منظم

گذارشات دنیا

با مدوین رئیس‌الوزرای انگلستان در اثر پیروی از مقام خود استعفا نمود چنانچه قبلاً پیش بینی شده بود نیواگبل چمبرلین وزیرمالیه به تشکیل کابینه جدید موظف شده کابینه خود را تقریباً از وزرای سابق باندک تغییرات تشکیل نموده - چمبرلین درعین حال مقام ریاست حزب محافظه کار را نیز اشغال کرد - بتاريخ ۲۴ جوزا دوک آف ونسراشاه مخلوع انگلستان بدون حضور هیچیک از خانواده سلطنتی انگلیس در یکی از کلیسا های فرانسه (بمقام کان) باخانم سمپسن از دواج نمود . در اواخر ماه سرطان حکومت انگلیس موافقت های را که سابقاً در قسمت بحریه با المان و شوروی بعمل آورده بود بشکل معاهدات بحری در آورده و هر یک از مملکتین مزبور متعهد شدند که کمیت و کیفیت بحریه جنگی خود را باطلاع انگلستان برسانند . اما شوروی درین قسمت بحریه شرق اقصای خود را استثناء کرد .

تاریخ ۴ سنبله هو چیسین سفیر کبیر انگلیس متعین نالانکن در بین راه شانگهای مورد حمله طیارات جاپانی واقع شده جراحات شدیدی برداشت و در اثر این قضیه آرای عامه ملت انگلیس سخت بر علیه جاپان برآشفته گردید و جراید تحریک مقاطعه اقتصادی را بر علیه جاپان نمودند اما دولت به اعتدال رسمی وزارت خارجه جاپان اکتفاء ورزید . روابط انگلیس و ایطالیا روز بروز بدتر شده رفته پرویا گند جرائد دوام داشت تا آنکه پس از پیشرفت سیاست المان در ارضیش گراندی سفیر کبیر ایطالیا در لندن موضوع مناسبات مملکتین را دوباره پیش کشیده به چمبرلین و ایدن اطلاع داد که اگر درینوقت اقداماتی بعمل نیاید احتمال دارد که درآینده ایطالیا برای مذاکرات حاضر نخواهد شد . ایدن باین خواهش راضی نشده چون چمبرلین طرفدار آن

اساس امنیت مشترک و صلح تقسیم ناپذیر یعنی مطابق ميثاق ملل قرار داشت و مناسبات آن با بعضی از دول و مخصوصاً بادیموکراسی های بزرگ تشدید یافت اما از اقدامات دول فاشیست و مستعمره طلب جلوگیری بعمل آورده نتوانست و پس از قضیه مدش حبشه صدمات جدیدی بمقاد اقتصادی و استعماری آن در اسپانیا و چین وارد آمد .

از وقایع مهم انگلستان درین سال یکی تاج پوشی جارج ششم است که از روزهای اخیر ماه ثور باشکوه و جلال تمام در لندن بعمل آمده نماینده گان جمیع دول عالم و ممالک امرا طوری و ملو نها نفر نما شایچی دران شمولیت ورزیدند چنانچه از طرف افغانستان ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت سردار شاه ولیخان غازی وزیر مختار اعلیحضرت درباریس و ع ، ش سردار اسد الله خان قوماندان فرقه شاهی و ع ، ج عبدالصمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در روما در مراسم مذکور شمولیت ورزیده بودند . وهم درین وقت کنفرانس امپراطوری در قصر سینت جیمز در تحت ریاست بالمدوین رئیس الوزرای وقت افتتاح گردیده نماینده گان ممالک امپراطوری و نماینده هند با اولیای امور لندن تبادل آراء بعمل آوردند متفقاً باهمدیگر تعهد تعاون نموده تا تجارت باهمی خود را ذریعه معاهدات دو جانبه و تخفیف تعرفه گمرکی ترقی بدهند .

اما در مقابل مناسبات دولت آزاد آیرلند با انگلیس روز بروز سردتر گردیده چنانچه بتاريخ ۲۴ ثور پارلمان این مملکت فانون اساسی جدیدی را تصدیق نموده اسم مملکت را (آیر) و اداره سیاست خارجی را که تا آنوقت از امتیازات پادشاه انگلیس بوده برئیس جمهور مملکت تفویض کرد چنانچه در اواخر سال مذاکرات دولتین شروع شد و انگلستان اتحاد آیرلند آزاد و الاستر را قبول نکرد . بتاريخ ۷ جوزا

مانده حتی المقدور روابط خود را بادول دیموکراسی (مشروطه) استحکام بخشید و با نقشه های دول فاشیست مخالفت نشان داد و بر تعرضات دول غیر قانع همواره اعتراض نمود .

بنوم رئیس الوزرای سوسیالیست فرانسه پلان های اجتماعی بزرگی را ترتیب داده برای ملی ساختن کارخانه جات و مستقل ساختن شرح مبادله تیاری کرد اما سرمایه داران با مخالفت ورزیده بواسطه خارج کردن مقدار کلی طلا و تنزل مسکوک بحران شدیدی را روی کنار آوردند . بنوم بتاريخ ۳۱ جوزا از مقام ریاست وزرا استعفا داد و شوتان که یکی از اعضای مهم حزب رادیکال است کابینه جدیدی بشراکت تمام احزاب جبهه عامه تشکیل نمود . تقریر بونه بوزارت مالیه سرمایه داران و احزاب دست راست را آرام ساخته پلانهای او پس از اندک مخالفت تصویب شد شوتان بهمرای دلجو وزیر خارجه در اوائل عقرب مسافرتی بلندن نموده پیشنهاداتی را که لارد هیلیفکس از برلن آورده بود باد یگر قضایای بین المللی بازماداران انگلیس مطالعه کرده پس از آن دلجو مسافرتی در ممالک متحد فرانسه یعنی پورلند و رومانیه و یوگوسلاوی و چکوسواکی بعمل آورده در مسائل مهمه با اولیای آنها تبادل نظر کرده و از نفوذ دول مخالف در آنجا تا یک اندازه جلوگیری نمود . در همین دوره ریاست وزرائی شوتان بود که اغتشاش شدیدی در مراکش فرانسوی روداده و قشون فرانسه برای اطفای آتش انقلاب در شهر فاس و دیگر نقاط باستعمال اسلحه ناریه متشبه گردید و یک تعداد از بومیان ناراضی بخاک و خون غلطیدند اما در اثر اقدامات عسکری شورش مذکور زود خاتمه یافت و متعاقب آن حکومت فرانسه پلان اقتصادی جدیدی برای آبادی مراکش ترتیب داده که بزعم ایشان شکایت اهالی بومی رارفع خواهد کرد

بود ، با معین پارلمانی خود لارد کراپورن استعفی داد . لارد هیلیفکس عوض ایند و بتلر جانشین گران بورن گردیده مذاکرات مملکتین شروع گردید و بزودی پیشرفت کرد قبل از رسیدن بمقام وزارت خارجه لارد هیلیفکس مسافرتی در آلمان بعمل آورده و باهتلر ملاقات های مفصل نموده بود . پس از مراجعت هیلیفکس در اوائل عقرب شوتان و دلجو رئیس الوزرا وزیر خارجه آنوقت فرانسه بلندن مسافرت نموده در قضایای بین المللی باوزرای انگلیس مذاکره کردند . اما پیشنهادات هتلر طرف قبول واقع نشد - در ۱۸ ماه دلو دولتین مذکور باتفاق امریکا یادداشت متحد المالی بدولت جاپان راجع باحترام مقررات معاهده بجریه لندن تقدیم کردند اما دولت مذکور جواب منفی بایشان داده و معاهده بجریه را درهم شکست در واقعه الحاق آستریا با آلمان نیز انگلستان بجز از یک اعتراض دیگر اقدامی نکرد و به چکوسواکی هم ضمانت نداده

فرانسه

اوضاع سیاسی فرانسه درین سال پر آشوب و مضطرب بود دو کابینه جبهه عامه (اتحاد احزاب دست چپ) و یک کابینه رادیکال که احزاب دست چپ تشکیل نموده بود بی هم سقوط کرد و دهشت افگنی ها و اغتشاشات خطرناکی بدسیسه افراطیون دست چپ و دست راست و تجریک اجنبی در داخل مملکت و مستمرات روداده حکومت مذکور را دچار اندیشه واضطراب نمود . از رهگذر سیاست خارجی و بین المللی هم اولیای مملکت بمشکلات عظیمی بر خورده و دقائق خطرناکی را طی نمودند معینا سیاست فرانسه بر اساس سابق خود یعنی بظرفداری از جامعه ملل و سیستم امنیت مشترک ثابت

سالنامه « کابل »

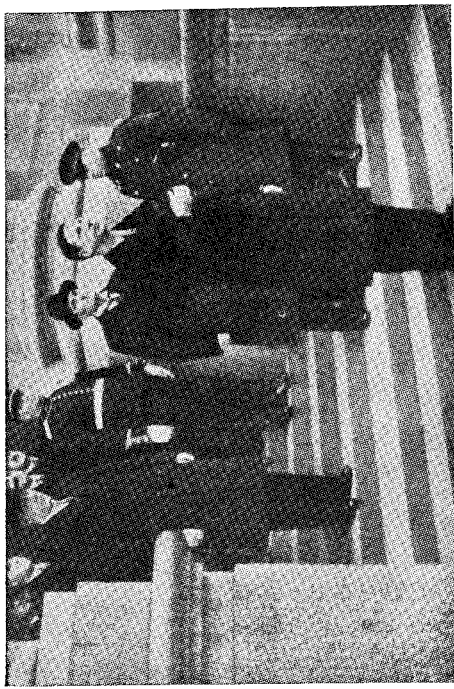
مقارن این حال درکارخانه جات اسنجه سازی فرانسه وحتى درنفس شهر پاریس بم‌های زیادی انفلاق نموده باعث قتل نفوس و خرابی وانهدام عمارات زیاد گردیده - پلیس وحکومت فرانسه تحقیقات وسیعی را روی دست گرفته در اثر توقیف چند نفر از مجرمین که بعضاً خارجی ومربوط بدول فاشیست بودند معلوم گردید که جمعیت خطرناکی برعنبه حکومت جمهوری مشغول دسیسه وتوضیه می باشد و اسنجه فراوان برای تهیه یک انقلاب عظیم جمع آوری شده است .

درعهد ریاست وزرائی بلوم نمایش بین المللی صنایع و فنون دریاریس افتتاح شد (ماه نور) و اکثر دول عالم در آن شمولیت ورزیده وغرفه های قشنگی را اطراف قصر بزرگ تروکادیر و دو طرفه نهرسن تعمیر نموده بودند در اواخر جدی حزب سوسیالیست با نقشه های بونه مخالفت ورزیده وزرای سو سیالیست بهمراهی بلوم یکجا استعفا دادند و کابینه شوتان سقوط کرد و پس از چند روز بحران بالاخره شوتان دوباره اقدام نموده و کابینه جدیدی را خاص از حزب رادیکال تشکیل نمود - جمیع احزاب باین فیصله راضی گردیده و بحران رفع شد . درین بار شوتان همکاری و تعاون خود را با انگلیس وامریکا ادامه داده نوبه بحریه را بشراکت آن دودولت بجایان صادر کرد و برای جلوگیری از بمبارد طیارات بر شهرها و نفوس ملکی هسپانیا که اخیراً شکل فجیعی را اختیار نموده بود اقدام کرد ودرماه حوت که المان بفشار نظریات خودرا برحکومت اتریش (استریا) تحمیل نموده ، سیاست الحاق را روی دست گرفت کابینه شوتان علاقه مندی خودرا بدفاع حقوق واستقلال اتریش وچکوسلواکی اظهار نموده اما وقایع داخلی مجال اقدامی را درین موضوع

رئیزی مکدا لند رئیس الوزرای قیدی انگلستان



دی ولبرا زعمیم ملی ورئیس مملکت آیرلند



مربوط به واقعات انگلستان



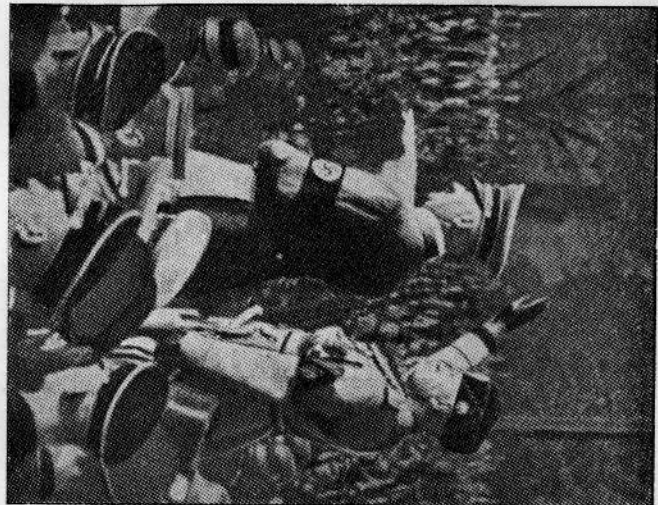
امضای معاهده ضد کمترن بین جاپان ، آلمان و ایتالیا



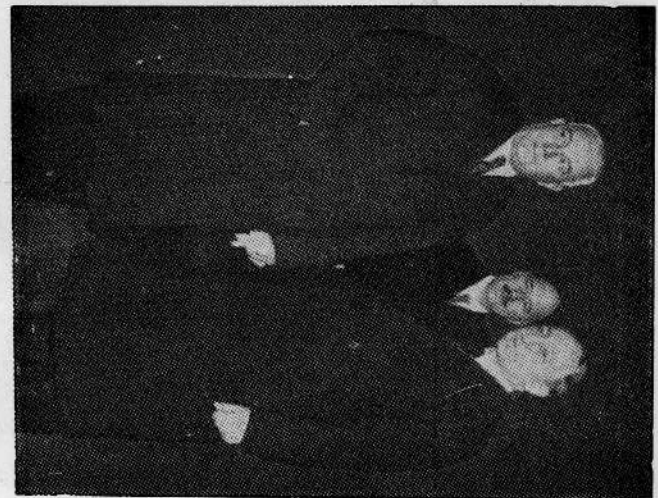
جنرال فون براو شتس قوماندان عمومی افواج بری آلمان



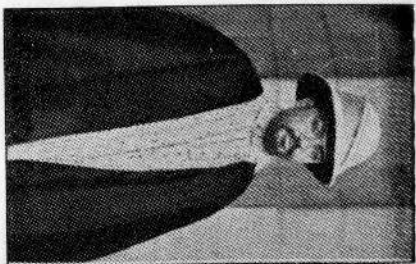
جنرال کیتل رئیس ارکان حریه جدید آلمان



مسافرت موسولینی با آلمان : سلام نازی و سلام فاشیست در موقع نمایش عسکر آلمان



ملاقات فون نورات وزیر خارجه آلمان بادلبو وزیر خارجه فرانسه در برلین ، موقع مسافرت اخیرا ذکر بعطف پولیند



راس دستا آخرین مدافع ملی جنبه که اخیراً دستگیر و مقول شد



گراندی سفیر کبر ایتالیا در لندن و عامل مهم نزدیکی جدید انگلیس و ایتالیا



دیوک اوستا نائب السلطنه جدید جنبه که اخیراً باین رتبه مقرر شده

گزارشات دنیا

بشار الیه نداد و حزب سوسیالیست دو باره بانقشه های مالی حکومت مخالفت ورزیده کابینه شوتان در همان شبیکه فردای آن المان در آستریا اقدام عملی میکرد سقوط نمود (۲۱ حوت) چنانچه شاید در انتخاب وقت اقدام باشغال آستریا همین سقوط کابینه فرانسه نیز دخیل بوده باشد - بهر صورت وضعیت سیاسی از اثر مسائل آستریا خیلی باریک بوده تشکیل فوری کابینه فوق العاده ضرور افتاد و پس از آنکه بلوم کابینه را از سوسیالیست ها و رادیکال ها تشکیل داد ولی باوجود این در کار تشکیل کابینه آنقدر تعطیل بهم رسید که مسئله الحاق آستریا شکل عملی پیدا کرده و برای جلوگیری از آن جز بوسیله اقدام مسلح و سیله باقی نماند و برای ایشکار نیز چون انگلستان حاضر نبود فرانسه چیزی کرده نتوانست از طرف دیگر در همین وقت جنرال فرانکو در هسپانیه پیشرفت های خیلی زیادی حاصل کرده درین موضوع نیز انگلستان جهت کدام اقدام مؤثر موافقت نمود و بالاخره از سمتی نیز اوضاع داخلی مواجه بحران شدید پولی گردیده سرمایه داران بواسطه خارج کردن طلا و غیره اقدامات مالی قیمت فرازک را بطور فحشی تنزل دادند و این موضوع بیشتر توجه حکومت را بسوی قضایای داخلی معضوف ساخته روی هم رفته حکومت فرانسه تا اخیر این سال بجز از دادن ضمانت به چکوسلوا که دیگر کدام اقدام مؤثری نه در موضوع آستریا و نه در موضوع هسپانیه بعمل نیاورده حتی فرانسه درخواست روسیه را برای تشکیل مجلس دول دیومو کراسی جهت جلوگیری از اقدامات دول فاشیست منظور کرده نتوانسته و بالمقابل به تسلیحات خویش افزوده است .

آلمان

سیاست خارجی المان درین سال با اساس مخالفت کمونیسم اتحاد

نژاد ژرمن و استقلال مذهبی و اتفاق با دول فاشیست قرار داشت و بموقعیت‌های چندی نائل گردید - علاوه بر تشدید مناسبات خود با ایتالیا و جاپان دولت نازی تشبثاتی برای پهن کردن رسوخ خود در بالکان و اروپای وسطی بعمل آورده و مملکت اتریش را بخود ملحق کرده و در عین حال بطور مسالمت مطابقت سابقه خود را از

انگلستان و فرانسه بعمل آورد در داخل مملکت بزرگترین اقدامات حکومت نازی سیاست اقتصاد ملی بود بقرض تهیه مواد ضروری بصورت مصنوعی و رفع احتیاج از خارج. از آنجا که این اقدام باعث ضعف روابط و کساد بازار تجارت است در مالک متمول غرب اروپا و جماهیر متحده امریکا بخوشی استقبال نشد و روابط المان مخصوصا با فرانسه و انگلیس بهبودی حاصل نکرد بتاريخ



۱۷ ثور چهار هوائی بزرگگ بودند ورف جنرال فئید المان المان موسوم به هند نوبرگگ که با امریکای شمالی مسافرت میکرد انفلاق نموده و بایک قسمت از مسافرتش تلف شد در اوائل جوزا بائر گسوله باری طیارات حکومتی بر جهاز مراقب المانی (دویچلند) به بحیره المان بندرگاه اسپانیوی المیریارا بمبارد کرد. در موضوع جنگ اسپانیا المان تقریباً قدم قدم از سیاست ایتالیا

پیروی نموده دو دفعه بهمراهی آن دولت مراقبت سواحل راترک گفت اما عملاً معاونت و امتداد او با فرانکو نسبت به سال گذشته کمتر بود بتاريخ ۲۹ اسد دولت المان معاهده بحریه را در لندن با انگلیس امضاء کرد و تعهد نمود که از قوا و تعمیرات بحریه خود آن دولت اطلاعدهی ننماید. در ماه میزان موسولینی با المان مسافرت و مذاکراتی با هتلر بعمل آورد که شاید نتیجه آن شمول ایتالیا در معاهده ضد کمترین و خروج آن دولت از جامعه ملل بوده باشد - بتاريخ ۲۰ میزان دولت المان بموجب وعده که قبلاً به بلژیک داده بود معاهده عدم تعرض را با آن مملکت امضاء کرد و از ادعای اراضی از دست رفته خود در سرحدات آن مملکت صرف نظر نمود هم چنین بتاريخ ۱۵ عقرب معاهده راجع به حقوق اقلیت‌های طرفین با دولت پولیندا امضاء نمود و اکثر مسائل متنازع فیها را با آن مملکت قطع و فصل کرده در اواخر عقرب لارد هیلیه کس با المان مسافرت نموده با هتلر ملاقات نمود و نظریات قائم المان را در موضوع اکثر قضایای سیاسی استعلام کرد. معلوم میشود که هتلر با لارد موسوف پیشنهاد ضمانت بیست و پنج ساله صلح اروپای غربی را نموده است مشروط بر اینکه دست المان در دیگر نقاط آزاد گذاشته و انگلستان و فرانسه در قضایا مداخله ننمایند چنانچه چند روز بعد ازین در بر این ملاقاتی بین وزیر خارجه المان بارون فون نورات و دلبووزیر خارجه فرانسه که عازم وارسا بود دست داد معیناً پیشنهاد مذکور طرف قبول واقع نگردید. در اواسط ماه دلو بحران بزرگی در کابینه المان رو داده بلومبرگگ وزیر حریه با چندین نفر از جنرالها از عهده خودها منفصل و خود هتلر وزارت حریه را اشغال و فون ریین تروپ سفیر کبیر لندن جای فون نورات را در وزارت خارجه گرفت.

گزارشات دنیا

نکردند و همسایه گمان دیگر آلمان از چکسلواکی و هولاند و سوئیس و پولند و هر یک را رای یک تعداد اقلیت آلمان نژاد میباشند در صدد تقویة فوری عسکری و تهیه وسائل دفاع بر آمدند مخصوصاً دولت چکسلواکی تعهد امداد عسکری را در صورت حمله آلمان از فرانسه و شوروی بدست آورده اما انگلستان در قبول آن انکار ورزید .

ایتالیا

دولت ایتالیا درین سال سیاستی را که از موقع جنگ حبشه به بعد مبنی بر مخالفت جامعه ملل و دول دیموکرات پیش گرفته تعقیب نموده بلکه موسسه جمعیت اقوام را بکلی ترک گفت و در اتحاد ضد کمونیزم با آلمان و جاپان رسماً شرکت ورزید . در قضیه اسپانیا هم تا جائیکه مسئله منجر بکنجک عالم گیر نمیشد تشدد نموده ملیون را با انواع وسائل امداد و حمایت کرد . در داخل مملکت حکومت فاشیست برای تهیه مواد خام با اصول مصنوعی و تکمیل تسلیحات عسکری جد و جهد ورزیده ، و در خارج تا که ممکن بود اسباب نگرانی فرانسه و انگلستان را در اروپا و مستعمرات شان فراهم آورد . اما درعین حال برای اصلاح روابط خود با بعضی دول درجه دوم اروپا و خارج آن نیز اقداماتی بعمل آورده و تا یک اندازه کامیابی حاصل کرد . در روزهای اول حمل موسولینی مسافرتی در خطرناک بس بعلم آورده و جاده بزرگی را که در طول ساحل آن مملکت تا سرحد مهجر کشیده شده بود افتتاح نمود و ضمناً نطقی در محضر اعزاب ایراد نموده خویش را حامی جامعه مسلمین معرفی کرد . این نطق که در حقیقت سیاست سمی سال پیش فیضر ویلم آلمان را زنده میساخت تاثیر شدیدی در انگلستان نموده مناقشه جرایم باعقالات

این تغییرات سیاست خار جی و قشون را نیز بدانند دیگر شعب حیاتی مملکت مستقیماً تحت اداره حزب نازی قرار داده درین وقت هتلر از شوشنگ رئیس الوزرای اطریش تقاضای ملاقات فوری را نموده در نتیجه آن شوشنگ



بمجرد مراجعت به وین در کابینه خود تغییراتی وارد کرده چند نفر از روسای حزب نازی اطریش را در بعضی از وزارت قبول کرد و امتیازاتی به ملیون سوسیالیست در امور سیاسی

فون بلومبرگ وزیر بحریه سابق آلمان و مراسم حزبی ایشان قائل گردید . اما چون نهضت نازیها شدت کرد و شوشنگ برای گیری متوسل شد فعلاً بتاريخ ۳ حوت هتلر انیما تومی باطریش صادر کرده و از شوشنگ در خواست نمود که از مقام خود استعفا داده پس آن کوارت رئیس نازیها بریاست وزرا تعیین شود والا آلمان اقدام عسکری خواهد نمود . فردای آن با وجود استعفای شوشنگ قشون آلمان بدعوت نازیهای اطریش داخل خاک آن مملکت شده بدون انیک زود خورد آن را تسخیر کرد و هتلر و گوپرننگ بوین مسافرت نموده الحاق اطریش را با آلمان اعلان نمودند و یک کابینه نازی تشکیل و اعلان شد بتاريخ ده اپریل رای عامه بعمل آمد اما این واقعه در خارج بی تاثیر نمانده مملکتین فرانسه و انگلیس و شوروی احتجاج شدیدی نمودند اما عملاً کدام اقدامی

١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠

١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

پیام تفویض حفاظت چکوسلواکیا به هتلر و جواب هتلر

د براتسلاو خبر وائی مو سیو (تسو) :
 د لاندی تیلیگرام دهر هتلر به نامه کړی :
 «زه درره د داد او عقیدی به واسطه
 چه به (هر هتلر) د لوی جرمنی به لور
 واکدار ئی ارم خپله چکوسلواکیا ستا
 ساتنه لاندی ایزدم انو تو قمع لرم
 چه تا سو به زما د اغو شته ومنی» .
 هر هتلر لخواه و پرکړو چه «مشایخام را
 ورسید ما د چکو سلواکیا ساتنه پخپله
 غاړه ومنله» .

بر اتسلاو ۲۵ حوت موسیو (تسو)
 تیلیگرام آئی را بنام هر هتلر کشید :
 «ما نظر به اطمینان قلبی و عقیده که
 نسبت به (هر هتلر) فائده ا نظم جرمنی
 کبیر داریم چکو سلواکیای خود را
 تحت حمایت شما میگذاریم و توفیق داریم که
 شما این درخواه است ما را قبول خواهید فرمود» .
 هر هتلر جواب داد که «پیام شما رسید
 من حفاظت چکو سلواکیا را بمهده خود
 قبول نمودم» «ریوتر»

3:00
2:30
2:00
1:30
1:00
12:30
12:00
11:30
11:00
10:30
10:00
9:30
9:00

سالنامه «کابل»

هریک سیاست خارجی مشخص اتخاذ نمودند ، اما با هم اشتراك مفاد (مخصوصاً وجود دشمن مشتركی مانند هنگري که با هر سه مملکت مذکور دعواي اراضي دارد) وجد وجهد فرانسه نکنداشت که اتحاد آنها لغو شود . از این سه مملکت تنها

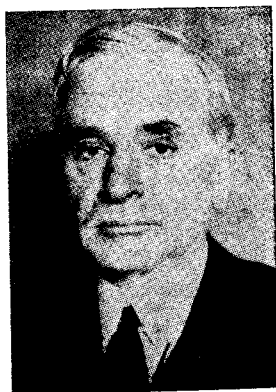


چکوسلاواکی سیاست سابقه یعنی طرفداری جامعه ملل و اتحاد فرانسه و روسیه پایدار مانده و وضعیت آن در مقابل ممالک فاشیست تغییری نیافت و حتی دولت چکوسلاواکی به یکی از کنار خانه جات خود که فرمايش یکنوع ما کشیدار مخصوصی را از پرتگال قبول نموده بود اجازه نداد که آنرا بسولت مذکور بفروش رساند و در نتیجه این امر پرتگال پروتست

شدیدی داده روابط سیاسی هملاین رئیس نازیهای چکوسلواکیه دولتین بکلی قطع شد و در اخیر سال از سبب اقدام المان در آستریا اضطرابی در چکوسلواکی پدید آمده اما فرانسه و روسیه ضمانت او را در صورت حمله المان نده و آرزو نداشتند تنها انگلستان از آن امراض کردو در داخل حکومت چکوسلواکیه در اثر خواهشات حزب نازی ، بعضی امتیازات را برای شان قائل شد وهم درین سال بود که مساریک استقلال بخشیده چکوسلواکی فوت شده مراسم جنازه او با تشریفات ملی فوق العاده بزرگی بعمل آمده .

میان روی دوجنبه دار خود را به هارت تمام تعقیب کرد و بدون آنکه رابطه دوستی و اتحاد خود را با فرانسه قطع نماید با آلمان نازی يك اندازه گرجوشی بعمل آورد . و حتی معاهده راجع با قلیت های ظرفین با آن مملکت عقد نمود . و یکی از مشکلات بزرگی را که در روابط ایشان واقع بود ، رفع کرد . از طرف دیگر يك وزیر خارجه آن مملکت مسئله احتیاج

مستعمراتی پولیند را با الحین مسالمت آمیزی گوش زد اولیای امور فرانسه و انگلیس و جامعه ملل ساخت . ضمناً روابط پولیند با اسپان و ایطالیا نیز خوب شده در اخیر سال وزیر خارجه آن مملکت رسماً بروما مسافرت و رسمیت الحاق حبشه را با ایطالیا اعتراف کرد . همچنین در زمستان این سال هورتی نائب السلطنه مجارستان به پولیند مسافرت کرده روابط مملکتین تشدید یافت . اما روابط پولیند



آدم کوک رئیس حزب ملی پولیند با چکو سلواکیه و مخصوصاً با لیتوانیا هماطور کشیده بوده ، تا آنکه در اخیر سال با اثر قتل يك نفر سیاهی پولیندی بر سر لیتوانیا ، حکومت وارسا به لیتوانیا اولتیماتوم شدیدی صادر کرد که باید بصورت فوری لیتوانیا روابط سیاسی خود را که پس از تصرف عسکر پولیند بر شهر ولنا (در ۱۹۲۲) قطع شده بود ، دوباره برقرار سازد . چنانچه لیتوانیا بالاخره بجز قبول چاره ندیده روابط مملکتین تجدید شد . در داخل حزب فاشیست که بسرکردگی کرنیل آدم کوک از چندی با بنظر طرف تشکیل شده بود ، نهضت زیادی نموده اما حکومت حزب مذکور را منحل

تا تار سکو را که سر کب از احزاب دست چپ بود مجبور با استعفا ساخت و گوگا رئیس یکی از احزاب کوچک دست راست را موصف به تشکیل کابینه نمود . کابینه گوگا دستایر شدیدی بر علیه بهبود های رومانیا بعمل آورده و اگر چه پاینداری خود را بدوستی فرانسه و اتحاد صغیر اعلان نمود اما سیاست آن با دولت شوروی فوق العاده سرد گردید و با لعکس بادول فاشیست از در صمیمیت پیش آمد .

مقارن این حال شارژ دافر شوروی در بخارست مفقود شده و دولت روسیه شدیداً بر رومانیا پروتست داد و هم احزاب دست چپ بر علیه کابینه گوگا قیام نموده مشارالیه سقوط کرد و یکنفر از اعتدالیون که شخصاً اسقف است کابینه سر کب از روسای تمام احزاب تشکیل نمود و سیاست ضد بهبود را تخفیف داده و موازنه احزاب داخلی نفوذ اجانب بعمل آمد .

اتحادیه با لقان

اتحادیه با لقان که ربط قریب با اتحاد صغیر داشته سر کب از رومانیه یوگوسلاویه ، یونان و ترکیه و بلغاریه است ، روابط با همی شان نسبت به اتحادیه صغیر بهتر بوده ، مجلس سالانه اتحاد مذکور که در اخیر سال در انقره انعقاد یافت ، در آن سیاست بیطرفی در دسته بندی های اروپا و داشتن روابط نیک بادول فاشیست و منجمله اعتراف رسمیت الحاق حبشه به ایطالیا تصویب گردید . در یونان و بلغاریه با وجود کشمکش بعضی از احزاب سکون حکمفرما بود . وقایع دیگر ممالک مذکور یعنی ترکیه و رومانیه و یوگوسلاویه علیحده ذکر شده حاجت به تکرار نیست .

لهستان (پولیند)

دولت پولیند که از حیث قوای عسکری و موقعیت جغرافیائی خود مقام مهمی را در اروپا اشغال نموده است ، درین سال هم سیاست

و بلژیک اتحاد گمرکی بنام اتحادیه او سلو تشکیل دادند -
 دول بالتیک (استونیا ، لتونیا ، فنلند) روابط باهمی خود را
 افزوده و از دسته بندیهای اروپائی تا اندازه زیاد احتراز کردند
 در اخیر سال در اثر کشته شدن یک سیاهی پولیندی در سرحد لتوانیا
 پولیند بر آن مملکت فشار آورده ، تاسیس روابط سیاسی را که در
 اثر تصرف پولیند بر شهر ویلنو در سال ۱۹۲۲ بین مملکتین قطع
 شده بود بر او قبولانید .

هالیند و سوس از اقدامات المان ترسیده قوای حربی خود را افزودند .
 بر تگال سیاست سال گذشته خود را بطرفداری جنرال فرانکو
 دوام داده کمونست ها را در داخل مملکت تحت فشار گرفت . و
 روابط سیاسی خود را با چکسلواکی قطع کرد .

مجارستان اتحاد خود را با ایتالیا دوام داده مناسبات او با جرمنی
 نیز خوب بود اما در اواخر سال پس از مذاکرت شوشنگک و هتلر
 حزب نازی را در داخل مملکت خود لغو نمود .

ممالک امریکائی

ممالک متحده امریکا

دولت اتازونی درین سال میل وعلاقه واضیحی بمسائل بین المللی
 وقضایای اروپا نشان داده بادول دیموکراسی اروپا معاونت وهمکاری
 بعمل آورده ، از اقدامات دسته مخالف تا اندازه جلو گیری کرد
 وبسیاست استعمال قوه ومخصوصاً با اصولی اکتفاء بخود (یعنی استثنای
 اقتصادی) دول فاشیست مخالفت ورزید . ودرعین حال به تکمیل تسلیحات
 خویش پرداخته و خاصه بحربه جنگی خود را وسعت زیاد بخشید . در
 اوائل ماه فور کانگرس واشنگتن لائحه بیطرفی اتازونی را تصویب

و حزب جدیدی بنام حزب ناسیونال (ملی) تشکیل داده است .

بلژیک

دولت بلژیک که در سال گذشته اساس بیطرفی را در سیاست
 فرانسه و المان اتحاد نموده بود ، درین سال به سیاست مذکور ادامه
 داده در هور خود را رسماً از قیود معاهده لوکار نو آزاد ساخت
 در عین حال روابط خود را بادول کوچک و بطرف اروپائی شمالی
 تقویه بخشیده در اتحادیه اسنو که بین هالیند و ممالک اسکاندینا و
 (سویدن ، ناروی ، دنمارک) بغرض تسهیل معاملات تجارتی و رفع تعرفات
 شدید گمرکی تشکیل شده ، شرکت جست وهم شاه بلژیک در انگلستان
 مسافرت نموده با او لپای امور لندن مذاکره بعمل آورد و ظاهراً
 از ایشان وعده گرفت که در موقع خطر انگلستان بامداد بلژیک خواهد
 شتافت . بتاريخ ۲۰ میزان دولت المان معاهده عدم تعرض را با
 بلژیک امضاء نموده استقلال و تمامیت خاک آن مملکت را ضمانت
 و احترام نمود . بتاريخ ۳ عقرب وان زیلاندر اثر مخالفت شدید
 که مابین احزاب دست چپ و حزب فاشیست ریکس رخ داده بود ،
 از مقام خود استعفی داده ، بحران وزارتی مدت یکماه طول کشید ،
 بالاخره احزاب دست چپ بمعاونت شخصی شاه کابینه تشکیل کردند
 که هنوز ارکان آن از سبب کشمکش های سیاسی و نهضت عناصر
 ریکسیست (فاشیست های بلژیک) محکم معلوم نمیشود .

باقی ممالک اروپائی

درباقی ممالک اروپائی واقعاتیکه تاثیرات بین المللی قابل ذکری
 داشته باشد ، رخ نداده رؤس واقعات ممالک مذکوره قرار ذیل است :
 دول اسکاندینا و یا (سویدن ، ناروی ، دنمارک) با هالیند و

نگارش جناب ژوزف ها کن عضو هیئت عقیده شناسی فرانسه در افغانستان
ترجمه: جناب احمد علی خان (۱) « کهزاد » مدیر شعبه تالیف و ترجمه

حفریات جدید در افغانستان

خلص اجراآت هیئت اعزامی حفریات فرانسه

در افغانستان

از سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷

(سال ۱۳۱۶)

اعضای هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان از ماه سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷ تحت مراقبت وزارت معارف این مملکت یک سلسله تجسسات را در نقاط مختلفی که فواصل آن گاه گاه از هم خیلی زیاد بود انجام داده اند. در خزان ۱۹۳۶ (از سپتامبر تا دسامبر) هیئت در منطقه چخانسور که حصه افغانی سیستان قدیم را تشکیل میدهد و فاصله ۱۳۰۰ کیلو متر بجنوب غرب کابل افتاده به علاوه گردش های مفصل مقدماتی حفریات هم در چندین نقاط مختلف نمود «موسیو گرشین» هم درین وقت موقتا در هیئت ما شرکت جسته بود تا راجع به شهر زرنج «نا دعلی» فعلی که بچند صد متری سرحد ایرانی افتاده تحقیقاتی بعمل آورد. درین اثنا سایر اعضای

(۱) را پورت مفصلی که درین موضوع تهیه میشود در جلد ۹ خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد.

نمود. و اگرچه برای حفظ بیطرفی و عدم مداخله امریکا در محاربات خارجی ترتیب شده اما شرایط آن طور نیست که عملاً در موقع حرب به نفع انگلستان و فرانسه تمام میشود. از طرف دیگر اوضاع اقتصادی امریکا درین تبادل نسبت بسال گذشته بهتر بود.

در ماه اسد روزولت رئیس جمهور امریکا و آن زیلانز رئیس الوزرای بلژیک را که از طرف حکومت خود و حکومت فرانسه و انگلستان برای مذاکره در اطراف فروض گذشته و تمام مسائل اقتصادی عالم در نزد او مأمور شده بود در واشنگتن پذیرفته راجع به اصلاح وضعیت اقتصادی عالم با مشارالیه مبادله آراء بعمل آورده و در اثر این مذاکره نمود. در قضیه چین و جاپان اگرچه اتازونی بیطرفی را اختیار نمود اما علاقه و دلچسپی خود را باستقلال چین باها اظهار نموده و بموافقت فرانسه و انگلستان برای بیطرف ساختن شهر شانگهای اقداماتی بعمل آورد، همچنین در کنفرانس بروسل شمولیت ورزیده عملیات جاپان را مندموم قرار داد و بالاخره در ماه دلو بهمکاری انگلستان و فرانسه نوبه راجع به تجدید اسلحه بجرم جاپان صادر کرد و چون دولت مذکور جواب منفی داد اتازونی نیز پلان بحری را روی دست گرفت. از طرف دیگر رشته اتحاد دول امریکا (پان امریکا) که از سه سال باینطرف روی کار آمده و روزولت مشوق آن میباشد درین سال تا اندازه زیاد تقویه یافته دول امریکائی از سیاست جامعه ملل حتی المقدور کناره گرفتند.

در پاقی ممالک امریکائی وقایع قابل ذکری اتفاق نیفتاده تنها روابط باهمی دولیکه در سابق باهم منازعه داشتند اصلاح و هم در بر ازیل دیکتاتوری روی کار آمده قانون اساسی جدیدی با ساس فاشیزم وضع گردید.

حفریات جدید در افغانستان

نموده (۲) و در نتیجه راجع به موقعیت چند جای قدیم نظریات مفیدی پیش کرد. هکنذا موسیو « برتو » هم در ۱۹۲۵ بعضی کاوش‌هایی در شهر جدید شاهی و حفریاتی در (دامنه غربی کوه بچه) شرق بگرام نمود. سپس پلان تجسسات اصولی در ۱۹۳۵ ترتیب داده شده و به صحنه « کمسون تفحصات عتیقه شناسی در افغانستان » که مقرر آن وزارت تر بیه ملی فرانسه است رسید. برای تعمیل این پلان در بهار ۱۹۳۶ شروع به اقدامات شده بار اول « موسیو کرل و مونیه » حفریات را در اوایل ۱۹۳۶ در خرابه های « شهر جدید شاهی » شروع نموده و حین کاوش شمالا و جنوبا کناره های گودالی را تعقیب نمودند که روی خرابه های شهر عرضا افتاده است. در نتیجه از این محلیک مقدار زیاد ظروف سفالی مخصوص رفع احتیاجات خانگی کشف شد این ظروف که تزیینات آن برجسته و با مهر یا تاپه بعمل آمده به اوایل عصر استقرار کوشان یعنی قرن اول و دوم مسیحی نسبت میشود.

در ۱۹۳۷ دوباره تجسسات تحت مراقبت خودم شروع شده « موسیو کرل » بتاريخ ۱۶ اپریل در همان جائی که سال گذشته حفریات نموده بود شروع بکار کرد بفاصله دوصد متری شرق اینجا محل دیگری به مدام « ژ - ر - ها کن » سپرده شد « موسیو مونیه » را مامور نمودم که در خرابه های یک معبد بودائی که ۵ کیلومتری شرق - شمال - شرق (شهر جدید شاهی) افتاده عملیات حفریات را تعقیب کند.

پیرگردیم به حفرگاه نمره اول: دژ اثر خالی کردن منازل و دکانهای که کنار کوچه بزرگ شهر واقع اند مجدداً یک عده

(۲) مطالعات آسیائی که در موقع بیست و پنجمین سالگره

تاسیس مکتب فرانسوی در شرق اقصی شایع شده - I - صفحه ۲۷۳ - ۲۶۶

هیئت: مدام ها کن « موسیو کرل » و موسیو مونیه « تحت هدایات من در مناطق دشتی که بشمال رود دهلند مبسط است در حوالی خرابه های شهر « سارو تار » Sar-o-tar مشغول کشفیات و معاینه اراضی بودند چون بعض آثار عتیقه بودائی در قندوز (۱) یعنی در قلمرو بکترینان قدیم تازه پیدا شده بود در ماه ژانویه ۱۹۳۷ بفرض مطالعه آثار مکشوفه آنجا مسافرتی بطرف شمال افغانستان نمودیم چون اسناد ما را جمع به تحقیقاتی که در سیستان بعمل آمده هنوز کاملاً مرتب نشده عجالتاً از آن گذشته بصورت خیلی مختصر نتایج حفریاتی را شرح میدهم که از اول بهار تا تابستان (از ماه اپریل تا اگست) در « کاپیسی » قدیم « بگرام فعلی » تقریباً به ۶۰ کیلومتری شمال کابل بعمل آمده است.

این جلگه وسیع مرسوبی که قزار محاوره بومیان بنام (دشت بگرام) یاد میشود در ۱۸۸۳ توجه سیاح انگلیس « مسن » را بخود جلب نمود و مشارالیه بلاوه اینکه کو لکسیون خوبی از مسکوکات شاهان « هندویونان » و « هندودست » فراهم نمود بعض استوپه ها را هم معاینه کرد. (۲) موسیو فوشه در ضمن تعیین خط سیر « هیوان تسنگ در افغانستان یک حصه مطالعات خود را در اینجا هم صرف

(۱) رساله صنعت بودائی بکترینان و مبداء صنعت « گریک و بودیک » تالیف موسیو ژوزف هاکن مطالعه شود. این رساله را جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبه تالیف و ترجمه انجمن ادبی بفارسی ترجمه نموده از طرف شعبه مذکور بنام (صنعت باختر) در مطبعه عمومی طبع شده است.

(۲) J. A. S. B. سال ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ صفحه ۳۶ - ۱

ظروف سفالی پیدا شده که مانند ظروف مکشوفه سال گذشته با تابه تزیینات دارد و مربوط به عصر کوشان می باشد و وقتیکه حفریات دکانها در هر دو رسته کوچه بزرگ تمام شد فوراً « موسیو کرل » در اخرامه می عازم دره « فند فستان » شد این دره تقریباً در وسط راه بین کابل و بامیان واقع و « موسیو کرل » در آنجا حفریات را در خرابه های معبدی شروع نموده در نتیجه آثار خیلی مهم بدست آمد.

در حفرگاه نمبر دوم بگرام ، که سرپرستی آن به « مدام هاکن » و آقای « احمد علیخان کهزاد » و آقای محمد اسلم خان سپرده شده بود ۹ اطاق بزرگ کشف شد دیوارهای این اطاق ها ضخیم و در ساختمان آنها مواظبت خوبی بکار رفته ، طوری که روی هم زفته دیوار از پارچه های کوچک تشکیل و حدبحدیک سنگ بزرگ گذاشته شده بود اطاق نمبر ۱۰ این محل نسبت به سایر اطاق ها وسیع تر و دورا دور آن مواظبت دیوار شده بود اولین اشیای مکشوفه این اطاق بعد از کشیدن خاک ها در عمق ۶۰ بر ۲ متر پیدا شد تمام قسمت شمالی اطاق از ظروف شیشه نازک ، ظروف سنگ رخام ، و اشیای مفرغ پر بود . گیلاس ها یک به تعداد زیاد از اینجا کشف شده خواص کارخانه های شیشه سازی سواحل شام را ارائه میکند (از قرن اول تا اوایل قرن ۴ مسیحی) بعضی گیلاس های منقوش با وجود مرور زمانه مرید به منتهای خوبی محافظه شده و در اکثر آن منواد شیشه می شفافیتی که جلای خود را بصورت حیرت آوری نگاه کرده است تزیینات منقوش روی ، صفحه شیشه می گیلاس ها قشملون خیلی لطیفی تشکیل داده که بصورت بسیار نازک برجسته معلوم میشود رنگهای تیز آنها که با ناخن محطط نمیشود مانند الوان مینائی

درخشان معلوم میشود روی یک جام بزرگ شیشی دو صحنه می معلوم میشود که در آن دو مرد برای دوزن میوه می آرد ، نباتات را در این صحنه بواسطه یک درخت خرما و لکه های سبز روشن دیگر نمایش داده اند چند سطر بالا راجع به تیزی الوان اشاره نمودیم هکذا قابلیت نقاش آن هم قابل ملاحظه است اثر دست رسام در مقابل کار رنگ دهنده آن خوب معلوم نمیشود زیرا اخیراً لکه ها با خامه خفیف و سبک رنگ پیری خود اثر مخفی ساخته در قسمت های روشن تر بدن خط خفیف سفید که عموماً کج و معوج است معلوم میشود روی یک پارچه کوچک ظرف شیشه می دیگر صحنه مقابله دو نفر پهلوان عصر رومن که انرا « گالید اتور » میگویند معلوم میشود . یکی از جنگجویان بسبک « تراس » یک نوع گیتراهنی آبی پای پیچ زرد دارد و سیر مربع کوچک موسوم به « پارما Parma » در دست گرفته . حریفش مانند « کلید اتور » پهلوانان عصر رومن در یک پا یا پیچ دارد و ران هایش برهنه می باشد پارچه های دیگر صحنه های مقابله بین سوار و پیاده را نشان میدهد دیگر مظاهر تخیلیک شیشه هم در ظروف مکشوفه اینجا ملاحظه میشود در بعضی ها تزیینات برجسته را علیجده ساخته و بعد به ظرف چسپا نیده اند و در بعضی های دیگر جزئیات خیلی باریک و لطیف را بواسطه پارچه های کوچک شیشه به تنه ظرف چسپا نیده اند در یک ظرفی که به این تخیلیک ساخته شده شخصی فراز برجی معلوم میشود که تجملات عبارت از پوزه می دون Poseidon (رب النوع ابجار) می باشد و حتی با « پوزه می دونی » که بالایی یک قاب ساخت « کوبرن » کنار رود (موزل) است شباهت دارد .

آن‌ها متحرک است عواملی را که علیحده ساخته شده و بازدرماهی‌ها نصب گردیده حلقه‌های کوچکی محکم گرفته که مجموعاً آن طرف چپه قطعه فلز فوقانی سیر را مزین نموده در هر حلقه زنگوله مدوری آویزان است که وجود آنها حرکت عوامل متحرک را آسان میسازد. ناگفته نماند که بالای يك آئینه عصر « اتر و سنک Etrusque » که در اطاق مدال‌های کتابخانه فرانسه تحت نمره ۱۳۴۵ قید شده تصویر روبروی « کورگن » طوری نمایش یافته که دورا دور آن را امواج مناظر آب گرفته و در میان آن ۶ « ماهی دوفن » که کله آن بزرگ میباشند شنا میکنند.

ظروف سنگ رخام مکشوفه بگرام عبارت از يك شیردانی دسته دار و يك گلدان دو دسته‌ئی و يك قالب دسته دار میباشد.



اشیائی که در قسمت جنوبی اطاق کشف شده به استثنای چند ظرف شیشه همه صندوقچه‌های جواهرات بود که اصلاً از صفحات نازک چوب ساخته شده و روی آن قطعات مزین و منبسط عاج و استخوان را نصب نموده بودند چوب صندوقچه‌ها بشیر از بعضی جاها باقی بشکل گرد نصواری رنگی تحویل یافته بود و از این جهت در اکثر موارد حصص مختلف صندوقچه‌ها از هم جدا و متلاشی شده بود در بعضی جاها بین صفحات و چوب و قطعات مزین عاج و استخوان ورقه ابرک هم دیده می‌شود. این قسمت اشیای مکشوفه ماچیزهای بی سابقه است که از هند مرکزی یا « ما تورا Mathura » به اینجا آورده شده است. راجع به فعالیت کارخانه‌ها و کارگران عاج هند معلومات ما خیلی محدود است فقط اینقدر میدانیم که کار

ظروف ماهی شکل و بوتل و یا جامی که دورا دور آن تارشیستی افقی دویده و حدبجد با یا رچه‌های مارپیچ عمودی به تنه ظرف محکم شده و غیره اقسام و مظاهر تخنیک شیشه در میان این ظروف مشأ هده میشود. در میان ظروف مفرغ که تعداد آن روی هم رفته تقریباً به ۵۰ میرسد سنگ تر ازو يك نوع ظرفی که بشکل شاخ است و آن را « ریتون » گویند قاب‌های چقور کاسه نما و غیره اشیای بدست آمده و مهمترین همه یکنوع سپری است که از دو قطعه مفرغ تشکیل شده که اصلاً روی یکدیگر قرار میگرفت قطعه مفرغ فوقانی از حیث اندازه نسبت به قطعه تحتانی کوچکتر و تزیینات آن چیزی در خود قطعه مذکور و چیزی هم علیحده در آن افزود شده است تصویر مرکزی قطعه فوقانی سیر با وجود زنگ زدگی صورت « مدوز Méduse » (۱) نشان میدهد. باهای متحرکی که بر سرش سایه افکننده علیحده ساخته و نصب شده، به دوطرفه سر به ارتفاع خط چشم‌ها چار مار خود را مبسط کرده اند و از پیچ خوردگی آنها هم گرهی تحت زنج او معلوم میشود بدورا دور صورت « مدوز » اشکال ماهی‌هائی معلوم میشود که دم‌های

(۱) در افسانه‌های یونانی مجموع سه خواهر عجیب الخلقه که بنام‌های « مدوز Méduse » یوریال Euryale » و « استهنو Stheno » موسوم بودند « گورکن » می‌خواند. این سه خواهر خصوصاً مدوز دارای قوای روحی عجیبی بود که هر چیزی را به يك نگاه به سنگ تبدیل می‌نمودند. در روی سیرها تصویر او را معمولاً برای ترسانیدن دشمن ترسیم می‌نمودند.

(مترجم)

خانه « ویداسا Vidasa » (ویداسا Vidasa) حالیه در حکومت گوالیار (سنگی را که یکی از کارکنان آن تراشیده بود به معبد سانسی Sāncbi (۱) تقدیم نمود چنانچه امروز کنار دروازه جنوبی استویه بزرگ آنجا را مزین نموده است (وسط قرن دوم ق م)

در حالیکه از خودهند اثار کارخانه های فوق الذکر تا امروز چیزی بدست نیامده از بگرام صدها قطعات لوایح عاجی و استخوانی کشف شد. این قطعات به انواع مختلف کار شده در بعضی نقوش فقط کنده شده در بعضی های دیگر موضوع حک شده و چون قسمت هائیکه خارج موضوع است دست نخورده تر اینات بصورت خفیف شکل برجسته بخود گرفته است. در بعضی مواد دیگر موضوع مکشوف تراش و باقی حصص متن خالی کرده شده و قطعه عاج شکل مشبکی بخود اختیار نموده روی هم رفته تمام این سبک و شیوه ها واجد روح صنعتی خیلی لطیفی است که با مزایای خود مظاهر حقیقی هیکل تراشی را نشان داده و تمام پهلوهها و محاسن قالب گیری در آن گنجانیده شده است. خطوط خارجی همه جا در تمام موارد بایک خط درشت و صحیح کنده شده است تزئینات بعضی قطعات حفر گاه نمره ۲ بگرام مثل برگه های « لوتوس Lotus » پرزدها - حیوانات خارق العاده بالدار به تزئینات « سانسی » شباهت بهم میرسانند خصوصی تزئینات سر دروازه

(۱) دروازه شرقی استویه سانسی (در سالنامه موزه کیمه در کتاب خانه نشریات) جلد ۳۳ صفحه ۱۶۴ (نگار رش موسیوفوشه ملاحظه شود)

شرقی استویه بزرگ « سانسی » که عبارت از برگه های « لوتوس » با ساقه های ضویل منظم میباشند بالوایحی که از محل حفریات نمره ۲ بگرام یافت شده خیلی شبیه است و برای مقایسه نقطه مهمی بدست میدهد تا گفته نماند که لوایح بگرام تقلید کورکورانه عوامل « سانسی » نیست بلکه آزادانه مفکوره آنرا ارائه میکنند. علاوه برین تصویر (لوتوگراف - شیر) واضحا به آثار هم جنس خود که در سانسی نمایش یافته شبیه است (طاق فوقانی صفحه خارجی دروازه غربی استویه بزرگ و نقوش برجسته پایه همین دروازه) .

در صندوقچه های بگرام اشکال حیوانات بالدار بکثرت نمایش یافته این اشکال نفوذ صنعتی مملکت دور دست بین النهرین را ارائه میکند که با جزئیات تزئیناتی صاف هندی ضم شده است مرغ آبی و قاز با اشکال مختلفه خود مثل مرغ آبی های کوچکی که قطار پشت هم قرار گرفته اند موضوع تزئیناتی قشنگی تشکیل میدهد. میشود گردن خمیده سر بلند و سایر اختصاصات وضعیت آنهارا با قطار قاز هائی مقایسه کرد که در حاشیه ظرف مقدس کینشکا نقش میباشند - اشکال زن ها با بدن های چاق و صورت های گوشتی خیلی با سبک کار مجسمه های مکتب « ماتورا » عصر کوشان (قرن اول و دوم عهد مسیحی) شباهت دارد بعضی لوایح عاجی یا استخوانی دیگری که تزئینات آنها به اصول مشبک است و موضوع های منقوشه بصورت خفیف برجستگی دارد هم بهمین عصر اطلاق شده میتواند از صحنه دیگری که یک شخص در مرکز قرار گرفته و دو حیوان عجیب الخلقه را خفه میکند چندین نمونه جدا گانه پیداشده که با الهام صنعت قدیم « سومر Snmer » اسباب مقایسه بدست میدهد. حیواناتی که حصه اخیر بدن آنها به دم ماهی تمام میشود

تعداد مجسمه ها و صحنه های سنگی که از اینجا کشف شده خیلی زیاد است بسیاری صحنه ها از نقطه نظر تصورات مذهبی بودائی خیلی اهمیت زیاد دارد منجمه باید متذکر شد که در يك صحنه شخص مرکزی که عبارت از « میتريا » باشد چهار زانو تحت کمان طاقی فرار گرفته و دو شخص کوچک در حالیکه به مناصفه بدن نمایش یافته اند از تحت پایه های کمان مذکور او را احترام میکنند. دو شاهزاده یا « بودیس اتوا » دیگر بدوضرفه کمان دیده میشوند. درمنتها الیه ضرفین صحنه « دوارا پالا » یا جنگک جویان نمایش یافته اند اگر این پارچه باصحنه چیتائی که کارعصر (وی Wei) (حوالی قرن ۵ ب م) میباشد مقایسه شود فوراً معلوم می شود که تا کدام اندازه صنعت بودائی چین در عصر (وی) تحت نفوذ موضوع های مذهبی صنعت « گریک و بودیک » آمده بود در يك لوحه قبل از ملاقات طالب العلم جوان برهمنی با بودا « ویان کارا » چندین صحنه های دیگر مربوط افسانه آنها نمایش یافته هیکل چهارشانه « ویان کارا » بادست های بزرگ برای اثبات تنزل صنعتی بعضی آثار گریک و بودیک تمثال خوبی فراهم نموده ارائه و ضمناً میکنند که این اثر چقدر با تراکت و لطافت مجسمه ها و تصاویر مکتب « ایران و هند » قرن ۵ و ۶ متفاوت دارد .

فند قستان

« سیاه گرد غور بند »

کشفیات اتفاقی چند پارچه مجسمه گک های بودائی در

من « موسیو مونیو حفریات نمود (۱) هم حایز چنین موقعیتی بود - چون این بنای مذهبی در سر و زمانه بیهم چند مرتبه مرمت - کاری و وسعت داده شده اصل شکل پلان اولیه ان معشوش گردیده قدیمی ترین قسمت آن اگرچه آنهام بذات خود دست خورده - عبارت از محوطه سربعی بود که در وسط آن در میان حویلی استویه بزرگی داشت و این حویلی از طرف شرق به حیاط دیگر مربوط بود و ملحقات آن همو ما بطرف جنوب و جنوب غرب معلوم میشود استویه بزرگ با مجسمه ها و صحنه های دیگر مزین شده بود چنین معلوم میشود که صنعتگران در خود این محل به تراش مجسمه ها درستگ سلیت می پرداختند و آثار در خود اینجا ساخته شده باشد چنانچه و جود يك اوزار هیکل تراشی و يك صحنه نیم کاره این نظریه را تقویت میکند .

علاوه بر اشیای سنگ سلبتی آثار دیگری که در گیل - و چو، قالب گرفته شده هم بدست آمده است از میان آثار قدیم چند پارچه حین حفریات هنوز بجای خود در دیوارهای بنا باقی و برقرار بود از انجمله پارچه که خیلی دلچسپ است صحنه ای را نشان میدهد که را هین و مریدان آنها و ارباب النوع فرعی (دواتا) بودارا تمجید و احترام میکنند امکان دارد را هین سه برادر (کاسیایا Kasyapa) و سه نفر مریدان ایشان بوده باشد در روی همین صحنه يك جوهره اعانه دهندگانی هم معلوم میشود که لباس مرد آن عبارت از البسه ایست که معمولاً در عصر کوشان پوشیده میشد بر علاوه موسیو مونیو پارچه لوحه ای را یافته است که روی آن اعانه دهندگی بلباس قدیم هم معلوم می شود -

(۱) را پورت مفصل « موسیوژاک مونیو » در جلد هم سلسله خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد .

در ماه می ۱۹۳۷ عملی شده و «موسو کرل» حفریات را در خرابه های یک بنای مذهبی یا معبد بودائی شروع کردیم که بالای تپه خاکی فراز دره کوچک «فندقستان» آباد شده بود «موسو کرل» (۱) حین حفریات خود از آخر ماه می تا اگست ۱۹۳۷ عموماً در تخلیه معبدی کار کرده که اطاق آن بزرگ و مربع و سقف آن گنبدی بود و خرابی آن دهن طاق هائی را مسدود نموده بود که عمقاً در دیوارها کنده شده بود. در وسط اطاق معبد «استویه» بشکل ونونه کلاسیک وجود داشت حصص مقابل طاقها با اشکال گل های مارپیچی مزین شده بود که بشکل کمان های ساده روی پایه ها قرار داشت. روی دیوارهای طاق و ته آن و منطقه بین پایه ها و مدخل آنرا تصاویر دیواری مزین نموده بود - موسو کرل پیش از همه شروع به برداشتن یکی از تصاویری نموده که «میتریا» حامل بوتل کوچک را با برگ های آبی «لوتوس» نشان میدهد اگرچه جنبه تراکت این اثر کمی محدود است اما از نقطه نظر تشابه که با صنعت بودائی قرن ۵ و ۶ هند بهم میرساند قابل ملاحظه است زیرا میتوان آنرا سرچشمه الهامات صنایع بودائی بت خواند. در سایر تصاویر رنگه «فندقستان» واضحاً علایم نفوذ ایرانی نمودارست و این محل یکی از پله های نردبانی است که این نفوذ را بطرف آسیای مرکزی پیش میبرد. رب النوع مهتاب و اقیانوس جنبه ماورای هندی صنعت فندقستان را ارائه میکند رب النوع مهتاب

(۱) موسو ژاک مونه بعد از اتمام حفریات خود در شرکت بگرام (آخر ژوئیه ۱۹۳۷) به فندقستان رفته و به موسو کرل ملحق شد. راپورت مفصل حفریات فندقستان در جلد ۱۱ خاطرهای هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان شایع خواهد شد.

«فندقستان» (۱) که به ۴ کیلومتری «سیاه گرد» و تقریباً در وسط راه کابل و بامیان واقع است و در باب آنها مقاله در مجله «صنایع آسیائی» شایع نموده ام (۲) مرآت تحریک نمود تادر ۱۹۳۶ برای معاینه محل و تدقیق موقعیت آن بروم چون اهمیت محل مذکور برایم ثابت شد را پورته مبنی به درخواست اجازه حفریات بحضور ع، ج و الاحضرت سردار محمدنعمیم خان وزیر معارف افغانستان تقدیم نموده و در نتیجه یکی از همکاران خود «موسو کرل» را مامور نمودم که بعد از ختم کارهای مربوطه اش به بگرام، حفریات را در فندقستان شروع کند چنانچه این منظور

(۱) چون در ماه اکتوبر ۱۹۳۷ وارد پاریس شدم ملاحظه نمودم که سیاح انگلیس «سن» که اسناد او همیشه با کمک زیاد کرده است در ۱۹۳۶ فندقستان را یاد کرده و در باب آن مینویسد :-

«فندقستان» در منطقه «غوربند» به غرب سلسله بزرگ کوهی واقع است که از هندوکش به قفقاز میروند و حد غربی کوه دامن را تشکیل میدهد چه در خود دره غوربند و چه در دره های کوچک ملحقه آن مخصوصاً در یکی آنها موسوم به فندقستان آثار تاریخی قدیمی زیاد است لهذا با دلیل گفته میتوانیم که مسکوکات قدیمی از اینجا به تعداد زیاد یافت شده و بعضی برجستگی های مهمی در آنجا وجود دارد لیکن چون محل مذکور را دیده نتوانسته ایم راجع به چگونگی آن از حدس و فرضیات احتراز میکنم (V. J. R. A. S. B (۱۸۳۶) صفحه ۶

(۲) مجله صنایع آسیائی جلد دهم شکل ۳ صفحه ۱۳۱-۱۳۰ مقاله موسو هاکن راجع به چند مجسمه گگگ های بودائی که تازه از افغانستان کشف شده ملاحظه شود.

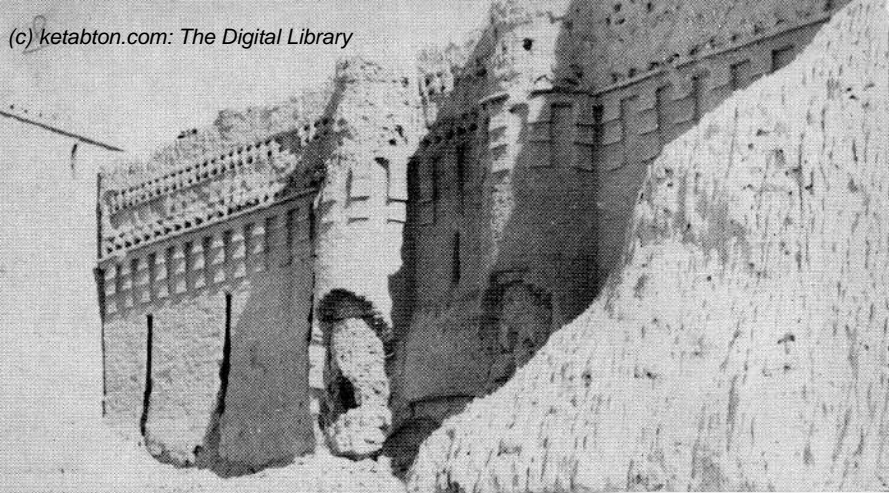
که گرد صورت رنگ پریده خود هاله زر دارد تاجی پوشیده که از اشکال سه ماه نو تشکیل شده که در نوك های هر کدام آن گل ها میباشد. در گوش هایش کوشواره های مدور بزرگی است که در آن مرارید کار شده بجانش چین چه گردن دار و به پاهایش موزه های پوستی - (پلنگ ها) است. اسلحه اش عبارت از یک سیر کوچک مدور و یک شمشیر عریض دسته طولی است که از قبضه آن گرفته است (۱) گرداگرد صورت خراب شده رب النوع آفتاب هاله نورا قرص سرخی تشکیل شده لباس او عبارت از جوشن است که از قطعات فلزی تشکیل گردیده و از کمر بند پایان دنباله آن بشکل حلقه های مشبک نازک معلوم میشود هکذا حصه تحتانی لباسی که بصورت پیش دامنی مدوری (۲) تمام میشود ران های او را پوشانیده است در پاهایش موزه و اسلحه اش بعلاوه چماق شمشیری است باده دراز و غلاف مزین و دست چپ خود را روی آن گذاشته است.

این دو ارباب النوع در جدار اطراف راست (ذبت به رب النوع ته طاق) طاق K تصویر شده اند.

ترئینات داخلی طاق ها چنین وانمود میکنند که قرار پروگرام واحدی بعمل آمده باشند زیرا تصاویر رنگه و آثار حجاری شده طوری پهلوی هم قرار گرفته که جدائی بین آنها حس نمیشود و علت آن این است که میان این دو سبک ترئینات عواملی قرار داده اند که با آهنگ

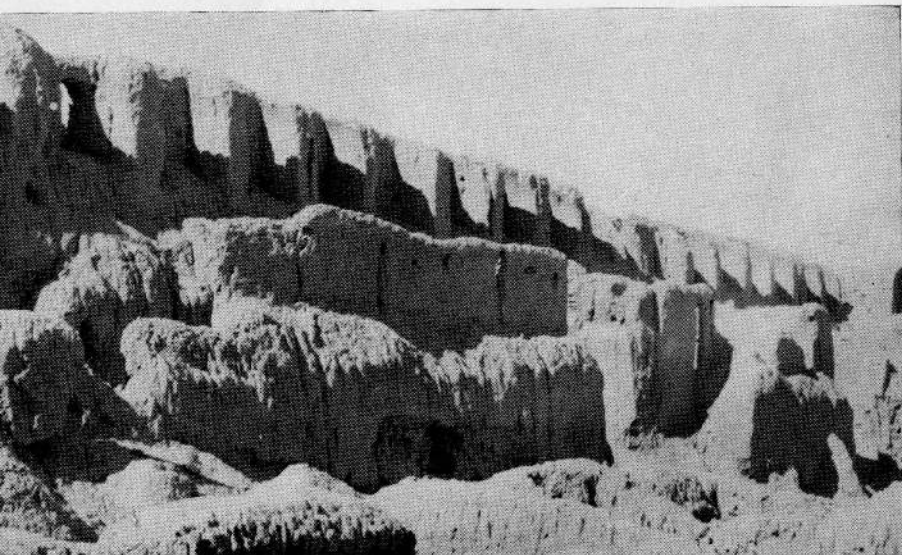
- (۱) کتاب «البسه و اسلحه ایرانی پالمیر، شام تالیف موسیو سرویک H. Servig» صفحه ۲۸ لوحه ۱۷ ملاحظه شود.
- (۲) کتاب آثار عتیقه کوتل خیرخانه تالیف موسیو ژوزف هاکن و «ژان کرل» صفحه ۱۲ شکل C ملاحظه شود.

- (۱) کتاب صنعت گریک و بودیک گند هارا جلد اول صفحه ۵۲۸-۵۲۵ (شکل ۲۵۸) تالیف موسیو فوشه ملاحظه شود.
- (۲) کتاب «صنعت قدیم ایرانی ها» لوحه ۱۱۱ تالیف پروفسور «سار» ملاحظه شود.



از آثار تاریخی افغانستان : خرابه‌های سیستان درعلاقه چخا سورک (عکس بالا خارج ارگ قدیم)

Les ruines de Seïstan à Tchakhansourak. (en haut l'extérieur de la citadelle).



سالنامه « کابل »

مشارالیه چین خیلی چسب چپه گردن داری پوشیده که با مدال های بزرگ مزین و حاشیه مرکب از قطار مرواریدی دارد که در آن ها اشکال خیلی خیره (پرنده ها ؟) (صورت انسان ؟) معلوم میشود - موزه های او طویل و بطرف پنجه نوک تیز شده رفته هیکل دیگر مجسمه خانمی را نشان میدهد که خیلی خود را آرایش نموده و از تراکت ها و انبساط سینه ها و سایر اعضای او معلوم میشود که زن هندی باشد -

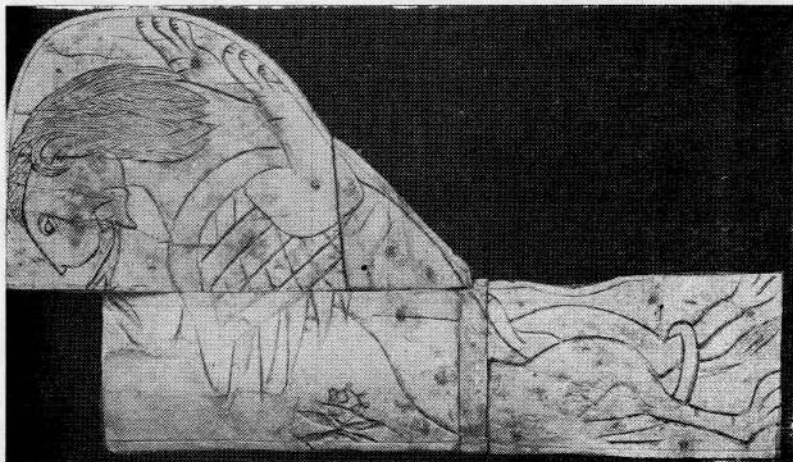
در زیر جای مجسمه ها ظرفی پیدا شده که در آن بعلاوه خاکستر مسکوکاتی هم گذاشته شده بود - یکی ازین مسکوکات مربوط به خسرو دوم ساسانی (۶۲۷ - ۵۹۰ م) و دیگرها مسکوکات مخلوط مس و نقره ای ایست که به « نایکی ها » (قرن ۴ - ۵ م) نسبت میشود .

اهمیت این اکتشافات درین نظریه مضمحل است که آثار مکتوفه فندقستان نمونه های اخیر صنعت بودائی است که بقرن (۶) بعد از مسیح نسبت میشود و در حالیکه نفوذ صنعتی ایرانی در آنها مشرف بر سقوط است نفوذ هندی تفوقی نشان میدهد .

آثاریکه از اینجا بدست آمده چه از نقطه نظر سبک و چه از پهلوی تخنیک (مجسمه ها از گلی قالب گرفته شده که در آن گام میده باعوی و پشم و غیره مخلوط است) به تصاویر منقوش و آثار حجاری شده اسبابی مرکزی ارتباط و قرابت دارد (هیئت گریون ولید) (فن کواک) (اولند نیورگک) (وتانی - پلبو - ستین) فندقستان یحتملاً حد جنوبی این سبک مخصوص صنعت بودائی را تشکیل خواهد داد .

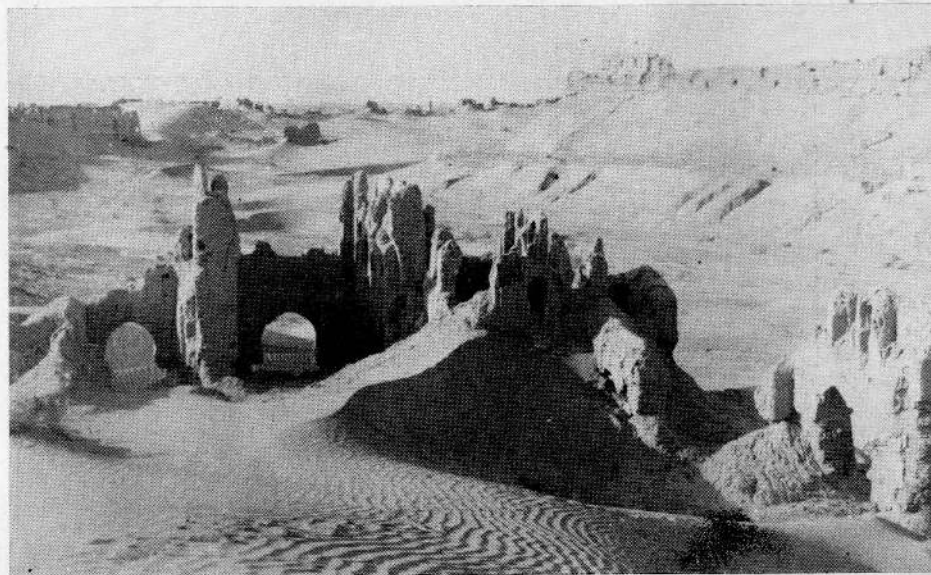


تکه های عاج دارای اشکال گلها و حیوانات مکتشفه از بگرام
Trouvailles de Bégram: ivoires portant des dessins des fleurs et des animaux (chambre 10 du chantier no. 2)



آثار تاریخی افغانستان: مدخل بالاحصارخرابه های سیستان (احاطه دوم) بمقام سرو تار (چغانسور)

Les ruines de Seïstan: entrée de Bala-Hissar de la 2^e. enceinte à Sar-O-Tar



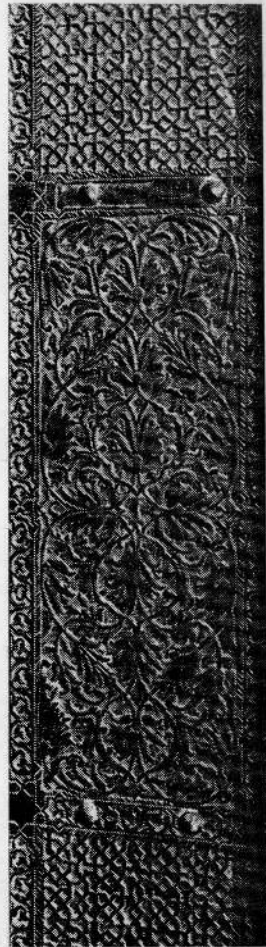
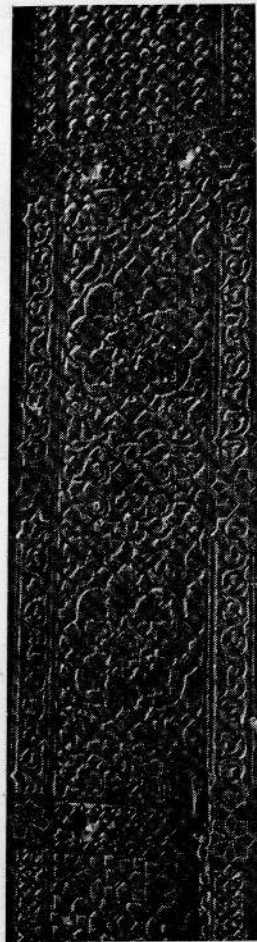
دپشتوپرادبیاتویوه کتنه

به قلم د جناب امین الله خان « زمریالی »
د پښتو ټولنی دادبیاتو دشعبی معاون

د نشریاتو شعبی زما څخه خواهش وکی چه دسر کال
دسالنامی له پاره د پښتو دادبیاتو دتاریخچې په عنوان څه ولیکم :
دا د نشریاتو دشعبی په دی خواهش زه ډیر خوشحال
سوم زکه زما سر لوټی او ماته په درنه سترگه کتل وه مگر
په عین د خوشحالتیا کی می تعجب وکی او هیښ پښی یا ته سوم
ولی ! داسی کارته وگمارل سوم چه ته یوازی ماته بلکه دین
روزی ټولو لیکو نکواو پوها نوته له خو را ډیر و سختو کار و
شمیرل کښی .

گمان کوم چه د پښتو دادبیاتو د تاریخ لیکل په دی
بی وسیله توب کی چه یوه پرزه وثایق اومدارک په منر کی نسته -
داسی کاردی لکه چه سړی نوی اختراعات او اکتشافات کوی
یا دیستون کتبی او دھیر و کلیف خط لولی .
او حال دادی چه علام او قرائن چه په علم کی یوازی بنا
داستدلال او برهان ده موژته یقین را کوی چه پښتو د ډیری
پخوانی زمانی او په تیر و پیر یو کی ټی لور اوزلانده ادبیات
در لود اوس چه یا د هغو اثر نسته او که سته ز موژ عر فانی
او علمی سو په دا قابلیت نه لری چه له هغو څخه استفاده وکو -

از آثار نفیس و تاریخی ولایت مزار شریف : حجاری های قدیمی مکتوبه از شیرخان (دوره اسلامی)
Spécimens de l'ancienne sculpture d'Afghanistan (Ere islamique): dalle
trouvée à Chibirghan (Prov. de Mazar-i-Chérif)



زه ده ، امايوازی جگړه په دی کی ده چه پښتود « ایرانی آریه »
ټوک ده او که د « هندي آریه » سانگه ده او که ځانته لیکه هندي
آریه یا ایرانی آریه دخپل واک خاوند ده ددی له پاره چه دا خبره بیه
جوته سی اوپوه سمه لار چه رښتیا او حقیقت ته نیژدی وی زنی مونده
کو دزنو مستشرقینو او پوهانو خیالات په دی باب کی لیکو :

د ځنو مستشرقینو نظر یات :

« سرولیم جونز » وائې چه پښتو چالدي (Chaldaie) یعنی
کلدانی (۱) یا خالدیه ژبی ته ورته ده ! مایرو فیسر کلپرت (Klapreth)
د ده خبره ماته وی او وائی چه پښتو سما تیکی (سامی) ژبوته نه په
ترکیب اوله په صرفی او نحوی قواعد واونه په الفاظو کی ورته ده بلکه
پښتو دهند وژمن د ژبو څخه یوه ژبه ده .

پروفیسر « ډورن » دسن پترز بورگ (St. Petersburg)
اوسیدونکی وائی چه دپښتو ژبه په هیس ډول د عبرانی سره یورنگ
والی نه لری او پښتانه د تیوتن د تکم سره څه اړه لری او دوی
دافغانستان اصلی اوسیدونکی دی .

مسترا د یلنگ (M. Adelong) په خپل کتاب کی میتریدیتس
(Mithridates) ج (۱) ص ۲۲۵ وائی چه پښتو ځانته اوسلی ژبه ده .

مسترا الفن ستون (Elphinstone) په خپل کتاب کی (Kabul ج اص)
۳۰۲ وائی چه دپښتو د ژبی اصلیت په آسانه نه څرگند پری زکه
یوه لوبرځه الفاظ او ډیر افعال او حروف ئی په نامعلومو مصادررو اړه
لری او په دی برخه کی هغه الفاظ سته چه د اصلی ژبی د اجزاؤ څخه

(۲) کلدانی د سامی ژبی یوه شعبه ده .

نو گمان کیژی چه پښتو د ادبیاتو تاریخ نه لری او یا تاریخ ئی
اوس نوی او دکیت له کبله بابیز او خوشی شی دی .

سره ددی اولو ژبومی په قرار ددی حکم سره
(الامر فوق الادب) جرئت وکی چه دا څولاندنی کرښی
پښتو ورو نوته وایکم او گمان کوم چه د ژبی د علم په ټینگو
او محکو دلیلو سره چه په دی مقاله کی ماته لار شو ونکی دی
د پښتو ادبیاتو اولت د پخوانیتوب په باب کی څه شک پاته
نسی- او که څه نقصان او کمی ولری پوره کول اوسرته رسول ئی
ورا تلونکی نسل ته پر یژدم زکه ما په دی اوسنی حال کی فقط
یو اساس کپیښود اوزه دیوه یا د ونکی حیثیت ارم نه د محقق .
امین الله « زمیالی »

پښتو دافغانستان ملی اوسلی ژبه ده او ددی ژبی وویونکو ته
پښتون یا په صورت د جمعې پښتانه وائی چه نژاداً آریائی اوسلی
اوسیدونکی دافغانستان دی (۱) .

ز نو پخوانیو مؤر ځینو اومستشرقینو یاداچه نیوهیدل دخپلی ناپوهی
په سبب یاد سیاست له کبله ئی پښتو او پښتو ته ډیر هغه اودغه ویلی
اوناپوهه وگری ئی په شبه او حیرانی کی اچولی دی مگر له یوی زمانی
څخه دا خبره په ټینگه منلی سوی ده چه پښتو د آریائی د ژبو څخه یوه

(۱) دامو پخوا ویلی دی چه پښتون په خته آریائی او ددی وطن
اصلی اوسیدونکی او څلور زره کاله پخواه دده نوم اخستلی سوی
دی او پښتو د آریائی د ژبو څخه یوه مستقلة او ځانته ژبه ده ، د
۱۳۱۲ ، ۱۳۰۱ ، ۱۳۰۳ په سالنامو کی دی زما او دجناب یعقوب حسن خان
مقالی وکتلی سی .

(راجع دافغان وملى نشيدونه. Chants populaires des afghans)

له دى فېکر څخه وگرزېدى او په نوى کتاب کې يې دا نظريه څرگنده کړه چه پښتوله ژند څخه ياله يوى محلى ژبې څخه چه ژند ته نژدى يا متحد وى مشتق سوى ده او پښتو د ژند سره داسى نژدېکت لرى لکه چه نوى فارسى د زړى فارسى سره (هغه فارسى چه دهخدا منشيانو په وخت کې په ميڅى خط سره په کتبيو کې ليکلى سوى ده) که څه هم د پښتو ژبه په خپل ذات کې د ايرانين د کورنى ده مگر د هند د شمال مغرب څخه راوتلى ده .

د پورته بيان څخه دمستشرقينو او پوهانو په نظرياتو تر يولخايه يوه سو مگرداخرگنده نه سوه چه حق د چا پخوا دى اوموز دا ژبه د هند و آريائى د کورنى و بولو او که د ايرانين د کورنى ئى وگڼو يا لځا ته بيله ژبه ده چه د دى دواړوسره دورورى يا د اکانسبست لرى نه دزوى اولمسى .

په دى مسئله کې مو ز ته دوى خبرى داډگيرنه را کوى اول داچه اصلى لځاى او وطن داريا ئى دکمپول په صحيح صورت مونده کو او دا جوته کو چه د هند و ايران تکم د افغانستان څخه هند و ايران ته تللى دى ؟ او که پښتانه د هند و ايران څخه راغلى دى ؟ .

او دويمه دامسئله مو ز ته لارښى چه ددى درو ملتو چه بنسټ ئى سره يو دى ژبې سره وگورو او که مووس و سى هغى ژبې ته يى ورسوو چه هوى ټول په گړيده .

لمړى مسئله خو تراوسه په صحيح ډول سره جو ته سوى نه ده اونه څوك پردى څرگند دليل لرى چه دارين لمړى ټاټوبى چيرى و

ترکيب او يو لځاى سوى دى (۱) اوزنى الفاظ ئى د ژند او پهلوى وژبو ته ورته دى لکه مور (مادر) پلار (پدر) خور (خواهر) ورور (برادر) . پرو فيسر « مولر » په خپل اثر (راجع د پښتنو وژبې ته (über des sprache der Afghanen) کې دا نظريه څرگنده کړى ده چه پښتو په ژند اړه لرى (۱۸۶۲ ع) .

دا کتر ترومپ (المانى) په خپل پښتو گرامر کې (۱۸۷۳ ع) په علمى دليلو سره وائى چه د پښتو ژبه هيسکه نه په ايرانى اړه لرى اونه د هند و آريائى د کورنى ټوک ده بلکه لځانه يوه مستقلة او پخوانى ژبه ده چه د هند و آريائى او ايرانين په منز کې دنقل او انتقال ذريعه گرزېدلى ده اوه دى لامله د دواړو ژبونيانو په کې سته او د پراکرت (د سانسکرت د ژبې سانگى) يعنى د هندى دکورنى نښانې نسبت و ايرانين ته په کې ډيرى دى - داد دا کتر ترومپ علمى نظريه پرو فيسر « فون سيگل » هم په خپل اثر کې (مدنيت ايران (Erânische alterthumskunde) منلى ده اوددا کتر « هارنل » دخواهم په گرامر کې ئى (گودين لينگوج (Gaudian languages) دا نظريه منلى سوى ده

مسيو درمستترهم لمړى واز په خپل يوه اثر کې ۱۸۸۷ ع (فيلو اوژى دهيتت راپورت په هندوستان کې . (Rapport sur une mission philologique dans l'Indoustan)

داخبره منلى وه اما وروسته له دره کبلو څخه په خپل بل اثر کې

(۱) زما هم دا نظريه ده اودلمړى کمال په سالنامه کې مى داخيله نظريه څرگنده کړى ده .

هرچا په خپل چرت سره یو لځای ورته ټا کلي دی موز هم په خپل وارڅه پرليکلي دی او په خپل خیال لمړی ټا ټوبی د آرین ، باختر بولو چه د افغانستان د قطب ډډی ته دی او دا خبره په کلکه عقیده سره منوچه د هند او ایران آرین له دی لځای څخه تلی دی پښتانه هیسکنه د هند و ایران یا د بل لځای څخه نه دی راغلی او په دی وطن کی چه اوس میشت دی پخوا هم میشت و ه او داخپله عقیده مر په وارو وارو د کابل په سالنامو او مجلو کی لیکلي ده بیانی دلته لیکل تحصیل د حاصل دی (د کابل سالنامی او مجلی دی وکتلی سی) .

نوپه دی ډول چه اصلی لځای د آرین د تکم دغه مز که اولیننگ (مهاجرت) هم له دی لځایه و هند و ایران ته سوی وی او د ډیری پخوا زمانی څخه د پښتو او پښتانه نوم اخستلی سوی وی څه رنگه کبزی چه داڅ به د سنسکرت یا د زند او فارسی څخه زیږیدلی وی بلکه په زغرده و یلی سوچه پښتوودی ژ بوته د مشر ورور یا د تره پر لځای ده .

څه رنگه موچه پورته و ویل دویم د ژ بی مسئله ده چه موز ته لار راښی - او تر لمړی خبری چه د آرین اصلی ټا ټوبی دی د ژ بی مسئله موز یوه رښتینی او څرگند حقیقت ته نیږدی کوی - نو دادی تر هغه لځایه چه موز پوهیږ و او معلومات لرو په لاندی ډول سره زنی لغات او الفاظ ددی ژ بو سره گورو .

وړاندی تردی چه لغات سره و گورو او اشتقاق او رښته ئی موندنه کو بایده دی چه د ژ بی د پیدایښت پر فلسفه باندی چه علماؤ او پوهانو ویلی ده ، او څه رنگه د ژ بو ریشه سره کتله کیږی او ژ به څنگه تحول کوی او څه عوارض ور پښیږی څه څیرنه او بحث و کو .

د ژ بو د فلسفی د تحقیق توقعات یو پخوانی اصول دی چه د یونان د فلاسفه و څخه پاته دی او له دی فن څخه دراز راز ژ بو اصول او هغه اړ والی او علاقه چه د دوی په منځ کی سته څر گندیږی په ایشیا کی خوتر اوسه ددی علم دونه رواج نسته او ارو پائیانو هم ددی علم اخیسته د یونان څخه کږی ده او یو قرن کیږی چه دا علم ئی د فلو لوجی (فلسفه د ژ بو) په نامه کمال ته رسولی دی موز هم ددی علم په اساس سره باید ، اول د خبر و او الفاظو لمړی ټایی او فلسفه موندنه کو ، نو دادی چه د مطلب څیرنه کو و .

کوچنی هلك چه لمړی سرله مور څخه زیږی تر څو میاشتو پوری بيله زړا نور هیس نه کوی وروسته له څو میاشتو هر شی چه و ښم یائی غواږی لاس و راچوی او اشارت ورته کوی یا یوازی بوژغ تر خوله باسی او تر ټو لوشیا نوچه ، ور او پلار ده ته نژدی او گران دی ، دی هڅه کوی چه مور او پلار ته ژغ کی او نوم ئی واخلی مگر غږی د ده په اختیار کی نه وی تر څو چه په حروفو کی دی تو پیروکی په دی وخت کی یوازی شونیا ن دی چه د هر شی څخه وړاندی حرکت په کی پیدا کیږی نو محض د شونیا نو په ښو ر و لور ه دی م ، م یاب ، ب وائی .

څنگه چه انسانان په ترکیب او غږو کی یوشی دی نو معلم د قدرت هم په یوه څیراما په لږ څه تغیر سره دوی ته زده کړه کوی او ټول بنیادمان په لمړی سر کی چه پر خبرو رازی یو ډول الفاظ په ډیر لږ بیلگیدو سره تر خوله باسی او همدغه سبب دی چه د مور او پلار نوم چه کوچنی ئی تر هر شی وړاندی زده کوی تقریبا په ټولو ژ بو کی یورنگک اوله هغو آوازو څخه یو لځای سوی دی چه یوازی

د شونډانو په ښوولو یاد خولی په پرائیتلو سره ویل کیږی یازغ
ئی راوړی مثلا :-

په پښتو کی پلارته بابا ، بابکه وائی

« عربی » « اب ، ابا »

« انگلیسی » « پاپا »

انسانی طبیعت او یورنیک والیئی څنگه موچه پورته وویل گردو
کوچنیا نوته یو ډول تعلیم ورکوی لکه چه کوچنی لمړی پلا د اشارت
ن پاره گوته پورته کوی بیاد گونگسی په خیر آواز را باسی تر څو
چه دغه گونگسی دژدی له پاره دغه اودلری له پاره هغه وټاکل سی
او اشاره وگړزی .

کوچنی چه په گړیدو راسی نولمړی دشیانو نومونه زده کوی هرشی
چه عواری د هغه نوم اخیلی مثلا که وژی سی جچی وائی او که مېوه
و غواری ککه وائی هر کبه چه دویلو قوت په ده کی د یرسی افعال
داسما سره یو لځای کی ، اما په ماته ژبه ئی وائی تر څو چه حرف
داسما اوافعال سره یو لځای کی او پر خبر وراسی .

یو وخت زه د قندهار څخه د هندوستان پرلار کابل ته را تلیم
په اردو نیوهدیم فقط د څو ضروری شیانو نومونه چه زما زده وه
ما خپل کسار په کساوه مثلا که به ډوډی ته اړ سوم د ډوډی والا
دکان ته به ورغلم پیسی به می ورکړی او در وټی نوم به می ورته
واخیست او که به می او به وغوښتی پانی به می وویل او که به زما
داسی شی په کار سوچه نوم به ئی زما نه وزده نو په گوته به می
هغه شی ته اشارت وکی او په دی چل می خپل کسار کساوه او نور
اروپائیان یا مسافر هم په کابل کی د پرلیدل کیږی چه په ژبه نه پوهیږی

یوازی دهغه شی نوم اخیلی یا هغه شی چه دی ئی غو اړی په گو ته
اشارت ورته کوی او د کم یوه چه څه خبری زده وی نو په ناقصو
جمو سره خپل مطب څر گندوی مثلا (نان برای ما لازم) نو ددی
څخه دا جوته سوه چه لمړی نوم (اسم) په درد خوری او سړی ئی
زده کوی بیافعل او بیا حرف زده کوی او بیا په اروید او ویلو سره
ژ به روسی او سړی نیم گړی نیم گړی چلی سره یو لځای کوی که څه هم
اشارت په اعتبار د پیدایښت لمړی دی مگر کلام د کسار په اجرا کی
د پراهمیت لری .

د الفاظو څر گندیده یا پیدایښت :

لفظ دژبی تصویر یا دیوه شی نښان یا یو فعل دی .

که چیری یو لوی تکم چه دیوه پلار اولاده وی سره بیل سی
او په گوښی گوښی ملکو کی سره خپاره سی دوی و نومی معاشرتی
او مدنی شیا نوته اړسی په اثر د احتیاج یا اتفاقی نوی شیان موندنه
کی دا شیان که څه هم په دی لځایو کی له یوه جنسه وی بیا هم په بیلو
بیلو نومو یاد یری وروسته له یوه وخته چه دا نومونه سره ټول سی
هر شی د څو نومو خاوند وی .

بیا په بل عبارت سره دنیا تل دترقی او لوړتیا پرلاری زی ، مدنیت
پر اخیږی علم او فنون نوی شیان څر گندوی را کړه او ورکړه
دیوه لځای شیان و بل لځای ته وری نوله دی لامله نوی الفاظ په
هر لځای کی یری او دیره مانگ څخه وبل وښ ته زی زکه چه ټول
شیان او کسارونه نوی وی مگر په کابلوکی الفاظ لږ او په ښهر وکی
ډیر وی دایر والی دالفاظو په ښهر وکی دایر والی له کبله کلی وال
دښهر والو و شاگردی ته امته داره کوی او و دی ته اتفاق دخاص

هر لفظ پلتي او تحقيق په کي کوي چه اصل ئي څه واو دخواو کمو کمو ما دو څخه جوړ سوي او اصل ئي کم لځاي ته رسيږي او په معني کي ئي فکر کوي او اصل و نسب ئي موندل کوي لفظ هم نسل او ولادت لري څرگندول ئي داسي کيږي چه متخصص اجزا د لفظ سره پرا نږي او و ئي گوري چه اصل ئي څنگه ملک په ملک او قوم په قوم گر ز بدلي چه وده ته رسيدل دي او ريني ئي کمي دي او څه راز پيدا سوي دي او په حرف او معني کي ئي له دي گرز يدو اوسفر څخه څه تغير موندل دي - بيا پر خپلو خبروله حيث د زني ژ بو فکر کوي او نتيجه ئي سنجوي او يوزر بل ئي سره گوري چه ديو ي ژبي لفظ د بل ي ژبي سره په کمو لځايو کي يورنگه والي او په کمو لځايو کي مخالفت لري او هم کم الفاظ يوي ژبي ته مخصوص دي چه په نور وکي نسته بياني د تغير او تبديل د علل اسباب او علل پلتي او دخپل تحقيق پای يو لځاي ته رسوي .

داهم دويلو خبر ده چه د بدليد و عمل کله مخ پر اوړ او کله مخ پر زوروي اما تکگ او هيدل (جريان) ياتل وي او دغه د بدليدو و عمل ته اصل و نصب د ژبي وائي له پاره د دي چه مطلب ښه وپوهيدل سي لاندني مثال را وړم :

گريوان : متخصص په دي لفظ کي گوري چه له گريو، اوبان څخه مرکب دي وان په سانسکرت کي په معني دساتندي او لرونکي ، او گريو په معني دستوني يا غاړي دي او په زړه پار سوکي (فارسي) گري په معني دستوني يا غاړي او بان په معني دساتندوي اولرونکي دي او (و) او (ب) په فارسي کي تل سره بدليږي لکه (او ، آب) (باغبان

او عام وائي چه له دي څخه الفاظ او اصطلاحات پيدا کيږي .
ددې پورته بيان څخه دا نتيجه راووته چه لمړي اشارت و بيا آواز او روسته له هغه نه په اثر د اتفاق او يودبل دپهولوله پاره الفاظ و تا کلي سوه .

تبصره :

هر کله چه وگړي ډير او وداني مخ پر زيا توب سي استعمال او ويل دهغو الفاظو لازم کيږي چه عام و خاص په پوهيږي اونست و نورو لفظو ته د وگړو ډير په کبار وي يا په بل عبارت هغه لفظ صحيح او فصيح گڼل کيږي چه په محاوره کي رواج وي او که صحيح لفظ وي او په محاوره کي رواج نه وي او ټول وگړي د هغه ملت نه په پوهيږي صحيح نه بلل کيږي .

تصرف او ايجاد په ژبه کي روانه دي او څوک اختيار نه لري چه يو لفظ د لځان څخه جوړ کي يائي راو باسي مثلاً مړي و وائي او دسړي معني زني و غواړي ، که فرض کوچه د ويونکي خپلوان دده په مطلب يوه سي اما عام خلق چيري په پوهيږي . يو سړي کولاي سي چه څو الفاظه جوړ کي اما د ژوند دپاره ئي د ټولو وگړو منل شرط دي . پوهان وائي لغت هغه دي چه ټولو وگړو هغه منلي وي او اصطلاح هغه ده چه يوي مخصوصي ټولني اتفاق پر کړي وي .

د ژبي دوليو (رينيو) پلټل:

د ژبي دوليو پلټل خو په متخصص (فلو لوگ (Philologue) د ژبو اړه لري او متخصص هغه دي چه د ژبي په سرکبو جملو کي

د پښتو پر ادبیاتو یوه کتنه

یابل عبارت اسما په حقیقت سره نوم د شیانو دی ، که کله شی بدل نسی او نوم ئی وگرزی هغه علاقه چه دلفظ او معنی په مترکی ده سره وشلپژی مگر بدرنگ والی نه زنی خرگندیژی مثلاً :-

شمع : عربو موم ته شمع ویل کله چه د موم څخه ئی دلگو لو شمع جوړه کړه پر هغه ئی هم دشمع نوم کښینود. په پارسواو پښتو کی یو اوقسامو ته دشمعی بیله څه توپیره دهرشی څخه چه جوړه سوی وی شمع وائی .

کله یو لفظ اشتقاق کی لیکه اور لرونی او کله یونوی شی دخپل نامه سره راسی لیکه (تلگراف) او (تلفون) نو هر کله چه علم تل په ترقی او اصلاح قبلوونکی دی زنی زاړه الفاظ پریښو دسی او زنی نوی خرگند او مستعمل سی .

څه رنگه چه په بشرکی ډیر قومونه اوطائفی سته او مخ پر لوړزی اووډه کوی او بیامخ پر زورسی او دنیستی لارونسی همدارنگه په ژبه کی هم قومونه او ټبرونه سته او څنگه چه عالم گریزی الفاظ هم له یوه زای څخه ویل زای ته سفر کوی حرکات او حروف او معنی ئی تغیر موندنه کوی وضعیت ئی بدلیژی وده کوی او مخ پر لوړزی او بیامخ پر زورسی په پای کی مریه سی .

د الفاظو مرگ او ژوند ، لور والی او زور والی ، تگک اورا تگک تل جاری وی هیس کله نه د نومیژی او هیسوک ئی هم لیکه د سیل او په نه سی دردولای - که زاړه لار او کتا بو نه وکتل سی په سوو پریښود سوی لغات به په کښ لیدل کیژی چه اوس نسته یو ازی ئی د قاموسو څخه موندلی سو بلکه ډیر ئی په قاموسو کی هم نسته . ډیر الفاظ داسی هم سته چه په یوه مخصوصه معنی مستعمل او ویل

باغوان) په پښتو کی گروی دغاړی لاندی اډو کوته وائی چه په فارسی کی ئی (توقک) بولی او وان لیکه پارسو او سانسکرت دلرونکی او ساتندوی په معنی استعمالیژی نوهغه برخه دخت چه دغاړی ساتندویه ده گریوان یا گریبان نومیژی او په نتیجه کی داجو تیژی چه گریوان او گریبان دیوی کورنی دی او دزمانی داوژدوالی په واسطه او اختلاف د محیط او از بدل سوی دی .

ناهارا ونهار : دا مرکب دی اه نابانه څخه چه حرف د نفی دی او هار په پارسو او سانسکرت کی په معنی دخورک را غلی دی او په پښتو کی هم دخورک معنی زنی اخیستله کیژی څوک چه سپار تر یوه وخته څه ونخوری نو وائی ماسبا ناری یا سبا نهاری نه دی کړی یا وائی نهار یا ناهاریم او په پارسو کی وائی (نهار حاضر است) .

تبصره :-

که څه هم الفاظ په ظاهر سره بزغ یا یوه هواده چه ترخوله وزی اما که ښه زیر سو زانته یوشی دی مثلاً که وویو چه فلم او مشوانی یا ډوډی او او به را وډه که یو کوچنی هلك هم موز ته ناست وی هغه شی راوړی حال داچه موز ئی محض نوم واخیست نه داچه دهغه شی څپره مواستلی وی .

د الفاظو بدلیدل :-

الفاظ پرازی دشیانو نوم دی او هغه شی شی چی چه په هغه لفظ سره یادیژی مگر لیکه نور شبان لوډ او زور او سفر لری او په سفر کی ئی ډول او طبیعت بدلیژی او په پای کی مرگ هم لری .

کېدل، دزمانې دگرزید و(تغیر) په اتریا دنوی فکر و په علت سره ئی خپل وضعیت بدل کړی اوپه نوی معنی مستعمل سوی دی لکه په عربي کی :-

تهذيب : په لغت کی په معنی دپاک والی او اصلاح کو لورا غلی دی او اوس داخلاق او مدنیت په مجموعی هیئت سره اطلاق کیزی یامدنی چه په لغت کی په معنی دشهری دی او اوس مدنی هغه چاته وائی چه په ټولو نوو وضعیتو دار ویاپوه وی .

دژبی ژوند او مرگ :-

ژبه هغه وخت ژوندی او په زوانی کی وی چه په هر علم و فن کی بی شمیره مؤلفات ولری او الفاظ او محاورات ئی هر ډول مطلب ادا کولای سی که الفاظ ئی اصلی وی یا دخپل پاک نه لری .

استقلال اوتل او سیدل دژبی پرخپلوروشیا نوآړه لری (۱) د قوم خپلواکی (۲) د قوم سلطنت (۳) مذهبی شعائر (۴) مدنیت او معارف .

هر کله چه دا څلورساتونکی غښتلی او پخپل قوت ولاړوی ژبه هم قوت پیدا کوی او که دا څلور د پښو اویدلی اوضعیف وی ژبه هم ناتوانه سی او د پښو و لوژی او په پای کی می ه سی - دژبی مرگ هغه دی چه د هغی ژبی و یونکی، ویل اولیکل په کښ پریژدی او تالیف په هغه ژبه کی له رواج څخه و لوژی او اکثر د امرگ د ملتو د انقلاب په ترس کی ژبی ته پښی سی .

دپښتو او فارسی اوسانکرت په منز کی رابطه او خپلوی :

په دی درو ژبو کی زړه او پخوانی خپلوی اورابطه سته الفاظ

ددی ژبو ددوی په ولی (زبته) دلیل دی دژبی د علم پوهانو وروسته له پلټلو او تحقیق څخه د ټول عالم ژبی پرخو برخو ویشلی دی او هری برخی ته ئی خوشعبی یا کلی دی او د هری شعبی الفاظ تر خپلی برخی لاندی رازی او یوله بله بیژنی - نوله دی لامله د الفاظو په تحقیق کی اسانتیا کیزی اودیوه لفظ په پلټلو کی هغی برخی اوشعبی ته سپری رجوع کولای سی ارهغه برخی دادی :

هند و اورو پائی یا اریائی .

هندوستان ، افغانستان ، ایران ، ارمینیا ، ټوله یورپ بیله ژبیر پوستو څخه او اورو پائی ژبی چه امریکه ، جنوبی افریقه ، استریلیا او نیوزیلنډ ته تلی دی .

سامی :

عربی ، عبرانی ، سریانی ، کلدانی ، اشوری ، آرامی ، فنیقی ای سینائی .

حامی :

بربری او قریم قبضی یعنی شمالی افریقه .

یورال الطائی :

جپان ، کوریا ، منچل و تاتار ، ترک ، هنگری ، یورال اوشمالی برخه ، بحیره اسود ، فنلینډ او لیب لینډ .

دمشرق جنوبی آسیا (آسیای جنوب مشرقی) :

چین ، برما ، تبت ، سیام اونور .

د جنوبی او شمالی امریکې د بومیانو ژبی :

د افریقای د حبشیانو ژبی :

د استرالیای د حبشیانو ژبی :

د علم‌الاسنه پوهانو ، هند و اروپائی ژبه پر یولوشعبو ویشلی ده (۱) اوموز حاجت نه لرو چه د ټولو بیان وکو زکه ز موزمطلب یوازی به سنسکرت اوزند او پښتوکی دی چه د باختری ژبی ریښی او بالتسلسل و اریائی ژبی ته رسیږی .

د زند او سنسکرت ژبه :

سنسکرت Sanscrit : د سنسکرت ژبه . هغه ژبه ده چه د هندوانو مذهبی کتابونه پرلیکلی سوی دی او هغه دادی : رگ وید ، سام وید ، یجور وید ، اتهر وید .

زند Zend د زند ژبه هغه ژبه ده چه د زردشت کتاب (اوستا Avesta) پرلیکلی سوی دی دی ژبه ته بله کتر یانی (Bactriane) هم وائی زکه د دی ژبی لهای د افغانستان بلخ و ، د زند نوم دارو پائیانوله خوا پر اینود سوی دی .

مطلب :

د ژبو د کیفیت او نوموځه بیان وسو او هم مود ژبی حالات او

(۱) که شوک می تفصیل غواړی د « ۱۳۱۳ » په سالنامه کې دی د جناب یعقوب حسن خان مقاله « ز بانها در افغانستان » وگوری .

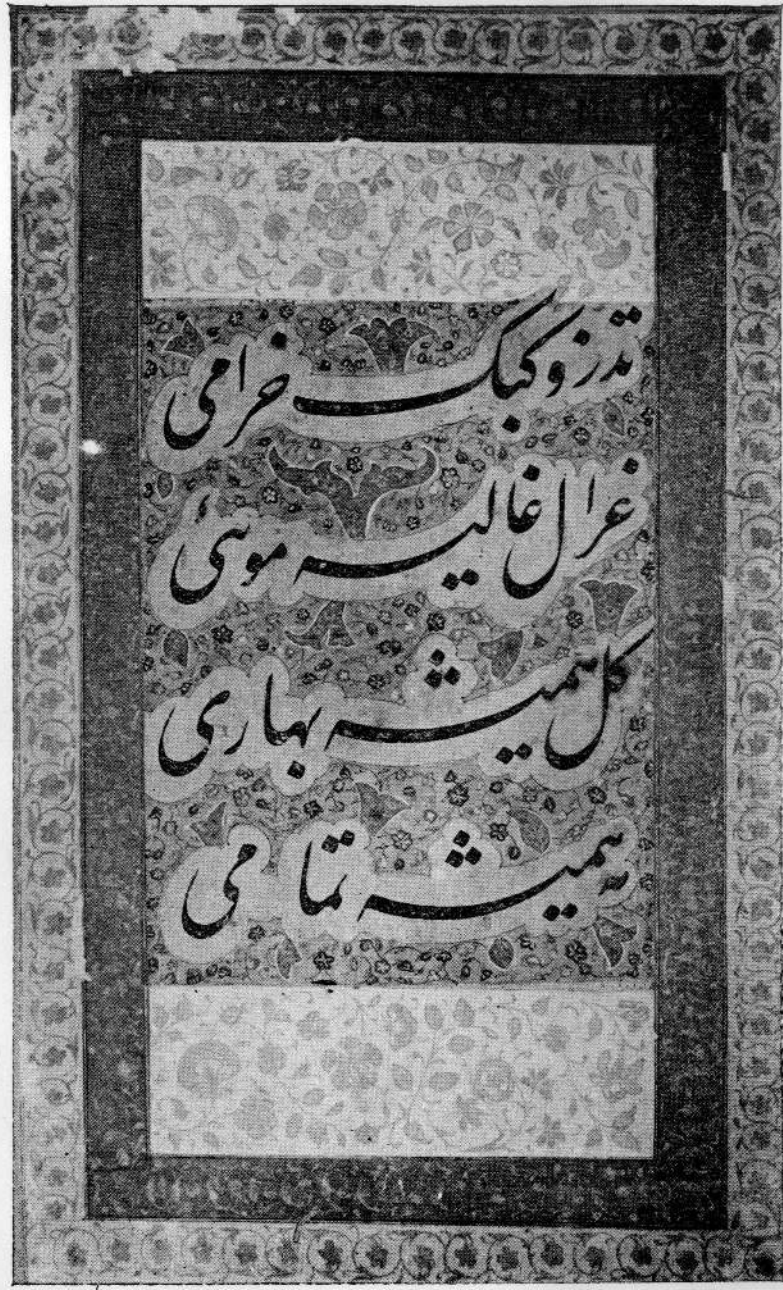
نونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرزا محمد یعقوب خان کابل
Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19^e. siècle d'Afghanistan





نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قدیم افغانستان
 Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan

نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرعلی هروی
 Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19^es. d'Afghanistan



دېشتو پر ادبياتو يوه كتنه

پيدايښت او څه رنگ والی تریو ځایه پوری ولیکل سواوس نوغواړو
چه د پښتو او سنسکرت او زند الفاظ سره وگوړو او خپل مطلب
موچه پښتو آيا لخته ژبه ده او که د هندی او ایرانی اریا ټوک
ده زنی و باسو .

پخواه مو وویل چه کله دیوه ملك شيان دخپل نامه سره زی
او کله پرلاری یاپه بل ملك کی نوی نومونه مونده کی که نوی شيان
په هر ځای کی بیل بیل نومونه لری مگر لازمی اوضروزی شيان چه
انسان له لمړيه سره ورته اړو ، او هر قوم او تکم په وخت دیلیدو دلخان
سره وړی که په یوه ټول وی یا اړ څه تغیر ولری دلیل پر دی دی
چه دهغو قومو په منځ کی اتحاد د قومی او خپلوی سته او که و پتلل سی
ښائی چه نورهم داسی الفاظ مونده سی چه ددوی پر اتحاد دلیل وگرزی
دهغو ضروری شيانو څخه لمړی د کورنی او خپلو انو نومونه دی چه
هیس ښادام به زنی خلاص نه وی او بیا اعضا د بدن او جوی او عددی
اود خوراک او نور شيان دی او موژ لاندی ددی دروژ بو (پښتو ،
سنسکرت ، زند) الفاظ ترهغه اندازی چه موژ ته څر گند سوی دی
یا معلومات په کښ لرو لیکو : (۱)

پښتو : ایشنا ، ايشته . سنسکرت : اش یا اوش بمعنی بسیار گرم

» : اوبه : » : آب فارسی آب

» : اته (۸) : » : اینت او ستا اشتا

» : اتم : » : اینتم فارسی هشتم

» : اتیه : » : اشیتی او ستا ایتی فارسی هشتاد

(۱) د ژبو د ابدال اصول جناب یعقوب حسن خان پوره لیکلی
دی د تکرار په سبب می دلته نظر زنی و اړاوه .



نمونه خط نستعلیق یکی از خطاطان قدیم افغانستان
Specimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan

- پنبتو : او یا سنسکرت: سپنتی اوستاهپتا ایتی - نوی فارسی هفتاد
- » : آس مفرد، اسوزنه جمع ، مونث اسپه سنسکرت : اشوه اوستا اسپه نوی فارسی اسپ
- » : اوشنل مصدر، حال دد ریم سری اوردی سنسکرت : ورت، نوی فارسی گشتن ، گردیدن
- پنبتو : اوین سنسکرت : اشتر (ت پنبتو) - نوی فارسی اشتر
- » : به ، داسم به پای کی دنسبت علامه ، جمع با نه متلاً غوبانه ، اوشبه جمع اوشبانه (اشتر بان ، سار بان) به نوی فارسی کی وان ، بان پنبتو : خه ، خله . نوی فارسی چه ، چرا (خ به فارسی کی به چ بدلیژی)
- پنبتو : خنور . سنسکرت چنوار . اوستا چدوار - نوی فارسی چهار
- » : خاورم « چتر ته . نوی فارسی چهارم
- » : خاویبیت « چنوار نشت . اوستا چدوارستا - نوی فارسی چهل
- » : خرمین « چرمن . اوستا چرمن . نوی فارسی چرم
- » : خیری ، خیره مصدر خیریدن ، خیرول . سنسکرت چیرا یا چیره نوی فارسی چیر
- » : خیر (وصف) شبیه ، برابر ، موافق ، مساوی . سنسکرت چتر از چتر نم (شبیه شدن) اوستا چیدره زره فارسی چیدا - نوی فارسی چهر
- پنبتو : خو . اوستا چواز ، چوت ، چوانتو - نوی فارسی چند
- » : خرب (وصف) قوی ، سمین . نوی فارسی چرب
- » : دیرش (سی) سنسکرت ترنشت - اوستا درسته

- پنبتو : درست (صفت مذکر) درسته (مؤنث) همه : کبل ، تمام . نوی فارسی درست اوستا دروستی
- » : دری . سنسکرت تری اوستا درایو - نوی فارسی سه
- » : درومیدل ، درومل مصدر واحد غائب درومی . اوستا دراومان پنبتو: دوه (مذکر) دوی (مؤنث) . سنسکرت دوا - نوی فارسی دو
- پنبتو : گینه . نوی فارسی انگین مگر به سنسکرت کی مدهو راغلی دی معلومیژی چه گینه به ازیائی کی دویمه کله دشهدوله پاره وی ز که دا انگریزی سره چه (هنی - Honey) ورته وائی خه نزدیکتری گینه یا انگین بومی یعنی لمری الفاظ نه دی .
- پنبتو: گریوان سنسکرت گریوا - نوی فارسی گریبان .
- » : غر جمع غرونه سنسکرت گری (اوله یادیره سیکه ویله کیژی) اوستا گایری نوی فارسی کوه (دپنتو «غ» اکشره گک بدلیژی) .
- پنبتو: غازه . سنسکرت گلا ، گپ ، گلب اوستا گاراه - نوی فارسی گلون .
- پنبتو : غرمه (چاشت ، وقت گرمی روز) سنسکرت گهرم (گرمی یا آفتاب) اوستا گرما - نوی فارسی گرم یا گرما .
- پنبتو : غوشایه یا غوشانی (سرگین) سنسکرت گاؤ (غوان) شکرت (فضله) غوشایه بنای چه د دوو لفظو خخه اخستلی سوی وی .
- پنبتو: غوژ اوستا گاو شه - نوی فارسی گوش .
- » : غوا (ماده گو) سنسکرت گشو اوستا گو
- » : بڑهاغه یا هغه (آن) سنسکرت سا (برای مؤنث) اوستاها .
- » : هسک (بلند مرتفع) اوستا اوسکت .
- » : غنم سنسکرت گود هوم نوی فارسی گندم .

پښتو : کوم (کدام) سنسکرت کما (برای مؤنث) ککم
 (کدام یکی) نوی فارسی کدام - زړه فارسی که .
 پښتو : کنل (کندن ، حفر نمودن) سنسکرت کهتی بمعنی
 (میکند) نوی فارسی کندن .
 پښتو : کرل سنسکرت کرینتی بمعنی (میکارد) نوی فارسی کشتن .
 « : کشر (خورد ، کپتر) سنسکرت کنشتپتر او ستا کاسو
 نوی فارسی کپتر .
 پښتو : کنل ماضی کوټ ، کاته سنسکرت ویکهش ، ا کپش .
 او ستا کاس - منزوی فارسی اکاس - نوی فارسی نگاه .
 پښتو : کرل ، کول سنسکرت کرت او ستا کر تیا نوی
 فارسی کردن .
 پښتو : ککمی (خورد ، کم) او ستا کامنا نوی فارسی کم .
 « : کون (کر) مؤنث کیه ، کنوالی سنسکرت کرن (بمعنی
 گوش) او ستا کر تیا نوی فارسی کری .
 پښتو : ختل مصدر ، واحد غائب خپړی ، ماضی خوت ، ختلاي
 حاصل مصدر خاته نوی فارسی خاستن .
 پښتو : خوب (خواب ، رؤیا) سنسکرت سئو پن (Dream)
 رویا (سوپ (خواب) اوستا خفنا - نوی فارسی خواب .
 پښتو : خور سنسکرت سوسری . او ستا خا نهر - نوی فارسی
 خواهر (خ په سانسکرت کی په س بدلېږي) .
 پښتو : خوله (عرق) جمع خولی سنسکرت سوید .

پښتو : خوړل مصدر واحد غائب خوړی ماضی و خوړل - نوی
 فارسی خوردن .
 پښتو : خر سنسکرت کهر - نوی فارسی خر (خ کله په سنسکرت
 کی په که هم بدلېږي) .
 پښتو : لر (پست تر ، کتر ، یا ین) سنسکرت اد هر او ستا
 ادارا - منزوی فارسی ار، نوی فارسی زیر .
 پښتو : لرل سنسکرت دهرن اوستا در تا نو - زړه فارسی ادرا ما، نوی
 فارسی داشتن
 پښتو : لس سانسکرت دش اوستا داسا - نوی فارسی ، کرد ، بلوچی ده
 (ل په د بدلېږي)
 « : لار اوستا رايد يا . منزوی فارسی رس نوی فارسی راه
 « : لیری سنسکرت دوری اوستا دویری نوی فارسی دور (په پښتو
 کی دوزی په معنی د) انجا (یعنی همه لیری خواته وائی)
 پښتو : لیوه سنسکرت وریک او ستا دیوه
 « : لیور (برادر شوهر) سنسکرت دیور - نوی فارسی ایور
 « : لومه (حلقه دام) سنسکرت دمن
 « : لور سنسکرت دو هیتا ، دو هیترا او ستا دو غدار منزوی فارسی
 دخت نوی فارسی دختر
 پښتو : لور (داس) سنسکرت دا تری منزوی او نوی فارسی داس
 « : لوشل سنسکرت دو هنم (نم علامه مصدر) نوی فارسی دوشیدن
 « : مچ سنسکرت مکینی او ستا مخشی نوی فارسی مگس
 « : مخ سنسکرت مکه

پیتو: منی (تیر ماہ) اوستا ہمینا
 « : مثل سنسکرت منم (مصدر) اوستا ماین ایتی
 « : مرغہ سانسکرت مرینگہ مری پہ معنی د مرغزار او گہ پہ معنی
 د تلونکی (رونده) نو مرینگہ پہ معنی د ہفہ حیوان چہ خر کوی
 (حیوان چرنہ) اوستا مرغ-نوی فارسی مرغ
 پیتو: می سنسکرت مر - نوی فارسی مردہ
 « : مہانی (پهلوان ، دلاور ، شجاع) سنسکرت مرتیہ (و پلہم
 گیگر) دہنی پہ معنی لیکلی دی مگر دمی کنہوی-مردنی پہ معنی دی
 او ستا مرتان منزوی فارسی مرت - نوی فوسی مرد ، مردانہ
 پیتو: مشر سا سنسکرت مشر منزوی فارسی مہ . نوی فارسی مہتر
 او ستا مسیا
 پیتو: مزی (فوی ، عبارہ عام فہم تسمہ) سنسکرت مہا (بمعنی کلان)
 اوستا میشتا
 پیتو: مڑ (گوسفند زر) میڑ (میش) سنسکرت میبش
 « : مڑک سنسکرت موبنک یا موش نوی فارسی موش
 « : ماغزہ سنسکرت مجا او ستا ماژگا ، نوی فارسی مغز
 « : میلہ جمع میلانہ سنسکرت مہی من (شخص بزرگ و کلان)
 اوستا امدان نوی فارسی مہمان - سنسکرت کیش « مہمان » ہمورتہ وائی
 پیتو: میرہ اوستا ما دریا نوی فارسی مادر اندر
 « : مور سنسکرت ما تریا ماہہ - نوی فارسی مادر
 « : ملا (کمر) سنسکرت مہمی (Madhya) بمعنی وسط اوستا
 مایدیا نوی فارسی میان

پیتو: مہل مصدر واحد غائب مری سنسکرت مرن (ن علامہ مصدر)
 اوستا مرتا نوی فارسی مردن
 پیتو: ن (امروز) اوستا نورم
 « : نزل مصدر (اواز کردن ، غنیدن) سنسکرت نذن (ن علامہ مصدر)
 ندتی (اواز میکند) نوی فارسی نالان ، نالہ ، نالیدن .
 پیتو: نوی (اسم عدد نود) سنسکرت نوتی - نوی فارسی نود .
 « : ناستل مصدر (کیناسقل) واحد غائب کینینی ماضی ناست
 سنسکرت نیبیدن (ن علامہ مصدر) سیدتی (می نشیند) اوستا
 نی شیداتی نوی فارسی نشستن .
 پیتو: نیکہ (پدر کلان) اوستا نیا کنا - نوی فارسی نیا .
 « : نوم (اسم ، شہرت ، عزت) سنسکرت نام یا نامن اوستا
 نامان - نوی فارسی نام .
 پیتو: نو (ناف) سنسکرت ناہی - نوی فارسی ناف .
 « : نؤور (زن پسر) سنسکرت سنوہیا - نوی فارسی سنو .
 « : پہ (در ، بر) سنسکرت اوپہ اوستا اوپہ .
 « : پل (یا نقش پا) سنسکرت پد اوستا پدا - نوی فارسی پای .
 « : پلہ (پی) اوستا پمان نوی فارسی پی .
 « : پتروس (اسم عدد پنجاہ) سنسکرت پنچاشت اوستا پنچاستا
 نوی فارسی پنجاہ .
 پیتو: پری ، پری ، پی (حرف استعلا بمعنی بر بالای) سنسکرت
 یویاری اوستا اوپاری نوی فارسی بر .
 پیتو: پرو سڑ ، پروس (سال گذشتہ) سنسکرت پرت - نوی
 فارسی پارسال .

پښتو: پم (ملاعت ، مقلوب ، مات) سنسکرت پت اوستا پر تیا .
 « : پاڼه (برگ ، ورق) سنسکرت پرن اوستا پر نیه .
 « : پیړی (اجنه) اوهتا پاریکا - منزوی فارسی یاریک - نوی

فارسی پری .

پښتو: پیرونی . نوی فارسی پروین .

« : پښتی (قبرغه) سنسکرت پک پښتی اوستا پر شتی (په سنسکرت

کی پر پښتی د پښتو په تڼ د شاهه معنی راغلی دی .

پښتو : پوښتیدیل واحد غائب پښتی . اوستا پر شات . نوی فارسی بر سیدن

« : پلن اوستا پدانه . نوی فارسی پهن .

« : پلا (سفر ، دفعه) سنسکرت پد - اوستا پاد - زړه فارسی پدی

« : پلار (پدر) سنسکرت پیتر اوستا پیتر ، پتر .

« : پراڼک نوی فارسی پلنگ .

« : ریل ، رایل (آواز کردن خر) واحد غائب رائی .

سنسکرت ریکو (نم علامه مصدر) واحد غائب ریکوتی
(خر هنگس می کند) .

پښتو : رش (چرک ، ریم) سنسکرت رج یارجس - نوی فارسی
ریش (زخم) .

پښتو : ریچه (تخم شش) سنسکرت لکنیا - نوی فارسی رشک

« : روزاوستا راوچه - نوی فارسی روز .

« : سل (اسم عدد ، صد) سنسکرت شت اوستا ساتا

نوی فارسی صد :

پښتو : سخر (پدر زن) مقلوب خسر . سنسکرت شو سر .

اوستا خوا سورا - نوی فارسی خسر .

پښتو : سبی . سنسکرت شوا (مفرد) شوان (جمع) اوستا شپان
نوی فارسی سگ .

پښتو : سپړه ، شپړه صفت حالیه سپړن . اوستا سپیش - نوی

فارسی شپش .

پښتو : سپین . اوستا سپینا - نوی فارسی سپید .

« : سپک ، نوی فارسی سبک .

« : ستان . سنسکرت ستهونه اوستا ستونه - نوی فارسی ستون .

« : ستر صفت (کلان ، بزرگ ، قوی) سنسکرت ستهویر

اوستا ستا ورا - نوی فارسی سترگ .

پښتو : سور (سرخ) سنسکرت شکر (بمعنی خوش رنگ که

چشم آنرا خوش کند) اوستا سخرا - نوی فارسی سرخ .

پښتو : سوری . نوی فارسی سفتن ، سوراخ .

« : سوړ نوی فارسی سرد .

« : ساړه (خنکی ، خنک) اوستا سارتا - نوی فارسی سرد ، سردی

« : سوه (سم) سنسکرت شپه اوستا ساتا فارسی سم .

« : سوی (خرگوش) سنسکرت شش .

« : سول . سنسکرت جول (نم علامه مصدر) فارسی سوختن

« : شئل . سنسکرت اینهن .

« : شپه : سنسکرت کنیا . اوستا خشپ - نوی فارسی شب .

« : شپون جمع شپانه نوی فارسی شبان .

« : شول مصدر (رفتن ، آمدن ، بودن ، شدن) حال واحد

غائب شی ماضی شه فارسی شدن .

» : او مه (اسم يك نبات) سنسکرت سوم (واو مجپول) اوستا هاوما - نوی فارسی هم (په فارسی کې یوه و نه ده لکه شین غزی چه چوس ئی د زمر می په وخت کې په لاس کې نیسی فرهنگ رشیدی) پښتو : اور - اوستا اذر

» : اوره سنسکرت ابهر اوستا آورا

» : وزیدل (باریدن) سنسکرت وربن

» : اوسی ، هوسی ویلهلم گینگر وائی چه په سنسکرت کې آ شو د هوسی په معنی را غلی دی. مگرداصحیح نه ده، بلکه بکتیا دهوسی په معنی ده موژ غرخه هم ارو او په سنسکرت کې گری ش په معنی دهه چا چه په غره کې استو گنه کوی را غلی دی .

پښتو : اوینه ، اوینکه سنسکرت اشرو اوستا آسرو نوی فارسی اشك

پښتو : اوه (اسم عدد هفت) اوستا هپتا نوی فارسی هفت

» : واله (بید) سنسکرت و یس او ستا وایتی منزوی فارسی ویت نوی فارسی بید

پښتو : وڼه (درخت، شجر) سنسکرت وون اوستا ونا-منزوی فارسی وان

» : وندنی (ریسمان کناهی یا علفی که به آن پشتهاره می بندند) سنسکرت بندهن اوستا بنده فارسی بستن - په پښتو کې وند بند (آب جمع شده) پښتو : وړ (در) سنسکرت دوار - اوستا د واری - زړه فارسی دوار یا - نوی فارسی در

پښتو : وړی (پشم) سنسکرت اورنا اوستا وار نا

» : واله ، واله (جو،جوی) سنسکرت واری بمعنی آب اوستا وایدی

» : واوره - اوستا وافره نوی فارسی برف

پښتو : شپیشه (رشقه) منزوی فارسی اسپوست نوی فارسی اسپست .

پښتو : ته ضمیر واحد مخاطب نوی فارسی تو سنسکرت توم اوستا توم » : تم (تور تم) برای تاریکی می آید سنسکرت تمه یا تمس اوستا تما - روسی تم .

پښتو : تنبا (رعد) سنسکرت ستن ، یقنو - نوی فارسی تندر (صاعقه) عیناً در پښتو هم تندر است . لاتینی تو ناری ، تو نپترو ، یخوانی جرمنی دونار اوسنی دو نازر :

پښتو : تر (حرف جر) نوی فارسی تا سنسکرت ترس زړه فارسی تارا اوستا تارور .

پښتو : تش (خالی) تشول (خالی نمودن) تشیدل (خالی شدن) - سنسکرت تچپ - نوی فارسی آپی

پښتو : تژی سنسکرت تربیت (مذکر) تر شینا (مؤنث) اوستا تر شته نوی فارسی تشه

پښتو : تیره اوستا تایرا فارسی تیز

» : تریخ ، ترخه نوی فارسی تلخ

» : تریو ، تروه » » ترش

» : تون داسم وروستی برخه (محل ، جا) لکه میزه تون - سنسکرت شتانا او ستاستانه نوی فارسی ستان

پښتو : تومه ، تومنه (تخم ، اصل ، ریشه) سنسکرت تکمن اوستا تا و خمان زړه فارسی تاوما

پښتو : تور (سیاه) اوستا مادرا نوی فارسی تار ، تاریک

» : ام ، اوم مونث او مه سنسکرت ام

پښتو	سنسکرت	پښتو	اوستا
گريوان	- گريوان	دري	- در ايو
خرمن	- چرمن	غارو	- گاراه
غرمه	- کپرم	مرغه	- مرغا
کشر	- کنشتر	ماغزه	- ماژگا
لس	- دش	نيکه	- نياکا
ايور	- ديور	ساره	- سارتا
مخ	- مکھ	تيره	- تيرا
ممي	- مر	واوره	- وافره
مشر	- مشر	زده	- زانوا
پل	- پد	زده	- ارذا
پانه	- پرن	ايوه	- ديوه
سوه	- شپه	اوره	- اورا

اوم مونث اومه - ام

ونه - ون

اوس نو دامنا لونه اوتناسب چه د پښتو او د سنسکرت او د پښتو او داوستا په منځ کې سته موثر ودی نتیجې ته رسوی چه سنسکرت او اوستا دوه ورونه دی که پښتو د سنسکرت زوی او اولاد وپولو - نو اوستا ته د وراره نسبت مونده کوی - همدا رنگی که داوستا له نسل څخه وی سنسکرت ته د وراره نسبت پیدا کوی - اودا څرگنده ده چه اولاد نسبت وتره ته دپلار سره ډیر پورتنک والی اوڅپره ئی ویلارته لویه ورته وی نو که پښتو د سنسکرت د نسل څخه وای داوستا سره به ئی دونی نژدیکت نه دراود او که داوستا اولاد وای د سنسکرت سره به ئی خپلوی نه وه - هرکله چه پښتو د سنسکرت او اوستا سره

پښتو ولېشت (بلست) سنسکرت ویتشتی - فارسی بلست

» : وريت (کباب ، بریان) سنسکرت بهرج نوی فارسی برشته

» : وروحه سنسکرت بهرونوی فارسی ابرو

» : ورور سنسکرت براتر - اوستا برادر فارسی برادر

» : زنه - اوستا زانوا - نوی فارسی زنج

» : زده (یادگرفته) اوستا ارذا

» : رش (آب دهن) سانسکرت را زا Rasa

» : زغم (زحمت) سانسکرت کسم (Ksham)

داوه زنی الفاظ اونومونه د پښتو اوسنسکرت او اوستا او فارسی چه پورته مو ولیکل ، هغه خپلوی اوقرابت چه ددوی په منځ کې ددی الفاظو دیورنگوالی څخه څرگندېږی - ښائی محترم ویونکی په پوهیدلی وی او هغه نسبت اوتناسب چه د پښتو اوسنسکرت اود پښتو او اوستا په منځ کې سته هم ښائی چه پوهان پرو پوهیږی ز که : په هغه اندازه چه پښتو وسنسکرت ته نژدی ده هغونه او ستا ته نژدی ده - اود دغه تناسب له لامله دی چه مستشرقین او پوهان ئی په شبه کې اچولی دی او پښتو کله د سنسکرت شعبه بولی او کله ئی داو ستا له نسل څخه شمیري او بيله زنو پوهانو لکه دا کتر ترومپ د دی ژبی وحقیقت ته نه دی رسیدلی له پاره ددی چه دادتناسب مسئله هم ښه څرگنده کو ، خومثالونه د پښتو اود سنسکرت د نژدیکت او د پښتو او داوستا د خپلوی هم لیکو بیا به ئی نتیجه باسوا وخیل فکر به په قطعی صورت سره څرگندوو - چه مثالونه ئی دا دی :

پښتو	سنسکرت	اوستا
اتم	- ایتم	اسیه
اس	مونث اسیه	- اسیه

دی بلکه خپله ژبه ئی په لږ وخت کې ورکه کړې او د بل ژبه ئی اخیستی ده او د هغو په دود او عادات ورگړیدلی دی .

موز به پر پښتانه لیدلی دی چه کابل ته راغلی دی یا بل ځای ته چه فارسی و بله کیږی تللی دی اوس ئی زامن په یوه حرف پښتونه پوهیږی او همدارنگه چه په فارسی ژبه گړیدل هرکله چه د پښتو د ژبی منطقی ته تللی دی نن پښتو وائی او په فارسی نیو هیږی - یا په پښتو کی مثلاً وردگگ قندهار ته تللی دی خپله لهجه ئی پری ایښی ده د قندهار په لهجه گړیږی او که قندهاری مشرفی ته تللی دی د مشرفی لهجه ئی اخیستی ده خپله لهجه یی هیږه کړی ده همدارنگه اول وگړی او اقوام د دنیا .

د دی معلول علت دادی چه د مسافرو او مهاجرو تعداد خواه نخواه تراصلی او سیدونکو د یوه وطن لږوی هرکله چه تعداد ئی لږوی قوت ئی هم لږوی - قوت چه لږ سو اراده سسته سی د ضد ینو مقابله کولای نسی د بل تر اراده لاندی سی - له بلی خوا مسافرو دی ته اردی چه دخپل معاش او ژوند ما یحتاج لاسته راوی - د ما یحتاجو حصول په ټولنه او اجتماع اړه لری - او خو دی د ټولنی پرخیال و لاندی اجتماع دده پرخیال نه زی - او یوازنی وسیله د گډون په ټولنه کی او حصول د معاش ژبه ده - نودی خو ما نخواه ودی ته اړسی چه خپله ژبه پر پردی او خپل دود ترک کی - د محیط او اجتماع تر تاثیر لاندی راسی او د هغه محیط ژبه ومنی چه دی په کښ میشت دی ار ژوند په کښ کوی .

یو ډول او برابر خپلوی او یورنگ والی لری دازنی څرگندیږی او دی نیجی ته رسیږو چه پښتو ، اوستا او سنسکرت ته لکه مشر ورور یا پلار یا تره ده چه دوه کشری ورونه یادوه زامن یادوه ورپرونه لری او دیوه سره هم هغه خپلوی او نژدیکت لری لکه چه دها بل سره یا په بل عبارت سره ژب پوها نو دهند و ارو پائی (آریائی) ژبه په دوو برخو ویشلی ده چه یوی برخی ته شرقی او بلی برخی ته غربی وائی او د شرقی د برخی څخه دوی برخی نور ی راوتلی دی چه (هند ، ایرانی) ورته وائی اودا دوی ژبی چه سنسکرت او اوستا دی دونه سره نودی دی چه باید دیوه پلار اولاد ورته وایوز که دی دواړوژ بوته دباختری یا بخدی شعبی ویلی سواودا زموز ویل دحقیقت څخه څه لیری خبر نه ده اوژند ته له دی لامله با کتر یانی وائی چه اصل ځای او ټاټوبی ئی باخترو همدارنگه د پخوانی اوزاره سنسکرت اساس او ځای چه رگ ویدی ژبه هم ورته ویلای سو همدغه افغانستان و (د ۱۳۱۳ په سالنامه کی دی دجناب یعقوب حسن خان مقاله و کتله سی) او دهند و ایران او سیدونکی هم د افغانستان د قطب ددهی څخه ویشلی سوی او هند و ایران ته تللی دی لکه چه درگک وید څخه دا مطلب پوره څرگندیږی اوداهم پخوا جوته سوی ده چه د سنسکرت او اوستا په زمانه کی دپښتون قوم په همدغه افغانستان کی میشت او دغه ئی ځای و .

که موز په دنیا کی وگورو دا خبره به موز ته جوته سی چه مسافر او هغه څوک چه د خپل ځای څخه تللی دی یا د محیط د تاثیر له کبله یا د بل قوم د همسایه توب له لامله ئی په ژبه کی به ډیر تغیر پیښ سوی

ښائی څوک و وائی چه ډیر مهاجر داسی سوی دی چه د اصلی او سیدو نکو لځای ئی نیولی دی او اصلی اوسیدو نکمی ئی په لځان کی محو کړیدی .

هو ! دا خبره صحیح ده او داسی ډیر قومونه سته چه د یوه لځای څخه و بل لځای ته تللی دی او هغه لځای ئی نیولی دی او اوس د هغو اصلی او سیدونکو نخښه هم نسته . مگر دا کار چه دوی اصلی او سیدونکی محو کړیدی او لځای ئی دوی نیولی دی په څو زمانه کی به سوی وی ؟ - دوی به څونه ور سره چنگیدلی وی ؟ ایا دا اصلی او سیدونکی به ئی بیلا محو کړی وی که ورو ورو ؟ .

اوس گورو چه پر و سبز کال ایطالیا حبشه و نیوله ایا د حبشی و گړی ټول مړه سوه ژبه ئی ور که سوه عادات ئی محو سوه ؟

په ! څو دا کار کیژی او ایطالویان و دی خبری ته اړ دی چه کولونه به تیر وی . او ایطالویان و دی خبری ته اړ دی چه د حبشیانو په واسطه د حبشی څخه گټه واخلي او په حبشه کی لځان بلدی ددی کار دپاره ایطالویان مجبور دی چه د حبشیانو سره گډون وکی او ژبه ئی زده کی ددوی په دود او عادت و پوهیژی . کله چه دوی ټوله حبشه محو کی دوی به هم لکه نن خالص ایطالوی نه وی د حبشی او ایطالیا په مینز کښ به څه زنی جوړسی لکه چنگیز چه راغی او دا ملکونه ئی لاندی کړه په پای کی ئی اولاد که څه هم پادشاهان او ددی ملک واک داران وه بیا هم په ژبه ، دین او دود کی هغسی بوب پاته نسول لکه چه چنگیز و .

ژبه هم کت مټ همدا رنگه ده لکه چه پورته مو وویل او هم

موداویلی دی چه دهند و ایرانی و گړی له دی لځای څخه تللی دی نو اوس باید ددوی د ژبی حال هم و گورو چه ددی تنگ څخه دوی ته څه ور پیښه سوی ده اوله څه حال څخه و څه حال ته رسیدلی دی .

دهند د ژبو حال :

په امری سرکی چه موژته څرگنده سوی ده دهند دمهاجر و ژبه رگ وید وه چه اساس اومنشائی باید هغه باختری ژبه و بولو وروسته له څه مدی چه د رگ وید ژبه له افغانستان څخه ووتله او په هند کښ ئی لځای و نیو خپل حالت ئی بدل کی له چه ئی و گرزیده چه په دی نوی لهجی باندی د سنسکرت مشهور فاضل (پانینی) د چپندس نوم ایښی دی بیاد چپندس له چه او ژبه هم ور که سوه خپل لځای ئی و سنسکرت ته پرېښود . بیا د سنسکرت ژبه په پای بدله سوه . بیا دیالی څخه پخوانی پرا گرتونه و زیږیدل او د پخوانیو پرا گرتو وضعیت په اوسنی ژبو دهند چه اوسنی پرا گرت ورته وائی بدل سو .

ددی څخه دا جوته سوه چه دهند و گړوله هغه وخته چه د باختر څخه تللی دی تر اوسه شیږ واړه بلکه زیاته خپله ژبه اړه ولی ده سره له دی چه دی ژبو اکثر و مذهبی جنبه هم لرله خصوصاً سنسکرت چه د برهمنو او پالی د بودایانو دینی ژبه وه .

د ایرانی ژبو حال :

وروسته له دی چه ایرانی له باختر څخه پیل او ایران ته ولاړ ددوی ژبه گډ اوستاد کتاب ژبه وه سره له دی چه اوستا ددوی مذهبی او رسمی ژبه بلله کیده دونه پایښت ئی ونکی - بیا زره فارسی چه دهخامشیانو کتیبی پر لیکلی سوی دی څرگنده سوه دا ژبه هم وروسته له

پرايه پسي مهی سوی دی او لځای ئی بلی ژبی نیولی دی - پښتو داسی نه ده سوی اونه ئی دونه توپیر کړی لکه چه نوی فارسی کړییدی زکه : هر کله چه داتو سووکالو آثار گو رو او ادبیات ئی سته هغه پښتو ده چه نن روز وبله کیژی سره له دی چه نه ئی منهبی غوره والی درلوداونه ئی په رسمی طور سره څوک مرستی و- اونه ئی د پاللو په غم کی چاسر غوژ کړی ولکه چه دهند وایران ژبی پاللی کیدی - اوزیات پردی چه پښتو خپل لځان ساتلی دی پردیرو ژبو بریالی سوی هم ده اوبه خپل لځان کی حل کړی دی .

داوه ددی سیمواو دژبو حالات چه پورته می محض سرسری او لنه بیان وکی - نوددی تغیر څخه چه په دی ژبو کی پینن سوی دی او پښتو پرخپل حال پاته سوی ده جوتیزی چه پښتو لځانته او دخپل واک خاونده ده نه د سنسکرت څخه راوتلی اونه داوستا څخه زږیدلی ده اوداهم ویلی سوچه سنسکرت او اوستا - وپښتو ژبی ته دکشر وروریا دوراره نسبت لری اوموز پردی خبره نور دلبلونه هم لروزکه په پښتو کی زنی داسی لغات اوالفاظ سته چه داریا دژبی داصلی ریښی سره پورنگ والی لری لکه : تگ (رفتار - teg) چه داریا په اصلی ولی کی په دغه معنی راغلی دی اوبه سنسکرت کی په تاکتی (takti) بدل سوی اوله هغه څخه ئی دپیری (چابکتیا) او یربی (هجوم) معنی اخستی ده اوبه زندکی به (تاکا تاکا) راغلی دی اودزغستا معنی ورکوی - اوداسلاو (دروسی ژبی یلار) په ژبه (توك tok) ورته وائی اومعنی ئی بهیدل ده . په پښتو کی وینو چه دغه تگ د نن روزی په پښتو کی په معنی دتگ (رفتار) استعمالیژی او پردی پوره دلیل کیدلای سی چه پښتو داریا داصلی ریښی څخه ده اویخواه تر سنسکرت او زندو وه .

څه مدی مهه سوه - پهلوی ژبه رواج سوه روسته له پهلوی څخه نننی فارسی معمول وگرزیده - که ښه ورته لځیر سوئنی فارسی هم دهغه وخت څخه چه ددی پیدایښت دی (دسا ما نیانو زمانه) بیاتراوسه دیر تغیر کړیدی که داتغیر سړی په زمانو او نسبتو سره وویښی اوییل بیل نومو نه ورته کینیژ دی ښائی چه تر لدنو مو څخه زیات ومنی دا و دایرانی ژبو حال چه په دیر لنه صورت سره مویبان وکی - اوس باید د پښتو د ژبی هم څه څیړنه وکوا ووی گو رو چه څه حال ئی تیر کړی دی .

دپښتو دژبی حال :

رموژ به عقیده سره کله چه داریا تکم له باختر څخه وویشل سوچه هندته ولاړل او څه په ایران کی میشت سول څه هم پخپله په افغانستان کی پاته سول لکه چه زنی محققین او مستشرقین هم داوائی او په دی عقیده دی دوی هغه دخپل واک او دمالداری (پونده توب) خوی ټینگ کی ددی له پاره چه ددوی خپل واک په خپل حال پاته سی تر سموئی غرونه خو ښ کړل او دمالداری دیاره به ژمی یو لځای وه او اوری به ئی بل لځای تیراوه - بایه بل عبارت اوری به سپړاوژمی به تودومسلکوته تسلل لکه چه سراوسه دپیری هم هغسی دی - که موژ دپخوانیو پښتنو حالات اودودگورو دن روزی دپښتو سره دونه توپیر نه لری او ژبه ئی هم هغه ژبه ده چه دپښتو په نامه دوه نیم زده کاله پخواه باده سوی ده . - که څه هم پخواتر اسلام موژ څه اثار اوسند په لاس کی نه لرو چه داخپله خبره چه پښتو هغه پښتو ده چه وړاندی وه ، جوته کو اوثوت ته ئی ورسوو مگر دا ویلوسو - چه څنگه چه دهند و ایران ژبی

مثالو څخه دی نتیجی ته ورسیدو چه که، لڅنومستشرقینو یا نورو داخبره کوله چه پښتو د سنسکرت او او ستا څخه ده - کلمی غلطه او بی اساسه نظریه ښکارگری زکه په پورته دلیلواو په سوو نورو دلیلو سره چه لڅای ئی د وبلونه دی د پښتو ژبه داریا د ژبو لوی غړی او غوره ژبه ده چه د سنسکرت او او ستا په زمانه کی وه اودنو دلیلو څخه (لکه د تنگ د لغت اشتقاق) داسر گندگری چه پښتو نسبت و سنسکرت او او ستا ته داریا ، واصلی ولی ته نزدی ژبه ده او که چیری فرض کوچه پښتو له سنسکرت یا او ستا څخه زیږیدلی وی نو باید خپل لغات ئی داریا داصلی ریښی څخه نه وی اخیستی ددی دور ، ورسیتو ژبو څخه ئی اخیستی وی او باید ریښه ئی نسبت واصلی ریښی ته داریا و هغی ژبی ته نزدی وی چه دازنی راوتلی ده - حال داچه داسر نه ده - پورته مثالونه ښی چه د پښتو ژبه د سنسکرت او او ستا لوی وړ ورده دو راره والی یادزوی نسبت هیڅ دی دوو ژبو ته نه لری :

ادبیات :

دا خبره خومو تر یوزایه ورسوله او خپله دا ډگر نه مو وکړه چه پښتو پخوانی او ځانته دخپلواک ژبه ده نو هر کله چه پښتانه پخوانی او ژبه ئی هم پخوانی لرله خواه پخوانی ادبیات هم در اودزکه افلاطون اونور ډیر فلاسفه وائی چه دانسان په خته کی د جمال غوښتل اخیلی دی زکه چه دبیدیع حس ، دده سره یو لڅای خلق سوی دی نوله دی لامله تر هغه وخته چه انسانانو مدونه ژبه نه در اوده داخیل حس ته ئی په خپر و چه په خپلو سوږو کی به ئی ایستلی یا خپل د ډېروشیان او اسباب به ئی کښیده (نقشی) کول دا ډگر نه ور کوله هر کله چه د ژبی خاوندان

یاد (راشتی) کلمه چه داریا په ژبه کی په معنی دسم (موافق) اورښتیا (راست) او حکمدار ده مگر په زندگی دغه کلمه په (رایای) بدله سوی اود بوائی (ثروت) او حشمت معنی زنی اخیستله سوی ده او په لاتین کی په (رکس - رگیس - روئیس) بدله سوی اود پادشاه - عمومی مدیر د مملکت مفهوم و معنی ورکوی اود فرانسه په ژبه کی RICHE وویله سوه چه د بوائی معنی ورکوی او په ننی جرمنی کی (Reich) او په انگلیسی کی (rich) سوه چه په ټولو اروپائی ژبو کی په معنی د قدرت ، بری (سلطه) بوائی استعمالی حال دادی چه ریښه ئی هغه (راشتی) یعنی سم (موافق) اورښتیا (راست) او حکم دار ده چه داریا په ژبه کی لیده کیږی .

دلته هم په زغردو وبلای سوه چه پښتو د ټولو اروپائی ژبو څخه داریا واصلی ریښی ته نزدی ده زکه په پښتو کی دغه د (راشتی) کلمه په لڅه تغییر سره یعنی (رښتیا) په هغه اصلی معنی چه رښتیا ده (راست) وپه کیږی (۱) . نور داسی الفاظ اولغات هم سته چه زموز دهر مطلب قوی دلیل گزنی چه پښتو ځانته اومستقله ژبه ده اوتر سنسکرت او او ستا مشره بلله کیږی .

زیات پردی یو بل لوی دلیل هم سته او هغه دادی چه پښتو علاوه پر سنسکرت او او ستا د ټولو اروپائی ژبو سره په زنو لغاتو او الفاظو کی چه معلم راوستلی دی یورنگک والی لری خصوصاً د یونانی سره ډیر : داډول دلیلونه اومثالونه په دی باب کی ډیر راوړی سواو خبر نه پرکولای سو . ددی له باریه چه زموز مقاله په سالنامه کی یو محدود اومعین لری زیات پردی ئی نه سو اوژ دولای نو په دغونه موبس کړه - اوددی پورته

(۱) د جناب محمد فقیر خان تره کی مقالی دی د کابل د مجلو په

۷۶-۷۷ گڼه کی وکتلی سی .

په لغمان، کنړ، نورستان او د سلیمان په غرو کې ئې تر پایه بری و نه موند - سکندر (۳۲۹ - ۳۲۷ ق م) هم چه هندوستان ته تی د پښتنو له لاسه ئې ویني په زړه کې و جی سوی - تر خو چه د دوی د لاسه په سوات کې ټپي (زخمی) سو . مغل هم که تیمور و که بابر او که د انور ، دوی (پښتنو) در په در کړه تر پایه ئې د پښتنو د لاسه خو ژه گواه (لقمه) په خوله نكړه که زه دا ټول بیان کوم نو بیل کتاب به سی فقط دغه یو عامل د دوی دخپلواکی اود خپل د ملت د گرانیت و دلیل ته بس دی چه د دوی ژ به ترا و سه می د سوی نه د ماو ژ وندی پاته ده .

ب : سلطنت د قوم :

پښتنوته خو پخوا ترا سلام هیچ کله د سلطنت و اړ نه دی رسیدلی اونه چیری دوی سلطنت کړیدی ز که په افغانستان کې د وظائف الملوکی قانون جاری و - هری علاقې ځانته رئیس او مشر درلود کله به چه د باندنیو ملتو لکه هخامنشیان ، اسکندر ، یونانیان یا مغلو پر دوی هجوم راوی - تر یوه وخته پوری ئې به زنی ځایونی و نیول مگر کله به چه دوی د لمړی تر په و لویدل او پښتو به واری موندنه کی بیا به دخپل سر رسول - ټوله دی کبله پښتو ته تر اسلام وړاندی دیوی متحدی اداری وار لاس ته ددی ورغلی په خپلو غرو کې ئې خپل ژوندون کاډه .

ج : مذهبی شعائر :

پښتو دینی آثار هم نه در لود ز که د کفر او شرک په زمانه کی (دریم او دوؤ قرن ق م) علمی او دینی ژبه د افغانستان سنسکرت وه خصوص په بنیر ، سوات ، دیر ، چترال ، مهند ، تیرا ، جلال آباد ټول وادی دکابل او غزنی تر بلخه پوری امانه په صورت د محاوری او محلی ژبی .

سره پخپل سر به ئې گنگوسی کاوه او دا گنگوسی په عین ددی کی چه بی معنی وه بیا هم دوی ته خوا ژه و د ولی چه ددوی د بدیعی اړتیا ئې سر ته رسوله ، بیا هغه وخت چه ددوی ژبی استعداد موندنه کی په معنی لرونکو اشعارو ئې پیل وکی - نو دادی چه په دی ټول شعرا و ادب اوبه نتیجه کی داد بیا تواریخ اود ادبی شاه کارونه څرگند سول .

نود دی غریزی په دستور سره پښتو ادبیات درلود او پښتانه د خو ژ وادیپاتو خاوندان وه .

که څه هم مو ژ دا خبره د هغو وختو د ادبیاتو په نمونه او نښان سره نسو تابه ولای ز که چه د هغه وخت - ادبیات زمو ژ په لاس کی نسته او نه موندنه کیږی .

داولی ؟

پورته مو وویل چه د ژبی اساس په څلور شیانو ولاړدی او دا څلور شیان دی چه د ژبی مرسته کوی لکه د قوم استقلال د قوم ، سلطنت ، مذهبی شعائر ، مدنیت او معارف اوس مو ژ باید دا څلور شیان بیل بیل د پښتنو دا حوال سره وگورو او ددی خبری علت موندنه کو چه تر اسلام وړاندی ددوی داد بیا تونښه ولی نسته او که سته تر خو عوا ملو لاندى راغلی دی چه مو ژ ئې نه وینو او ثبوت ئې نه سو کولای .

الف : د قوم استقلال :

پښتو خو خپل قومی استقلال درلود - تر هر شی تیر سوی دی مگر خپل استقلال ئې خورا ټینګ ساتلی دی - هر کله چه د تاریخ پانی سره اړه ووگورو چه پر پښتنو هیچا بری نه دی موندلی او که ئې موندلی د زړه په چاودس څوړه سره له نقصانه بیرته تللی دی - هخامنشیانو (۵۵۰ - ۵۳۰ ق م) دهندو کش قطب ډډه ، بلوچستان ، سنده ، کابل او پینور و نیو مگر

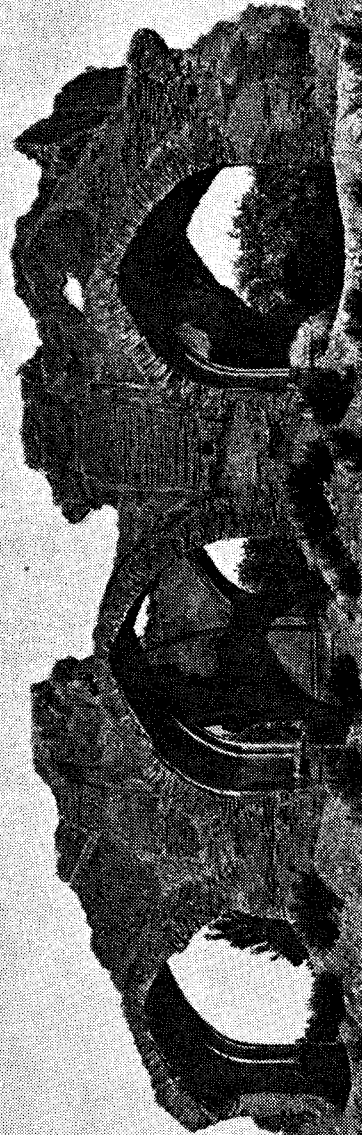
له بلی خواه د بلخ او گرد چاپیر د بلخ (۱۰۰۰ - ۵۰۰ ق م) او یستانی ژبه وه اری په قول شمال د هند و کش کی وبله کیمده - اما هغه وخت چه د بزدا دین په افغانستان کی نتوت د زردشت دین بی ویوست د سنسکرت ژبه مستقله دینی او علمی ژبه سوه زکه شه تحریر اولیک چه له بامیان څخه راوتلی دی د سنسکرت په ژبه دی - او د افغانستان ورستیو یونانی شاهانو او بوگیچیانو په خپلو سکوکو کی د سنسکرت ژبه استعماله وه . دهخامنشیانو د غلبی په وخت کی (۵۵۰ - ۳۳۰ ق م) د ایران په قول شاهنشاهی کی زری فارسی (فرس قدیم) رسمیت در لود - وروسته له هخامنشیانو د هند و کش قطب ددی ته رسمی اودرباری ژبه یونانی وه د ساسانیانو په زمانه کی پهلوی ژبی درسمیت مقام نیولی و - تر څو چه د اسلام روښانه دین څرگند سواو د پاک خدای کلام په عربی ژبه راغی اود اسلام دینی اورسمی ژبه عربی سوه - که څه بی هم د سامانیانو د زمانی څخه بیا تراوسه په افغانستان کی خپل رسمی زای واوسنی فارسی ته پرینیود مگر په دینی او علمی صورت سره لکه پخوا په درنه سترگه ورته کتل کثری نوزیات پردی چه پښتو مذهبی جنبه نه در لوده درسمی مقام واره م تراوسه نه دی ور رسیدلی .

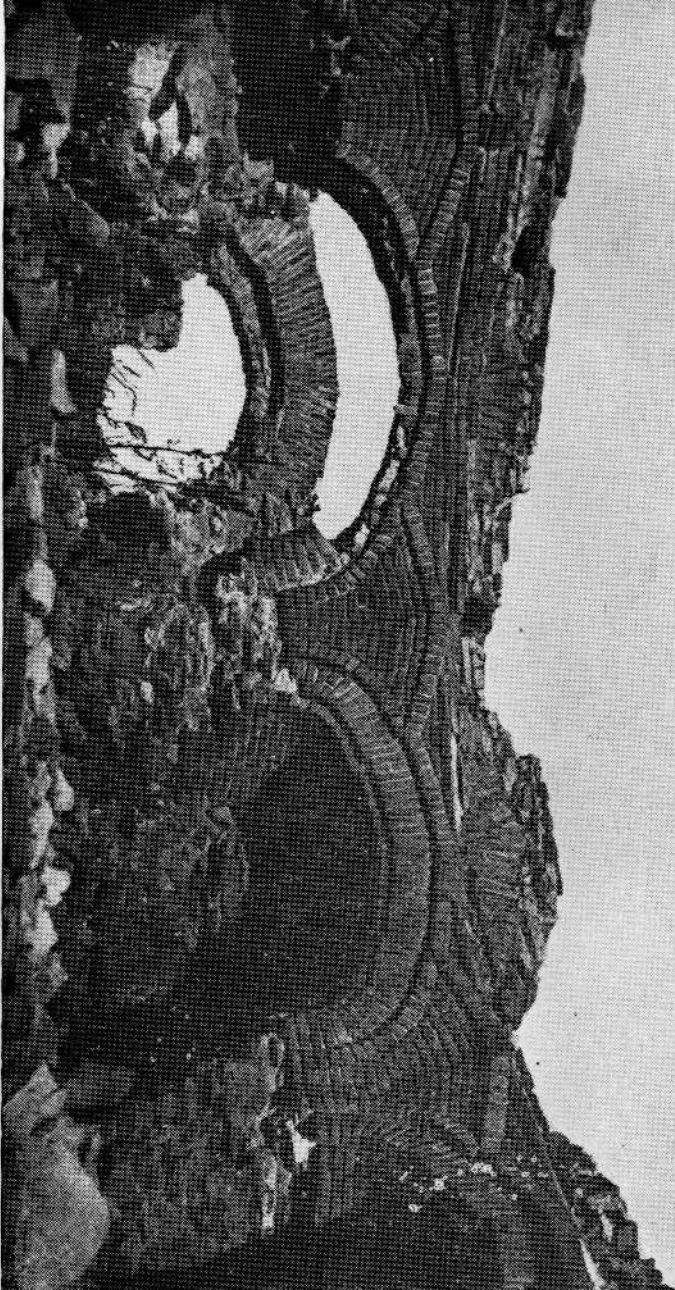
د : مدنیت او معارف :

پښتو خومدنیت او معارف درلود مگر داچه په زرو زمانو کی بی ددوی په نامه نسو موند لای یاداچه ددوی معارف په پښتو ژبه کی نسته خو علتونه اوسپونه ورته نا کلی سواوموژ ددی جنبو (مدنیت ، معارف) بیل بیل څه بحث کوو .

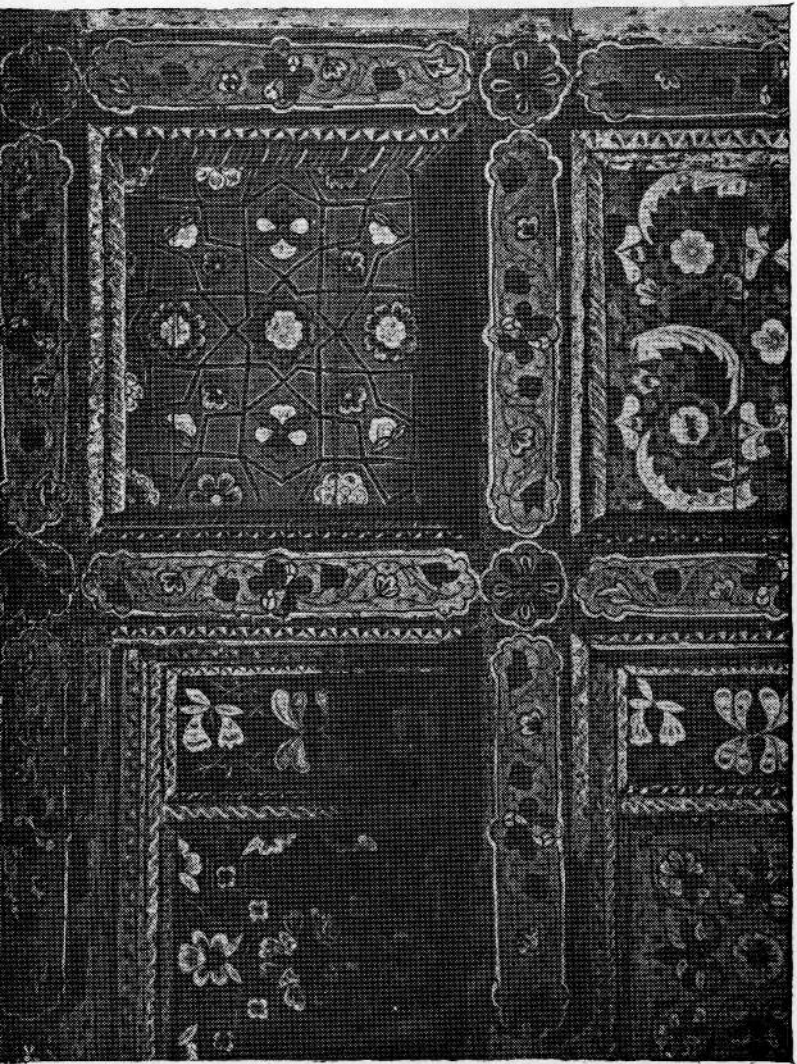
الف : مدنیت : پښتانه د تاریخ په هر دوره کی د تمدن اوناام و نښان خاوند ان وه هرکله چه دوی ترورستیو پیرو پوری د افغانستان د بومی

از آثار تاریخی بلخ : يك حصه از خرابه های شهر قدیم
Une partie des ruines de Balkh (Bactre)





از آثارتاریخی وطن : خرابه‌های قلعه نریمان در بلخ
Ruines d'une ancienne forteresse (Kala Nariman) à Balk(Bactre)



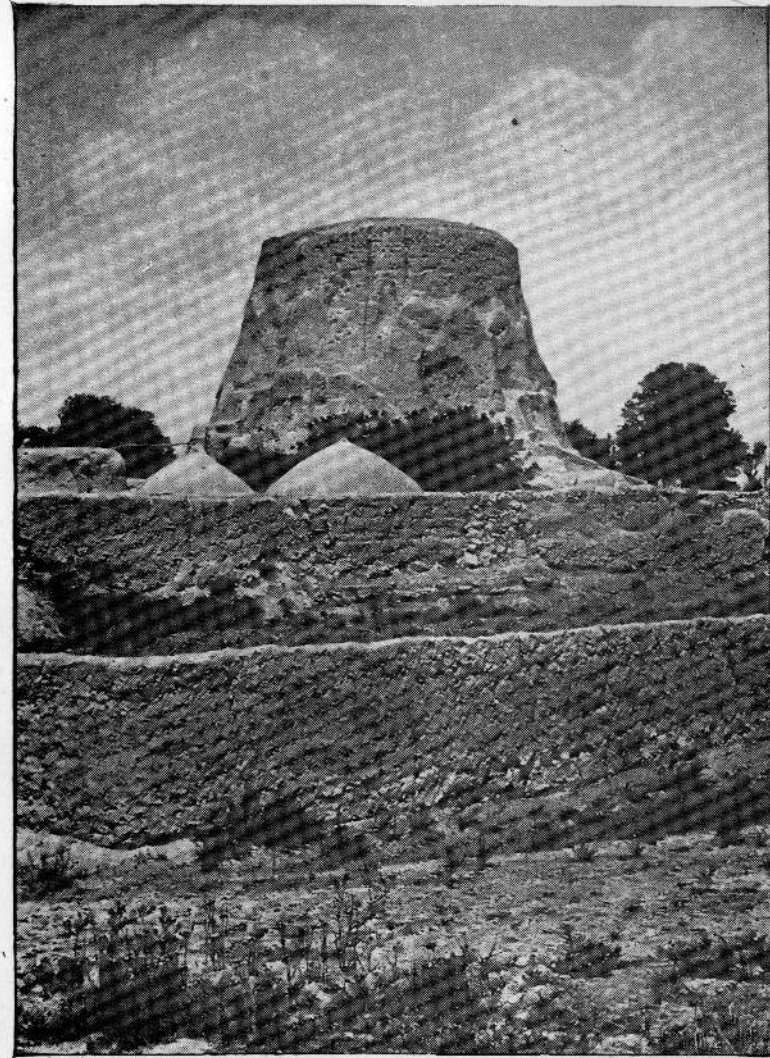
آثار تیس و تار یخی ولایت مزارشیراز : نقش‌های یکی از عمارت قلعه شیراز
Spécimen des dessins des anciens bâtimens de Chibirghan
(Prov. de Mazar-i-Chéri)

د پښتو پراډیپاتو یوه کتنه

سلاصینو او امراؤ تابع وه لکه غزنویان ، غوریان او نور او یالکه چنگیز یان ، تیموریان او نود تاریخ په شهادت سره دا ټوله کورنی او یاد شاهان ددوی په توره او مهانه بریالی سوی او زلاندۀ مدنیت ئی پری ایښی دی چه په ټولو هغو مدنیتو کی فکر آ او عملاً د پښتنو تاثیر خرگند او ښکاره ریږی . مگر د پخوانیو تاریخو عموماً او د شرقی تاریخو خصوصاً دا عادت وه چه یوازې به ئی دکم مشهور سړی حالات لیکل د عسکری او ملکی تشکیلات ، سیاسی ، مدنی ، اقتصادی ، جغرافیائی حالات زراعت ، فلاحت حتی د ملت د عمومی وضعیت به ئی هیڅ یاد او بحث نه کاوه .

یا په بل عبارت سره دیوه ملت تمدن به ئی د هغی کورنی مولود گانه چه پوهنه ملت یا قوم ئی حاکمیت او مشرتوب درلود . نو له دی لامله د پخوانیو او مشهورو یو قرنو مدنیت د پښتنو د هغه کورنی په نامه یاد سوی دی چه پردوی یاد شاهان او حاکمان وه ل حال دادی چه په هغو ټولو کی د پښتنو نوم هم باید یاد سوی وای .

ب : معارف په جخوانی دنیا کی اخوملیت او قومیت دونه اعتبار نه درلود هر څه چه و . مذهب و او هغی ژبی ته اعتبار ورکول کیده چه مذهبی ارکان به په کښ لیکل کیده . او دادود په یوه قوم یا یوه ژبه کی نه و دنن روزی لوی او د تمدن خاوندان ملتونه او ژبی چه تاریخ ئی پخوانی حال راښئی هم په دی لومکه کی بندوه مثلا د ایطالیا ، جرمنی ، فرانسه روسی او انگریزی ملتی ژبی چه نن روز ئی پرتول جهان برم پروت دی خو پیږی پخوا داسی نه وی او نه ئی عام آثار درلود او نه عام لوستل ژبه کښ کیده هر څه چه وه په لاتینی ژبه کی چه ددوی دینی او مذهبی ژبه وه لیکل او لوستل کیده بلکه که چا به پخپله ملی ژبه کی څه ولیکل هغه ته به ئی په بد نظر اکتل او رټلی به ئی باله مثلا په څلور لسه



از ابنیه تاریخی بلخ : خرابه ستوبه (کوناک) در غرب شهر قدیم
Stupa de Konak à Balkh (Bactre)

زيات پردی دليو چه پورته مود پښتو د پخوانيو اثار و د نېستی په باب كې وويل داهم د كې و خبرده چه وړاندى تر اسلام د رسم الخط او حروف چه نن روز پښتو ژبه لری او پر ليكله كېږی نه وه ضرور نزر حروف او بل رسم الخط رواج در او د - نو كه څه اثار د هغو زمانو پاته وي ضرور به بله څېره لری چه نن موږ نه په يو هيڅو ښائي يو وخت د پښتون او لاد د حفر ياتو په ذريعه يادعلم او د تحقيق په قوت سره د پښتو د پخوانيو اثارو په موندلو سره بريالی سى - خدای دى وكي .

يوه بله خبره هم بايد وگو او هغه داده چه داز موږ پورته ليك يوازی ددی لامله دی چه پخواه تر اسلام څه تحریرى او كتنې اثار زموږ په لاس كې نسته اما هغه څه چه دوگړو په سينو كې دی او پښت پر پښت موږ ته را رسيدلى دی ښائي له هغو اثار وڅخه وى چه پخواه تر اسلام وه او په لږ تغير سره ئې تراوسه خپل هو جوديت د عمو په سينو كې ساتلى دی او ديوه څخه وبل ته را نقل كېږی . تردی لږه خويه خو مود پښتو د ژبې څه پاشلى بيان و كې اوس نو پر خپل اصل مطلب چه د پښتو ادبيات دی څه څېړنه كو و او مقاله پای ته رسو و كه خدای كول.

د ادب او ادبياتو پرفلسفه او معنی د پروفلاسفه و او پوها نو ويل كې يدى او په سر علومو او فنونو ئې ويشلى دی كه موږ نور علوم او فنون چه تعريفاً په ادبیا تو كې داخل دى زنى و باسوگور چه دارسطو په عقيدو سره څلرمه برخه د منطقي صنعتو چه « ا بولتيك » يعنى د صنعتو قوانين ورته وائى او هغه شعر دی ، پاته كېږی .

شعر : د شعور څخه اخيستلى سوي دی او مطلب ئې هغه احاسات

پېړی كې په قول اروپا كښ يوه رسمى اود ليك ژبه بې له لاتينې ژبې نه ليدله كېده او قول كېداونه په هراباب كې چه وه دلاتين په خط او ژبه ليكل كېده او دادليك دنده (وظيفه) هم رهبانانو سرته رسوله - ډير كتابونه ئې وليكل مگر د خپلى ملي ژبې په ژوند كې ئې هيڅ هاند (كوشش) نه و - داته لوى شاعر او اديب دايرضاليا چه خپله كېدى ئې په ملي ژبه وليكله قولو خواصو ده ته په بدويلو پيل وكى كه څه هم عمو وگړو په ډيره مينه و منله .

څنگه چه داروپا احوالو ، هغسى داسيا احوال هم و - مثلاً : تر اسلام ډراندی د افغانستان په شمالى خوا او ايران كې د زردشت دين و او ستارسمى او مذهبي ژبه بلله كېده - بيا بودايت په افغانستان او هندوستان كې رواج سو - سنسكرت رسمى او مذهبي ژبه وگرزېده ترڅو چه د باطلوا ديا نو پر لږى د اسلام پاك دين څرگند سو او د خدای كلام په عربى ژبه نازل سو - كه پښتون و كه بل څوك هاندئى پردی كاوه چه عربى ژبه زده كى او تصنيف او تاليف ئې په عربى كى وى - او په همدغه سبب ترعر بو عجمو په عربى كې ډير خدمت وكى او ډير علما او فضلا په كښ څرگند سول او تصنيفونه او تاليفونه ئې په كښ وكړل او تراوسه ئې هم كوى نلاد يوه بست په سو و سچه پښتانه ښوولای سو چه په عربى كې ئې په سو و كېداونه ليكلې دى لږانته ئې مدرسې درلودى دهغو جمله وڅخه دى خطا بى ابوسليمان احمد بن محمد چه معالم السنن او غريب الحديث اودنورو مصنف و - او ابوحاتم محمد بن حبان او نظام الدين ابو الفتح بستى و غيره . نو ډېرته بيان څخه دا نتیجه اخلوچه پښتو وړاندى تر اسلام او وروسته معارف درلو دمگر نه په پښتو ژبه - ډير پوهان په كښ وه نه په پښتو كې .

او عواطف دی چه دالفاظو په غالب کی څرگندیږی خواه هغه الفاظ وزن او قافیه ولری لکه دخوشحال خان او حمید منظوم اشعار او خواه ئی و نه لری لکه نقلونه او نور مشور لیک - نو پردی اساس شعر دوی برخی لری (۱) نثر (۲) نظم یا په بل عبارت شعر هغه قیاسی ماده ده چه بیله قید څخه د وزن او قافیی ، فکر متوجه او روح و ښوروی او دا دروح ښوریدل او حرکت به یاد لذت له کبله و ی او یا به دنفرت له لامله - یعنی منطقی یا تعلیمی شعرهغه دی چه د مجسم کولو یا دښیکر و اوعیود څرگندولو په واسطه دویونکو په فکر وکی یوه مخصوصه نافراری (هیجان) پیدا کی .

دپښتوانثر :

موږ دمخه هم وویل څنگه چه بشر په تصور او انقلاب کی دی الظاظ اولغات هم چه شعر او ویل دهغو زوکړی دی دبشر دفکری او اجتماعی تحولاتو په سبب گززی او تحول کوی یا بل عبارت خپل ډول او په اړوی نوموږم څرنگه چه دپښتو ادبیاتو تحول کړیدی په خوبرخو اوزمانو ویشو اولمړی دپښتو دنثر خیر نه کوو :

د پښتو نثر دری لونی او غوره برخی لری (۱) قصصی (۲) تاریخی (۳) مذهبی .

قصصی :

د ډیرو پخوانیو زمانو چه دپښتو نثر موږ ته را پاته او اوس ئی لرو او پیری په پیری دوگر و او خولو په ذریعه موږ ته را رسیدلی دی دغه عشقی او حماسی (رزمی او بزمی) نقلونه اورویات دی داغوره نقلونه او روایات زموږ د وطن او ژبی تاریخ او د نومه وډو مهو او

جنگیا لیو او بریالیو حالات چه پردوی تیر سوی دی موږ ته رازده کوی او په یادئی راوی او موږ ته د هغو بریالیو می و نو مونه رازده کوی چه د تاریخ څخه پت پاته دی او تاریخ ئی یاده دی کړی .

هغه شی چه دالم غلمی زمانی دلاس څخه پاته دی اوموږ ته ادبی اوتاریخی سند بلل کیږی دغه عشقی او حماسی نقلونه دی چه له ډیری پخوانی زمانی څخه موږ ته میراث پاته دی اونن روز ئی موږ خاوندان یو .

دا نقلونه اورویات دونه زړه ته ږدی اومهیچ اوتامیر راوړونکی اوشو را جوونکی دی چه ډیرنومه وړی (معروف) لیکونکی او رومان چیان هم نسی کولای چه په خپل اثرکی خوشختلف احساسات لکه عشق ، عفت ، غم او په عین هغه وخت کی ملی تور یالی توب او حماسه - او غوره اخلاقی اوفطری ښیکړی وښی یائی ولیکی .

که څه هم دا نقلونه اورویات دروائی اشعارو په ډله کی رازی غنائی اوتیمی اشعار هم لری چه دلید ووړدی اود ډیر پاسته اوزړه منونکی مظا هر د طبیعت یعنی عشق ، خوشحالتیا او وصال په زړه ژوندی کوو نکو نارو سره څر گندوی اود انسانی نفیسه جذبات دشور په صورت سره لړزوی او خوشحالتیا ورپښوی چه ډیر ما هر اویوه کامیدی لیکونکی ئی پښی نه سی کولای - او کله به ډیر جذابت سره دملی حماسی اولورد وعراضو نمایندگی کوی او کله د جنگ

مرگت ، داراوهول مناظر داسی رسم کوی چه ډیر غمیتلی او توانا تراژدی لیکونکی ئی هم نه سی رسمولای . سره له دی بیا هم د طبیعت دډگر څخه نه دی وتلی او بنا ئی پر رښتیا او صحیحو واقعوا توده پهلوانان ئی نه فرضی دی اونه وهمی بلکه واقعی اواصلی دی ، سی ، ای ییدولف انگلیس د دی ډول پښتو اشعارو صفت په دی

ډول کوی : « د پښتو ادبیات یوازنی مظهر احساساتو ، عواطفو تاریخ او اخلاق د پښتو دی . دا اشعار دونه طبیعي او مؤثر دی چه پرارویدونکی بی اختیاره اغیزه کوی مثلاً کله چه د جنگک بیان کوی دارویدونکی سترگی و بریښی او دخپل خای څخه بیزایه سی او د جنگک حسیات ئی په ښور راسی - او په هغه خای کی چه د عشق بیان کوی دارویدونکی پر عواطفو تردی حده اغیزه وکی او عواطف ئی دونه نری (رقیق) کی چه د زړه پرله پسې او سیلی ئی نمایندگی کوی زکه دونه لطیف او جنگالی احساسات د هیج قوم په زړه کی لیکه د پښتو لاندی او زوری ریښی نه دی زغلولی :

دمشرق ډیرو نقلچیا نو او نقل لیکو لیکو لیکه (لیلی او مجنون) او (فرهاد و شیرین) او (امیر حمزه) اونور لیکه شاه نامه لیکو لیکو نقلونه ویلی او لیکي دی مگر د واقعاتو په تصویر کی د طبیعت د ډگر څخه وتلی دی او داسی نقلونه ئی د لحن څخه جوړ کړی اورا ایستلی دی چه بلکل د انسانی فطرت څخه پورته او انسانی عقول او مدارک ئی نه منی او اعتبار نه ورکوی - اما د شه مرغه د پښتو د ژبی لحن له دی ادبی نقصان څخه پا که ده . او هغه شیان په کښی دی چه د انسانی دغرائز و افطرت سره سم دی .

دا ډول نقلونه هم تکراری او هم نظم - نثر ئی د پهلوانانو او نومه زرو مهمو نقلونه او هغه حوادث دی چه پردوی تیرسوی دی او نظم هغه ناری دی چه دوومینو یادوو حر یغانو یو بریل کړی دی (دارو بیان به د نظم په قسمت کی وسی) دا ناری خورا تاثیر لری او دسړی د ونه ریژدوی . لنډه ئی پردی چه ډیرسوز ، عاشقانه احساسات ، عفت ، میانه توریالی توب اوساده والی او نوری ډیری اخلاقی ښیگری د پښتو

د دی نقلو او روایاتو څخه څرگند یژی چه د پښتو د اخلاقو او عواطفو او مهمانی وراست وال بلل کیژی .

دهغو جملو څخه دفتح خان بریخی ، ادم خان یوسفزی ، مومن خان ، خویداد ، ضریف : شاهو اوتوردلی او نور دی . (۱)
د اقلونه د ډیری پخوانی زمانی دی چه زنی ئی پخواه تر اسلام هم گنلی سو که څه هم دازموږ خبره د نقل د ظاهر و الفاظو څخه نه جوئیژی زکه هغه دینداری چه په پښتو کی ده او هغه مینه چه و دی خیل پاک او مقدس اسلامی دین ته لری ډیر خپل پخوانی او تاریخی شیان ئی اړولی او اسلامی رنگت ئی ورکړیدی لیکه نومونه او واقعات او حوادث چه په دی نقلو کی یادسوی دی مگر بیا هم که څوک ښه ورته لڅیرسی داسی الفاظ او کلمات او واقعات په کښی موندلی سی چه د نقل پخوانیتوب او زمانه ئی تر اسلام وړاندی وښی مثلاً : دهغو جملو څخه دفتح خان بریخی نقل دی چه موږ څه خبره نه په کښی کو و .

فتح خان په خته بریخی و - او بریخی د شرخون د اولادی څخه دی چه شرخون د څر بن نیکه زوی دی او د ډیرو پښتنی قبائلو سلسله ده ته رسیژی ، بریخ داوسنی افغانستان په جنوبی سرحداتو اوها غاړه دهلمند اوریگ اود ښور اوک شاو خوا او په بست کی میشته دی په پخواه پیړیو کی څه هندوستان ته تللی وه چه پاته سونکی ئی تر اوسه په پنجاب او د سرحد په صوبه کی سته .

بهر ایچ د بمبئی په صوبه کی تر اوسه یو شهر دی چه ددی قوم په نامه مشهور دی او ددی ملی نقل اساس دادی چه شپته تنه ددی قوم څخه

(۱) د اقلونه اکثره څنگه چه دوگر وپه سینو کی پرانه دی زما همکار ورور محمد گل خان « نوری » ټول کړیدی امیند سته چه زردی چاپ سی .

سوی وی اوفتخ خان واسلم خان سوی وی هم بنائی .
بل لځای وائی چه فتنج خان دشمس الدین ککافر سره چه
دهنوستان پادشاه وجنگ وکی - دهندوستان په پادشاهانو کی تاریخ
موزته دغه بوشمس الدین رابینې چه دقطب الدین ایبک دخوادگرو لبار
اوبیادبدوان حاکم او دده دمرگه وروسته ددهلی پربادشاهی کینینوست
اول داچه شمس الدین ککافر نه و - مسلمان وپاموژشمس الدین پښتون
بولو او هیس پښتون دبل پښتانه سره څنگه چه دفتخ خان اوشمس الدین
په متر کی تیرسوی دی نه کوی .

بله داخبرده څنگه چه تاریخ ښی دشمس الدین په زمانه کی بست
وران سوی و، ودان نه و زکه اسلامی دائره المعارف په خپل
اول جلد په ۸۰۵ مخ کی د بست کیفیت په دی خیر څرگند کړیدی :
« څنگه چه دبست دشاوخوا خاور و څخه معلومیږی یوزوړ مرکز
دمدنیث و - او په پخوا پیریو کی ئی خورا شهرت اولوئی اونور والی
حاصل کړی و - دعیسوی شپږم قرن په سر کی بست هقتا لیتیا نو
(هقتالیت ها) یا هیاطله ونیو اوبیانوشیروان زنی واخیست .
داسلام په زمانه کی لمړی وار عبدالرحمن بن ثوره فتنج کی بیایعقوب
لیث دصفاری کورنی موسس دخپلو جنگو په وخت کی یوکال په بست کی
تبرکی او په (۲۶۶هـ ۹۷۶ع) سیکتگین فتنج کی .

څنگه چه دپرامشاه (دغزنویانو د کورنی) سلطنت علاوالدین جهانسوز
وران کی دبست دوری ئی هم ونیستی - اویاته ئی داتم (۸) قرن هجری په پای کی
(۱۴ قرن م) تیمور وران کی په دی اړودور کی یوازی د بست کلا (قلعه)
روغه یاته سوه او هغه هم په (۱۷۳۸ع) کی نادرساه افشارتوله ډنگه کړه -
اوس یوازی دیوا لونه ئی دهلمند درودپرغاړه ښکاردیږی .

په پخوا زمانو کی دهند دنیولو دپاره تللی وه مشرددی ډلی فتنج خان
داسلم خان زوی وچه خپله معشوقه « راییا » ئی هم دلخان سره بیولی وه .
کله چه دوی تله دبست څخه تللی دی زکه اصلی لځای ئی بست و
او ددوی دتگ په وخت کی بست ودان او په ترقی کی و - اوددی
خبری ثبوت دا د نقل ناره کوی لکه چه وائی :

« که دوی دی ، کلا بست دروازی دوی دی

پریوه فتنج خان وزی پردا بله ئی مور، مورسوی ناری دی »

بل لځای په نقل کی وائی چه « دفتخ خان پلار اسلم خان د کلا
بست پاچاو » ددی څخه دا جوته سوه چه دفتخ خان اصلی لځای بست
او دتگ په وخت کی ئی بست ودان و او دپادشاه یاد قوم دمشخلای
هم هغه لځای وی چه ودان او ترقی ولری او په نهضت کی وی .
بل داچه په تاریخو کی موژ داسلام په زمانه کی داسلم خان په نامه
یو پادشاه په بست کی نه سو موند لای - نو ضرور دفتخ خان دیلار
پادشاهی په هغه زمانه کی وه چه په افغانستان کی طوائف الملوکی
رواج وه - دطوائف الملوکی زمانه څرگنده ده چه پخواه تراسلام
وه یاداسلام په لمړی قرن کی ودنوکه دا نقل پخواه تراسلام یاداسلام
په لمړی قرن کی وی ضرور دفتخ خان اواسلم خان نومونه هم بل څه وه
ز که تاریخ پردی شاهد دی چه اسلام هرلځای وینوی سم دلاسه ئی
تبلیغ داسلام شروع او داسلام تبلیغ خو په تعلیم دقرآن عظیم الشان
اړه لرله نوله دی کبله په هرلځای کی چه اسلام او عرب داخل سوه
دعربو ادب او لغات هم یو لځای ورسره داخل سوه او دا طبیعی
اوخرگنده ده چه دعربو ادب اولغت په نومو کی هم اغیزه درلوده -
نوکه دفتخ خان اواسلم خان یانورکسان چه په دی نقل کی اړه لری گرزولی

هلبرانت (Hillebrandt) وائې په رگگ ويدکې راغلي دي چې په ارا کوشيا (قندهار) کې يوه قبيله ميشته وه چې «واسو ديوا» نامې حکومت او پاچهي (پادشاهي) پرکوله او دې قندهاري قبيلې د دده د زوی «سوداس» نامې په مشر تو ب سره د فتو حساتو لمن تراندس د سنيد پوري ورسوله او د «سوداس» جنگي کار نامې د نقل پر ډول ويلې کيدې .

درگگ ويد په زمانه کې اريا لايه خط و کتابت اشنا نه وه نو ز که هغه واقعات چې د تاريخ وړ وه د نقل په جامه کې ويل کيده او بڼايي چې دا قبيله پر يخ او دا زوی او پلار د پيريو په تيريدو وروسته له اسلام څخه فتح خان او اسلم خان سوی دی - او څنگه موچه پورته وويل چې بهرايچ يا بهروج تراوسه په هندوستان کې سته دوی (پر يخ) ورو ورو د پيريو په تيريدو سره د پرو دی د علاقې څخه تير سوی اوتر بهروج پوری را رسيدلی وی - (بهروج د سوات د بندر قطب ډی ته د بمبئی په علاقې کې يو شهر دی) او د پرو دی او بهر يچ او پر يخ په منځ کې کلي مشابهت او يو رنگ والی سته - او دا چې دا قبيله د قندهار وه موژ د شك څخه باسی او يقين ته موژ دی کوی چې د «واسو ديوا» او «سوداس» نقل دغه نقل دی چې د فتح خان او اسلم خان په نامه تراوسه ياد يږی .

او بل دا دليل هم سته چې سرسوتي په رگگ ويد او هرا ووتې په اوستا کې راغلي دي چې د واړه يو نوم او مفهوم ئې د ارغنداب رود دی چې بېست ئې پرغاړه پروت دی او دا چې دوی شيبته کسه وه او د پاچهي سره چنگيدل هم دليل پردي دی چې دا نقل پخوا ترا سلام و ز که وروسته له اسلام څخه داسې واقعه هيڅ کله پيښه سوی نه ده

نوددی بيان څخه دا څرگنده سوه چې شمس الدين نه ، بلکه بل څوک و ، چې پخواه تراسلام ئې په هندوستان کې سلطنت در او د او دا چې د کافر په نامه ئې يا د کړيدی صحيح معلو ميژی ز که په هندوستان کې هغه وخت هندوانو پادشاهي کوله او نوم ئې چې دشمس الدين په نامه گرزیدلی دی سبب ئې هم هغه شی دی چې موژ پورته و ويل - او که فرض کو چې شمس الدين دغه شمس الدين دی چې وروسته له قطب الدين څخه پادشاه سوی دی نو د کافر په نامه ئې ولی پاله او بيا په هغه وخت کې بست وړان سوی و يو داسې لځای چې د حکومت وروای نه و چې اسلم خان پادشاهي په کين کوله .

دا هم دويانو خبر ده چې ملي نقلونه او زوايات ضرور يو تاريخي اساس لری د خپلې گيدې څخه ئې څوک نسې جوړ ولاي - مگر د پيريو په تيريدو خپل وضعیت اړهوی واقعات دمبا لعی په سبب په کين زياتيږی ياد هيريدو په سبب په کين کميږی او څه رنگه چې الفاظ او لغات بدليږی نومونه هم چې د الفاظو او لغاتو زوکړيدی بدليږی .

اوس له باره ددی چې ددی ملي نقل او روايت په څير يوه تاريخي واقعه مونده کو او په تطبيق سره ئې د امعا حل کو بايد تاريخونه و گورو - اما تاريخونه ز موژ درد دو ا کولای نه سی بايد د تاريخ د زمانې څخه لوړ ولاړ سوز که د واقعه د تاريخ د زمانې څخه وړاندی ده که د تاريخ د زمانې وای تاريخ به هرو مرو ليکلی وه د روايت پر ډول به نه وبله کيده .

وړاندی د تاريخ څخه خويوازی رگگ ويد دی چې نن روز زنی پخوانی واقعات موژ تر اسي ئې او دا واقعات يا جغرافياي حالات او بيان موژ ته بڼه مرسته را کوی او وپسا هم پر کيدای سی .

اودا چه په رگ وېدکې د قبيلې په نامه ياد سوي پردې دلالت کوي چه ددوي تعداد لږ و ز که په اراکو شياکې يوه قبيله نه وه ښايي چه په دوني پراخ ملک کې ډيرې قبيلې وې .

د ژبې پرفصصې اوروائې ادبياتو موخوڅه څير نه و کړه اوښايي داموهم تربوي اندازې ثبوت ته رسولې وې چه زمورژ فصصې اوروائې ادبيات ډيرو پخوانيو زمانو دې چه دخپلو و يونکو په سينو او دخپلو او يو او وروغرو په منز کې ئې خپل لحن ساتلې او پيرې په پيرې په څه تغير سره ترموز ئې لحن رارسولې وې اوس به ددې برخې په دغو نه بحث بس کو او د تاريخي نثر پراډيياتو به څه څير نه و کو که خدای کول .

تاريخي :

تاريخي کتابونه خود ډيرې پخواني زمانې زمورژ لاس ته نه دي راغلي اونه مونوم او وېدلي دي که وي هم يا به د خارج په موزيمو او کتاب خانو کې وي يا به په غرو اورغو کې پټ پاته وي چه چاپ سوي نه دي - امري د تاريخ کتاب چه په پښتو کې موز ته معلوم دي د (سوات) تاريخ دي (۱۴۱۳-۱۴۲۴ م) چه شيخ مالي يوسف زي (دخپلې قبيلې مشراوصوات هم ده پخپله فتح کړې دي) ليکلي دي له شيخ مالي څخه وروسته خانجونامي دده دمشرتوب پرلحاى کېښوست او د خپل ژبې په مشرتوب ومنلسو - هغوهم يو کتاب د سوات د ښوولو په باب کې وليکي چه دا کتاب د حافظ رحمت د تاريخ ماخذ دي (۱۷۷۰ ع) د شيخ مالي کتاب د لندن په برتښ موزيم کې سته . نورد اخند درويزه تاريخي کتابونه دي چه يو تذکرة الابراډي او افضل خان ختک په تاريخ مرصع کې دهغه نوم وړي دي ښايي چه د چا څخه وي - او بل ئې مخزن دي چه يو جلد قلمي ئې د معارف

د وزارت په عمومي کتابخانه کې وړم کال مايلدي وښايي د نور چا څخه هم وي (دا کبير جلال الدين په زمانه کې ۱۵۴۲-۱۶۰ م) .

بل مشهور تاريخ په پښتو کې تاريخ مرصع دي چه افضل خان ختک د خوشحال خان ختک لمسى ليکي دي - چه پترم باب ئې په کلتش روه او کليد افغاني کې (راورتي) نقل کړې دي او پوره نسخه ئې زما په گمان اوس نه موندنه کيږي - اما يو وخت ماته جناب سرورخان « گوياب » دملا اغا د قندهار د پخواني نائيب الحکومه (سردار محمد عثمانخان مرحوم) ورور دخولي ويلي وچه پوره تکميل تاريخ مرصع دا کبير خان لعل پوري څخه و او ملا اغا پخپله ليدلي و .

بل تاريخي کتاب چه په پښتوليکلي سوي دي دراورتي په قول سره تذکرة الملوك دي چه دراورتي لاسته ورغلي دي او د سدوزو د حکومت په زمانه کې ليکلي سوي دي راورتي ددې کتاب بيان په دي څير کوي : « په دي باب کې چه يوحقيقت زما لاس ته راغلي دي هغه د تذکرة الملوك تاريخ دي چه په شپږ سره او څلور پښتو نحو او اتو برخو کې ليکلي سوي دي چه اوس نه پيدا کيږي او زما په خيال يوه نسخه به ئې هم په افغانستان کې نه وي د دروبر خو څخه دوي برخي ددې کتاب هغه واقعات دي چه د احمد شاه د مرگ څخه وروسته پيښ سوي دي مگر ماخپل مطلب ددې کتاب دديباچې څخه پوره کې اوتذکرة الملوك په پښتو ليکلي سوي دي - دا کتاب يوه مقدمه او دوه اصله او يوه خاتمه لري ماخذ ئې دا کتابونه دي : تاريخ سلاطين سوريه، طبقات اکبري، مرآة الافغانيه ، تاريخ شاهان صفويه، شاهجهان نامه ، عالمگيري ، تاريخ فرخ سيری ، تاريخ محمد شاهي ، نادر نامه ، تاريخ احمد شاهي ، رساله اکبر خاد که » .

په اوسنی پېړۍ کې خوږېر تاریخي کتابونه په پښتولیکلي سوي اوترجه سوي دی د هغو جملو څخه تاریخ دافغانستان دی چه منشی احمدجان لیکلی دی او تاریخ دسلطان محمود دی چه موای احمد ترجمه کړیدی اونور .
مذهبي :

په هره زمانه کې چه تاریخي کتابونه موندلای سو مذهبي کتابونه هم موندلای سو اولیکلي سوي دی له هغو جملو څخه دی مخزن الاسرار او ارشاد الطالین او مخزن الاسلام داخذ درويزه - چه د مخزن الاسرار يوه برخه راوړتی په گلشن روه او کلید افغانی کې هم نقل کړیدلی او ټول ضروری اولمړی دینیه مسائل په دی کتابوکې په مشور نظم لیکلی سوي دی اوزوی ئی هم دیلا د مخزن ټول کړی اوپه هغه ئی څه زیاتوب کړیدی اوبل کتاب ئی په زمه د خلاصه البحر لیکلی دی او یوبل زور شلیدلی کتاب چه سراوای ئی نه معلومیږی اونه سنه او تاریخ لری زموږ په پښتو ټولنه کې سنه بیائی د خلاصه البحر وی یا مخزن - او یوبل زور کتاب هم په پښتو ټولنه کې سته چه سراوای نه لری اوپانی ئی سره توسویدی - مصنف ئی حسین نامی اوداخذ درويزه په سبک لیکلی سویدی معلومیږی چه داخذ درويزه وزمانی ته نژدی او داخذ در ويزه د پيروانو څخه وی (کله چه ماوخت وموند پوره تحقیق به ئی وکم او بیلوگرافي به ئی د کابل په مجله کې ولیکم) .

نور د بازید (۱) نامی کتابونه دی (۱۴ قرن م) چه د خورپان اوخیرالبیان په نامه لیکلی سوي دی جارچ مارکن سترن دفار وی اوسیدونکی چه داسلوبه اکادمی کې دهند اوایرانی ژبو پروفیسردی په شلم (۲۰) د دسمبر ۱۹۳۷ ئی په یوه مکتوب کې موږ ته لیکلی وه
(۱) د بازید مفصل کیفیت دی د ۱۳۱۴ په سالنامه کې وکتل سی .

چه د خیرالبیان قلمی نسخه د (سردینی سن راس) مستشرق څخه سته . بل فوئد الشریعه داخوند محمد قاسم دی چه په (۱۰۶۰ ع - ۱۹۶۷ هـ) کې لیکلی سوي دی محمد قاسم په خته پاپنی خیل دشوارو اوداخذ در ويزه خیل دی اوپوه برخه ئی راوړتی په گلشن روه کې لیکلی دی . بل د بابو جان کتاب دی چه داخذ درويزه وزمانی ته نژدی لیکلی سوي دی اوبابو جان په خته د بلورستان اوچدید الاسلام دی . یوه برخه د کتاب ئی را وړتی په گلشن روه کې نقل کړیده .

داوه غوره تاریخي کتابونه چه ما ته معلوم وه او زیات پردی چه دری سوه یا دوه سوه یاسل کاله پخوا ه یا کښته تر هغه لیکلی سویدی په سو او زرو دی چه د ټولو لیکل زموږ محدود مقاله اجازه نه را کوی اومادا راز کتابونه دلمړی کال په سالنامه کې څه لیکلی دی که د چا تفصیل په کاروی هلته دی وگوری .

زیات پردی دروتوگو (قصصی ، تاریخي ، مذهبي) اخلاقی او اجتماعی کتابونه هم په پښتو کې ترجمه اولیکلی سوي دی لکه کلیله دمنه ترجمه دافضل خان ختک اودسعدی گلستان د عبدالقادر خان ختک ترجمه اونور . . .

داو نثر د پښتو چه پورته موخه خپره نه پروکړه اوس به نو د نظم پر برخه هم څه ولیکو چه د پښتو نظم د کمی زمانی او تر هغه لحا په چه زه معلومات لرم پرڅو بر خو ویشلی سوي دی :

نظم :

پښتو تر نثر نظم د یرلری او اکثره اثار او کتابونه په نظم کې لیکلی سوي نثر ئی هم د نظم پردول دی چه داوس په اصطلاح سره شعر مشور ورته ویل کیږی خصوص په پخواز مانو کې خو داشعر مشور خورا رواج در لود څنگه چه په شعر کې دقافی او وزن رعایت

کیژی همدارنگه دوی په خپل شرکې دقافې رعایت کناوه زه خو کرښی
د هغه زاړه کتاب څخه چه حسین نامی لیکلی او په پښتو ټولنه کی سته
اومائی پورته څه بیان وکی دنمونی پر ډول لیکم چه هغه دادی .

خراب خاطر م (می) تل د شاه پر اوردی - زه د شاه په
نداره یم - ز که دا بشر را څخه خوردی په وحدت کی شاه یودی
د کثرت بازارئی لون لون جوړدی - په طلب کی ئی ژوند ون کړم
دا طلب ئی پرتا پوردی - هر چه منکر شی له طلب - بی پوښتنی به
دوړخ لره ورزی سزائی او ردی غافل مېدی ژو ندی نه دی - دی په
ژوند بندی دگوردی - هر څه و مرپه ژوند ئی - دل مود مارانو باندی زوړدی
عاشق ولیده په لحن کی داغافل - په غوژو کړ ، په سترگو کوردی - د محبت په
اوردی دیزاومه پاخه شوه - تا یو څه عجب کړ جوړدی - شاه به وپښی
حاضرای طالب - که دی مخ د شاه پر اوردی - ای حسین نیت پر کبل
خلق یکسان کړ - که دښنه (دښمن) دی که دی وروردی »

یعنی د پښتو ژبه په سبب دخپلی ارت والی دشعراو طبیعی والی ژبه
ده چه هر راز مطلب په شعر کی راتلائی سی او په پخوا زمانو کی ټول واقعات
او سوالونه او جوابونه که رزمی وه که بزمنی په شعر کی ویل کیده دار
مستتر چه تریو څایه د پښتو په منځ ننواتی اود پښتو د ژبی حقیقت ور څرگند
سوی دی دا پورته مطلب په دی لاندی عبارت سره ادا کوی :

« پښتانه اخبار نه لری غزل د اخبار لځای نیولی دی - قول
روز سره افکار او خیالات او واقعات په شعر کی ویل کیژی او عامو
خلقوته رسیزی - د پښتو تاریخ د دوی داشعار و څخه غونډیلای سی
که څه هم دا تاریخ د اروپائیانو د تاریخ څخه مخالفت ولری مگر یوبنه
عمومی فکر په نسبت د ذهنت د پښتو سپی ته ور کوی او وقایع

داسی په زړه کی ټینګولای سی لکه چه انسان د هغه ملت په زړه کی
ناست دی او خبر وی .

د پښتو د شعر برخی :

هغه ټول مسجع الفاظ او جملات چه په لحن او تغنی او اغلباً
د ساز سره ویل کیژی هغوته پښتانه سندری یا بدلی وائی داسندری
یا بدلی په خپل کور کښ په لاندی ڼیو برخو ویشلی کیژی :

(۱) ناری یا ژغونه (۲) لنډی یا مصری (۳) نیمکی (۴) رباعی
(۵) غزل (۶) چار بیتی (۷) لوبه (۸) داستان (۹) ستاینه
(۱۰) داتپ ناری .

هر کله چه د پښتو د ادبیاتو په دی موضوع باندی تراوسه ښه
بحث نه دی سوی او په دی لار کی قلم نا بلده دی - نو هر څوک
چه په دی موضوع کی څه لیکلی یا کیژی د اجال د غولی څخه به ونه
وزی ولی چه د دغه پورته اقسامو څه داسی منطقی تعریف
نه دی سوی او نه ژر ا میندسته چه و دی شی - بلکه د دوی
امتیاز او توپیر یو تر بله د استقراء او تتبع په مهارت سره اړه لری
اودا توپیر تراوسه پوری داسی دی لکه د شاتو ، گوړی اوناټو د
خوند توپیر ، دا ټول خوازه دی خو ښکونکی پوهیژی چه داشتات
دی او گوړه نه ده ، داغسی د سندرو دغه پورته اقسام هم یو تر بله
په ذوق پوری اړه لری چاچه دغه نصوص ذوق د استقراء پر ډول
حاصل کړی وی هغه پوهیژی چه دار باعی ده ، داغزل دی دار لوبه
ده او دا چار بیته .

د پښتو پر ادبیاتو یوه کتنه

اوژ دی یالندی وی یعنی دنا رو په منځ کی یو ډول و حدت سته اما په خپل کور کی ټوله سره په یوه تله نه تللی کیژی .

(۲) لنډی یا مصری : دایو بل خاص ډول بیتونه دی چه د نارو پر ډول هر بیت ئی بیله بیله لحاظه معنی او مدعا لری په دی کی هم دویمه مصری تراول اوژده وی مگر دلته په دواړو مصریو کی د قافیې شرط نسته او قافیه نه لری لکه :

چیر ته لندن چیرته چترال دی
برنگی زورسود پرنگیان چترال اه زینه

یا
جانان می سر په سنگر کښینود
په تارد زلفوزه کفن ورله گندمه

یا
دغم ډیوه راته لگیژی
اندینو په بالیت خوب ورته کومه

یا
دزره صدفی هجران مات کی
زکه په سترگو مرغلری تو یومه

یا
په تور وټوک ټوک را سی مینه
چه پرهارونه دی گنهم خوله درکومه

یا
توری به نکړ و نو به څه کړو
چه ، و شیدی د پښتنی رو دلی دینه

یا
« ته پوه زما په غیږ کی ریږ دی
هلته به څه کړی چه دتور و بر پښنا سینه »

د پښتو په سند روکی دا نوع ډیر عام او شایع قسم دی ، شری ، واړه ، غټ ، خوا ښه او ناخواه ټول په لنډیو پوهیږی

سره له دی ټولوموز هاند کوو چه ددی پورته اقسامو په منځ کی تر یوه حده پوری څه بیلو و ټکی حد او تو پیر مونده کو چه د باندنی پلټونکی تر څه حده په پوه سی .

(۱) ناری یا بز غونه : څنگه چه په نرکی قصصی بر څه ډیر د پخوانی ده اوناری هم په قصو کی و پلي کیژی او د قصو یو مهم او غوره غږی شمیرل کیژی نو ناری هم د ډیری پخوانی زمانی یعنی هغه زمانه موجه قصصی نثرته مقرره کړ پیده ناروته ئی هم ټا کلی سو .

ناری عموماً د بیت پر ډول دوی مصری چه په پای کی یو نوع قافیه هم لری دی مگر دا مصری اغلباً د عروضی او زانو لاندی راتلای نسی - اوداداسی پوښی دی لکه د یورپ د فن روزی ازاد شعرونه که چاد فتح خان او کر می ، ادم خان و درخانی او موسی و گللمکی قصی ارویدلی وی هغوی پوهیژی چه دا څه ډول شعر دی مثلاً :

که دوی دکلا بست در وازی دوی دی

په یوه فتح خان وزی پردا بله ئی د مور ، مورسری ناری دی

یا : - هر مرغه چه دانه اخلی څنگت ئی ریږ دی

چه اجل و ر باندی را سی لومه و اخلی دانه پر یږ دی

یا : - خوش کیار په کلی زی کچکول بانه کی
که خدای ورکړه شاه ترینه خوش کیار به دا کچکول دانه دانه کی
تاسی گوری چه په دی ناروکی دویم بند تر اول او ز دی
او په لمړی نار ه کی « دوی » او « ناری » دکلاسیک
شعر په لحاظ قافیه هم کیدلای نه سی - داسی ناری هم سته چه تردی

او ويلای ئی سی ، په تو اولنډ يوکی دتقطيع او تملو په لحاظ هرنگی او هم آهنگی سته بی نظمی نه لری .

هو ! لنډی په وینا او لهجه کی د مناطقو په اعتبار ډیر زیات توپیر لری په تیرا ، پینور ، باجوړ تگاو ، وردک ، شلکور ، گر مسیر د قندهار او جنوبی کی په بیلو بیلو نغو او لهجو ویلی کیژی مگر په دی و زونو کی اول تیرا والی اویا دپینور لنډی ډیری خوند وری او موثری دی اوزه افسوس کوم چه دقلم په خوکه دلنډ یووزن شودلای نه سم - دادهغه آلی کاردی چه ژغ جذب کوی اویائی په برقی موجودو بیرته هوا ته ورکی .

زما په اټکل سره لنډی دذرو څخه وروستی دی مگر بیا هم دډیری پخوانی زمانی دی ز که لنډی د طبیعت زاده دی اوداخرگنده ده چه طبعی شی هرو مرو پخوانی او دډیر وزمانو وی که موژی ئی ډیر پخوانی توب خرگند او ثبوته ولای نسومگر دوگر و په سینوا وخولو کی داسی لنډی سته چه خپل عمر زرکاله پخواه ښی لکه :

« چه دخاوا لشکری را غلی زه به گومل ته دخپل یاردینن ام نجه)

دپښتو ملی اشعار اکثرأ دښزواله خواه وی چه خپل یارته ئی وائی - دلنډی هم هغی ښخنی ویلی ده چه مېړه یامین ئی دهندوستان دفتح دپاره تللی و - اومعبرد گومل په پخواه زمانه کی د هندوستان اولار وه - ډیر فاتحان لکه سلطان محمود اوتیموراو . . . ددی لاری هندوستان ته تللی دی - ملک خاوند سلطان محمود په پاچهی کی ډیر لوی سردار اومشرد پښتو و ، چه دسلطان محمود سره دهندوستان دفتخی

له پاره تللی و - او خورشید جهان ، خصائل السعادت دسعادت تخان تورترین (طبع ۱۲۹۷ ه) دده نوم د سلطان محمود دلویو سردارانو په جمله کی لیکلی دی .

(۳) نیمکی : په نیمکیو کی دوه غوره اومهم عنصره دی یوه هغه جزء دی چه بیا بیا (مکرر) ویل کیژی هغه جزء ته سروائی ، بل په منزه منزه کی نوری نوری مصری ورلویژی ، دامصری چه په سرکی مستعلیژی تش په همدغه اعتبار سره ټیکي ورته وائی ، نوبه نیمکیو کی یوسدی اونوری ټیکي داسر ، دهری ټیکي سره اوږی را اوږی لکه :

« ماویل که زه به درته ژارم ؛ آ ، وری لینی سپاردی ؛ دمانه سرکی ؛ او ښکی ستا پرمخ رازینه . اخ وری لیلی سپار دی ، شمال لگیژی - ژپری یانی رزونه - آ ، وری لیلی سپاردی شمال لگیژی »
په دی پورته نیمکی سر فقط همدونه دی چه « آ ، وری لیلی سپار دی ؛ شمال لگیژی ، تنکی یانی خو زینه یا ژپری یانی رزونه » باقی ورسره په منزه منزه کی ټیکي اوژی مثلا په پورته مثال کی ټیکي داده :
« ماویل که زه به درته ژارم - زمانه سرکی او ښکی ستا پرمخ رازینه »
قوله نیمکی په همدی یووزن او مقام نه دی بیل بیل و زون نه او نونئی لری مگر کلی قاعده ئی همداوه چه پورته وویل سو .

(۴) رباعی: د پښتو په ادب ام موسیقی کی رباعی په دغه عمر بی معنی نه ده چه دربعی څخه جوړه سویده او یا هغه شعر چه خلور مصری لری . بلکه په پښتو کښ بيله او ځانته معنی لری د پښتو رباعی لکه غزل دپنرونه بیاتر پنزلسو او شلو پوری بیتونه لری دوی لمړی

بڼونه درې مصري اوکله تردرو زياتې وی دغزل او رباعي فرق په اکثرو لځويوکی خورا گران وی خصوصا په هغو غزلو کوچه دوی مصري ولری .

د رباعي اوغزل توپير :

درباعي بيتونه ضرور دوی مصري والا وی او دغزل زيات هم کيد لای سی مثلا :

« رنا دعلم و عرفان — که وی فانوس ئی قران »

رنوی دواړه جهان — خالی لمبه واړه جهان لره سوختن دی »

جناب « خادم »

دا دغزل يو بڼدی چه څلور مصري لری په دی څلو روکی درې لمړی مصري ځانته قافیه لری او ورستنی مصري د مطلع سره موافقت کوی مطلع ئی داده :

« ستاره کره ئی تازه دزړه گلشن دی شکاره کمال دی برقول وطن دی »

ولی هغه غزلونه چه دوی مصري والا دی هلته په خپل مخصوص آهنگ او طرز سره درباعی څخه بیژندل کیژی لکه دنو روز ، توکل میرا ، رمضان . خرم اوسید کمال سندری اکثره غزلی دی چه نمونه ددوو مصریو والا اوڅلور ومصریو والا داده :

آدوی مصري والا :

نن می رنژ دیلانه دی چه کریم نه رغیژم

که وصال را باندی راسی دغنیچو پشان غوریژم

مصری چه مطلع ورته وائی په قافیه او ردیف کی موافقت لری اونور بیتونه په پای کی په قافیه او ردیف کین سره یووی او توافقی لری - لمړی مصري ازادی او سیژی لکه درجن بابا اوجید اکثره سندر و ته رباعي ویلی کیژی پښتانه په خپل موسیقی قانون کی دا لازمه گڼی چه اول رباعي وویله سی وروسته غزل پرواخلی .

دا رباعي ده :

دا یو خر ننگه ژو ندون دی نیو هیژم

خواب وخیال دی که افسون دی نیو هیژم

جام د میو چه د لجان په وینو مومم

تروز لال که زگر خون دی نیو هیژم

د پتن او د بلبل تر میان حیرانم

مخ دی او ردی که گلگون دی نیو هیژم

په شانه سره دی تار دزلفو بیل شه

که غوڅ شوی می نارون دی نیو هیژم

عشق په هسی رنگ مقام باندی قائم کرم

چه وصال دی که بیلتون دی نیو هیژم

د خپل زړه دی علامت و ته حیران یم

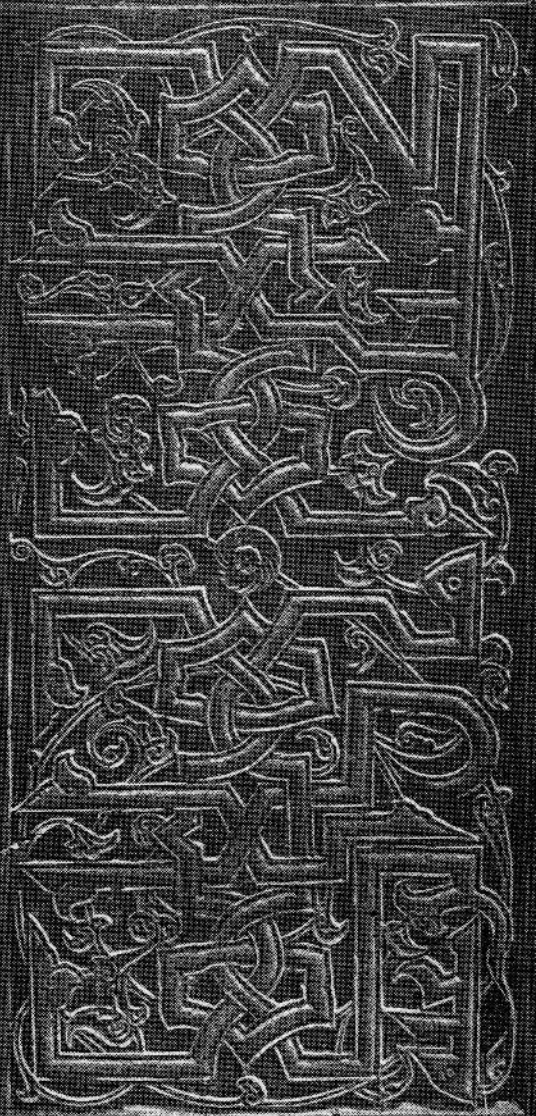
چه موسی دی که قارون دی نیو هیژم

د «رحمان» سپره ئی ژیره زعفران کړه

خدای زده عشق دی که طاعون دی نیو هیژم

(ه) غزل : غزل زیات درباعی په څیروی ، مگر کله کله دغزل

از آثار نقیص و تاریخی هرات : قسمتی از نوشته چنان حکاکی از میناره های مصلی
Une partie des inscriptions d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat



دلیلا سینه باغچه ده رنگارنگ گلان به زانگی
 زه بلبل دصبحدم یم د شبنم پر مخ پر بزم
 دظالم رقیب دلایه بندی پروت به زولانه کی
 خیل اشنا می راخبر کی صبا بیا به دار زور بزم
 دتہمت به خم کی رنگ سوم پاک به ہشم لکه زاغ
 دصیقل طیب را بولی به رنگ روز به روز زور بزم
 زه میران بی خہ پرواکم چه خیل یار لرم غمخوره
 به دعا د فقیر نوا د بلبل به شان چو بزم

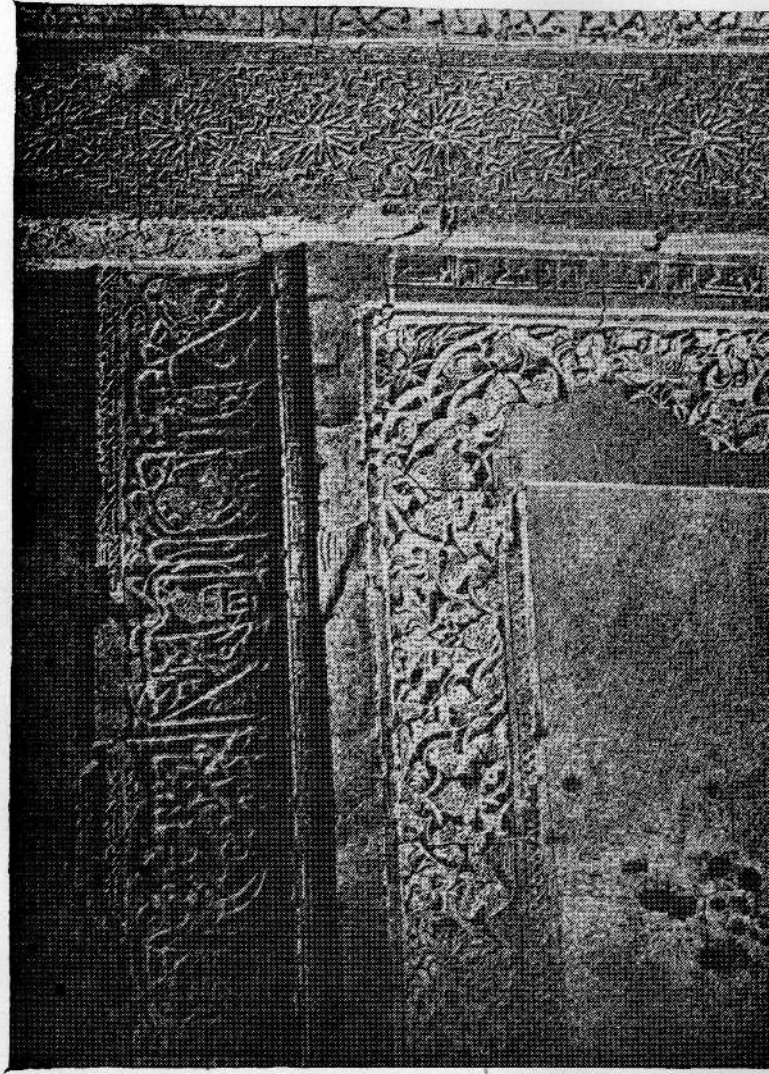
خلور مصری والا :

بی اعتبارہ ستا بہ در کی یم شر میژم کوه یر ما نظر صنمہ
 آب می ناصور به وینوسور کله رغیژم زخمی دزره پرسر صنمہ
 کہ وفا دار نمی زما یار می به زیر یو واری سم و گورہ
 بہ می ژپہ پر منز درہ زما زره لکه قلم و گورہ
 بہ زره رفزور سینه تنور زما فر یا دونه به ہر دم و گورہ
 مریش یم شپہ و روز و لیژم تہ تہ سکوی باور صنمہ
 ولی و ماتہ سم تہ گوری درب د پارہ مر م در پسی
 تہ بی پروا شاه شاهان گی دزره وینہ زہ خورم در پسی
 ہیچ دی طلب زما و نہ کی شتاب شتاب لرم در پسی
 لکه بورا دگل پرمخ بانندی چغیژم ناری می کمال و سر صنمہ
 دعشق لاتاوه می ناری زی تردهانہ داخہ کانی راوسوی ہما
 خبر می ولاہری تر دیرو وترملتانہ داخہ کانی راوسوی ہما



از آثار نفیس و تاریخی هرات : حصه تختانی یکی از مینار های مصلی
La base d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

نمونه حجاری قدیم افغانستان : لوح مزار سلطان غیاث الدین غوری در هرات
Specimen de l'ancienne sculpture d'Afghanistan : La dalle du tombeau de sultan
Ghiassud-Din Ghouri à Hérat



دی - هغه ادبیات چه د عربی داد بیا تو څخه متاثر سوی او د عربیو دادیاتو اوزان او اصول ئی منلی دی بله ځانته برخه ده چه دیوی یا کلی زمانې څخه شروع سوی دی په دی پورته حساب کی نه شمیرل کیژی چه موثر به ئی کیده بیان و کو .

ددی ملی اشعار و شاعران ډیری ناخوانه وه یا اکثر هغه کسان وه چه د ښار والو سره ئی دونه تگک اوراتگک نه درلود او د عربیو او عجمو په عروض چندان نه پوهیدل اودا اقسام موجه پورته و ښودل ضرور پخواه تر هغه وه چه د پښتو شعر د عربیو عروض مانه - نو په دی حساب څه رنگه چه انسان درې مرحلی د کوچنی والی او زوانی اوزر توب لری د پښتو ادبیات هم په درو دور و یادر و زمانو ویشلی سو په دی ډول :
څنگه چه د باندنی عوامل ، تاثیر د محیط او وضعیت د ټولنی (اجتماع) دانسان پر نفسیه احوال ، فکر او جذب اتو اغیزه کوی او تل بشر په تحول او تطور کی وی - شعر و ادب هم چه دانسان د افکارو او احساساتو استازی بلل کیژی ددی تحول او تطور څخه خلاص نه وی تل خپله بڼه او ډول بدلولی او د محیط رنگ اخلی نو د پښتو ادبیاتو هم په مختلفو زمانو کی د تحول قبول کړی اودی تحول ته موثر درې تعبیره کولی سو (۱) طبیعی ادبیات یا پخوانی زمانه (۲) نیم مصنوعی ادبیات یا متزوی زمانه (۳) مصنوعی ادبیات یا وروستی زمانه . .

طبیعی ادبیات یا پخوانی زمانه خود هغی زمانې ادبیات دی چه پخواه تراسلام او بیاد اسلام د دریم قرن پوری رواج وه او پښتو په خپلو لوړو غرو کی ویل - صنعت بری نه دی پرموندلی لکه قصصی برخه

دکتر اولندی او دانور زنی اقسام د نظم چه مایورته یاد کړه .
نیم مصنوعی ادبیات یا متزوی زمانه : د دریم قرن هجری یا په بل عبارت د سلطان محمود د زمانې څخه شروع کیژی او تر شاه جهان او اورنگ زیب تر زمانې چه د مصنوعی ادبیاتو پلار خوشحال خان خټک نبوغ کاوه رارسیدی که څه هم دا کبیر جلال الدین اونور و مغلو په زمانه کی زنی شعرا وه چه عروضی او مصنوعی شعر ئی وایه اودیوانونه ئی درلود لکه دولت ، ارزانی او بیا هم هغوا شعراوته پوره مصنوعی نه سو ویلای .

د نیم مصنوعی دادیاتو د شروع سبب خو په دی خیر تعبیر کولی سو چه د سلطان محمود د زمانې څخه د طوائف الملوکی کبله ټوله سوه - علم و ادب دو نی عام سو چه غره او سمی ته و رسیده پښتانه د سلطنت په اوضاع و پوهیدل د پادشاه په دربار کی لکه « ارسلان حاجب » دلویو منصبو خاوندان سوه فتوحات ئی و کړه اودیوه ملک څخه ئی و بل ملک ته لښتگ و ئی . دهغه دربار نثر دیکت او معاشرت چه باید د علم و ادب (فارسی ، عربی) دربار ورته و وایو پر دوی هم اغیزه و کړه - معاشرت او ژوندون ئی د خاص مدنیت په غولی کی داخل سو - د عربیو او عجمو ادبیات د دوی پر ادبیاتو تاثیر وکی او ورسره گڼه سوه او ورو ورو ئی خپل عمل په کښ کاوه تر هغه چه شعرا و د عربیو او عجمو عروض و مانه او بیخی تر دی تاثیر لاندی راغله د دی سبک د شعراو مشر خوشحال خان خټک دی

چه تفصیل ئی آینه ته پریژ دو .

د نیم مصنوعی ادبیاتو نمونه هغه داخند درويزه اوبازید او حسین او بابو جان او نور چه مائی پورته شه شه بیان وکی گڼلی سو .

د اهم باید و وایو چه د عربو او عجمو د عروض تر تاثیر لاندی هغه شعرا ډیر راغله چه یائی په عربی او فارسی علومو کی بلدیته درلود یا ښه پورته نثر دی او د دربار تر تاثیر لاندی وه او هغه چه طبیعی شاعران او په خپلو غرو کی استبدل یا نا خوانه وه په هغو خپلو ملی قواعد و سره ئی اشعار ویل او تراوسه ئی وائی .

مصنوعی ادبیات یا وروستنی زمانه : هغه اشعار دی چه د عروض او قافیی په زنجیر تړلی سوی اود عربو او عجمو او هندو د مصنوعی ادبیاتو تر تاثیر لاندی راغلی دی - که شه هم په دی مصنوعی شعر کی دینی او اخلاقی مضمونونه ډیر سته مگر عاشقانه اشعار ئی تر نور و مضمونو ډیر دی او د پیدایښت سبب ئی مایورته و وایه مگر د نهضت او ترقی سبب ئی دادی :

مغلو د دهلی تخت د پښتو څخه و نیو او د پښتو بادشاهی ته ئی په دهلی کی ځانته و ټر کړه نو دوی او پښتانه سره بد و رده سول او هم مغلو روز په درز تیری کاوه او غوښتل ئی چه د خپلی استعمار طلبی تنده د پښتو په نیولو سره ماته کی .

له بلی خواه د پښتو مشران اویوه چه ددوی په مطلب پوهیدل غوښتل ئی چه خپل قوم و یش کی اود مغلو په مخ کی ئی لکه د پولو دو

سوک استعمال کی او خپل استقلال و سانی نوودی خبری ته اړ سول چه په داسی ژبه دوی په دی مطلب پوه کی چه پردوی اغیزه وکی او تاثیر ولری نوهغه ژبه خو د شعر و ادب ژبه وه اوددی میدان پهلوان خو خوشحال خان و چه شعری هم زده و علم و فضل ئی په فارسی او عربی او هندی کی هم درلود - دده خو یو داخیال و چه د ټولو ژبو د ادبیاتو ښه والی او مزیت په پښتو کی ټول کی اوبښتو د فارسی (چه په دی وخت کی عروج درلود اومغلو غوښتل چه عامه سی) په مخ کی ودروی اوبل ئی دا غوښتل چه ټول ډول اورنگ رنگ فلسفی ، اجتماعی ، سیاسی ، عشقی او حماسی او . . . مضامینو سره د پښتو حساب لوړ کی - نو عربی یا په بل عبارت مصنوعی ادبیاتو ته ئی نهضت ورکی اولوری درجی ته ئی ورساوه چه نن روز د عروضی یا مصنوعی ادبیاتو پلار بلبل کیژی .

وروسته له خوشحال خان څخه په دی وروستنی زمانه یا مصنوعی ادبیاتو کی داسی اورژی شعرا اود بیان څرگند سول چه د پښتو د شعر مرتبه ئی اسمان ته ورسوله .

د پښتو د شعرا ، اود پښتو د ادبیاتو مفصل بیان او نمونی ئی خو بیل بیان دی چه د سړ کال په دی مقاله کی زیات تردی لخی نلری که ژوندی و م ښائی دا تاریخچه بشپړه کم او که نه و م یا وخت په لاس راغی بل د پښتون زوی به په دی لار کی زیاروباسی اوزمانیمگری ارمانونه به سرته ورسوی او د خپلی ملی ژبی مزیت به څرگند اوتاریخ به ئی بشپړ کی که خدای کول .

مسکوکات افغانستان

قبل الاسلام

نگارش جناب احمد علی خان کپزاد
مدیر شعبه تالیف و ترجمه انجمن

این پارچه‌های فلزات طلائی - نقره‌ئی - مسی که دست‌بندست می‌گردد و بنام « پول » یاد میشود اگرچه بالذات به هیچ درد نمی‌خورد ولی اسباب رفع تمام احتیاجات و حوایج بشری است و در عالم مادیات امروز بدرجه صاحب اقتدار است که تمام قواهای دیگر را تحت الشعاع خود گرفته است . این پول که در حیات بشر چنین رول مهمی را بازی میکند اول بصورت عمومی دارای تاریخچه مفصل و باز انواع و اقسام آن در دنیا و حتی در یک مملکت و یک شهر بواسطه مرور زمان بدرجه زیاد است که تحقیق آن علم مخصوصی شده و یکدسته علمای معینی بنام « سکه شناسان » در اطراف آن مطالعه و تدقیق مینمایند . مسکوکات برای روشن کردن و قایع گذشته تاریخی یکی از مهترین منابع موثق است و هر جائی که زبان تاریخ خاموش و از کتیبه های سنگی وغیره منابع اثری نیست بدان متمسک شده و بجائی رسیده‌اند . مسکو کات هر دوره و هر مملکت بعلت اینکه اول یک چیز فلزی است و باز در نوع و زمان خود به تعداد زیاد در دسترس عموم بود با اینکه آن دوره و آن عصر باتمام موجودیت و اثار خود از بین رفته باشد این پارچه های فلزی که باتمام معنی نماینده صادق آن دوره و قوم و جامعه

مآخذ او مدارك می به دی مقاله کی دا کتا بوته دی .

- (۱) سخندان فارس تالیف د مولینا محمد حسین آ زاد
- (۲) تاریخ ادبیات ایران تالیف د میرزا جلال الدین همایی
- (۳) دوپلهم گیگر المانی دفته الله رساله (۱۱) (۱۸۹۳ ع)
- (۴) ددار مستتر کتاب (شان یو پولیر دیزر فنگان

Chants populaires des afghans

(۵) د راورتی دگر امر مقدمه

Grammar of phustu by Raverty

(۶) د هندوستان وژ بوته کتته مؤلف ابراهام کریر سن

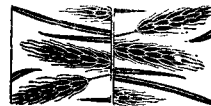
Linguistic survey of India

(۷) د کابل سالنامی او نمبر ۷۱ - ۷۶ - ۷۷ مجلی

(۸) د طلوع افغان د - دیر اسم کال کلدکسیون

(۹) د جناب قیام الدینخان « خادم » زنی یاد داشتونه

(۱۰) زنی یاشلی نو تونه د متفرقو کتابو څخه



(۱) د جناب رحمت الله خان لېوال (دبانك ملی ترجمان) څخه

تشکر کوم چه زماسره ئی د جرمنی ژبی په ترجمه کی مرسته کړیده .

(۲) دا ه چه په سنسکرت کی معمول ده نه وه آبله « ه » چه لاندی

چپه واو غواړی په کبښ ترتیب سوه لوستونکی دی د سنسکرت ه وگنی

غیر است وجود نداشته بعد از اینکه انسان وارد مرحله حیات اجتماعی شد وضعیت تغییر کرد، احتیاجات زیاد شد و چون یک نفر به تنهایی تمام احتیاجات خود را رفع نمیتوانست مجبور شد که یک حصه حوائج حیاتیه خود را ذریعه دیگران فراهم کند. این وضعیت باعث شد که «عامل» یا «واسطه» پیدا شود که ذریعه آن «کک دیگران» بدست آید. به اساس همین نظریه قبل از ظهور «پول» در تمام ممالک روی زمین «کک دیگران» یا «ماحصل زحمت دیگران» به جنس حاصل میشد یعنی جنس به جنس تبدیل میگردد چنانچه وحشیان اوقافوسیه و امریکای شمالی و افریقا هنوز هم ما به الاحتیاج خود را به جنس میخرند و جنس را به جنس تبدیل میکنند. قرار تحقیقاتیکه نموده اند بعد از این مرحله ابتدائی در ممالک آسیای غربی و اراضی کنارسواحل بحرالروم که افغانستان و هند هم جزء آن باشد خریداشیا بیشتر با تبادل حیوانات بعمل می آمد چنانچه یادگار این معامله هنوز در بعضی السنه آریائی مانده و از روی کلمه پول (Pecunia پکونیا) در زبان لاتین، (fee یا ieh فیه یافیه) در جرمنی، (روپیه) در سانسکریت که همه در اوائل به معنی (حیوان) بود حقیقت این نظریه معلوم میشود.

اهالی ممالکیکه به ساحل دریاقریب بودند (پارچه های نمک) و (صدف دریائی) را به سائر اشیا تبدیل میکردند چنانچه قبل از عهد مسیح این صدف به بنام (Cypraea سبیر، آ) و (Cauris کورس) در شرق اقصی خیلی رواج داشت و در بعضی نقاط افریقا هنوز هم از بین نرفته است. وقتیکه فلزات وارد میدان مبادله شد قبل از اینکه بزرگ سکه حقیقی درآیند مراتب مختلف را بیمو ده اند.

بوده از بین نرفته و امکان ندارد که از میان گرد و خاک و خرابه های آن نقطه مجهول یکدانه، دودانه پیدانشود و چون در مسکوکات تمام اعصار عوامل دینی و زبانی - رسم الخط - طرز لباس - اسم و صورت شاه سنه - محل ضرب - بعضی اوقات اسلحه و حیوانات و دیگر چیزها بضرر رسیده یک دانه و دو دانه سکه باز بان فصیح بسیار چیزهای مهم آن دوره را معلومات میدهد و همین که یکبار سررشته بدست آمد و یک اندازه معلومات اساسی جمع شد از روی سکه های مختلف یک پادشاه و یک شهر و یک محل و باز از روی مقایسه مسکوکات مختلف چندین شاه تمام وقایع یک عصر طولانی را میتوان روشن ساخت.

پس اگر مدققین اروپائی امروز در اطراف مسکوکات تدقیق میکنند و علمای مخصوصی حیات خود را در پالش و کولکسیون آنها صرف مینمایند حق دارند، زحمت آنها به هدر نرود، سکو کات در حقیقت اوراق فلزی کتاب تاریخی است که شیرازه آن از هم گسیخته و سر سر حوادث روزگار آنها را بهر طرف پریشان ساخته است. برای اینکه این کتاب مطالعه و ازان استفاده شود اول در جمع آوری و ترتیب اوراق آن باید زحمت کشید.

پول چه وقت به میان آمد؟ - سکه چه وقت اختراع شد؟ علت ظهور آن چه بود؟ جواب این مسائل و امثال آن با سرتب تدریجی تکامل بشر هم دوش است و انسان تازمانی که بحالت انفرادی میزیست چون احتیاجات ابتدائی خود را خودش رفع میکرد، و موضوع کک اجتماعی در میان نبود بناء علیه پول هم که اسباب و واسطه تحصیل کک

کارسکه رامیداد گفته میتوانیم که بنوع خودش قدیم ترین پولی بود که انسان در سواحل بحر الروم آسیای غربی می شناخت حتماً اهالی قدیم افغانستان ما هم این نوع مسکوکات داشتند .

تا گفته نماوند که نزد تمام ملل مفکوره معیار تبادل فلزات بهین اساس روی کار نیامده است بلکه اوائل آن در بعضی جاها طور دیگر هم بوده و اوائل قضیه مسکوکات آنها به مبادله اشیا و اوزار فلزی شروع شده است چنانچه در شرق افغانستان در مملکت پهن و چین واحد معیار مبادله (کبارد) و در امریکا (تبر نقره بود .)

از مسکوکات حلقه ئی که فوقاً متذکر شدیم حین حفاریات آسیای غربی بسیار پیدا شده چنانچه « دو مرگان » سکه شناس معروف و فقید فرانسه در ۱۸۸۹ از قبرستان قدیم ارمنستان روس به تعداد زیاد کشف کرده و قرار گرفته خودش چون فلز حلقه های مذکور از آسوری آمده تقسیمات خورد و کلان آن نهم از نقطه نظر وزن به اصول همان مملکت شده است . هکذا ازین قبیل مسکوکات چه طلا چه نقره و چه مس از تهادب معابد سوز هم بسیار بدست آمده و قراریکه « موسیو موریس برارو » ۷۷ حلقه طلا را وزن نموده وزن آنها از یکدیگر مختلف و اختلاف آن بین ۶۵ گرم و ۴۵۰ گرم تفاوت میکند . این مسکوکات بشکل انگشتی میباشد که حلقه آن بسته نشده و قطر آن ۱۵ میلیمتر میباشد .

پس گفته میتوانیم که در ۲ هزار ق - یعنی عصری که تاریخ این معابد را به آن نسبت میدهند در سوز و اراضی قفقاز یعنی نقاط

در مصر در عصر فراغه که سکه و جو دنداشت تمام فلزات از قبیل طلا الکتروم - نقره - مس - سرب و آهن در مبادله استعمال میشد چنانچه تصاویر مصری پارچه های فلزات را بصورت ضمیمی طوریکه از معدن می برآمد یا بشکل گرد درخیزه های کوچک ، یا بصورت پارچه و خشت و میله و غیره اشکالی که عملیات ذوب به آن میداد نشان میداد و فلز هر شکلی که داشت معیار آن از روی وزن با ترازوی کوچکی سنجیده میشد و چون برای خریداری یک چیز هر دفعه مجبور میشدند که برابر ارزش آن چیز فلز بدهند کسج های آن را میسایند و می بریدند و آخر اشکال این کار ایشان را مجبور کرد که مقطوعه های فلزی به اوزان معین بسازند .

پس ترمصری ها حلقه های فلزی از طلا و نقره ایجاد کردند که آنرا « Outen اوتن » میگویند و یک دانه آن به ده « kat کت » تقسیم میشود و وزن یک دانه آن ۷۲ ر ۵ گرم بود این حلقه ها بعبارت دیگر یک نوع « سکه حلقه ئی » مدوری بود .

همچنان گلدانی ها و عیلا می هاهم این مراتب را بپیموده و به تدریج آنها هم دارای پول های حلقه ئی شده اند . اهالی کلد و عیلام در میان آسیای ها از همه اول تر فلزات را شناخته اند و واحد فلزی آنها که کار سکه را میداد (مین mine) نام داشت و آن دو نوع بود « مین بزرگ » و « مین کوچک » اولی ۱۰۱۰ گرم و دومی منصفه آن ۵۰۵ گرم وزن داشت و به اصول ۶ در ۶ به ۶۰ سیکل sicle خورد و کلان تقسیم میشد .

مسکوکات حلقه ئی که اول در مصر و بعد نزد کلدانی ها و عیلامیها رواج یافته بود اگر چه دارای علام اعتبار ضمانت نبود معادلک چون

که وزن آن ها از ۱.۸۲۰ ر. تا ۱.۴۲۵ ر. گرام فرق میکند و برطبق «استاترس» «Stateres» بابلی ها و فبقی ها تقسیمات دارد .

این مسکوکات مقطوعه از روی شکل ، غیر منظم و مختلف و عموماً مایل به گردی و لوزی است . یکطرف آن عموماً رده رده علامت ضرب روی سندان و طرف دیگر آن نشانی هائی که با قلم و چکش نموده اند معلوم میشود . بعضی های دیگر یکطرفش چقرور و غیر منظم و طرف دیگر آن دو رو باد بحال دوش معلوم میشود .

در عصر کروزوس «Croesus» یا د شاه دیگر « لیدی » که بین ۵۵۴-۵۶۸ ق م سلطنت نموده سکه یک قدم دیگر پیش گذاشته و دارای خواص صنعتی گردید چنانچه روی راسته فلز مقطوعه نیم مقابل بدن شیر و گاو رو بروی هم و طرف دیگر دومربع چقرور معلوم میشود . اگر چه هخامنشی ها بعد از فتح آسیای صغیر سکه را شناختند معذالك در زمانه هائی که مقرن باولین تصادف آنها با غرب آسیا بود خود شان سکه زدند قرار گفته « هر و دت » دار یوش اول پسر « هشتاسپ » در میان ایشان سکه رارواج داد .

چون روابط تجارتي یونانی ها با سواحل اسپانی خصوصاً بالیدی های آسیای صغیر مخترع او این فلزات مقطوعه نشانی نشده زیاد بود این عمل در زمان آنها هم رواج یافت و چون قوم تجارت پیشه بودند به دادوستد احتیاج زیاد داشتند قبل از هخامنشی ها به ضرب فلزات پرداختند و هر ولایت و شهر یونان به حساب و او زان خود سکه هائی بمیان آورد و چون هخامنشی ها که درین وقت در غرب آسیا حاکمیت

غربی آسیا فلزات بصورت حلقه در آورده شده بود تا داد و ستد و مبادله آن با اجناس آسان باشد ولی هنوز هم کنار پول را نداده رول جنس را بازی میکرد بصورت جنس تبادل می شد .

بعد چون دامنه زندگی اجتماعی وسعت پیدا کرد و با آن دایره احتیاجات هم وسیع تر گردید معاملات مبادله و خرید و فروش بیشتر گردیده تجارت هم روی کنار آمد و در نتیجه ، دست بدست گردیدن فلزات هم بیشتر شد . درین وقت برای اینکه از تقلب جلوگیری بعمل آمده باشد و تقلب نه از نقطه نظر وزن بلکه از لحاظ معیار صافی فلز جلوگیری شود قواهای اجتماعی آنوقت و یا سوداگر خانه ها بفکر افتادند تا پارچه ای فلز را نشانی کنند چنانچه با قلم و چکش وسندان فلزات مقطوعه را نشانی میکردند تا نزد عوام از نقطه نظر وزن و خصوصاً صافی فلز اعتبار داشته باشد و این مرحله اولی ظهور مسکوکات است که در قرن هفت ق م مصادف میا شد .

اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را برخی به اهالی شهر (سارد Sardè) پایتخت (لیدی Lydie) مملکت قدیم آسیای صغیر و بعضی به ساکنین یونانی جزیره (اژین Eginè) که در خلیج « اژین » واقع است نسبت میدهند ولی چون اهالی « لیدی » قدیم تراند و در تجارت از همه پیش قدم میباشند با عموم اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را به ایشان نسبت میدهند و میگویند که (ژی Gyges) موسس خانواده سلطنتی (مرم Mermnades) قرن ۸ ق م کسی است که قدیم ترین فلزات مقطوعه نشانی شده را بمیان آورده است .

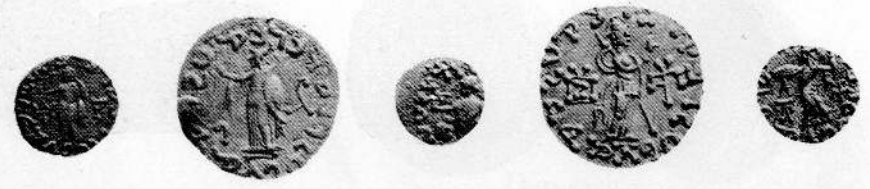


مناندر Menandre

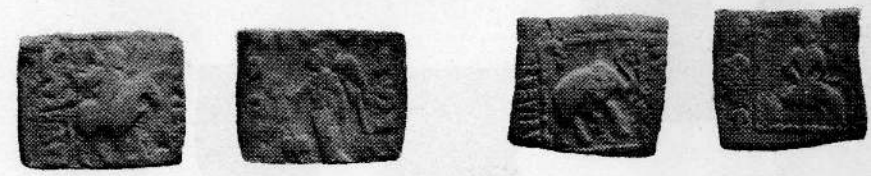
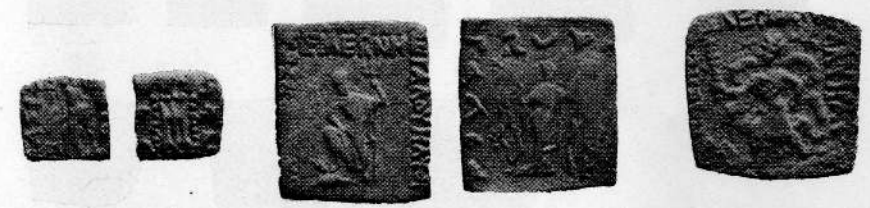
داشتند به پول و سکه توجه نکردند در پابل و سایر قسمت های
 آسیا همان پارچه های مقطوعه فلزات مانند و یونان دارای مسکوکات
 شد . بعد سایر ممالک سواحل آسیائی هم شروع به ضرب مسکوکات
 نمودند و هخامنشی ها هم به تقلید دیگر ها داخل این کار شدند .
 قرار بکه F. Lénontant « انور مانت » در کتاب (مسکوکات)
 در عصر قدیم جلد ۲ صفحه سوم) میگوید دار یوش اول ضرب طلارا
 برای خود اختصاص داده و باقی نایب الحکومه ها و شهرها را از
 ناده بود که تقره و مس سکه زنند اما « دومورگان » سکه شناس
 فرانسوی قول او را صحیح نمیداند و میگوید که نایب الحکومه ها
 و شهرها در انتخاب فلز مسکوکات خود آزاد بودند .
 سکه شاهی عصر هخامنشی سکه بود طلائی موسوم به (دادیک)
 که ۸۴۲ گرم وزن داشت و از روی وزن برابر نصف سکه شهر
 (فوسه Phocée) آسیای صغیر بود زیرا سکه شهر اخیر الذکر
 ۸۴۲ ر ۱۶ گرم وزن داشت سکه تقره می هخامنشی موسوم به « سیکل
 sicle » ۶۰ ر ۵ گرم وزن داشت . در زمان دار یوش سوم « دادیک »
 مضاعف طلا بوزن ۱۶۶۵ گرم هم برآمد . یونانی ها عموماً آنهایی که
 محکوم هخامنشی ها بودند و یا نبودند « الکتروم » یعنی فلزی
 را که از سه حصه طلا و یک حصه تقره مرکب بود ضرب میزدند . خود
 هخامنشی ها گاهی مفرغ سکه زده اند .
 « وادیک » و « سیکل » شاهی هخامنشی ها مانند سکه های قدیم
 یونان مدور بود . بطرف روی سکه شاه به زانو نشسته بجانش



Azes مسكوكات ازس



Maues مسكوكات موئس



Diodotos



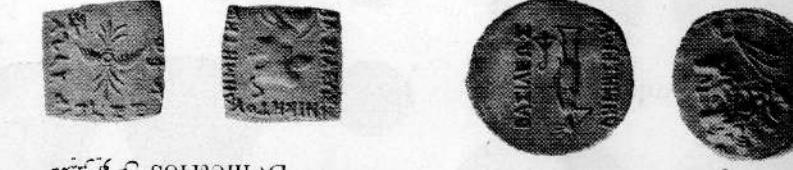
Euthydème



Demetrios



Futhydème II



Sparisises Azes



Vonones Spalahores



Sparisises



Azilises



Vonones Spaladkanes



Sparisises



Sparisises



Eukratides ایوکراتیدس



Helio-kles هلیوکلس



Pantaléon پانتاله اون



Agathokles اگاتوکلس



Antimachus آنتیماکوس



Eukratides ایوکراتیدس



مسکوکات افغانستان

(کاندل Candyle) و پسرش (سیدارس Cidaris)
 یکنوع کلاه گرد داندانه دار است . در دست چپش کمان و در
 دست راستش نیزه - خنجر یا تیر میباشد . پشت سکه تازمان داریوش
 سوم چیزی نداشت جز سوراخی که در وقت ضرب روی تند آن
 نهاده میشد در زمان داریوش سوم به پشت سکه هم اشکال ساده از
 قبل دو ماه نوبت به پشت ، خطوط موج و غیره ظهور کرد .
 این مسکوکات نوشته ندارد فقط بعضی بطرف روی سکه دارای علامه
 ضرب یا حرف دیگری است که تا حال خوانده نشده .



حالا که مبداء ظهور سکه و مراتب تدریجی آن در غرب آسیا بملاحظه
 رسید میخواهیم ببینیم که مسکوکات در شرق افغانستان در سر زمین
 سری هند چطور بود و چه مراتبی را طی کرده است . هندی ها
 مانند چینی ها و اکثر ممالک دیگر آسیائی در تمام اعصار قبل تاریخ
 حتما « سیره آ » صدف دریائی را در مبادله اجناس و معاملات خرید
 و فروش خود استعمال نموده اند و چون بعدها در شرق اقصی استعمال
 صدف و فلز در یک عصر هم رواج داشت میشود معیار ارزش این
 صدف ها یا پول های اولیه هند را تعیین نمود . « کوری » خوردترین
 واحد پول هند بود بعدگند *ganda* معادل چهار « کوری » و بالا تر
 « پانا *Pana* ۲۰ گندا یا ۸۰ کوری میشد که از روی وزن با ۳۳۰ ر ۹
 گرام تعادل داشت . ازین چیزها بالاتر « تنگه *Tangka* یا « *ana* »
 می آمد که مساوی چهار « پانا » میشد و آخر « کرشه *karsa* »
 واحد عالی بود که یکدانه آن مساوی ۴ تنگه و معادل ۲۸ ر ۱۴۹
 گرام مس و ۳۶۲۸ گرام نقره میشد .



هرمایوس Hermaïos

اسکندر Alexandre

دمتریوس Demetrios

ابو کراتیدس Eukratides

ابو کراتیدس با هلیو کلس دلاودیس Eukratides-Hélicles-Delaodis

حالا که تاریخچه عمومی ظهور مسکوکات به اندازه کافی شرح یافت می‌خواهیم چند سطر در رشته‌های عمومیات راجع به افغانستان هم گفته بعد بصورت خصوصی تغییرات مراتب مسکوکات را در مملکت خود شرح دهیم.

طبیعی است که در افغانستان ما هم مبادله اشیا اول بصورت جنس شروع شده و بعد ضریکه در آسیای غربی اجناس بیشتر به حیوانات مبادله میشد در افغانستان هم حتما این معامله رواج داشت چنانچه هنوز از نورستان بعضی چیزها را به « گاو » می‌خرند. همبطور مبادله اشیا با صدف هم در افغانستان دوره داشته و گفته می‌توانیم که این دوره در مملکت ما طولانی تر بوده چنانچه تا همین یک قرن قبل هم به یاد بود همان معامله‌ها « کودی‌ها » را در بازار می‌گرفتند و هنوز هم در مواد بی‌اهمیتی یک چیز می‌گویند که به « یک کودی نمی‌ارزد » سپس فلزات مقطوعه نقره و مفرغ هم مراتب خود را پیموده چنانچه اخیراً از کول چمن حضوری از پای‌تپه مرنجان مسکوکات زیادی یافت شده که نوشته ندارد و محض دارای نشانی‌ها و علائم مخصوصه میباشد و حته آن بخیال من در جمله مقطوعات فلزی نشانی شده حساب میشوند.



وضعیت مسکوکات در ممالک آسیای بهین منوال بود که لشکر کشی هائی اسکندر شروع شد. فتوحات اسکندر در اوائل به مسکوکات دول مفتوحه چندان اثر نکرد بلکه برعکس مسکوکات فاتح یونانی

با این حساب‌ها چیز عجیبی که یافته اند این است که سکه « کرشه » نقره‌ای هندی از روی وزن کاملاً مساوی سکه « سیکل » فنیقی‌ها است و به اساس این نظریه مورخین می‌گویند که سکه فنیقی‌ها یا ذریعه خودشان یا ذریعه ملاحان عرب که برای تجارت به هند می‌آمد درین سرزمین وارد شده و بعدها نفوذ مقدونیه با اسکندر سرایت کرده است.

قدیمترین سکه هندی که نقرئی و مسی است بشکل فلزات مقطوعه نشانی شده است اما ازین نشانی‌ها به هیچ صورت محل ضرب و ضرب زنده آن معلوم نمیشود. تقریباً معاصر همین زمان در هند سکه‌های مفرغ ریخته شده هم به میان آمده. بعضی سکه شناسان اوائل سکه هند را به هزار سال ق م بلند می‌برند اما « دو مرگان » در کتاب مسکوکات شرق جلد دوم صفحه ۳۴۴ می‌گوید که این نظریه مبالغه کارانه است و احتمال دارد که اوائل مسکوکات این سرزمین در حوالی قرن ۵ یا ۶ ق م شروع شده باشد. دو مرگان این را هم می‌گوید که این هم معلوم نیست که آیا اختراع سکه در هند بومی است یا از خارج وارد شده اگر از خارج گرفته شده باشد اثرات نفوذ هخامنشی، فنیقی یونانی در آنجا سرایت کرده است.

خلاصه این مسکوکات بی‌نام و نشان یا طوریکه در قسمت اول مطالعات خود تعریف نمودیم این مقطوعات فلزی نشانی شده در تمام خاک هند رواج داشت و اشکال آن عموماً مربع و مستطیل و نشانی که میکردند علی‌الخصوص در روی سکه بوده و طرف دیگر آن لشم بود و قرار مطالعاتی که نموده اند ازین نشانی‌ها ۳۰۰ رقم مختلف در هند یافت شده.

زیر نفوذ شرق آمد چنانچه در بعضی سکه های اسکندر حرف اول نام محلی که در آنجا به ضرب رسیده به رسم الخط فنیقی تحریر است. علاوه برین در چهار سکه که اسکندر رو شهر هیرا پولیس Hierapols یا (بام بامیس Bambyc شهری بود در شام) ب ضرب رسا قیده نام او به رسم الخط سامی نوشته شده است. همین طور چندی دیگر هم مسکوکات یونانی تحت نفوذ سکه های شرق بود چنانچه در مدت ۲۵۰ سالیکه از سقوط امپراتوری هخامنشی تا زمان مرگ اسکندر میگذرد مسکوکات یونانی ها به سبک و رویه هخامنشی ب ضرب میرسد.

بعد از مرگ اسکندر چون حصه بزرگ آسیای غربی بدست سلوسیدها افتاد ایشان مسکوکات خود را به رویه مخصوص یونانی در آوردند لیکن هنوز هم در بعض سکه ها مثل مسکوکاتی که در منطقه فنیسی Phenicie (کنارسواحل غربی شام) ب ضرب رسیده هنوز نام کارخانه ضرب به رسم الخط سامی نوشته شده است لیکن پسان تر آخرین اثر شرق هم از مسکوکات یونانی ها زایل شده و با سلاطین یونانی خاندان سلوسید شامی مسکوکات کاملاً یونانی بمیان آمد چون ایشان خود را به تنهایی وارث اراضی مفتوحه اسکندر در آسیا تصور میکردند مسکوکات ایشان در ایران و افغانستان کم و بیش شیوع داشت و در عین زمان با مداخلت خاندان موریای هندی و پیش قدمی آنها در افغانستان جنوبی مسکوکات شاهان این سلسله هم در جنوب هندوکوه انتشار یافت همین طور این وضعیت پراگندگی تا وقتی دوام داشت که در حوالی ۲۵۰ ق م سلطنت مستقل یونانی در باختر و متعاقباً سلطنت دیگری در اریتریا بمیان آمد. اگر چه مسکوکات « ارساسیدهای » پارتی هم

مسکوکات افغانستان

در افغانستان بکثرت یافت میشود و موسس این خانواده سلطنتی هم باختری است لیکن چون معاصران شاهان یونانی باختری مستقیم تر جزو تاریخ قبل الاسلام افغانستان است چند کلمه راجع به مسکوکات « ارساسید » گفته بد که مسکوکات یونانی های باختری میبرد ازیم. ارساسیدهای پارتی فقط نقره و مس سکه زده اند و پولی طلائی از آنها دیده نشده سکه های نقره ئی آنها مدور و کلان و خورد است و مسکوکات مفرغ آنها در زمان « مهردا » اول و جانشینان او خورد تر شد. روی مسکوکات خاندان « ارساسید » عموماً نوشته ندارد و نوشته آن بطرف پشت سکه است و مضمون آن عموماً طوری تحریر شده که شکل مربعی بخود میگیرد. سنه این مسکوکات از روی عهد سلوسیدها که مبداء آن سال ۳۱۲ ق م میباشد حساب شده. پشت مسکوکات آنها خیلی مختلف است و عموماً شخصی را نمایش میدهد که بالای تخت نشسته، به سرش گوش پوشک مخروطی و در دست راست کمانی را گرفته است این شخص در پشت تقریباً تمام مسکوکات خورد و کلان نقره ئی و در بعضی مسکوکات مفرغ هم دیده میشود. روی هم رفته شاهان ارساسید از روی سکه های سلوسیدهای شام تقلید نموده اند مضمون ضرب و سنه آن طوریکه بالا گفتیم بطرف پشت سکه است و نام پادشاه عموماً نوشته نیست و این بزرگترین اشکالی است که در تعیین مسکوکات شاهان مختلف این سلسله بمیان می آید.



بعد از فتوحات اسکندر و ادعای سلوسیدهای شامی و تجاوزهای خاندان موریای هندی بهترین مسکوکات افغانستان بعد از ۲۵۰ در اثر تشکیل سلطنت مستقل باختری بمیان می آید. درین وقت چون

مسکوکات افغانستان

استعمال کرده لیکن این رویه بیشتر نزدان طبقه شاهان یونانی افغانستان معمول بود که ظهور اسکائی‌هایشان را بجنوب هندو کوه محدود ساخته و عموماً مسکوکات آنها به (کاپیسیا) به ضرب رسیده است و فراریکه از شهادت مسکوکات معلوم میشود زبان و رسم الخط یونانی همیشه به روی سکه و عین ترجمه آن به زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی بطرف پشت آن تحریر میباشد.

یونانی‌ها عموماً چه در باختر و چه در کاپیسیا بطرف روی سکه تصویر خود و در طرف چپه آن ارباب النوع یونانی مثل: - زوس - هراکلس - پالاس - ارتیس - اپلو - یوزیدون - وغیره را به وضعیت های مختلف ضرب میزدند. اما آنها بیکه محض در جنوب هندو کوه سلطنت نموده اند بلاوه اینکه زبان و رسم الخط بومی در پشت مسکوکات شان عمومیت دارد بعضی اوقات تصاویر ارباب النوع محلی را نیز در مسکوکات خود بضرر رسا نیده اند چنانچه. قرار نظریه «موسیو فوشه» بعضی مسکوکات «ایوکراتیدس» که در شهر کاپیسیا ضرب زده شده رب النوع مخصوص این شهر را نشان میدهد

بهر حال یونانی‌های جنوب هندو کوه تا زمان هرما یوس (۵۴ - ۵۰ م) آخرین شاه یونانی کابل زمین زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی را در چپه مسکوکات استعمال نموده اند و حتی اگر به مسکوکات اتکا شود در اوایل آخر از نقطه نظر دین و لباس و زبان و رسم الخط بیش از پیش تحت اثرات محیط و مملکت ما واقع شده بودند چنانچه بعضی مسکوکات «مناندر» و حتی «دمتریوس» شاهد این مدعا است شاهان یونانی جنوب هندو کوه سر اسر تقره و مس سکه زده اند.

سالنامه «کابل»

افغانستان یکطرف از قلمرو امپراطوری یونانی سلوسیدهای شام مجزا شد و از طرف دیگر تجاوز خاندان موریای عقب نشست با سلاطین یونانی باختری که در شمال و جنوب هندو کوه سلطنت نموده اند مسکوکات افغانستانی ضرب (باختر) و (کاپیسیا) رایج شد.

این مسکوکات قطع نظر از اینکه باختری و کاپیسیایی است و تعریف آنرا از این جهت نمیکنیم که در سر زمین وطن ما بضرر رسیده بلکه همه سکه شناسان هم قول و معترف اند که در نفاست نقوش و اشکال و رسم الخط و تمام جهات ضرب در دنیای قدیم نظیر نداشت چنانچه باز بیابای خود حتی امروز هم از بهترین سکه های ممالک متمدنه خوب تر، قشنگ تر و با دوام تر اند و هر يك از مسکوکات شاهان یونانی باختری خصوص مسکوکات «اوتیدموس» و «ایوکراتیدس» مانند مدال های زیبایی است که دیگر نظیر آن بمیان نخواهد آمد.

یونانی‌هایی که در باختر سلطنت مستقل تاسیس نمودند ابتدا در ضرب مسکوکات خود تنها زبان یونانی را استعمال می نمودند چنانچه این نظریه عموماً در مورد آن شاهانی حقیقت دارد که در شمال هندو کوه سلطنت نموده اند ولی چون زبان یونانی را کس نمی فهمید دیری نمیگذرد که مجبور شده زبان بومی «پراکریت» و رسم الخط «خروشتی» را که قسمی از رسم الخط (ارامی) بود و قرار عقیده مستشرقین از عصر هخامنشی به بعد در افغانستان رواج داشت در پشت مسکوکات خود استعمال میکنند اگر چه «ایوکراتیدس» شاه یونانی باختر اولین کسی است که در مسکوکات خود دو زبان و دو رسم الخط را

سا لنامہ « کابل »

بعد از یونانی‌ها در زمان تهاجم اسکائی‌ها و شاهان ایشان یا « هندو یست » و پهلواها یا « هندو پارت » مسکوکات افغانستان سراسر تفرقه‌ئی و مسی است و ضرب آن از نقطه نظر سبک زبان، ارباب النوع و غیره تقلیدی بود یعنی چیز نوی از خود نداشت بلکه از روی مسکوکات شاهان یونانی باختری که در افغانستان به تعداد زیاد موجود است تقلید میشد. نوشته این مسکوکات مانند عصر یونانی‌های جنوب هندو کوه یونانی بر روی سکه و پراکریت به رسم الخط خروشتی به پشت آن بود. اسکائی‌هایی که بعد از فتح باختر از راه سیستان و اراکوزی مساوی قندهار به حوضه اندوس مساوی سند فرود آمده اند و در پنجاب و حصه مشرقی افغانستان حکم فرمائی کرده اند هم به دوزبان سکه زده اند همین طور پهلواهای سیستان و قندهار، که موسس خانواده شاهی آنها « ونوس » را تصور میکنند بر علاوه زبان یونانی در روی سکه پراکریت را به رسم الخط خروشتی به طرف چپ مسکوکات خود استعمال نموده اند ازین ملاحظات معلوم میشود که در زمانه های قبل الاسلام مدت مدیدی زبان « پراکریت » و رسم الخط « خروشتی » که انرا رسم الخط « باختری » یا « آریو — باختری » هم گویند تقریباً در تمام افغانستان و پنجاب معمول بود و الا زبان و رسم الخط بومی گفته در مسکوکات استعمال نمیشود

کوشانی‌هایی که آخرین عناصر یونانی‌ت را از جنوب هندو کوه می‌بردند هم از نقطه نظر مسکوکات چیز تازه بمیان نیاوردند بلکه سراسر تقلید مسکوکاتی را نمودند که چین و رودشان در افغانستان معمول و مروج بود چنانچه « کجولا کد فیزس » که « هر مایوس »

مسکوکات افغانستان

یونانی و آخرین عناصر هلیترم را از صفحات جنوب هندوکوه محو میکنند. بدرجه در تقلید مبالغه میکنند که در مسکوکاتی که دارای تصویر «هرمایوس» است نام خود را ضرب میزنند و حتی در بعضی مسکوکات نام هر دوی شان ذکر است. پسان تر نام «هرمایوس» یونانی را کاملاً از بین برده و نام خود را بضر رسا نیده است اما رسم الخط و زبان یونانی و حتی تصویر هرمایوس در تمام مسکوکات او باقی مانده. علاوه برین در بعضی مسکوکات مسی سری را بضر رسا نیده که قرار نظریه سکه شناسان از روی سکه «اگوست» امپراطور روم تقلید شده است. بعد از او با عصر «ویما کد فیزس» و سائر کوشانی هائی که بعد از کنشکا می آیند مسکوکات کوشانی ها آهسته آهسته خواص مخصوصی بخود میگیرد: رسم الخط یونانی کم کم بدرجه تغییر کرده و خراب میشود که در آخر از خواندن می براید. جای ارباب انواع یونانی را آهسته آهسته ارباب انواع محلی باختری مثل: «میرو-مهر» افتاب تقریبی و مسی و از روی شکل نازک می باشد در روی مسکوکات آنها عموماً شکل شاه و کلمه «پنکی ملک» و در پشت آن در وسط، دو پایه و دو طرف آن دو نفر معلوم میشود و علاوه درین طرف سکه بعضی اوقات کلمه «شاه» هم خوانده میشود. این مسکوکات روی هم رفته از روی شکل و اندازه شبیه سکه های ساسانی ها و از روی البسه و زیورات اشخاصی که روی آنها نمایش یافته به هندی هم قرابت دارند.

ازین گذشته آخرین دسته سکه هائی که به آنها مسکوکات عصر قبل الاسلام افغانستان تمام میشود سکه های نقره ای و مسی است که عموماً در

(مضمون ذیل بعد از سطر ۱۳ کلمه افتاب «صفحه ۳۱۷» خوانده شود)

ما او - ماه و ارباب انواع هندی مثل: «شیوا»، «فانا» و غیره میگیرد «دی کد فیزس» مس و طلا سکه زده و عموماً بطرف راسته سکه بلباس کوشانی ایستاده معلوم میشود. بطرف چپ سکه او بلا استثنا شکل «شیوا» بضر رسیده است «ویما کد فیزس» در مسکوکات عناوین مجلل و باشکوه اختیار نموده و خود را: «شاه کبیر» - «شاهشاه» - «باواردینا» - «پیرر شیوا» خوانده است.

تصویر «کنیشکا» در مسکوکات شبیه تصویر ایستاده ویما کد فیزس است و دور صورت او عموماً هاله نور دیده میشود. در سکه های کوچک طلا بصورت نیم تنه یا ربع تنه نمایش یافته. در چپ مسکوکات «کنیشکا» تمام ارباب انواع یونانی - باختری - هندی دیده میشود. «هویشکا» سکه های طلایی بیشتر دارد در بعضی فقط سراو در بعضی های دیگر مناصه بدن او نمایش یافته است. در سکه های مسی یا برفیل سوار است یا بالای تختی دراز کشیده و یا بوضعیت چهارزانو معلوم میشود. بعد از «واسودوا» قوای خارجی کوشانی ضعیف شده و قلمرو آنها به اراضی دره کابل و گندها را محدود میگردد و مسکوکاتی که بنام «کانیشکو» و «وازو» دارند متعلق به همین عصر انحطاط آنها است.

بعد از تهاجم هیا طله و سقوط آنها کوشانی هائی که به کوه های چترال بالا رفته بودند به وادی کابل فرود آمده چند نفری از ایشان به سلطنت رسیده که بنام کوشانی های خورد موسوم اند و ایشان را معمولاً (پنکی) هم میگویند مسکوکات آنها عموماً

مسکوکات شاهان یونانی باختر

« دیودوتس » که از طرف شاهان یونانی خاندان (سلوسید) شاهی در بکتریان باختر حکمران بود در حوالی ۲۵۰ اعلان استقلال نموده و ازین تاریخ بعد سلطنت مستقل یونانی در (اریانا) یعنی افغانستان تاسیس میشود که تا چندی مرکز آن در شمال هندوکوه شهر (بکتر) و بعد از تهاجم اسکائی - کوشان در حالیکه نفوذ یونانی ها به جنوب هندوکوه محدود میشود در کاپیسا یا بگرام فعلی منتقل میگردد .

نفوذ یونانی از شمال هندوکوه با « هلیوکلس » و از کابلستان با « هر یالوس » در حوالی شروع عهد مسیحی به آخر میرسد . مسکوکات ایشان تا بکرمان تنها به زبان یونانی و بعد ازینکه به جنوب هندوکوه منتقل میشوند به دو زبان یونانی و پراکریت افغانستان و رسم الخط یونانی و خروشتی به ضرب میرسد . باقی تفصیلات قرار آتی است :

دیودوتس Diodotos : حوالی ۲۵۰ - ۲۴۵ ق م

(۱) سکه مسور طلا وزن مساوی ۱۳۰ گرین

اندازه مساوی (۰.۷۵) انچ

روی سکه : سر پادشاه به نیم رخ راست

پشت سکه : تصویر ایستاده (زوس) رب النوع یونانی ،

دیودوتس پادشاه .

نزد عوام با نام « فیل سوار » و « گاو سوار » معروف است . این مسکوکات مربوط بیک دسته شاهان هندو است که در تاریخ بنام « کابل شاهان هند » یاد شده اند و چون آخرین اولاد کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را گرفته و سلطنت رسیدند چنانچه البیرونی درین موضوع اشاره کرده میگوید که جای آخرین شاه کوشانی کابل را Lagaturman « لاگاتورمان » نام داشت وزیر برهنی اش « کالار Kallar » گرفته و سلسله « هندو شاهی ها » را بمیان آورد . این دسته که روی هم رفته از ۸۷۵ بم تا ۱۰۰۰ بم سلطنت کرده اند حین ورود فاتحین اسلام و چندی بعد ترهم در کابل و اراضی شرقی آن حکومت نموده اند . مسکوکات این سلسله را سکه شناسان فرنگک از روی نقوش به سه دسته تقسیم نموده اند :

۱ - رقم گاو و سوار کار .

۲ - رقم فیل سوار

۳ - رقم شیر و طاؤس

روی راسته این مسکوکات عموماً اشکال گاو و فیل و در پشت آن بعضی اوقات شاه بالای اسب و بعضی اوقات شکل شیر نمایش یافته است ازین مسکوکات اگر چه « گاودار » و « فیل دار » می آید آن زیاد است از رقمی که شیر و طاؤس در آن نمایش یافته فقط یک دانه بدست آمده که در (برتش موزیم) لندن میباشد .

مسکوکات افغانستان

دمتر یوس Demetrios پسر اوتید موس در حوالی ۲۰۰ ق م
 بجنوب هند و کوه و پنجاب سلطنت نموده است. این شاه نقره و مس
 سکه زده و خود را « دمتر لوس پادشاه » خوانده .

(۶) سکه مدور نقره : وزن - ۲۵۰ گرین
 اندازه (۱٫۳) انچ
 روی سکه : صورت پادشاه به نیم رخ راست نمایش یافته و بر سرش
 کلاهی بشکل سرفیل است .
 پشت سکه : هرا کلس برهنه ایستاده است .

(۷) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۶ گرین
 اندازه مساوی (۰٫۹) انچ
 روی سکه : در اینجا پادشاه ریش دارد و به نیم رخ راست
 دیده میشود .

پشت سکه : « ارتمیس » Artemis (رب النوع یونانی)
 ایستاده است .

این شاه سکه مسی مربعی هم دارد که در پشت آن به رسم الخط
 خروشتی نوشته است .

اوتیدموس دوم پسر اوتیدموس اول : این شاه در نقره و نیکل
 و مس سکه زده است .

(۸) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۶۰ گرین
 اندازه مساوی (۳ ر ۱) انچ

سالنامه « کابل »

(۲) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۵۰ گرین
 اندازه « (۱/۱) انچ
 روی سکه : سر پادشاه .

چپه سکه : تصویر ایستاده (زوس) ، دیو دوتس پادشاه
 (۳) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۶۹ گرین
 اندازه « (۰٫۷۵) انچ
 روی سکه : صورت پادشاه . بر سرش کلاه مقدونوی (کوسیا)
 که بشکل کلاه بارانی است مشاهده میشود .

پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ ، دیو دوتس پادشاه
 اوتید موس Euthydemos (حوالی ۲۲۰ ق م)
 (۴) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۶۰ گرین
 اندازه « (۰٫۶۵) انچ
 روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم رخ
 پشت سکه : « هیرا کلس » (رب النوع یونانی) برهنه بالای
 سنگی نشسته در دست راستش چوبی میاشد .

(۵) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۱۰ گرین
 اندازه مساوی (۰٫۹) انچ
 روی سکه : تصویر ریش دار هرا کلس
 پشت سکه : اسب بحالت خیز کردن

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : تصویر برهنه ایستاده هر ا کلس

(۹) سکه مدور نیکل : وزن مساوی ۱۱۰ گرین

اندازه مساوی (۰.۹۵) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه شاه

پشت سکه : سه پایه

(۱۰) سکه مدور مسی : این سکه هم مانند سکه (۹) است

اما وزن و اندازه آن خورد تر میباشد .

پانتالئون Pantaléon (حوالی ۱۹۰ ق م) در روی سکه بزبان

پراگریت در پشت آن به زبان یونانی نوشته دارد و خود را

« پانتالئون پادشاه » خوانده است این شاه بیشتر مس سکه زده

(۱۱) سکه مربع مسی، وزن مساوی ۱۶۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۸) انچ

روی سکه :

دختری به لباس شرقی میرقصد

پشت سکه :

شیر ایستاده است

اگاتوکلس Agatbokles (حوالی ۱۸۵ ق م) این شاه در نقره

ونیکل و مس سکه زده و خود را « اگاتوکلس پادشاه » یا « اگاتوکلس

پادشاه کبیر » خوانده .

(۱۲) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۲۲ گرین

اندازه مساوی (۰.۵۵) انچ

روی سکه : سرا سکندر

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی بالای تخت نشسته است

(۱۳) سکه مدور نیکل : وزن مساوی ۱۰۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۸۵) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه دیونی زوس رب النوع یونانی

پشت سکه : پلذک ایستاده

(۱۴) سکه مربع مسی : وزن مساوی ۱۸۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۷۵) انچ

روی سکه : مانند (سکه ۱۵)

پشت سکه : مانند سکه (۱۰)

انتی ما کوس ته اوز Antimachos Theos در نقره و مس

سکه زده و خود را به لقب (ته اوس - کبیر) خوانده

(۱۵) سکه مدور نقره وزن مساوی ۲۵۰ گرین

اندازه مساوی (۱.۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : پوزیدون Posridon (رب النوع بحار) ایستاده است .

ایوکرانیدس (حوالی ۱۷۵ ق م) در نقره و مس

سکه زده و خود را «ایوکرانیدس پادشاه» خوانده .

(۱۶) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۶۵ گرین

اندازه مساوی (۰.۷) انچ

روی سکه : سر شاه

پشت سکه : اپلو (رب النوع یونانی) ایستاده بدست را ستش

تیر و بدست چپش کمان میبشد .

(۱۷) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۸۸ گرین

اندازه (۰.۸۵) انچ

روی سکه : شاه در حالیکه کلاه فولادی به سر دارد به نیم رخ

راست نمایش یافته

پشت سکه : (دیوسکوری) ستاره صبح و شام بالای اسپ ها

سوار اند

هلیوکلس Heiokles (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) در نقره و مس

سکه زده و خود را « هلیوکلس شاه کبیر » خوانده .

(۱۸) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۴۶ گرین

اندازه « (۱.۳) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : زوس (رب النوع یونانی) ایستاده و بدست چپ

چوب درازی را گرفته است

(۱۹) سکه مدور مسی : این سکه مانند سکه نقره فوق الذکر

میباشد وزن آن کمتر است .

ایلوودوتس Apollodotos : (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) در نقره

و مس سکه زده و خود را به لقب (سوتروس یعنی منجی) یاد کرده مضمون

ضرب سکه اوچنین است : (ایلوودوتس یاد شاه منجی)

(۲۰) سکه مدور نقره : وزن - ۳۱ گرین

اندازه - (۰.۶) انچ

روی سکه : فیل ایستاده

پشت سکه : گاو ایستاده

این شاه سکه مربع نقره هم دارد .

مناندر Menandre : حوالی ۱۴۰-۱۶۰ ق م - در نقره و مس سکه

زده و خورد « را مناندر اس پادشاه منجی » خوانده . این شاه به نمونه های

مختلف خورد و کلان ، مسی و نقره ، مربع و مدور سکه زیاد دارد .

(۲۱) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۱۴۰ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : یا لاس Pallas رب النوع جنگ یونانی ایستاده

همین قسم سکه مدور نقره خورد هم دارد که وزن آن ۳۴ نخود

و اندازه آن (۰.۶۵) انچ است .

(۲۲) سکه مربع مسی : وزن مساوی ۲۴۰ گرین

اندازه (۰.۹) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه بالاس

پشت سکه : نیک Nike بالدار ایستاده است

هر مایوس Hermaias (حوالی ۴۵ - ۲۰ ق م) در نقره

مونس **Maues** یا **Moa** (حوالی ۷۵ ق م) خود را

شهبشاه کبیر ، ماوس » خوانده است .

(۲۶) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۱۳۸ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده

پشت سکه : نیک **Nike** بالدار ایستاده است

(۲۷) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۳۰ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : سرفیل

پشت سکه . چوبی بالای آن در حلقه

این سلطان بکنوع سکه مسی مدور دیگر هم دارد که در روی آن

ارتیمیس رب النوع یونانی و در پشت آن شکل گاو دیده میشود

(۲۸) سکه مربع مسی : وزن مساوی ۱۶۸ گرین

اندازه مساوی (۱٫۸) انچ

روی سکه : رب النوع مهتاب بین دو ستاره ایستاده

پشت سکه - نیک رب النوع فتح بالدار

ازس **Azes** حوالی (۵۸ ق م)

(۲۹) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۱۴۲ گرین

اندازه « (۱٫۱) انچ .

روی سکه : شاه براسپ سوار است و در دست چپش نیزه است

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده است .

و مس سکه زده و خود را (هرما یوس ، یاد شاه منجی) خوانده

(۲۳) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۱۴۵ گرین

اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : (زوس) بالای تختی نشسته

(۲۴) سکه مدور مسی :

روی و پشت سکه مانند سکه (۲۳) است .

(۲۵) هرما یوس با ملکه عیال خود (کالیوپ) هم در نقره

سکه زده

وزن مساوی ۳۷ گرین

اندازه (۰٫۶۵) انچ

روی سکه : تصویر شاه و ملکه

پشت سکه : شاه براسپ سوار است

مسکوکات شاهان و سلاطین اسکائی

این سلسله بعد از اینکه یونانی های باختر را مضمحل میسازند

از راه سیستان و راگوزی (قندهار) به وادی سند فرود می آیند و از پنجاب

به بعضی قسمت های افغانستان جنوبی و جنوب شرقی سلطنت کرده اند

در ضرب مسکوکات خود بطرف روی سکه زبان یونانی و در پشت

آن زبان پراکریت و رسم الخط (خروشتی) را استعمال نموده و

عموما خود ها را (شاه شاهان) (شهنشاه کبیر) خوانده اند

مسکوکات شاهان ایشان قرار ذیل است :

مسکوکات افغانستان

روی سکه : شاه بر اسپ سوار است

شاه شاهان از بلیزس

پشت سکه : تصویر ایستاده « زوس » رب النوع یونانی

شاه شاهان « ائی لی ر. اسا »

(۳۳) سکه مربع مسی وزن : ۱۲۳ گرین

اندازه : (۰.۸۵) انچ

روی سکه : شاه بالای اسپ سوار است و در دست راست

قمچین را گرفته است .

شهنشاه کبیر از بلیزس

پشت سکه : « هرا ککلس » رب النوع یونانی برهنه بالای

سنگی نشسته است .

شاه کبیر « ائی لی زاسا »

مسکوکات پهلوانهای سیستان

و قندهار

پهلوانها عبارت از يك سلسله پارت هائی است که در حوالی

« قرن دوم ق م » یا « ونوس » استقلال خود را از پارت های خراسان

گرفته و در سیستان و قندهار، قسمتی از حوضه اندوس (رودسند) سلطنت

علیحده تشکیل نمودند. معاصر شان در حوالی کابل آخرین شاهان

یونانی در پنجاب شرقی اولاده اسکائیها حکمفرمائی داشت و تا اندازه که

ازس در مسکوکات، خود را شاه شاهان شاه کبیر خوانده است .

(۳۰) سکه مدور مسی :

روی سکه : یاد شاه چهار زانو نشسته و شمیری بردوزانوهای خود گذاشته است .

پشت سکه : هرمس Hermès رب النوع یونانی قدم میزند

ازس در میان شاهان اسکائی مسکوکات خورد و بزرگ

خیلی زیاد دارد .

ازس و از بلیزس : بطرف روی سکه ازس نوشته یونانی نام

« ازس » و در پشت سکه در رسم الخط خروشتی نام « از بلیزس »

تحریر است .

(۳۱) سکه مدور نقره : وزن : (۱۵۱) گرین

اندازه : (۱) انچ

روی سکه : یاد شاه بر اسپ سوار و در دست چپ نیزه را

در حال زدن گرفته .

شهنشاه کبیر ازس

پشت سکه : رب النوعی ایستاده و در دست راستش شعله نور را

گرفته است .

شاه کبیر ، شاه شاهان « از بلیز اسا »

از بلیزس (حوالی ۴۸ ق م)

(۳۲) سکه مدور نقره : وزن : ۱۵۰ گرین

اندازه : (۱) انچ

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی .

مهاراجا سا ماها تا کاسا اسپالی ریزیا شهنشاه کبیر اسپالیریزس .

گندوفارنس Gondopharnps حوالی ۱۹ تا ۴۵ ب م

(۳۶) سکه مدور مسی . : وزن ۱۵۱ گرین

اندازه (۰.۹) انچ

روی سکه : تصویر شاه براسپ

بازیلوس بازیلون ملا اوس گندوفارنس یعنی شاهنشاه کبیر گندوفارنس .

پشت سکه : تصویر ایستاده زوس .

مهاراجا راجاتی راجا ترا نا را گند وفا را سا یعنی شاه کبیر شاه

شاهان گندوفارنس .

قرار سکه فوق سکه مدور از مزوج مس با نقره هم دارد .

ابدا گازس Abdagases (حوالی ۶۰-۶۵ ب م) .

(۳۷) سکه مدور مخلوط مس و نقره : اندازه (۰.۹۵) انچ

روی سکه : پادشاه بالای اسپ سوار است .

بازیلوس بازیلون ابدا گاسوس یعنی شاه شاهان ابدا گازس .

پشت سکه : (ژوبی تر) رب النوع یونانی تاجی در دست دارد .

گندو فرا براتا پوترا سامه را جا ترا تاراسا اوا را کاسا یعنی

شهنشاه کبیر ابدا گازس برادر زاده گندو فارنس .

اورتا گنس Ortagnes «حوالی ۶۰-۷۰ ب م»

(۳۸) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۴ گرین

اندازه « (۰.۹) انچ

تخمین میکنند علت سقوط یونانی های کابل زمین این بود که از طرف شمال کوشانی ها از جانب غرب و جنوب غرب پهلوا ها و از طرف شرق اسکائی ها برایشان فشار می آوردند. مسکوکات پهلوا ها طلائی نقره ای و مسی است در روی سکه آنها زبان یونانی و در پشت آن زبان پرا کزیت و رسم الحظ خروشتی استعمال شده . ارباب انواع یونانی هنوز از بین نرفته است . تفصیل مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است .

و نونس Uonónés (حوالی ۱۰۵ ق م)

(۳۴) سکه مدور نقره : اندازه مساوی ۱.۰۶۵ لیج

روی سکه تصویر شاه بالای اسپ .

بازیلوس بازیلون ملا اوس و نونس شهنشاه کبیر و نونس .

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده .

مهاراجا براتا درامی کاسا اسپالاهوراسا یعنی شهنشاه کبیر دین دار اسپالاهورا . ملتفت باید بود که درین سکه درست پرا کزیت نام (اسپالاهوراسا) هم ذکر شده و نشان میدهد که شاه با نائب السلطنه خود یکجا سکه زده .

همین قسم و نونس با (اسپالاهوراسا) هم سکه زده است .

اسپالیریزس Spalirisés برادر و جانشین و نونس (حوالی ۱۰۰-۹۰ ق م)

(۳۵) سکه مربع مفرغ : وزن ۲۲۷ گرین اندازه (۰.۸۵) انچ

روی سکه : پادشاه در حال رفتار . بازیلون بازیلوس ملا اوس

اسپالیریزس یعنی شاهنشاه کبیر اسپالیریزس .



Orthognes اور توگنس



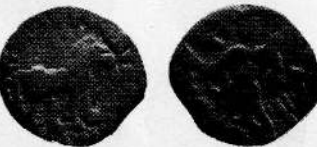
Pakores یا کورس



Hermaios ہرمايوس



Hermaios ہرمايوس



سا لنامہ « کابل »

روی سکہ : تصویر شاہ بصورت نیم تنہ نوشتہ فوقانی آن پریدہ و خوب خوانندہ نمیشود .

پشت سکہ : نیک Nike بالدار . درین طرف سکہ او نام گندوفارنس و Guada گودا برادرش ہم ذکر شدہ .

یا کورس Pacores : « حوالی ۷۵-۷۰ ب »

سکہ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۱ گرین

اندازہ « (۹ ر .) انچ

روی سکہ : تصویر نیم تنہ شاہ

بازیلوس بازیلون ملاس یا کورس یعنی شہنشاہ کبیر یا کورس .

پشت سکہ : تصویر نیک رب النوع یونانی بالدار

مہاراجا ساراجاتی راجا سامہا تا سا یا کوراسا یعنی شہنشاہ کبیر یا کورس .

مسکوکات این شاہ زیاد از قندھار پیدا میشود .

مسکوکات سلاطین کوشانی

ہر مایوس با کجو لا کد فیزس :

(۴۰) سکہ مدور مسی : وزن مساوی ۱۱۵ گرین

اندازہ « (۰۹) انچ

روی : تصویر نیم تنہ ہر مایوس « شاہ منجی ہر مایوس » .

پشت : « ہرا کلس » پوست شیر را روی بازوی چپ گرفتہ

« کجو لا کا زاسا رئیس کوشانی »

کجو لا کد فیزس یا کد فیرس اول « حوالی ۶۰-۴۵ ق م » :

(۴۱) سکہ مدور مسی :

مسکوکات افغانستان

روی : صورت نیم تنه هر مایوس « کوزولو کد فیزس » نام
هرمایوس به رسم الخط خراب یونانی نوشته شده . (۵۵)

پشت : تصویر ایستاده «هرا کلس» «کوجولا کازاسا رئیس
کوشانی»

(۴۲) سکه مدور مسی :

روی : سری نمایش یافته که قرار احتمال از روی سکه «اگوست»
امپرا طور رومن تقلید شده « رئیس کوشان کوزولا کد فیزس »
پشت : شاه بالای چوکی نشسته « بزبان خروشتی مضمون فوق
نوشته است »

ویما کد فیزس یا کد فیزس دوم « حوالی ۷۰ - ۶۰ ق م »

(۴۳) سکه مدور طلا : وزن مساوی ۲۴۴ گرین

اندازه « (۱۸) انچ

روی : شاه روی چوکی نشسته « و موکد فیزمن باد شاه »
پشت : شیوا و گاو « شاه کبیر ، شاه شاهان - با دار دنیا ،
مدافع و یما کد فیزس »

کنشکا حوالی (۸۰-۱۱۰ ق م)

(۴۴) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۳ گرین

اندازه « (۰۹) انچ

روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشانی « بازیلوس بازیلون
گائیشکوس » یعنی شاه شاهان کنشکا .

از آثار تاریخی وطن .

دیوار شهر کابل که در زمان فتوحات اسلام از طرف کابل شاهان ساخته شده بود
Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit
par les Rois de l'invasion Islamique.

پشت : صورت ایستاده « هلیوک » رب النوع آفتاب .

(۴۵) سکه مدور طلا : وزن مساوی ۱۲۲ گرین

اندازه « (۰۸) » انچ

روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشان به سر شاه کلاه
بیک دار آهنی - بجانش چین بلند و شلوار است . بیش رویش میز
کوچک قربانی است و به دست چپ نیزه طویلی گرفته است « شاه اونا
نوشا او کانشکی کوشانو یعنی از شاه شاهان کنیشکا، کوشانی » .

پشت : تصویر « میرو » رب النوع آفتاب .

(۴۶) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۲۵۷ گرین

اندازه « (۱۰۰۵) » انچ

روی : قرار تفصیل (۴۵)

شا او کنیشکی - کنیشکا یاد شاه

پشت : « میرو » رب النوع آفتاب

هو ویشکا « حوالی « ۱۶۲ - ۱۸۳ م ق م »

(۴۷) سکه مدور طلا : وزن ۱۲۱ گرین

اندازه - « ۰۸ » انچ

روی : تصویر نیم تنه شاه . یاد شاه کلاه آهنی مدور بسر

کرده و چین خامک دوزی پوشیده است . بدست راستش چوبی را
گرفته که علامه سلطنت است .

شاواناوشا او ، هوشکی ، کوشانو یعنی از شاه شاهان هویشکا، کوشانی

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

(۴۸) سکه مدور مسی : وزن ۲۴۵ گرین اندازه « ۱ » انچ

روی : یاد شاه برفیل سواراست شا او ، نانو ، شا او ، هوشکا
کوشانو یعنی از شاه شاهان هویشکا، کوشانی .

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

واسودوا « حوالی ۱۸۲ - ۲۲۰ م ق م »

(۴۹) سکه مدور طلا وزن ۱۲۱ گرین اندازه ۸۵ ، انچ

روی : شاه ایستاده کلاه آهنی مخروطی بسردارد بجانش لباسی
است به شکل زره و بادست راست بالای میز کوچک چیزی تقدیم میکنند ،
دردست چپش چوب درازی میباشد .

شا او ، نانو ، شا او بازو دو کوشانو یعنی از شاه شاهان واسودوا
کوشانی

پشت : شیوا رو برو ایستاده . عقبش گاو معلوم میشود .

(۵۰) سکه مدور مسی وزن ۱۵۴ گرین اندازه « ۰۹ » انچ

روی : بقسم « ۴۴ » نوشته یونانی آن کامل خراب شده

پشت : مانند سکه « ۴۳ »

مسکوکات شاهان هیاطله

هن های هفتالیت دراوازل قرن ۵ م ظهور نموده کوشانی ها
را موقناً مضمحل ومدت تقریباً نیم قرن در افغانستان و پنجاب سلطنت
نموده اند مسکوکات ایشان قرار آتی است :-

مسکوکات افغانستان

مسکوکات « نیکی ها » یا کوشانی های
« کوچک »

چون حین تهاجات هن های هفتالیت کوشانی ها مضحل شده
واز آخرین ملجاء خود « علاقه کابل » به کوها بالا رفته بودند
نیم قرن بعد از سقوط هن هادوباره به وادی کابل فرود آمده و سلطنت
رسیده اند . اگرچه نام های ایشان صریحاً معلوم نمیشود روی هم
رفته سلسله شان به « کوشانی های خورد » موسوم است و ایشان
را معمولاً « نیکی » هم میخوانند و عصرشانرا بعد از وسطه قرن ۵
تا اخیر قرن ۶ هم نسبت میدهند . مسکوکات آنها عموماً نقره ای و مسی -
شکل آن بزرگ و نازک است . این مسکوکات از روی شکل و اندازه
به سکه های ساسانی و از روی قیافه و لباس شاه به هندی نزدیک است .
شرح یک سکه آنها بطور نمونه فرار آتی است .

سکه مدور نقره : وزن ۵۲٫۸ گرین اندازه « ۱۳ » اینج
« ۵۳ » روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه قیافه شاه بیشتر
به هندی شباهت دارد ، درگوشش گوشوارم است و در کلاهش بالای
پیشانی ماه نبوی دیده میشود پیش روی شاه « نیکی ملک » و عقب او
کلمه « شاه » نوشته است .

پشت سکه : در وسط مجمر دو پایه ای دیده میشود و به دو

Toramanani « حوالی ۵۰۰ ب م »

« ۵۱ » سکه مدور مسی : وزن مساوی ۴۷٫۳ گرین

اندازه « ۰۸ » اینج

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه و نیم رخ
پشت سکه : در وسط سکه خطی افقی کشیده شده بالای آن
قرص آفتاب و پائین کلمه « تورا » به رسم الخط خروشتی
نوشته شده است

مهی را کولا یا مهر گل پسر توراها نا

« حوالی بین ۵۱۰-۵۴۰ ب م »

« ۵۲ » سکه مدور مسی : وزن مساوی ۵۶/۳ گرین

اندازه « ۰۷ » اینج

روی سکه : تصویر نیم تنه شاه به قیافه ساسانی . به رسم الخط
خروشتی چنین نوشته دارد : - شری « میهی را کولا ، یا « کولا »
پشت سکه : خط افقی در وسطه سکه - بالای آن تصویر گاو .
در روی بعضی مسکوکات نقره شاه به رسم کوشان ایستاده نمایش
یافته و این نوشته را دارد « شاهی میهی را کولا »
بطرف چپه مانند مسکوکات کوشانی رب النوع بالای تخت
نشسته است .

مسکوکات هیاطله از افغانستان و هند بسیار پیدا میشود لیکن متأسفانه
یکمده زیاد آن خوب تشخیص نمیشود .

طرف آن دونفر ایستاده بالای سر آنها عراده رسم شده ، نوشته آن خوانده نمیشود .
این سکه درموزه کلکته هند است .

مسکوکات کابلشاهان هنود

چون آخرین اولاده کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را طبقه از اهل هنود گرفته و به سلطنت رسیده اند « ونسنت سمیت » مورخ انگلیسی درجلد اول کتابک مسکوکات موزیم هند کلکته از زبان البیرونی صورت فضیه را چنین مینویسد که جاه آخرین شاه کوشانی کابل را که « لاگاتورمان » نام داشت وزیر برهمنی اش « کالار » گرفته وسلسله (هندوشاهی) را بیان آورد .

این دسته از ۸۷۵ تا ۱۰۰۰ ب م تا زمان ورود فاتحین اسلام و بعد تر در کابل زمین سلطنت نموده اند مسکوکات چند نفر آنرا قراریکه در جلد دوم کتابک مسکوکات موزیم هند کلکته تشریح یافته قرار آتی است :

اسیلاباتی دوا Spalapati - deva حوالی

اواخر قرن ۹ ب م رقم گاو وسوار کار

سکه مدور نقره وزن - ۵۴ گرین

اندازه (۸) انچ

روی سکه : گاو در رفتار بطرف چپ بالای آن به زبان و رسم الخط

هندی نوشته : Sri Spalapati - deva

پشت سکه : یاد شاه بالای اسپ سوار است و نیزه را در دست راست گرفته . پیش روی او کلمه (گرا) به هند وئی نوشته شده

سامانتا دوا Smanta-deva حوالی اوائل قرن ۱۰ ب م)

رقم گاو وسوار کار

(۵۵) سکه مدور نقره : وزن ۵۱٫۲ نخود

اندازه - (۸) انچ

روی سکه : مانند سکه (۵۵) فوق

پشت سکه : « » « » « » متنها عقب سر شاه کلمه (بهی و) نوشته است .

مسکوکات مسی این شاه مانند سکه هائی نقره ای او میباشد

رقم فیل وشیر

(۵۶) سکه مدور نقره : وزن ۳۰٫۷ نخود

اندازه - (۷٫۸) انچ

روی سکه : فیلی استاده است و پائین این نوشته است

Sri Samanta-deva

پشت سکه : شیر دم خود را قرقره نموده

صنایع و فنون در افغانستان

صنایع ملکی - قسمت مادی

بقلم جناب احمدالله خان کریمی

عضو انجمن

مقدمه - اهمیت صنایع - سیر تدریجی صنایع مادی در افغانستان
 بصورت اجالی - صنایع و فنون موجوده ملکی - خاتمه و تبصره .
 تحت عنوان فوق درصددیم تا بصورت اجالی راجع بان قسمت از صنایع
 و فنون وطن بحث را نیم که به عنوان خصوصیتی بدان اشاره رفته و تعلق
 به صنایع و فنون مادی ملکی (غیر از نظامی) دارد . نظر باین
 خصوصیت مقاله ، کارخانه های حربی که دران انواع آلات و لوازم
 حربیه و عسکریه اعمال میگردد ، با بعضی از صنایع و حرفت های خورد
 وریزه دیگریکه به عنوان خصوصیتی بدان اشاره نشده خارج بحث مانده
 است . ذواتیکه این مقاله را مطالعه میفرمایند البته این خصوصیت را
 مدنظر خواهند داشت . درتجربیر این مقاله علاوه از یک سلسله مشاهدات
 و کنجکاویها و نوتهای شخصی در قسمت تاریخی بیشتر از کتاب پرو فیسر
 (دنیسکی) و پرو فیسر (بارتولد) روسی کتاب قلمی تاریخ طاهری
 نگارش جناب محمد طاهر خان هراتی و تاریخ ترکستان (ترکی) تجریر
 مختار بکر و در خصوص مسائل علمی اقتصاد از کتب اقتصادی و در قسمت

سالنامه « کیابل »

واکا دو Vakk-deva (قرن ۱۰ ب م)

(۵۷) سکه مدور نقره ، رقم فیل و شیر

وزن مساوی ۳۱۶ نخود

اندازه مساوی (۰۷۵) انچ

روی سکه : فیل و نوشته ذیل Sri Vakka - deva

پشت سکه : تصویر شیر

حدواوا یا کا Chudavayaka قرن ۱۰ ب م

رقم گا و و سوار کار

(۵۸) سکه مدور نقره : وزن ۷ ر ۴۹ نخود

اندازه ۰۴۷ انچ

روی سکه گا و Seri Chudavayaka

پشت سکه : سوار کار

ستا پالا Asta - Pala حوالی ۱۰۰۰ ب م

بعد تر

۵۹ سکه مدور نقره : وزن ۴۷ - گرین

اندازه ۰۶ انچ

روی سکه : کا و Asta pâla

پشت سکه : سوار کار

صنایع موجوده از مقاله « پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان » تحریر فاضل محترم « رشتیا » منتشره سالنامه ۱۳۱۵ و مقاله « جغرافیای اقتصادی افغانستان » تحریر جناب میر محمد صدیق خان منتشره سالنامه ۱۳۱۳ استفاده شده است .

اهمیت صنایع :

صنایع جهت استحصال ثروت و نیروی یک قوم و رفع قسمت کلی ازاحتیاجات حوامع بشر و واسطهٔ بس مهم است . اندک عطف نظر بماضی واضح میکند که بشر از آوان ترک مغاره ها و استفاده از بارهٔ عناصر خارجی دست بدامن صنعت زده بیاری و مدد آن توانست برای خود بصورت خیلی ساده و بسیط خانه ، لباس ، آلات . . . و غیره تهیه کند تا از برودت ، حرارت و حماة حیوانات درنده و هم نوعان خود مصون بماند . از همین تاریخ است که صنعت به نظرها محبوب جلوه نموده اهمیت آن حس و آهسته آهسته نظر به تنوع و زیادت احتیاجات بشری اهمیت آن کسب فزونی کرده انسانها در تکامل و ترقی آن بایک مجاهدت خسته گمی ناپذیری کوشیدند تا اینکه از دورهٔ ابتدائی بدورهٔ لونجه و یا « لوجه » (جمعیت صنفی) و (صنایع کوچک) و (مانوفاکتور - کارخانه ها) و بالاخره باین دورهٔ محیر العقول صنایع بزرگ رسیدند . زبده و شروع این دورهٔ اخیر الذکر اهمیت آن باندازهٔ بلند رفت که دیگر امورت توانست با آن رقابت و همسری کند . مشهودات بما ثابت میکند که دنیای صنعتی برای خریداری مواد خام بقیمت نازل و استهلاك مستحصلات خود چه محاربات خفیه را روی کار آورده و چه کوشش‌ها

مینماید و یک چیز مسلم است که در عوامل مستعمره گیری و کشورستانی آینده موضوع صنعت دخل قوی دارد . خلاصتاً میگوئیم که صنعت مولد ثروت و ثروت مولد قوت و قوت هم معاون تفکر یعنی آلهٔ فعل ، شرط نهضت و بالاخره مرجع اسناد ملل و محور تحولات و تطورات است . این بود شمهٔ از اهمیت صنعت اینک لازم است مختصراً به بینیم که سیر آن در افغانستان که یک مملکت خیلی باستانی است ، چه بوده ؟

سیر اجمالی صنایع مشهور در افغانستان :

صنایع افغانستان در ازمنهٔ قدیم ، تاریخ خیلی درخشان و مشعشع دارد . قبل از ورود اسکندر مقدونی این سر زمین از خود صنایع بزرگ و مخصوصی داشت . در زمان سلوکس (هوسس سلسلهٔ سیلوکوها) صنایع یونانی با صنایع سابق این سرزمین مخلوط گشته و رفته رفته بحدی این صنایع مر کبه ترقی نمود که در صنایع مشرق و حتی چین نفوذ کرد . باوجود از دست رفتن و نائق زیاد و آثار عمده در فتنهٔ مغل و تهاجمات خراب کارانهٔ کشور ستانان سفاک و ۲۴ مرتبه منهدم شدن ام ابلاد (بلخ) و بیش تر از ده مرتبه از هم ریختن دیگر شهرهای افغانستان ، از روی القاض تاریخی و سیاحتنامه های اجانباً مثلاً یونانی ها و چینی ها و غیره میتوان ثابت کرد که این خاک مهد پرورش چه صنعت کاران زبر دست و چه کارگرهای با ذوق و سلیقه و ماهری مثل مجسمه سازان ، سنگ تراشان ، معماران ، نقاشان

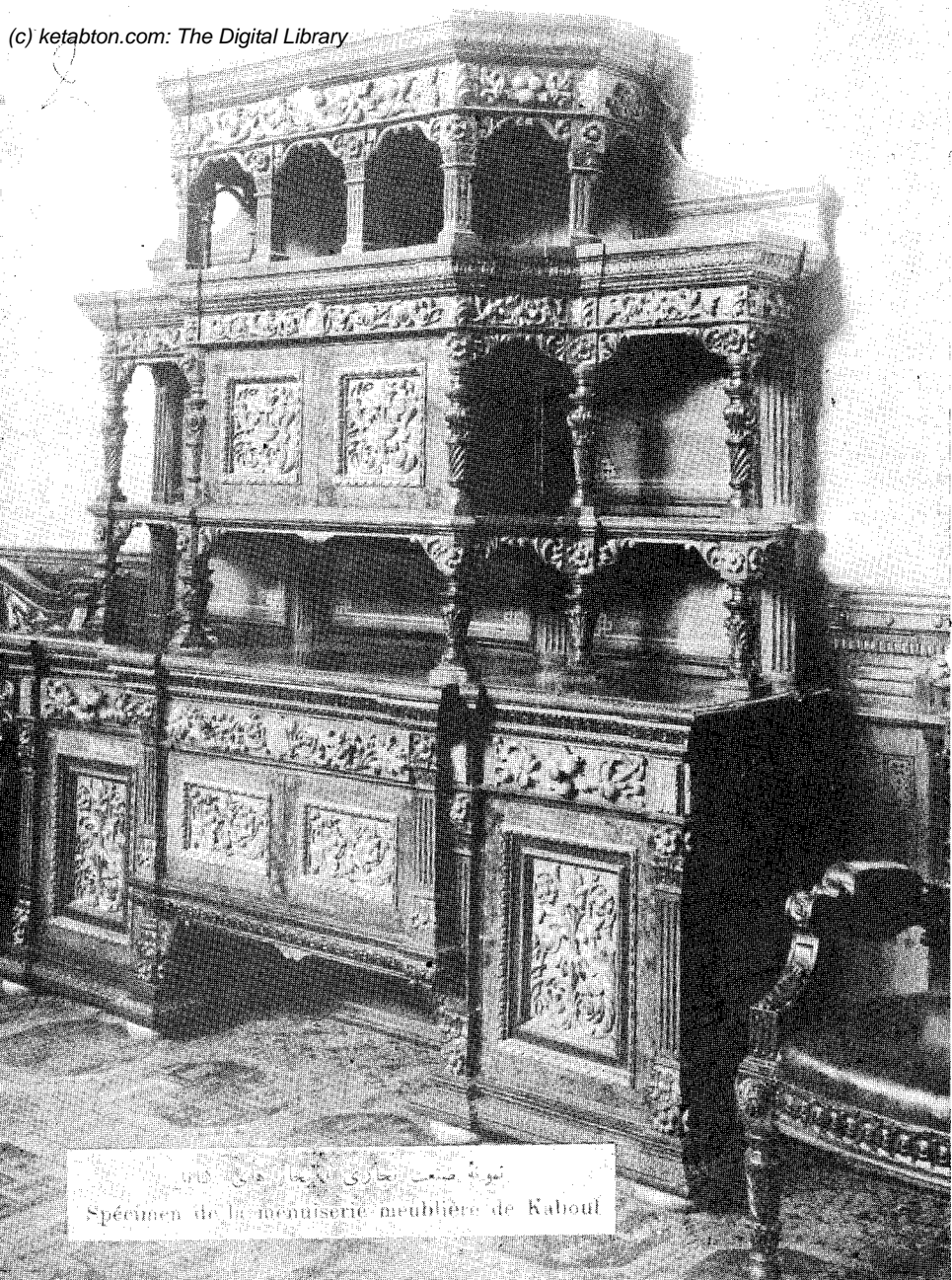
تصعید، ترضیح و غیره . . . بود. در عهد کوشانانیاں عمرانات و صنایع مخصوصاً صنعت حجاری و مجسمه سازی با اندازه ترقی داشت که بسی آثار آن تاحال در بازارهای دنیا بقیمت های خیلی گزافی بفروش میرسد. بخصوص در زمان کانشکاه اول، این ترقی به منتهای عروج رسیده عمارات بزرگ و متعددی بنا گردید و همین موقع است که شکل صنایع بودائی بصنایع یونانی افزوده شده صنعت (گریکو بودیک) «یونانی و بودائی» بوجود آمد. و قتیکه انسان مجسمه های زمان برهن و بودائی را با بسی آثار نقره ای و غیره نیکه در اثر حفریات بدست آمده دقیقانه از نظر میگذرانند ممکن نیست که انسان به پیش عظمت صنایع باستانی قبل از اسلام این مرزبوم متعیرانه سر فرود نیارد زیرا اکثر این اشیاء انقاضی با اندازه دارای ظرافت و نازکی های صنعت است که انسان را در نگاه اول دچار بهت و تعجب میسازد. ازین گذشته هر گاه بدور ساسانیان نظر افکنیم باز هم می بینم که این خطه شهرت پیشینه خود را از دست نداده تکه های پشمی و ابریشمی و زربفت و قالین . . . ان باعث گرمی بازارهای دنیا بود. ازین بایان تر برویم: ظهور دیانت حقّه اسلامی گرچه در ابتدا صدمه بر رخ بعضی از صنایع این خطه فرود آورد لیک دیری نگذشت که علاوه بر احیای صنایع سابقه، به استثنای مجسمه سازی و هیکل تراشی، بسی چیزهای دیگری مثل آلات رصدخانه ها، اسطرلاب، اسباب تقطیر

زردگران، (۱) و غیره . . . بود. در عهد کوشانانیاں عمرانات و صنایع مخصوصاً صنعت حجاری و مجسمه سازی با اندازه ترقی داشت که بسی آثار آن تاحال در بازارهای دنیا بقیمت های خیلی گزافی بفروش میرسد. بخصوص در زمان کانشکاه اول، این ترقی به منتهای عروج رسیده عمارات بزرگ و متعددی بنا گردید و همین موقع است که شکل صنایع بودائی بصنایع یونانی افزوده شده صنعت (گریکو بودیک) «یونانی و بودائی» بوجود آمد. و قتیکه انسان مجسمه های زمان برهن و بودائی را با بسی آثار نقره ای و غیره نیکه در اثر حفریات بدست آمده دقیقانه از نظر میگذرانند ممکن نیست که انسان به پیش عظمت صنایع باستانی قبل از اسلام این مرزبوم متعیرانه سر فرود نیارد زیرا اکثر این اشیاء انقاضی با اندازه دارای ظرافت و نازکی های صنعت است که انسان را در نگاه اول دچار بهت و تعجب میسازد. ازین گذشته هر گاه بدور ساسانیان نظر افکنیم باز هم می بینم که این خطه شهرت پیشینه خود را از دست نداده تکه های پشمی و ابریشمی و زربفت و قالین . . . ان باعث گرمی بازارهای دنیا بود. ازین بایان تر برویم: ظهور دیانت حقّه اسلامی گرچه در ابتدا صدمه بر رخ بعضی از صنایع این خطه فرود آورد لیک دیری نگذشت که علاوه بر احیای صنایع سابقه، به استثنای مجسمه سازی و هیکل تراشی، بسی چیزهای دیگری مثل آلات رصدخانه ها، اسطرلاب، اسباب تقطیر

(۱) در حفریات ۱۹۰۹ از تهداب استوبه ها نیکه کانشکاه اول در حصص مشرقی وطن بنا نموده بود بسی یادگارهای نقره ای بوجود آمده که عظمت صنعت زرگری ان وقت را ثابت مینماید.

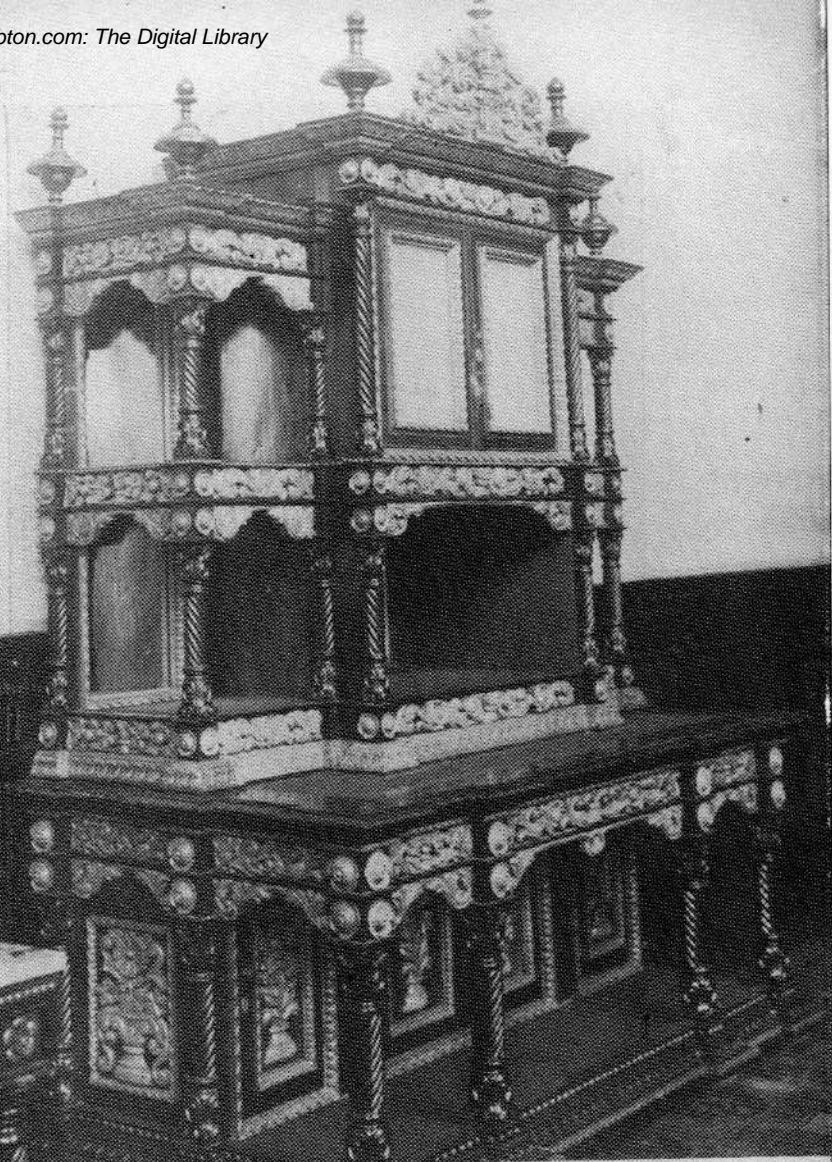
بصورت خوبی این حقیقت را روشن میسازد همچنان بر وفق دیگر صنایع صنعت معماری این ادوار اسلامی هم قابل ملاحظه است. اندک مطالعه در تاریخ افغانستان برای انسان واضح میسازد که چه قصور و عمارات عظیم الشان و مجلل درین ادوار بوجود آمده و چه شهرهای قشنگ و بزرگی به نیروی معماران و نجاران وطن آباد و از دست جهان گیران سفاک منهدم و خاک ریز شده است، باوجود این همه خرابیهای بس زیاد. آثار نسبتاً کمی هم که از طوفان حوادث ندرتاً محفوظ مانده بصورت خوبی شهادت بر عظمت صنعت معماری آنوقت میدهد. درینجا بطور مثال مُصلی های هرات، مسجد جامع هرات، مضعج مولینا جامی و پیر بزرگوار شان، مقبره حضرت خواجه عبدالله انصار، روضه مزار شریف، مسجد خواجه محمد پارسا در بلخ، منارهای غزنی، مسجد سنگی بابر شاه در کابل، و غیره عمارات هرات، بلخ، قندهار را تذکار میکنیم خلاصه افغانستان از نقطه نظر صنعت الی او ایل قرن ۱۶ م (قرن ۹ ه) دارای شهرت بسزا بوده ازین تاریخ به بعد انحطاط آغاز و آهسته آهسته از اهمیت صنعتی خود گداخته رفت. گرچه در زمان اعلیحضرت احمدشاه درانی (۱۱۶۰ ه) صنعت معماری، نقاشی، نجاری، اسلحه سازی و غیره سر از نو قدم بنمو گذاشت لیک محاربات پی در پی وقتی نداد که صنایع ترقی شایانی نموده همان شهرت از دست رفته خود را بصورت صحیح دوباره بستانند - بهترین نمونه معماری و نقاشی آن دور مقبره خود اعلیحضرت احمدشاه میباشد. مثبت گاریهای روی چوب عمارات آن وقت بطرز قلمدانها، تاوه دانها، قرمز کاریها و نقاشی

پرورش صنعت رسامی و میناتور بود. ابتداء تأسیس مکتب رسامی و میناتور در زمان شاهرخ ۱۴۰۵-۱۴۴۷ ع بوده و در ۱۴۳۳ ه کادمی استتاله نمود. ازین وقت است که نفوذ آن نخست در میناتور آسیای وسطی محسوس و رفته رفته رول مهم را بازی نمود. عروج انتهائی این اکادمی در زمان سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹ - ۱۵۰۶ ع) بوده در (۱۵۰۷) با عظمت عمرانی هرات قشنگ یکجا از میان رفت. بهزاد بزرگترین و مشهورترین رسامان آنوقت بوده در ترقی اکادمی صنعت رسامی و میناتور هرات خدمات خیلی ذیقیتی نموده که آثار وی تا حال به نظر احترام در دنیا دیده میشود. در اثر همان خدمات قابل قدر و رسمهای قیمت دار وی است که دنیا برای وی عنوان (ره فائل شرق) را داد (۱). راجع به رسمهای این وقت هرات خلاصتاً مستند به نظریه (مارتین) میگوئیم که هرات مرکز بهترین رسمهای عصر خود بود. صنایع مشهور هرات نه تنها منحصر به رسامی و میناتور سازی بود بل درین اوقات شهرت تکه های زر بفت تصویر دار و ابریشمی و پشمی و قالین و قالینچه آن با کار زرگری، برنج کاری، آهن گری و غیره آن هم شهرت بسزا دارد. دیک برنجی که در سنه ۱۱۶۳ ع مطابق ۵۵۹ هجری اعمال و در هرات موجود است شایان تعجب و حیرت میباشد همچنان چراغ کوچک برنجی متعلق بقرن ۶ هجری که در موزیم کابل موجود است (۱) بهزاد در سنه ۱۴۴۰ م در هرات تولد یافته از ایام خوردسالی نزد شخصی موسوم به سید احمد شروع بشغل رسامی نموده از ۱۴۶۸ - ۱۵۰۶ رئیس اکادمی رسامها و نقاشهای هرات بود.



سیم گل کاری و سرطاق و گنبد بستن آنوقت خیلی استادانه بوده
یادی از دور تعالی باستانی و وطن میدهد - این وضعیت دیری دوام
نموده در زمان فتور یعنی بعد از وفات اعلیحضرت تیمورشاه روحاموشی
گذاشت و تا زمان امیر عبدالرحمن خان صنایع بکلی خفک گشته اثری
از آن معلوم نمیشود . در زمان امیر عبدالرحمن خان یک جنبش بسیار
خفیفی در صنعت معماری و اسلحه سازی دیده شد علاوه از اینکه
یک تعداد معماران وطن شروع بیکار نموده مثل مسجد عید گاه و
مسجد چوب فروشی چند عمارت خوبی ساختند کارگرهای انگلیسی
هم خواسته شده معماران و نجاران وطنی جمع و بریر دست شان
سپرده شد تا عمارت چند بطرز ارو پائی بسازند این معماران و
کارگران حسب تعالیم و هدایات متخصصین خارجی چند عمارت
بطرز ارو پائی که در آن کمی سلیقه معماری و طن هم دیده میشود
با یک فابریکه باسم (ماشینخانه) ساختند درین فابریکه علاوه از
کارخانه اعمال بعضی از اسلحه و لوازم ساده و بسط حربی و غیره
کارخانه نجاری ، رنگمالی ، شطرنجی بافی ، چوکی و میز سازی ،
نقاشی ، مسگری ، کلاه دوزی ، خیاطی ، گلپت گری (لعاب کاری)
ریخته گری ، ضرابخانه . . . و غیره کارخانه های خورد خورد هم
بصورت ابتدائی وجود داشت که بذریعه دست بعضی فرمایشات شاهی را
تهیه و تدارک مینمودند. در زمان پسر وی امیر حبیب الله خان این جنبش
چیزی بیشتر شده فابریکه هائی چند مثل فابریکه چرمگری ، یک فابریکه
مختصر پشمینه بافی (در ماشینخانه عمومی) باسه پایه ماشین برق
جبل السراج تأسیس گردید. دیگر قسمتهای فابریکه عمومی ماشینخانه

نمونه صنعت نجاری کابل
Spécimen de la menuiserie meublère de Kaboul



نمونه صنعت نجاری ، نجاری های کابل
Specimen de la menuiserie meubliere de Kaboul



نمونه صنعت نجاری ، نجاری های کابل
Specimen de la menuiserie meubliere de Kaboul

صنایع و فنون در افغانستان

هم قدری وسعت یافت. از همه بیشتر صنعت زرگری خیلی ترقی نمود که این هم زاده احتیاج شخصی شاه بود. درکارخانه زرگری اقسام اقسام زیورات: گلوبند، انگشتر، دست بند، و انواع لوازم خانه مثل بشقاب، صراحی، قاشق، سماوار، آبخوره، آفتابه، لگن و غیره از طلا و نقره درست میشد. صنعت این زرگران باندازه ترقی نموده بود که میتوان گفت با کار زرگران دنیا همسری میکرد و همین زرگران است که در صنعت زرگری دول مهمی بازی نموده شاگردان شان تاحال شهرت بسزائی دارند. کارهای دستی این زرگران خیلی نفیس و قابل دید است و باید متذکر شد که این صنعت موجوده زرگری برای ما به صرف ملیونها روبیه نصب گشته است. علاوه بر این حرکت در نجاری، معماری و خیاطی و رنگمالی هم دیده شده: وی مثلاً در خود بزیر دست چند نفر انگلیس بعضی معماران و نجاران را و بزیر دست چند نفر استرالیایی که در وقت حرب عمومی فرار نموده و به افغانستان آمده بودند چند نفر رنگمال را داده بذریعه ایشان چندین عمارت مثل قصر دلکشا و چهل ستون و زین العمارت در کابل و سراج العمارت و قلعه السراج در جلال آباد و لغمان و همچنین سامان موبل و غیره را بصول اروپائی ساخت. ازین به بعد معماران و نجاران و رنگمالان در اثر ممارسات متمادی به طرز معماری و نجاری و رنگمالی اروپائی هم آشنا شده اند که اندک پیشه خود را ترقی دادند همچنان چند نفر خیاط بزیر دست استاد خارجی به «مود» اروپائی هم آشنا شده کم، کم این مود را عمومیت دادند. نخست مثل برق، تلیفون و تلگراف هم در زمان وی با افغانستان



قالینچه نفیسی که از طرف شاگردان مکتب صنایع ساخته شده
Joli tapis fabriqué par les élèves de l'école des arts
et métiers

آمده آهسته آهسته وسعت یافته ترقی نمود. بعد از فوت امیر شهید حبیب الله -ان با اینکه چند فابریکه دیگری مثل فابریکه گوگرد سازی سمیت سازی، کارخانه شیشه سازی روی کار آمد لیکن بالعوض بعضی از شعب فابریکه عمومی (ماشینخانه) بکلی لغو و اکثر آن ده چند خورد گردید یعنی اگر در یک کارخانه یک صد نفر کار میکرد (۱۰) نفر باقی ماند و همین دو سه فابریکه تاسیس یافته بود جز فابریکه گوگرد سازی دیگر آن نتیجه نداده سبب مصرف لنگها رویه گردید. و نیز شرکتی بنام شرکت رفیق و ریاستی بنام (تعدیل صنایع) روی کار آمده تا اندازه اشیا نفیس و خوبی ساختند وهم مکاتب خیلی خوردی بنام سامی، سمیت سازی شیشه سازی، مهندسی تاسیس گردیده اما دیری از تاسیس این مکاتب نگذشته بود که جز مکتب رسامی یکی متعاقب دیگر از باعث نبودن لوازم و اساس صحیح و اصول اساسی در همان آوان سقوط نموده هر کدام از شاملین برای خود شغل جدا گانه اتخاذ و نتوانستند که حتی مبادی صنعت را هم بخوبی بیاموزند چه رسد به اینکه در مسلک عملی از خود نشان دهند ضمناً چند مؤسسه مختصر فنی مثل اکسریز و دستگاه بسیار کوچک را دیو تاسیس یافت که در زمان انقلاب اکثراً تلف و از هم پاشیده شد. آمدمی قسمت معماری، نجاری، حجاری، درین صنایع نسبت به زمان امیر حبیب الله خان شهید چیزی ترقی دیده میشود. معماران، نجاران، حجاران در اثر یک سلسله کار تحت تعلیم و هدایات مهندسین وطنی و جرمنی ها و ایتالوی ها تا اندازه کسب مهارت نمودند لیکن این فائده ما هم مثل فائده ما در صنعت زرگری است که در اثر

صرف پول بس زیاد که معادل چندین قیمت عمارات آن وقت است یک عده عمارات معدود بوجود آمده و یک عده معماران، نجارها حجاران ما با اصول تعمیر جرمنی، ایتالوی آشنا شدند. در زمان انقلاب اخیر فابریکه ها و کارخانه هائیکه از سابق باقیمانده بود اکثر آنها برهم و خراب شده پرزه ها و اکثر اسباب آن بدست هر کس و نا کس افتید. از زمانیکه زابنه بزرگ وطن اعلی حضرت فقید شهید (رح) سریر آرای سلطنت افغانستان شدند بر وفق دیگر امور معارف، عسکری، اقتصادی و... و غیره، صنعت و فنون هم آهسته آهسته سراز نوجان گرفته مانند طفل شیرخواری مجدداً به پا ایستادن شروع کرد. فابریکه های برهم و خراب حکومتی مجدداً تکمیل گردیده علاوه بر توسعه فابریکه عمومی بسا فابریکه های جدیدی مثل کارخانه ترمیم موتور و بسته کاری، دو کارخانه صابون سازی، کارخانه سنگ لاجورد، کارخانه تیل کشی از نباتات، کارخانه نجاری مرکز و کارخانه نجاری دارالفنون، کارخانه اساسی جراب و بنیان بافی، کارخانه دکمه سازی... و غیره کارخانه ها با بسی موسسات قیمتدار دیگر تاسیس گردیده وسائل تشویق و ترغیب صنعتکاران از هر سو مهیا گردیده و با اهل صنعت بسی مساعدتها بعمل آمد. برای اصلاح و بهبود صنایع نفیسه، مکتب صنایع نفیسه به اصول خیلی خوب و اساسی تاسیس و جهت ایشان معلمین لائق داخلی و خارجی استخدام شد که اکنون در بعضی شعب صنعت تأثیر این مکتب را بطور بارزی مشاهده میکنیم - گذشته از این در قسمت فنون و معماری، نجاری، حجاری هم نهضت جدیدی دیده شده بسی عمارات عظیم الشان تعمیر و یک تعداد معماران، نجاران، حجاران

شرف تکمیل و توریید است که عنقریب ازین ها استفاده گرفته خواهد شد. ضمناً روز بروز به مکتب صنایع توجه شده معلوم لائق استخداام و شعبات آن وسعت یافته میروند. همچنین در امور عمرانی ترقی محسوسی دیده شده میروند. برای صلاح امور عمرای علاوه بر مدیریت عمومی تعمیرات و مدیریت مهندسی و شعبه مهندسی ریاست بلدیة کابل و دیگر ولایات که دارای مهندسین لائق بوده برای تعمیر اصولی پای تخت و باقی بلاد وطن خدمت میکنند در مرکز شرکتی باسم (شرکت عمران) تشکیل و دران مهندسین لائق و مقتدری موظف گشته اند تا نهضت عمرانی را تسریع نمایند این ریاست علاوه از اینکه یک سلسله عمارات را تعمیر و نگرانی میکند حسب هدیایات متخصصین آن، معماران و مهندسین دیگر هم بصورت بهتر و جدید تر کار آگاه میشوند. ازین هم گذشته بعضی اصولات Protection (محافظة صنایع ملکی) هم مثل منع صادرات اثاث البیت (چوکی میز، الماری وغیره) و قالین وغیره، ترنید محصول بر صنایع خارج و تشویق و ترغیب جبهه ساختن شرکتها، دادن انعام در جشنها، اعطای تقایر هم بعمل آمده که این هم نوید آتیه درخشانی را بوطن پرستان میدهد. ازهمه بیشتر اقداماتیکه راجع بتاسیس کارخانه بزرگ برق آبی بقوه ۳۰۰۰ کلبوات برای تسویر کارخانه جات آتیه که در کابل تاسیس میشود و اقدام به توریید کارخانه سمنت سازی (غیر از کارخانه سابقه) و کارخانه قندسازی از لبلبو (غیر از کارخانه قندسازی مرامت طلب که از نیشکر قند میسازد) کارخانه ساخت بنیه هیدرو فیل برای شفاخانه ها وغیره مؤسسات فنی و کارخانه های صنعتی دیگر باقراردادیکه راجع به تیل نفت هرات با شرکت (ایتلیندا کسپلوریشن کمپنی)

بالعمل بصورت بهتری کار آگاه گشتند علاوه تا مدیریتی باسم مدیریت عمومی فابریکات در وزارت فوآد عامه تشکیل شد تا در راه ترقی فابریکات و صنایع وطن خدمت کثیری نماید چنانچه تا اکنون مصدر خدمات خوبی شده است. همچنین در همین زمان راجع به تیل فون و تلگراف اصلاحات خوبی بعمل آمده سلسله تلگراف و تیل فون در بسی ولایات و اطراف تمدید شد. خلاصه در زمان این پادشاه ترقیخواه، افغانستان با وجود مدت بس قلیل، گامهای وسیعی بسوی ترقی صنعت برداشت. در زمان خلف الصدق وی اعلی حضرت جوان بخت معظم المتوکل علی الله همه پلانها و پروژه های آن فقید شهید یگان یگان تطبیق شده از اثر آن روز بروز تصور بزرگی در امور صنعتی و فنی دیده میشود. درین زمان بر علاوه توسیع و اصلاح فابریکهای بزرگ سابقه مثل فابریکه بزرگ پشمینه بافی قندهار، کارخانه بزرگ نج تابی و پارچه بافی جبل السراج کارخانه عصری پخت چرم، کارخانه پشمینه بافی قندهار، کارخانه کنسروه (حفظ میوه) کارخانه سنگتراشی، کارخانه دباغی مزار، ماشین برق قندهار، ماشین برق هرات، مزار شریف، چهار بیکار، ماشین دیزل ماشین خانه کابل، ماشین جدید برق جهت جبل السراج و غیره در همین زمان سعادت اقتران روی کار آمده است که جز کارخانه کنسروه و چرم گری و بیخ سازی دیگر همه ان از طرف حکومت تاسیس یافته. بر علاوه بسی فابریکهای دیگر مثل فابریکه بزرگ نساجی که دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی است و فابریکه چرم گری و نجاری جدید ما و رای سه فابریکه نجاری سابقه با استیشن بزرگ تلگراف، رادیو، اکسریز (به استثنای اکسریز سابقه) و غیره در

کثیری از اهالی افغانستان را رفع و ضمناً منافع کثیری بدست آورد . تعداد مجموعی ماشینهای این فابریکه تقریباً بالغ به (۶۰) میشود .

فابریکه نختابی و پارچه بافی جبل السراج :

این فابریکه نیز از جمله فابریکه های جدید التاسیس است که بدوره فرخنده اعلیحضرت المتوکل علی الله تاسیس یافته . این فابریکه دارای (۷۸) پایه ماشین اتوماتیکی عصری بوده از بنه های وطن که خوبی آن در دنیا شهرت بسزائی داشته و در اکثر نقاط افغانستان به يك پیمانۀ خیلی زیادی بدست میآید نخ و پارچه های خوب نخی از قبیل : جیم کشمیره ها ، سرخی ، چیت مخصوص به يك پیمانۀ زیادی تهیه میکند . این فابریکه تقریباً مدت ۵ ماه است که تکمیل گردیده شروع بکار نموده است . تکه های این فابریکه از اکثر تکه های نخی خارج تفوق و مزیت دارد . در همین زودی ها محصولات آن در بازارهای وطن آمده گرمی بازار يك تعداد منسوجات نخی خارج را به برودت مبدل خواهد ساخت .

فابریکه نساجی کابل :

این فابریکه مدت زیاد است بکار انداخته شده روز بروز اصلاح و بزرگ شده رفت . حاضرأ يك فابریکه بس مفیدی بوده به يك مقیاس زیاد تکه های گرم زمستانی و بهاری از پشم های وطن تهیه میدارد . این فابریکه هم شعبۀ شست و شوی ، خشک کردن و ریسیس و بافت و غیره علیحده دارد . تکه های آن بصورت عمومی به سه نوع تقسیم میشود : املی ، اوسط ، ادنی ، تکه های اعلاي آن از اکثر تکه های خارجی هموعش برتری دارد . ماشینهای این فابریکه نیز برقی میباشد . علاوه برین فابریکه ها يك فابریکه بزرگ دیگر نساجی که دارای

و قرار داد معادن جنوب که با يك شرکت آلمانی شده مارا بیشتر مسرور میسازد . خلاصتاً باید گفت که درین عرصه ۳ سال حکومت ترفیخواه نهضت پسند ملت پرور ما با وجود مدت قلیل در راه صنعت و فن هم خدمت قابل قدری نموده است که اولاد موجوده و آتیۀ وطن با وجود مرور قرنها این خدمات ایشان را نیز فراموش نخواهند کرد .

فنون و صنایع موجودۀ ملکی

قسمت مادی

صنایع متعلقه به منسوجات و پوشا که

در اثر اقدامات جدیدانه حکومت موجوده صنعت نساجی روز بروز اصلاح شده و روبرقست و این صنعت را نخست به دو قسم تقریبی میتوان کرد (۱) نساجی بذریعۀ ماشینهای برقی (۲) توسط آلات و کارگاههای دستی . کارخانه هائیکه بذریعۀ ماشینهای برقی فعلاً مصروف کار و تدارک منسوجات اند عبارت از فابریکه پشمینه بافی قندهار ، فابریکه نختابی و پارچه بافی جبل السراج و فابریکه نساجی کابل است که اینک تا يك اندازه راجع به آنها معلومات میدهم :

فابریکه پشمینه بافی قندهار :

این فابریکه از جمله فابریکه های جدید التاسیس بوده دارای بهترین و جدیدترین ماشینهای شست و شوی پشم ، خشک نمودن و تاب دادن و بافت و غیرۀ اتوماتیکی است که هر نوع تکه پشمی بکمال نفاست و لطافت از آن بیرون می شود . این فابریکه درین نزدیکی شروع بکار نموده در عرصه کمی بخوبی میتواند که يك قسم احتیاجات عدۀ

(۲۰۰۰) دستگاه عصری اتوماتیکی است قریب ۲ سال میشود که از طرف شرکت نساجی خریداری شده معطل تکمیل پاره ازامداد است که ان شاء الله بظرف یکنیم سال آئینده کار آن تمام شده بکار شروع خواهد کرد.

فابریکه بئیمان و جراب بافی :

این فابریکه از مدتیست که جاری بوده انواع بنیانهای مردانه و زنانه، جرابهای مردانه، دستمالهای گردن از پشم خالص وطن بصورت خوب و نفیسی میسازد که از اکثر امتعه خارجی بهتر و نفیس تر و با دوام تر است. این فابریکه دارای ۱۶۵ پایه ماشین برقی بوده یومیه محصولات زیادی میدهد. شعبه پشم ریزی فابریکه پشمینه بافی قندهار عقرب در قسمت تهیه پشمهای باریک و لطیف این فابریکه خدمت خوبی نموده به قیمت نازلتری امتعه درجه اول و خیلی اعلائی آن در بازار خواهد بر آمد. امتعه این فابریکه بیشتر در مغازه مخصوصه مدیریت فابریکههای عمومی بکثرت وجود میشود. آمدیم بقسمت دوم یعنی نسج بذریعه کارگاهها و آلات دستی : صنعت نسج بذریعه کارگاههای دستی در اکثر نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد. بذریعه این کارگاهها کشمیره نخ و پشمی نیکه در جبل السراج و مشرفی و کابل مییافتند اکثر از تکه های بافت ماشین فرقی ندارد نقصی که مشاهده میشود تنها قلت استحصال است نسبت بزحمتشکی و صرف وقت. در بین تکه های پشمی نیکه بذریعه کارگاههای دستی بافت میشود تکه کرک، قاقمه، بشرویه، برک، شهرت زیادتری دارد. کرک و برک خیلی مضبوط و گرم و با دوام است حتی دیده شده که بیشتر از ۱۰ سال هم با وجود استعمال زیاد دوام کرده است. این دو تکه جهت کرتی، برجس، بالاپوش استعمال میگردد کرک در هرات و میمنه و برک در علاقہجات مرکزی، غزنی، سمت شمالی کابل و نیز هرات به یک اندازه

زیادی برنگ های مختلف بصورت خوبی بافته میشود، تکه قاقمه یک تکه نازک و نفیس و برشته پشمی است که نخ آن در اثر تاب دادن زیاد چون نخ پنبه می بازیک و عاری از موهای برجسته میگردد. از این تکه خوب و نفیس اهالی کرتی ها، واسکت ها، چین های بهاری میسازند بافت آن بیشتر در هرات، مزار، قطغن و بدخشان صورت میگیرد رنگ آن مثل کرک و برک مختلف است. بشرویه یکی از قسم های نازک و لطیف کرک است که از آن مردم کرتی، چین، پیراهن های زمستانی میسازند. گذشته از این در شغنان، نورستان، سمت جنوبی، پنجشیر بعضی تکه های مثل برک بذریعه کارگاههای دستی مییافتند که اکثر از آن چین ها و چکمن ها (۱) ساخته میشود.

در حصص مرکزی، نورستان و سمت شمال مملکت شلهای مختلف کرکی و در کابل و استان پتوهای مختلف بافته میشود و بالخاصه پتوهای نفیس کابل خیلی ها قابل تعریف بوده به یک پیمانۀ زیاد بخارج بفروش میرسد.

تکه های ابریشمی :

بذریعه کارگاههای دستی از ابریشم های وطن در کابل، هرات، جلال آباد سمت شمالی قنایزهای خوب، کیش بافها، تسر، لنگی های سر، روجائی، دستمال ... وغیره بافته میشود لیک تکه ها و اشیائی که در کابل و هرات ساخته میشود از همه نفیسترو بهتر بوده فروش آن به یک پیمانۀ محدودی در خارج هم صورت میگیرد. قنایز و لنگی های سر که مطابق لنگی های یردی بل برانب بهتر و خوبتر از آن است بیشتر تکه های قابل تعریف میباشد یک قسم تکه ابریشمی دیگری در حصص قطغن و بدخشان به اسم آنچه

(۱) چکمن نوع لباس است که اکثر مردم سمت جنوبی آنرا بعوض کرتی استعمال میدارند.

بافته میشود که دارای الوان مختلف بوده اهالی مزار و قطن بیشتر از آن جن های اعلی میسازند . علاوه بر جلال آباد لنگی های سرشانه که حواشی آن مزین با ابریشم های ملون است بصورت خوبی میافند .

نسج اتمعه نخي :

کشمیره های مختلف ، تسر ، چادر شب ها ، لنگی های سر ، لنگی های سرشانه ، رواجی ها ، دستمالهای دست ، کرباسهای اعلی و غیره به يك اندازه زیاد از نینه های تاب داده وطن و نخ های خارج در اکثر نقاط افغانستان و بالخاصه جبل السراج و نواحی کابل ، مشرقی بافته میشود . لنگی های سر نخي که در جبل السراج و جلال آباد ساخته میشود مطابق لنگی های بشاور است علاوه بر مشرقی يك نوع لنگی های سرشانه با حاشیه های مخصوص از نخ تیار میکنند که مورد احتیاج اکثر اهالی مشرقی میباشد و نیز در حصص شمال وطن تکه هایی به اسم الجبه از نخ به الوان مختلف (رهدار و غیر رهدار) بکثرت تهیه میدارند بعضاً گلابتون و ابریشم ونخ را مخلوط نموده تکه خوب و نفیس تری بوجود میارند .

انواع بافت بذریعه آلات دستی :

به استثنای کارخانه بنیان و جراب بافی ، در بسی نقاط افغانستان بکثرت زنها و مردها وجود دارد که بذریعه ماشین خورد دستی و کرشیل و سیخها مصروف بافت انواع اتمعه اند . چنین اتمعه بصورت عمومی عبارت از سه قسمت است : پشمی ، سندی ، نخي ، قسمت پشمی آن به دو تقریق است . اتمعه که در آن پشم تاب داده آلات دستی (که بذریعه چرخه و چیلک تاب میدهند) و اتمعه که با پشم تاب داده ماشین افت میشود . اتمعه تیکه بذریعه پشم اول الذکر بافته میشود قدری کلفت و درشت است اما اتمعه تیکه از پشم موخر الذکر ساخته میشود خوب و نفیس بوده

اکثراً از اتمعه تجارتي اروپائی پس نیماند . بصورت عمومی اتمعه پشمی عبارت از بنیانهای مردانه و زنانه ، جرابها ، دستمالهای گردن ، کلاها و غیره میباشد . آمدمیم به اتمعه سندی ، اتمعه سندی عموماً از سند هائیکه از خارج میآید بافته میشود و این عبارت از جا کتھا ، رو پطنوسی ها ، سرمیزی های گلدار ، کلاها ، چادرهای گل دار است . اتمعه نخي منحصر به جراب ، کلاه و پیراهن هامیباشد . این صنعت روز بروز در بین مردم رواج پیدا کرده میرود . هرگاه اشخاصیکه بذریعه دست جراب و پیراهن میافند نیز تهیه ماشین خورد دستی را بنمایند استفاده ایشان بر مراتب بلند خواهد رفت . این صنعت بیشتر در کابل ، هرات ، قندهار سمت شمالی ، مشرقی ، علاقجات مرکزی ، مزار رواج دارد .

بوت و موزه دوزی :

این صنعت درین اواخر ترقی خوبی نموده روز بروز دیده میشود که بازار چنین اتمعه خارج سست و اموال وارداتی شان از سالی بسالی میماند . حاضرراً فابریکه به اسم فابریکه بوت دوزی در حصه زننده بانان کابل وجود دارد که بذریعه يك تعداد ماشینهای برقی و دست دوز روزانه ۸۰ جوره بوت رقم سائری و ۷۰ جوره موزه اعلی و اوسط و چیزی بوت خاصه تهیه میدارد علاوه بر يك عمارت جدیدی هم برای فابریکه جدید بوت دوزی تعمیر و يك تعداد ماشینها تهیه شده که چندی بعد مابقی کار آن تکمیل گردیده شروع بکار خواهد نمود . در شرکت و دکانهای شخصی کارا کثراً بذریعه دست است . تنها رویه بوت و موزه و غیره را بذریعه ماشین های که بذریعه پا و دست چرخانده میشود میدوزند . این صنعت کاران از عهدۀ دوخت هر نوع بوت و موزه و غیره

گاو میشی و آهوگی را گرفته بصورت چیه و بعضاً راسته بصفائی بطرز مخصوصی دوخته به آن پسکی دراز تر از نیم ساق و بینی چه داده تلی های مضبوط و محکمی را ضم و در وسط رویه آن جری میکشند. پیزارها چون بوتهای جیر حاجت بروغن و جلا نداشته بدون استعمال هیچ نوع مواد شحمیه چندین سال داشت و دوام دارد بعضاً بروی پیزارها از ابریشم و بعضاً هم از گلابتون گل هم میوزند این صنعت در تمام جلال آباد، کابل، غزنی، قندهار، هرات بیشتر رواج دارد.

پوستین دوزی :

اکثراً پوست بره، روباه، خفک، سگ آبی، قره گلی
و غیره را گرفته بعد از دباغی بصورت مخصوصی جهت خنک های زمستان پوستین و پوستینچه های اعلی و خوبی میسازند. نظر به دیگر پوستها از پوست بره بیشتر پوستین تیار میکنند. مهمترین مراکز پوستین دوزی غزنی، هرات، سمت شمالی (استالف و چهار یکار)، کابل (زنده باقان و بی بی مهرو) میباشد. در این مواضع پوستین به یک اندازه خیلی زیادی ساخته شده در بازارهای داخل و خارج بفروش میرسد. پوستین های غزنی در همه جا شهرت بیشتری دارد. این صنعت روز بروز اصلاح شده اکنون مطابق ذوق هر نوع مشتری بقسم یلان، بالاپوش و غیره نیز میسازند اکثراً پوستین های بره ئی را که در روی آن رویه از تکه گرفته نمیشود بادوخت ابریشم های نارنجی و زرد مزین میکنند. به استثنای پوستینهای که در فوق بدان اشاره رفت و درین مملکت به کثرت وجود دارد از پوستهای سمور، خز، آلتای . . . هم پوستین های نفیس و خوبی

برآمده کار را بکمال نفاست و خوبی میکشند. اکثراً بوت و موزه های ساخت وطن از بوتهای کم دوام تجارتهی خارج بمراتب برتری و مزیت دارد. درین صنعت بوت دوزهای کابل و قندهار شهرت بیشتری دارند. ثمره دست همین صنعت کاران است که احتیاج یک طبقه زیاد را تدارک میکنند. از ۱۰ هزار یک نفر خواهد بود که ازین قبیل مستحصلات وطن استعمال نکرده امتعه خارج را ترجیح دهند. خوریکه در فوق به ان اشاره رفت بوت دوزهای وطن تنها بوت و موزه تهیه نکرده بوت موزه، گیتس، بوت نیم ساق و ساقدار، سلیمیر مسیح سرپائی، چپلی . . . هم بیک تعداد زیاد اعمال و در معرض فروش میگذارند. خلاصه این صنعت یکی از صنایع ترقی یافته وطن است لیک تقصی که دران وجود دارد همین اجتهاد انفرادی صنعتکاران بارار و عدم توجه به تاسیس شرکتهائست که از عهده توريد ماشین های برقی برآمده بتوانند. اگر به این هم موفق شوند در آینده قریب میتوانند که بمقابل امتعه خارجی که محصول ماشین های بزرگ است در بازارهای خارج نبرد آزما گردند. گرچه شرکتهی بنام «شرکت رفاه» تاسیس و چندی از کار یگرها جمع و رونقی بکار بخشیده اند ایک از باعث قات سرمایه نتوانسته که ماشین های لازمه برقی توريد و درجه مستحصلات خود را به اندازه که از واردات خارج بی نیازی حاصل شود، بلندبرد.

پیزار دوزی :

این صنعت از ادوار تاریخی درین مملکت رواج داشته حاضراً هم مثل بوت و موزه به یک پیمانۀ خیالی زیادی اعمال میگردد. صورت ساختمان پیزارها به این طریق است که اکثراً چرمهای گاوی و

میسازند. خلاصه این صنعت با کمی اصلاحات فنی يك صنعت خیلی قیمتدار شده بخوبی میتواند که در بازار های مناطق بارده و معتدله مشتریهای بس زیادی پیدا کند.

خیاطی :

در خیاطی از زمان امیر عبدالرحمن خان تجدید دیده میشود و مشارالیه يك عده خیاطها را برای کار شخصی خویش بر بردست يك نفر خارجی داده و ادارشان به آموختن خیاطی جدید نمود. همچنان امیر حبیب الله خان نیز خیاط خانه شخصی تحت اثر يك نفر خارجی داشت که اکثر خیاطها ازان استفاده نموده اند. از همین تاریخ است که بعضی خیاطهای وطن به «مود» اروپائی هم آشنا شده آهسته آهسته ان را عومیت دادند. حاضرأ بسی خیاطهای ماهری در وطن وجود دارد که از عهدۀ دوخت هر نوع لباس اروپائی و ملی بخوبی بدر شده میتوانند. تمام خیاطهای وطن جز امور یکه از ماشین ساخته نیست قسمت زیاد دوخت خود را ذریعۀ ماشینهای دستی خیاطی اجرا نمایند. در سنۀ گذشته برای زیادت خیاطهای خیلی ماهر و متخصص، صنفی برای خیاطی در مکتب صنایع نفیسه ایزاد گشته که دران به اندازه ۴۵ نفر طلبه بر بردست يك نفر متخصص وطن مصروف تعلیم خیاطی اند.

کلاه دوزی :

کلاه دوزها دو قسم اند، کلاه دوزهاییکه کلاه های رقم عسکری و مامورین مسلکی از قبیل قره گلی، بیری، شایو، کاسکت میسازند و کلاه دوزهاییکه کلاه های قتیله ئی قرص مردانه و زنانه سبم دوزی تیار میکنند کلاه دوزهای اول الذکر از عهدۀ ساخت هر نوع کلاه

بدر شده بسی کلاه های فشننگ و نفیسی میدوزند این نوع کلا دوزها بیشتر در کابل و دیگر شهرهای مهم وجود دارد. کلاه دوزهای موخر الذکر هم در رقم کار خود ماهر بوده انواع کلاه های قرص و سبم دوزی و غیره میدوزند. در ساخت کلاه قرص و سبم دوزی کلاه دوزها و عرفچین دوزهای قندهار و کابل و در دیگر نوع کلاه های قتیله ئی و غیره مزار، قطن و بدخشان، مشرقی، هرات و کابل شهرت و مهارت بیشتری دارند. این قسم دوم کلاه و عرفچین دوزی اکثر مشغله زنهاست

دکه سازی :

چپته ساخت دکه های مختلف شاخی خورد، وسط و کلان يك کارخانه در کابل موجود است که بذریعۀ ۱۵ پایه ماشین برقی و متخصص و کارگرهای وطنی از شاخ گاو، بز و شنگل های گوسفند و غیره دکه های خیلی خوب و فشننگ مثل دکه های شاخی خوب و نفیس خارج میسازند. این کارخانه از ۸ سال باینطرف مصروف کار میباشد علاوه برین در شعبۀ ریزه کاری ماشینخانه عمومی دکه های برنجی محراب و مشردار و در دکانهای ریخته گرها دکه های برنجی ساده به يك بیماژۀ زیادی اعمال میگردد

صنایع متعلقه عفروشات

قالین و قالینچه :

این صنعت مثل صنعت حجاری يك صنعت خیلی مشهور فنیمی است. حاضرأ در افغانستان انواع قالین های منقش و زیبا که از حیث دوام و بخته گری رنگ و نفاست با تمام قالین های اعلائی دست

ساخته میشود. این صنعت هم يك صنعت قدیمی بوده با چیزی تغییر و ترقی تا حال دوام نموده است صورت بافت آن مثل قالین ذریعه کارگاه دستی بوده نظر به قالین سهل تر بافته میشود. مشهورترین و نفیس ترین گلمها گلمهای: حصص شمالی، مقری، اندری، فراهی، هراتی میباشد. بعضی گلمهای فرمایشی بزرگ فراهی، قاقه‌ئی، مزاری میباشند. هرانی به اندازه ۴۰۰ و ۵۰۰ افغانی هم قیمت دارد. بر علاوه مواضع فوق در حصص سطح مرتفع مرکزی، غور بند، سمت شمالی کابل، غزنی و غیره هم به يك پیمانته وسیعی گلم میسازند لیکن این گلمها اکثر بدرجه دوم و سوم است. درین گلمهای قاقه‌ئی، مزاری، فراهی مقری و غیره آنطور گلمهای مضبوط پیدا میشود که بیشتر از ۳۰ ۴۰ سال دوام دارد اگر از طرف کارگرافداری دقت بعمل آمده در طرز و رنگ آن ذوق و سلیقه بخرج دهند این صنعت بیشتر ترقی یافته مشتریهای خارج را زیاد تر بسوی خود جلب خواهد نمود. چنانچه اخیراً صنعت گلم بافی در محس عمومی با اصول صحیح ترقی کرده و از لحاظ مضبوطی ساخت و خوبی رنگ و نفاست خود خیلی جالب توجه واقع شده است

شطر نجی :

شطر نجی يك فرش بهار است كه از نخ های تاب داده بذریعه کارگاه دستی بصورت گلم نازک، بافت و در بهار بموض قالین و گلم استعمال میشود. این صنعت در جبل السراج، شتل، سالنگ، مقر بکثرت وجود دارد مستحضلات آن عبارت از فرش خانه سرچهار پاگیها جاینازها میباشند باین نوع شطر نجیها ابتداء کز زمان امیر عبدالرحمن خان توجه بعمل آمده مشارالیه يك کارخانه شطر نجی بافی تأسیس نمود که در آن

بافت دنیا همسری میکند بذریعه کارگاههای دستی ازبشمهای متنوعه وطن به يك پیمانته خیلی زیادی بافته میشود. این صنعت به اعتبار اکثریت مشغولیت و بیشه خانهاست. مشهورترین قالین و قالینچه های افغانستان قالین و قالینچه های دولت آبادی، قزل ایاقی، آقچه ئی، کرخی، کابلی (۱) و غیره میباشد ليك از همه اینها قالینها و قالینچه های دولت آبادی بهتر و نفیس تر است زیرا همان قالین موری (مروی) که سابقاً در مرو ساخته میشد اکنون بهمان نفاست توسط همان صنعت کاران در دولت آباد افغانستان بکثرت اعمال میگردد. صنعت قالین بر علاوه مواضع فوق الذکر در فروراه و سفرزار... و غیره جاهای هرات و قندهار بکثرت وجود دارد ليك باعتبار اکثریت باقالین و قالینچه های مواضع فوق الذکر چه از نقطه نظر بافت و چه از نقطه نظر رنگ همسری کرده نمیتواند.

اکثر قالینهای افغانستان به اندازه بادوام و مضبوط است که با وجود استعمال دائمی الی ۱۰۰ سال هم دوام دارد. در طرف این مدت در رنگهای پخته آن نیز تغییری رخ نمیدهد.

مستحضلات قالین به اندازه زیاد است که قسمت زیاد آن در داخل و یک قسمت آن در خارج بفروش میرسد. این صنعت روز بروز رو به ترقی بوده سالانه يك تعداد صنعت کاران ماهر چه از مکتب صنایع نفیسه و چه از زبردست صنعت کاران دیگر خارج میشود.

گلم :

گلم در افغانستان يك فرش عمومی بوده به يك پیمانته خیلی زیادی

«۱» در کابل از طرف طلاب مکتب صنایع نفیسه و فارغ التحصیل های آن مثل قالین و قالینچه های ایرانی و فروشات نفیس ساخته میشود.

تیل تولید برق مینماید بقره ۲۲۰ کیلووات در ماشینخانه کابل، یک ماشین آبی بقره ۵۰۰ کیلووات در هرات، ماشینی بقره ۳۰۰۰ کیلووات در قندهار، ماشینی آتشی بقره ۲۵ کیلووات در مزار، ماشینی آبی بقره ۲۰۰ کیلووات در پغمان و ماشینی بقره ۲۵ کیلووات در جلال آباد وجود دارد که از تمام آنها جهت تنویر و غیره بذریعه متخصصین و کارگرهای داخلی و چند نفر مستخدمین خارجهی کار گرفته میشود. بر علاوه این ماشینها در همین نزدیکیها چند ماشینترین جدید بقره (۹۶۰) کیلووات برای فابریکه برق جبل السراج وارد شده است. گذشته ازین چون کارخانههای متعدد دیگری در نظر است بکار افتد فابریکه مالک ماشینهای چند بقره (۳۰۰۰) کیلووات برای مقام وردک که کار تعمیر آن جاریست و ماشینی بقره (۴۵) کیلووات برای چهاربیکار تهیه دیده شده که عنقریب ماشینهای آن وارد و بمواضع مذکور نصب خواهد شد. خوشبختانه وجود آب فراوان و آبشارهای قدرتی زیاد جهت انبساط کارخانه جات برق سهولت زیادی پیش کرده و بنابراین ترقی آینده کارخانه جات برق که عامل درجه اول ترقی و توسعه صنایع است یک امر یقینی میباشد.

تلفون و تلگراف سیم دار:

تلفون به تمام ولایات و حکومتیها و حتی علاقه دارها تمدید یافته روز بروز دامنه آن وسعت یافته میرود ازین جمله اکثر سیمهای تلفون و تلگراف سیمدار یکجا میباشد و بهمه نقاط مهمه بخابره میکنند. حاضرأ به ایندرجه تمعیم یافته که در شهرهای مهم علاوه بر تمام دوائر و شعب رسمی

به الوان و اقسام مختلف سطرانچی بافته میشود. اینک در محبس عمومی یک شعبه سطرانچی بافی در جمله دیگر شعب صنعتی از طرف حکومت متبوعه تأسیس یافته که مجوسین بکمال ذوق و شوق این صنعت را آموخته کار میکنند.

نمد:

بمثل قالین و گلم و غیره کارگاه نداشته بذریعه فشار و مالش های متمادی و زیادیک فرش گرم برای خنک های زمستان تهیه میدارند این صنعت بیشتر در هرات، فراه، قندهار، وردک، حصص سطح مرتفع مرکزی وجود دارد. نمدآبداری هرات که آنرا نمد کرکی هم میگویند که نفیس ترین و خوبترین نمدهای افغانستان است. بعد ازین، نمدهای سه تکه ئی هرات و ازین بعد تر نمدهای سه تکه قندهار سپس نمدهای دیگر حصص میباشد.

برق و آلات مختلفه برق

فابریکه و ماشینهای تولید برق:

چون برق در امور صنعتی موجوده دخل قوی دارد و آن بمثابه روح صنایع بزرگ ماشینی است لذا در افغانستان از چندینست که بدان توجه شده و روز بروز به ترقی و توسعه دامنه آن اهتمام میشود. قریب ۲۲ سال قبل سه ماشین آبی بقره ۱۵۰۰ کیلووات در جبل السراج نصب و از آن یک قسمت اهالی شهر کابل و بعضی فابریکهها استفاده مینمودند لیک رفته رفته ماشینهای متعددی تولید و دامنه آن تا اندازه وسعت یافت در حاضر بر علاوه سه پایه ماشین فوق الذکر یک ماشین دیزل که بذریعه

شایقینکه استعداد تادیبه محصول آن را دارند به يك تعداد زیادی بخانه ها و شرکت های خود تيلفون دارند. درین چند سال اخیر تيلفون های مرکز بصورت سیستم جدید « سنترل بیتری » و سیم های آن همه « کیبل » زیر زمینی شده امور مخا براتی ذریعه تيلفون به یکصورت بسیار منظم و خوبی جریان یافته است. برای مخا برات (شخصی) محصولی هم تسهیلات خوبی فراهم گردیده هر شخص بتادیبه محصول خیلی جزئی بدور ترین زوایای مملکت شخصا مخا بره میتواند بر علاوه تيلفون سیمدار يك نوع تيلفون بی سیم هم وجود دارد که از کابل باهرات و مزار و دایزنگی مخا بره میکند. متخصصین و کارگرا کثراً داخلی و فقط چند نفر خارجی میباشد.

تلگراف بی سیم :

فعلا بذریعه تلگرافهای موجوده فیما بین کابل ، هرات ، میمنه مزار ، دایزنگی و ترمز (و توسط ترمز بدیگر نقاط خارج) و در صورت سقوط سیم تيلفون تورخم با پشاور بحروف (مورس) مخا بره میشود. در صورت تکمیل کار مرکز مخا بره متون (سمت جنوبی) که در همین زودی ها تکمیل خواهد شد با آنجا هم مخا بره تلگرافی جاری خواهد شد. بر علاوه این ، يك استیشن خیلی بزرگ عصری در زیر کار است که جز کار نصب کردن « آپرل » آخذ و بعضی کار های جزئی ، دیگر امور فنی و تعمیر آن تکمیل شده که بعد از سه چهار ماه ان شاء الله با تمام نقاط دنیا بالخاصه اروپا و امریکا و آسیا مستقیماً مخا بره خواهد شد. متخصصین و کارگراهای تلگرافها جز يك دو نفر خارجی دیگرها تماماً داخلی میباشدند که بعض در خارج و برخی در همین جا تحصیل کرده اند .

راديو :

تا اکنون استیشن صحیح در افغانستان وجود نداشته و يك استیشن بسیار خورد مر سه که محض جهت شهر کابل در سابق وجود داشت در زمان انقلاب وطن بکنی از میان رفت. حکومت متبوعه از چند بست به تهیه يك استیشن بتوه ۲۰ کیلوات اقدام فر موده که عنقریب انشاء الله تمام لوازم آن تکمیل یافته شروع بکار خواهد نمود. برای نصب و ترمیم و رفع نواقص راديو های که بدست اکثر اشخاص موجود بوده و از استیشن های خارج استفاده میکنند چند نفر متخصصین داخلی وجود دارد که بسی راديو های مرمت طلب را ترمیم و تکمیل مینمایند .

آلات مکبر الصوت :

چند دستگاه مکبر الصوت که اصوات را برای استماع يك جم غفیر ، بزرگ میسازد وجود داشته در اکثر نطق ها ازان استفاده میشود کارگران آن هم داخلی بوده در صورت خرابی بعضی حصص آن از طرف او شان ترمیم و تکمیل میشود .

لوازم برقی جهت معاینه و تد اوی :

يك موسسه از طرف حکومت در کابل وجود دارد که بنام « موسسه اکسریز » یاد میشود این موسسه دارای چهار شعبه میباشد : اکسریز دیاترمی ، ویربوستاد ، کوارتس لمپ . اکسریز آن داری راديو سکوی ، راديو گرافنی ، راديو تراپی است. اول الذکر برای معاینه دومی برای گرفتن عکس اعضای داخله وجود و سومی برای معالجه بعضی امراض مثل

از چندینست که مصروف تحقیق و تتبع بوده عنقریب بصورت اساسی شروع بکار خواهند نمود .

حکاکي :

به نسبت وجود احجار کریمه زیاد و قیمت دار، این صنعت مدتهاست که در افغانستان وجود داشته از آنها ولاجورد بدخشان ، یا قوت و سنگک شاه مقصود و غیره احجار نفیسه دیگر حصص مملکت دانه ها و بعضی اشیاء خیلی نفیس میساختند. امیر عبدالرحمن خان چند نفر حکاکها را جمع نموده جهت کار شخصی خود داخل ماشینخانه ساخت ازین تاریخ به بعد حکاک های ماهری دوباره بوجود آمد لیک به نسبت عدم وجود ماشین نمیشد که از معادن به یک پیمانۀ زیادی کار گرفته شود. حکومت موجوده باین موضوع ملتفت گشته تقریباً سه سال قبل بانداره ۱۵ پایه ماشین حکاکي احجار کریمه از خارج وارد نموده بکار انداخت که اینک آثار آنرا در بازار های وطن و خارج ملاحظه میکنیم. درین فابریکه اشیائیکه حکاکي میشود عبارت از سنگهای سرهیزی، دسته تابه های مهر، خاکستر دانهها، نگینها و غیره، از سنگک لاجورد - و نگینهای زیر گوشی، انگشتر و غیره از معین امتیست و یا قوت و غیره میباشد. حکاک های قندهار و کابل که به ذریعۀ آله های دستی کار میکنند نیز بعضی نگینها و قطبهای نضوار دماغ و سگرت و حتی پیاله و نعلبکی، بوطاسهای خورد، سنگک های سرهیزی و غیره از احجار قیمت دار بکثرت میسازند. بالخاصه حکاکهای قندهار تسایح و غیره اشیائیکه از

سرطان و غیره میباشد. شعبه (۲) که عبارت از دیاترمی است برای تداوی روماتیزم، فلج و غیره تخصص یافته و شعبه سوم برای کزوری و فلج کُست و پا و شعبه (۴) یعنی کوارتس لپ جهت شعاع جلد و تداوی سالدانه و غیره میباشد. و هم یک دستگاه اکسریز در ساتوریم وجود دارد که مریض های سل یومیه ذریعۀ آن معاینه میشود کذا در دیگر شفاخانه ها و مؤسسات هم بعضی لوازم برقی وجود دارد که بعضی امراض را بذریعۀ آن معاینه و معالجه مینمایند. بر علاوه این ماشینها لوازم برقی، حکومت یک دستگاه مکمل و جدیدترین معالجات برقیه را خواسته است که بعضی لوازم آن رسیده و مابقی آن عنقریب وارد و به ذریعۀ متخصصین وطن بمورد استفاده اهالی گذاشته میشود.

صنایع معدنی

کشف و قرار داد معادن :

در افغانستان روز بروز بمعدنی اهمیت زیادی تری داده میشود بالخاصه درین اواخر توجه مخصوصی را جمع به آن شده یک تعداد متخصصین لائق خارجی و داخلی مامور شده اند تا حتی الامکان معادن را کشف نمایند چنانچه تا کنون متجاوز از ۳۰۰ معادن مفیده متنوع کشف گردیده که نمونه های آن در موزیم وزارت تجارت موجود بوده و از چند آن استفاده هم شده است. علاوه برین درین زودپها راجع بمعدن تیل هرات به همراه کمیته اینلیند اکسپلوریشن امریکائی و راجع به معادن سمت جنوب با شرکت المانی که با شرکت افغانستان متفقاً کار خواهد نمود قرار داد شده چنانچه نمایندگیات ایشان

ترقی نمود و حد انتهای ترقی آن در زمان امیر شهید حبیب الله خان بود چه وی از باعث احتیاجات زیاد شخصی به این صنعت توجه خاصی داشت. اکنون بعضی از همان زرگران و بسی شاگردان شان وجود داشته در بازارهای شهرهای مهم افغانستان و با لخاصه کابل مصروف ساخت انواع زیورات نفیس و قابل دید از قبیل گلو بندها دستواها، طوقها، لاکتها، انگشترها و آویزه های گوش دانه نشان و منقش طلائی و اشیا و زیورات فشننگ نقرهئی میباشد حتی اینها از روی نمونه کتلاک از عهده ساخت بسی زیورات اروپائی و ظروف که عمل آن بدست ممکن باشد بخوبی بدر شده میتوانند. گذشته از این بعضی صندوقچه ها و قطی ها و سگرت دانی ها و غیره سامانهای ظریف و کارآمد منقش طلائی که در روی آن خطوط نقره بصورت نفیسی کار شده باشد میسازند. علاوه سواد و مینا کاری هم از دست استادان ماهر بهره بوده بخوبی میتوانند که در بالای بعضی اشیا نفیس سواد و مینا کار کنند. تمام این کارها بذریعه دست و آلات دستی اجرا میشود. خلاصه زرگری موجوده نفیس بوده منتها اگر تشکیل شرکت های متعدد گردیده و شرکت ها هم بعضی لوازم ضروری عصری را به پیمانه زیاد تهیه و قدری تجدید و انتظام دیگر هم بدین صنعت نفیس بخشند، ترقی آن بیایه بلند رسیده بیشتر جلب توجه مردم را خواهد کرد.

صنایع فولاد و آهن :

صنایع فولاد و آهن از ازمته خیلی قدیم درین سر زمین باشهرت خوبی وجود داشته در هر دورآلات و اسباب مختلفی از قبیل پیکانهای تیر

سنگهای نفیس لاجورد، سنگک شاه مقصود و غیره میسازند خیلی نفیس و بیمثل است.

زر شوئی:

این صنعت در قطغن و بدخشان بکثرت وجود داشته بذریعه پوست های گوسفند و بز و غیره از دریای کو کچه بیشتر در ایام خریف بصورت مخصوصی ذرات طلا را جمع میکنند بر علاوه در کابل و بعضی شهرهای دیگر افغانستان هم خاک شویهائی وجود دارد که ذرات طلا و نقره را از بین خاکها و براده مس و غیره جدا مینمایند. اما سه سال پیش برای زرشوئی ماشینهای جدید خریداری و در ولایت قطغن بکار انداخته شده که ذرات طلا را بصورت فنی جمع آوری میکنند.

صنایع متعلقه بفلزات

زر گری:

این صنعت هم باک صنعت خیلی قدیمی بوده در معابد و مساجد بسی آثار قیمدار و نفیسی که در دیگر جاها مثل آن بندرت سراغ میشد وجود داشت. این نوع شاه کارهای صنعت در دورهای اسلام بیشتر و بهتر از سابق بنظرها جلو گر بوده اشیا مصنوعه اوشان باعث حیرت ناظرین میگردد در قرون اخیره این هم مثل دیگر صنایع رو بخاموشی گذاشته بود در زمان شهنشاه افغان اعلیحضرت احمد شاه دوباره شروع بحیات نوین نموده با وجود بعضی وقفه ها آهسته آهسته

که دران انواع تیغ ها و آلات جارحه مثل چاقو ، قه ، خنجر ، کارد پاکی ... و دیگر لوازم مثل مقر اض ، ساتور ، بیل ، کلند تبر ، قسمت آهنی لوازم شخم زمین ، میخ ها ، آهن جامه های عمارات بعضی قفل های پیچی . . . وغیره . . . بسازند لیک اشیاء قابل توصیف این کار خانه های خورد شخصی عبارت از چاقوها ، قه ها وغیره آلات جارحه میباشد بالخاصه در اعمال آلات جارحه چهاریکار و چهار باغ وتیگری نعمان ، جاغوری وغزنی وشهر قندهار شهرت بیشتری داشته اکثر این نوع مستحضلات اوشان از نقطه نظر برش ومضبوطی و آبداری از بسی سامان تجارتهی خارج مزین و برتری دارد . در همین حصص بعضی از آلات خورد ناریه هم ترمیم میگردد ونیز بعضاً تفنگ های شکاری دهن پر و بغل پر چرخی و کارطوسی در بعضی از همین مواضع بصورت بسیط ساخته میشود .

در شهرهای مهم و حصه جاغوری و چهار یکار کار خانه های خورد خورد شخصی نیز برای ترمیم عماره ها وجود دارد . با این هم درین قسمت صنایع فولاد و آهن کارگرهای ملی از باعث بر و گذاشت از شرکتها و عدم توريد لوازم ذوب ، خردادی وغیره سامان ریخته گری . . . عصری خیلی هائس بوده تا حال نتوانسته اند که اکثر سامان فولادی و آهنی خارج را بواسطه مستحضلات خود ازین خاک مانع شوند . بالخاصه از نقطه نظر فابریکه داری خیلی عقب مانده اند و این مسلم است که جز از اتحاد واتفاق یک دسته کارگرهای صاحب روت و دیگر مستعدین از دست دیگر ها ساخته نیست .

اما بالمقابل حکومت متبوعه که همواره بفکر ترقی ونهضت های علمی

ژوین ها ، سرنیزه ها ، خنجر ، تبرزین ، خود ، زره ، سپرها ، . . . و آلات شخم زمین وغیره بکثرت بوجود آورده میشد این اصلحت در دوره های اسلام بیشتر توفی نموده بعضی آلات دیگری جهت رصد خانه ها و بعضی اسلحه از قبیل کریج ها وغیره ساختند تا آنکه آلات ناریه اختراع و بساختن تفنگ های چقمافی ، قتیبه نی پتافی دار ، قره بونه . . . و اخیراً در سایه فابریکه عمومی (ماشینخانه) به اعمال تفنگ های متنوع ، توپ ، کارطوسها ، شریتل ، بم ها ، انواع باروتها و بعضی لوازم واسلحه دیگر موفق شدند که توضیح این نوع صنایع نظامی بمسلك مقاله ما تعلق ندارد . آمدیم بدیگر صنایع فولاد و آهن ، حاضرأ سه کارخانه نسبت بزرگ به استثنای کارخانه های مخصوص نظامی جهت صنایع فولاد و آهن وجود دارد : کارخانه فولاد و آهن گری فابریکه عمومی (ماشینخانه) ، کارخانه موترو بسته کاری حکومتی و فابریکه ترمیم موترو شرکت اسهامی . کارخانه فولاد و آهن گری دارای یک تعداد لوازم ارقیبل وسائط ذوب ، خردادی ، آهن بری کوره . . . وغیره آلات و ادوات ریخته گری وغیره بوده بسی سامان آهنی و فولادی نظر به احتیاجات و کار آمد میسازند ، در دو فابریکه ترمیم موترو انواع موتورها و پرزه های شکسته ترمیم و تکمیل گردیده مالک سامان لیمکاری لوازم پرکاری آکومولاتورها وغیره آلات ، و ادوات لازمه و متخصصین است .

علاوه برین در بسی نقاط افغانستان (کابل ، قندهار ، هرات ، سزار جاغوری ، نعمان ، غزنی ، چهاریکار . . .) بعضی کارخانه های خورد خورد شخصی که بدریعه وسائط بسیط و دست کار میکند موجود است

اقتصادی ، صنعتی و غیره مملکت است اخیراً در مکتب صنایع يك صنف بزرگ بسته کاری تأسیس و معلمین اروپائی و ماشین و لوازم ذوب و غیره برای آنها خواسته که عنقریب در جوار فابریکه های خواجه ملای چهاردهی عمارت آن تعمیر و ماشین ها در آن بکار خواهد افتاد و در آن وقت بسیاری از آلات فلزی دستی و افزارها و غیره و حتی بعض ماشینهای ساده و پرزه جات ماشین در آن اعمال خواهد شد و احتیاجات ما را ازین ناحیه تا اندازه تقلیل خواهد داد .

صنعت مسکوکات

این صنعت مثل محسمه سازی سابق افغانستان ، يك صنعت خیلی قدیمی است چنانچه از مقاله (مسکوکات افغانستان) این موضوع بخوبی فهمیده میشود . حاضراً در افغانستان يك فابریکه که دارای ماشین های ذوب ، حلاجی ، برش ، ضرب و غیره لوازم است تحت ریاست ضرابخانه وجود دارد که حسب احتیاج و ضرورت مملکت یومیه طلا ، افغانی ، ۲۵۰،۰۰۰ و ۱۰،۰۰۰ و ۵ پولی طوریکه در دنیا مروج است ضرب میزند (مسکوکات کاغذی اکثرأ در مطبعه عمومی و بعضی در خارج بطبع میرسدولی ماشین های طبع نوت تازه وارد شده است) .

مسگری ، برنج و رو کاری

این صنایع از جمله صنایع قدیمی افغانستان است که راجع به هر يك آن آنجا معلومات میدهم :

مسگری :

ظروف مسی عصر تعالی غزنویها و غوریها که در موزه کابل موجود است بصورت واضح ترقی این صنعت را در ایام سابق نشان میدهد . این صنعت در هر حصص افغانستان وجود دارد لیک مسگران قندهار کابل ، غزنی ، رستاق ، مشهور بوده بسی ظروف و لوازم را مثل صراحی ها ، پطنوس های مشبك و پایه دار ، سماوارهای خورد و بزرگ جامها ، آفتابه لگن ها و انواع ظروف ضخم خوری طشت ها ، آبدانها و غیره بذریعه دست و آلات دستی بصورت خوبی و نفیسی میسازند برای اینکه ظروف تولید نیل طوطیا نماید یعنی از رنگ زدن محفوظ بماند روی آن را بذریعه قلعی ملمع میکنند . بعضاً قسمت خارجی ظروف را صیقل نموده ، بدون ملمع میگذارند این صنعت روز بروز رو بترقی بوده اشیا مصنوعه مسگران رنگ و رونق بهتری گرفته میرود .

برنج کاری :

بله ترازوی برنجی که دارای اشکال بروج قمری و خط کوفی است و چراغ برنجی متعلق به قرن ۶ ه ، ریایه چراغ برنجی متعلق به قرن ۴ ه غزنی که در موزیم ما و بسی آثار دیگریکه در موزیم های دنیا وجود دارد ، همه شاهد قوی و دلیل قاطعیست برای اینکه صنعت برنج کاری افغانستان در ازمنه قدیم نفاست و رونق بسزای داشت حاضراً در کار برنج صنعت کاران غزنی و کابل نسبت بدیگر حصص مهارت زیاده تری داشته از برنج آفتابه لگن های رقم روسی ، شمع سوزها ، پطنوس های حاشیه مشبك ، چلم ها ، آون ها ، شیر دهن ها

و غیره اوزام برنجی به کمال خوبی به یک مقیاس زیاد میسازند. درین صنعت غزنی از کابل هم بیشتر کسب شهرت نموده اکثر اشیای مصنوعه برنجی آن وارد استعمال اهالی است. علاوه برین صنعت کاران بازار در فابریکه عمومی یک شعبه برنج کاری موجود بوده انواع اوزام کار آمد را از قبیل نشان، گیل های کمر بند، دکمه ها و غیره بکمال صفائی و خوبی اعمال میکنند.

رو :

درغزنی از ترکیب جست و بعضی فلزهای دیگر یک نوع صراحی و گیلان نفیس و خوبی میسازند که در دیگر جاها ساخته نمیشود. خلاصه صنعت مسگری و برنج کاری و روگری افغانستان اگر قدری اصلاحات فنی دران بعمل آید و تعداد مستحصلات هم بذریعه تشکیل شرکت ها و توريد ماشین ها و ادوات لازمه جهت تجارت خارج به یک مقیاس زیادتری بلند رود بخوبی میتواند که در بازارهای خارج بدر شده پول زیادی نصیب صنعت گران خود گرداند.

گلیت کاری (لعاب دادن فلزات) :

در شعبه گلیت کاری فابریکه عمومی و سایر بازارهای افغانستان روی اشیای مسی و برنجی را بصورت خوبی صیقل نموده جلای بخشد. علاوه بعضی اشیای برنجی و مسی را بذریعه مواد کیمیایی و لعاب فلزات قیمتی بصورت نقره و طلا و غیره رنگ میدهند این صنعت برای درخشان نمودن و جلای بخشیدن اشیای مسی و برنجی و حتی طلا و نقره یک صنعت قیمت دار است

سرب کاری :

از سرب در مطبوعه به اندازه مکفی حروفها و خط کش ها و

در بازارها انواع ساجمه ها و گله ها میسازند .

چو دن کاری :

در ماشینخانه به یک اندازه زیادی از چو دن بعضی اشیای کارآمد تهیه میکنند. بر علاوه در بدخشان و کابل و بعضی حصص دیگر هم ریخته گرها دیگرها، کرائی ها، کندانسرها، آهن ها . . . و غیره به یک پیمانته زیادی میسازند. این صنعت بیشتر در بدخشان رواج دارد.

حلبی سازی :

از حلبی و آهن چادر بسی اوزام کارآمد ساخته میشود این صنعت در تمام ولایات افغانستان وجود دارد امتعه نیکه از آهن حلبی ساخته میشود عبارت از آفتابه، چایچوش، قیف ها، پیپ . . . و سامانیکه از آهن چادر اعمال میگردد عبارت از آبدانها، بخاریها، تپ های عمل قایق های خورد سطل ها . . . و غیره میباشد علاوه تا سقف های عمارات جدید را بذریعه آهن چادر حلبی سازها به یک صورت مقبول و قشنگ می پوشانند و در بعض حصص روی کار عمارات و دودکش ها و ناوه ها آهن چادر را که بصورت مشبک استعمال میکنند قشنگ بوده باعث زینت عمارات میشود.

ترمیم ساعت :

در تمام ولایات ساعت سازها وجود دارد که هر نوع ساعت های برهم و خراب را ترمیم میکنند در کابل مرمت کاران ماهری وجود دارد که بعضی پرزه های شکسته ساعت را نیز لیم میتوانند.

صنایع کیمیاوی

ساختن ادویه و پنبه هیدروفیل :

مدیست که متخصصین لاقی جبهه تعلیم دواسازی ازخارج استخدام و بزیر دست او شان يك تعداد طلاب داده شده تا ساخت بعضی ادویه را از نباتات وطن وغیره بصورت اصولی وقتی به ایشان تعلیم نمایند. ازجمله این طلاب يك تعداد آن قریب ۵ ماه است که مکتب را تمام نموده مصروف ستاژ (کار) علمی اند که عنقریب ستاژرا تکمیل نموده به تهیه بعضی ادویه مشغول میگرددند. برای ساخت بعضی ادویه عمدت جدیدی هم تعمیر شده که عنقریب کار آن ختم میگردد ، کذا برای مصارف بنیه شفاخانه های افغانستان فابریکه جدیدی در نظر است که از طرف مدیریت عمومی فابریکات در پهلو ی فابریکه نخ تابی و پارچه بفی جبل السراج تاسیس میشود تا بنیه هیدروفیل را طوریکه در دنیا مروج است تهیه نموده بمصرف شفاخانه هارسانده ماشین های این فابریکه جدید عنقریب تهیه گردیده بکار خواهد افتید .

گوگرد سازی :

درحوص دارالفنون فابریکه بنام گوگرد سازی از چند بست در جریان بوده به اندازه (۹۰۰۰۰۰) قطی گوگرد درایام بهار روزانه تهیه میدارد و این فابریکه دارای ماشین های برقی بوده بخوی می تواند که احتیاج اهالی را ازین رهگذر رفع نماید در سایه این فابریکه قیمت دار صنعتی يك قلم واردات گوگرد خارج منع شده است ، گوگرد مصنوعه آن مثل گوگرد های بی خطر

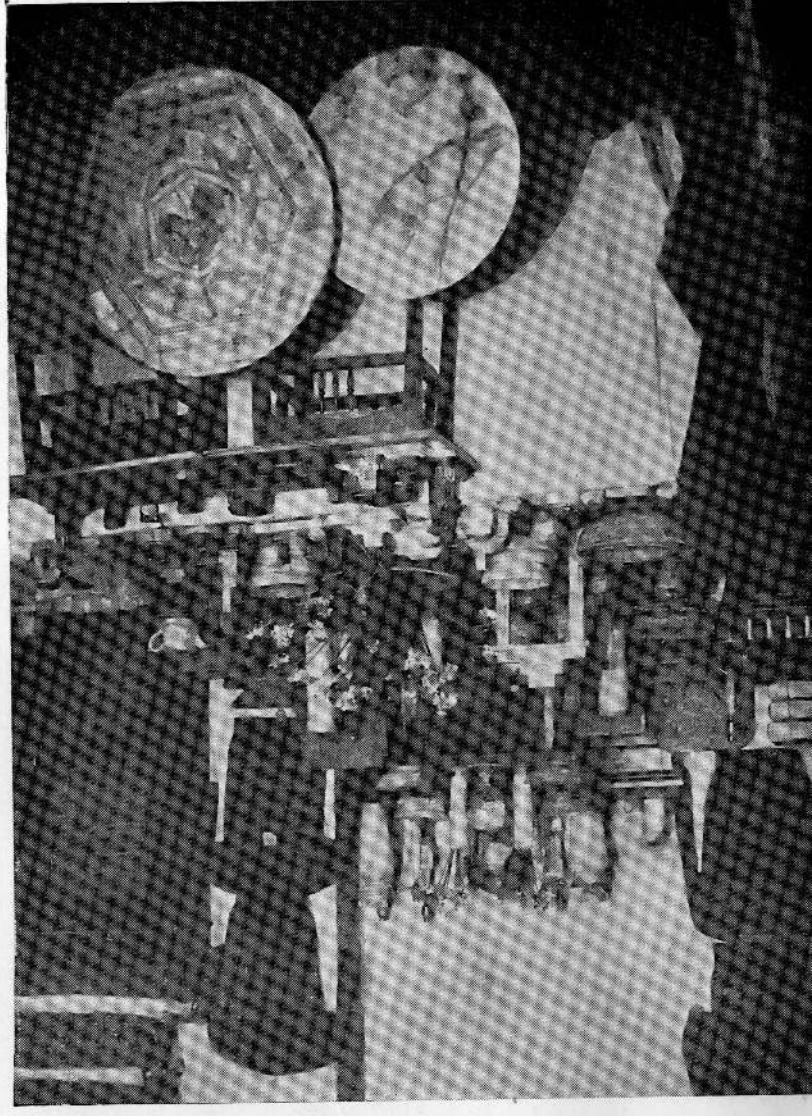
نمونه کبار زر گری در کابل (دکان عبدالله خان زر گری)
Spécimens d'orfèvrerie existante à Kâboul





نمونه کار زرگری در کابل (دکان عبدالله خان زرگر)
 Spécimens d'orfèvrerie existante à Kaboul

نمونه های اشیای سنگی (مرمر ، رخام ، لاجورد ، شاه مقصود و غیره) در نیاشکاه فاریکانه حکاکی و سنگتراشی مرکز
 Les objets en pierre (marbre , lapi - lazuli etc.) fabriqués avec art en Afghanistan



صنایع و فنون در افغانستان

هواییمای روسی است که بجز از قطعی خود توسط دیگر چیزها بسپوات در نمیگیرد اکثر مواد آن از داخل مملکت تهیه و بذریعۀ متخصصین وطن در ساخت آن یومیه مجاهدت بخرج داده میشود .

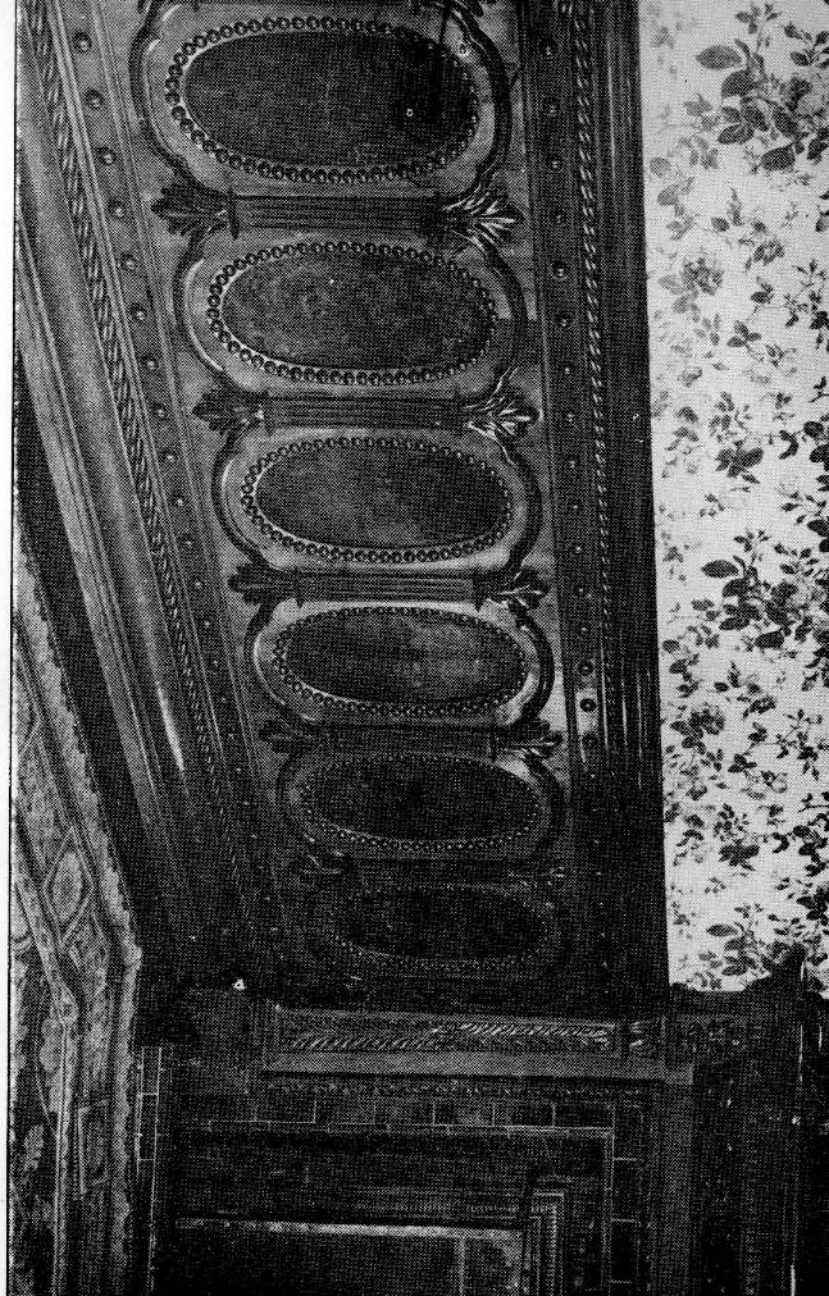
صابون سازی :

فعلاً دو کارخانه صابون سازی که روزانه تقریباً (۳۰۰۰۰) کلوچه صابون میسزد وجود دارد برعلاوه این ، در بسی نقاط افغانستان صابونهای مختلف کلاشونی به یک پیمانۀیکه احتیاجات داخلی را کفایت میکنند ساخته میشود به استثنای این یک نوع صابون های مخصوص روی زنانه هم میسازند که اکثر زنهای این صابون وطنی را از بسی صابونهای قیمت دار خارج مزیت و برتری میدهند .

ساخت عطر و عرق گلاب :

بذریعۀ عطاران و غیره از گل گلاب ، چینیلی ، را بیلی و غیره گلپهای خوشبو که بکثرت وجود دارد عطرهای خوبی میسازند لیک به نسبت و رود عطریات خارج و نبودن ماشینهای لازمه نتوانسته که این صنعت قدر است نماید و نیز همین عطاران به یک مقیاس خیلی زیادی از گل گلاب عرق میکشند که در بسی اطعمه استعمال میشود. یک مرتبه در زمان امیر حبیب الله خان شهید یک نفر عطر ساز از اروپا استفاده و مشارالیه چند نفر را تحت تعلیم گرفته بعضی عطریات از گلپهای اهلی و وحشی ساخته بود . اما دنباله این صنعت نفیس ترک شده امروز عطرکنشی باز با اصول قدیم و اینهم به پیمانۀ مختصری رواج دارد .

نمونه کار نجاری کابل
Spécimen des travaux des menuisiers de Kaboul



رنگ ریزی :

در فابریکه عمومی (ماشینخانه) کارخانه تحت نگرانی متخصص داخلی
جهت رنگ ریزی وجود دارد که بصورت فنی امتعه پشمی و نخی بایک صفائی
و نفاست خوبی بصورت ساده در آن رنگ میشود. این کارخانه بر علاوه
انجام امور رنگ ریزی و احتیاجات حکومتی بعضی از امتعه اهالی را هم
رنگ میدهد. علاوه برین فابریکه در تمام حصص افغانستان دکانهای
متعدد رنگ ریزی وجود دارد که با وجود عدم ماشین های لازمه استادان
این فن از عهدۀ هر نوع رنگ دادن ساده بخوبی بدر شده میتوانند بالخاصه
الوان مختلفیکه به ابریشم و سند و پشم میدهند خیلی روشن و نفیس است.
رنگ ریزها در توین اشیاء بیشتر از الوان نباتات پیدا و در افغانستان
استفاده میکنند اکثراً اشیای رنگ شده اوشان بخته بوده بزودی تغییری
بدان رخ نمیدهد و حتی در اکثر تابش متعادی آفتاب هم لون خود را
نمییازد.

تجر به خانه کیمیاوی رنگ :

در گبرک کابل تحت نظر جناب نورالله خان متخصص کیمیا «لابراتواری»
تأسیس یافته که در آن ترکیبات رنگهای معدنی آموخته میشود.

جیوه گری :

در کابل بذریعه آئینه سازها و غیره کارگران بیک بیما نه خیلی
زیادی آئینه های خورد و کلان جیوه میشود. در افغانستان جیوه به
دو صورت انجام میگردد: بدون لاک و بلاک، جیوه که در روی آن لاک
گرفته میشود خوب و فنی است اما بدون لاک آن کم دوام بوده با اندک

حرارت انتظام خود را می باز د این صنعت در کابل به يك مقیاس بیشتر
و جود دارد .

صنایع عمرانی

معماری :

در معماری موجودۀ افغانستان نهضت و تجدید خوبی دیده میشود
يك تعداد عماراتیکه از زمان امیر عبدالرحمن خان الی اکنون از طرف
حکومت و موسسات و اشخاص صاحب ثروت بوجود آمده اکثرأ دارای
يك نظام و ترتیب خوب اروپائی است بالخاصه يك تعداد عمارات کشیریکه از
۱۳۰۵ الی اکنون انشاء گردیده خیلی مقبول و قشنگ است. این نوع
عمارات يك تعداد قلیل نبوده به اندازه زیاد است که شکل شهرها را بکلی
تغییر داده رنگ و رونق جدیدی بآنها بخشیده است از جمله این عمارات
جز چند عمارات محدود، دیگر تمام آن بدوره اعلیحضرت فقید شهید (رح)
واعلیحضرت نهضت خواه المتوکل علی الله تعلق میگردد. گذشته ازین
حسب يك پلان منظم همه ساله يك تعداد عمارات مکفی از طرف حکومت
متبوعه بذریعه مهندسين داخلی و خارجی به تعداد این عمارات افزوده
شده میرود و این فعالیت عمرانی نوبت میدهد که انشاء الله به آئینه قریب
طرز شهرهای سابقۀ افغانستان بکلی تغییر نموده بوضیعت شهرهای
قشنگی درآید. تمام عمارات دولتی و بالخاصه عمارات جدیدۀ افغانستان
که از طرف حکومت اعلیحضرت فقید شهید و اعلیحضرت موجوده تعمیر
یافته اکثرأ دومنزله بصورت بخته کاری است. زینته ها و ساقهای
روی کار آن از سنگ های مختلف و طن بوده دارای دروازه ها
و روشن دانهای معتد و پررنگ است، سقف ها بعضاً مسطح و بعضاً از سمنت

صنایع و فنون در افغانستان

متخصصین لایق داخلی و خارجی مصروف تعلیمات اند که بعد از فراغ تحصیل مانند مهندسین خارج دیپلوم گرفته در انتظام ترتیب عمارات ما خدمت بیشتری خواهند نمود.

نجاری :

افغانستان درین صنعت هم طوریکه در سایر صناعت اشاره نمودیم سابقه خوبی دارد مجسمه های قدیم نورستان ، منبت کاریها و شبکه کاریهای لطیف و نازک روی پایه ها و تاوه دانها و غیره که حاضران نمونه آن را در موزیم و بعضی عمارات قدیمی میتوانیم یافت گواهی خوبی است مہمة وثافت این مدعا - در زمان امیر عبدالرحمن خان نجاری قسمت عمارات شکل جدیدی بخود گرفت . ازین تاریخ به بعد آهسته آهسته درصفائی خود افزود . قسم منبت کاری و گل و برگ کاری آن هم شکل نوینی بخود گرفته و روز بروز فوراً آن به شکل بهتری تعمیر یافته رفت . در زمان موجوده لوازم عمارات به اندازه خیلی خوبی کسب نفاست نموده است . از روی نقشه ، استادان از عهدہ اعمال هر نوع دروازه های عالی ، روشن دانها ، مسطح ها ، پیزاره ها . . . و غیره بدر شده میتوانند اکثر کار قسمت چوبی عمارات هم از عمارات اروپائی فرقی ندارد در بعضی از عمارات استادان این فن ، از ذوق و سلیقه خود هم تجاران چیزی گل و برگ افزوده اند . حاضران بر علاوه صنف نجاری مستعجله و مسکنی که مشترکاً کار عمارات و چوکی و میز و غیره را مینمایند یک فابریکه مخصوصی جهت تهیه لوازم عمارات در دارالفنون وجود دارد که بذریعہ ماشین های مختلف برقی اوره کشی چول کشی ، رنده زنی ، ریگمال و صفا کاری ، تیز کاری پلها ... و غیره کارگران کار میکنند . گنشنه ازین در کابل ، قندهار

سالنامه « کابل »

و (بتون) کار میشود بامها هم آهن پوش و باسمتی و سفالی بوده ارتفاع اطرافها اکثر از ۱۵ الی ۲۰ فوت است . فیل پایه ها در دهلیزها و حصص زینہ رواج دارد . فرش عمارت عالی اکثر سنگ مرمر ، و بعضا سنده و سمنت و تخته پوش است . روی کار اکثر ساده بدون منبت کاری و بعضا دارای سلاتین و فینه ها و علائم نشان و غیره میباشد داخل عمارات بصورت خیلی نفیسی رنگ آمیزی میشود بالخاصه حواشی قسمت علیاء دیوارها پیزارها اکثر چوبی میباشد . سرهای دروازه و روشن دانها اکثر بصورت کمان و بعضا بصورت مسطوی بنا شده . خلاصه عمارات موجوده دولتی (از چند سال قبل) افغانستان هم به اصول فنی بوده به یک صورت قشنگ و زیبایی تعمیر یافته و دران هر نوع مسائل هندسی و معماری سنجیده شده است . این نهضت عمرانی نه اینکه تنها در تعمیرات حکومتی دیده میشود بل در عمارات توده ملت هم کم و بیش نمایان است هر شخصیکه در شهرها بنای تعمیر جدید داشته باشد اعم از اینکه در شهر جدید باشد مجبور است که از بلدیہ نقشه دستور گرفته ، مطابق آن عمل کند تا عمارات شهر مطابق نقشه کاداستر و (نقشه مخصوص بلدیہ) اصولی و یک نواخت تعمیر گردد . چنانچه عمارات شهر نو کابل و بسی عمارات جدید تعمیر دیگر این شهر و شهرهای مهم بهمین اساس تعمیر یافته است .

اکثر این عمارات به نقشه مهندسی وطن و تمام آن توسط معماران وطن تعمیر گردیده است . خلاصه اکثر مهندسان و معماران وطن به نقشه و تعمیر عمارات جدید اروپائی و سابقه وطن اقتدار داشته میتوانند که عمارات بزرگ و عظیم الشان تعمیر نمایند . معافیہ برای اینکه یک تعداد مهندسین و معماران لایق تری بوجود آید از چندین شعبه مهندسی و معماری در مکتب صنایع نفیسه بوجود آمده تحت اثر

هرات ، مزار ، قطن و بدخشان و دیگر حصص مملکت بسی نجارهای خوبی موجود است که مصروف اعمال قسمت چوبی عمارات میباشند .
درین قسمت نجاری موجوده هم طلاب فارغ التحصیل مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلائیکه در آینده از صنف مسکنی مکتب صنایع می برآیند مسلماً تصور بیشتری در امور نجاری تولید خواهند کرد .

حجاری :

حجاری يك صنعت خیلی قدیمی این مملکت کوهستانی بود . بر وفق امور معماری ، نجاری و غیره مجدداً زنده گشته کثرت احجار نفیسه و اهتمام حکومت مردم ، حجاران وطن را بشوق آورد تا این صنعت میراثی خود را سر از نو در معرض نمایش گذارند . این صنعت در قندهار و کابل و نواح آن بیشتر رواج پیدا کرده صنعتکاران موجوده از سنگ های مرمر قلم کارخواجه بفرآور غیر مسنگ های وطن خشت های متنوع ، لوحه های قشنگ و غیره فرش ها ، پیزاره های داخل و ساقهای خارجی عمارات و مزارهای اشخاص بزرگ و منارها و طاقهای ظفر، قیل پایه ها ، حوض ها و فواره ها ... را بایک نفاست و قشنگی جاب دقتی اعمال کرده اند و حسب الخواش از عهدہ اعمال هر نوع اشیای سنگی بدرشده میتوانند بهترین نمونه حجاری موجوده در قسمت عمارات مشهد اعلی حضرت نادر شاه شهید (رح) و مضع بایرپادشاه و مرقد حضرت تعیم انصاری است . در هر سه جاسنگتراش های وطن باریکی های صنعت خود را بخوبی نشان داده اند .

از چندینست که از طرف حکومت متبوعه کارخانه به اسم کارخانه سنگتراشی در مرکز تاسیس یافته که دران بیشتر از ۶۰ عله مصروف

کار بوده برای عمارات و غیره بسی اشیای نفیس میسازند علاوه تا کنار گاهای بس بزرگی در پغمان و چهل ستون و غیره دائر و برای عمارات پایتخت سنگهای خشتی و غیره لوازم سنگی به يك بیعانه خیلی زیادی تهیه میکنند .

رنگمالی و سفیده کاری :

تاریخ رنگمالی موجوده با تاریخ معماری جدید ما یکی است یعنی از زمانیکه ساخت عمارات تغییر نمود و به اصول اروپائی شده رنگمالی جدید هم چهره کشوده است رنگمالهای موجوده علاوه از ینکه از ذوق و سلیقه خود رنگ های بس نفیس و خوبی بعمارات میدهند از روی هر نوع کتلاک نیز میتوانند که با تمام باریکی ها و نازکی ها رنگ آمیزی نمایند گل های مختلف حواشی قسمت داخلی طاقها و پیزاره های سنگ نما و رنگ های قسم چاغر و رگ دار و غیره رنگ های ورنسی و اسپریتی و لاککی کار رنگمالهای ماهر نهایت نفیس و خوشناست برای امور رنگمالی عمارات و غیره لوازم حکومتی از چندینست که کارخانه برای رنگمالی - تاسیس گردیده است که بامهارت مخصوصه کار نموده اثرات قیمتداری از خود گذاشته اند تاچندی قبل رنگمال ها تماماً الوان خارجی را مورد استعمال قرار میدادند لیک مدتیست که رنگ های آبی (که توسط آب کار میشود) بامیانی و غیره وطن را استعمال میدارند . خلاصه درین رشته هم صنعت کاران ما جنبش بکار خود داده اند . بعضی از برادران هندی ما که استعداد مالی اوشان اجازه میدهد و کنار رنگمالان ما هر وطن را مشاهده کرده اند رنگمال ازین جا برده منازل خود را با ذوق تمام توسط ایشان رنگ و روغن میدهند . برای بیشتر ترقی دادن و خوبتر اصولی ساختن این

تورید يك تعداد ماشین های خشت مالی جدید يك اندازه خیلی زیادی ازین خشت بدست آورده سالیانه تقریباً يك میلیون افغانی ما که چیه خرید آهن چادر بخارج میرفت بچیب ما باقی خواهد ماند. این خشت کیریل مثل خشت های کیر بلیکه در ار و پا ساخته می شود خیلی مضبوط بوده به هر نوع حرارت و برودت جوی مقاومت دارد .

خشت پخته :

در تمام حصص افغانستان و بالخاصه نواحی کابل داشهای متنوع بوده در ایام بهار ، روز میلیونها خشت چیه عمارات پخته میشود در اینجا پخته کردن خشت بدو صورت است یکی بنریعه داشهای قسم سابق که دران به فروخته میشود و دیگر توسط داشهای زمینی و بس کلانیکه سنگ ذغال و چوب افر وخته شده يك دور ، لکها خشت پخته بیرون میکشد. این پخته کردن خشت از زمانهای قدیم در افغانستان وجود دارد چنانچه اکثر عماراتیکه از دوره های سابق باقیمانده بنریعه همین خشت پخته انشاء یافته است .

چونه :

از سنگ چونه که در بسی نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد چونه میسازند برای پخت چونه داشهای خشت استعمال میشود .

سفیده مرمر و غیره مواد پخته کاری :

سفیده مرمر را از سنگ مخصوص استخراج و بنریعه داشها پخته میکنند. دیگر مواد پخته کاری مثل صندله و غیره را از اختلاط چونه و گرد خشت پخته و غیره میسازند. گچ خاک مخصوص دار دوسیه چونه از امتزاج چونه و خاکستر و منج بدست می آید .

صنعت نفیس شعبه در مکتب صنایع نفیسه ایراد شده که در ان يك تعداد طلاب مصروف تعلیم قوانین فیزیکی و کیمیاوی و صورت امتزاج رنگ ها و استحصال الوان از بعضی نباتات و پوست درختها و غیره میباشد . آمدمین سفیده کاری . سفیده کاری هم بنریعه رنگمالان اجرا میشود چیه سفیده کاری رنگمالان در بالای چونه سفیده مرمر و در بالای سیم گل يك نوع سنگ دیگری را که خیلی نرم و سفید (گل ایرانی) است به ترتیب مخصوصی که قطعاً در اثر تماس ، رنگند ندهد استعمال میکنند چیه سفیده کاری نیز در مکتب صنایع صنفی تخصیص یافته که بصورت اساسی و فنی مصروف تعلیم و تطبیقات اند .

سمنت سازی :

فعلاً فابریکه که دران سمنت ساخته شود وجود ندارد گرچه قبل از انقلاب وطن فابریکه خورد سمنت سازی تأسیس یافته و دران یکمده متخصصین و کارگرها مصروف کار بودند لیک باوجود صرف لکها روبه مع الاسف نتیجه درستی از ان گرفته نشده در همان ایام دست از ان برداشتند . اکنون حکومت موجوده در نظر دارد تا علاوه از اینکه همان فابریکه ویران را تعمیر و تکمیل نماید فابریکه بزرگی تأسیس نماید تا اگر خدا بخواد مصرف سمنت عمارات افغانستان که سالیانه يك پیمانه زیادی بکار میشود از افغانستان تهیه گردد .

ساخت خشت کیریل :

تا کنون سقف اکثر عمارات بزرگ بنریعه آهن چادریو شاند. شده به نسبت نبودن خشت کیریل خساره زیادی را متحمل می شدیم اکنون مکتب صنایع موفق بساخت خشت کیریل گردیده که بعد از

خشت کاشی :

صنعت کاشی سازی در افغانستان سابقه خوبی دارد. گرچه کاشی سابق را باهمان نازکی ها کسی ساخته نمیتواند لیک رویهمرفته کاشی هائیکه در کارخانه محبس عمرمی کابل و در مزاروغیره نقاط افغانستان کمویش میسازند خوب و قابل استفاده است . درین اوقات مکتبی در مزار شریف به اسم مکتب کاشی سازی تاسیس یافته تا این صنعت را بصورت بهتری بیاموزند .

صنایع تزئینی

نقاشی :

با اینکه از قرن نهم هجری نقاشی روه انحطاط گذاشت لیک بکلی نمرده بحالت نیمه خاموشی تا زمان ما دوام نموده است گرچه نقاشی حاضره را نمونه نقاشی قدیم گفته نمیتوانیم لیک باوجود سادگی و محدودیتی که دارد بکلی مغایر آن هم نیست یعنی در بعضی خیال و سلیقه مشابهت بهم میرساند در نقاشی قدیم شکل های اشیاء بصورت خیلی نفیس که گویا عین اشیاء است و جود داشت لیک در نقاشی موجوده این قسمت مرده و جای خود را برای رسامی گذاشته است . حاضران نقاشان گلپای مختلف و بالخاصه ، سوسن ، گلاب ، شبو . . . و غیره را با بعضی خطوط و اشکال هندسی وجدولها کار میکنند. این صنعت در غزنی و کابل و فرخار و غیره وجود دارد لیک شهرت نقاشی غزنی در حال هم بیشتر است. چندی قبل که میخواستند بعضی نقاشی مضجع اعلیحضرت احد شاه غازی را که به نسبت مرور زمان خراب شده بود ترمیم کنند

از غزنی چند نفر نقاشها پیدا شده بصورت خوبی که از نقاشی قدیم فرقی نمیشود ترمیم نمودند. اثر نقاشان موجوده ، وطن ، به اعتبار اکثريت در روی بساط شطرنج ، تخته برد ، بطنوس ها ، چوب دست ، پایه های چیرکت و غیره جلوه میدهد . درین نقاشی های موجوده به آنطور نقاشی های هم تصادف میشود که از هر حیث قابل تقدیر و شایان توصیف است بالخاصه از نقطه نظر پیخته گی رنگ و باریکی صنعت ! بسی دیده شده که رنگ های بعضی از نقاشی ها بذریعه آب جوش و حرارت زیاد آفتاب هم تغییری نکرده است .

گل سازی :

اکثر از تکه ها، و کاغذ و بعضی مواد دیگر انواع گلها جهت زینت خانه ها ، طاقهای ظفر ، دروازه ها در ایام جشن ها) حامل عروس در شب حنا ، تخت خینه . . . و غیره بصورت نفیس و فشنگی میسازند بالخاصه گلها تیکه جهت سر عروس مثل شکوفه نارنج و گل های متنوع و گل تخت خینه و اکلیل های گل که جهت بفنل عروس ساخته میشود خیلی نفیس و لطیف است بر علاوه این بعضی از گلسازها موجود است که از پرهای مختلف طبور به يك صورت نهایت دلنرب جفه های بس نفیسی میسازند. این صنعت گلسازی در هر ولایت کم و بیش موجود است لیک گل سازهای کابل شهرت بیشتری دارند

شیت سازی :

از تکه های ابریشمی نازک اعلی شیت های نفیس و خیلی خوبی

صنایع و فنون در افغانستان

های بس طبیعی وجاندارایشان دیده میشود . دیری نخواهد گذشت که در سایه مکتب صنایع رسامهای بیشتر و قیمت دار تری پیدا شده از آثار جذاب خود زیاد تر مارا محظوظ و مستفید سازند .

عکاسی :

صنعت عکاسی در افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان قدم گذاشته آهسته آهسته رو بترقی گذاشت اکنون در هر ولایت بر علاوه اشخاص صاحب ذوقیکه کامره هاداشته بگر قتن عکس مهارت دارند يك عده عکاسهای قابل کار و ماهری نیز وجود دارد بالخاصه در کابل این صنعت ترقی خوبی نموده عکاسها از عهدۀ رتوش واج و غیره امور عکاسی بخوبی بدر شده میتوانند بعضی از عکاسهای وطن مخصوصاً در ارو با تحصیل هم نموده است . در کابل عکاس خانه های مشهور يکه دارای استدی خوبی و لوازم مکمل عکاسی است عبارت از عکاس خانه وزارت دربار . عکاسخانه مطبعه عمومی ، عکاس خانه ملی صاحب داد خان عکاس ، عکاسخانه قوماندانی طیاره ، عکاسخانه قوماندانی کو توالی ، عکاسخانه بنسی لال . . . و غیره میباشد . همچنان در دیگر ولایات بعضی عکاسخانه ها وجود دارد .

سینما :

قریب (۱۸) سال است که در افغانستان سینما وجود دارد گر چه قبل از انقلاب وطن سینمای عمومی طعمه حریق گشت و در زمان انقلاب وطن که بعضی لوازم باقیمانده بود همه برباد شد ليک در اثر توجه نهضت خواهانۀ حکومت متبوعه مجدد آ لوازم سینما تهیه و عمارت سینمای عمومی و بزرگ که قبل از انقلاب سوخته و خراب شده بود دوباره با اصول

توسط گل-ازها و غیره به يك پیمانه زیادی ساخته میشود . بعضا بدامن شت ها پرک های متناسب و بعضی هم مهره های مختلف را علاوه میکنند .

صنایع تمثیلی

رسامی :

رسامی این صنعت بعد از يك مدت طولانی در زمان امیر حبیب الله خان باجناب مرحوم غلام محمد خان پروفسر در صحنه حیات قدم نهاده و این فرزند قابل قدر و وطن علاوه ازین که در ایام مدیریت مکتب صنایع در راه ارتقاء صنعت کاران خدمت بسزا نمود ، بسی آثار قیمت داری هم از خود بیادگار گذاشته که انسان بی اختیار میشود که با آثار او بنظر تحسین بشگردد ازین بعد تر آهسته آهسته جنبشی در صنعت رسامی دیده میشود ابتدا مکتب رسامی دائر و چندی بعد در زمان اعلیحضرت شهید فقید (رح) مکتب صنایع روی کار آمده صنعت پررنگی برای آن دران مکتب تخصیص داده شد که اکنون بسی طلاب ازین مکتب عالی فارغ التحصیل شده بعضی عهدۀ معلمی دارند و برخی در شعب مختلفه مصرف صنعت رسامی اند حاضرأ شخصی که در مملکت ما درین صنعت ممتاز و سر آمد تمام رسامهاست جناب عبدالغفور خان « برشنا » فارغ التحصیل یونیورسسته جرمنی مدیر مکتب صنایع میباشد . این شخص علاوه بر خدماتیکه در راه تعلیم طلاب نموده يك عده رسامها و تابلوهای رنگ آبی و روغنی قیمت داری هم از خود بیادگار گذاشته است دیگر رسامهای جوان وطن هم از عهدۀ استعمال رنگ آبی و روغنی بخوبی بدر شده در بسی جاها تابلوهای قشنگ و دلر با و پورتريت

صنایع و فنون در افغانستان

و عصری اتوماتیک به سرعت نشر و کثرت کار و زیبایی طباعت این مطبعه بطور بزرگی بخشیده است. (که تقصیل آن تحت عنوان «مطابع -رافغانستان» درج است).

دیگر مطابع فوق الذکر افغانستان بعضی دارای شعب حروف چینی و طباعت و برخی مالک شعب کاپی نویسی و طبع میباشد یعنی بعضی آن حروفی و برخی آن (لیتوگرافی) است . مکتب صنایع حسب هدایات مقامات مربوطه جهت اصلاح لیتوگرافی ، صنفی در مکتب صنایع ایزاد و دران یک عده جوان ها را مشغول تعلیم فن لیتوگرافی ساخته است که با وجود مدت قلیل تحصیل از روی اثرات نفیس او شان میتوان گفت که ترقی خوبی نموده و عنقریب صنعت لیتوگرافی ما را رنگت و رونق عصری خواهند بخشید . خلاصه طباعت موجوده افغانستان نظر بدوره های سابق به مراتب کسب نفاست و زیبایی نموده در آینده قریب میتواند که با طباعت اکثر ملل شرق که دارای طباعت نفیس و عالی اند همسری کنند فعلاً از روی همین سالنامه در باره طباعت موجوده افغانستان میتوان فکری حاصل نمود .

صنایع متعلقه بسامان چوبی

ساخت میز ، چوکی ، الهاری و غیره :

صنعتکاران ما درین قسمت هم ترقی خوب و نمایانی نموده روز بروز تجدد و رونق بهتری باینصنعت می بخشند . اکثر مستحصلات استادان این فن از سامان اروپائی که بکمال دقت و نفاست بوجود آمده فرقی ندارد . برای فرمایش دهندگان اکثر آرزوی کتلاک سامان تهیه میدارند در جمله کارهای چوکی سازان (که الهاری ، میز

بهتری تعمیر و تکمیل گردید که اینک از عرصه چندبست بافلم های مختلفه چه اطاق و چه رنگه یومیه و سیله تفریح اهالی را فراهم نموده است اکنون در کابل دو سینما وجود دارد که یکی آنجهه عسکری و دیگر آن برای افراد ملکی و اهالی تخصیص یافته . در سینمای متعلق وزارت حریه بیشتر فلم های تعلیمی عسکری و محاربه وی نشان داده میشود . برعلاوه این دو سینما در ایام جشن با افتخار استقلال یک سینمای موقتی در منطقه جشن استقلال همه ساله دائر شده تا مدتی دوام میکنند بر علاوه درین ایام وزارت جلیله معارف در نظر دارد که یک سینمای مخصوص تعلیمی طوریکه در دنیا معمول است جهت اطفال مکاتب دائر سازد تا اطفال ازان بصورت محسوس بعضی چیزها را بیاموزند چنانچه ماشینها و لوازم آن به مرکز رسیده و در شرف تاسیس است همچنین یک سینمای طبی و حفظ الصحه نیز از طرف وزارت جلیله صحیه تاسیس میشود .

طباعت در افغانستان :

طباعت در افغانستان از زمان امیر شیرعلیخان قدم بعرصه حیات گذشته آهسته آهسته ترقی نمود . حاضرأ در افغانستان ۷ مطبعه نسبتاً خورد ملکی و یک مطبعه بزرگ عمومی (به استثنای مطابع عسکری) وجود دارد در مطبعه های خورد بعضی از مجلات و جرائد و کتب و در مطبعه عمومی تمام ضروریات و امور طباعتی رسمی و غیر رسمی بیک صورت بسیار خوبی بطبع میرسد . مطبع عمومی افغانستان یک ریاست بزرگ بوده دارای شعب بزرگ حروف چینی ، طبع حروفی و عکس لیتوگرافی ، و خطاطی ، آفسیت ، زنگوگرافی ، صحافی ، حروف ریزی و غیره میباشد بالغاضه ماشینهای متعدد و مختلف جدیدالورود

پرکاری چوکی و بیت بافی:

چوکی سازها بعد از آنکه قسمت چوبی کوچ و چوکی و کنجی را تکمیل نمودند تفویض (پرکارهای چوکی) و یا تسلیم بیت بافها نموده از طرف ایشان چوکیها پرکاری و بیت بافی میشود. در پرکاری بعضاً فنر و بعضاً هم ریشه نالیار، پشم... و غیره را استعمال نموده بروی آن تکه های نفیس و قشنگ میگیرند.

ساخت لوازم موسیقی:

ساخت لوازم موسیقی با تاریخ موسیقی و این هم با تاریخ دیانت در افغانستان توأم است ساخت لوازم موسیقی بالخاصه در زمان موجودیت دیانت برهن و بودائی علی الرغم ساده و بسیط بودن لوازم بیشتر اعمال میگردد در زمان اسلام الی سقوط خاندان تیموریها در ترقی خود افزوده رفت. حاضراً در افغانستان به يك پیمانته زیادی از طرف صنعتگران، رباب، تنبور، دلر با، سارنگک، غیچک دایره، ارمونیه، انواع توله ها، زنگک... و غیره ساخته میشود. در بعضی از لوازم مثل تنبور، دلر با، سارنگک، غیچک بصورت اشکال منظم هندسی صدف کار میکنند که از هر حیث به نفاست اشیا صدف کاری شده میافزاید.

خرادی چوب:

بر علاوه تیکه در فابریکه نجاری مرکز و دار الفنون بذریعه ماشینهای برقی خردی اجرا میشود در تمام ولایات اشخاص وجود

و غیره هم میسازند) بالخاصه کارهای ورق شانی و چوب جافر خیلی نفیس و قابل تعریف است. مستحضرات اینها عبارت از انواع میز: میز کار، چایخوری، نانخوری، میوه خوری، میز آرایش میزهای بازی... و اقسام کوچها، چوکیها، الماریها، کنجیها... و غیره به يك پیمانته میباشد که تمام احتیاجات مملکت را تکه تکه فو کرده میتواند. فعلاً بر علاوه صنعتکاران بازار سه کارخانه نجاری وجود دارد که بیشتر مصروف اعمال همین قبیل اشیاء هستند: کارخانه مرکزی و کارخانه دار الفنون، کارخانه مکتب صنایع نفیسه. کارخانه نجاری مرکزی و دار الفنون دارای ماشینهای برقی از قبیل ماشینهای مختلف اره کشی، چول کشی، رنده زنی، ریگمال و صفا کاری، تیز کاری پلها میباشد که در تسریع کار و صفائی اشیاء خدمت خوبی مینماید درین فابریکه در ظرف یکماه؛ اندازه ۴۰۰ میز و صدها دروازه و غیره ساخته میشود. کارخانه مکتب صنایع یک کارخانه تعلیمی بوده این هم دارای ماشینهای برقی بزرگ و دیگر نوع سامان و لوازم است که بسی سامان نفیس، تهیه و تدارک میکند. این نوع صنعتگران که پیشه ساخت و تهیه میز، چوکی، الماری و غیره اثاث الیت را دارند در تمام شهرهای مهم موجود میباشد لیک باعتبار اکثریت صنعتگران کابل مزیت خاصی دارند چه در اشیاء مصنوعه او شان بعضی ظرافتها و باریکی هائی خوبی بمشاهده میرسد. باید تذکر نمود که در نجاری موجوده طلاب فارغ التحصیل صنف مسلکی مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلاب آینده آن تطوری زیادی را درین صنعت با خاطر نشان میکنند.

صنایع و فنون در افغانستان

بطریق قدیم : مزار ، قطغن و بدخشان ، هرات سمت شمالی ، کابل میباشد .

سراجی :

برای تهیه قطار و زنه ، کمر بند ، قیزه و زین و غیره کارخانه در پهلوی فابریکه بوت دوزی وجود دارد که یک پیمانۀ زیادی سامان سراجی در آن تهیه میشود علاوه در بازار های کابل ، قندهار ، هرات ، قطغن و بدخشان و غیره جاها هم سراجها وجود دارد که کمر بندها ، زین ها ، پوشهای تفنگ ، بکس ها طبراقها ، قیزه ها و غیره میسازند لیک سراجی کابل نسبت بدیگر جاها بهتر و خوبتر بوده و لوازم مصنوعۀ اوشان نفاست خوبی دارد .

صنعت استحصال ابریشم

این صنعت در حصص مشرقی ، قندهار ، قطغن و بدخشان بکثرت وجود دارد ابریشم قندهار مشهور و بهتر است . پيله های افغانستان اکثرآ خورد و دارای الوان مختلف میباشد از حصص قندهار قریه جات متصل شهر و بالخاصه ارغنداب و از حصص مشرقی بالخاصه چپرهار و سرخ رود و از قطغن و بدخشان ر ستاق ، چایان بیشتر به این شغل ذوق نشان میدهند . در دیگر حصص ولایات شمالی هم صنعت پيله رواج دارد ازین ابریشم ها يك قسم زیاد آن بخارج رفته و يك قسم آن در داخل بمصرف میرسد ، صنعت شست و ریشیدن غوزه ها هم در همین حصص بعمل میآید . اگر به این صنعت قدری اصلاحات فنی بعمل آید ترقی خوبی نموده و ابریشم آن از بسی ابریشم های دنیا بهتر و خوبتر خواهد شد . از چند سال به اینطرف از طرف حکومت درین

دارد که وظیفۀ اوشان مخصوصاً خرادیت . این نوع خرادها بذریعۀ آلات دستی از چوبهای متنوع وطن ، پایه های چیرکت ، چهار پائی ، نی های چلم ، گاز های چوبی جهت اطفال واز شاخها سرهای چوب شاخی اعمال میکنند این صنعت در تمام ولایات کم و بیش وجود دارد لیک به نسبت فقدان ماشینهای خرا دی نمیتواند که تطوری در کار خویش تولید کنند .

دباغی و سراجی

دباغی :

برای دباغی چرمهای گاوی و گوسفندی و بزی . . . و غیره فعلاً دو کارخانه در کابل وجود دارد : کارخانه دباغی حکومتی کارخانه دباغی ملی که از طرف شرکاء تا سیس یافته . در هر دو کارخانه يك تعداد ماشینهای برقی وجود داشته چرم های مختلفی به اصول جدید دباغی میشود چرمهای رقم کرم وچیر هم در همین فابریکه ساخته میشود . علاوه برین فابریکه ها در ولایت مزار هم از طرف شرکاء فابریکه دباغی بنا نهاده شده که عنقریب شروع بکار خواهد کرد و نیز ماشین های اتوماتیکی سیستم جدیدی برای کارخانه دباغی حکومتی خواسته شده تا بذریعۀ آن ماشینها هم درجه مستحضلات چرم بلند رود وهم چرمهای خوبتری بدست آید عنقریب این ماشینها وارد و در عمارت مخصوصه نصب خواهد شد . گذشته ازین کارخانه ها در بسی نقاط افغانستان هم آس دادن و پخته کردن چرم به اصول قدیم به يك پیمانۀ زیادی رواج دارد . مشهورترین مراکز دباغی

مورد توجه زیادی بعمل آمده علاوه از توزیع را بگان تخم پیله ، يك تریه خانه دواتی بصورت نمونه جهت پرورش کرم ابریشم در کابل دایر میباشد .

صنایع خورا که

قند سازی :

حکومت موجوده در نظر دارد که علاوه بر تکمیل کارخانه قند سازی که سابقاً خریداری شده و حال ترمیم طلب میباشد يك فابریکه جدیدی قند سازی که از بلبلو ، قند استخراج نماید وارد ساخته از بلبوی قطنن وغیره جبهه صرفیات افغانستان قند استخراج نماید . فعلاً بوره از خارج آمده و بذریعه قناد های بازار قند سرآب وغیره ساخته میشود .

یخ سازی :

مناطق افغانستان دارای هوای مختلف است بعضی جاها سرد و بعضی جاها معتدل و بعضی هم گرم است جاهای سرد احتیاج به یخ و برف ندارد جاهای معتدل و سرد از زمستان در یخدانها یخ و برف ذخیره نموده در بهار بمصرف میرسانند حصص گرم چون زمستان شدید ندارد و اکثر برف هم نمیشود .

لذا نمیتوانند که یخ و یا برف ذخیره کنند . قندهار از جمله مناطق گرم افغانستان است درین ولا کارخانه جبهه ساختن یخ تأسیس شده که برای تمام اهالی قندهار یخ مصنوعی بذریعه ماشین میسازد وهم در نظر است که کارخانه مذکور در ۱۳۱۷ توسیع داده شود .

صنایع و فنون در افغانستان

حفظ انار :

میوه در افغانستان بصور مختلفی حفظ میشود بعضی ها خانه های خصوصی جبهه حفظ میوه تعمیر نموده میوه را بذریعه ینبه ، کاه ... از همدمگر بعید داشته در اطاق آتش و چراغهای تیلی میگذارند تا هم تأثیر هوا به این طریق کم گشته و هم میوه از یخ بستن محفوظ ماند . برای انگور طرز مخصوصی دارند بعضی انگورهارا بیشتر بذریعه قطی ها و بعضی را بذریعه کنسکینه (۱) حفظ میکنند اکثر میوه های تازه که در بازارهای افغانستان در ایام زمستان دیده میشود بهمیت طریق حفظ میشود در ۱۳۱۵ از طرف شرکت پشتون قندهار يك کارخانه حفظ میوه (کنسرو) تاسیس یافته که بذریعه ماشین های برقی بصورت جدید کنسرو میکنند این کارخانه دارای (۱۱) پایه ماشین برقی است .

صنعت گر و شکر :

در بعضی حصص مشرقی مثل جلال آباد ، لغمان ... وغیره بذریعه ماشین حاجی نیشکر حاجی شده از شربت آن گر و شکر بیکمقدار زیادی ساخته بقیمت نازلی در تمام نقاط افغانستان بفروش میرسد .

علاقه بندی و کار سوزن

علاقه بندی :

علاقه بندی صنعتیست که از ابریشم ، سند ، گلابتون ، نخ بذریعه (۱) کنسکینه : محفظه از گل و یا ظروف سفالین ساخته انگور را درین آن میگذارند .

دست و کار گاهای دستی روبل ها و جالبهای نفیس و یو پکهای خیلی خوب چپه پرده ها و این ها ، قیطانها، ریشه ها ، پهمک ها ، فیه ها و غیره میسازند ضمناً تساییح و غیره را بتوه مینمایند .

کار سوزن :

این صنعت متنوع بوده بصورت عمومی مشهور ترین آن را به (۶) میتوان تفریق نمود : خامک دوزی ، پخته دوزی ، سیم دوزی ، گلابتون دوزی ، چکن دوزی و گل دوزی .

خامک دوزی :

صنعت خیلی نفیس است که بذریعه سوزن و ابریشم های مختلف غیر تاب خورده اشکال هندسی و گل های برجسته بر روی سرمیزی ها و پیشکی های بقره ، قطیفه ها ، چین ها ، لنگی های سرشانه و سرو غیره بصورت خیلی نفیس و قشنگ دوخته میشود این صنعت در بسی نقاط افغانستان وجود دارد ایک قندهار و غزنی ، به این صنعت بیشتر نسبت شهرت نموده است در غزنی این صنعت را بیشتر در پوستین ها استعمال میکنند .

پخته دوزی :

ا بریشم را تاب داده بصورت غیر برجسته عین اشکال هندسی و گل خامک دوزی را بصورت غیر برجسته (عمیق) میدوزند که این صنعت را تور بخیه هم میگویند تور بخیه اکثر آ بروی یخن ها و دهن های پاچه و کلای بقره زنانه استعمال می شود این صنعت در قندهار ، مشرقی ، جنوبی ، وردک بیشتر مروج است .

سیم دوزی :

سیم های خیلی باریک تاب داده را بصورت خوشه های گندم و گل اکثرأ در کابل و قندهار بر روی یخن و پیک های کلاه های رسمی عسکری و یکنوع کلای ملکی که به اسم کلای سیم دوزی یاد میشود بصورت خوب و نفیسی میدوزند این صنعت در زمان امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان بیشتر رواج و ترقی داشت چه این صنعت در لباسهای رسمی و غیره خیلی زیاد استعمال میگردد و هم در کابل و بعضی ولایات سیم های نقرئی را در روی چادرها بصورت ستاره های متعدد دوخت میکنند .

زر دوزی :

بیشتر در قندهار ، کابل ، مشرقی بذریعه گلابتونها در روی عرق چین ها ، رو پطنوسی ها ، رویه پیزار ها ، بوتهای زنانه ، چپلی و غیره بایک سفتی مخصوصی دوخت میشود که در گلها و بته های دوخت شده تار های گلابتون تمام سطح تکه را مطلا یا بقره کوب نماید. این صنعت بیشتر در قندهار ، کابل، مشرقی وجود دارد.

چکن دوزی :

بذریعه ابریشم های رنگه و گلابتون اشکال هندسی و گلها به یک صورت مخصوصی بر روی روپطنوسها ، سرمیزی ها ، سرصندلیها یکنوع کلای های مخصوصی جلال آباد، و چکن ها میدوزند چکن دوزی زیاد تر در مشرقی ، ترکستان ، وردک ، سمت جنوبی

این مؤسسه نظر بد یگر مؤسسات خیلی مفید بوده برای مراجعین تسهیلات لازمه فراهم میکند در تمام مؤسسات دیگر متخصصین و طن که بعضی در خارج و بعضی هم در همین جا تحصیل دیده اند مصروف کار اند .

کشیدن تیل از نباتات

کارخانه جبهه تیل کشی از نباتات وجود دارد که توسط آن از نباتات چربی دار تیل کشیده میشود این کارخانه در ۱۳۱۱ تأسیس یافته است. علاوه در بسی نقاط افغانستان بذریعه ماشین هاییکه ذریعه حیوانات بحرکت آورده میشود از شرشم ، پنبه دانه ، زغر ، کنجد... و غیره تیل میکشند . مستحضلات شرشم ، و پنبه دانه ، و زغر به يك پیمانه خیلی زیاد است .

کلالی

این صنعت بر وفق ممالک سائره درین مملکت نیز یکی از صنایع خیلی قدیمی است که حسب احتیاجات به آن در هر وقت تغییری داده شده حاضرأ این صنعت در اکثر نقاط افغانستان کم و بیش رواج دارد . از جمله ظروفیکه دراستالف ، بعض حصص جلال آباد ، قندهار و هرات اعمال میگردد نفیس تر و مضبوط تر میباشد . اشیاء مصنوعه عبارت از صراحی ها ، کوزه های آب بخی ، دیگ های مختلف ، گلدانی ها ، تقاره های خمیر ، کاسه های شیشه دوانده (کاشی) و ساده وغیره ظروف میباشد .

رواج دارد . بالخاصه چکن دوزی اشیای خورد و ردك خیلی نفیس بوده و بچنان مهارت روی اشیاء را بذریعه دوخت از اشکال هندسی مزین میسازند که گویا بذریعه يك ماشین خیلی حساس دوخته شده که تمام تقسیمات هندسی را رعایت توانسته است .

گل دوزی برجسته :

بذریعه پشم وابر پشم های ملون ، سند ، گلابتون انواع گلها و طیور درخت ، انسان بصورت برجسته و بزرگ میدوزند این اکثرأ در تکیه ها (پشتی ها) رو بطنوسا ها پرده ها دوخته میشود بذریعه ماشین هم در روی چادرها وغیره بعضی گاهای سندی نفیس و خوبی میدوزند این صنعت در کابل بیشتر رواج یافته .

انواع صنایع سوزنی فوق به يك مقیاس زیادی رواج داشته اکثرأ مشغولیت زنهاست .

دندان سازی

این صنعت در تمام شهر های مهم افغانستان وجود دارد لیک در کابل يك صورت اساسی و عصری بوده علاوه از پرکاری و پوش کردن و پاک و صفا کردن دندانهای طبیعی دندهای صنعتی بيك صورت بسیار خوب و اساسی تیار میشود ، علاوه بر مؤسسات شخصی در کابل يك مؤسسه عالی تحت ریاست يك نفر متخصص لائق از چند یت تاسیس یافته که دارای لوازم عصری بوده از عهده هر نوع دواوی ، پر دیز ساخت دندان و غیره امور دندان سازی بخوبی بدر شده میتواند

نفر طلبه به شعب رسامی و نقاشی، رنگامالی، رنگریزی، نجاری (مسلمکی و مستعجله)، مهندسی، معماری، بسته‌کاری، فالین بافی خیاطی، لیتوگرافی، سفیده‌کاری... تقسیم یافته بعضی شعب که سابقاً تأسیس یافته بود ازان يك تعداد طلاب زیادی فارغ التحصیل شده و در شعب مختلفه مصروف کار اند و بعضی شعب که بعدتر بوجود آمده طلاب آن رشدی واعدادی و بعدتر ازان ابتدائی اند. حاضراً مکتب تحت مدیریت یکی از جوانهای لائق تر این کار جناب عبدالغفور خان برشنا فارغ التحصیل یونیورسٹی رسامی آلمان به یک صورت عصری و اطمینان بخشی جاری بوده روز بروز فعالیت و نظور خوبی در آن دیده میشود.

صنعت در محبس مرکزی

جهت تهیه مشغولیت و آموختن صنعت و ضمناً استفاده مادی محبوسین، حکومت ترقیخواه ما از مدتیست که کارخانه چندی مثل کارخانه: شطرنجی بافی، الچه بافی، تسربافی، گلیم بافی، خیاطی، بوت دوزی و سراجی، کاشی سازی، آهنگری و حلبی سازی، نجاری و خردادی، رنگریزی، ساخت نل و خشت سمته، سرلوحه نویسی، بنیان بافی و جراب بافی... و غیره تأسیس و محبوسین بکمال ذوق و رغبت هر يك یکی از این کارخانه های دستی که اکثراً بذریعہ دست و آلات دستی کار میکنند مصروف بوده روز بروز بهمارت شان افزوده شده میروند. حاضراً اکثر مستحصلات محبس مرکزی خوب و نفیس بوده در بازار کابل بکثرت بفروش میرسد. این بود نبندی از فنون و صنایع مادی موجوده افغانستان که مختصر آ

بعضی حرفه های متنوعه

علاوه بر صنایع که در فوق بدان اشاره رفت بعضی صنعت ها و حرفتهای دیگری هم بمنزل مهر کنی، لوحه نویسی بصور مختلفه (به حرف سایه دار، برجسته، مشبک...)، رفوی فالین و پتوها، شانه سازی که از چوب شانه های رنگه و نقش دار میسازند، سیم و مهره کاری های نی چلم و غیره، بافت پکه ها، بوریا و غیره صنایع و حرفتهای ضروری و لازمی حیاتی وجود دارد که در راه تطمین احتیاجات اهالی خدمت میکنند که تفصیل همه این ها در خور کتاب خیلی ضخیم است. حال لازم است که راجع به دو مؤسسه مهم صنعتی چیزی عرض معلومات نمائیم:

مکتب صنایع نفیسه

اعلیحضرت فقید شهید (رح) بخوبی درک فرموده بودند که صنایع افغانستان در خور اصلاح بوده و میدان وسیعی جهت ترقی دارد که این اصلاح و ترقی جز بوجود آوردن يك عده صنعت کاران خیلی لائق و وطن که صنعت را با تمام پاریکهای بیاموزند چاره دیگر نیست که صنایع ملی رنگ و رونق جدیدی بخود گیرد. بتأسی این فکر، مکتب عالی بنام مکتب صنایع نفیسه تأسیس فرمود که چنین مکتب در شرق خیلی کم نظیر دارد، برای امور تعلیمی آن منحصصین مجرب داخلی و خارجی را تهیه و به اندازه زیادی طلاب را امر شمولیت فرمود. در اول به نسبت ابتدائی بودن کار، گرچه خالی از نواقص نبود لیک رفته رفته نواقص آن تکمیل و اینک به اندازه ۱۲۰۰

بدان اشاره نمودیم. حال بی مورد نخواهد بود که در اطراف اصلاح و ترقی صنایع عمومی تبصره خوردی بنمائیم:

تبصره مختصر در اطراف اصلاح و ترقی صنایع

درین جای شك نیست و منکری ندارد که افغانستان در سایه حکومت ترقیخواه درین مدت خیلی کمی جدیت و فعالیت زیاد و خوبی نموده بسی فابریکه‌ها و کارخانه‌های بزرگ تأسیس و بسی مؤسسات در راه تصور صنایع خدمت‌های خوبی نموده میرود روی کار آمده و روز بروز بعد از آن افزود شده میرود که در آینده قریب نتیجه آن را بصورت خیلی درخشان خواهیم دید لیک از باعث کمتر اهتمام نمودن اهالی مخصوصاً صنعتکاران ملی منصفانه باید گفت که نظر بملل صنعتی دنیا خیلی عقب مانده سالها مجاهدت طاقت فرسا میخواهد تا خود را ازین ناحیه همقطار ایشان بسازیم. این پس ماندمگی ما بیشتر زاده کوشش‌های انفرادی و پابندی توده صنعتکاران به طرز قدیم و بیکاری ملیونها دهاقین و مزدور کاران در ایام زمستان است. هرگاه تمام صنعتکارانیکه بصورت انفرادی در اثر یک سلسله حرکات پیدی تهیه متاع و لوازم مینمایند دست اتحاد و اتفاق را بسوی همدگر دراز نموده شرکت‌های متعددی تأسیس و از مجموع اندوخته‌های خویش لوازم و ماشین‌های لازمه عصری از اروپا وارد کنند و از دیگر طرف رونق جدید و اصلاحات در صنعت خویش به تعاون صنعتکاران ماهر بنمایند در مدت قلیل یک تطور عظیم در درجه مستحضرات و یک نفاست خوبی در صنایع ملی بعمل آمده هم مملکت مسعود و هم خود ایشان شیرین کام میگرددند. ازین جله اخیر الذکر اصلاح صنعت چنین فهمیده نشود

صنایع و فنون در افغانستان

که صنایع موجوده ملی را میخواهم بکلی از میان رفته صنایع جدیدی جای گیر آن شود. نه‌خیر!

مطلب از اصلاحات تعدیل و تصحیح نواقص است یعنی میخواهم بفهمانم که باید در شکل صنایع موجوده ملی یک تجدید و رونق بهتری داده شود. ما بعضی صنایع نفیس ملی داریم که اندک نقص باعث تنقید مشترکها در بازارهای دنیا میشود مثلاً قالین را بصورت نمونه نشان میدهم: در بازارهای دنیا تنقیدی که راجع بقالین ما میشود عبارت ازین است که میگویند رنگ تمام آن بیک نواخت نبوده بعضی جاها کم رنگ و بعضی جاها تیز است. همچنان گل‌های تمام قالین‌ها چند نمونه تغییر ناپذیری دارد. نفس اول ناشی از کم، کم، کم رنگ کردن پشم است که این هم زاده محدودیت سرمایه و نقص دوم مشتق از عدم وجود رهبران ماهر و فنی است که جز در سایه شرکت‌ها و تدابیر فنی بدیگر صورت اصلاح آن پرودی میسر نمیشود، همچنان است بعضی از صنایع دیگر ما که به اندک همت بصورت نهایت خوبی اصلاح شده ترقی میکند. آمدم به این شق که دهاقین ما با مزدوران اکثر در ایام زمستان بیکار میانند: هر گایکی از شرکت‌های ما و یا جمعی از صاحبان ثروت که تشکیل شرکت میتوانند مطابق هدایات حکومت ترقیخواه برای چنین اشخاص که تعداد آن از ملیونها تجاوز میکند مثلاً ماشین‌های خورد دستی جهت بافت جراب، بنیان، و چندین امته‌ئیکه بسهولت بذریعه ماشین‌های خورد تهیه آن ممکن است وارد نموده و به اقساط معینه بالای ایشان بفروشند و بذریعه مستخدمین شرکت در خانه‌ها این دهاقین و غیره کار آگاه شده و مستحضرات اوشان را بقیمت مناسبی که برای طرفین فائده باشد

اشياء کارآمد دیگر که در وطن دست یاب میشود استعمال کنند هم صنعت کاران و طن دارای سرمایه خوبی گشته پول ما بجهت خارجی ها نمی افتد و هم لوازم مضبوط و با دوام بقیمت نازلی بدست میآید بالعکس اگر چنین نشود و این حس غریزی وطن بماند تأثیری نکند صنعت ملی ما ازین هم پست تر گشته صنعت کاران موجوده که داریم آهسته آهسته از میان خواهد رفت. چه ثابت شده که تمام ترقیات بشرزاده احتیاج است و احتیاج هم ما در ایجاد وقتیکه ما احتیاج خود را از خارج رفع کنیم آیا ممکن خواهد بود بچیزیکه احتیاج نداشته باشیم ترقی کند؟ پس درینصورت گناه انحطاط صنایع وطن بدوش فرد فرد ما افتیده ظلم بر خویشتن و وطن خواهیم کرد.

چون در فوق راجع به ترقی و اصلاح صنایع وطن تبصره نمودیم حال بی مورد نخواهد بود که پیشنهادات (تایلر) مهندس امریکائی را که قریب ۲۵ سال قبل برای تنظیم و تشکیل صنایع دستی نموده و آن را (طریقه کار عملی) نام نهاده است برای استفاده شرکتها و ذواتیکه خیال تشکیل شرکتها را مینمایند در معرض اشاعه بگذاریم:

کار عملی یا طریقه تایلر

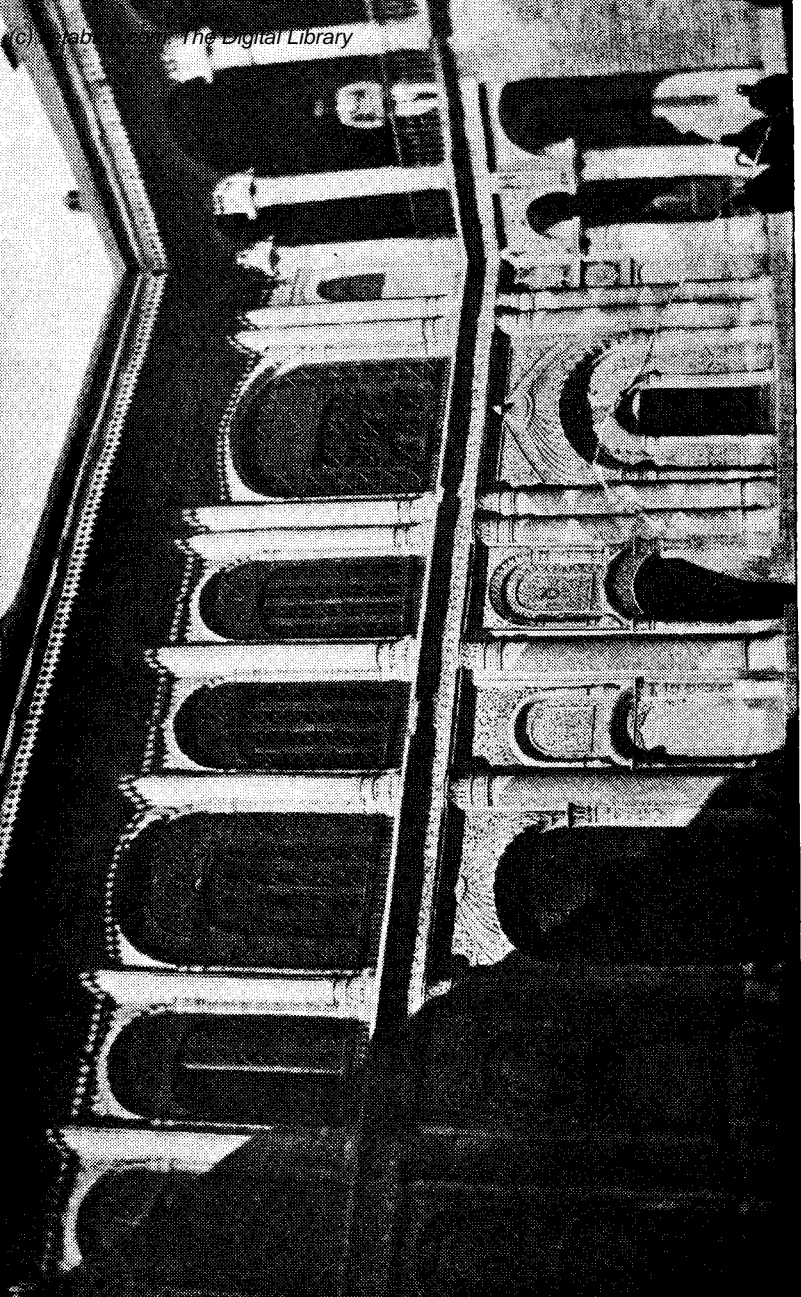
روح طریقه مذکور این است که کارگر صنایع دستی طرز کار را نمیداند و با مراعات اصول ذیل باید تعمیم یافته و آموخته گردد:

- ۱ - تجزیه کار بعناصر ساده و تنظیم اوقات هر یک از آنها.
- ۲ - حذف حرکات زائدیکه ببرد حصول نتیجه نمیخورد و استفاده از اوقات بقسمیکه جز زمانی که برای استراحت کارگر ضروریست

بخرند در ماه فوائد هنگفتی بشرکت رسیده ضمناً يك عده زیاد برادران وطن صاحب ثروت خواهند شد کذا بسی طریقه های دیگری وجود دارد که به جیب مائثروت هنگفتی را میریزد. امروز مملکت جاپان که از نقطه نظر صنعت شهرت بلندی حاصل و بمقابل امتعه دیگر ملل اعلان دمینگک (ارزان فروشی) نموده بسا فابریکه ها را ورشکست میکند در سایه همین نوع تدابیر است که شرکت آنرا بکار میاندازد.

خلاصه عصر حاضر عصر ترقی و تعالی صنعت بوده بدون رسیدن بدور صنایع بزرگ و لوانیکه زراعت و فلاحت ما خیلی و ترقی باشد غیر ممکن است که مثل ملل مترقی و صنعتی دنیا شاهد سعادت ملی را به آغوش کشیم امروز سعادت مند ترین ملل آنانیست که مستحصلات آن چون سیل در بازارهای دنیا جریان داشته بمقابل ده رویه مواد خام ۱۰۰ ها رویه نقد را بجهت خود می اندازند.

در اینجا مورد روشن کردن دارد که پیشرفت و ترقی صنایع تنها وابسته بمساعی و مجاهدت صنعتکاران نبوده يك قسمت مهم متوجه مشتریان و طن هم میگردد یعنی اگر مشتریان به پاس حقوق وطن و به لحاظ ملت دوستی امتعه خارج را که ازان صنعت کاران وطن بکثرت تهیه کرده میتوانند از قلب خود دور کرده به استملاک مستحصلات خود بکوشند یعنی بعوض تافهای بی دوام، کلم های خوب و قشنگ بجای تکه های پوده و بی داشت خارج انواع تکه های با دوام و مضبوط وطن را و بعوض ظروف برنجی، المونیمی، حلبی خارج صراحی آفتابه لگن، بشقاب، سماوار، پلنوس و صدها سامان مسی و برنجی و حلبی و طن را و بعوض چاقو، کارد، قیچی ... و غیره آلمانی، جاپانی ... و غیره چاقوهای آبدار فولادی و خیلی بران وطنی را بیا بیا بیا



از عمارات قدیمه هرات : حرم سرای باغ کارته
Type des anciens bâtiments du 18è. siècle à Hérat

وقت او تفضیح نگردیده و حرکات مفیده متصل به یک دیگر انجام شوند .
۳ - جریان کار قسمی منظم گردد که خبط و خطائی دران رو نداده و یک مرتبه که کارگر شروع بکار نمود تا اختتام بکمال صحت و انتظام پیش برود .

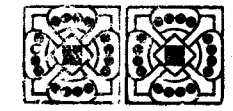
۴- مصالح و آلات هر کار یرا قبل برای کارگر تهیه نموده و در دسترس او بگذارند .

۵ - عمدتاً نگرانها و مقتشین فنی برای نظارت حسن جریان کار و ضمناً تربیه کارگران معین کرده و کار فرمایان فاسدیرا که با تحکیمات خود روح کارگر را متالم سازند دور نمایند .

۶ - حداقلی برای کار کارگرو اجرت او مشخص ساخته و برای اضافه کار نسبت معینی به او اجرت اضافی دهند .

در صورتیکه نکات فوق کاملاً مرعی و مجرا گردد نتایج خوبی ازان بدست خواهد آمد .

شرط عمده استفاده ازان ، صورت عمومیت پیدا کردن این اصول است .



نباتات مشهور افغانستان

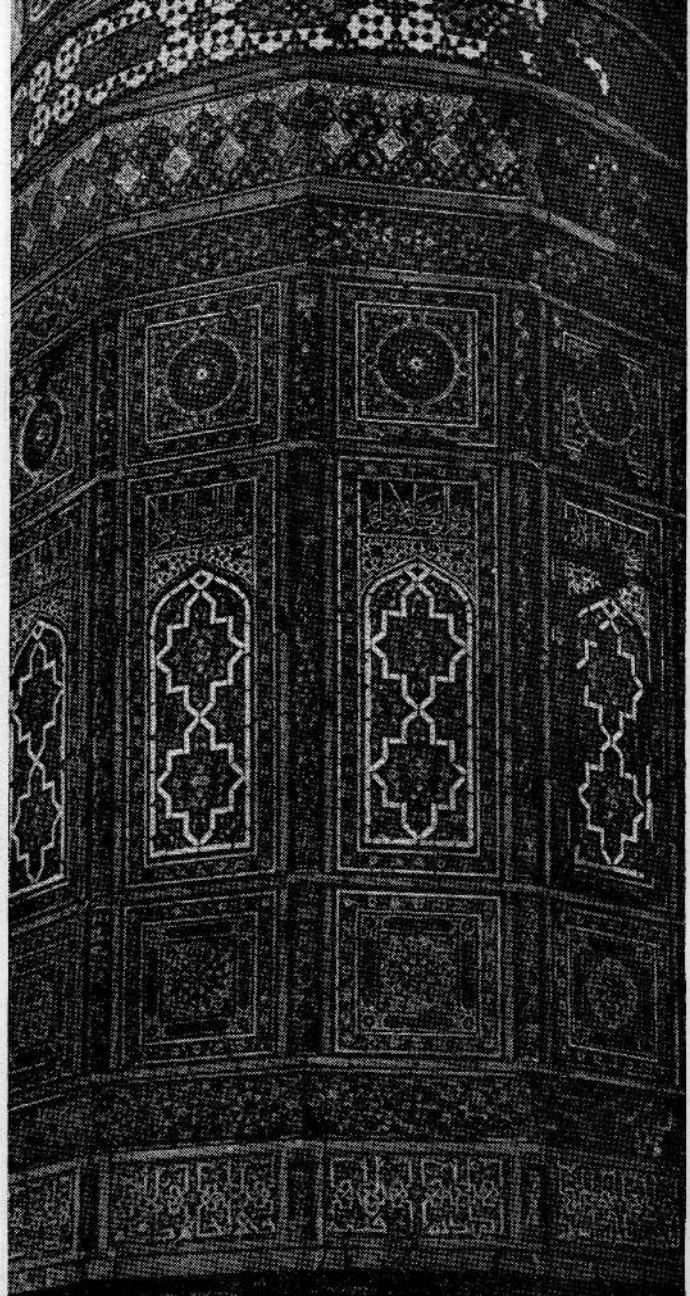
ومعلومات طبقات الارضى آن

بقلم جناب محمد زمان خان متخصص ، مدير عمومي زراعت
 سال گذشته مقاله تحت عنوان (نباتات مشهور افغانستان) نگاشته
 معلومات خود را نسبت به نباتات مشهور قطعن و به، خشان و قندهار و هرات
 و فراه ، مشرفي و جنوبي تحرير و با بعضي توضيحات طبقات الارضى حصص
 مذکور برای درج سالنامهٔ سنه ۱۳۱۵ کابل فرستاده وعده داده بودم
 که نباتات مشهور و خصوصيات زراعتي حصص ولايت کابل و مزار شريف
 و ميمنه را برای سالنامهٔ سنه ۱۳۱۶ ترتيب داده بانجمن ادبي تقديم خواهم
 داشت . اينک قرار معهود و حسب خواهش انجمن محترم ادبي معلومات
 مختصري که نسبت بزراعت علاقه جات مذکوره فوق داشتم در سلك
 تحرير در آورده تقديم مينمايم ، ضمناً کمک‌هائي که جناب فاضل سيد قاسم خان
 رشتيا در قسمت معلومات ولايت کابل بباينده فرموده اند تشکر ميکنم .
 « محمد زمان »

حصص مرکزی افغانستان یا ولایت کابل

حصص امر کزی افغانستان که از روی تقسیمات ملکیه شامل
 ولایت کابل میباشد از حیث وسعت خاک و زراعت مهمترین و حاصل
 خیزترین حصص افغانستان را تشکیل داده ، دارای اراضی کشتندگی

از آ تار نفیس و تاریخی هرات : حصهٔ تحتانی یکی از مینارهای مصلی
 La partie inférieure d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat



ونخلستانها و باغات و دره های پردرخت و رود خانها و چشمه سارهای فراوان است که رو بهمرفته این علاقه را با وجود اختلافات اراضی آن که بعضی کوهستانی و برخی دشتی و قسمتاً سطوح مرتفعه است ، يك علاقه پر برکتی گردانیده است . بطورعمومی آب و هوای ولایت کابل بری و سرد بوده ، مناطق گرم سیردران وجود ندارد و در زمستان تمام حصص آن برفگیر و در تابستان شاداب میباشد . باران کمتر میبارد و اکثریت زراعت آبی بوده ، مناطق لمی کاری در بعضی حصص خاص میباشد اراضی ولایت کابل که اکثراً از نقطه نظر طبقات الارضی به زمانه جدید نیوژن Neogen متعلق بوده شامل اراضی مختلفه طبقات الارضی است (که تفصیل آن علیحده علیحده در ذیل آمده) که بیشتر آن دارای مواد آزوت و فوسفات بوده ازین رهگذر حاصل خیزی زیادی را دارا بوده استعداد پرورش اقسام نباتات را از قبیل غله جات ، سبزیجات و میوه جات مناطق معتدله دارا میباشد .

حصص مرکزی افغانستان با عبارت دیگر ولایت کابل را از نقطه نظر مناطق جغرافیائی به شش منطقه میتوان تقسیم کرد ، اتفاقاً همین تقسیم با تقسیمات ملکیه نیز تا اندازه مطابقت میکند . -

اول - کابل و نواحی آن

دوم - سمت شمالی

سوم - غزنی

چهارم - لوگر

پنجم - سطح مرتفع مرکزی (دایزنگی)

ششم - سروبی

اول - کابل و نواحی آن :

شهر کابل بشمال مشرق افغانستان و بجنوب سلسله کوه هندوکش واقع بوده نواحی مشهور و زراعتی آن قرار ذیل است :-

۱ : یغمان - بطرف شمال مغرب .

۲ : چهارده - بطرف غرب و جنوب غرب .

۳ :- ده سبز و بتخاک و شیوکی و غیره بطرف شمال شرق ،

شرق و جنوب شرق

کابل:

شهر کابل ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد و از جبال شیر در وازه و آسمائی و قوروغ و یغمان محدود بوده بجنوب کوه دامن واقع است

دریای کابل که از سمت جنوب آمده از بین کوه آسمائی و شیر دوازه میگردد بدون اینکه بمزروعات قریبه شهر از آب آن فائده برسد بطرف تنگ غارو و سروبی و مشرقی جریان پذیرفته بالاخره بعد از آنکه داخل دریای سند میگردد .

آب و هوای شهر کابل بری بوده در زمستان سرد و در تابستان گرم است ؛ درجه حرارت تابستانی در ماههای سرطان و اسد تا به ۳۶ درجه سانتی گراد فوق الصفر بوده در ماههای جدی و دلو که وقت سرما و برودت است تا ۲۰ درجه تحت الصفر نیز پایان شدن مقیاس الحرارة ممکن است .

نباتات مشهور

از ۲ بجه بعد ظهر تا ۳ بجه درجه حرارت خیلی بلند میرود. و حرارت ۸ بجه صبح باحرارت ۹ بجه بعد ظهر خیلی مشابه است. از نقطه نظر زراعتی آب وهوا ی کابل برای زراعت هر گونه نباتات ممالک معتدله مستعد است. تمامی اقسام سبزیجات در گرد و بواج کابل ذریعه دهاقین ررع میشود. غله جات مشهور نواحی کابل گندم، جو، جواری، کل جو، ارزن است. اصلاح غله جات مذکور از مهمات است برای اصلاح غله جات از طرف ریاست زراعت برای سال آینده ترتیبات لازمه فنی گرفته شده است. از اقسام سبزیجات کچالو، لبلبو، شلغم، سبزی پالك، پیاز، گندنا، زردك، لویا، فاسولیا و بادنجان سیاه و بادنجان رومی و غیره زرع ونتایج خوبی ازان گرفته میشود. برای اصلاح سبزیجات وطنی و ترویج سبزیجات خارجی موسیو اوزاکی متخصص جایانی که مستخدم ریاست زراعت است، در باغ بینی حصار تجارب خود را شروع نموده، اصول جدید زراعت سبزیجات را بطلبه زیر دست خود تعلیم مینماید. متخصص مذکور در اطراف امراض نباتات نیز مطالعات و تجسسات نموده بعضی امراض سبزیجات را بطلبه زیر دست خود آموخته است. جهت اصلاح سبزیجات در کابل ترتیبات لازمه اصولی گرفته شده و بعضی سامان فنی نیز بخارج فرمایش داده شده است.

از قبیل اشجار شمر درخت سیب و نارك و آلو و زرد آلو و قیسی و آلو بالو و آلو بخارا و شفتالو و بادام و چار مغز در کابل نمو کرده نتیجه خوب میدهد در کنار تیه ها و دامنه های کوه ها بشرط بودن چندان نتیجه نمیدهد در کنار تیه ها و دامنه های کوه ها بشرط بودن یک مقدار آب لازمه زراعت انگور نیز میشود و نتیجه خوب میدهد.

طور مثال حرارت سالانه کابل را از ۲۵ جنوری (۵ دلو) يك سال تا ۱۵ فروری (۲۵ حوت) قرارذیل معلومات میدهم:

درجه اعلى	درجه ادنى	درجه اعلى	درجه ادنى	درجه اعلى	درجه ادنى	درجه اعلى	درجه ادنى
۳۳ / ۵	۱۷ / ۲	۴۴ / ۴	۱۷ / ۴	۱۸	۲ / ۸	۲۰	۱۳ / ۹
۲۵ جنوری سنه ۱۹۲۳	۱۰ جولائی سنه ۱۹۲۳	۱۵ نومبر سنه ۱۹۲۳	۱۵ فروری سنه ۱۹۲۴				
۱۶ / ۳	۱۷	۲۰ / ۸	۱۰ / ۹				
فروق مابین درجه اعلى و ادنى							

۱۳۱۶ جهت اخذ معلومات ابتدائی بوده برای سال آینده در نظر است که قوریه های وسیع و مهم اشجار جنگلی ترتیب یافته یکمقدار نهال زیادی هر سال از قوریه های مذکور کشیده و به نقاط قابل انزوع جنگل نقل داده و غرس شود یک گونه نبات تجارتي موسوم به (سوژ) در باغ بینی حصار زرع گردیده و نتیجه عسوله اطمینان بخش بوده از تخم سوژ ۲۵ فی ۱۰۰ تیل کشیده میشود که درخورا که نیز بکار برده شده میتواند .

زراعت پنبه در نواحی کابل به نسبتیکه حرارت در ماه های سبزه و میزان در وقت شب خیلی یابان میشود نتیجه نداده غوزه ها ناشگفته میمانند . زراعت خر بوزه و تر بوژ در نقاطیکه شب باده داشته باشد نیز نتیجه اعلی میدهد . از جمله غله جات چیزیکه زراعت آن مروج نیست گندم سیاه است ، اوون گندم سیاه علاوه بر اینکه سخت سر بوده بهر قسم زمین نتیجه میدهد قوه غذائیه آن نیز زیاد است . خوردن گندم سیاه در روسی خیلی مستعمل است و اگر در ترویج زراعت آن در نواحی کابل کوشش شود نتیجه خوبی بدست خواهد آمد .

اون يك گونه غنه خیلی مفیدی است که در ممالک اروپا بهزارها هکتار زمین را فرا گرفته محصول آن حیوانات خصوصاً برای اسبها داده میشود . در مکتب زراعت مرکز یکمقدار تخم آن موجود است و فراریکد در اراضی متعلقه مکتب مذکور تجربه بعمل آمده است اون بخوبی در کابل نمومیکند . اون دو قسم است یکی اون سفید بهاری ، دیگر اون سیاه زمستانی . اگرچه اقسام متعدد دیگر نیز دارد لاکن دو قسم مذکور خیلی مشهور است .

در علاقه چهاردهی زراعت گندم به نسبتیکه ترکیب طبیعی زمین

لاکن نقائصیکه در زراعت اشجار دیده میشود همانا اینست که اصول قطع اشجار بطور فنی بهیچ یک ناحیه افغانستان مروج نیست . جمیع مواد غذائیه که توسط ریشه های اشجار از اعماق زمین جذب میشود بطرف شاخچه های درخت رجعت می کند . شاخچه های زاید و بی ثمر نیز مانند شاخچه های میوه دهنده از مواد غذائیه مستفید گردیده درخت شکل غلو و آکنده را بخود میگیرد ، روشنی و هوا بخوبی در میان شاخچه ها نفوذ نداشته میوه درخت در بعضی جاها خیلی زیاد بنظر میرسد و در بعضی جاها لا اثر میباشد قطع درخت ها بطور فنی قوه آنرا زیاده می سازد ، بمقدار حاصل می افزاید و منتج باصلاح نبات میگردد ، از چند نیست که تحت هدایات فنی موسیو اووزاکی متخصص یکمده طلبه افغانی مشغول اخذ معلومات عملی قطع اشجار و بیو ند و شاخه خوابانی وغیره بوده طلبه مذکور در اصول قطع اشجار معلومات کافی حاصل نموده اند .

در باغ بابر شاه اشجار مثر تماماً در شروع سال تحت اثر موسیو اووزاکی توسط طلبه زیر دستش باصوب جدید قطع می شود و نیز پیوند نهالها بطرز جدید بعمل میآید . در باغ مذکور یکمده اشجار میوه دار جایانی که از جابان خواسته شده است در سنه ۱۳۱۴ غرس گردیده الان یک تعداد مهم آن سبز گردیده رو به نمو است . در خصوص اشجار جنگلی نیز تحت نگرانی (موسیو آیزاوا) متخصص جنگلات در پیمان و چهار ده اقسام متعدد آن از قبیل سرو صنوبر و بلوط وسته و ارغوان و اکاسی وغیره زرع شده نتیجه بعضی از آنها اطمینان بخش است . عملیات موسیو آیزاوا در سنه

بطرف جنوب کابل کوه شیر دروازه و به غرب جنوب کابل کوه آسمانی نیز از احجار صوانی و صوانی ورقی ساخته شده متعلق بر مانده اولی میباشد. بطرف جنوب مشرق اگر بیشتر برویم در دره او گر بعضی طبقات اراضی متبلوره ورقی *terrains cristallophylliens* دیده میشود، بدامنه سمت چپ دره او گر (کوه نوشته) احجار صوانی ورقی *Gneis* و احجار شیستی ابرک دار *Micaschiste* که دارای دانههای یاقوت و (آندلوزی میباشد دیده میشود. ساختمان دره سمت چپ او گر مربوط بر مانده اولی *Primaire* بوده اراضی که از تجزیه احجار کوههای سمت مذکور حاصل شده است دارای حامض فسفور و چونه بوده برای اصلاح اراضی مذکور لازم است که یکمقدار پاروی فسفوری و یکمقدار چونه داخل زمین کرده شود.

بطرف سمت راست دره او گر کوه شاخ برنقه (ارتفاع ۲۳۲۰ متر) نیز دارای ساختمان فوق بوده علاوه طبقات آهک های خاکی و سیاه نیز در بین طبقات احجار کوه مذکور بنظر میرسد معلوم است که اراضی تحت دامنه سمت راست دره او گر تا یکمقدار دارای چونه بوده برای اصلاح آن تنها دخول یکمقدار حامض فسفور لازم است.

ساختمان طبقات الارضی کابل مربوط عصر جدید نیورن *Néogène* عصر نیورن *Meogène* مربوط زمانه ثالث *Tertiaire* است و مشتمل بدوره های پلیوسن *Pliocène* و ملیوسن *Miocène* میباشد.

سطح شهر کابل که ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد از رسوب جدید تشکیل *Néogène* ملفوف بوده و تپه (تپه بی بی مهر و تپه سیاه سنگک) که ۱۹۴۵ متر بلندی دارند از طبقات رسوبی عصر نیورن تشکیل یافته بالای طبقات پالیزوئیک *Paléozoïque* قرار گرفته اند.

آن رستی و آهکی است و نیز درجه حرارت مستعد است خیلی زیاد میباشد. دو قسم گندم شهرت تامی دارد: یکی گندم لیچک و دیگر خاردار. هر هر دو قسم گندم مذکور مقدار آذون زیاد بوده قوه غذائیه آن زیاد است. انواع مذکور متعلق به جنس گندم سخت *Hordeum Compactum* است.

کابل از نقطه طبقات الارضی:

سیستم پرید وینیه *Système prédovinienn* کوه خواجه هزاره (هزاره بغل) که بشمال کابل واقع است از صوانه ورقی *Gneiss* احجار ورقی ابرک دار *Micaschiste* تشکیل یافته. اراضی که بدامنه کوه مذکور واقع است طبعاً از تجزیه احجار مذکور تشکیل پذیرفته چونکه متعلق به اراضی زمانه اولی *Ereprimaire* است دارای یکمقدار (پتاس) بوده (حامض فسفور) و (چونه) آن کم است، لهذا برای تقویه اراضی مذکور مواد کیمیاوی فسفوری و یکمقدار چونه لازم است که بصورت پاروی کیمیاوی داخل زمین گردد.

بطرف مشرق کابل در کوتل پای منار نیز صوانه ورقی *Gneisa* دیده شده علاوه بر آن احجار شیستی *Schiste* نیز بنظر رسیده خواص زراعتی اراضی محدوده کوتل مذکور قرار فوق است. یعنی حامض فسفور و چونه آن کم بوده لازم است که مواد مذکور بصورت پارود داخل زمین کرده شود بطرف مغرب کابل کوههای باغ بالا نیز از احجار متبلوره ورقی ساخته شده اراضی قریبه آن مانند اراضی فوق الذکر فاقد مواد فسفوری و چونه بوده برای اصلاح آن دخول مواد فوق در اراضی مذکور لازم است.

پغمان :

صیفیه پغمان بشمال مغرب کابل واقع و دره شاداب آن دارای آب سرد و صاف بوده از سبب مجاورت جبال برف گیر و ارتفاع زیاد خود همیشه هوای مطبوع و مصفايي را داراست منبع آب نوشيدني اهالی کابل از دره پغمان است و در هر کنج و کنار این ناحیه ز بیا در بین اشجار سر سبز کوتی های متعدد و نفیسی جلب نظر مینماید در پایان دره پغمان وادی شاداب ارغنده وقوع دارد که دارای زراعت غله جات و بعضی درختان از قسم بیدو چنار و غیره است اما کسکک که قریب پغمان است دارای باغات میوه میباشد در پغمان درخت سیب و ناک خیلی کم است ، لاکن درخت گیلاس و آلوبالو و زرد آلو و چارمغز و آلوبخارا و بادام و توت بکثرت دیده می شود . چنار عرعر و سفید ارو پنجه چنار و نیله چنار و بید و ا کاسی و زیره از جمله اشجار جنگلی مهمی است که در ناحیه مذکور بکثرت میر و ید به نسبت ریگی بودن اراضی درخت چارمغز و پنجه چنار که ریشه های شان بزمین خیلی عمیق فرو میرود نتیجه خوبی داده بزرگی و ضخامت اشجار مذکور قابل توجه است .

زراعت سبزیجات از قبیل کچالو و شلغم و سبزی پالک و نخود و زردک و باقلی و غیره نتیجه خوب میدهد و نیز زراعت گندم و جو و جواری و ارزن در ناحیه مذکور معمول است ، لیکن بسبب سردی هوادر حصص بلند تر دره پغمان حاصل غله جات کم میباشد . چیزیکه مهم است مسئله توسعه جنگل است که در پغمان باید از همه زیاده تر مورد توجه واقع شود . زیرا که برای زراعت و توسعه

و نموی جنگل یکمقدار رطوبت در هوا و بارانهای کم دوام موقتی لازم است و اینچنین شرایط در آب و هوای پغمان دیده می شود . خوشبختانه از چند سال باینطرف برای مشجر ساختن کوه های پغمان ترتیبات گرفته شده و در يك قسمت کوه ها درختان بادام و چارمغز و توت و زیره و غیره غرس شده است .

معلومات طبقات الارضی ناحیه پغمان

۱ - سیستم پرید ونیه : در نقطه انتهائی کوه های پغمان بطرف شمال قدری دور تر از توب دره آهک های (عصری دیونیه) دیده می شود که دارای (همانیت) Hematite بوده بالای طبقات احجار صوانی و رقی Gneiss و میکا ایست Micacsbiste قرار گرفته از تجزیه احجار رفوق خاکیکه حاصل می شود حامض فسفور کمتر داشته برای تقویه آن دخول مواد کیمیای فسفوری لازم است . بدون دخول مواد لازمه فسفوری بودن (پتاس) و (آزوت) و (چونه) و غیره نیز در همه اراضی فائده مطلوبه را داده نخواهد توانست ، زیرا برای اینکه از يك زمین حاصل خوب گرفته شود بودن آزوت و فسفور در پتاس چونه لازم است .

چهاردهی :

چهاردهی کابل میدان سبز و خرمنی است بطرف جنوب مغرب کابل اشجار سبز و بر جسته و اراضی مزروع زمردین خود را از دور بنظر جلوه میدهد . کوه قوروغ بطرف مغرب چارده قلل شامخه برف گیر خود را بانظار عرضه میدارد مخلوط طبیعی اراضی چاردهی

حاصل گرفتن از فالیز کاری شب باده لازم است از قبیل میوه جات آلوچه وزرد آلو و قیسی و توت و سیب چاردهی مشهور است آلو بالو و شفتالو کم است از درخت چارمغر نتیجه درست گرفته نمیشود، زراعت با دام ممکن است لاکن کم دیده میشود. برتیه های قریب دارالفنون يك تعداد زیاد نهال خورد با دام بشازگی غرس شده و رو به نمو میباشد لاکن توجه و مواظبت بکاردارد زراعت تانک در چهاردهی مروج نیست و از سببیکه شب باده نیست میگویند که زراعت تانک در چاردهی نتیجه نمیدهد.

درختیکه از همه بهتر نتیجه میدهد درخت چنار عمر عریض است که دور اکثر اراضی زراعتی رافرا گرفته برزینت چاردهی افزوده است اگر حفاظت این درخت در سال اول قلمه نمودن بطور اصولی کرده شود بعد از آن بدون زحمت آبیاری دیگر تکلیفی بکار ندارد و حاصل آن عموماً بعد از مدت ده سال خیلی اطمینان بخش است زیرا که دستک چناری امروز از ده الی پانزده افغانی قیمت دارد. مع الاسف آب چاردهی کم است و اگر بکدام صورتی مقدار آب این حصه زیاد شود از مقبول ترین نقاط همجوار مرکز محسوب می شود. باوجود قلت آب گفته میتوانیم که چاردهی از حیث سرسبزی و قشنگی يك علاقه جالب الطبع و بس حاصل خیزی است. درخت اکاسی و نیله چنار و سفیدار و بید و سنجد نیز به تعداد زیاد بوده درین ناحیه خوب نمومی کنند. آنچه سبب قلت روز افزون آب چاردهی شده همانا توجه مردمان آن علاقه بسوی سبزی کاری و باغ سازی است که روز بروز دامنه آن وسعت یافته میرود و سبزیجات و میوه جات چاردهی در کابل بصرف میرسد.

از آهک ورست بوده برای زراعت غله جات خصوصاً گندم خیلی مساعد است از همین جهت است که گندم لوچک و خار دار کپهاری بهمه جا مشهور بوده. باوجودیکه اکثریت زمین های آن انبار داده نمیشود هر سال یکمقدار مهم گندم باری می آورد. آبیاری اراضی چاردهی توسط جوی بهسود و جوی خنگوت می شود و دهاقین این علاقه با آنچنان مهارت آخرین جرعه آب را بصرف زراعت خویش میرسانند که میتوان گفت امروزهیچیکه قطعه در چهاردهی نیست که بصورت خار و لامزرع دیده شود. سمت شرقی و جنوبی چاردهی موسوم به چار آسیاب است که وادی شاداب و حاصل خیزی بوده در زراعت شبیه چهاردهی ولی در حاصل خیزی کمتر از آن میباشد. در چاردهی چنار عمر عریض و در چار آسیاب زراعت فالیز کاری زیاد است. تمامی اقسام غله جات در چاردهی زرع میشود و نتیجه محصوله نیز اطمینان بخش است پارودادن زمین چندان مروج نیست و اکثر اشخاص خاک تعمیرات کهن و خرابه را که دارای يك مقدار آزوت است بصورت بارو بالای زمین های خود میباشند. این قسم خاک را که خاک شوره می نامند برای زراعت غله جات خصوصاً گندم مفید است. شالی کاری نیز در بعضی حصص سیراب چاردهی رواج دارد.

زراعت سبزیجات در نقاطیکه آب وافر میسر باشد بخوبی میشود و زراعت تمامی اقسام سبزیجات معروف کابل از قبیل بادنجان و کچالو و شلغم و کدو و کلم و پیاز و سبزی پالک و غیره ممکن است، فالیز کاری چندان مروج نیست تنها در بعض نقاط خر بوزه تر کستانی و باد رنگ و تر بوز خوب نتیجه داده است. اهالی چاردهی میگویند که برای

گردیده است که شامل درختان آلو و اقسام زرد آلو ، قیسی، سیب، ناک شفتالو ، بادام ، بهی ، توت سنجید و غیره میباشد چون این علاقه جات قریب کابل است زراعت سبزیجات از قبیل باد نجان ، سبزی پالک کچالو ، کاهو ، پیاز ، سیر ، زردک و غیره و زراعت شبدر (شفتل) رشقه و غیره نیز رواج دارد . چنار عرعر و درخت پنجه چنار بنا بر اینکه اکثر حصص زاء آب دارد ممکن نیست .

دوم سمت شمالی :

سمت شمالی یکی از حاصلخیزترین علاقه جات ولایت کابل بلکه تمام افغانستان را تشکیل داده در حقیقت عبارت از نشیب های جنوبی هندوکش میباشد که حصص شمالی تر آن کوهستانی و حصص جنوبی تر آن دشتها و دره های شاداب بوده ، آب هندوکش بصورت نهرها و دریاها و چشمه ها و کاریزها حصص مختلفه آنرا آبیاری می کند سمت شمالی دارای زراعت مختلف بوده ، اقسام غله جات و انواع میوه جات و سبزیجات فراوانی در آن بعمل می آید و مخصوصاً محصول غنمه و میوه آن بقسم آذوقه در شهر کابل وارد و حتی قسمتی از میوه جات تازه و خشک آن بخارج نیز صادر میگردد . مهمترین و حاصل خیزترین حصص سمت شمالی کوهدا من و کوهستان است که ذیلاً به تفصیل ذکر میگردد .

این دو علاقه که قسمت بزرگ (سمت شمالی) کابل را تشکیل میدهد ، از حیث حاصل خیزی خود در تمام افغانستان شهرت زیادی را مالک بوده ، نخلستانهای شاداب و تاکستانهای فراوانی دارد که مقدار کثیری میوه تازه و خشک ازان حاصل شده در کابل و قسماً

از نقطه طبقات الارضی اراضی چهاردهی متعلق به عصر پرید و بینه بوده حامض فسفور آن کم است و اگر حامض فسفور بصورت پاروی کیمیای و یا پاروی عضوی در اراضی مذکور داخل کرده شود اراضی منه کور قوه و حاصل خیزی فوق العاده حاصل نموده محصولات زراعتی مهمی ازان گرفته خواهد شد .

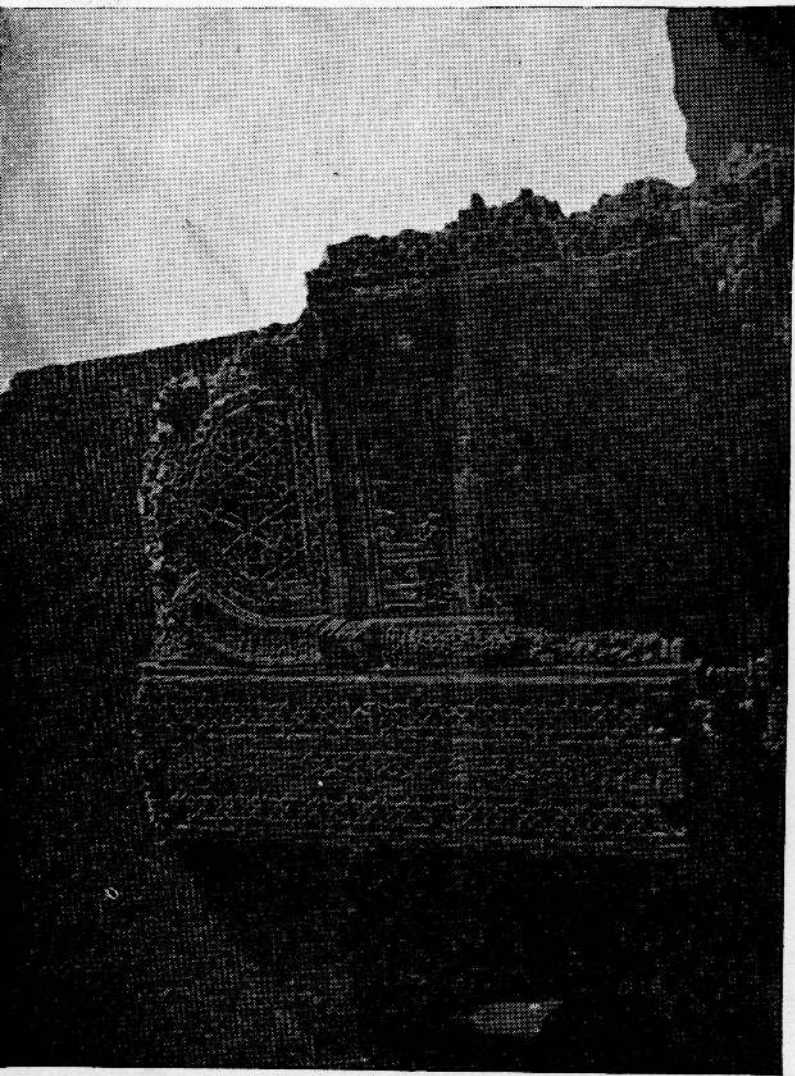
ده سبز ، بتخاک و شیوکی و غیره :

این سه علاقه بسمت شمالی شرق و شرق کابل افتاده و عبارت از دشت های حاصل خیزی میباشد که حاصلات فراوانی از آنها گرفته می شود ، زمین ده سبز خیلی مستعد پرورش فالیز بوده خر بوزه آن شهرت زیادی دارد . اما غله جات نیز در آن جا زراعت شده بعضی باغات زرد آلو و آلو و سیب و ناک و درختان توت و چنار نیز وجود دارد .

اراضی بتخاک که تا چند سال قبل کاملاً دشت خاره بود ، بعد از آبادی بند خورد کابل (۱۳۰۴) عموماً منزرع و حاصل خیز شده اکنون در پرورش گندم و جو و فالیز کاری و رشقه کاری در تمام ولایت کابل شهرت پیدا کرده است .

باقی در بتخاک باغات وجود نداشته تنها بعضی درختان بید و چنار و توت اینجا و آنجا بنظر می رسد .

شیوه کمی ، بینی حصار متصل شهر کابل و دارای باغات زیاد میوه دار و اراضی خیلی حاصلخیز زراعتی میباشد حاصلات گندم اراضی شیوه کی مشهور بوده ، جویهای متعددی سبب ایجاد باغات وسیع و زیبایی

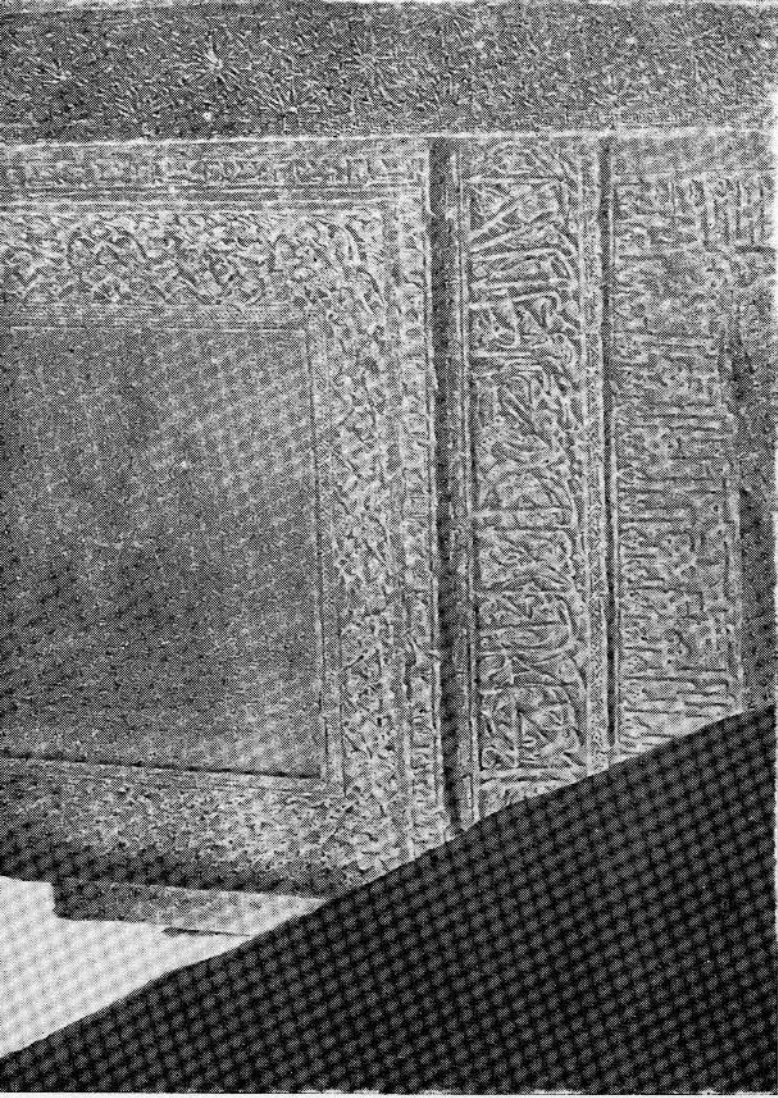


از آثار قدیم و تاریخی وطن : مقبره خواجه چشت در هرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja Tchecht à Hérat

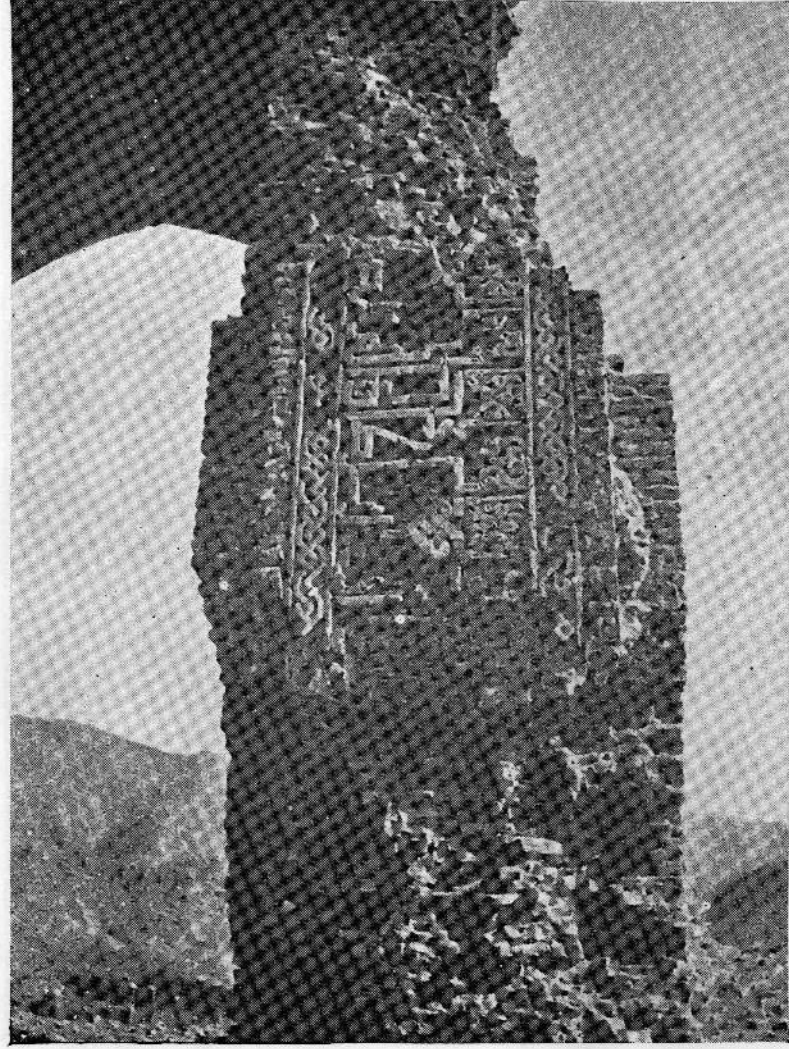
در خارج باسټهلاک میرسد . اما بسبب کوهستانی بودن آن وسعت اراضی زراعتی کوهدامن و کوهستان نسبتاً کم است و قسمت عمده آبادیهای مذکور در دره جاتیکه بیای سلسله کوه یغمان افتاده ، وقوع داشته آب کافی دارد . لیکن به دشت‌های زراعتی آنقدر آب زیاد نمیرسد - زراعت کلان این علاقه جات عبارت است از اقسام گندم و جو و ارزن و باقلی و مشنک و جواری و فالیز کاری (خرپوزه و ترپوز و خیار) و غیره - لیکن زمینهای کوهستان استعداد پرورش پنبه را نیز داشته ، زراعت پنبه روز بروز در ترقی است . دره‌های حاصلخیز و معروف کوهدامن که آب و هوای خوش نیز دارد قرار ذیل است شکر دره ، گلدره ، فرزه ، استالیف ، استرغچ و از مناطق سرسبز و نخلستان‌های آن سرای خواجه و شش‌ده و باغ عارق و قره باغ و چاریکار و گل بهار و جبل السراج مشهور میباشد از میوه‌های مشهور کوهدامن و کوهستان یکی زرد آلوست که نوع میرمخودی آن که از پیوند سیب و زرد آلو بعمل می‌آید خیلی مشهور است . قیسی و سفیدچه و زرد آلوی خشک و زرد آلوی خسته تلخک زرد آلوی قندک که میوه خورد و خیلی شیرینی دارد از اقسام زرد آلوی این علاقه جات بشمار میرود .

اقسام سیب کوهدامن و کوهستان متعدد است ، مثلاً سیب نازک بدن و سیب حنیفه که خیلی شیرین و بادوام است و سیب آهنگری که رنگ سرخ تیره دارد و سیب جورس که اقسام مشهور سیب کوهدامن و کوهستان را تشکیل میدهد .

اقسام ناک نیز در کوهدامن و کوهستان زیاد بوده مشهورترین آنها ناک شکر امردونا ، گل امردونا ، کمرقند و ناک آبی است شفتالوی



از آ تارقیس و تاریخی وطن : مقبره خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja tehacht à Hérat



از آ تارقیس و تاریخی وطن : مقبره خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja tehacht à Hérat

Gneiss و سلیت ابرک دار نقاط Micaschiste که در بعضی نقاط خود پیچ خورده و دارای کفیده گی ها معلوم میشود موجود است قدری دورتر از نوپ دره بطرف شمال بانها نقطه کوه یغمان آهک های عصری دیونین Devonien که متعلق به زمانه اولی دیده میشود Calcaires dévoniens آهکهای مذکور را ای احجار همیت سرخ Hématité rouge است که بالای احجار صوانی ورقی و سلیت ابرک دار واقع است . بطرف جنوب کوهدان کوه بچه خواجه هزاره و کوتل خیرخانه نیز از احجار صوانی ورقی و سلیت ابرک دار تشکیل یافته . اراضی زراعتی کوهدامن نیز از تجزیه احجار صوانی ورقی و سلیت ابرک دار حاصل شده است .

در اراضی مذکور تیزاب فسفور Acide phosphorique کم است و باید بصورت انبار کیمیای آورده شود ، تا زمینها حاصل بیشتری بدهند - از این رو است که دشتهای کوهدامن از حیث حاصل چندان قناعت بخش نمیشد .

بعد از کوهدامن و کوهستان در حاصل خیزی تنگاب و نجراب و پنجشیر اهمیت دارند این علاقه جات کاملاً کوهستانی بوده شامل باغات و جنگلات خود روی میباشند و زراعت غله جات در آن ها کمتر است . پنجشیر علاقه سرد سب و دارای باغات خوب و تنگاب خصوصاً در حصص شرقی و جنوبی خود گرمتر بوده دارای جنگلات جنگوزه و باغات انار بوده این دو محصول بخارج نیز صادر میگردد . غور بند ، بامیان و سیغان و کهمرد نیز در جمله علاقه جات سمت شمالی بشمار رفته آب و هوای آنها عموماً بسیار بری بوده ، زمستان

سخت و باد های شدیدی دارند و بنابراین حاصلات آنها نیز کم است . غله جات به مقدار کم و درختان میوه بندرت یافت میشود اما در بعض حصص از سبب فراوانی آب شالی کاری نیز میشود تنها در غور بند میوه جات زیاد بعمل میآید و منجمله بادام آن اهمیت تجارتی زیاد دارد . در سیغان درختان میوه دار موجود است لکن بنا بر تبدلات ناگهانی هوا بعضی اوقات شکوفه شان بارور نگردیده بر زمین میریزد . تپه های گرد و نواحی سیغان از علف های طبی و سبزه ملفوف است در گوشه های جنوبی سمت شمالی که متصل با نواحی کابل است دشت های نسبتاً کم آبی وجود دارد که در بعضی امکان للمی کاری موجود میباشد (مثل چمنله) اما اگر آب از دیگر نقاط آورده شود دشتهای مذکور استعداد آبادی زیادی را داراست .

سمت شمالی را رود خانه های پنجشیر ، غور بند و انهار یکه از آنها کشیده شده با چشمه ها و کنار یه های که از کوهستانات مختلفه خصوصاً سلسله یغمان بوجود می آید ، آبیاری میکنند .

سوم - غزنی :

غزنی که مهد تمدن يك هزار سال قبل افغانستان بوده است . از حیث آب و هوا بری و سرد و شامل کوهستانات و دامنه های فراوانی میباشد . فراوانی آب و احداث بندهای جدید اراضی غزنی را حاصل خیز ساخته است ، اقسام غله جات از قسم گندم و جو و جواری و گیجوبات مختلفه از قبیل باقلی و نخود و مشنگک و سبزیجات و شلغم و غیره مانند کچالو ، باد نجان ، پالک و از میوه جات اقسام آلو و زرد آلو و بادام و توت در علاقه غزنی پیدامی شود

آلو بغا را ی غزنی مشهور است . با دام و زیره در تپه ها بصورت خود روی نیز زیاد است . تپه های اطراف شهر غزنی و کوهستانات دورتر آن مانند واغز و غیره برای پرورش با دام خیلی مستعد بوده ، اگر این محصول در آنجا توسعه داده شود برای تجارت صادراتی بسیار کمک میسراند . انگور در غزنی بسبب سردی هوای اخیر تا بستان بد رستی بعمل نمی آید ، از درختان بی میوه بید و کمی گز و بعضی اقسام چنار در غزنی یافت میشود با وجود این در غزنی باغات کم بوده ، و اراضی دشتی مصروف زراعت غلهجات و قالیز کاری میباشد . از توابع غزنی سرده و قره باغ در حاصل خیزی شهرت دارد ولی مفر عبارت از دشتی است که آب نداشته ولی هموار و در صورت پیدا کردن آب خاک آن خیلی مستعد زراعت میباشد .

حصص کتواز هم دشتی و بعضی حصص آن کوهستانی ، بوده زراعت مهمی ندارد . در حصص مختلف علاقه جات غزنی چمن های سرسبز برای چرای مواشی وجود دارد که مشهورترین آن چمن زار ناوور است . روپهمرفته علاقه غزنی طبعاً استعداد پرورش اقسام غلهجات و سبزیجات و میوه جات را داشته ، بند هائیکه در آن جا سردست تعمیر است ، آینه زراعتی خوبی را برای حکومت کلان غزنی پیش بینی میکند .

چهارم - لوگر :

حکومت کلان لوگر که بسمت جنوب و جنوب غرب کابل واقع و شامل سطوح مرتفع و دشت های هموار و بعضی کوهستانات است یکی از حاصلخیزترین مناطق و لایات کابل بشمار رفته علمای

پنجم - سطح مرتفع مرکزی

سطح مرتفع مرکزی که در تقسیمات ملکیه بنام حکومت کلان دایزنگی یاد میشود عبارت از کوهستانات و تپه های خاکی بلند و سردسیر بوده آب و هوای آن خیلی شدید و زمستانش قریب ۸ ماه طول کشیده تنها در ۴ ماه کشت و زراعت آن بعمل می آید ، حاصلات

می یابد. زراعت سر و بی قلیل و منحصر به کمی غله جات و بعضی حبوبات عادی است و رو بهمرفته زمین کشتی چندان وسعت ندارد. مردمان مذکور جنگلات را قطع کرده ازان ذغال درست می کنند و بکابل آورده می فروشند. از همین سبب روز بروز دامنه جنگلات کوتاه شده می رود. این منطقه مخصوصاً برای پرورش انار که اهمیت صادراتی روزافزون دارد و نیز برای ذوی جنگلات بنوط که ارزش اقتصادی مهمی را داراست استعداد زیاد داشته اگر این دو محصول دران جا ترقی داده شود، علاقه سروبی یکی از علاقه جات مهم زراعتی و اقتصادی مملکت خواهد شد.

ولایت مزار شریف

ولایت مزار شریف از حیث دارائی میدانهای وسیع و اعتدال آب و هوا - مشروط بمساعی و توجهات لازم - میتواند که منطقه بس حاصلخیز و وسیعی را تشکیل بدهد. لکن برای قابل الزرع ساختن میدانهای وسیع نواحی ولایت مذکور بحفر کاریزها و نهرها و در بعضی نقاط به تعمیر بندها احتیاج بوده برای توسعه و اصلاح امور زراعتی مناطق متعلقه آن مجبوریم که بوسائل زراعت عصری دست زده آئنده زراعت آنولارا سر از حال آمدنظر داشته باشیم. زیرا که بحال موجوده اصول زراعت جدید در حصص ولایت مزار شریف مرعی نبوده و دشتهای وسیع کم نفوس تطبیق زراعت عصری و استعمال ماشینهای زراعتی را دران جا ایجاب میکنند و علاوه بران مقدار آبیکه مخصوص آبیاری آنست کفایت بخش نمیشد.

اگرچه تجزیه کیمیاوی اراضی ولایت مزار شریف تا حال بعمل

آن خیلی کم و منحصر به گندم و جو و کلبه و باقلی و مشنگک بوده درختان آنجا عبارت از بید و چنار میباشد، در اطراف و مراکز دایزنگی مثل دایکندی و یکاو لنگک زرد آلو و توت کم کم پیدا می شود. اما دره ها و سطوح مرتفع دایزنگی در تابستان سر سبز و شاداب بوده برای پرورش مواشی خیلی مساعد است، چنانچه مردمان کوچی مالدار و لایات شمالی و جنوبی، مشرقی، قندهار که بهزارها خانوار می شوند، همه ساله رمه های خود را در تابستان برای چرابه علاقه مذکور می آورند، خصوصاً برای فر به ساختن مواشی مالدار کوچی دوعلف که بوفرت در دره ها و تپه های خاکیه علاقه دایزنگی پیدا می شود کمک زیاد میکند که علفهای مذکور موسوم به (کچی) و (غیغان) است که تقریباً در ظرف ۲۰ الی ۳۰ روز مواشی لاغر و ضعیف مردمان کوچکی را نهایت فر به می سازد. غیغان مذکور یک خاصیتی دارد که اگر برای اسپ داده شود فوری اسپ را کور می سازد، مگر برای دیگر حیوانات بغير از فایده ضرر نمیکند. و ازین قبیل نباتات عجیب و غریب در علاقه دایزنگی زیاد است که اکثراً خواص طبی را دارا میباشد. اگر نباتات مذکور جمع آوری شود استفاده خوبی ازان گرفته خواهد شد.

ششم - سروبی :

سروبی علاقه ایست بجناب غرب جنوبی کابل و از حیث منطقه جغرافیائی در بین کابل و مشرفی بوده، کوه های آن پراز جنگلات بلوط و خنجرک و کمی سرو و صنوبر میباشد ولی باوجود این برفگیر و در دامنه های کوه های مذکور باغات انار و توت و غیره پرورش

از مواد تجار تی خیلی مهم و توسعه پذیر وطن عزیز ما بشمار میرود خوشبختانه درین سالهای اخیر از حسن توجهات ذات شاهانه که دراز دیاد جنگل و درخت میذول فرموده اند، سال بسال عده درختان در ولایت مزار نیز کسب زیادت مینمایند.

زراعت سبزیجات خیلی کم است. تنها در گرد و نواح مزار شریف بادنجان رومی و بادنجان سیاه و کچالو و سبزی پالک و زردک بمقدار کم زراعت می شود. مردم خارج شهر بخوردن سبزیجات چندان عادت ندارند و خیال می رود که عدم وسعت زراعت سبزیجات هم از جنبه قلت آب است. زراعت کنبج و زغر نیز بنا براینکه بعضی مردمان تیل آنرا کشیده با خوراکه میخورند معمول است.

فالیز کساری بصورت للمی در دشتهای ولایت مزار خیلی وسعت داشته خر بوزه مزار در تمام افغانستان از حیث نازکی و شیرینی مشهور است. اما متأسفانه تا کنون بسبب نازکی خود امکان صادرات را پیدا نکرده در خود محل صرف می شود. بیشتر گفته شد که در ولایت مزار شریف و نواحی آن جنگلهای وسیع موجود نیست. جنگلهای خوردخورد ارچه کوهی اینجا و آنجا بنظر میخورد. چوب آن بدون محروقات بچیز دیگری کار نمیدهد. قراریکه معاینه می شود ممکن که در سابق دامنه این جنگل های خورد خیلی وسیع بوده بالتدریج دست مخرب اهالی باعث استیصال اشجار آن گردیده.

از اشجار کوهی چیزیکه زیاده دینه می شود. درخت پسته است که آنهم از بی رعایتی اهالی بهرورایام قلت پذیر گردیده. از قرینه معلوم میشود که در سابق دامنه جنگل پسته خیلی وسیع بوده از میمنه تا بد خشان امتداد داشته است و حالا تنها در بعض حصص سنگ چارک و سریل

نیامده لاکن فراریکه تجر به نشان میدهد اراضی مذکور دارای مواد عضوی بوده اگر آب لازمه برایش برسد خیلی حاصلخیز میباشد عموماً زمین های مذکور رستی آهکی و یا رستی شنی (ریگی) است.

زراعت گندم و جو و جواری وارزن و مشنگ و باقلی نتیجه خیلی خوب میدهد. درین سالهای اخیر دهاقین آنولا بغرس اشجار رجوع کرده بعضی حصه های اراضی آن که بیشتر زمین های زراعتی بوده باغهای اشجار مبدل گشته، لاکن در وسعت باغهای مذکور نسبت به قلت آب مردم دچار مشکلات خواهند شد. تنها همان یک دریا که از آن هژده نهر منشعب گشته اراضی موجوده نواحی ولایت مزار شریف را آبیاری کرده خود شهر و نواح همجوار آنرا تا دولت آباد و آفچه آبیاری میکنند. لاکن باوجود آن برای زراعت اراضی وسیع دشتی مربوطات ولایت مذکور مجبوریم که آنها را جدید حفر نموده به کندن کار یزها بپردازیم.

شهر شبرغان از سریل آبخوره دارد. در مناطق زراعتی ولایت مزار شریف جنگل بجز برفه های خورد و بی اهمیت بصورت وسیع و غلو موجود نیست. از جمله اشجار جنگلی چیزی که خوبتر میر و ید پنجه چنار و سفیدار است. از قسم اشجار میوه دار چیزی که دیده میشود، درخت ناک و سیب و زرد آلو و شفتالو و آلوبالو و وانگور و آلو است، لاکن تعداد آن کم است. چیزیکه زیاده است درخت بادام است و حاصل آن از ولایت مزار شریف بخارج هم صادر میشود در وسعت زراعت بادام باید صرف مساعی شود؛ زیرا که بادام یکی

و ایبک تاغوری (قطغن) وجود دارد. درین اواخر از طرف حکوم
متبوعه احتیاجات لازمه گرفته شده از قطع نمودن جنگلهای پسته جلو گیری
بعمل آمده است. یک نوع درخت جنگلی دیگر نیز بنام سکااول دیده
می شود که اهالی آنرا بسوخت میسرسانند.

از قسم نباتات طبی ترخ و هنگک و سرنجان پیدایش دارد.
قراریکه مدیریت زراعت ولایت مزار شریف اطلاع میدهد انواع
میوه های مشهور ولایت مزار شریف قرار ذیل است:

نام میوه	انواع
شفتالو بهاری تیر ماهی	
بادام عبدالواحدی کاغذی سنگکی	
پسته	
زردآلو قیسی باقی خانی تهلو خشک	
بومی تیر ماهی	
سنجد خرمائی خشک قندک	
انجیر	
انار دانه دار بی دانه میخوش	
سیب بهاری رخس شیرینک تیر ماهی	
ناک یخ ناک امروت ثمر قندی	
آلو بالو	
توت ابراهیم خانی شیر توت خشک	
آلو کوک سلطانی	
« دم روباه	
« بخارا	

نام میوه	انواع
گرد آ او	
گیلاس	
شاه توت	
الوی ناک	
انگور عاقلی، قندهاری، کشمش، حسینی، مسکه، شورتاک، کالیفی، شهبازی، کله زاغ، بیدانه	
اقسام غله جات مشهور نیز قرار ذیل میباشد:	

نوع غله	اقسام
گندم للمی	سفید چه سرخ چه
گندم آبی	»
جو	جو عمومی کبل جو
جواری	گره سرده سفید
ارزن	گال
زغر	آبی للمی
کنجد	»
ماش	»
پنبه	»
اوپیا	»
نسک	»
نخود	المی آبی
برنج	باریک لک

نواحی مربوطه ولایت مزار شریف از نقطه نظر زراعت خیلی قابل توجه است .

تاشقرغان :

در حصه تاشقرغان از حیث خوبی آب و هوا زراعت هر گونه درخت میوه دار ممکن است به نسبتیکه زمین آن تا یکسجده ریگی است زراعت انجیر و ناک و زرد آلو نتیجه خوب بدهد و بحال موجوده نیز این سه نوع درخت اراضی وسیعی را فرا گرفته . درخت انار نیز نتیجه خوب میدهد ، زراعت خربوزه للمی و آبی نیز معمول است . گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پنبه ، خربوزه ، تربوز ، کدو ، بادرننگ نیز یافت میشود .

فیروز نخجیر :

در حصه فیروز نخجیر که از مربوطات حکومتی تاشقرغان است ، تمامی انواع میوه هائیکه بیشتر به تفصیل معلومات داده شد یافت میشود و باغات و اراضی قابل الزرع در هر طرف جلب نظر مینماید . از حیث اینکه اراضی علاقه مذکور را زمین بوده چشمه های متعدد دارد مقدار آب کفایت بخش بوده میتوان اراضی وسیع دیگری را نیز تحت زراعت آورد . درخت زرد آلو و سفید چه و اقسام انگور خیلی زیاد است .

هژده نهر :

در منطقه هژده نهر ولایت مزار شریف از حیث فراوانی آب زراعت هر گونه سبزی و غله و غرس هر نوع درخت میوه ممکن است .

دهدادی :

اراضی حصه دهدادی ریگی است ، در بین دهدادی يك نهر جریان دارد که بنام نهر شاهي موسوم است که از حصه گل در گب جدا شده اراضی وسیعی را تابع حصه گورمار آبیاری میکند . گندم ، جواری و جو و تمباکو و پیاز و کچالو ، بادنجان سیاه ، بادنجان رومی ، گندنا ، خربوزه ، تربوز ، بادرننگ ، کدو در حصه مذکور زراعت میشود . اناراعلی و آوای کوك سلطان و توت و بادام نیز پیدایش دارد .

شیر آباد :

زراعت حصه شیر آباد و بابه یا دگار و علی چوپان و قرل آباد نیز مانند زراعت دهدادی است .

سلطان بابه علی شیر :

سلطان بابه علی شیر بمسافه تقریباً ۶ کیلومتر (دو کروه) بجنوب مزار شریف واقع است در آنجا خربوزه و اقسام غله زرع میشود . زراعت للمی نیز معمول است . آب اراضی حصه مذکور از دره شادیان میرسد . سبزی بالک خودرو پیاز کوهی و سمارق و قوزه قرنی نیز در اقصای مرتفعه حصه مذکور یافت می شود .

دشت شادیان :

دشت شادیان مدعا از دشت وسیعی است که در آن نباتات مخصوصی از قسم پیاز های کوهی و رواش و سمارق بقسم خود رونمو

میکنند ، اشجار چار مغزوسفیدار بمقدار زیاد است . شادیان مربوط
علاقه چار کشت است ، درعلاقه چار کشت چیزیکه زیاده تر معمول
است زراعت للمی است ، لاکن بعضی اقسام میوه از قبیل آلو و
انگور و سبزیجات از قسم گندنا ، پیاز کوهی و سبزی یا لک نیز
موجود است ، تمام نقاط چار کشت چشمه سار میباشد .

مارمل :

بحصه مارمل که بجنوب ولایت مزار شریف واقع و دارای
سطح مرتفع است انگور و توت و زردآلو درین اواخر بسیار غرس
شده ، گندم و جو و اشجار کوهی از قسم زیاد دیده می شود .

سیاه گرد :

حصه سیاه گرد بشمال مزار واقع است و گندم و جو و جواری
ورشقه و پیاز و خربوزه و تربوز بمقدار زیاد در آن زرع می شود
زمین آن ریگی است و آب جاری دارد که از نهر اصفهان جدامی شود .

بلخ :

در حصه بلخ که در ازمته قدیم شهر مشهور و معموری بوده
انواع نباتات در آن زرع می شد ، بحال موجوده گندم و جو
و جواری و مرغ و پیاز و بادنجان و کدو و گندنا بمقدار کافی زرع
میشود ، بادرنگ آن که به بادرنگ سواره مشهور است در ولایت
مزار شریف شهرت تامی را داراست . از انواع میوه ، توت
زردآلو ، آلوی کوك سلطانی و بهی بسیار است .

نهر قندیان :

در ناحیه نهر قندیان که از مربوطات بلخ است ، آلوبالو ، زردآلو
قیسی ، ناک ، انگور ، بهی فراوان است . گندم ، جو ، جواری
پیاز ، گندنا ، کدو و خربوزه و تربوز نیز زیاد میباشد .
بلخ و نواحی آن ذریعه نهر بلخ که از پیل امام بکری جدا
می شود ، آبیاری میگردد .

دولت آباد :

در حصه دولت آباد گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پیاز ، کدو
بادرننگ ، خربوزه تربوز زرع می شود . اراضی آن از نهر دولت
آباد مشرب می شود ، توت و انگور و زردآلو نیز یافت می شود ، لاکن
بالعموم اشجار میوه دار در این ناحیه کم است .

ایبک :

علاقه ایبک برای غرس هرگونه درخت مساعد است ، و به نسبت
فراوانی آب آن میتوان در آن حصه بزراعت سبزیجات مشاغل و وزید
زراعت گندم للمی و خربوزه زیاد است در حصص کوهی ایبک و حصه
رباطک و لریمون و گنده چه جنگلهای پسته موجود است که حفاظت
و توسعه آن از مهمات امور زراعتی است . درخت ارچه نیز درین
جنگلهای مهذکور دیده می شود . خوشبختانه آبادی ایبک طرف
توجه مخصوص ع ، ج محمد گل خان رئیس تنظیمه ولایت شما لی
واقع شده است .

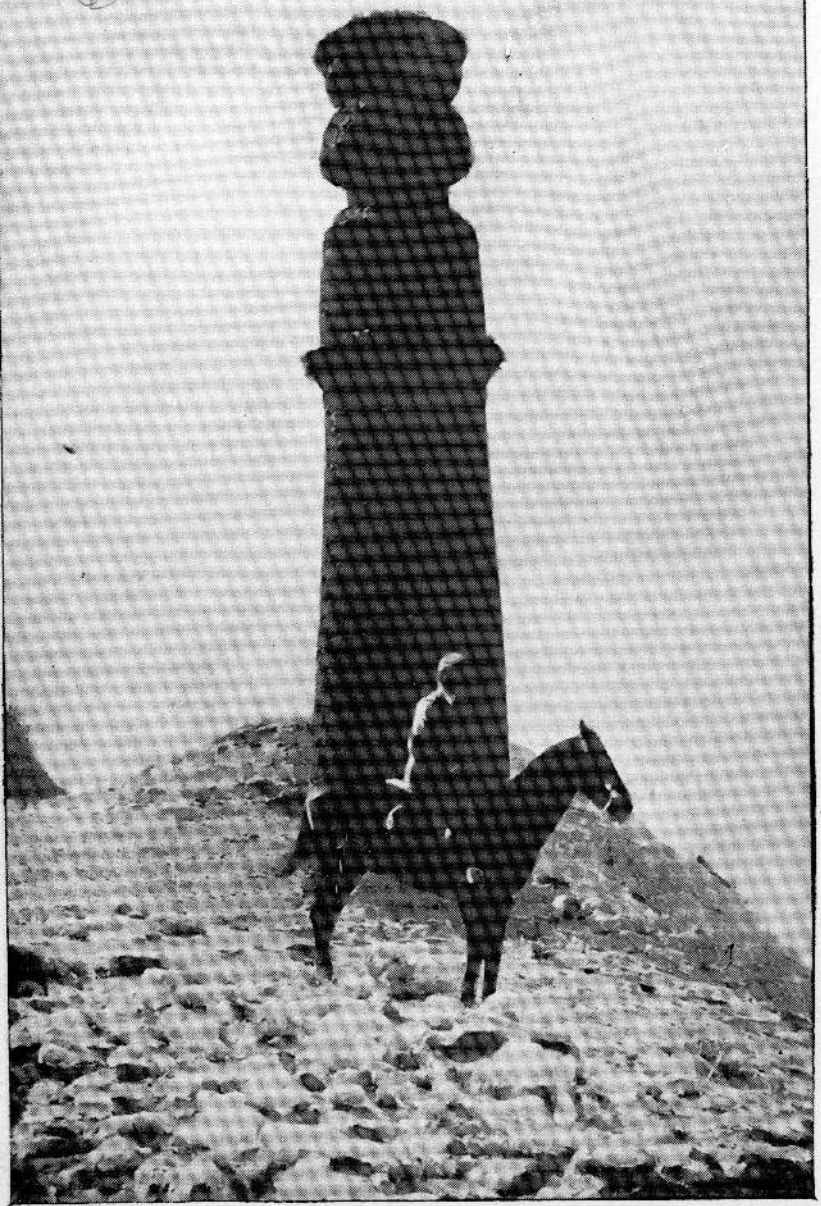
چیزیکه مهم است همانا آبیاری زمین های خاره ولا مزروع نواح ولايت مزار شريف است در موضعيکه مشهور باب مكي است و درين خرم وروئي واقع است. تعمير بند ممکن ميباشد ، و ميتوان توسط آب بند ، حصص لا مزروع ايک را سيراب نموده زمين های خاره ولا مزروع تاشقرغان را تحت زراعت آورد . قراریکه معلوم است درسالهای سابق از دريای قندوز يك نهر بطرف مزار شريف جاري بوده که دشت های حصه های سياه گرد را آبياری مي نمود . از علائم خرابهای علاقه سياه گرد معلوم می شود که سابق علاقه سياه گرد دارای تعميرات زياد و محل سکونت نفري زيادی بوده است ، لاکن در اثر تبدلات مجبولى مردم علاقه مذکور برا گنده و نهریکه آبياری اراضی شانرا می نمود از گل و ريگ مسدود گردیده چون نهر مذکور پيشتر از چهار صد سال آباد و آب دران جاري بوده حالا نيز ممکن است که نهر مذکور را دوباره صاف نموده اهالی از آب آن مستفيد گردد . چنانچه برای اين مقصود اعزام متخصصين فنی زیر نظر است .

یکی ديگر از مشغوليات خیلی مهم اهالی ولايت مزار تریيه مواشی اهلی خصوصاً گوسفند قره قلی است که محصول آن بهترين و مهمترين اقلام تجارت صادراتی افغانستانرا تشکیل میدهد و قسمتی از اين مواشی در دشت های ولايت مزار پرورش شده باقی در ديگر حصص بچرا گذاشته ميشوند .

حکومت اعلاى میمنه

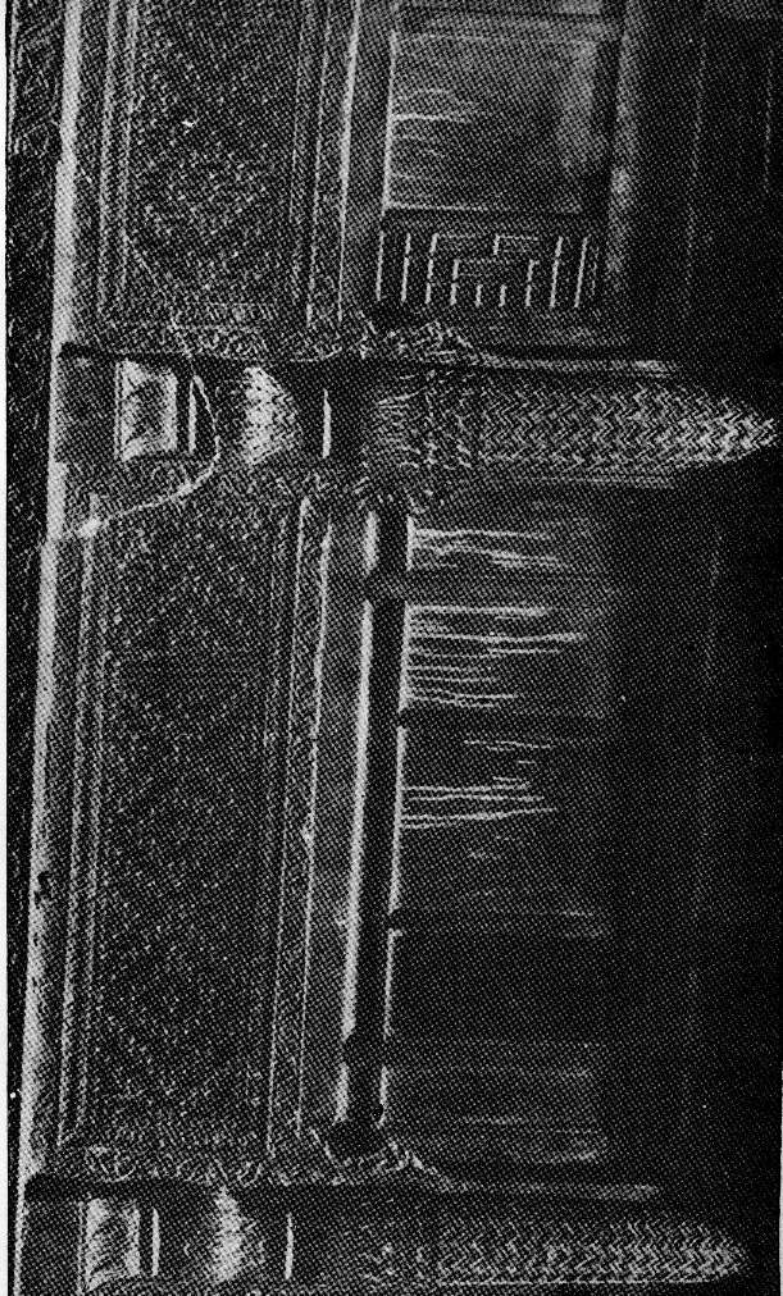
حکومت اعلاى میمنه اکثراً دشتی و قسمتاً دارای دره های شاداب است پس از نقطه نظر آب و هوا نيز اراضی مذکور مختلف ميباشد . ولی عموماً زراعت غله جات و بسياری اشجار دران ممکن است .

از انبیه معروف کابل : مسجد عیدگاه که در عصر اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان ساخته شده
 La grande mosquée de Kaboul (196. s.)



از آثار تاریخی وطن : منار چکری (زبدیک کابل) که در دوره بودایی ساخته شده
 La célèbre colonne bouddhique, nommée Minari - T'hakari à Kaboul

یک نمونه از چوب کاری قدیم کابل که در یکی از منازل شخصی عکس گرفته شده
 Spécimen de l'ancienne menuiserie de Kaboul



نباتات مشهور

شهر میمنه و اطراف آن :

میمنه دارای آب و هوای خوبی است و زمین آن برای زرع اکثر نباتاتیکه بخصه فطن میروید مستعد بوده ، اگر اهالی آن که بزراعت اشجار و سبزیجات چندان شوق ندارند به توسعه دائره زراعت آن نولا بپردازند نتیجه خوبی بدست شان خواهد آمد .

چیزیکه مهم است این است که اهالی میمنه نسبت بدیگر حصص زراعتی افغانستان بزراعت کمتر توجه دارند و علت آنهم تمایل آنها بسوی مالداری و تربیه حیوانات است ، بنا بران اکثریت مردم دردشت های علف دار به تربیه گوسفند قره قلی و غیره مواشی میپردازند . از جمله غله جات زراعت گندم ، جو ، جواری و ارزن مروج است . علاوه برغله جات ، نخود ، باقلی و عدس و ماشنگ نیز معمول میباشد . از انواع سبزیجات بادنجان رومی و بادنجان سیاه و پیاز و گندنا زرع میشود . فالیز کساری خر بوزه ، تر بوز و بادرننگ نیز دیده میشود .

اشجار شهر خواه از باعث اینکه اهالی بزراعت آن شوق ندارند خواه اینکه از ابتدا زراعت آن مروج نبوده است چندان بنظر نمی خورد . باوجود آن آ لوی کوك سلطانی و سیب و ناک و غیره اینجا و آنجا دیده میشود . زیاده تر چیزیکه دیده می شود درخت های غیر مشر از قبیل چنار و بید و سفیدار است . زراعت تاک اگرچه تقریباً غیر معمول است اگر تقویه داده شود نتیجه خوبی خواهد داد زیرا که در حدود میمنه تپه های آهکی و ریگی که برای زراعت تاک مستعد است بهر طرف دیده میشود .

بطور خلاص شهر میمنه و نواحی آن برای زراعت اشجار و سبزیجات خیلی مستعد و چیزیکه لازم است تشویق اهالی است بزراعت .

درواز شهر کابل که در زمان قوچان اسلام از طرف کابل شاه ساخته شده بود
از آثار تاریخی وطن
Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit
par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion Islamique.

۲

اند خوی :

در اند خوی آب نسبتاً کم است و از میمنه می‌آید ، اند خوی کم آب ترین حصص حکومت اعلاى میمنه بشمار میرود و دران بدون زراعت گندم و جوار چیز دیگر دیده نمیشود ، جنگل و باغ نیز خیلی کم است . هوای آن نیز گرمتر بوده در تابستان درجه حرارت به (۴۴) درجه سانتیگراد میرسد .

درزاب و گرزبوان :

علاقه شیرین تنگاب و بلجراغ که سرکنز گرزبوان است به نسبت اعتدال آب و هوا و فراوانی آبشارها مستعد هر گونه زراعت بوده اگر زراعت سبزیجات و اشجار مثمر درین نقاط ترقی داده شود نتیجه خوبی بدست خواهد آمد ، ناحیه قیصار نیز دارای آب فراوان و آب و هوای مناسب بوده برای زراعت سبزیجات و درختان میوه دار مستعد است . در حصه میمنه و شیرین تنگاب و بلجراغ و قیصار درخت عمر عرب به تعداد زیاد دیده می شود و عمرهای مذکور خیلی بلند می رود . درخت پشه خانه و چارمغز و از اقسام میوه چنانچه پیشتر مذکور شد ناک و سیب و شفتالو و انگور یافت میشود لاکن مقدار شفتالو و انگور کم است . سبزیجات مشهور از قبیل کچالو و شلغم و پیاز و گند نا و بادنجان نیز یافت میشود . لیکن اهالی بزراعت چندان شوق ندارند ، حکومت اعلاى میمنه به ترویج سبزیجات خارجی از قبیل کرم گلدان و لوبیا و بامیه سعی کرده تا یکجدا ازین اقسام سبزیجات نیز در میمنه یافت میشود . و نیز در غرس اشجار درین سالهای اخیر توجه زیادی بعمل آمده است . زراعت میمنه از بعضی نهرها و قسمة کاریزی است و بنا بران زمین بحساب کاریز خرید و فروش میشود .

نهضت اقتصادی در افغانستان

بقلم سید قاسم « رشتیا »

مدیر شعبه نشریات انجمن و «مہتمم سالنامه»

در سالنامه ۱۳۱۵ مقاله تحت عنوان (پیشرفت های اقتصادی افغانستان) درج و دران ترقیات امور اقتصادی وطن عزیز را که در دوره بعد از انقلاب ۱۳۰۷-۱۳۰۸ در عصر فرخنده نادرشاهی و ظاهرشاهی از قوه بفعل آمده خلاصه کرده بودیم و ضمناً در مقدمه و در پایان مقاله مذکور نظر به مظاهر اطمینان بخشی که نسبت به پیشرفت های آئینده اقتصادیات مملکت موجود بود ، چنین اظهار امید واری نموده بودیم که (ازین تاریخ به بعد افغانستان عزیز داخل يك دوره نهضت اقتصادی جدیدی شده و بنا بران امید میرود که در آئینه قریبی تغییرات و پیشرفت های مسعودی در امور اقتصادی وطن عزیز بوجود خواهد آمد)

این است که امروز با نهایت مسرت و سرفرازی عملی شدن آرزوها و امیدهای مذکور را بصورت يك نهضت بسی فرخنده اقتصادیات کشور خود بچشم سر مشاهده کرده می بینیم که مطابق نیات ترقیخواهان پادشاه جوان و منور و مساعی وطن خواهان اولیای امور دولت متبوعه و حسن استقبال سایر طبقات ملت ، يك دوره جدیدی در عالم اقتصادیات افغانستان آغاز گردیده است . بنا بران اینک در ضمن يك سیر مختصر میخواهیم نهضت اقتصادی جدید وطن عزیز را که از یکسال باینطرف آغاز گردیده است ، با قدمهای مهمی که در راه پیشرفت اقتصادیات مملکت درین سال (۱۳۱۶) برداشته شده باطلاع خوانندگان سالنامه و عموم علاقه مندان ترقی و تعالی افغانستان برسانیم و من الله التوفیق . « رشتیا »

کار انداختن چشمه های نفت و معادن جنوب :

برهیکس پوشیده نیست که افغانستان يك مملکت کوهستانی بوده و بنا بران در داشتن معادن ذی قیمت امتیاز خاصی را دارا میباشد. چنانچه در ظرف ۱۰، ۱۵ سال گذشته که برای کشف معادن و ذخائر تحت الارضی تحقیقات فنی بعمل آمده متجاوز از (۳۰۰) معادن مفیده مختلفه مکشوف گردیده است. طبیعی است که افغانستان برای پیشرفت های مدنی خود که اکنون سردست دارد، مجبور به استفاده و استخراج معدنیات خود بوده ولی چون بوضعیت موجوده از استخراج و بکار انداختن صحیح و اساسی معادن و ذخائر تحت الارضی عاجز است، پس یکی از مهم ترین اقداماتی که میتوان برای پیشبرد اقتصادیات وطن و روی هم رفته جهت ترقی عمومی شتون مملکتی انجام داد همانا کار انداختن معدنیات است بواسطه سرمایه و متخصصین خارجی، چنانچه این موضوع از بدو تاسیس حکومت موجوده مورد نظر اولیای امور واقع و چون دارای جنبه های دقیقی بود در اطراف آن با موشگافی و احتیاط زیاد دی مطالعات بعمل آمده تا آنکه بالاخره در سال گذشته قرار داد بزرگی برای کار انداختن چشمه های نفت بایکی از شرکتهای مهم امریکا موسوم به اینلیند اکسپلوریشن کمپنی عقد و قرار داد های مذکور بعد از تدقیقات لازمه از طرف شورای ملی افغانستان تصویب و بامضای ذات ملوکانه موشح گردیده است.

چون این قرارداد برای انبساط اقتصادیات وطن عزیز ما بمنزله يك عامل خوبی بشمار رفته و در عین حال باسنجشات زیادی مطابق منافع و مصالح اقتصادی و سیاسی مملکت عقد گردیده و در ذات خود

يك نهضت بی سابقه گفته میشود، لهذا اولتر از همه بد کرسورت قرارداد مذکور می پردازیم :

قرار داد نفت مابین حکومت پادشاهی افغانستان

وانالند اکسپلوریشن کمپنی امریکا

مقدمه :

بقصد تحصیل اطلاعات کافی راجع با مکان وجود مواد نفتی در مملکت شاهی افغانستان و اتخاذ طرق منظم و صحیح برای بدست آوردن مواد منبوره که ممکن است بمقادیر تجارتي وجود داشته باشد دولت شاهی افغانستان و انالند اکسپلوریشن کمپنی موافقت مینمایند که برای تأمین منافع فیما بین با اصول عادلانه در امریکه مشمول این قرار داد است اشتراك نمایند.

تعریف :

تعريفات ذیل با اصطلاحات آتی اطلاق خواهد شد مگر آنکه خلاف آن بطور واضح در ضمن قرارداد تصریح شده باشد، لفظ « دولت » یعنی دولت شاهی افغانستان، لفظ « کمپنی » یعنی اینلیند اکسپلوریشن کمپنی که مرکز اصلی آن در ایالت « دلاویر » از ایالات دول متحده امریکا میباشد، لفظ « امتیاز » یعنی قرار داد فعلی و حقوقیکه بوسیله آن اعطاء میشود، لفظ « حوزه امتیاز » یعنی اراضی واقعه در افغانستان که مشمول امتیاز فعلی خواهد بود. لفظ « نفت » شامل کلیه نفت خام گازهای طبیعی و غیرها (اسفالت) مومهای طبیعی و مواد

Handwritten notes at the top of the page, including the title 'نهضت اقتصادی در افغانستان' and other illegible text.

Vertical handwritten notes on the left margin, including 'این قرارداد', 'تصرف عملی', 'انبار داران', 'استخراج نفت', 'مال در دسترس', and '۱۳۳۷'.

Vertical handwritten notes on the right margin, including 'کار انداختن چشمه های نفت', 'مقدمه', 'تعریف', and 'تصرف عملی'.

Handwritten notes at the bottom of the page, including '۱۳۳۷', '۱۳۳۶', and other illegible text.

صورتیکه این حق در مدت مزبور تحصیل نشود دولت شاهی افغانستان حق خواهد داشت که این قرار داد را لغو نماید .
(ماده ۳) :

(الف) : در مدتیکه از یکسال از تاریخ تحصیل حق حمل و نقل نفت از طریق یک یا چند مملکت که خارج ازین قرارداد میباشد، تجاوز نماید، کمپنی مطالعات طبقات الارضی و جغرافیائی و سطح الارضی را شروع خواهد کرد و عملیات مزبور بلا انقطاع برای مدت شش ماه ادامه خواهد داشت ، قبل از انقضای یکسال از تاریخ شروع مطالعات مزبور کمپنی ایالاتی را که متجاوز از پنج ایالت نخواهد بود انتخاب خواهد کرد و در اراضی مزبور که باین ترتیب انتخاب شده مجاز خواهد بود عمل تفحصات و استخراج نفت را ادامه دهد ، پس از انتخاب مزبور کمپنی کتباً بوزارت تجارت قطعاتی را که از ایالات مذکور انتخاب نموده به ضمیمه نقشه که در آن اراضی منتخبه رنگ آمیزی شده اطلاع خواهد داد .

(ب) : در صورتیکه مقررات این ماده از طرف کمپنی اجرا نشود دولت میتواند الغای این قرارداد را به کمپنی اخطار نماید و در صورتیکه در ظرف مدت یکسال پس از وصول اخطار به کمپنی ثابت نماید که مقررات این ماده اجرا شده این قرارداد لغو و باطل خواهد شد .

(ج) : برای حسن پیشرفت عملیات اکتشافی و استخراجی دولت اختیار کاملی به نماینده گان کمپنی و مستخدمین آنها خواهد داد که بتوانند بدون ممنوعیت و یا تشریفات دیگر در هر قسمت از حوزه امتیاز مسافرت نمایند. در مورد مناطق نظامی اجازه مخصوص دولت باید قبلاً

مشتق از آن و همچنین کلیه مواد حاصله از اختلاط و امتزاج این مواد بامواد دیگر خواهد بود، لفظ «تاریخ تصویب» یعنی تاریخیکه این امتیاز به تصویب مجمع ملی رسیده و فرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان موشح شده باشد ، لفظ «اراضی منتخبه» یعنی اراضی انتخاب شده طبق ماده (۳) ، لفظ «لیزه» یعنی واحد پول انگلیس ، یک «شلنگ» مساوی است با یک بیستم یک لیره و یک «پنی» مساوی است با یک دوازدهم یک شلنگ ، لفظ «تن» یعنی تن متریک که عبارت از هزار کیلوگرام و معادل با (۶۲-۴۲۰) دو هزار و دوصد و چهار صحیح و شصت و دوصدم Avoir du pois است ، لفظ «سالها» یا «سال» و «ماه» یعنی زمانیکه با تقویم مسیحی گریگوریان تطبیق مینماید .

(ماده اول) : دولت در مدت مذکوره و طبق شرایط مندرجه در این قرارداد حق مانع للغير تفحص اکتشافات و حفاری و استخراج و حمل و نقل نفت و سایر عملیات مختلف مزبور آن را در حوزه امتیازیه به کمپنی اعطاء مینماید و همچنین حق غیر انحصاری انبار کردن ، حمل و تصفیه کردن و عمل آوردن و صادر کردن نفت و سایر عملیات مختلفه مزبور آن را در طرق حمل و نقل واقع بین حوزه امتیاز و سرحدات افغانستان به کمپنی تفویض مینماید منظور از حق تفحص حق مساحی کردن جغرافیائی و طبقات الارضی و اکتشافات و اجراء عملیات سطح الارضی و حفر چاهها خواهد بود .

(ماده ۲) : در مدتی که از هشت ماه از تاریخ تصویب تجاوز ننماید کمپنی اقلاً از یکی از دول مجاور افغانستان حق ساختمان لوله نفت و یا لوله های نفت از افغانستان به اوقیانوس را تحصیل خواهد نمود ، و در

Handwritten notes in Persian script on the right margin, including phrases like "کتابخانه" (Library) and "مجموعه" (Collection).

Handwritten notes at the bottom left of the page, including the number "۴۵۱".

تجصیل شود. نمایندگان و مستخدمین کمپنی حق خواهند داشت که همیشه اوقات برطبق مقررات جاریه ویزه، ازهریک سرحداً مجازوارد افغانستان یاخارج شوند وحق مسافرت درسائر نقاط افغانستان را غیر از آنچه درحوزه امتیازاست برای انجام وظائف خود نیز خواهند داشت.

(ماده ۴) :

(الف) : در ظرف مدت یکسال بعد از اعلام انتخاب اراضی مذکوره در جزو الف ماده ۳، کمپنی شروع به حفر افلاک حلقه چاه خواهد نمود. حفر چاه مزبور با سرعت لازمه و بدون تاخیر غیر مناسب پیش خواهد رفت تا آنکه افلاک به عمق سه هزار یا (۳۰۰۰) برسد، مگر آنکه نفت بمقادیر تجارتي در عمق کمتری یافت شود (درین مورد قضاوت آن منحصرأ با کمپنی است) و یا آنکه قبل از رسیدن به آن عمق بمقدار کمپنی بواسطه عدم وجود نفت در آن نقطه مخصوص بمقادیر تجارتي حفر زیاد تر لزوم نداشته باشد.

(ب) : در صورت کشف نفت بمقادیر تجارتي « که قضاوت آن منحصرأ با کمپنی است » کمپنی حفر چاه را در نقاطیکه متخصصین معرفت الارضی او توصیه میکنند ادامه خواهد داد باین نظر که ثابت شود ذخیره کافی نفت که استخراج آن را تجویز نماید وجود دارد (ج) : شش ماه پس از شروع عملیات حفاری کمپنی را پورت از عملیات مزبور که شامل عمق چاه و مقادیر نفت کشف شده - در صورتیکه کشف شده باشد و سائر اطلاعات مربوطه باشد بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود.

(د) کمپنی تعهد مینماید که در صورت کشف نفت بمقادیر تجارتي

و ذخیره کافی که استخراج آن را تجویز نماید « که قضاوت آن منحصرأ با کمپنی است » استخراج آن محل را با سرعت لازمه و با حسن نیت و کوشش واقعی تا آخر ادامه داده بطوریکه نواحی مزبور بطرز صحیح و بدون هیچگونه تاخیر غیر مناسب استخراج شود علاوه بر وجوه لازم التادیه طبق جزو (د) ماده شش کمپنی تعهد مینماید که جدیدیت خواهد کرد که میزان محصول را سالانه افلاک به شش میلیون (۶,۰۰۰,۰۰۰) تن برساند مشروط باینکه با در نظر گرفتن عوامل طبقات الارضی منابع نفت محوطه تعیین شده استخراج این میزان محصول را سالانه اجازه دهد.

(ه) در صورتیکه پس از پانزده سال از تاریخ تصویب دریک یا چند ایالت (در محوطه پنج ایالت که طبق جزء الف از ماده ۳ حوزه امتیاز را تشکیل میدهد) محصول نفت کشف شده بمقداری برسد که قابل صدور باشد یکی از ایالات مزبور را کمپنی بدولت مسترد خواهد نمود، بیست سال پس از تاریخ تصویب چنانچه در بعضی ایالات « یعنی چهار ایالتیکه بعد از حوزه امتیاز را تشکیل خواهد داد، محصول نفت کشف شده بمقداری نرسد که قابل صدور باشد یکی از ایالات مزبور بدولت تسلیم خواهد شد بیست و پنج سال پس از تاریخ تصویب در صورتیکه در بعضی ایالات « یعنی سه ایالتیکه بعد از حوزه امتیاز را تشکیل میدهد » محصول نفت کشف شده بمقدار قابل صدور نرسد افلاک یکو از آن ایالت بدولت مسترد خواهد شد، در ظرف پنج سال بعد در صورتیکه نفت کشف شده در یکی از دو ایالت باقی مانده بمقدار قابل صدور نرسد یکی از آن ایالات بدولت مسترد خواهد شد.

نهضت اقتصادی در افغانستان

مبالغ مزبور فرود خواهد شد (۲) هر گاه در موقع دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت ها و معاملات نیست و طریق تادیه های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم ننمایند طرفین موافقت مینمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند. در صورت عدم حصول موافقت فضا به مطابق ماده (۲۰) بحکمیت ارجاع خواهد شد، که نسبت به تغییر یا عدم تغییر تضمین مذکوره جزو (۱) این ماده رأی دهند، و در صورت تغییر شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهند نمود (ج) علاوه بر کلیه وجوه لازم التادیه مذکوره در این امتیاز، کمپانی تعهد مینماید سالیانه مبلغی معادل صدی بیست (۰/۰۲۰) از منافع پرداختی به صاحبان سهام عمومی انلیند اکسپلوریشن کمپنی پس از وضع صدی پنچ که بابت سرمایه تادیه شده کسر میشود بدولت افغانستان بپردازد. طرفین موافقت مینمایند که طرز محاسب کمپانی نفت انگلیس و ایران (لیمتد) را درین مورد تعقیب نمایند و نیز مقررات ذیل مرعی خواهد شد (۱) هر موقعی دولت تصور کرد که محصول نفت افغانستان به قیمت مناسب در خارج فروش نمیرود دولت حق خواهد داشت صدی بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرایط که کمپانی به مشتریان دیگر خود میفروشد از کمپانی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند (۲) در موقع انقضاء این امتیاز و هم چنین در صورت ترک آن از طرف کمپانی مطابق ماده (۱۸) کمپانی معادل بیست فیصد (۰/۰۲۰) از تفاضل بین مبالغ کل ذخائر یکبه انلیند اکسپلوریشن کمپانی در تاریخ انقضاء این امتیاز و یا ترک

(ماده ۵) : عملیات کمپنی در افغانستان بطریق ذیل محدود میشود (۱) ساختمان هر خط آهن موکول بحصول موافقت قبلی بین دولت و کمپنی خواهد بود (۲) اگر کمپنی بخواهد ارتباط تلیفونی و تلگرافی و تلگراف بیسیم و هواپیمائی در افغانستان دائر نماید قبلاً رضایت دولت را درینخصوص تحصیل نماید (۳) اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع بیش آمدهای فوق العاده دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپنی پیدا کند وعده مینماید حتی الامکان کمتر موجب تضییع عملیات کمپنی بشود و نیز اجرت استفاده از وسائط مزبور را بطور معقول جبران نماید . و

(ماده ۶) :

(الف) : در مقابل امتیازات اعطا شده بوسیله این قرار داد کمپنی « علاوه بر مبالغ پیش بینی شده در سائر مواد قرار داد » حق الامتیاز دیگری بمبلغ چهار شلنگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در افغانستان بفروش میرسد و یا از افغانستان صادر میشود خواهد پرداخت (ب) برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع تنزل قیمت بول انگلیس طرفین بشرح ذیل موافقت حاصل نمودند :

(۱) هرگاه موقع قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلنگ (۶ لیره) در مقابل یک اونس تروی (Troy ounce) تجاوز نماید برای هرینی (Penny) که علاوه بر شش لیره استرلنگ در مقابل یک اونس تروی (Troy ounce) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه بدولت از طرف کمپانی به موجب این قرار (باستثنای مبالغیکه بموجب جزو « ج » این ماده باید به دولت برسد) بجزان یک بر یک هزار و چهار صد و چهلیم ۱۴۴۰ - ۱

نهیض اقتصادی در افغانستان

میباشد ، برای حداقل وجوه لازم التادیة پنج سال اول بطوریکه در جزء (د) این ماده قید شده این مبلغ در هر ربع سال شصت و دو هزار و یانصد لیره (۶۲،۵۰۰) خواهد بود ، و بعد از آن به یکصد و دوازده هزار و پنجمصد لیره (۱۱۲،۵۰۰) در هر ربع سال بالغ خواهد شد ، هر مبلغ که طبق بند (الف) و (ب) و (ج) طلب دولت باقی میماند در ظرف شش ماه بعد از انتهای سالیکه این مبالغ در آن سال طلب دولت باقی مانده تأدیه خواهد شد . (ز) هر گاه وجوه لازم التادیة به دولت طبق جزء (ه) از طرف کمپانی در مواعد مقرر تأدیه نشود کمپانی فرع وجوه مزبور را از اقرار صدی پنج در سال برای مدتیکه تأدیة آن به عقب افتاده خواهد پرداخت ، علیهذا پرداخت . هیچیک از وجوه لازم التادیة بیش از شش ماه نباید به تعویق افتد .

(ح) دولت حق تفتیش و رسیدگی به دفاتر و اسناد و نیز حق رسیدگی به محاسبات کمپانی را دارد .

(ماده ۷) :

(الف) : کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در افغانستان ، از پرداخت هر گونه مالیاتیکه به دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا در آتی وضع میشود معاف خواهد بود ، و در عوض مبالغ ذیل را به دولت تأدیه خواهد نمود : (۱) در مدت با نژده سال اول این قرارداد بتاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در اولین سال بعد از تحصیل نقت در افغانستان بمقادیر تجاری نه پش بابت هر تن از شش میلیون تن (۶،۰۰۰،۰۰۰) نفتیکه بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از ماده شش (۶) میگردد و شش پش (۶) بابت هر تن نفت

آن موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائریکه کمپانی در تاریخ تصویب این امتیاز موجود دارد بدولت تأدیه خواهد نمود ، پرداخت وجوه لازم التادیة بدولت بر حسب این جزء يك ماه پس از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که بعد از انقضاء یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت . (۳) طرفین موافقت مینمایند که در موقع لزوم کمپانی میتواند سهام مرجعه بشرايط لازمه صادر و یا آنها را استرداد نماید ولی این عمل نباید باعث ضرر و زیان منافع و حقوقیکه جهت دولت طبق شرايط این قرارداد پیش بینی شده بشود ، و کمپانی باید قبلاً بانمایندة دولت راجع بشرايط صدور سهام مزبور مذاکره نموده و تصویب کتبی او را تحصیل نماید . (د) : صرف نظر از چگونگی عملیات استخراج نفت ، مجموع مبلغی که طبق این ماده سالیانه باید از طرف کمپانی به دولت در پنج سال که بدو آن از ربع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب این امتیاز شروع میشود پرداخت شود هرگز نباید از دو و بیست و پنجا هزار لیره (۲۵۰ ، ۰۰۰) کمتر باشد و از بدو ربع آخر سال دهم (۱۰) سالیانه از تاریخ تصویب امتیاز مجموع وجوه لازم التادیة هرگز نباید از چهار صد و پنجاه هزار لیره (۴۵۰ ، ۰۰۰) کمتر باشد . (ه) : علیهذا هرگاه در یکسال وجوه لازم التادیة به دولت طبق جزء (الف) و (ب) و (ج) این ماده در آن سال از حد اقلی باشد که طبق جزء (د) تعیین شده کمپانی مجاز خواهد بود ما به التفاوت ضرر را در اولین سال یا سالهای بعد در موقع تعیین منافع خالص موضوع نماید . (و) : وجوهیکه طبق جزء (د) این ماده لازم التادیة است به اقساط متساوی سه ماهه هر سال پرداخته خواهد شد ، و بدو آن از ربع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب

سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دائر بفرش آن اراضی خواهد داشت، در صورتیکه دولت اعتراض و احتیاجی با اراضی مزبور نداشته باشد قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد، قیمت مزبور باید عادلانه باشد، و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

(ج) : در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش بینی شده در جزء های (الف) و (ب) مذکور در فوق جوابی بدهد پس از انقضاء دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکر نامه جدیدی بدولت خواهد فرستاد. چنانچه به تذکر نامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی میگردد. (د) : اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور با توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد، در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت با صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد، ماخذ قرار داده نمی شود. (ه) : اما کسب مقدسه و محل های که جنبه تاریخی دارند از مقررات مذکور مستثنی هستند. (و) : کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه جای دیگر از هر زمین بایر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید. مسام است اگر استفاده از مواد مذکور موجب ضرر شخص ثالثی بشود باید کمپانی جبران خسارات ذوی الحقوق را بنماید.

اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود. (۲) در مدت پانزده سال بعدیک شلنگک بابت هر تن از شش میلیون تن (۶,۰۰۰,۰۰۰) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از ماده شش (۶) میگردد و نه پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد شد.

(ب) : قبل از انقضای مدت سی سال، بعد از تاریخ تصویب راجع ب میزان مبالغه کمپانی دارای معافیت کامل عملیات خود در افغانستان از پرداخت هر گونه مالیاتی بنفع دولت و یا ادارات محلی در بقیه مدت این امتیاز میشود، باید بپردازد، طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

ماده (۸) :

(الف) : هر زمین بایر متعلق به دولت را که کمپانی برای عملیات خود در افغانستان لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً به کمپانی واگذار خواهد شد، طریقه تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود : هر وقت قطعه از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع میشود باید کمپانی یک یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت تجارت در کابل ارسال دارد، دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد وعده میدهد که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد. (ب) اراضی دائر متعلق به دولت را که کمپانی احتیاج پیدا میکنند بطریقیکه در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف

معموله حین و رود را بپردازد. کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخص غیرمستخدمن خودش فروخته یا واگذار نشود. (ب): کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوص حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریض خانه ها و مطب های خود در افغانستان لازم دارد و ارد نماید و اشیاء و اجناس مذکور درموقع ورود از تادیبه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ج) بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای عملیات اکتشافی و حفاری و استخراجی و تصفیه کردن و لوله کشی و انبار کردن در افغانستان لازم دارد وارد نماید. (د) صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ه) برای جلوگیری از هر گونه تاخیر در تهیه نفت دولت عبوراثیه مذکور در جزء (ج) این ماده را که جهت استخراج نواحی نفت، ساختمان کارخانجات و خطوط لوله و عمل کردن آن لازم است از سرحدات افغانستان مجاز خواهد نمود، مشروط بر اینکه قبلاً نقطه سرحدی را که کمپانی انتخاب نموده با اطلاع دولت برساند، عبور دادن اجناس منور بجز از سرحدیکه انتخاب شده و غیر از طرق مجاز تجارتي ممنوع است. دولت تادم تیکه کمپانی تقاضا نمینماید بست گمرکات را در نقاط معینه در طرف شب و روز حتی در ایام تعطیل های عمومی باز نگاه خواهد داشت. کمپانی عمارات مخصوصی را که برای این منظور لازم است باموافقت دولت خواهد ساخت و حقوق اعضای اضافی گمرک را باضافه مخارجی که دولت

(ماده ۹): کمپانی برای احتیاجات داخلی افغانستان واز آنجمله احتیاجات دولت بترین و نفت لایمپ و مازوت که از نفت افغانستان حاصل می شود بر اساس ذیل خواهد فروخت. (۱) در اول ماه ژوئن هر سالی کمپانی معدل قیمت های (خوب) رومانی را راجع به بترین و نفت لایمپ و مازوت و معدل قیمت های (خوب) خلیج مکزیک را راجع به بیک از مواد مذکور نسبت بمدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ سی (۳۰) آوریل معین خواهد کرد، نازل ترین معدل های مذکور اختیار و اساس قیمت ها برای سالی که از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود (اساس قیمت ها بمنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد). (۲) کمپانی بترین و نفت لایمپ و مازوت را به ترتیب ذیل خواهد فروخت: اول: بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران، مطابق اساس قیمت های مذکور در جزء (الف) فوق با تخفیف بیست و پنج درصد (۰/۰۲۵) دوم: به کمپانی مطلقاً افغانی که از طرف دولت تعیین می شود از قرار (اساس قیمت) با تخفیف ده درصد (۰/۱۰) (۳) کمپانی حق دارد که بقیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات منور را بیفزاید. (۴) دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد.

(ماده ۱۰):

(الف) : کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که مختصراً برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های

برای اجرای این تعهد خود متحمل میشود و خواهد پرداخت، کیپانی مجاز است عملیات خود را در مدت روز و شب و در تعطیل های عمومی ادامه دهد .
(ماده ۱۱) :

(الف) : کیپانی و اعضای آن از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهد شد ، (ب) : دولت در حدود قوانین و مقررات جاریه خود کلیه تسهیلات ممکنه را جهت توسعه عملیات کیپانی در افغانستان تأمین خواهد نمود (ج) : در صورتیکه دولت امتیازات به اشخاص دیگر جهت استخراج مواد معدنی « غیر نفت » در حوزه امتیاز اعطا نماید، کلیه احتیاطات لازمه را مرعی خواهد نمود، به صورتیکه استخراج آن ها موجب خسارت به تأسیسات و کارخانجات کیپانی نشود، در ظرف مدت این امتیاز و قبل از انتخاب اراضی بطوریکه در جزء (الف) از ماده (۳) مقرر است هیچگونه امتیاز استخراج نفت در حوزه امتیاز از طرف دولت بدیگری داده نخواهد شد .

(د) کیپانی موظف است مناطقی را که برای ساختمان منازل و دکاکین و مغازه و سایر ساختمان ها خطر ناک است تعیین نماید که دولت بتواند سکنه آن را آگاه بنماید که درین قبیل مناطق سکونت نمایند (ه) هر گاه کیپانی صلاح بداند محصول نفت را از مملکت دیگری غیر از افغانستان عبور دهد، بنابر تقاضای کیپانی دولت مساعدت اخلاقی خواهد نمود که کیپانی تحصیل اجازه مخصوصی بنماید .

(ماده ۱۲) :

(الف) : کیپانی ملزم نیست و جیوه خود را که شامل وجوه حاصله از فروش صادراتش از افغانستان نیز میا شد به پول افغانی یا به پول دیگر محلی تسعیر نماید، هیچگونه ممنوعیت های راجعه به صادر

یا وارد کردن وجوه کیپنی و با اعضای آن در هیچ موقع وضع نخواهد شد ، کیپنی علیهذا تعهد میکنند که در موقع تسعیر اسعار خارجه خود به پول رایج افغانستان این قبیل خریدهای اسعاری را بر طبق قوانین افغانستان معمول دارد . (ب) : کلیه مبالغ که طبق این قرار داد دین کیپانی بدولت است بغیر از آنچه صریحا درین قرارداد ذکر شده ، به لیره انگلیسی تصفیه خواهد شد .
(ماده ۱۳) :

(الف) : برای اجرای عملیاتیکه طبق این قرار داد به کیپنی در افغانستان اعطا شده : کیپنی تعهد مینماید که کلیه وسائل مناسب را برای تأمین صرفه جوئی و حسن جریان عملیات خود مرعی خواهد داشت ، که کلیه مخازن تحت الارضی نفت محفوظ بماند و این امتیاز را با صولیکه با ترقیات علمی روز افزون دنیا تطبیق نماید اجرا کند . (ب) ، حفریاتیکه منجر بکشف نفت نگشته و آب یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا شود مجازا بدولت واگذار خواهد شد (مگر آنکه کیپانی آب چاها را برای آشامیدن و مصرف حفاری و دیگرهای بخار احتیاج داشته باشد) . کیپانی دولت را فوراً از کشفیات مزبور مطلع خواهد ساخت دولت نیز هرچه زود تر قصد خود را را جمع بتصرف آنها اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف احتیاطات لازمه را مرعی خواهد نمود که در عملیات کیپانی هیچگونه وقفه حاصل نشود .
(ماده ۱۴) :

(الف) : کیپنی بخرج خود و بر حسب تقاضای نماینده مختار وزارتخانه ، عین سواد هر طرح نقشه و رسمها و سایر اطلاعات را که در دست کیپانی است اعم از اطلاعات سطح الارضی و طبقات الارضی مربوط

به حفر چاه های واقعه در حوزه امتیاز در ظرف مدت مناسب وزارت تجارت تقدیم خواهد نمود. (ب) : دولت حق دارد که بمیل خود هر موقع عملیات فنی کمپانی را در افغانستان توسط اشخاص مطلع تفتیش کند و متخصصین خارجی نیز برای این منظور تعیین نماید، راجع به صحت تصمیمات متخذه از طرف کمپانی نسبت به مفاد ماده (۴) نیز دولت حق رسیدگی خواهد داشت. (ج) : کمپنی کلیه اطلاعات علمی و فنی مربوط به عملیاتش را به علاوه اطلاعات راجع به تأسیسات و وسائل اندازه گیری و سائز و وسائل فنی را در اختیار این قبیل متخصصین رسمی خواهد گذاشت. و متخصصین مزبور حق خواهند داشت کلیه اطلاعات مربوط با ادارات کمپنی را (واقعه در افغانستان) بخواهند کلیه اطلاعات و مدارک و اسناد را دولت بطور محرمانه تلقی خواهد نمود.

ماده (۱۵) :

(الف) : دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور مأمور دولت علیه نامیده شده و اختیارات ذیل را دارا خواهد بود : (اول) اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپنی است از کمپانی تحصیل نماید. (دوم) در کلیه جلساتی که برای مذاکره در مسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل میشود اعم از جلسات مجمع عمومی و یا کمیته های آن و یا جلسات صاحبان سهام حضور بهم برساند. (سوم) کمیته را که کمپنی برای توزیع اعتبار مذکور در ماده (۱۶) برای نظارت در تحصیل حصص افغانی در دول متحده امریکا تشکیل میدهد بعنوان رسمی یا حق رأی قاطع ریاست نماید. (چهارم) هر وقت مقتضی بداند تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره برای مذاکره در مسائلیکه دولت پیش نهاد مینماید در

مرکز تجارت کمپنی تشکیل شود. جلسات مزبور در مدت بیست روز بعد از وصول تقاضای کتبی نماینده دولتی به منشی، کمپنی تشکیل خواهد شد (ب) پس از کشف نفت در حوزه امتیاز بمقادیر تجارتهی کمپانی بابت مخارج نماینده دولت علیه سالیانه مبلغ ده هزار (۱۰,۰۰۰) دلار بحساب اعتبارات دولت در یکی از بانگهای نیویارک پرداخت خواهد نمود دولت کمپانی را کتبا از تعیین نماینده مزبور و تغییر او و همچنین از تعیین قائم مقام او مطلع خواهد ساخت.

ماده (۱۶) :

(الف) : طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلیه که مدار اجرای این قرار داد میباشد آن است که در مناقضه طرفین حفظ اعلاهی منتج بودن و صرفه جوئی در اداره و عملیات کمپنی در افغانستان و خارج از افغانستان ضرورت عالی دارد. (ب) مسلم است که کمپنی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجارتهی خود را باندازه که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در افغانستان یافت شود از اتباع افغانستان انتخاب خواهد نمود، طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که برطبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر افغانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعبدی و در مدت کوتاه ترین ممکنه از اتباع افغانی بگمارند. (ج) در موقع ضروری کمپانی مجاز است متخصصین فنی خارجی استخدام نماید مشروط بر اینکه این قبیل مستخدمین مطلقاً از بین اتباع دول متحده امریکا انتخاب شوند و نیز مسلم است که مستخدمین مزبور در مدت توقف خود در افغانستان تابع کلیه قوانین داخلی مملکتی خواهند بود و داخل در هیچگونه تبلیغات سیاسی و مذهبی نخواهند شد. (د) پس از شروع بصدور

کمیانی از کلیه تعهدات موضوع این امتیاز بادر نظر گرفتن شرایط ذیل بری خواهد شد. (ج) : در مدت ده سال اول این امتیاز یا بعد از آن تا موقعیکه استخراج نفت شروع شود کمیانی مجاز خواهد بود کلیه اموال منقوله خود را که در دفاتر کمیته جزء اموال ثبت شده از افغانستان خارج نماید، در اینصورت اگر قیمت اموال مزبور مستهلك شده باشد که در نتیجه از حقوق پرداختی بدولت کسر گردیده، صدی بیست از مجموع مبلغ استهلاکی در موقع صدور اموال مذکور بدولت مسترد خواهد شد، و کلیه اموال غیر منقول با همان وضعیت موجوده با اختیار دولت گذارده خواهد شد. (د) : در مدت بیست سال بعد از ده سال اول از تاریخ تصویب، کمیته مجاز خواهد بود اموال خود را که برای امور اکتشافی و غیره بکار میرود از افغانستان خارج نماید ولی در ظرف این مدت حق صدور یا فروش کلیه سائر اموال خود را نخواهد داشت مگر آنکه اشیای مزبور غیر مفید بوده و یا آنکه برای عملیات کمیته در افغانستان دیگر مورد احتیاج نباشد. (ه) : در ظرف بقیه مدت بعد از سی سال از تاریخ تصویب کمیانی حق فروش یا انتقال یک یا چندین قسمت از اموال غیر منقوله واقع در افغانستان را نخواهد داشت، و در ظرف همین مدت کمیانی مجاز نخواهد بود هیچیک از اموال منقول خود را خارج نماید به استثنای آنچه از حیز انتفاع افتاده باشد. (و) : کمیته حق فروش اراضی را که از دولت مجازا تحصیل نموده نخواهد داشت (ز) : در موقع انقضای این امتیاز به استثنای موارد پیش بینی شده طبق جزء (ج) و (د) این ماده کلیه اموال کمیانی در افغانستان بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت افغانستان

نفت از حوزه امتیاز کمیته سالانه مبلغ پنجاه هزار (۵۰۰،۰۰۰) دلار برای اینکه اتباع افغانی در دول متعدده امریکا علوم و فنون مربوط بصناعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهند داد. اعتبار مذکور بوسیله یک کمیته که مطابق ماده پانزدهم (۱۵) تشکیل میشود بمصرف خواهد رسید.

(ماده ۱۷) :

(الف) : پس از تاریخ تصویب، هر موقع کمیته سهام جدیدی اشاعه میدهد و دفاتر ثبت تقاضای اشتراک آنرا در همان موقع که در سائر نقاط شروع میشود در کابل نیز برقرار خواهد نمود در این موارد یک قسمت از سهام منتشره تا مدت سی روز از تاریخ صدور برای اتباع افغانستان که مائل به اشتراک هستند نگاهداشته خواهد شد و پس از انقضای سی روز هر چه از این قسمت باقی مانده بدیگران فروش خواهد شد. (ب) : کمیته تعهد مینماید که هیچوقت اجازه نخواهد داد کنترل اکثریت سهام خود غیر امریکایی و افغانی بدست دیگری بیفتد و نیز اعضای هیئت مدیره غیر از افغانی و امریکایی دیگری نمیتواند باشد.

(ماده ۱۸) :

(الف) : این قرار داد برای مدت هفتاد و پنجسال از تاریخ تصویب و اگذار میشود. (ب) : در ظرف مدت ده سال اول از تاریخ تصویب امتیاز کمیانی مجاز خواهد بود این امتیاز را فسخ نماید مشروط بر اینکه شش ماه قبل کتبا بدولت اطلاع دهد، بعد از ده سال اول از تاریخ تصویب کمیته حق فسخ این قرار داد را دارد در صورتیکه دو سال قبل کتبا دولت را از قصد خود مطلع سازد در اینصورت

(ب) : طرفیکه تقاضای حکمیت میکنند باید تقاضای خود را کتبا بطرف دیگر ابلاغ نماید ، هر یک از طرفین یک حکم مینویسد و حکمین قبل از شروع بحکمیت یک حکم ثالث انتخاب خواهند نمود . هرگاه حکمین نتوانند در ظرف مدت دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند ، حکم مزبور را به تقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داوری بین المللی تعیین خواهد نمود ، چنانچه رئیس دیوان داوری بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حاضر شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد بوسیله نائب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

(ج) حکم ثالث باید از ملت افغان و یا دول متحده امریکا باشد وبعلاوه ارتباط نزدیک نیز به افغانستان و یا بدول متحده امریکا از حیث تعلق به یکی از مستملکات یا ممالک تحت الحمايه و یا مستعمرات و یا ممالک تحت قیمومیت و مالکیکه بوسیله یکی از ملکین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

(د) اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از حصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را تعیین نکرد و یا تعیین آن را بطرف دیگر ابلاغ ننمود طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری بین المللی « یا نائب رئیس درموردیکه مطابق قسمت اخیر جزء (ب) پیش بینی شده » تقاضا نماید که یک حکم منفرد ذی صلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و درینصورت اختلاف موجوده بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

خواهد بود . (ح) : جمله تمام « اموال » مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کسار خانه ها و ساختمان ها و چاه ها و راه ها و لوله های حمل نفت و پلها و رشته نفت های فاضل آب و و سائل توزیع آب و ماشین ها و مؤسسات و تجهیزات (ازان جمله آلات و ادوات) از هر نوع و تمام وسائط نقلیه و ارتباط در افغانستان « مثلا اتوموبیل های سواری و باری طیاره و غیره » تمام اجناس انبار شده و سایر اشیاییکه کمپنی در افغانستان برای اجرای این امتیاز ازان استفاده مینماید . (ماده ۱۹) : در صورت وقوع « فورس ماژور » که مانع از اجرای مقررات این قرارداد از طرف کمپانی شود این مورد از موارد نقض قرار داد محسوب نخواهد شد . در صورتیکه در اثر وقوع « فورس ماژور » اجرای مواد این قرار داد از طرف کمپانی بتاخیر افتد مدتیکه برای ترمیم خسارات وارده در ظرف تاخیر لازم است بمدت این امتیاز اضافه خواهد شد . علیهذا به مدت مقرر در جزء « الف » ماده (۱۸) علاوه نخواهد شد ، مگر اینکه تحصیل و یا صدور نفت از طرف کمپانی در اثر وقوع « فورس ماژور » بیشتر از نود روز معلق بماند ، مسلم است وقوع « فورس ماژور » تاثیر و تاخیر در پرداخت وجوه لازم التادیه به دولت طبق این قرارداد نخواهد داشت . (ماده ۲۰) :

(الف) : هر نوع اختلاف حاصله بین طرفین و بخصوصا اختلافات ناشی از تغییر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیت های مقرر آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردیکه بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظر طرفین است بطریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد .

(ه) اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصول خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان دآوری دائمی بین المللی معمول و مجراست . وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مزبور در جزء (د) معین خواهد کرد .

(و) حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده (۳۸) اساس نامه دیوان دآوری دائمی بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود .
(ز) مخارج حکمیت به نحویکه در رأی حکمیت معین میشود تادیه خواهد گردید .

(ماده ۲۱) :

(الف) این امتیاز فوراً پس از تصویب آن از طرف مجلس ملی و توشیح فرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان قابل اجرا خواهد بود ، دولت تعهد میکنند امتیاز را هر چه زود تر برای تصویب و توشیح تقدیم نمایند .

(ب) دولت تصدیق مینماید و جناب اجل آقای وزیر امور خارجه تأیید مینماید که هیچگونه امتیاز دیگری نسبت بحقوق اعطا شده موجب این امتیاز یا هر يك از اجزای آن وجود ندارد، و هیچ شخص یا تجارتخانه یا کمپنی هیچگونه ادعای معتبر یا قانونی نسبت باین حقوق ندارد، به علاوه دولت تصدیق مینماید و جناب اجل تأیید مینماید که این امتیاز با حقوق مزایای مربوط بان يك امتیاز مطلق و منحصر میباشد .

(ج) هر گونه انتقال این امتیاز توسط کمپانی بر طبق جزء (ب) ماده (۱۷) موکول به تصویب دولت خواهد بود ، و منافع مربوط باین امتیاز عیناً بقائم مقام مجاز او منتقل خواهد شد .

(د) پس از تصویب این قرارداد اصلاحات به یکی از دو طریق ذیل عمل و قبول خواهد شد .

اول در صورتیکه اصلاحات توسط کمپنی پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف هیئت مدیره کمپانی تدوین و قبول شده با مضای رؤسای مربوطه رسیده باشد . در صورتیکه اصلاحات مزبور از طرف مجلس ملی تصویب شود پس از توشیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء امتیاز حاضر خواهد شد .

(دوم) در صورتیکه اصلاحات از طرف دولت پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف مجلس ملی تدوین و قبول شده با مضای رئیس مجلس رسیده به تصویب قوه مقننه نیز برسد ، بعد ازان در صورتیکه از طرف هیئت مدیره کمپانی پیشنهاد مذکور تصویب شود با مضای رؤسای مسئول خواهد رسید و پس از توشیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء این امتیاز خواهد شد .

(ماده ۲۲) :

(الف) طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرار داد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و تفسیر معقول و متناسب این قرار داد باشد .

(ب) کمپانی صریحاً تعهد مینماید که هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خود داری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید .

(ج) این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقرر رات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ يك از

مطابق (ماده ۲۱) بدومنتل شود « کلمه کمپنی تابعه ، یعنی کمپنی که این کمپنی حق تعیین بیش از نصف مدیران آنرا مستقیماً یا بطور غیر مستقیم داشته یا بطور مستقیم ویا غیر مستقیم مالک مقداری از اسهام آن باشد که بآن مقدار سهم بیش از پنجاه فیصد حق رأی در مجمع عمومی آن برای کمیانی تضمین شده باشد. « ۲ » در ماده (۱) عوض عبارت « حمل و نقل راهای آهن مابین حوزه امتیاز و سرحد » عبارت هذا « هر جای در افغانستان » خوانده شود در اخیر همان ماده کلمات ذیل علاوه شود. « پطرولی که بوسیله ایتالاندا کسپلوریشن کمپنی در افغانستان حاصل شده و تا ساحل از راه ایرانین یا بیلان کمپنی ترانسپورت ، میگردد . بهمان مساعدترین نرخ که از طرف کمپنی برای ترانسپورت پطرولی ایرانین آیل کمپنی ضمانت گردیده است ، ترانسپورت خواهد شد ، کمپنی تعهد مینماید که برای خودش و برای حکومت تمام اسناد لازمه را در موضوع محصولات ترانسپورت که از طرف ایرانین آیل کمپنی وسائر کمپنیهای متشابه آن ، ایرانین یا بیلان کمپنی تادیه شود فراهم آورد در صورتیکه محصولات ترانسپورت مذکور که برای ایتالاندا کسپلوریشن کمپنی وضع شده باشد از محصول ایرانین آیل کمپنی و کمپنی های متشابه آن برای فاصله معینی تجاوز نماید فرق آن بعهده ایتالاندا کسپلوریشن کمپنی خواهد بود ، به صفت مصرف کمپنی مذکور در سنجش منافع خالص حساب نخواهد شد . (۳۱) در جزء الف ماده ۳ عبارت ذیل ملغی است « قبل از انقضای یک سال بعد از اعطای حقوق حمل و نقل پطرولیوم به کمپنی از یک مملکت یا ممالکی که شامل این قرار داد نباشد » و بجای آن عبارت ذیل درج میشود. « قبل از انقضای مدت شش ماه بعد از تاریخ تصدیق

د ستورات و نظامات اجاری و یا عملیات مقامات اجرا ئیه قابل تهر نخواهد بود .

(د) این امتیاز قبل از انتهای مدت مندرجه در جزء (الف) از ماده (۱۸) منقضی نخواهد شد مگر در صورتیکه کمپنی آن را طبق جزء (ب) همان ماده فسخ نماید و یا اینکه بواسطه عدم اجرای تفحصات طبق ماده (۳) و حفاری طبق ماده (۴) و یا عدم تادیبه و جوه طبق ماده (۶) این امتیاز لغو شود . (ه) در سائر موارد نسبت بهقرارات این امتیاز از جانب هر یک از طرفین محکمه حکمیت مسئولیت ها و حقوق و تعهدات طرفین متعاهدین را تعیین خواهد نمود .

ماده (۲۳) ؛ این امتیاز که شامل بیست و سه ماده بزبان انگلیسی در دو نسخه جهت امضاء تحریر شده ترجمه فارسی آن بعد بعمل خواهد آمد ، در صورت بروز اختلاف نسخه انگلیسی آن معتبر خواهد بود. در برلین نوزدهم نومبر سنه هزار و نه صد و سی و شش .

پرو و تو کول

تعدیلات ذیل در متن قرار داد امتیاز پطرولی منعقد نوزدهم نومبر ۱۹۳۶ برلین بین حکومت شاهی افغانستان و ایتالاندا کسپلوریشن کمپنی بعمل آمده است قرار داد مذکور بطوری باید ملاحظه گردد که تعدیلات مذکور کوره یک حصه اول آن را تشکیل میدهد . (۱) تعریف کلمه کمپنی بعد از کلمه امریکا بایزاد کلمات « تمام کمپنی های تابعه آن » تعدیل یابد و همچنین تعریفات ذیل ایزاد گردد . « کلمه ایتالاندا کسپلوریشن کمپنی یعنی ایتالاندا کسپلوریشن کمپنی و هر شخص حقوقی دیگری از دول متحده امریکا که این امتیاز با تصویب حکومت

(د) جزو الف و ب ماده « ۴ » لغو و بجای آن عبارت ذیل درج گردد
 « الف » قبل از اختتام ۲۶ ماه بعد از تاریخ تصدیق کمیانی
 اقلًا يك دستگاہ بر مه انكشافی چاهها را بكار خواهند انداخت
 قبل از اختتام سال پنجم بعد از تاریخ تصدیق اقلًا سه دستگاہ بر مه
 بدون يك وقفه معقول متواتر بكار انداخته خواهد شد ، تا که چاهها بیک
 عمق معقول برای انكشاف پترولیوم برسد ، هر يك چاه انكشافی باید
 تا عمق سه هزار فیت برسد ، مگر در صورتیکه پترول بمقدار نافع در عمق
 کمتر ازین پیدا شود (که تنها این منحصراً به قضاوت کمیانی خواهد بود)
 و یاد در صورتیکه ماهرین طبقات الارض ثابت کنند که پترول در اینجا
 مصارف آنرا تلافی کرده نمی تواند اگر ثابت شده بتواند که پترول
 بمقدار تجارتي حاصل می شود بعد از ان دستگاہهای بر مه اقلًا تا شش
 دستگاہ اضافه خواهد شد و عملیات بدون کدام معطلی دوام داده
 میشود تا که مواد ذخیره پترول تمام شود و با امتیاز متروک گردد .
 « ب » در صورتیکه مقررات جزء الف ماده موجوده از طرف کمیانی
 اجرا نشود حکومت حق خواهد داشت به کمیانی یاد داشت بدهد که او
 میخواهد این امتیاز را اختتام بدهد و در ظرف ۶ ماه بعد از وصول
 یاد داشت حکومت به کمیانی امتیاز ملغی می گردد .
 (۵) در جزو (د) ماده (۴) کلمه Commercial (تجارتي) به
 کلمه Profitable قابل (استفاده) تعبیر میشود .
 (۶) جزو (ه) ماده (۴) لغو و بجای آن عبارت ذیل درج
 گردد (ه) بعد از معیاد پانزده سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه
 امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پترول منکشفه آن قابل صدور

نباشد یکی از ایالات مذکوره با تمام مؤسساتی که در آن وجود داشته
 باشد از طرف کمیانی مسترد میشود در آخر ۲۰ سان بعد از تاریخ
 تصدیق اگر در حوضه امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پترول
 منکشفه آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت
 مسترد میگردد ، در انجام ۲۵ سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه امتیاز
 کدام ایالاتی باشد که مقدار پترول منکشفه آن قابل صدور نباشد
 یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد . در آخر سی
 سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضه امتیاز کدام ایالاتی باشد که
 مقدار پترول منکشفه آن قابل صدور نباشد یکی از ایالات مذکوره
 بهمان صورت مسترد میگردد . در اختتام ۵ سال آینده اگر در آنجا
 ایالتی باشد که مقدار پترول منکشفه آن قابل صدور نباشد آن ایالت
 بهمان صورت مسترد می شود .

(۷) در فقره (۱) ماده (۵) بعد از کلمات « راه » آهن کلمه
 کمیانی درج شود .

(۸) در جزو « الف » ماده ۶ کلمات « یا صادر شده باشد
 از افغانستان » حذف میشود و بجای آن عبارت ذیل درج میگردد
 « از افغانستان صادر شده باشد » برای فروش در افغانستان و یا صدور
 ذخیره شده باشد جزء « ج » همان ماده و قسمت های ۱-۲-۳ حذف
 شود و بجای آن فقرات ذیل درج شود . « هج » علاوه بر تمام تأدیات
 متذکره این امتیاز کمیانی تعهد می کند که سالانه بحکومت مبلغ بیست
 فیصد « ۰٫۲۰ » از منفعت خالص که برای اسهام عادی اذلانند
 اکسپلوریشن کمیانی تقسیم می شود پس از توزیع مبلغ ۵ فیصد از

سا لنامۀ « کابل »

سرمایه تادیه شده بپردازد این ۰.۰۵ ر. فائده است که بصاحبان اسهام عادی قبل از تادیه حصه حکومت تادیه میشود مراد از سرمایه تادیه شده که درین فقره استعمال شده است مبلغی است که بطور قطعی در کتابهای کمپنی از روزیکه صادرات تنظیم بطرول بواسطه کمپنی از افغانستان شروع شده است تعیین گردیده در هر صورت مبلغ پنج فیصدی که سابقا با سهام عادی تقسیم شده است از سه صد هزار ۳۰۰,۰۰۰ پوند استرلینگ سالانه تجاوز نخواهد کرد، مبرهن است که منافع دیگر از فائده خالص قبل از تقسیم حصه حکومت چنانچه در اینجا ذکر گردیده است تادیه نخواهد شد و همچنین متقابلا تعهد می شود که اصول حساب و تادیه مستعانه انگلوا و ایرانین آیل کمپنی محدود تعقیب خواهد شد، در حالیکه سنجش های مذکور مواد مندرجات ذیل قرار گیرد.

(۱) هر موقعیکه حکومت تصور کرد که محصول نفت افغانستان بقیمت مناسب در خارج بفروش نمیرسد حکومت حق خواهد داشت صد بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرائطیکه کمپانی بطرول افغانستان را بمشتریان دیگر در همانجا می فروشد از کمپنی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میدانند خود بفروش بپردازند.

(۲) در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترك آن از طرف کمپنی مطابق ماده (۱۸) کمپنی مبلغ معادل ۲۰ فیصد ۲۰۰ از بابت های ذیل بحکومت تادیه خواهد کرد:

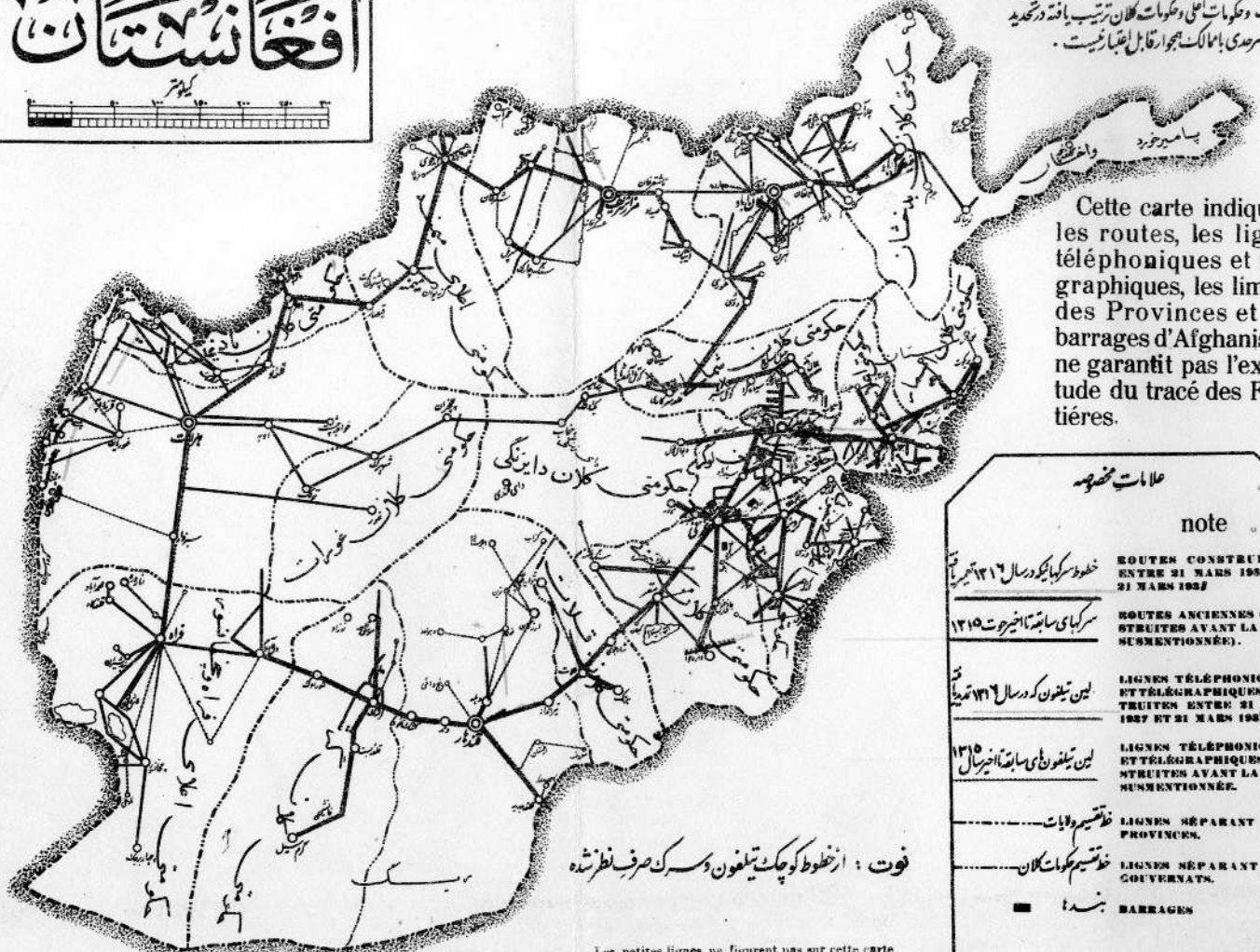
- (الف) از مجموع ذخائر کمپنی در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز
(ب) از مبالغ موجودی کمپنی در تاریخ انقضای یا ترك امتیاز درین فقره مراد از کلمه ذخائر، ذخائر عمومی کمپنی است، یعنی همان ذخائریکه

افغانستان



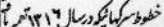
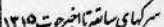
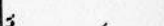
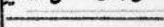
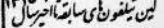


این نقشه برای نشان دادن خطوط مخابراتی، بندها و تقسیمات ولایات و حکومتات اعلی و حکومتات کلان ترتیب یافته در تجدید حدود سرحدی با مالک مجاور قابل اعتبار نیست.

Cette carte indiquant les routes, les lignes téléphoniques et télégraphiques, les limites des Provinces et les barrages d'Afghanistan ne garantit pas l'exactitude du tracé des Frontières.



علامات مخصوصه

note

-  خطوط مخابراتی که در سال ۱۳۱۶ میلادی ساخته شده است
-  خطوط مخابراتی سابقه تا تاریخ ۱۳۱۵ میلادی
-  خطوط تلفنی و تلگرافی که در سال ۱۳۱۶ میلادی ساخته شده است
-  خطوط تلفنی و تلگرافی سابقه تا تاریخ ۱۳۱۵ میلادی
-  خطوط تقسیم ولایات
-  خطوط تقسیم حکومتات کلان
-  بندها

نوت: از خطوط کوچک تلفن و مخابراتی که فقط در نظر شده

Les petites lignes ne figurent pas sur cette carte

نهضت اقتصادی در افغانستان

برای مقصد مخصوصی معین نشده‌اند، مثلاً برای بیمه هر وجه لازم التادیه بحکومت برحسب این فقره یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمیانی که بعد از انقضاء یا تارک امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت، حکومت حق خواهد داشت که محاسبات مفصل ذخائر متذکره فقره (الف) را کنترل نماید و محاسبات مذکوره سال ماقبل باید اخیراً الی ۲۸ فروری بحکومت فرستاده شود.

(۲) کمپنی میتواند اسهام مرجحه بمنافع شش فیصد که حق اولیت در اخذ منافع داشته باشد بقیمت اسمی بفروشد. مراد از اسهام مرجحه اسهامی است که اولاً حق حصول منافع سالانه را صرف تا اندازه شش فیصد متذکره قبل از کدام تقسیم منافع با اسهام عادی و یا بحکومت داشته باشد. در صورت انحلال و یا الغای کمپنی اسهام مرجحه حقدارند که قیمت شان را بعلاوه منافع که بآنها بایستی تادیه شود قبل از کدام تقسیمی با اسهام عادی و یا بحکومت حاصل دارند، کمپنی حقدارند که مقدار اسهام مرجحه را که در دوران میباشند بواسطه اعاده قیمت آنها بعلاوه منافع که باید با آنها تادیه شود در وقت باز خرید تقلیل دهد، در (۴) مثال آتی طریقه ترتیب بلا نس سالانه در تحت بعضی فرضیات اصول این ماده را توضیح میدهد مثال فرض کنیم که سه مایه تادیه شده ۷,۵۰۰,۰۰۰ یوند استرلنگ است و نفق صادر شده و فروش رسیده به ۶,۵۰۰,۰۰۰ طن بالغ میگردد عایدات شش میلیون لیره و اقل ضمانت بحکومت ۵۰۰,۰۰۰ لیره و دیگر مصارف ۳,۰۰۰,۰۰۰ لیره استرلنگ است.

مجموع عایدات	منافع حکومت
۵,۰۰۰,۰۰۰ لیره	۵۰۰,۰۰۰ لیره

سالنامه « تابیل »

منافع حکومت	مجموع مایدات
۸۰۰،۰۰۰ لیره	بلانس چهار شلنگک بایالتی ۸۰۰،۰۰۰ لیره
۲۳۸،۰۰۰ »	تادیه بعوض محصولات ۲۳۷،۰۰۰ »
	مصارفیکه حاوی درک های ذیل است :
	تنخواه های اداری ، استخراج ، توسعه ، ترمیمات ، محروقات ،
	برمه آلات ، ادوات ، نماینده حکومت ، تعلیم صلاب ، منافع استهلاک ،
۳،۰۰۰،۰۰۰	منافع اسهام مرجعه وغیره .
۴،۵۳۷،۰۰۰	مصارف مجموعی
۱،۴۶۲،۰۰۰	منافع خالص
۵۰۰،۰۰۰	ذخائر و سرمایه کار
۹۶۲،۰۰۰	بلانس منافع
۳۰۰،۰۰۰	منافع اولیه اسهام عامه
۶۶۲،۰۰۰	بلانس باقیمانده
۵۳۰،۰۰۰	۸۰ فیصد صاحبان اسهام
۱۳۲،۰۰۰	۲۰ فیصد حکومت
۱،۶۷۰،۰۰۰	مجموع منافع حکومت

(۹) درجه «د» ماده ۶ کلمات «دو صد پنجاه هزار پوند سترلنگک» حذف و بجای آن فقره ذیل درج خواهد شد « دو صد و هشتاد هزار پوند سترلنگک ». (۱۰) در جزو (د) ماده ۶ عبارت «چهار صد و پنجاه هزار پوند سترلنگک» حذف و بجای آن عبارت ذیل درج خواهد شد « پنج صد هزار پوند سترلنگک ». کل مبلغ تادیات سالانه برای هریک سال که از ربع آخر سال چهار دهم جنتری بعد از تاریخ تصدیق شروع میشود هرگز نباید از شش صد هزار پوند سترلنگک

نهضت اقتصادی در افغانستان

کمتر باشد. (۱۱) جزو «ح» ماده ۶ حذف میگردد (۱۲) جزو «و» ماده (۶) به «ه» تبدیل گردیده و کلمات «شصت و دو هزار و پنجاه یوند سترلینگ» بکلمات «هفتاد هزار یوند» تبدیل خواهد شد و نیز کلمات «مبلغ آخر الذکر یکصد و دوازده هزار و پنجاه یوند سترلینگ» بکلمات ذیل تبدیل میگردد «برای چهار سال آینده حداقل این تادیات مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار یوند سترلینگ و بعد از آن مبلغ یکصد و پنجاه هزار یوند سترلینگ خواهد بود». در همان جزو کلیات «در ظرف شش ماه متعاقب اختتام سال جنتری» بطور ذیل خوانده شود «در ۲۸ فروری سال جنتری متعاقب». (۱۳) جزو «ز» ماده (۶) به «و» و نیز جزو «و» جزو «ه» خوانده میشود (۱۴) جزو «ح» ماده (۶) جزو «ز» خوانده خواهد شد. (۱۵) بعد از قسمت «۲» جزو «الف» ماده (۷) قسمت ذیل علاوه خواهد شد:

«۳» کمپانی ضمانت میکند که مبلغ تادیه شده به قرار مقرر سابقه بعد از تاریخ تصدیق تا آخر سال دهم از پنجاه هزار یوند سترلینگ و بعد از تاریخ مذکور از هفتاد و پنج هزار یوند سترلینگ هر گز کمتر نخواهد بود؛ تادیه اول فوق الذکر سال تمام متعاقب آخر سال پنجم تادیه خواهد شد. «۱۶» جزء «د» ماده (۱۰) حذف خواهد شد.

«۱۷» جزو «ه» ماده «۱» جزء «د» خوانده خواهد شد. «۱۸» در آخر قسمت «د» ماده «۱۱» کلمات ذیل علاوه شود: در صورتیکه کمپانی بگرفتن اقدامات تخنیکی برای «تجدید» منطقه خطر مذکور موفق نشود در صورت وقوع کدام حادثه مسئول میگردد. «۱۹» در آخر ماده (۱۶) عبارات ذیل علاوه میگردد: «ه» در صورت وفات

ومعیوبیت مستخدمین وکارگران کمپانی که علت آن عملیات آخرالذکر باشد کمپانی تعهد مینماید که بخود مستخدمین وکاربران مذکور و بابه عایله شان جبران نماید ، اساس قواعدیکه در بین حکومت و کمپانی درباره این مسئله انعقاد خواهد یافت مقررات وهدایات انتظام بین المللی کنار جینوا (سویس) خواهد بود . (۲۰) در جزء (الف) ماده (۱۷) بعد از الفاظ (سهام) کلمه مرجعه درج خواهد شد . (۲۱) در جزء (الف) ماده (۱۸) کلمات : در هفتاد و پنج سال با شصت سال تبدیل گردید . (۲۲) جزء (ب) و (ج) و (د) و (ر) و (ه) ماده (۱۸) حذف و جزء های ذیل درج خواهد شد : (ب) کمپانی حق خواهد داشت که امتیاز را در آخر هر سال تقویم مسیحی ترك نموده حکومت را قبلاً و کتباً بواسطه یاد داشت بصورت ذیل اطلاع بدهد : (الف) شش ماه در ظرف هفت سال اول . (ب) بیست و چهار ماه در ظرف میزان آخرین اوقات امتیاز . (ج) اگر کمپنی در هفده سال اول بعد از تاریخ تصدیق این امتیاز را لغو نماید تمام اشیای منقوله خود را بدون تأدیة محصولات گمرکی و هر نوع محصولات و تا کس های دیگر که مرعی الاجرا باشد خارج کرده میتواند و پادر افغانستان بعد از تأدیة محصولات گمرکی و دیگر محصولات مروجة آن زمان فروخته میتواند . (د) اگر ترك امتیاز بعد از مدت هفده سال اول واقع شود بعد از انقضاء دوسال مهلت مذکور در جزء (ب) این ماده ، کلیه دارائی شرکت در افغانستان (بطوریکه در قسمت « ز » ماده موجوده تصریح شده) مجاناً وبدون هیچ خرچی بطور سالم و قابل استفاده ملك مملکت گردیده و شرکت در آینده از هرگونه تنهیدی بری خواهد بود (ه) صورت کدام در مناقشه مابین

حرفین راجع به فرائض شان قبل از اختتام میعاد فوق الذکر اختلافات شان بواسطه حکمیت چنانچه در ماده (۲۰) تذکار یافته است فیصله خواهد شد . (۲۳) جزو (ز) ماده (۱۸) حذف میشود . « ۲۴ » جزو « ح » ماده « ۱۸ » به « ز » تبدیل میشود . « ۲۵ » در ماده « ۱۹ » کلمات نود روز مسلسل به شصت روز مسلسل تبدیل گردد ، عبارت ذیل باید در آخر ماده ایزاد شود : هر واقعه که کمپنی آنرا فورس ماژور ملاحظه نماید باید که وزارت تجارت را بکابل در ظرف دو هفته از ان اطلاع بدهد و حکومت در ظرف شصت (۶۰) روز بعد از وصول یاد داشت ، کمپنی را از نظریه خود کتبا راجع بموضوع اطلاع خواهد داد . سکرت حکومت در مدت متذکره دلالت میکند که او نظریه کمپانی را راجع به فورس ماژور قبول دارد برخلاف آن اگر کمپنی ارادتاً و یا غفلتاً بحکومت در ظرف دو هفته متذکره فوق اطلاع ندهد حکومت مجبور نخواهد بود که واقعه را از واقعات فورس ماژور ملاحظه نماید ، در هر صورت تمدید موعده این امتیاز بجهت فورس ماژور نباید از دوسال بعد از تاریخ اختتام امتیاز مطابق جزو الف ماه « ۱۸ » تجاوز نماید . « ۲۶ » در جزء « ج » ماده « ۲۰ » کلمات ذیل بعد از کلمه « امریکا » درج میگردد « علاوه تاً اوروابط محرمانه با افغانستان و اضلاع متحده امریکا نخواهد داشت » « ۲۷ » جزء « ج » ماده « ۲۱ » حذف و بجای آن عبارت ذیل درج گردد : « هج » هر انتقال امتیاز از طرف کمپانی باید مورد تصدیق حکومت واقع گردد و منافع و وظایف و واجباتیکه درین جا ذکر گردیده به کمپانی خلف آن مطابق شرایط قرار داد انتقال می یابد . « ۲۸ »

پروتو کول هذا که جزء اصلی قرار داد بطر و لیوم منعقدہ نور ده نومبر ۱۹۳۶ برلین میباشد باقرار داد مذکور یکجا تصدیق و بعد از تصدیق قرارداد او این پروتو کول هر دو عملی میگردد. « ۲۹ » در صورت هر اختلافی بین متن فارسی و انگلیسی این پروتو کول انگلیسی آن معتبر شناخته خواهد شد.

قرار داد استخراج معادن جنوب :

شماره این قرارداد
عملی

این قرار داد که بایک شرکت مختلط افغان و آلمان برای استخراج معادن حصص جنوبی افغانستان بعمل آمده تا کنون مراتب قانونی را طی نکرده است هرگاه تاوقت نشر سالنامه مراتب قانونی را طی کرد البته بصورت ضمیمه درج خواهد گردید .

تشکیل ریاست معادن :

توجه خاصی که در این سال نسبت بر امور معادن وطن از طرف حکومت متبوعه ما مبذول و به سلسله آن قرار داد استخراج معادن سمت جنوب (مطابق شرح فوق) با آلمانها عقد و از طرف دیگر کار استخراج ذغال سنگ برای احتیاجات کارخانه جات و غیره مصارف داخلی شروع گردیده است ، این اقدامات و نظریات آینده که راجع به توسعه امور معادن و استفاده از آنها مد نظر اولیای امور میباشد ایجاب میکرد که تشکیلات دوائر مربوط نیز وسعت لازمه را دارا گردیده و شعبات اداری جهت پیشبرد و نگرانی هر قسمت از امور مذکوره موجود باشد . از این رو با اثر مطالعاتیکه درین باره بعمل آمد بالاخره در تیرماه سال ۱۳۱۶ دایره معادن که سابقا جزء وزارت تجارت و از شعبات مدیریت عمومی زراعت بود بصورت یک ریاست

مستقل تشکیل و مطابق احتیاجات فنی ، شعبات مختلفه برای آن منظور و در رأس آن « ملا لیماب محمد کریم خان سابق معین وزارت صحیه که از جوانان تعلیم یافته ترکیه و دارای معلومات عصری خوبی میباشد تعیین گردیده اند چنانچه رئیس مستقل معادن از جمله اعضای کابینه وزراء شناخته شده ، معاون او نیز یک شخص فنی (ص ، عبدالله خان دو کتور معادن تعلیم یافته آلمان) میباشد و اکنون ریاست معادن بروی یک نقشه اساسی و فنی شروع بکار کرده است .

تشکیل ریاست زراعت :

همچنین هر کس خبر دارد که در ظرف چند سال اخیر توجه خیلی زیادی بسوی ترقی و توسعه زراعت مملکت مبذول گردیده و برای این مقصود علاوه از تشویقاتیکه بطور عمومی جهت توسعه زراعت در سراسر افغانستان بعمل آمده بندها و نهروهای متعددی احداث و بسوی آن محصولات زراعتی که دارای جنبه تجارتي میباشد ، مخصوصا عنایت به صرف رسیده است . بادر نظر گرفتن اینکه افغانستان یک مملکت زراعتی بوده و آب و هوای معتدل و آبهای فراوان و دشتها و دره های کثیره آن مستعد پرورش هر قسم نباتات بوده و گنجایش توسعه زراعتی مهمی را دارا میباشد ، پس نظر باین ملاحظات ، از هر جهت لازم دیده میشود که امور زراعت یک مرکزیت صحیحی پیدا کرده و واجد تشکیلات فنی و عصری وسیعی گردد تا از تمام جنبه ها وسائل پیشرفت و نگرانی امور زراعتی آماده گئی پیدا کنند - از این بود که بمثل ریاست معادن یک ریاست مستقل زراعت نیز تاسیس و تمام تشکیلات زراعتی مملکت بر زیر اثر آن تمرکز یافته ، ریاست مذکور مطابق اصول عصری شعبات فنی تقسیم و هر شعبه از شعبات مذکوره باشخص فنی تعلیم

ضمن از همه مهمترین موضوع ترقی صادرات است که اساس ترقی اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد و برای این منظور حکومت مطبوعه و تجار منور وطن خیلی بجدیت مشغول اقدامات میباشد - چیز بیکه مداومت و حسن توجه را درین راه نشان میدهد همانا امتداد یافتن دامنه تأسیس شرکتهای جدید است که علاوه بر شرکتهای سابقه جهت ترقی صادرات و اصلاح امور وارداتی و غیره امور مدنی تأسیس و ما ذیلاً بطور مختصر از اسما و نوعیت کار و سرمایه و غیره خصوصیات مؤسسات و شرکتهای جدید تشکیل که در جریان سال ۱۳۱۶ تشکیل شده ذکر کرده، تفصیل البته آن در قسمت های مخصوصه آنها خواهد آمد :

۱- مؤسسه پنبه :

بدیهی است که پنبه امروز در دنیا اهمیت خیلی بزرگی را کسب کرده و بنابراین ارباب تجارت آنرا (طلای سفید) نامیده اند. خوشبختانه افغانستان ما از حیث آب و هوای معتدل و داشتن دشت های وسیع برای پرورش این محصول بزرگ زراعتی که در عالم تجارت قیمت روز افزونی کسب میکند، استعداد خاصی را نشان میدهد. ازین است که درین چند سال اخیر موضوع کشت پنبه و توسعه زراعت آن خیلی مورد توجه اولیای امور قرار گرفته برای تشویق زراعت این به تقسیم تخم مفت و بسا سهولت های دیگر اقدام کرده شده و از این کوشش ها اکنون رقبه پنبه کاری در حصص مختلف وطن عزیز ما که بطور خاصی مستعد پرورش پنبه میباشد مثل قطغن و خجاندن و گورگشک و غیره به پنبه و سیمی کسب ازدیاد نموده است. بنابراین پیش از پیش برای استهلاك حاصلات پنبه (که تا چند سال قبل تقریباً هیچ صادرات نداشته) بادل خارج قرار دادهای عقد شده است که مطابق آن همه ساله باید

یافته تفویض شده است چنانچه در رأس این ریاست جلالتماب میر محمد یوسف خان سابق مدیر مکتب زراعت که شخصاً از جوانان لائق و دیپلومه فرانسه میباشد، قرار گرفته و معاون و سائر مدیران شعبات فنی مذکور نیز از جمله متخصصین فنی تعلیم یافته فرانسه مقرر شده اند و این ریاست نیز که رئیس آن شامل کابینه دولت میباشد، مطابق یک پروگرام اساسی و فنی آغاز بکار نموده است .

برینوجه با در نظر گرفتن این حقیقت مسلم که پیشرفت هر کار بسته بدرکیت یافتن و یکدست شدن آن و نیز مربوط باصولی بودن تشکیلات کار مذکور میباشد، بنابراین میتوان ادعا کرد که از این پس امور معادن و زراعت که مهمترین شعبات اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد داخل یک دوره نهضت جدیدی شده است که از هر جهت امید پیشرفت و ترقی هر دو شعبه مذکور موجود میباشد .

تأسیس شرکتهای جدید :

در سلسله پلانیهای اقتصادی که از چند سال باین طرف سر دست اجراء گرفته شده، یعنی تمرکز سرمایه بوده که حکومت متبوعه ما و بانک ملی برای این کار به تأسیس یک دسته شرکت های تجارتي مساعدت ورزیده و در نتیجه برای هر قلم از صادرات مهمه و همچنین برای واردات مختلفه، شرکتهای علیحده تأسیس و مطابق پروگرام هائیکه با پلان اساسی حکومت متبوعه ما اثر به ترقی عمومی اقتصادیات مملکت موافقت دارد، شروع بکار نموده اند. چنانچه اگر بمطبوعات وطن عموماً و خصوصاً به سالنامه های کابل نظر انداخته شود، صورت کارروائی و اصلاحاتی که توسط شرکتهای مذکور در امور اقتصادی وطن بعمل آمده خوشتر واضح خواهد شد. درین

حمل و نقل و مخصوصاً طرز فروش این میوه جات درست نبوده نواقص زیادی را دارا بود، لہذا در تیرماه سال ۱۳۱۶ موضوع تجارت میوه کابل چنداً زیر بحث آمده، منجر به تشکیل شرکتی گردید که بنام (شرکت میوه) و سرمایہ ابتدائی آن دو ملین ۲۰۰،۰۰۰ افغانی تعیین و ریاست آن به جناب محمد موسی خان رئیس شرکت پشتون قندهار که شخصاً از تجار لائق و در تجارت میوه معلومات خوبی دارند تفویض شده است. این شرکت، مرکز خود را در کابل قائم و شعبات خویش را در پشاور و دهلی و کلکتہ و کراچی و بمبئی و چمن و غیره نقاط هند افتتاح کرده و ارادہ دارد کہ از یک طرف تجارت میوه را از اصول و وساطت (دلالتی) خلاص کرده سراسر با معامله داران ہرجا معاملہ کند و از طرف دیگر برای پاک کردن وقطعی سازی میوه جات و غیره خصوصیات فروش آن اقدامات لازمہ را بعمل بیاورد.

از آنجائیکہ میوه خشک یکی از اقلام صادراتی مهم وطن عزیز ما را تشکیل داده و خصوصاً امکانات ترقی و استهلاك مزید آن در ہند خیلی زیاد است، پس میتوان امید کرد کہ شرکت میوه بہ مثل شرکت پشتون بلکہ بیش از آن برای تجارت خارجی وطن عزیز ما یک مؤسسہ مفید ثابت شدہ، در ترقی صادرات و موازنہ تجارتی وطن سہم بزرگی خواهد گرفت.

۳- شرکت عمران:

ترقی و توسعه عمران ذات و آبادی های عمرانی با پیشرفت عمومی یک مملکت توأم بوده و هر قدر مملکت مذکور از دیگر جهات کسب

حاصلات پنبہ رو باز دیاد رفتہ و در عین حال ترتیبات صفائی و بار بندی و حمل و نقل آن نیز اصلاح بشود. از اینست کہ برای پیشبرد این مقاصد کہ مراد از ترقی و توسعه روز افزون زراعت پنبہ و اصلاحات رفع حاصلات، بار بندی و حمل و نقل و سررشتہ صادرات و فروش آن و پیدا کردن بازارهای جدید در خارج باشد، در شروع سال ۱۳۱۶ در تحت اثر (شرکت اتحادیہ شمال) شعبہ برای کار پنبہ تاسیس و اکنون شعبہ مذکور برای ترقی کاشت پنبہ از یک طرف و برای اصلاح غوزہ تکانی و بار بندی و حمل و نقل و غیرہ آن (توسط خریداری ماشین های جدید) از طرف دیگر داخل اقدامات شدہ و ہم بمساعدت بانک ملی در رساندن مقناری قرار دادہای کہ با دول خارجی عقد گردیدہ است صرف مساعی مینماید.

روی ہمرفتہ این مؤسسہ پنبہ یکی از موسسات خیلی مهم و مفید مملکت ما بودہ و آیندہ بسی درخشانی را برای خود و ہم برای بہبود عمومی اقتصادیات وطن در بردارد.

۲- شرکت میوه:

خوانندگان گرام از تاسیس پشتون قندهار کہ از چہار سال باین طرف برای ترقی صادرات میوه خشک آن ولایت تشکیل شدہ و نیز از صورت موفقیات و اصلاحات شرکت مذکورہ کہ در قسمت ترقی مقدار میوه صادرہ و ایزاد نرخ فروش آن و از طرف دیگر در قسمت توزیع و بکار انداختن ماشین های قطعی سازی و پاک کردہ میوه، بوجود آمدہ است، اطلاع خواهند داشت. از آنجائیکہ ولایت کابل نیز در قسمت حاصلات میوه و مخصوصاً میوه جات خشک کہ اہمیت تجارتی و صادراتی دارد، مقام قابل اعتنائی را داراست، چون اصول خشک کردن و

نهیض اقتصادی در افغانان

زیاد میشود (البته از دیاد نفوس نما ینده ترقی و آبا دی هر مملکت و هر شهر میباشد) بهمان اندازه موضوع تهیه و تکافوی ارزاق دران ، کسب اهمیت کرده ، اگر برای تدارک آذوقه اقدامات صحیح کرده نشود برای اهالی از سبب عدم کفایت ارزاق مشکلات زیادی پیش میشود .

همینست که هر قدر شهر کابل که پای تخت مملکت و مرکز رجوع عمومی می باشد ، از حیث نفوس و آبادی ترقی کرده ، به همان اندازه آذوقه رو به قلت و گرانگی گذاشته - پس باین لحاظ بود که در اواسط سال ۱۳۱۶ در موقع تشکیل جدید ریاست بلدیة کابل ، موضوع آذوقه و ارزاق نیز مورد توجه مخصوص او لیای امور قرار گرفته برای چاره جوئی قطعی مشکلات ارزاق شرکتی بنام (شرکت ارزاق) در کابل تاسیس و سرمایه ابتدائی آن سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) افغانی قرار داده شده . چنانچه رئیس این شرکت جناب عبدالرشید خان تا جر کابل (از جمله شرکاء) انتخاب و شرکت موصوف در نظر دارد که از یک طرف آذوقه خورا که و غیره را از قاطبیکه دران وفور دارد ، بمرکز وارد و بالمقابل در نقاط مذکور اموال وارداتی را برده به معامله داران خویش بفروش برساند تا برای هر دو طرف از سبب مبادله جنس با جنس فائده برسد .

از آنجائیکه مسئله قوت و بی انتظامی ارزاق در پای تخت خیلی ناموزون و اسباب نقصان عمومی بود و نیز ازین جهت که اکنون معامله داران اطراف شرکت ارزاق ، اموال وارداتی خویش را توسط شرکت بشرايط آسان تری دستیاب کرده میتوانند ، بنا برین

ارتقاء نماید ، عمرانات نیز همراه آن ترقی و توسعه یافته می رود . از این است که در ظرف چند سال اخیر از اثر نهیض ارتقائی که در تمام شعب امور مملکتی بوجود آمده تعبیرات نیز توسعه زیادی پذیرفته چه از قسم عمرانات دولتی و چه از قبیل عمارات بلدی مانند بازارها و جاده ها و چه از قسم عمارات شخصی روز بروز در از دیاد میباشد از آنجائیکه برای پیش بینی و لوازم تعمیریه و توجه بسوی فنی بودن و عصری شدن عمارات مختلفه ، وجود يك موسسه ملي مورد ضرورت بود ، بنابراین در اواسط سال ۱۳۱۶ نظر به تشویقات حکومت متبوعه و حسن نظریة تجار داخلی شرکتی بنام (شرکت عمران) بسرمایه ابتدائی دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) افغانی در کابل تاسیس و جناب محمد یونس خان سابق مدیر عمومی اداری وزارت خارجه که در فن تعبیر تخصص و بلدیت کافی دارند ، بریاست آن انتخاب شدند . حالیه شرکت مذکور برای ساختمان يك سلسه عمارات عصری در کابل با بلدیة همکاری کرده ، برای آینده نقشه های مهمی را نسبت به توسعه کارهای خود در قسمت شهر سازی در نظر دارد . میتوان گفت که این شرکت نیز از لحاظ اینکه سبک تعبیر را در مملکت اصلاح و دامنه آبادیها را توسعه میدهد و نیز در تهیه مصالح تعبیریه مساعدت کرده ، تسهیلات زیادی فراهم میسازد ، یکی از موسسات مهم و مفید وطن عزیز شناخته شده ، آینده خوبی را برای خود و نیز برای بهبود مملکت در پیش دارد .

۴ - شرکت ارزاق :

بدیهی است هر قدر در يك مملکت و یا در يك شهر نفوس

تعداد همکاران و مدیران
شرکت ارزاق
مدیران
سرمایه
۴۸۸
نمایند

جهت شرکت ارزاق را میتوان در جمله مؤسسات مفیده جدید مملکت شمار کرد . ۱۶

نهضت حمل و نقل :

یکی از لوازم درجه اول پیشرفت و ترقی يك مملکت همانا وسائل حمل و نقل بوده و وسائل حمل و نقل نیز اولاً بسته بوجود راهای شوسه و خطوط آهن و غیره خطوط ارتباطیه میباشد که بهر سمت مملکت و تا سرحدات خارجه امتداد داشته باشد و بوسیله آن اموال تجارتي و مسافری و سیاحین و مخبرات بکمال اطمینان و سرعت ارسال و ارسال مرسول شده ، سلسله روابط معاشرتي و مدنی بصورت صحیح جریان داشته باشد . افغانستان ما که از سبب کوهستانی بودن خود و بعضی عوامل دیگر تآمدنهای درازی از داشتن خطوط سړک و غیره لوازم حمل و نقل عصری محروم بود ، خوش بختانه در عصر فرخنده نادر شاهی و ظاهرشاهی با تر جدیت زیادیکه از طرف اولیای امور نسبت به تمديد سړکها بهر سمت مملکت وربط دادن ولایات و محلات خورد و بزرگ با يك دیگر و با سړک ، بعمل آمد ، دارای يك سلسله خطوط موتور رو زیادی شده که امروز بواسطه آن تمام ولایات و تقریباً تمام حکومتات محلی و بسیاری از علاقه دارها با یکدیگر و به سلسله با سړکها مهمه و همچنان با پایتخت مربوط گردیده است . و طبیعی است که وجود همین جاده ها (اگر چه تمام آنها اساسی گفته نمیشود) نه تنها در اتساع تجارت و روابط مدنی بلکه در تحکیم بنیان امنیت و حسن اداره و بالجملة در ترقی عمومی مملکت عامل نهایت مهمی ثابت گردیده است . البته که این خطوط سړک موتور رو برای احتیاجات

این سړکها
فاصله
بسیار بد
گذراند
اصطلاح
تعمیر سړکها
بسیار
مهم است

آینده ما کفایت نکرده ، از يك طرف توسعه و بخته کاری سړکهای موتور رو ، و از طرف دیگر تمديد خطوط آهن لازم میباشد ، چنانچه برای این هر دو موضوع از حالا ترتیبات لازمه گرفته شده و در عین حالیکه شوسه های معتبر تجارتي مثل سړک کابل - پشاور بخته کاری میشود ، موضوع احداث خطوط آهن نیز زیر بحث بوده ، حکومت متبوعه ما اراده دارد که از طریق که مطابق مصالح سیاسی و اقتصادی وطن باشد ، به تمديد خطوط آهن اقدام ورزد . اما برای وقت حاضر که از سبب توسعه معاملات ، موضوع حمل و نقل خیلی کسب اهمیت نموده ، برای رفع حوائج تجارتي و غیره به يك اقدام بسیار مفیدی که عبارت از تاسیس يك اداره عمومی حمل و نقل و خریداری (۳۵۰) عراد موتور بار کشی بزرگ باشد ، تشبث ورزیده چنانچه تا کنون تعداد زیاد موتورهای مذکور از کارخانه (بد فورد) امریکائی وارد و در ساختن بدنه آن نیز طوری ترتیب گرفته شده که بارهای کلان آزادانه در آن حمل و نقل شده بتوانند و از خطرات شکستن و چپ شدن نیز تا اندازه زیاد محفوظ باشد . از طرف دیگر برای این تعداد موتورها در سړک ساختمان موتور خانهای بزرگ عصری در نظر گرفته شده که عموماً در حوالی قریب شهر کابل تعمیر میشود و حا لبه کار تعمیرات مذکور جریان دارد .

همچنین برای موتورهای مذکور تهیه موتور رانهای لایق و عملة لازم ، و کارخانه ترمیم و بسته کاری تحت توجه قرار داده شده و برای این مقصود مکتب موتور رانی و فابریکه ترمیم موتور وسعت زیاد داده شده است و بالاخره از طرفی هم برای اصلاح سړکها اقدامات زیادی بعمل آمده و چنان ترتیب گرفته شده است که سړکهای مهم

۴۹۰
کتابخانه
مکتب
موتور رانی
فابریکه
تعمیر موتور
۱۳۴۵
مئی

حتی المقدور بوسائل ممکنه پخته کاری شود چنانچه جهت این منظور کار سنگ انداختن و فرش جفله و ریگ در تمام سرکهای عمومی آغاز گردیده است. ازین رو میشود ادعا کرد که از حالا موضوع حمل و نقل که بقرار تشریحات فوق اساس هر قسم پیشرفت و ترقی را تشکیل میدهد، داخل یک نهضت جدیدی شده است که میتوان گفت آینده درخشانی را در بر دارد.

سرک بدخشان :

علاقه بدخشان که یکی از علاقه جات مهم و شاداب و حاصلخیز و پر ثروت حصص شمالی افغانستان و از روی تقسیمات ملکیه یگانه حکومت کلان ولایت قطغن و بدخشان میباشد، بسبب کوهستانی بودن از مدتها جاده صحیحی که این علاقه را با مرکز ولایت (خان آباد) و باقی حصص افغانستان و بسلسله به مرکز کابل اتصال بدهد، وجود نداشته بنا بران ۳ سال پیش حکومت متنوعه احداث یک سرک موثر رو عصری را از خان آباد تا فیض آباد (مرکز حکومت کلان بدخشان) و از آنجا به حصص سرحدی و علاقه جات دور دست نواح مذکور، تصمیم نموده، درین سه سال بتوجه جدیانه و، ج شیرمحمدخان نائب الحکومه قطغن کار احداث سرک مذکور که پر از کوتلها و سنگلاخ های و غیره موانع طبیعه میباشد، بجذیت تمام جریان داشته، خوشبختانه در سال ۱۳۱۶ سرک به فیض آباد وصل و در ماه اسد با تشریفات بلندی از طرف ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف افتتاح گردید. و بلافاصله کار امتداد آن بسوی پامیرات و غیره نواحی بدخشان آغاز یافت.

این سرک از خان آباد تا فیض آباد مجموعاً (۱۱۰) کیلومتر طول دارد و یکی از مهمترین جاده های افغانستان است که علاوه بر ارتباط صحیح که از وجود آن ما بین بدخشان و سایر مراکز افغانستان، ایجاد شده، از نقطه نظر اقتصادی نیز برای پیشرفت های زراعتی و تجارتی آن حصص و بلکه اکثر نقاط ولایات شمالی، امداد شایانی برساند.

سرک تگاب :

علاقه نجراب و تگاب که در سمت شمالی کابل واقع و از یک طرف باره های ولایت شمالی و از جانب دیگر باجاده سمت مشرقی (که بطرف هند می رود و راه تجارتی مهم افغانستان محسوب میگردد) اتصال دارد، دارای کوهستانات دشوار گذاری بوده و با وجود نزدیکی به مرکز و اهمیت اقتصادی که داشت از دور افتاده ترین حصص مملکت بشمار میرفت. تا آنکه در سال اول ز ما مداری اعلیحضرت همایونی برای احداث یک سرک موثر رو از راه چاریکار تا مرکز نجراب و تگاب و بعد اتصال آن با سرک سمت مشرقی عملیات ساختمانی آغاز گردیده، سرک مذکور که احداث آن عملیات مشکله سرفنگ پرانی و پل سازی و غیره را ایجاب میکرد، در اخیر سال ۱۳۱۵ به مرکز تگاب اتصال یافته و اکنون نزدیک است که با سرک مشرقی اتصال پیدا کند.

احداث این سرک علاوه از آنکه دو علاقه خیلی مهم را به مرکز مربوط و راه رفت و آمد موثر را بآن باز میسازد، از نقطه نظر اینکه پس از اتصال یافتن سرک مذکور با سرک مشرقی، مال التجاره ولایات

شمالی از راه مذکور را سا ب طرف خارج صادر و در مسافت ضعیف کردنی در حدود هفتاد (۷۰) کیلومتر تقلیل بهم رسیده موجبات فائده موثر دارها و تجار و هم اسباب زود رسیدن اموال را فراهم خواهد ساخت ، بیشتر حائز اهمیت میباشد . سرک تگاب روی هم رفته از گلبهار تا سرک تگاب (۶۰) کیلومتر و از تگاب تا سرک مشرقی (۳۶) کیلومتر ضول دارد .

تاسیس کارخانه جات :

یکی از امراء های خیلی مهم حکومت متبوعه در قسمت امور اقتصادی تاسیس و تدویر کارخانه جات است تا روز بروز احتیاجات صنعتی ما از خارج کم شده رفته از مواد خام پیدا وار ممکنست رفع احتیاج بشود . چنانچه درین چند سال یک تعداد زیاد کارخانه جات مختلفه خریداری و دایر شده است . بهمین سلسله چند کارخانه ذیل در سال ۱۳۱۶ دایر و افتتاح گردیده :

۱- کارخانه ساختمان پنبه هیدروفیل :

که برای شناخانه ها و غیره مؤسسات فنی پنبه مخصوص را تهیه میکنند و در جبل السراج بجوار فابریکه نخبابی در شرف تدویر است .

۲- دستگاه های پاك کردن و عدل بندی و روغن کشی پنبه : که از طرف شرکت اتحادیه شمال در نقاط مختلفه قطن دایر شده است .

۳- مطبعه جدید :

که دارای تمام لوازم ضاعتی عصری و از جدید ترین سیستم ها بوده و اکنون بکلی جریان یافته است .

۴- مطبعه جدید درهرات :

که از طرف جناب دوست محمد خان ایماق معاون بانک ملی تاسیس و بتازگی شروع بکار نموده است .

۵- کارخانه ترمیم موتر شرکت اسهامی :

که دارای تمام لوازم ترمیمیه و بسته کاری بوده و درین سال آغاز بکار نموده است .

علاوه برین ، ضوریکه اضلاع گرفته ایم در جریان این سال کارخانه بزرگ نساجی (دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی) و کارخانه بزرگ قد سازی (از لیلو) و کارخانه بزرگ سمت سازی و سرکر رادیو و دستگاه معالجات برقی و فابریکه ۳۰۰۰ کیلوواته برق خریداری شده است که عنقریب وارد و نصب و تا چندی بکار انداخته خواهد شد چنانچه از طرف دیگر کار تعمیر و سائر ترتیبات این کارخانه جات جدیده قبلا آغاز شده است .

۶- دستگاه بیسیم میمنه و دایزنگی :

که اگر چه در قطار کارخانه جات نیست ، اما بازم از نقطه نظر اهمیت خود در اینجا ذکر گردید . علاوه برین دستگاه بزرگ بیسیم که نا تمام دنیا مخیره کرده میتواند در کابل در شرف نصب میباشد .

ترقی تجارت :

یکی دیگر از مظاهر پیشرفت اقتصادی وطن در سال ۱۳۱۶ همانا ترقی تجارت است که نسبت به سال قبل بلکه نسبت به سالهای

مطبعه در افغانستان

بندم جناب احمد الله خان « کربی » عضو انجمن

مطبعه یکی از رؤس عوامل مدنیت و یکی از بزرگترین وسائل تعمیم و اشاعه علم و عرفان و افکار است. قبل از ایجاد مطبعه علوم و فنون و افکار به یکصورت نهایت بطنی و به یک مقیاس خیلی محدودی انتشار یافته هر شخص نمیتوانست که بسپولت از نور معرفت مستفیع گردد و حتی باعث فقدان کثرت آثار در آن آوان علوم و فنون و معرفت را منحصر بفرده میتوان خواند. رقتا که در اثر مساعی قیمتدار مرجد شهیر آلمان (گوتنبرگ) مطبعه ایجاد و در اثر توجهات بگر خادمان بشر ترقی و تعمیم یافت، نظر بدرجه ترقی و توسعه آن علم و عرفان هم از خصوصیت و حوزه های خیلی محدود خود بدر شده بالاخره عالم شمول شد. امروز مطبعه علاوه از اینکه وسیله مهم تعمیم معارف و اشاعه افکار و نظریات است در سایه ظرافت و نفاست طبع و قشنگی گراورهای خود بهترین تازیانه شوق هم میباشد. خلاصه مطبعه سرچشمه معرفت و یکی از وسائل مهمه ناقل مدنیت است.

در افغانستان مطبعه ابتدا در زمان امیر شیر علیخان مرحوم قدم گذاشته آهسته آهسته بوسعت و ترقی خود کمیته و کیفیتا افزوده رفت. در آن وقت مطبعه عبارت از یک ماشین (به رس) مانند بعضی ادوات ساده و بسیط لیتوگرافی چاپ « سنگی » بود که بذریعه آن اخباری به اسم

گذشته رو بترقی بوده، اگر به احصائیه تجارتي نظر انداخته شود درین سال مجموع میزانیه تجارتي «صادرات و واردات» باوجود بحران مواد خام و غیره عوامل ناگواریکه در برابر تجارت بین المللی در دنیا رخ داده است. نسبت به سال ۱۳۱۵ فیصد (۵) اضافه تر است که این بذات خود یک دلیل محکمی است برای ادعای اینکه اوضاع اقتصادی افغانستان رو به بهبود میباشد.

همچنین عایدات دولت روی هم رفته نسبت بسال ۱۳۱۵ فیصد (۲) اضافه تر بوده، بنابراین دودلیل فوق میتوان گفت که اوضاع معیشت ملی نیز در حال ترقی میباشد.



این بود خلاصه اقدامات برجسته اقتصادی که در سال ۱۳۱۶ در تحت توجهات قیمت دارا علیحضرت معظم همایونی، بمساعدت و همکاری حکومت و ملت، صورت اجراء بخود گرفته و از روی آن میتوان امیدوار شد که وطن عزیز ما از جنبه اقتصادی نیز داخل یک دوره نهضت ارتقائی صحیح و سریعی بوده گامهای بزرگی را بسوی پیشرفت اساسی میبرد دارد.

« رشتیا »

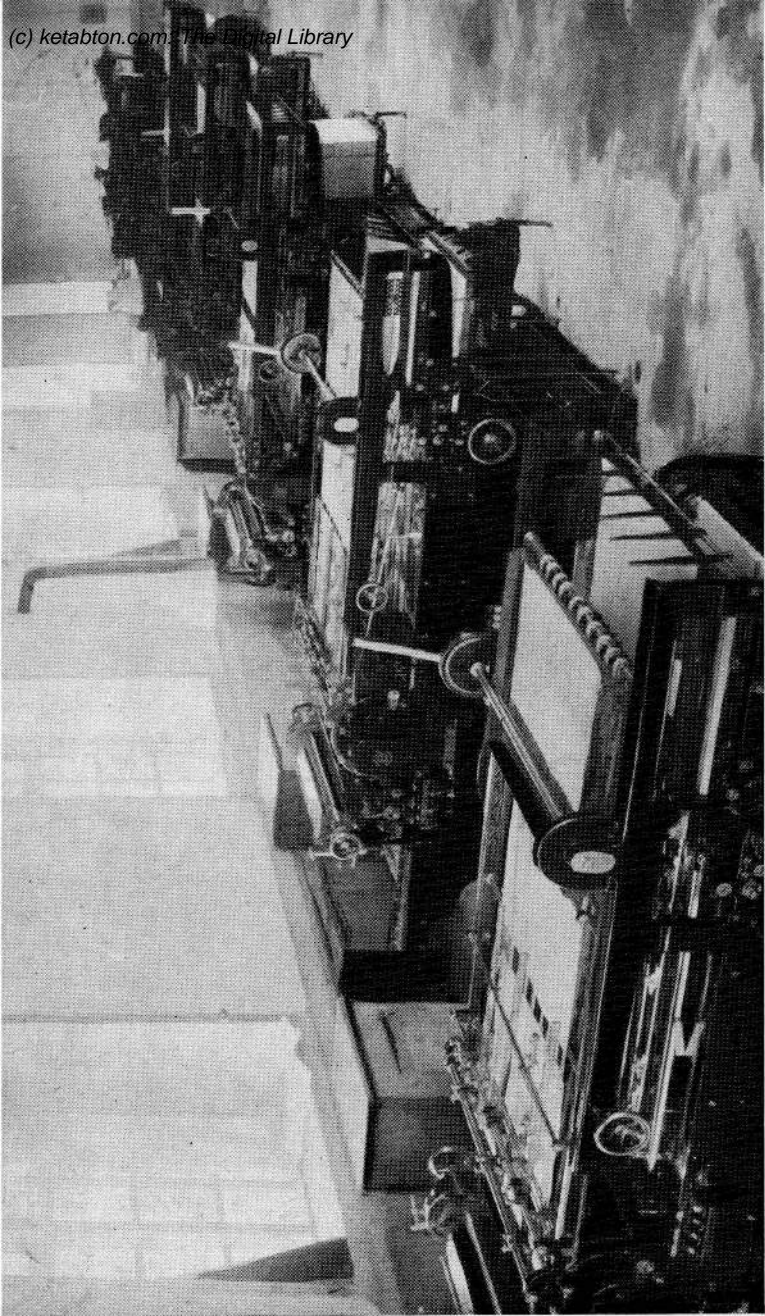


شمس النهار با بعضی از تکت های پسته و چند کتاب در آن بطن رسیده ، در عصر امیر عبدالرحمن خان این مطبعه کمی وسعت یافته صکوکات دولتی با بعضی اعلانات و کتاب ها چاپ شد. در زمان امیر حبیب الله خان هم از نقطه نظر فزونی ماشین ها و هم از باعث تحریک آن بذریعه قوت بخار به يك صورت خوبتری ترقی نمود ليك با وجود این تا اواخر ۱۲۹۰ ش تماماً لیتوگرافی چاپ سنگی بود در اوایل ۱۲۹۱ ش لوازم تیپوگرافی (چاپ حروفی) که ماشین آن بذریعه قوه بخار حرکت میکرد نداشتگاه بسیض زینگوگرافی ، جدیداً خواسته شده سراج الاخبار و صکوکات با بعضی آثار در آن ضعیف گردید. اخیراً يك مطبعه تیپوگرافی خیلی بسیط و کوچک دیگری بنام مطبعه عنایت که تقریباً شخصی بود هم بوجود آمد. در عصر امانیه مطبعه عنایت با مطبعه بسیط و کوچک دولتی ضم و چند پایه ماشین دیگر جدیداً از قسم حروفی به آن علاوه گردید و ضمناً در بعضی ولایات مطابع بسیار بسیط و کوچکی جهت نشر جرائد و بعضی امور ضروری به هر کدام دارای يك پایه ماشین مودل سابقه بود بوجود آمد. در زمان منجی افغانستان اعلیحضرت نادرشاه فقید (رح) علاوه از اینکه خساره ها و شکست و ریخت زمان انقلاب تلافی و نواقص سابقه تکمیل گردید عمارت مطبعه به يك صورت خوبی توسیع یافته تمام مطابع مرکز به استثنای متابع شخصی تحت يك ریاست جمع و دو پایه ماشین جدید برقی لیتوگرافی و يك پایه ماشین مودل جدید « آفسیت » با يك تعداد لوازم ضروری دیگر مثل کامره و چراغ زینگوگرافی حروفهای فارسی ، لاتینی پشتو و غیره سامان تورید گردید ضمناً به تعداد مرتبین و ماشین کارهای مطبعه عمومی هم افزوده شد خلاصه در زمان اعلیحضرت نادر شاه با وجود مدت

اندک و مشاغل به سایر امور مهمه ، مطبعه نسبت بدوره های سابق نظم و نسق خوبی پیدا نمود. در زمان سعادت اقتران اعلیحضرت جوان المتوکل علی الله که حوزه نشریات و وسعت یافت حسب اراده سنیة های یونی ع ، ص عبدالحمید خان رئیس مطابع جهت تورید يك تعداد ماشینهای زیاد متنوع عصری برای مطبعه عمومی به اروپا اعزام گردیده مشارالیه يك تعداد ماشین های زیاد را از بهترین و جدیدترین ماشینهای اروپا که تفصیل آن در ضمن عنوان این خصوصی درج است تورید نمود. اینک بذریعه همین ماشین ها و لوازم جدید و عصریست که در نفاست و زیبایی ضعیف حروف و عکس ها و بانک فوتها و صکوکات و سرعت کار و غیره امور ضابطه تطویر عظیمی رخداده. ما برای اینکه دایره به نبض طباعتی افغانستان معنو ما تری تقدیم علاقمندان کرده باشیم مطبعه عمومی افغانستان را که نسبت بدیگر مطابع این مرزبوم از هر حیث بزرگ و دارای اهمیت و قیمت خاص و مقام خیلی ممتاز است مطرح بحث اجمالی خویش قرار میدهیم :

عمارت مطبعه عمومی :

عمارت این مطبعه در یکی از مواضع بهترین کابل بجوار شمالی باغ ارگ واقع است. نخست این عمارت گرچه محدود و کوچک بود ليك در سایه توجهات قیمتدار عرفان پرورانه اعلیحضرت فقید شهید (نادرشاه جنت مکان) و اهتمامات معارف خواهانه پادشاه فهیم و جیران المتوکل علی الله متدرجاً بزرگ و اصلاح شده رفت. فعلاً عمارت آن بروی (۱۰) جریب « سه ونیم هکتار » زمین به يك صورت قشنگ و متن استوار بوده بخوبی توانسته که صدها ماشین و چندین صد نفر عمه و فعه را در خود بگنجاند.



مطبعه جدید کابل : کارخانه طبع حروف و ماشین های اتوماتیک « گودرون » و « استرا »
Nouvelle imprimerie de Kaboul : vue générale des machines de type Gudrum et Astra

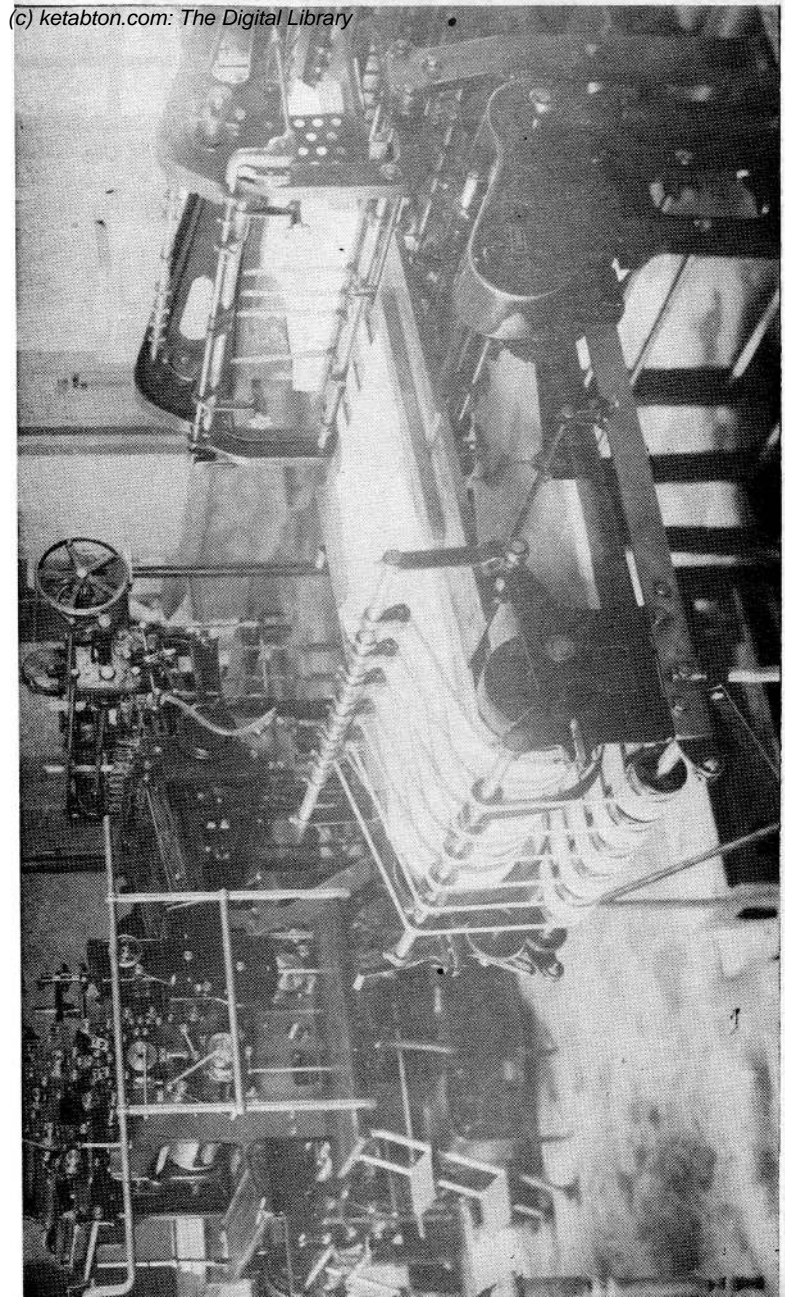
این عمارت چه در قسمت داخل و چه خارج صحن های وسیع و هواداری جهت تنزه و تفریح برای اوقات استراحت کارگراها دارد. فرش بعضی اطاقها از سنت و بعضی از سندهله برخی هم از خشت ریخته است. سقف خارجی آن عموماً با آهن چادر پوشانده شده و رخ و داخلی آن از چوب مسطح شده است. جز قسمت درب عمومی که محل ریاست و دوائر مطبوعه است دیگر حصص عمارت یک پوشیده بوده مطابق یک کارخانه عصری هر نوع لوازم و احتیاجات آن مکمل میباشد.

شعبه حروف ریزی و حروف چینی :

حروف ریزی :

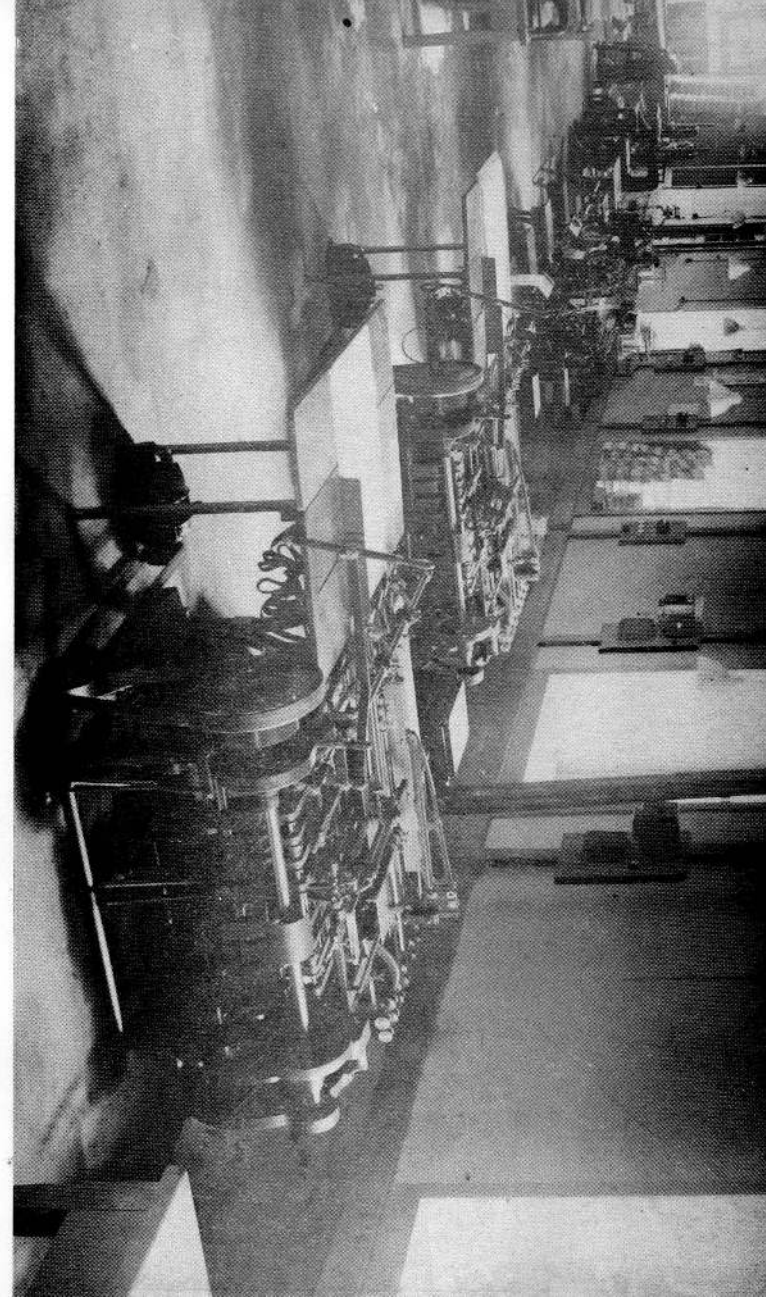
قبل از سنه حاضره حروف از خارج خواسته میشد که این مسئله علاوه بر مضرت اقتصادی مانع بزرگی در راه بهبود طباعت آثار بود. اینک در سایه ماشین های جدید حروف ریزی هر نوع حروف خورده و کلان با سرب ها و غیره به یک تعداد زیادی در خود مطبوعه تهیه میشود ماشین های حروف ریزی به این تعداد است :

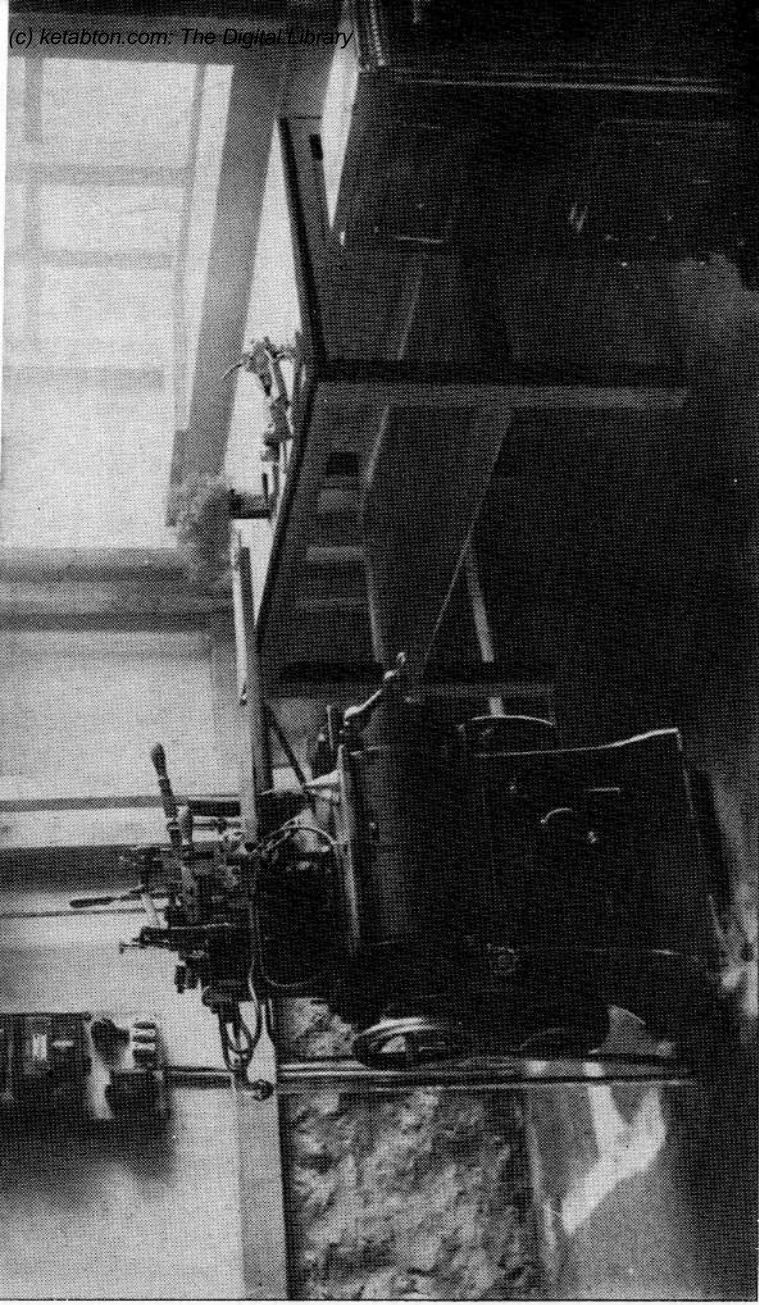
- (۱) دستگاه گرد از سرب و آهن ذریعه گیس ، تیل ، ذغال سنگ
- جهت ماشین های حروف ریزی و ساخت سرب های فاصله (۳) پایه
- (۲) ماشین حروف ریزی جدید از فابریکه (منرفیل) آلمان که
- ذریعه قالبهای مختلف هر نوع حروف فارسی ، اوقالی ، لاتینی و اقسام
- اشکال تزئینی و غیره میریزد (۲) پایه .
- (۳) ماشین برش لوحه های سربی و برنجی از نوع اعلی با موتور
- برقی و تمام لوازم مکمل (یک) پایه .



مطبعة جدید کابل : ماشین های افرت که از روی جست تصاویر و مضامین را چاپ میکنند
Nouvelle imprimerie de Kaboul : vue générale des machines de type Offset

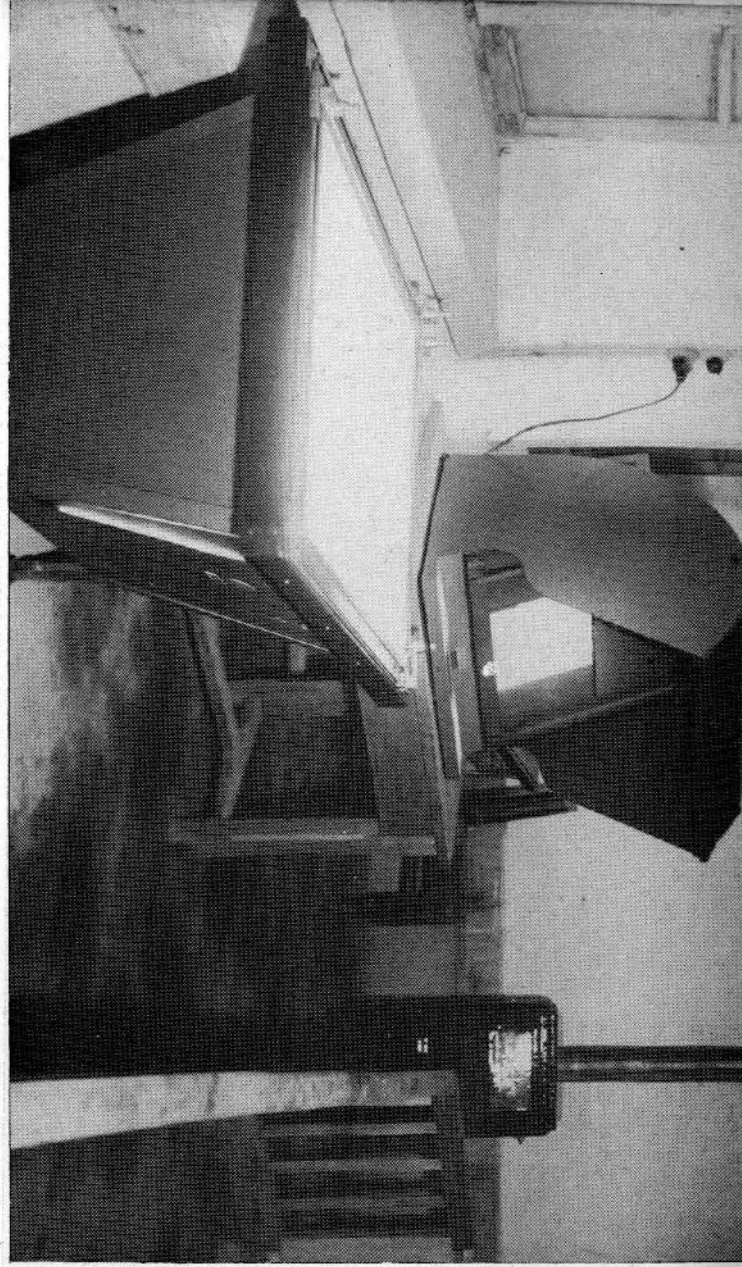
مطبعة جدید کابل : ماشین های اتوماتیک صحافی ، فالت کاری ، دوشخت ، جزینشی و غیره در کارخانه صحافی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une vue des machines de reliure





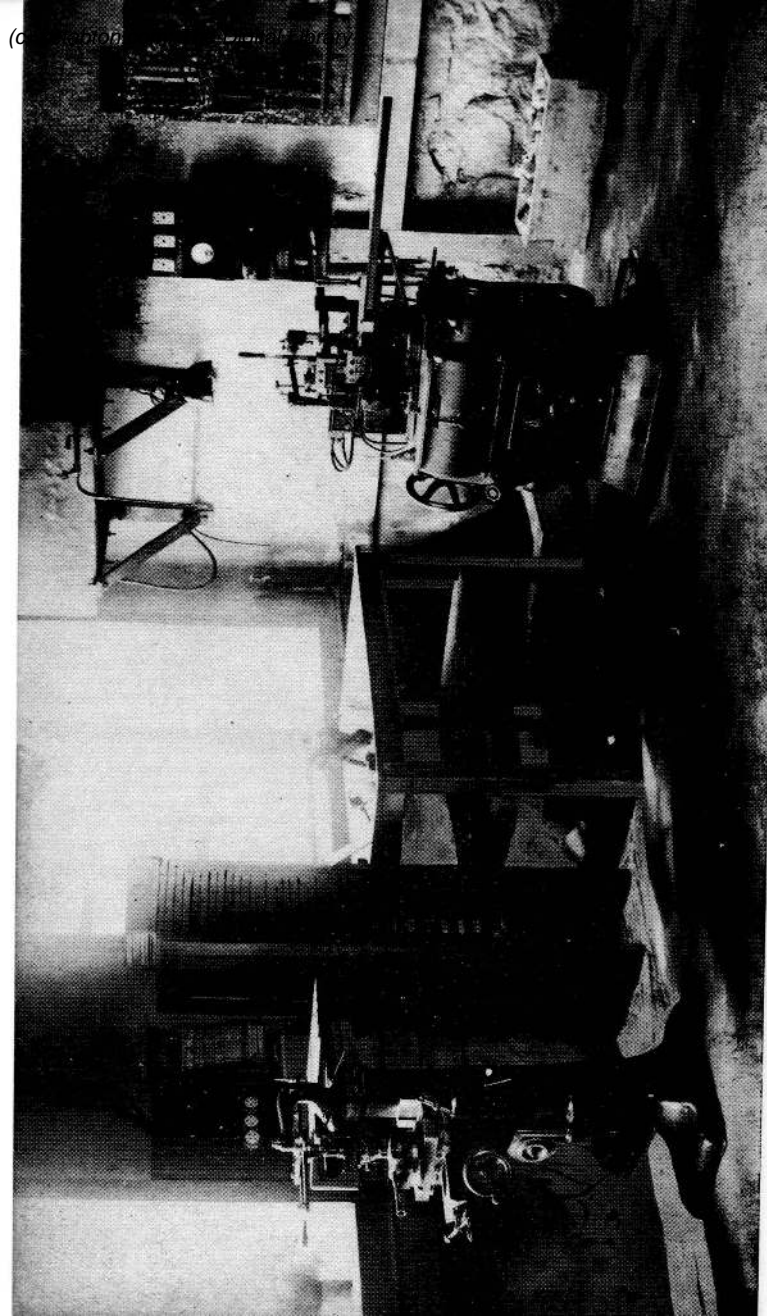
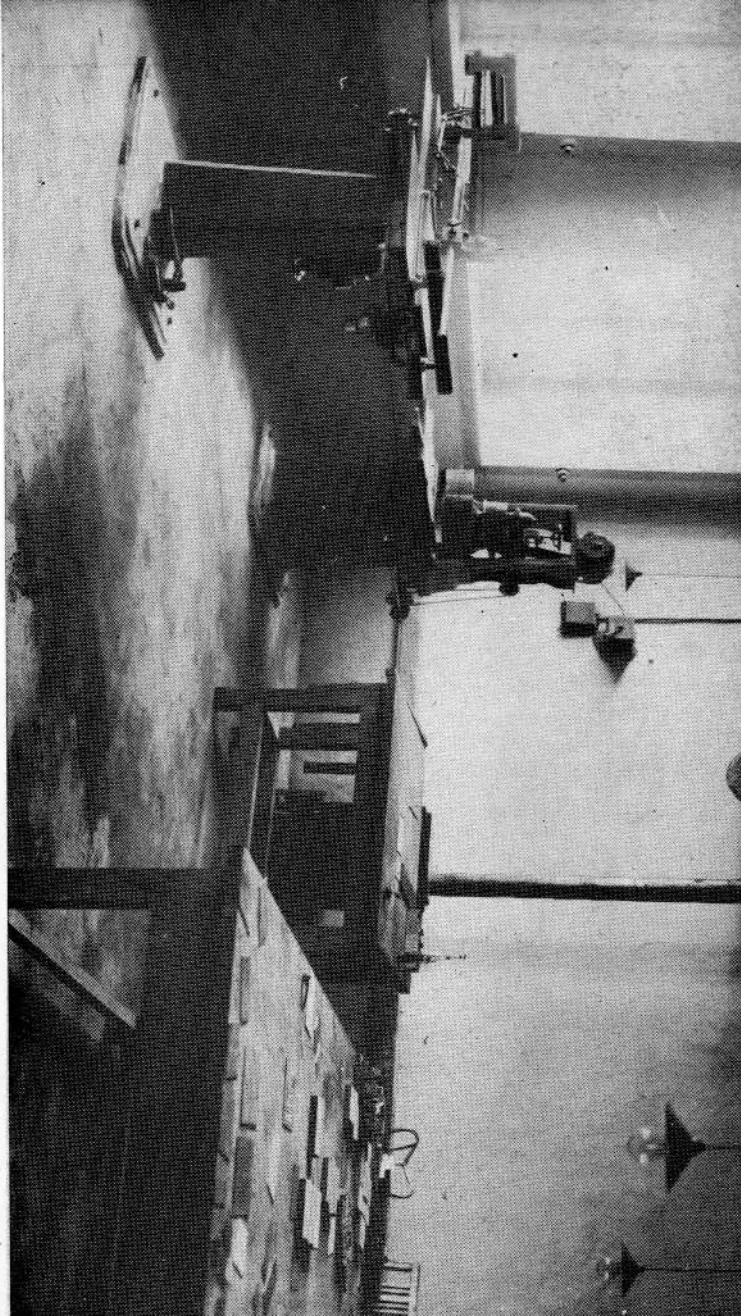
مطبعة جدید کابل : يك قسمت از کارخانه زنکوگرافی و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de typographie

مطبعة جدید کابل : کارخانه صلیح روی جست و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : l'atelier de reproduction sur les plaques de zinc



مطبوعه جدید کابل : يك قسمت از كارخانه زنكوكرافى و ماشين هاى مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de typographie

مطبوعه جدید کابل : يك گوشه كارخانه كلیشه سازی و ماشين هاى مربوطه آن
Imprimerie moderne à Kaboul : l'atelier de préparation des clichés



حروف چینی :

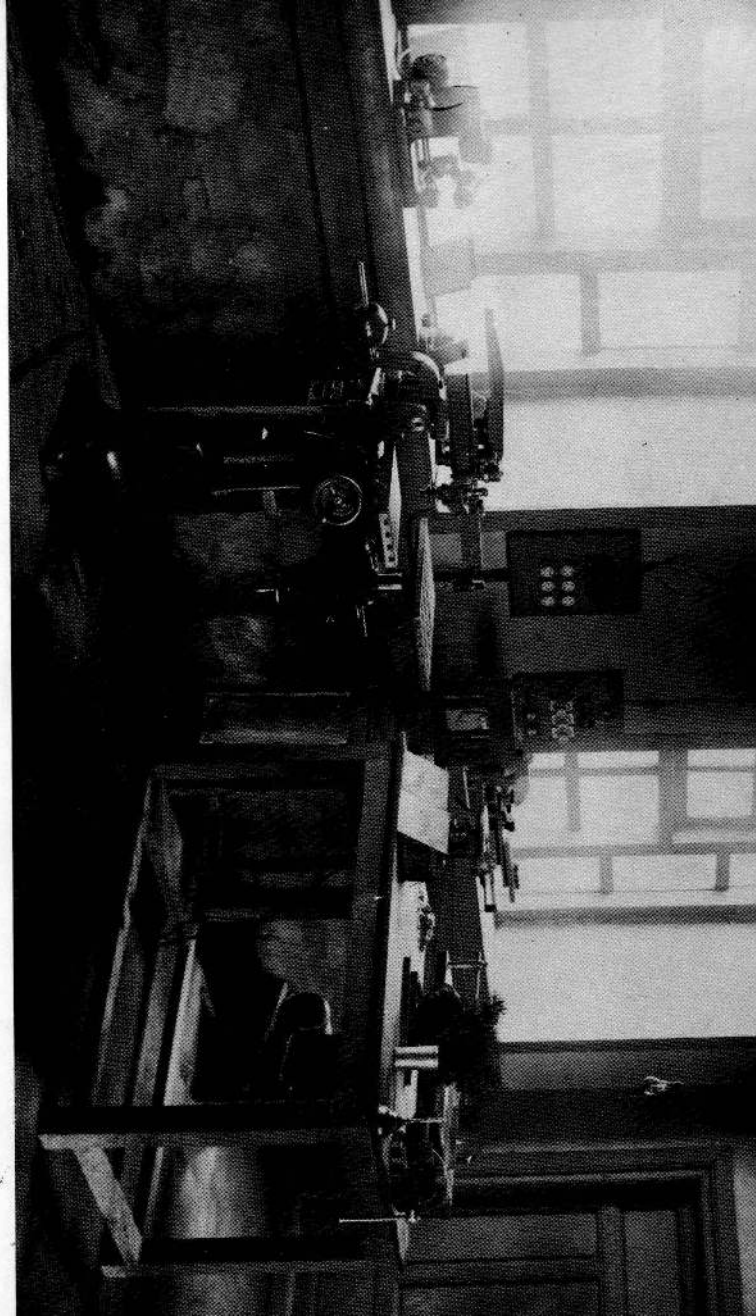
حروف چینی بذریعہ يك تعداد حوا نپای با سواد که بصورت خوبی درین کار کسب مهارت موده اند توسط دست اجرا میگردد در شعبات حروف چینی برای هر شخص میزهای مخصوصی بصورت جدا جدا وجود دارد . جبهه اخذ پرورف سه پایه ماشین از سیستم های جدید فابریکه (هوگن فورست) که درین تازگی وارد شده و ۲ پایه ماشین از سیستم های سابقه به اندازه های مختلف موجود است .

شعبه طبع حرفی :

برای طبع حرفی نخست دو قسم ماشین وجود دارد ، ماشین های سیستم جدید و ماشین های سیستم سابقه . ماشین های سیستم جدید که درین تازگی ها وارد شده بدین قرار است :

- (۱) - ماشین های مودل ۱۹۳۶ ساخت فابریکه مشهور آلمان (اریو کشترو) : (ویکتوریا فروند گدرن) که تماماً اتومات (عامل بالذات) و دارای وسعت کانی میباشد جبهه طبع صحائف بزرگ با لوازم و موتور برق
- (۲) - ماشین ساخت فابریکه (ویکتوریا استرا) کاملاً عامل بالذات با موتور برق و سایر لوازم
- (۳) - ماشین بولی ساخت فابریکه ۹-آ-ن - کارخانه ماشین سازی اوگس بورت نورن برک کاملاً اتومات (عامل بالذات) (۲) پایه .
- (۴) - ماشین (اتومان) ۶۱ دره ۸ سانتی اندازه طبع تماماً عامل بالذات (۲) پایه .

مطبعه جدید کابل : يك قسمت از کارخانه زنکو گرافى و ماشین های مربوطه آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de zincographie



- (۵) - ماشین « ترنو » کامل عامل بالذات ۷۰ در ۱۰۰ سانتی اندازه طبع
(۱) پایه .
(۶) ماشین « تیگل » تماما عامل بالذات از فابریکه (جوئورک) (۱) پایه .
(۷) ماشین « برونریر » برای زدن بوك (حل طلا مانند) بر روی کاغذ
تماما عامل بالذات با موتور برق از مودل جدید از فابریکه (گراوز) (۱) پایه .
(۸) ماشین ساختن و ریختن رولهای جلاتینی (۱) پایه .
ماشین های سابقه :

- (۱) ماشین برقی خورد و کلان حروفی از مودلهای سابقه که
از عمر صده چندین سال است که کنار میدهد (۴) پایه .
(۲) ماشین پایکی خورد و وسط از مودلهای سابقه (۱۰) پایه .

شعبه آفریت وام دروک :

- ماشین های بکلی جدید که در همین نزدیکی ها وارد شده :
(۱) ماشین (رولند آفریت) نمبر ۳ از فابریکه (فابر واندر شلاشر)
آلمان (۱) پایه .
(۲) ماشین (کلای نود آفریت) از فابریکه (پلانبتا) که توسط
آن اقسام نوشته جات و تصاویر و جداول و نقشه ها به اوان مختلفه و ساده
با نقاست مخصوصی طبع میشود (۱) پایه .
(۳) ماشین کاپی برای جستهای آفریت با موتور برق و سامان
لازمه از مودل جدید فابریکه (کلمش) (۲) پایه .
(۴) - ماشین (آف سیاپریش) جهت کاپی او رگنیل گرفتن
از فابریکه (گراوز) (۱) پایه .

- (۵) - ماشین پوش کردن رولهای آفریت مکمل اسباب
از فابریکه « کلمش » (۱) پایه .
(۶) - ماشین حل کردن رنگ با موتور برق مکمل اسباب
از فابریکه (هوگن فورست) (۱) پایه .
(۷) ماشین صاف کردن جستهای آفریت با موتور برق و سامان
لازمه از فابریکه کلمش (۲) پایه .
(۸) ماشین صاف کردن پلتهای المونیمی و سنگ های طبع
از فابریکه (گلوئسر) (۲) پایه .
(۹) ماشین های شستن رولهای آفریت و ماشینهای (بوکروک)
کامل عامل بالذات با موتور برق (۲) پایه .

ماشین های سابقه :

در اوایل سلطنت اعلیحضرت نادر شاه فقید شهید يك عدد ماشین
آفریت برقی کلان از فابریکه (کلاه بنوی آلمان) بایک ماشین
برقی صاف کردن پلتهای المونیم در مطبعه نصب و بکار افتیده
که حاضرأ نیز از آن به بسیار خوبی کار گرفته میشود .

زنکو گرافی :

ماشین ها و آلات زنکو گرافی هم به دو تفریق است ماشین ها و
آلات مودل جدید که درین تازگی ها وارد شده و ماشین و آلات سابقه .

ماشین های مودل جدید :

- (۱) کمره (اتور تیگال) برای عکاسی زنکو گرافی از نوع و
مودل جدید از فابریکه (هوهانن) يك عدد .
(۲) ماشین (آیرو گراف) مکمل با موتور برق از مودل جدید
از فابریکه هوهانن جهت کارهای رسمی وزنوش (۱) پایه .

دستگاه زنگو گرافي سابق :

دستگاه زنگو گرافي سابق بسيط بوده عبارت از يك كامره زنگو گرافي و بعضی سامان ساده مثل چراغهای برقی کنار بونی و غیره میباشد قبل از ورود ماشین های جدید اکثر کنار زنگو گرافي بذریعۀ دست اجرا میشد .

هیوگیووشی سازی و گراور:

برای ساخت نوتها وچکها و تهیه هر نوع خطوط مسلسل تلافیف و تعاریخ دار و تحریر برجسته و نقر اشکال مختلفه در روی مس ، فولاد جست ، شیشه و غیره بقسم برجسته و هموار ، ماشین های تماماً اتوماتیک جدید در همین نزدیکی ها توریده شده که در راه يك قسم مهم حوائج مملکتی خدمت شایانی مینمایند . تعداد ماشین های عمده آن فرارذیل است :

(۱) ماشین خیلی ذیقیمت گراور گیولووشی سازی ساخت فابریکه ندرلای استرایا ، بکنی اتومات (عامل بالذات) از بهترین و جدید ترین مودلهای دنیا ، باموتر برق ولوازمات . این ماشین جبهه هر نوع گراور گیولووشی سازی برمس ، فولاد ، شیشه ، سنگ و غیره کنار داده از بهترین و جدیدترین ماشین های گیولووشی سازی دنیا است تا کثون در تمام دنیا ۱۲ عدد ازان وجود دارد و این ماشین سیزدهم است که در افغانستان آورده شده .

(۲) ماشین گراور برای ترسیم خطوط مستقیم ، متوازی ، منحنی و منکسر و غیره اشکال هندسی بانک نوتها چک ها ، بر شیشه و سنگ از فابریکه مشهور (کاماش) يك پایه .

- (۳) ماشین آتسه کاری کلیشه های زنگو گراف مکمل اسباب باموتر برق از فابریکه (هوهانن) (۱) پایه .
- (۴) ماشین ترنت برای شمیکمال دادن کلیشه ها از فابریکه کاماش (۲) پایه .
- (۵) ماشین کبابی برای کلیشه زنگو گرافي از مودل جدید بابمه و چراغهای برقی کنار بونی از فابریکه (هوهانن) (۱) پایه .
- (۶) ماشین (زدو کسیون) برای انلاچ نقشه ها و کلیشه ها مکمل اسباب ، ساخت فرانسه (۱) پایه .
- (۷) ماشین برش جست های زنگو گرافي برای کلیشه سازی از نوع اعلی باموتر برق از فابریکه هوگن فورس (۱) پایه .
- (۸) ماشین رو و تنگ برای کندن و خالی کردن کلیشه های زنگو گراف باموتر برق و سامان لازمه (۱) پایه .
- (۹) ماشین صاف کردن تخته های چوبی و فلزی جبهه نصب کلیشه ها از فابریکه (هوگن فورست) باموتر برق (۱) پایه .
- (۱۰) میز های منماش برای درست کردن فلما که ذریعۀ چراغ برق روشن میشود از فابریکه (هوهانن) (۲) پایه .
- (۱۱) رو براتهای رتوش از قسم اعلی از فابریکه (هوهانن) (۲) پایه .
- (۱۲) کمره عکاسی رنگه که ذریعۀ آن عکسهای رنگه گرفته میشود از مودل جدید فابریکه (بریم فون) (۱) پایه .
- (۱۳) کمره انلاچ از مودل جدید از قسم اعلی (۱) پایه .

- (۳) ماشین گراور برای ساختن گل‌های گیو لوشی چپه بانک نوتها وچک‌ها غیره از فابریکه کاماش (۱) پایه .
- ۴ - پنتوگراف چپه تصغیر و تکبیر تحریرات و غیره بر روی کاغذ و غیره از بهترین و اعلی‌ترین مودل جدید از فابریکه (اتو) یک پایه .
- ۵ - کامره (روفود کسیون) کامل اتومات با تمام لوازمات از مودل جدید رقم کلان برای ساخت هایو گیولوشی‌ها هر رقم و تونها چپه استعمات چک‌ها و اسناد بانکی . . . از فابریکه (هو هانن) یک پایه .
- ۶ - ماشین گوپر دروک از قسم اعلی برای چاپهای برجسته مکمل اسباب در فابریکه هرگن فورست (۱) پایه .
- ۷ - ماشین های (پنتوگراف گراور) برای نقر و تهیه هر نوع کلیشه‌ها از فولاد ، مس ، چست ، سنگ و غیره بقسم برجسته و هموار از فابریکه (دکل مشین) مودل ۱۹۳۶ - (۲) پایه .

صحافی :

قبل از توريد ماشین‌های جدید، صحافی باصول قدیم بود لیک حاضرأ درسایه ماشین‌های اتوماتیک جدید هر نوع امور صحافی بذریعه ماشین اجرا میگردد. ماشینهای صحافی قرار ذیل است :

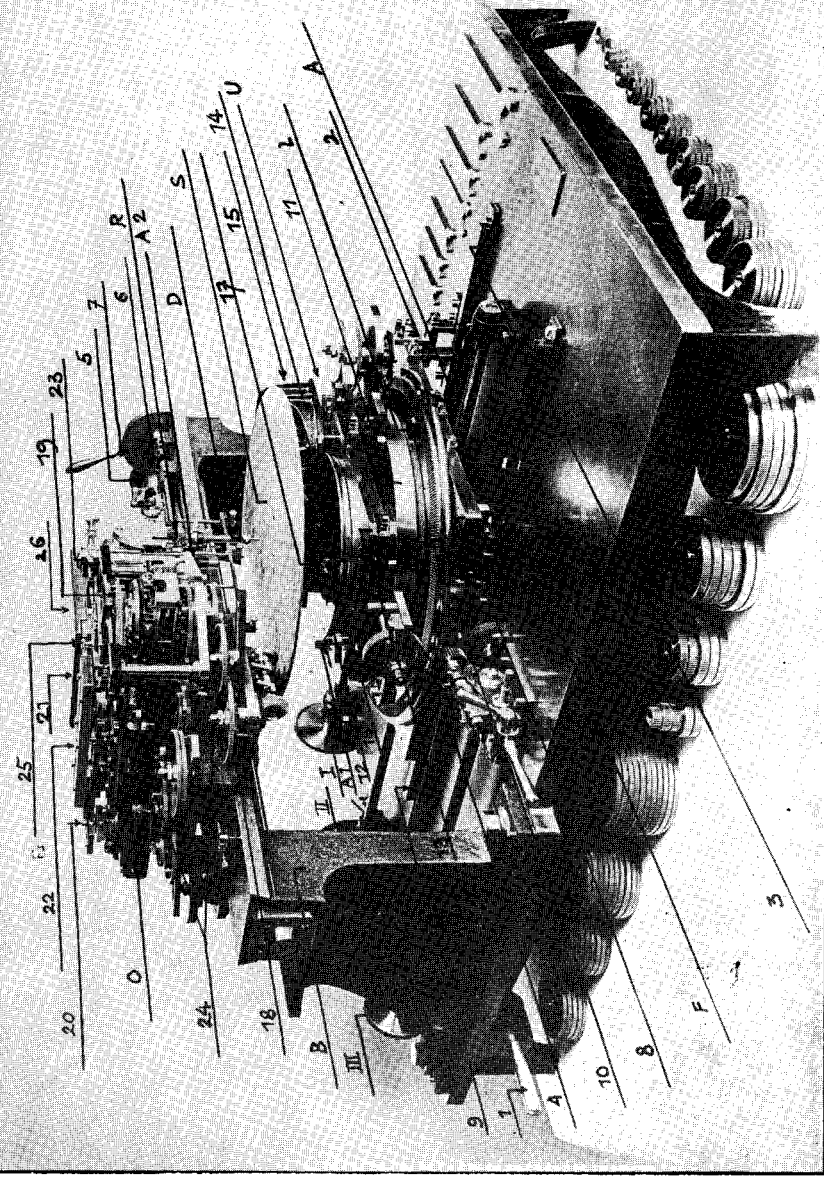
ماشینهای جدید :

- ماشینهای برش کاغذ کامل اتومات از اعلی‌ترین و بهترین مودل جدید از فابریکه جونپورک (۲) پایه .
- (۲) ماشین شبکه کردن کاغذ و تکت‌های پستی باموتر برق کامل اتومات از مودل جدید از فابریکه هوگن (۱) پایه .

- (۳) ماشین‌های کاغذقانی کامل اتومات از مودل جدید اندازه ساین ۸۵ در ۱۱۶ از فابریکه گوت برلین (۲) پایه .
- (۴) ماشین‌های شیرازہ بندی کامل اتومات اندازه دوخت از ۵ الی ۳۶ سانتی از فابریکه (گوت برلین) (۲) پایه .
- (۵) ماشین‌های دوخت سیم ، کامل اتومات باموتر برق از فابریکه برابسر (۲) پایه .
- (۶) ماشین سرش‌زدن کاغذ کامل اتومات ، ساین ۶۵ سانتی از فابریکه (پرکما) یکپایه .
- (۷) ماشین صاف کردن پشتی کتاب و غیره باموتر برق کامل اتومات اندازه کار ۶۰ سانتی از فابریکه (پرکما) (۱) پایه .
- (۸) ماشین خط انداختن دوسیه‌ها و کتاها و غیره کامل اتومات باموتر برق از فابریکه پرکما (۱) پایه .
- (۹) ماشین پری گی پرس برای کارهای برجسته مکمل اسباب از فابریکه (گراوز) (۱) پایه .
- (۱۰) ماشین تیز کردن تیغ‌های ماشین‌های برش کامل اتومات باموتر برق از فابریکه (هوگن فورست) (۱) پایه .
- (۱۱) ماشین برش و ساخت پاکت‌های متنوع از کاغذ از فابریکه گراوز (۱) پایه .

ماشینهای سابقه :

قبل از توريد ماشین‌های جدید فوق‌الذکر صحافی به اصول سابق بذریعه دست اجرا میشد تنها برای برش دانه ماشین برقی و ۳ دانه ماشین پایه کمی و جهت شبکه ۳ پایه ماشین پایه کمی از سابق وجود داشت



مطبعه جدید کابل : ماشین نوت سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : la machine de Hylioulochie

سا لنامه « کابل »

که فعلا درین مطبعه بیکار بوده ممکن در مطابع دیگر ازان کار بگیرند .

لیتوگرافی :

برای امور لیتوگرافی فعلاً ماشین ها ولوازم ذیل وجود دارد :

(۱) ماشین برقی سنگی از قسم اعظمی که در زمان اعلیحضرت فقیه شهید خواسته شده (۲) پایه .

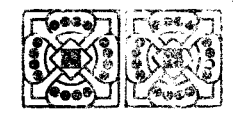
(۲) ماشین خورد و کلان دستی سنگی از مودلهای سابقه (۵) پایه

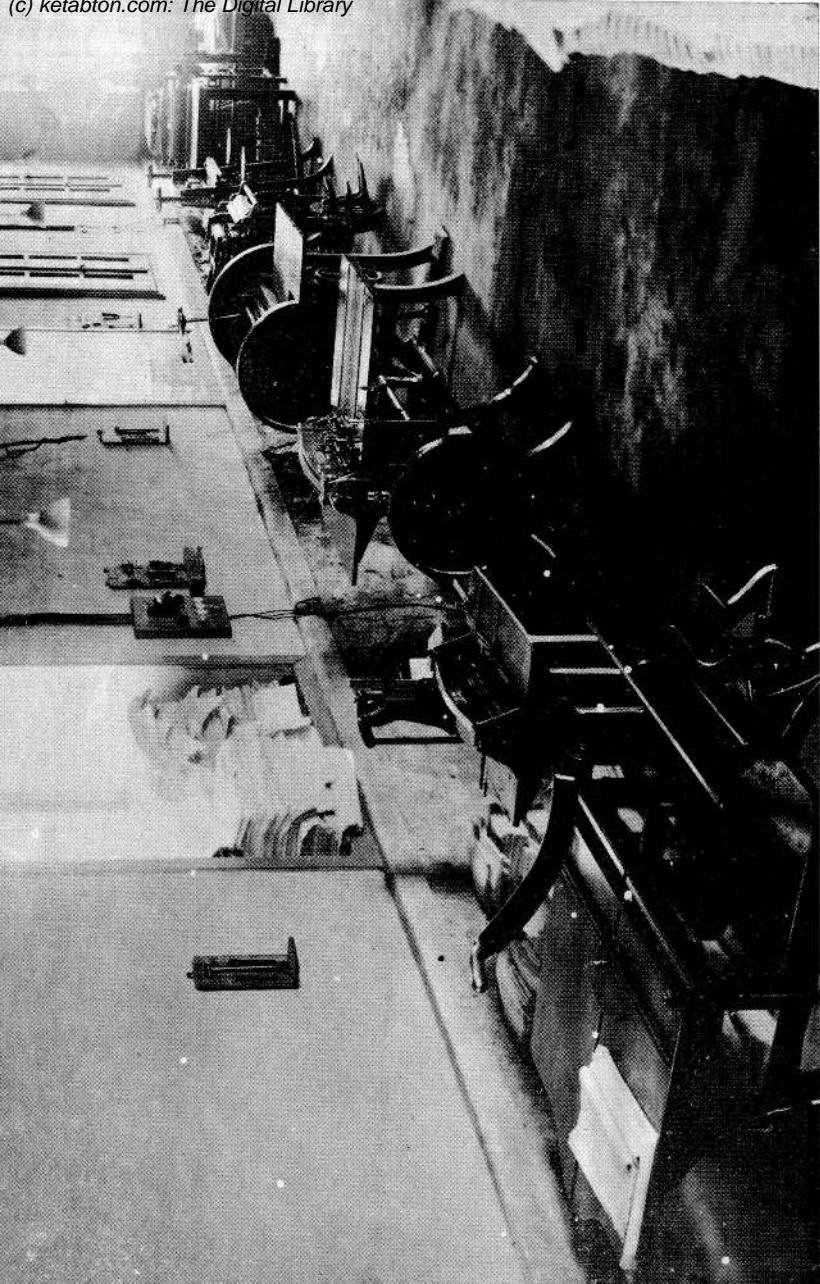
(۳) ماشین چسپانیدن کاپی بر روی سنگ « (۱) پایه

فعلا در شعبه لیتوگرافی تجدیدی خوبی دیده میشود لیک در نظر است که در آینده قریب در این شعبه مطبعه هم مثل دیگر شعب تعاضری بوجود آید .

عمله و کار گره های مطبعه :

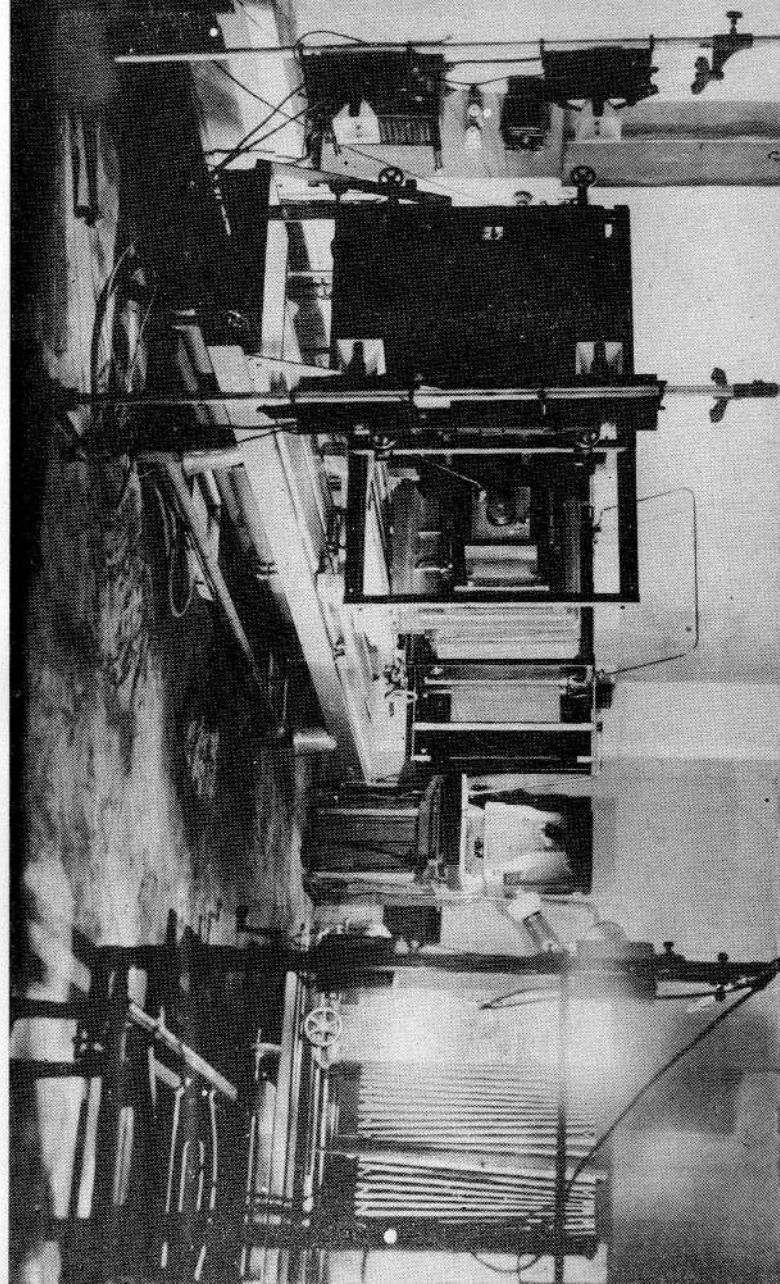
درین مطبعه مرتبین و ماشین کارها و کاپی نویس ها و غیره نفری که در شعب مختلفه یومیه مصرف کاراند عبارت از (۳۰۰) نفر میباشد .

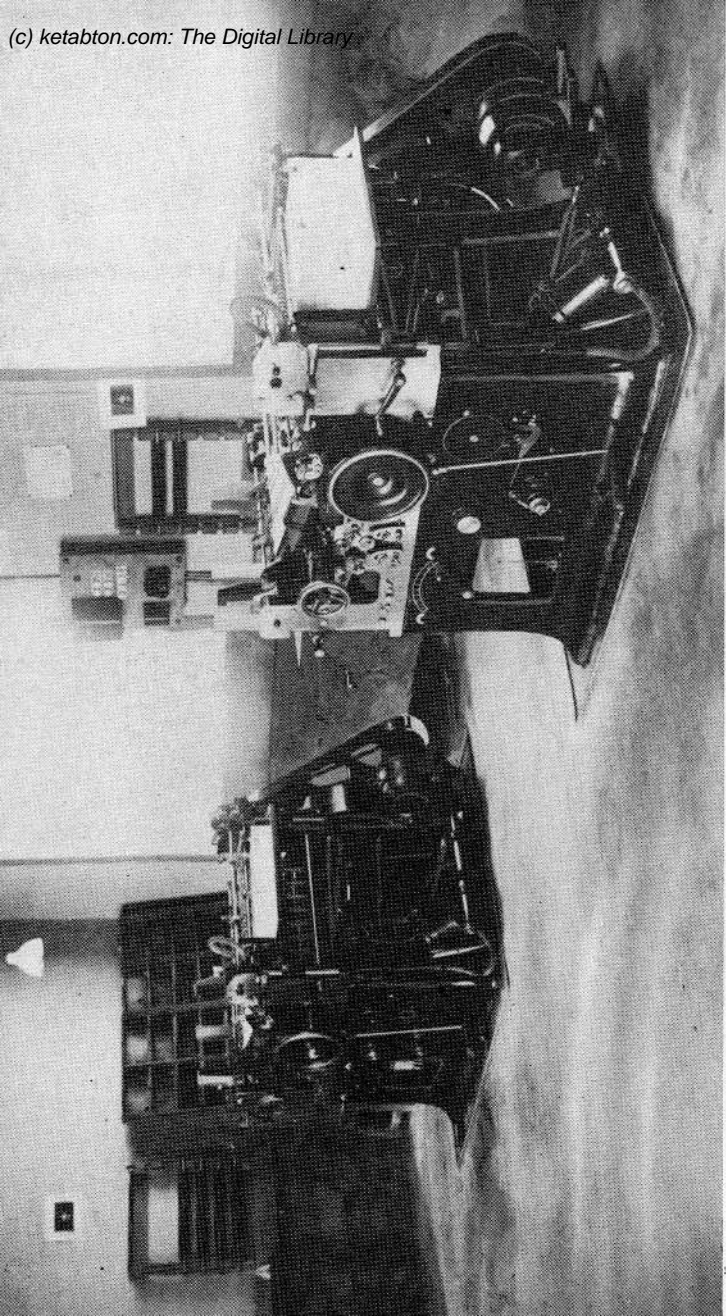




مطبعه جدید کابل : يك قسمت از کارخانه صحافی بامشین های اتوماتیک، برش، شبکه، حاشیه‌گیری و غیره
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier de reliure

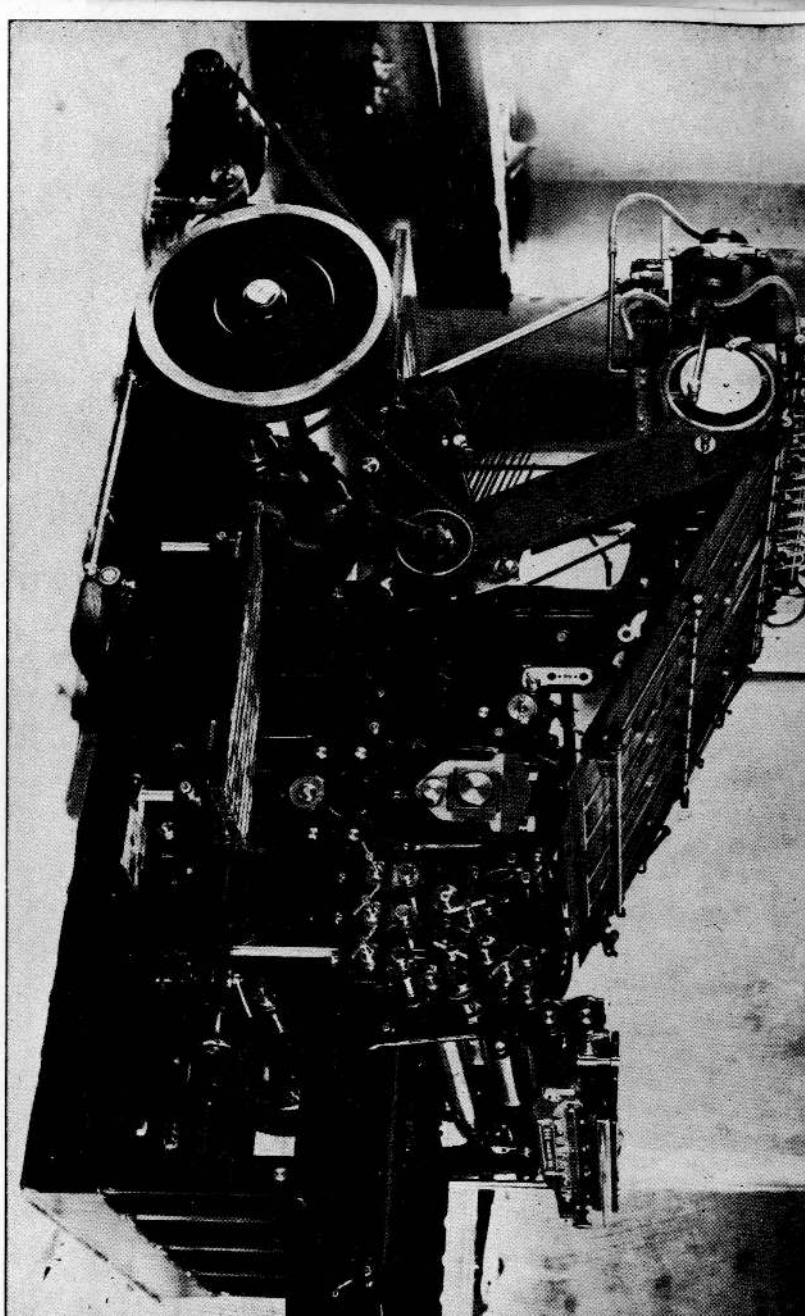
مطبعه جدید کابل : ماشین های عکاسی کارخانه زنکو گراف
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les appareils photographiques

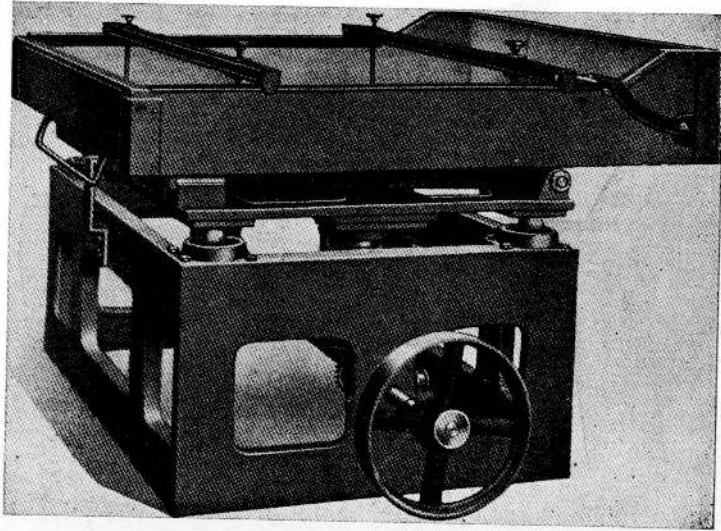




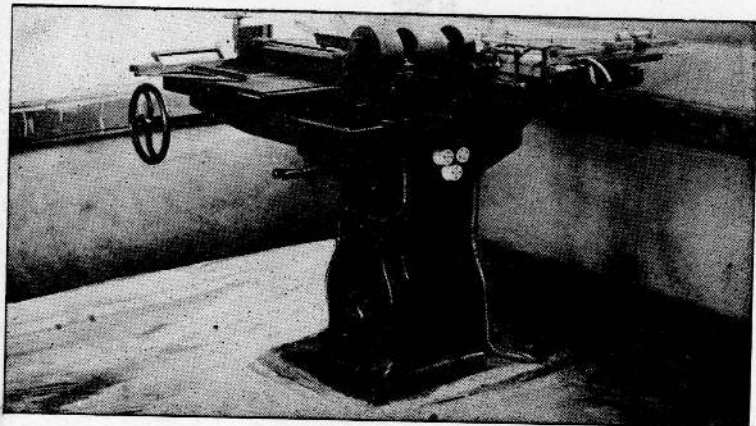
مطبعة جدید کابل : ماشین های اتوماتیک طبع حروفی از رقم یوسی
 Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de type Possi

مطبعة جدید کابل : ماشین بزرگ طبع حروفی که تا اندازه ۷۰ در ۱۰۰ سانتی را نیز طبع کرده میتواند
 Nouvelle imprimerie de Kaboul : une des machines à grand forma

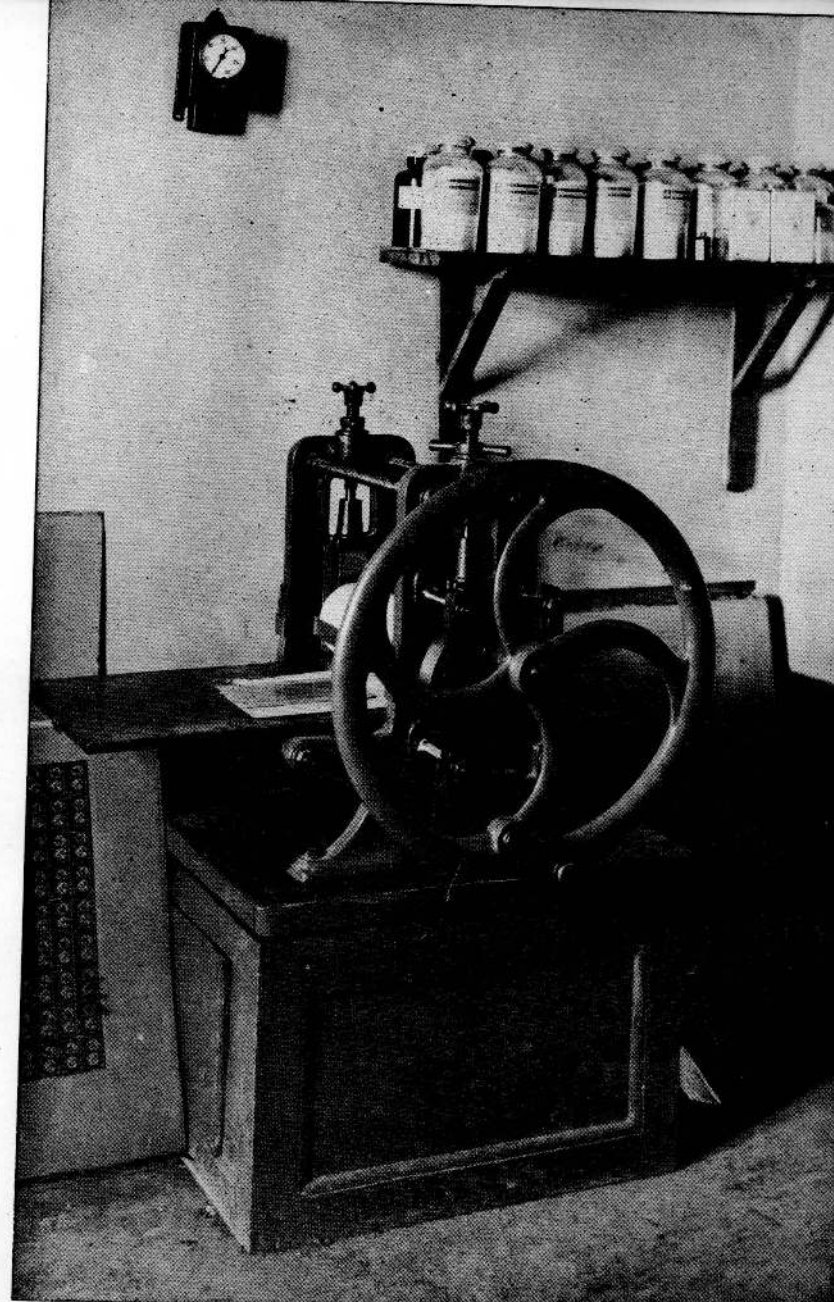


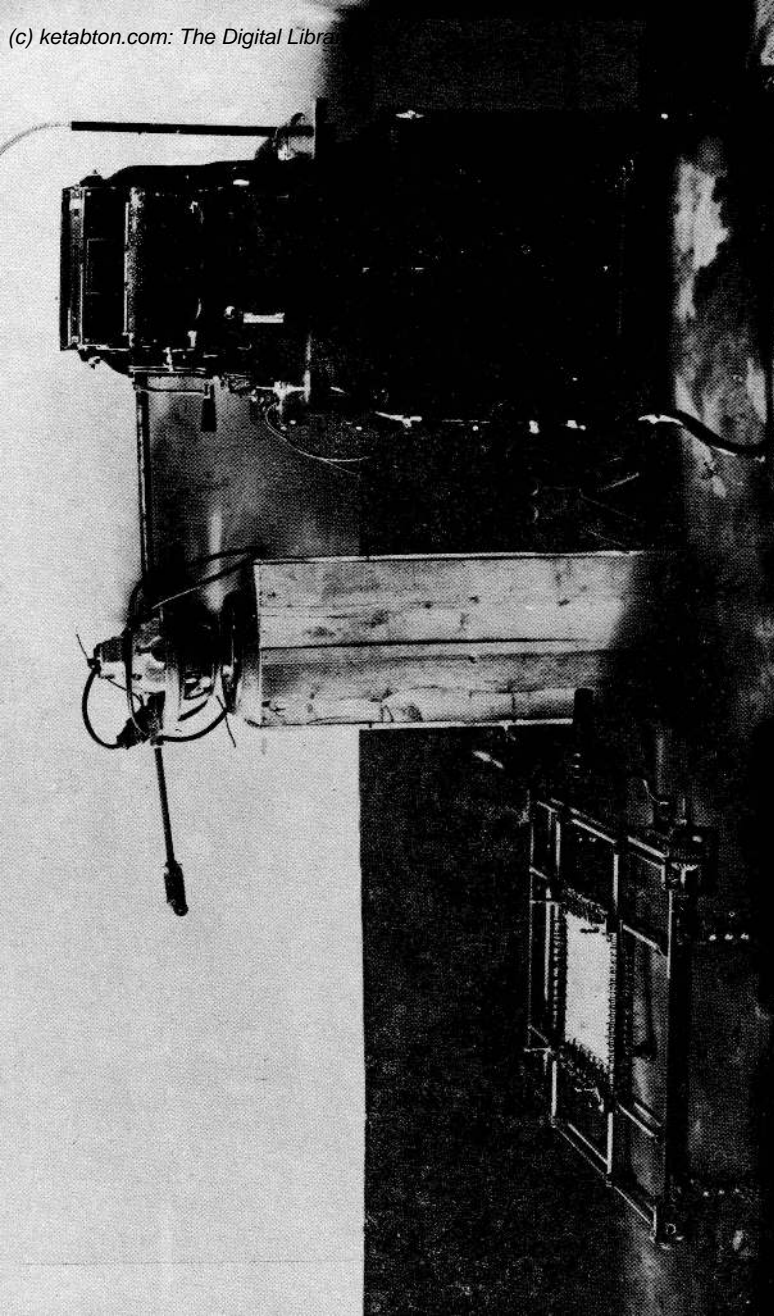


مصنوعه جدید کابل : از ماشین های کلیشه و کاپی سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : quelques une des
machines de zincographie

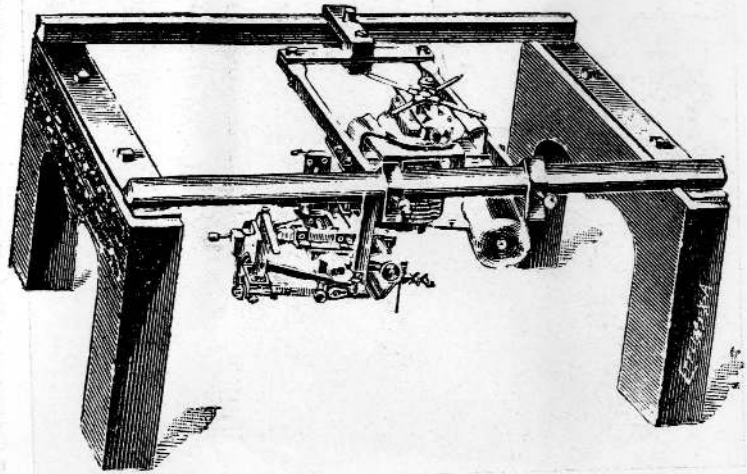


مطابقه جدید کابل : ماشین کاپی روی چیت در کارخانه (اوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

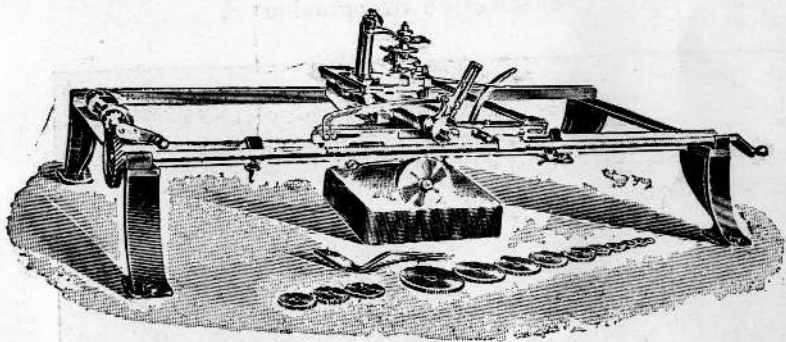


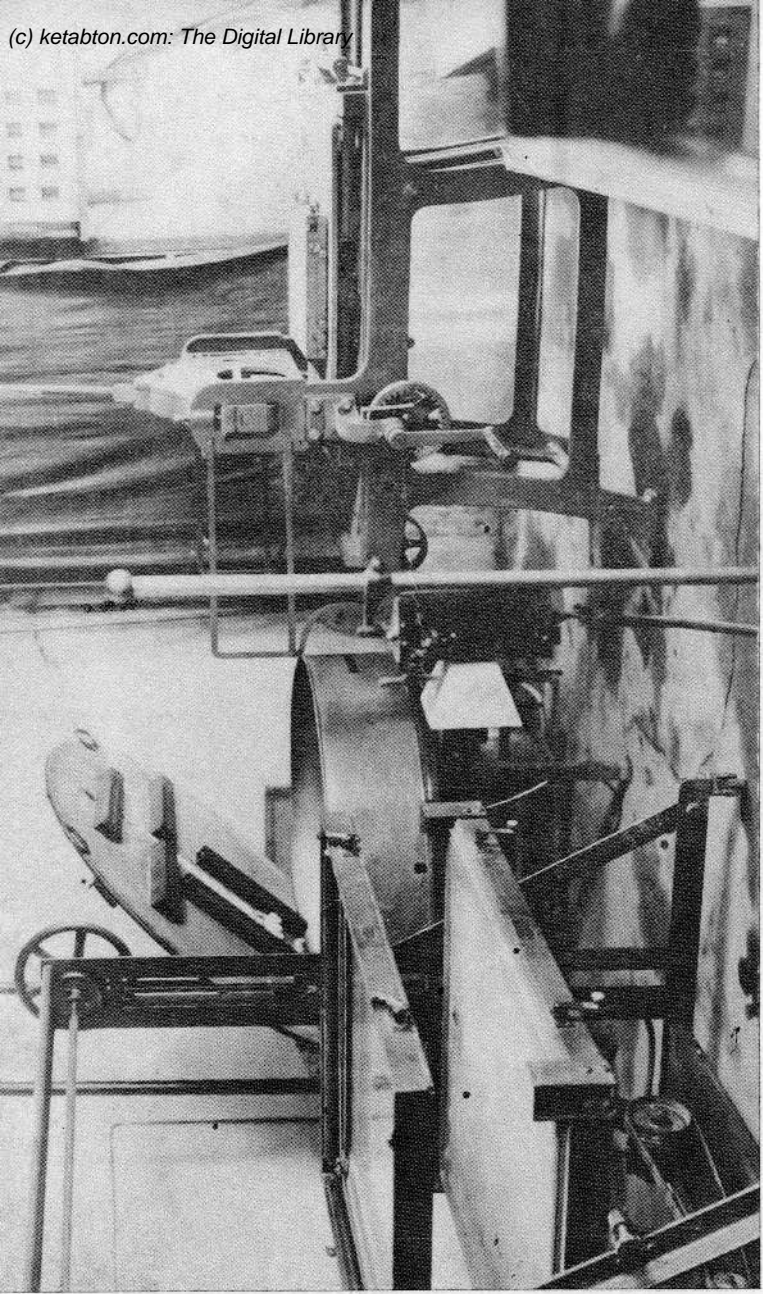


مطبعه جديد كابل : يکعضه از کار خانه طبعه دوی جست (افرت)
 Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'offset



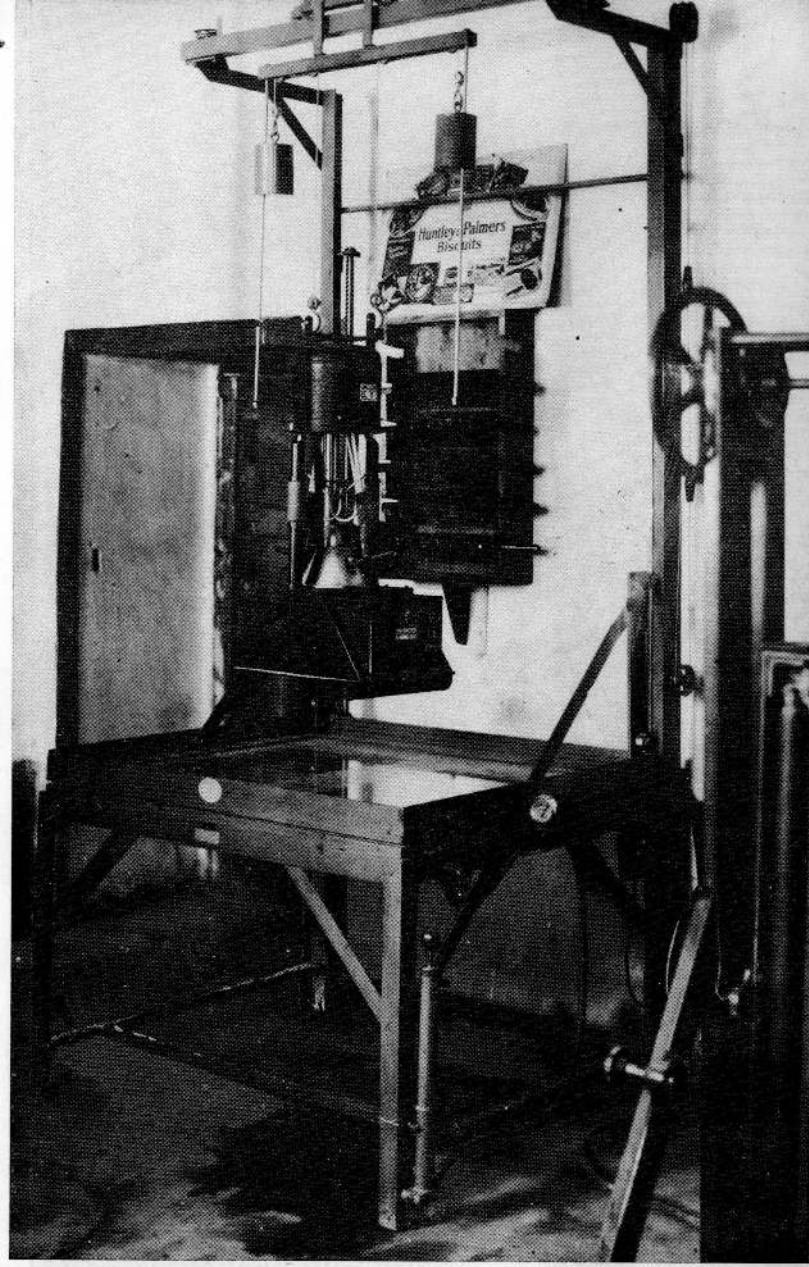
مطبعه جديد كابل : ماشين های گراور ونوت سازی
 Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de gravure
 hylioguiolochique





مطبعه جدید کابل : یک حصه از کارخانه طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

مطبعه جدید کابل : یک حصه از کارخانه طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

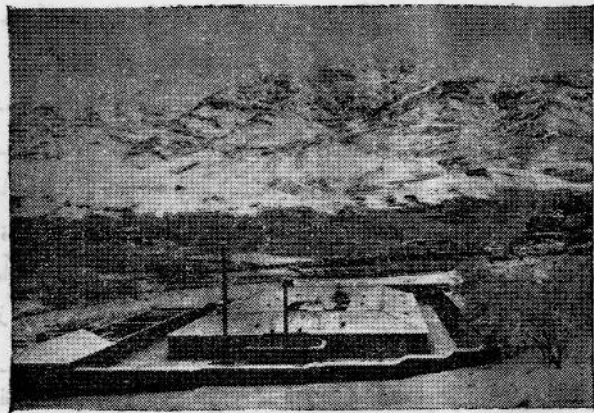


فابریکه نختابی جبل السراج

بقلم جناب محمد ابراهم خان متخصص نساجی

مدیر فابریکه نختابی جبل السراج

ترقی صنعت و حرفت در یک جامعه نه تنها از جمله عوامل پیشرفت صنایع و مدنی به شمار می رود بلکه مؤثر بزرگ ترقی امور تجاری و اساس



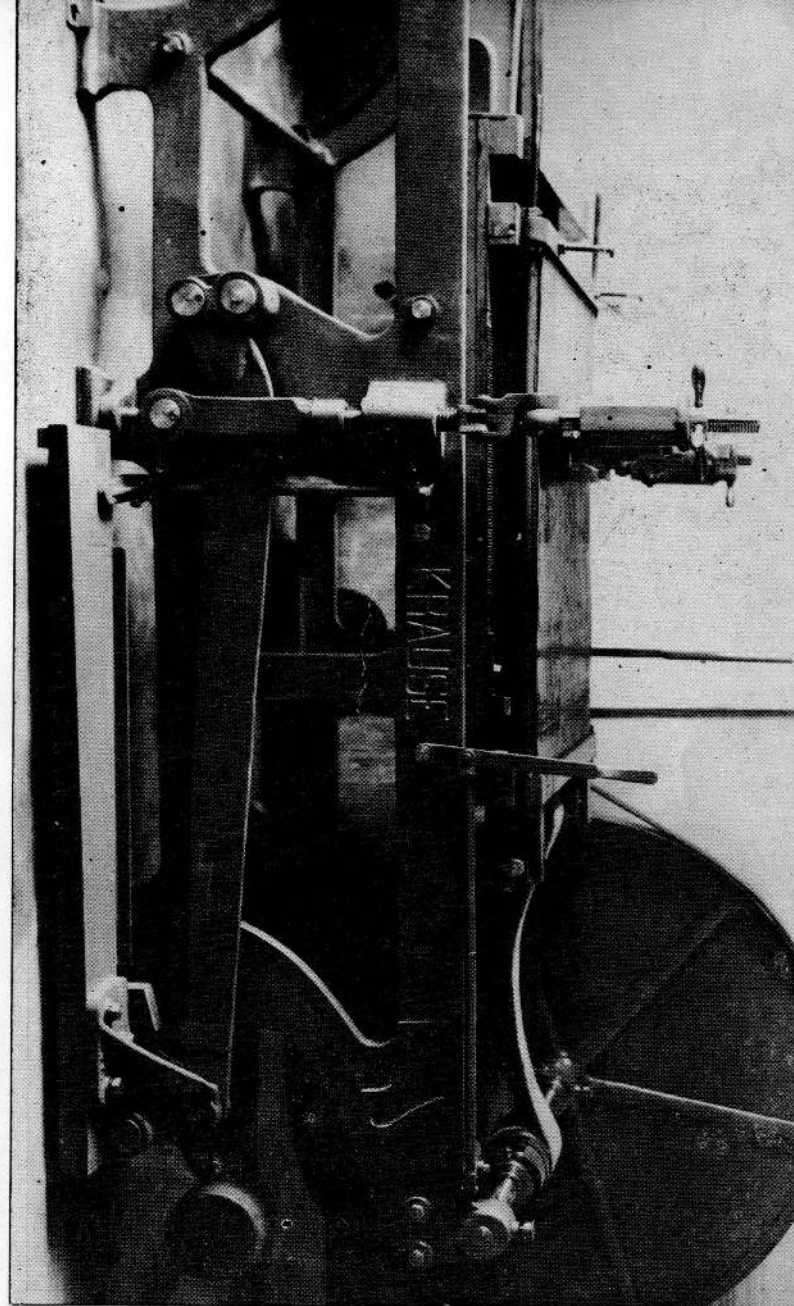
منظره عمومی فابریکه نختابی جبل السراج

Nouveau fabrique de textile et de filature en Afghanistan

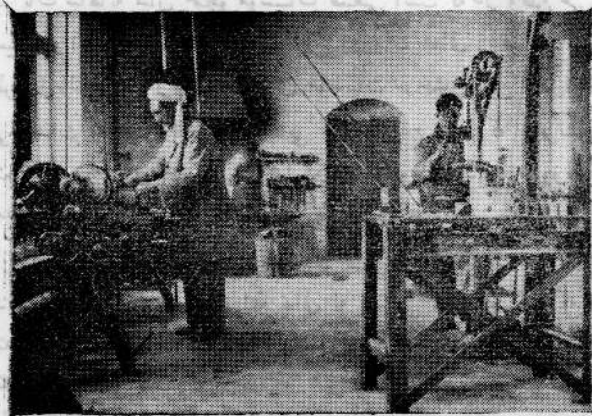
(voir les autres photos sur les pages suivantes)

نهضت مادی و سعادت حیاتی یک قوم بوده خدمات خوبی بعالم بشر نموده است . اشخاصیکه بتاريخ حیات ملل معلومات مکفی دارند البته میدانند

مطبعة جدید کابل : یک حصه از کارخانه طبع روى جست (اوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset



در یک مملکت چون زراعت ترقی نماید البته مقدار مواد زراعتی از قبیل نباتات تجارتمی و مواد حیوانی زیاد گردیده صنایع زراعتی نیز روزه ترقی می‌نهد مثلاً ملتی که مقادیر مهم لبلبو حاصل میکنند در حصول قند و تعمیر فابریکه های قند سازی توجه میکنند حصول مقادیر پنبه منتج به اتحاد فابریکه های متعدد نساجی بگردد از همین علل است که از



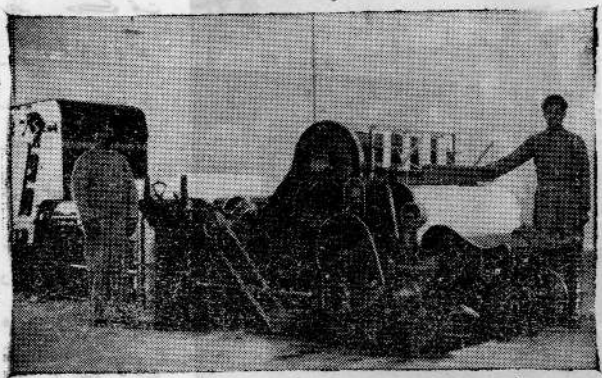
کارخانه ترمیم فابریکه نختابی

بنوسلطنت اعلیحضرت شهید در ترقی صنعت و حرفت و زراعت توجه زیادی معطوف گردیده امروز دیده می شود که حکومت خیر خواه و ترقی پرور ما در بهبود امور اقتصادی ملت صرف توجه نموده به تاسیس فابریکه های جدید و تشکیل موسسه های تجارتی ساعی بوده از نقطه نظر پیشرفت تجارتی و صنعتی و زراعتی افغانستان

که ترقی صنعت و حرفت در یک مملکت منتج با استعمال اقتصادی مواد خام آن گردیده منابع ثروت ملی از قبیل مواد زراعتی و معدنی بکار افتاده و افراد ملت را از احتیاج خارج رها نموده استقلال مادی و فعالیت معنوی میبخشد . مللی که از ثروت های طبیعی خویش مستفید شده نمیتوانند همانا همان مللی اند که در ترقی صنعت و حرفت صرف مساعی نموده اند هر قدر تجارت در یک قوم و جامعه بیشتر موقعیت پیدا کند میزان اندازه ثروت های را که مورد استعمال ملت فرار یافته علاوه بر اینکه مواد سرمایه گردیده منتج به بهبود اقتصادی میگردد بعضی ملل دیگر را که طبعاً فاقد ثروت های طبیعی اند محتاج بملک صنعتی و حرفتی میسازد و در نتیجه نهضت اقتصادی و مدنیت آن قوم روزه بالا نهاده صفحه جدیدی در حیات متراقیانه اش باز میدارد امروز فی الحقیقت زمام امور سیاسی دنیا بدست دولی است که در جنبه صنعت و حرفت ترقی نموده دارای سرمایه های هنگفتی میباشند و چون ثروت طبعاً مؤلف ثروت است فابریکه های جدید و موسسه های جدید تجارتمی روز بروز زیاد گردیده ماشین مدنی یک قوم را بصورت فوق العاده بحرکت می اندازد - ترقی امور صنعتی و حرفتی در یک مملکت آنقدرها با امور زراعتی ربط دارد که گفته میشود آنجا که ترقی صنعتی دیده میشود حتما در امور زراعتی که مولد مواد خام است نیز ترقی وارد گردیده اهالی آن ممکت جهت حصول مواد خام ضروری فابریکه های خود مجبور است که دست بطرف زراعت دراز نموده مواد لازمه خود را از اعماق اراضی وطن توسط آلات زراعتی عصری و استعمال پاروهای کیمیاوی بمقادیر تجارتی فراهم نماید .

فابریکہ نختابی جبل السراج

براعت ینہ توجہ نموده اراضی وسیعی ازینہ مزروع شده جز جریان فابریکہ مذکور طریقین براعت ینہ ترقی زیادی را داخل خواهد نمود. جای بسیار خوشی است که در عصر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادر شاه مرحوم میباشند به پیروی همان افکار بهی خواهانہ آن شهید مغفور در توسعه و ترقی صنعت توجه زیادی بعمل آمده علاوه بر مؤسسات نافعہ دیگر موفق شدیم که عنقریب



ماشین ندافی

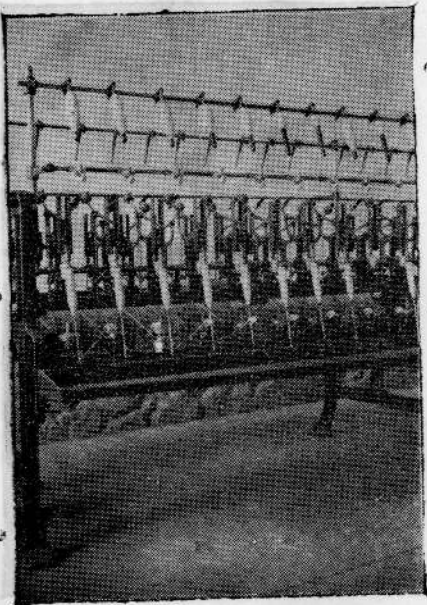
فابریکہ نساجی جبل السراج را ب حرکت اندازیم فابریکہ نختابی جبل السراج دارای عمارات یختمه کاری با اصول جدید بوده بهر اطاق آن ماشین های مخصوص از گنبل - نخ ریشی و بافت و رنگریزی نصب بوده مالک اطاقهای متعدد دیگر از قبیل کدام خانه ینہ و اطاق حلاجی و اطاق ندافی و اطاق خاک تکافی و اطاق قیته سازی و اطاق نخ ریشی و بیچاندین تار

موجوده خیلی هار و به ترقی نهاده اصلاحات مهمی در امور اقتصادی آن بعمل آمده است و اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه که قدم بقدم در ترقی وطن افکار پدر بزرگوار خویش را تعقیب مینمایند و به بهبود ملت و وطن علاقه مندی زیادی دارند در ترقی و توسعه صنعت و حرفت اهتمام زیادی داشته صرف مساعی مینمایند و شاهد نظریات شاهانہ شان همچو مؤسسات صنعتی است که در وطن عزیز ما تأسیس و ایجاد شده و یک قسمت از احتیاجات اهالی را فراهم نموده وطن را بالتدریج از پیشرفت های مؤسسات درخشان این عصر فرخنده یکی احداث و تأسیس فابریکہ نختابی جبل السراج است که با اثر تشویقات صنعت پروریهای اعلیحضرت همایونی و حکومت مصلح امروزه بعمل آمده موجبات امیدواری را فراهم ساخته است :

این فابریکہ بر طبق مراسم مؤسس بزرگ خود اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید غفر الله تعالی له تأسیس شده نظریه باینکه ماده ابتدائی آن ینہ در اکثر حصص شمالی زرع شده از خود وطن حاصل میشود یقین کلبی است که از جریان این فابریکہ رفاه کلبی برای اهالی وطن حاصل گردد برای تکافوی حوایج ملت که به منسوجات ینہ بی خیلی ها ضرورت دارد هر سال یک مقدار سرمایه بزرگ و طن بخارج میرود . چقدر جائی خوشی است که مواد ابتدائی منسوجات توسط خود افراد ملت بدست آمده توسط خود آنها منسوجات مروجی تبدیل گردد نه تنها همین فایده است که بوطن رسیده بلکه چنانچه پیشتر گفتیم ترقی صنعت و حرفت مربوط به ترقی و امور تأسیس زراعتی بوده می بینیم که دهها قبن وطن برای مواد ابتدائی فابریکہ مذکور سراز حال

« ماده ابتدائی فابریکه جدید التاسیس پنبه است »
پنبه یکی از محصولات مهم فلاحتی بوده در امریکا و مصر و هند
زراعت آن وسعت زیادی حاصل نموده است کاشت پنبه در افغانستان

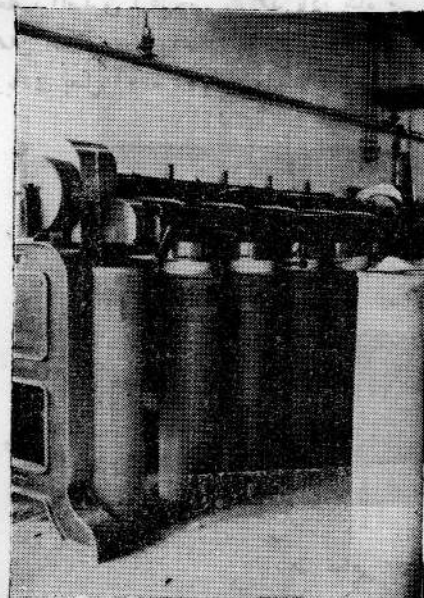
از قدیم الایام معمول
است لکن زراعت
آن تا این اوقات قرار
رسوم زراعتی قدیمه
بمعل آمده از آلات
جدید زراعتی و اصول
زراعت عصری کار
گرفته نمیشد خوشبختانه
حکومت ترقی خواه ما
که در هر زمینه برای
بهبود اهالی عطف توجه
نموده و می نماید برای
توسعه و اصلاح زراعت
پنبه ترتیبات مهمی ذریعه
شرکت اسهام گرفته
هر روز اصلاحات



ماشین مثله

جدیدی در زراعت پنبه
حاصل میگردد. حکومت ترقی روز ما نه تنها به تکافوی حوایخ فابریکه نساجی
عطف توجه نموده بلکه نظر به دارد که دامنه این شق زراعت روز بروز

وخانه بافت وخانه رنگرزی وخانه اصلاحات تنکه - تحویلخانه تنکه های
بافته و دفتر، وخانه ترمیم واستدشن برق.. تحویلخانه پرزه باسامان فالتو بوده
از هر جهت اطمینان بخش است. امید است که از جریان فابریکه نساجی



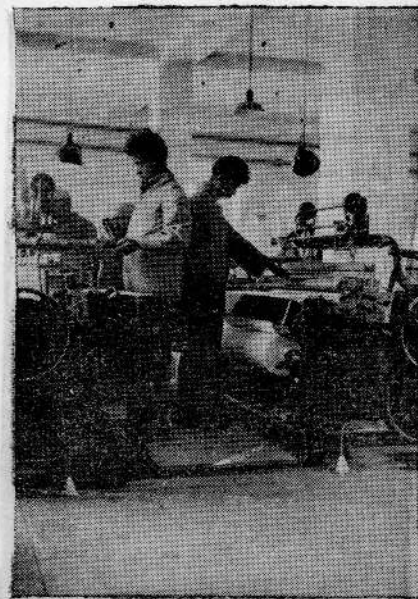
مصنوعات وطنی روه
ترقی گذاشته برای
رفاه عامه که همیشه
مد نظر حکومت
خیر خواه ما است هر
سال وسائل جدیدی
احداث گردد.
اهالی وطن عزیز ما
که زراعت طبعاً میل
زیادی دارند امید که
بر اهمیت این موسسه
بزرگ و مهم دقت
نموده به توسعه زراعت
پنبه که شرط اول جریان
فابریکه نساجی است

ماشین شانه

توجه نموده در ترقی و اصلاح پنبه و توسعه زرع آن صرف مساعی نمایند
تا یک حصه احتیاجات اهالی وطن ما در خود وطن تهیه گردیده تا یکحد
از احتیاج خارج فراغت حاصل نماییم.

رو به توسعه بوده یکمقدار پنبه وطنی بخارج هم صادر گردد ، چنانچه يك مقدار پنبه افغانی در روسیه در اثر قراردادیکه مابین دولت علیه افغانستان و جواهر اشترایکيه روسیه بعمل آمده صادر شده است . لهذا مسئله پنبه

هر روز رو به ترقی بوده صورت تازه بخود گرفته میرود و میتوان از فوائد زرع این ماده مهم جبران بسیاری از مشکلات تجارتي خود را نموده اراضی وسیعی را در افغانستان که استعداد خوبی برای زرع پنبه دارد قابل الزرع سازیم چنانچه در حصص قطعن و بدخشان رقبه های وسیع زمین بحال زراعت پنبه آماده برای

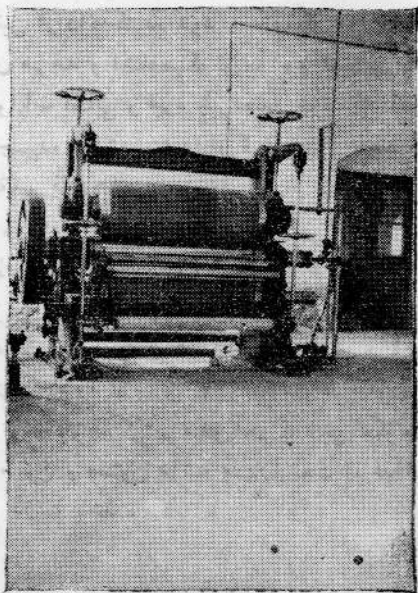


ماشین های بافت

دها قین وطن شغل اقتصادی مهمی پیدا شده است محصول پنبه امروز یکی از اجناس مهم تجارتي است اگر فلاحین در زراعت پنبه دقت کافی نموده و تخم های

زا که میکارند از جنس خوب انتخاب نمایند و مانند ممالک خارج در اصلاح اجناس پنبه وطنی صرف مساعی شده يك اداره فنی جهت تجارت لازمه

و اصلاح انواع پنبه تشکیل یابد البته از زرع پنبه در وطن عزیز ما که برای زرع آن دارای خواص طبیعی لازمه است فواید خوبی حاصل خواهد شد.



ماشین اتو

اگر در ترویج زراعت پنبه امریکائی و مصری در افغانستان صرف مساعی شود زرع نیکی بدست خواهد آمد ، پنبه امریکائی در حصص شمالی افغانستان نتیجه صحت خواهد داد .

لیکن پنبه مصری

چون زیاده تر حرارت بکار دارد برای حصص مشرقی و قندهار موزون تر معلوم میشود . این نبات از عائله پتیرک میباشد پنبه را از غوزه های نبات بدفعات متواتر بادست جمع میکنند لهذا این نبات در وقت درو نفری زیاد بکار دارد فی سال چهارمیلیارد کیلوگرام که

تقریباً پنجاه میلیون سیر می شود از این ماده در تمام دنیا درو کرده می شود علاوه بر پنبه بته پنبه یک حاصل دیگر هم میدهد که مدعا از پنبه دانه است پنبه دانه ۲۰ بر ۱۰۰ تیل میدهد که بخوراک استعمال میتوان شد چون تمامی تیل از دانه کشیده شود . چیزیکه باقی میماند بنام کنجاره پنبه بفروش میرسد و اشخاصیکه تربیه حیوانات میکنند اهمیت آن را برای حیوانات قصابی و غیره شیردهنده خوب میدانند ؛ پنبه بالای دانه ها چسبیده میباشد پنبه را از قرار طول تارهای آن باقسام ذیل تقسیم نموده اند :

- ۱ - پنبه تار کوتاه که از ۱۳ الی ۲۴ ملی متر طول دارد
- ۲ - « « « « ۲۸ » » » »
- ۳ - « « « « ۲۸ » » ۳۶ » » » »

هر قدر که تار پنبه طویل تر و محکم تر باشد هماتقدر قیمت آن بلندتر است زیاده ختم کلام را بدوای بقای حکومت خیر خواه و ترقی پرور خود نموده از خداوند کریم میخواهم که این حکومت ترقی پرور را از بلیات مامون و مصئون داشته ملت را تحت اثر عدالت گسترش آرام و مترقی داشته باشد .



پیشرفت های سپورتی

در افغانستان

بقلم - ش ، محمد یعقوب خان کندکشر
منشی انجمن اولمپیک افغانستان

فارئین گرام اطلاع دارند که انجمن اولمپیک ملی افغانستان به زیر سرپرستی اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان افغانستان و ریاست ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان سپه سالار غازی و وزیر امور حرب افغانستان از چند سال است که وظیفه مهم پیشرفت سپورت را بردوش خود گرفته و درین عرصه چهار سال از تاسیس خود انجمن مذکور توانسته است که در امور سپورت خدمت شایانی بنماید چنانچه اقدامات مهمه این موسسه از قبیل فرستادن هیئت های ورزشکاران افغانی بروسیه ، هندوستان و اروپا انعقاد و تورنمنت های داخلی و دعوت ورزش کاران خارجی برای مسابقه های هاکی و فوٹبال در مواقع جشن های استقلال افغانستان هر یک کمک فوق العاده برای پیشرفت سپورتی وطن عزیز رسانیده است .

برحسب معمول در سال ۱۳۱۶ هم از خارج سه تیم دعوت شده در جشن استقلال سال ۱۹ در بازبهای هاکی و فوٹبال با هیئت های افغانی مقابله کردند علاوه بر تیم های خارج ، امسال یک تیم فوٹبال از قندهار هم برای شمولیت و بازی در جشن استقلال آمد و کسانیکه

بیشرفت های سیورتی در افغانستان

۲ - تیم فت بال « ستاره سرحد » تیم مبتخبه سرحد شمال مغرب هندوستان

۳ - تیم هاکی « اندیندنت سیورت کلب دهلی » مسابقه هاکی سیورت با هیئت های خارجی بصورت آتی الذکر اجرا شد: مسابقه هاکی بین تیم رودرز کلب پشاور و تیم هاکی کلوب عسکری افغانی ۲ مقابل ۱ کلوب عسکری موفق گردید .

مسابقه هاکی بین تیم اندیندنت سیورت کلب دهلی و تیم کلوب عسکری ۱ مقابل ۲ کلوب عسکری مغلوب گردید .

مسابقه فت بال بین تیم محمودیه و ستاره سرحد مقابل ۲ تیم ستاره سرحد موفق گردید

مسابقه فت بال بین تیم استقلال و تیم سرحد ۲ مقابل تیم استقلال موفق گردید

علاوه بر تیم هاکیکه از خارج آمده بودند مسابقه که حسب معمول در جشن بین تیم افغانی و تیم سفارت برطانیه کابل بعمل آمد در هاکی و تینس به موفقیت تیم های افغانی منتج گردید .

مسابقه های فت بال بین « پشتون خوا » قندهار و تیم های کابل تیم پشتون خوا بمقابل تیم استقلال مقابل ۴ تیم استقلال موفق گردید
» » « تیم تفریح ۱ مقابل ۲ تیم تفریح موفق گردید

در مسابقه والی بال که در جشن استقلال اجرا شد تیم فرقه شاهنی نمره اول را حایز گردیده « قهرمان » تیم های والی بال در کابل شناخته شد .

در جشن بازی این تیم جدید افغانی را دیدند منصفانه خواهند گفت که درین غرضه قلیل از ترویج سیورت های عصری در افغانستان ولایت قندهار هم سهم بزرگی را در پیشرفت سیورت گرفته است اگر چه درین شبهه نیست که معیار بازی تیم (پشتون خوا) قندهار به نسبت کابل بست تر بود اما نباید فراموش کرد که اولاً جریان سیورت های عصری در قندهار از غرضه یک سال است و دوم انتخاب یک تیم از یک تعداد خیلی محدود و رززش کاران بعمل آمده است با این هم دوسه نفر در تیم پشتون قندهار چنان مهارت در بازی نشان میداد که نظیر آن ها در کابل کمتر دیده شده ، زحمتی را که ع ، ش سردار محمد داؤد خان نایب الحکومه و قوماندان عسکری قندهار درین زمینه کشیده اند خیلی قابل تمجید است و از اثر همین زحمت کشی ها بود که تیم قندهار برخلاف توقع یک نمایش فوق العاده را در جشن داده مورد تلطیف مخصوص حضور والا حضرت سردار سپه سالار صاحب غازی و رئیس انجمن اولمپیک افغانستان گردیده والا حضرت موصوف برای تقدیر خدمت که جناب سردار محمد داؤد خان و تیم قندهار برای پیشرفت سیورت کرده اند یک عدد « بلیزر » که از تکه رنگ بیرق ملی افغانی ساخته شده بود بهر یک از رززش کاران اعطاء فرمودند - پوشیده نمائند که موفقیت بگرفتن بلیزر یک افتخار فوق العاده یک ورزش کار میباشد .

تیم هاکیکه از خارج در جشن استقلال ۱۹ شرکت ورزیدند فرار ذیل است :-

۱ - تیم هاکی « رودرز کلب » پشاور

تورنمنت های داخلی

امسال نیز بقرار سالهای گذشته تورنمنت های هاکی وقت بال در مرکز اجرا شد. در تورنمنت های تیم های فرقه اول قول اردوی مرکزی تیم هاکی مکتب فنون حریه تیم و وزارت حریه و تیم مکتب حبیبیه شرکت ورزیدند درین تورنمنت بازیها بصورت ناک اوت (Knockout) اجرا گردیده - از شروع الی ختم تورنمنت بازی ها بصورت خیلی درست و منظم و به اثبات دسپلین فوق العاده از طرف شامین تورنمنت اجرا شد - اگرچه از دوسال باین طرف تیم فرقه اول قول اردوی مرکزی (قهرمان) تیم های کابل بوده ولی درین سال مساهمی که افراد تیم مکتب احضاریه در پیشرفت بازی کرده بودند اثر بخشیده در مسابقه آخرین تورنمنت تیم مذکور بر تیم فرقه اول قول اردوی مرکزی به ۲ مقابل ۱ گول غالب گردید - و به مصداق « مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد » جایزه معمول را گرفت .

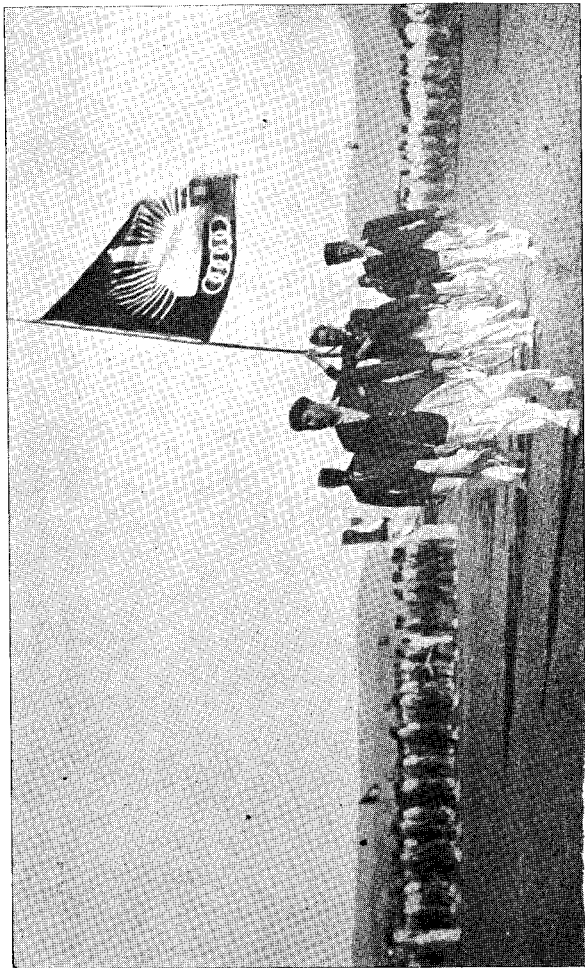
شاه محمود فت بال تورنمنت

از چند سال است که يك تورنمنت فوت بال بنام « شاه محمود فت بال تورنمنت » در کابل بازی میشود و این تورنمنت نسبت بدیگر تورنمنتها فوق العاده طرف توجه ورزشکاران و علاقه مندان سیورت واقع گردیده است . اگرچه امسال قبل ازین تورنمنت يك تورنمنت دیگری هم از اوائل بهار اجرا شده و دران تنها سه تیم شمولیت ورزیدند که از جمله آنها تیم مکتب استقلال قهرمانی را گرفت لیکن حسب معمول « شاه محمود فت بال تورنمنت » در شروع تیرماه جریان یافت . درین

تورنمنت از اصناف مختلف کابل « اعنی معارف ، عسکری و ملکی » ده تیم شامل شدند . در نتیجه تیم « محمودیه » در مسابقه آخرین تورنمنت بر تیم مکتب حبیبیه به ۲ مقابل - غالب و برای سه سال علی التواتر قهرمان تیم های کابل در تورنمنت « شاه محمود » شمرده شد اعضای « تیم محمودیه » اکشر ورزش کاران سالخورده « در سیورت شخصیکه سن او از ۳۰ بیشتر باشد سال خورده گفته میشود » کابل هستند و مشهور به « استخوان قدیم » میباشند - اگرچه امسال هم انها « کب » را گرفتند لکن چیزی را که در تورنمنت مشاهده کردیم و ترقی فوق العاده تیم های حبیبیه و استقلال را دیدیم گفته میتوانیم که در سال آینده تیم محمودیه برای نگاهداشت نام خود بحیث قهرمان تیم های کابل دچار مشکلات خواهد گردید . اگرچه کپتانی تیم « محمودیه » از آقای سید عبدالاحد خان دیپلوم انجنیر معادن (که يك ورزش کار صحیح است و برای سیورت افغانستان خدمات زیاد کرده) به آقای عبدالحکیم سرکاتب دائره تشریفات وزارت خارجه (که نسبتاً جوان تر میباشد) نقل کرده مگر ما به تیم محمودیه توصیه میکنیم که از حالا نفری جوان تر را در تیم خود موقع بدهند - و گر نه استخوان قدیم خدا نخواسته جو جو خواهد شد .

رسم گذشت ورزش کاران افغانی

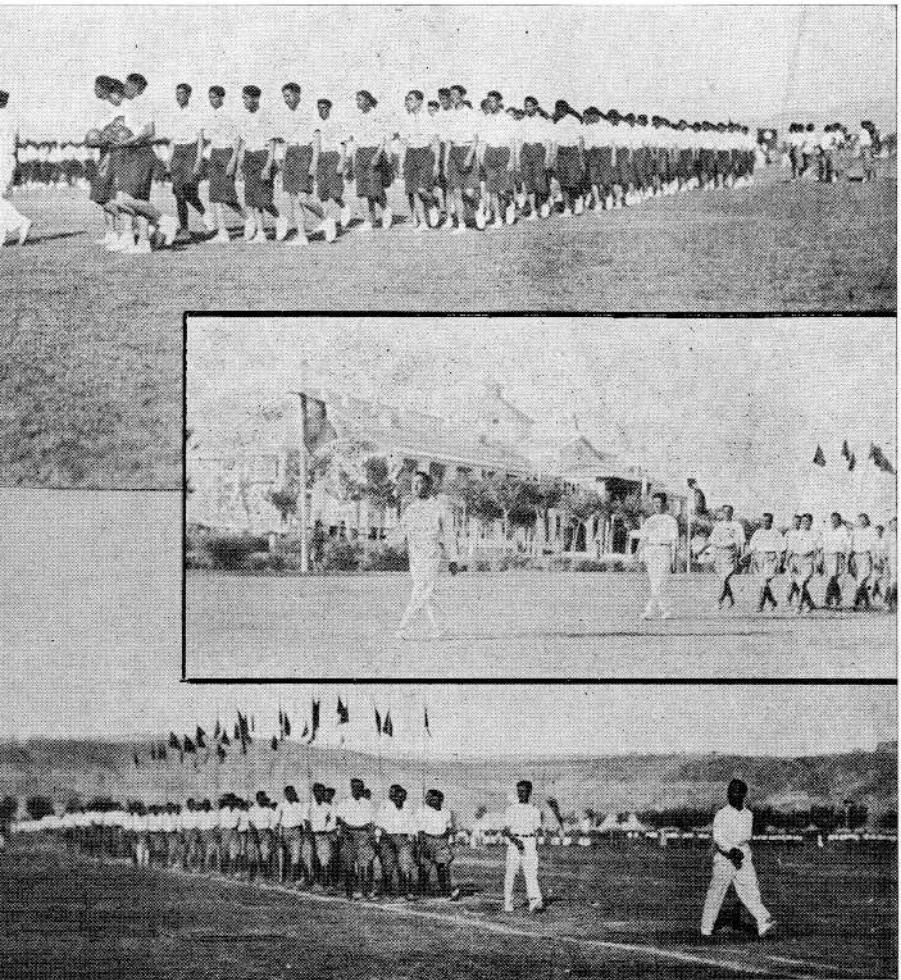
امسال نیز بر طبق سالهای گذشته رسم گذشت ورزش کاران افغانی با تشریفات بزرگی بحضور اعلیحضرت اقدس همایونی اجرا گردید قرار پروگرام بالغ بر شش هزار سیورت مین در میدان هاکی مقابل عمارت کلوب حریه بصورت تیم های تینس - هاکی - فت بال - والی بال ، ورزش های انفرادی ایستادند - لدی الوردو اعلیحضرت اقدس همایونی



رسم گذشت ورزشکاران افغانی در زدهمین جشن استقلال، والا حضرت افغم وزیر صاحب خریه
 و اعضای اولمپیک افغانی با بیرق اولمپیک افغانی از حضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند
 Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance)
 au devans S. A. R. le ministre de la guerre

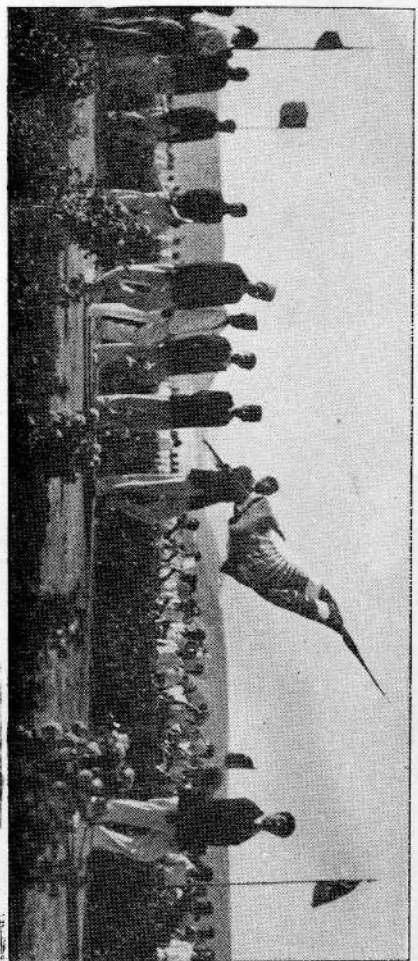
سالنامه « کابل »

والاحضرت معظم سردار شاه محمود خان رئیس انجمن اولمپیک افغانستان که لباس تینس ملبس بودند رسم تعظیم حضور اقدس اعلیحضرت شہریاری را بقوماندۀ « تیاریسی » اجرا و موزیکه نغمۀ سلامی اعلیحضرت شہریاری را نواخت و در هر حصہ نعرہ « عمر دیرشہ یاچا » از ورزش کاران بلند گردید . بعد از ایفای رسم تعظیم رسم گذشت شروع شد و بقرار معمول اول والا حضرت سردار شاه محمود خان که در عقب آنها پرچم اولمپیک افغانستان گرفته شدہ بود از حضور مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی گذشتند و بہ تعقیب آنها اعضای انجمن اولمپیک افغانی ، اعضای ہیئت ورزش کاران افغانی کہ در اروپا رفته بودند - اعضای ہیئت افغانی کہ در ہند رفته بودند ، نفری تینس ، نفری هاکی ، نفری فٹ بال ، نفری والی بال ، نفری ورزشہای انفرادی علامہ های مخصوص ورزش و قطعہ و صنف خود را گرفته رسم گذشت را ایفا کردند . اعلیحضرت اقدس همایونی ہم بتوبہ خود رسم تعظیم ہر صنف را علیحدہ علیحدہ بہ الطاف مخصوص ذات شاہانہ خویش قبول فرمودند - رسم گذشت ورزش کاران یک و نیم ساعت دوام کرد و حسن اجرای آن و ترتیبات عالی وزیای رسم گذشت چه از حیث لباس و چه از حیث وضعیت و رفتار ورزش کاران کہ بہ توجہ خصوصی حضور والا حضرت معظم سردار شاه محمود خان غازی بروی کار آمدہ بود مورد تحسین و تمجید فوق العادہ اعلیحضرت اقدس همایونی و عمومی ناظرین واقع گردید .



رسم گذشت ورزش کاران در جشن استقلال سال نهم
 défilé des sportifs afghans à l'occasion des fêtes de l'indépendance (1397)

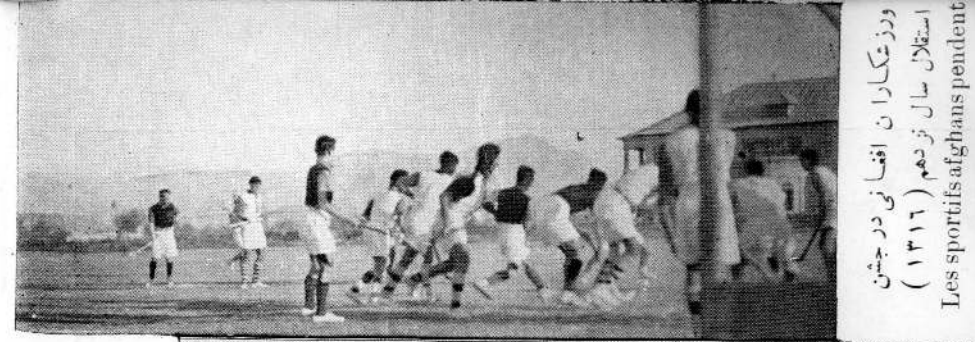
رسم گذشت ورزشکاران افغانی در نهمین جشن استقلال : والا حضرت افغمت وزیر صاحب حر به
 و اعضای اولمپیک افغانی با بیرق اولمپیک افغانی از حضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند
 (Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance)
 au devans, S. A. R. le ministre de la guerre



بیشرفتهای سیورتی در افغانستان

نظریه انجمن اولمپیک امریکا نسبت بوضعیت تیم افغانی در یازدهمین بازیهای اولمپیک که در سال ۱۹۳۶ در برلین انعقاد یافته بود

پوشیده نیست کاریکه از خارج در یک مملکت داخل میشود و بپایه تکمیل رسانیدن و بادران کار تخصص پیدا کردن برای خود زمانه درازی میخواهد. چنانچه مشهور است (بسیار سفر باید تا پخته شود خامی)، سیورت های عصری مثلکه پیشتر عرض شد در مملکت عزیز ما از عرصه خیلی قابل ترویج یافته است و در حینیکه حکومت متبوعه ما بواسطه انجمن اولمپیک افغانستان دعوت کجیه اجرائیه بازیهای یازدهم اولمپیک بین المللی منعقد برلین را قبول کرد در عالم سیورت همچنان فوق العاده تولید گردید و از هر طرف حاشیه آرائی میشد که هیئت اولمپیک افغانی که هنوز مراحل ابتدائی سیورت را هم طی نکرده بالمقابل ورزش کاران دنیا که هر یکی آنها از هزاران نفر انتخاب و تجارب عملی و نظری چندین ساله را دارا میباشد چه خواهند کرد؟ مگر بفعوای مثل مشهور انگلیسی (جائیکه خواهش باشد، راه پیدامی شود) افغانها هم به همان عزم متین خود که خاصه قوم افغان است از استعداد فطری خود استفاده کرده در همه سیورت ها مشق چند ساله و مخصوصاً در هاکی ملکه فوق العاده را نشان داده در میدان مسابقه داخل گردیده دیدند چنانچه از دوره اروپا نتایج مسابقه هارا مفصل در سالنامه گذشته عرض کرده ایم اعنی از ۴۵ مسابقه افغانها در ۲۹ موفق در ۱۱ مغلوب و در ۵ مسابقه مساوی بر آمدند - صرف نظر از نتایج بازی - چیزیکه در یک مسابقه مورد



ورزشکاران افغانی در جشن استقلال سال نهم (۱۳۱۶)
Les sportifs afghans pendent

در بالا منظره

مسابقات دوستانه

بین تیم هاکی

افغانی و تیم

le fêtes de l'indépendance (1937)

L'équipe de hockey



پشاور در وسط و با این مناظر مصاحبه
دوستانه تیم های مذکور
afghan avec l'équipe de Peshawar

حکم معرفی شده بود و وظیفه حکمیت را در تورنمنت ها که در بازیهای بین المللی هم دوماً اجرا کرده بود، حکم بین المللی شناخته شد « درستون دوم صفحه ۲۱۷ - آن تحریر است :

« ممالک مختلف اروپا هنوز هم نوع قدیم بازی (اعنی توپ را بجدیّت رد کردن و دور رساندن) را تعقیب میکنند این نوع بازی خیلی مخوف و برخلاف اصول است . لاکن جایا نیها وافغانها صورت بازی هندی را تعقیب کرده و بسیار خوب ترفی میکنند »

از اقتباس راپورت فوق مقصد ما این بود که برای فارین گرام وعلاقه مندان سپورت و ورزش کاران و وطن عزیز خود خاطر نشان کنیم که مقصد از سپورت تنها موفقیت نیست بلکه حسیات صحیح سپورت را نشان دادن میباشد . اگرچه افغانستان در اولمپای یازدهم در هاکی نمره (۵) را خایز گردیدند لاکن بصورت عموم با در نظر گرفتن کمی سنی افغانستان در فامیل سپورت دنیا مخصوصاً در هاکی بهترین و مترقی ترین تیم آن وقت شمرده شدند .

انجمن اولمپیک افغانستان بکمال افتخار گفته میتواند که زحمتهاییکه شخص رئیس اولمپیک ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی وباقی اعضای اداری انجمن مذکور برای پیشرفت سپورت کشیده اند ، بیچ صورت بیجا نرفته ونتیجه فوق العاده خوب بخشیده است البته از طرف جنبه های که یکی از اساس های پیشرفت سپورت است انجمن اولمپیک افغانستان فوق العاده از حکومت متبوعه خویش ممنون است که نظر به پیشنهاد ریاست اولمپیک حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله از هیچ گونه کمک مادی و معنوی خود داری نفرموده

توجه مخصوص ناظرین میباشد اصل بازی نیست که کدام طرف غالب میشود و یا کدام طرف مغلوب بلکه این دیده میشود که کدام تیم بر نسیب (اساسات) های سپورت را بدرستی تعقیب و مقابله جدیانه میکنند از همینست که مادرین جا بعضی حصص راپورت کمیته اولمپیک امریکائی را که راجع به تیم افغانی است اقتباس میکنیم :

در صفحه (۱۶ - ۲۱۵) راپورت مذکور تحریر است :

« مسابقه سوم ما به تیم افغانستان بتاريخ ۱۳ - اگست در میدان دوم اجرا شد منتیج به ۳ - مقابل موفقیت افغانها گردید .

در نصف وقت اول بازی نتیجه ۲ مقابل بطرف افغانها بود . اگرچه افغانها بمثل هندیها آتقد رتیز و متخصص فن ها کی نبستند لاکن طرز بازی هندیها را خوب درک کرده اند و درین وقت مترقی ترین تیم های تورنمنت بودند . در اختتام تورنمنت به آنها (کپ یال لیوتی) اعطا گردید . اگرچه درین اشتباهی نیست که تیم افغانستان (بدون از هند و المان) بهترین تیم های مشمولین تورنمنت بودند لاکن تیم ما هم مقابله خوب و جدیانه بر علیه آنها کرد . »

درستون دوم صفحه ۲۱۶ راپورت مذکور تحریر است .

« صورت حکمیت مختلف بود . حکم های هندی افغانی و اکثریه المانی فوق العاده خوب بود اگرچه دیگر ممالک هم حکم های درجه اول داشتند لاکن بصورت عموم معیار حکمیت آنها اینقدر بلند نبود .

از اثر همین بود که قرار پیشنهاد کمیته تخنیککی انجمن بین المللی هاکی ومنظوری انجمن مذکورش ، محمد یعقوب خان سکرتر اولمپیک افغانی که در بازیهای اولمپیک یازدهم در المان از طرف افغانستان

پیشرفت‌های سیورتی در افغانستان

بود که يك پروگرام صحیح و يك معلم در ست برای سیورت نداشتند و درحینکه اولیای امور معارف باین طرف توجه خود را شروع کردند دیدیم که شاگردان معارف گامهای سریع را بطرف پیش رفت اساسی سیورت میبردانند - چشم امید ما چه در دیگر شعبات امور وطن عزیز و چه در سیورت بسوی معارف است و ما یقین کامل داریم که انشاالله تعالی در یرتو افکار قیمت دار حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله و زحمت کشیهای فوق العاده جناب وزیر صاحب معارف و دیگر مامورین وزارت مذکور، معارف و سیورت اهل معارف افغانستان در مدت قلیل بدرجه های اعلی خواهد رسید انجمن اولمیک افغانستان هم بنوبه خود زحمتی را که ع ، ج سردار محمدنعیم خان وزیر صاحب معارف و باقی مامورین وزارت مذکور در توسعه سیورت کشیده بصورت تقدیر نگر بسته از خدای متعال آرزو دارد که وزارت جلیله معارف در پروگرام عرفانی و سیورتی خود به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

تورنمنت شطرنج در کابل

علاوه بر بازیهاییکه منتج به تربیه بدنی میشود شطرنج يك بازیست که به تربیه دماغی تاثیر فوق العاده میکنند و امروز این بازی شهرت بزرگ بین المللی را حائز گردیده است . علاوه شوق شطرنج بازی در مملکت ما از قدیم موجود و همواره این بازی در مجالس اشخاص مهذب موجود بوده و میباشد . چنانچه به اساس همین نظریه انجمن

و علاوه بران دلچسپی که شخص مبارك اعلیحضرت المتوکل علی الله شاه جوان افغانستان به شرکت وجود مسعود مبارك شان به نفس نفیس در سیورت‌های عصری نشان داده فوق العاده به ترقی سیورت افغانستان کمک رسانده است . انجمن اولمیک از درگاه حضرت ایزد متعال نیاز میکنند که افغانستان عزیز به زیر سایه این شاه منور و صاحب ذوق خود پیش از پیش به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

پیشرفت‌های سیورت در معارف

وزارت معارف به توجه خصوصی ع ، ج ، سردار محمد نعیم خان وزیر جوان و فعال خود در امور سیورت هم پیشرفت زیادی کرده چنانچه دیده شده که علاوه بر بازیهای مروج از قبیل هاکی - فتبال و الی بال - سیورت های دیگری هم از قبیل سکی (برف مالک) و (هیند بال) و آب بازی خوب جریان دارد - برای اینکه بازی های مذکور بصورت فنی ترویج یابد وزارت معارف آقای (بردوز) المانی را که از فارغ التحصیلان اکادمی سیورت المان است استخدام نموده - از راپورت‌هاییکه دائره اولمیک گرفته معلوم میشود که این معلم جدید سیورت معارف در وظایف خود خیلی جدیدت و فعالیت نشان داده از معلومات و تخصص خود شاگردان خود را عملا بیک معیار بزرگ سیورت رسانده چنانچه در او ائل سال در تورنمنت فت بال وزارت معارف تنها يك تیم مکتب استقلال را داشت ولی در تورنمنت شاه محمود از وزارت معارف تیم داخل شدند .

شبهه نیست که بهترین تیم های سیورت باید از وزارت معارف برآید و اگر تا حال وزارت معارف باین مقصد نائل نبود سبب آن

اولمپیک افغانستان برای انعقاد یک تورنمنت شطرنج اعلان کرد و خوش بختانه چون این بازی علاقه مندان زیاد دارد یک عده بزرگ شطرنج بازان کابل درین تورنمنت شرکت ورزیده اند - از انجا که تورنمنت مذکور بایستی بصورت قوانین بین المللی جریان می یافت اداره اولمپیک بمعاونت جناب عبدالوهاب خان مدیر شعبه شرق وزارت خارجه قوانین بین المللی را ترجمه و برای علاقه مندان شطرنج توزیع نمود وضعیت بازی درین مسابقه خیلی اطمینان بخش بوده ، مهارت و رسائی فکر شطرنج بازان افغانی را باثبات میرساند و در نتیجه تورنمنت جناب سید فیض الله خان پاچا نومره اول و جناب ایشانصاحب «خیام» نومره دوم و جناب عبدالوهاب خان مدیر شعبه شرق وزارت خارجه نومره سوم بر آمدند .

تورنمنت بلیارد

بازی بلیارد که یکی از بازیهای معروف و مفید و ضمناً یک قسم سیورت خانگی نفیس است ، درین اواخر در وطن عزیز ما رواج زیادی پیدا کرده - بنابراین انجمن اولمپیک اخیراً برای یک تورنمنت ابتدائی ترتیب گرفته و عموم شوقمندان بلیارد را دعوت داده است تا در کلوب حریره این مسابقه را شروع کنند برای موفقیت حاصل کنندگان از طرف انجمن اولمپیک علاوه بر لقب (قهرمان بلیارد افغانستان) جوایز مناسب نیز داده خواهد شد .

پشتو تولنه

انجمن ادبی

بقلم جناب محمد قدیر خان « تره کی »

فلسفه پیدایش اکادمی ها و اهمیت و لزوم آن ها

درین شاید هیچ اشتباهی نباشد که هر ملت از خود خصائصی دارد که آن خصائص عبارت از خصائص روحی و جسمی بوده هر دوی آن مولود عوامل جغرافیائی و وراثت نژادی و محیط اجتماعی همان ملت میباشد .

این خصائص در افراد ملل در عین اینکه متفاوت است یعنی کم و زیاد میباشد مهندا در کلیات و اساس امر هم واحد و یکسان بوده روح همان ملت را بوجود میآورد یعنی از تفاعل و تمازج اعمال و حرکات افراد یکدسته حقایق بیرون میآید که مظهر روح همان ملت بوده و همان صفت ممتاز ملی را تولید میکنند که اروپائی ها آن را (کولتور) ، و عربها (ثقافت) نام میگذارند و ما هم آنرا (ٲیریۀ ملی) میتوانیم نام بگذاریم . کولتور هر ملت صفت ممتاز و وجه ما به الامتیاز همان ملت است و همان طوریکه بال وصف امتیاز مرغ از مخلوقات حیه و مسباح صفت ممتاز ماهی از حشرات خشکه است همچنان کولتور نماینده امتیاز و فرق یک ملت از ملت دیگری میباشد ، از همین سبب است که

پشتو تولنه را در ذیل این مقاله الحاق مینمائیم ازین جهت زاید درباره اهمیت و لزوم و وظیفه مذکور بحث نکرده همین قدر میگوئیم که: مملکت ما مملکتی است کوهستانی و از روی بحر روی همرفته (۲۰۰۰) متر ارتفاع داشته دارای هوا و فضای بی است دلکش محیط مساعد برای برداشتن هر گونه محصولات لهذا مؤثرات متوالیه هوای نسبی، محیط جغرافیائی، رفاه و آسوده گی اقتصادی و صدها گونه عواملی دیگریکه ازین گونه محیط ها در روح و جسم ملل رونما میشود همان طوریکه هویت ظاهری (جسمی) ملت ما را ممتاز جلوه میدهد در روح ملت هم استعدادات بس گران بهائی تولید کرده است که هر کدام آن استعدادهای در موارد خودش مزیتی است که باین ملت میبخشد پس زبان ادبیات عرف و عادات قومی و اجتماعی و بالاخره تمام مسائلیکه را بطه باروح ملت دارد دارای اهمیت مخصوصی بوده زمینه تبع و کنجکاوای را تهیه میکند و ایجاد مینماید که اولاد های این خاک باید هر کدام علی قدر سهمم در احیا و تنمیه این قبیل مفاخر ملی خود بکوشند و طبیعی بود که باید اکادمی مخصوصی در مملکت برای تبع درینگونه مسائل روی کار میآید همین بود که این افتخار اولا نصیب اعلیحضرت شهید غفرالله له و سپس عائد به اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه شد زیرا که اولی اساس انجمن ادبی و دومی شالوده پشتو تولنه را گذاشتند.

گفتم طبیعی بود بلی: البته ما میل داریم سعادت آتیه ملت ما تامین شود، ملت عالم و با سواد گردد، زبان پشتو تعمیم یافته استقلال زبان داشته باشیم، علوم و ادبیات ملی ما بهر اندازه

حس ناسیو نالیزم (ملیت خواهی) افراد منور و علمای هر ملت را وادار کرده است تا جهت حفظ همین امتیازات ملی خود شان مؤسسه ها ئی بوجود آورند که آن مؤسسه ها همین اکادمی ها میباشد (۱) پس از روی این مطالعات فهمیده میشود که اکادمیها به مفهوم امروز حافظ ادبیات، صنایع اخلاقیات، اجتماعیات، عرف و عادات، زبان و بالاخره تمام عوامل روحی و معنوی ملل است که آن را در فوق کولتور یا ثقافت گفتیم.

وظیفه امروزه اکادمی های عالم اینست که آن ها از یک طرف علوم و فلسفه و ادبیاتی را که بروی ساختمان روحی ملی ایشان اتکاء دارد ترقی و از طرف دیگر علوم، فلسفه، ادبیات و... ملل دیگر را وارد وطن خود نموده آن را با مبادیات روحی و اخلاقی ملل خود شان تطبیق و جزء کولتور ملی خود میگردانند و آن را رنگ ملیت میدهند یا به تعبیر بعضی ها بران (تابه) ملی میزنند، گویا اکادمی ها در حیات اجتماعی ملی و حیات عمومی بین المللی دارای رول عمده و مهمی میباشند و از همین جهت است که باید وجود پشتو تولنه را که اکادمی افغانستان میباشد بسیار قدر کرده اهمیت اقدام بزرگی را که حکومت متبوعه در تاسیس این مؤسسه نافع بعمل آورده است بسیار بزرگ دانست زیرا اگر خدا بخواهد این مؤسسه منشاء تمام نهضت های آتیه ملی ما خواهد بود زیرا این مؤسسه محی زبان و ادبیات پشتو و وارد کننده علوم و فنون، فلسفه دنیا در مملکت میباشد و چون مراسمنامه

(۱) طوریکه در تاریخچه اکادمی ها مطالعه میفرمائید پیدایش اکادمی های اولیه نه باین مقصد بلکه جنبه مدرسه وی داشته است ولی امروز مرام آن ها عوض شده باین حال در آمده است « تره کی »

بردن نام و هویت همان اکادمی‌ها می‌پردازیم. که دارای شهرت بین‌المللی اند و از بردن اسمای اکادمی‌های در جات دوم به علت جلوگیری از طولیل شدن بحث خود داری می‌کنیم :

پیدایش کلمه اکادمی :

همان طوریکه منشأ تمام اختراعات علمی و مدنی و فلسفی و صدها فضائل دیگر انسانی یونان است هم چنان منشأ اکادمی‌ها هم یونان میباشد زیرا این کلمه مولود مدرسه فلسفه افلاطون است چه افلاطون بر خلاف شاگرد خود ارسطو که مدرسه فلسفی خود را در تفرجگاهی بنا نموده عنوان مشائی یافت درسگاه خود را در باغی که اکادمی نام داشته متعلق به پهلوانی موسوم به اکادموس بود بنا نهاده ازین سبب به مدرسه خود عنوان اکادمی و به فلسفه خویش نام اکادمیک داد و تا امروز هم وقتیکه نامی از فلسفه یا مدرسه افلاطون برده می‌شود توأم با نام اکادمی میباشد .

گویا افلاطون اولین مؤسس اکادمی و مدرسه او نخستین اکادمی دنیا بوده است مراسم اکادمی افلاطون خالص فلسفه و اعضای آن شاگردان او بودند که رشیدترین آن‌ها ارسطو میباشد ، فلسفه افلاطون در اطراف موضوعات مهمه ماورای طبیعی و طبیعیات و نفسیات بوده اساس آن را به عقیده خودش ریاضی تشکیل میداد زیرا او در دیوار اکادمی منوشته بود که « هر که ریاضی نمی‌داند وارد اکادمی نشود. » بعد از افلاطون اگرچه در یونان انجمن‌های متعدد دیگری هم شبیه باین اکادمی روی کار آمد ولی چون آنقدر اهمیت نداشتند صرف نظر شد .

و هر ششگلی که هست است در اداره و احادی تمرکز داده شده پیشرفت کند ، افسانه‌ها و داستان‌ها و تمام عناصر مردم‌شناسی (فولکلور) از تمام زوایای مملکت جمع شود ، تاریخ ملی تدوین گردد ، اختراعات پدران پاك روان ما آفتابی شود ، قاموس ، گرامر زبان تدوین و مکمل گردد ، علوم ، ادبیات ، فنون ، صنایع نفیسه و فلسفه عصری دنیا را تا به ملی زده به جامعه نشر نماییم و بالاخره بتمام فضائل معنوی ملت خود را مجهز به بینیم این‌ها و امثال این‌ها تماماً عواملی میباشند که وجود یک اکادمی را در مملکت ما ایجاد میکرد همین بود که خوش بختانه وجود پشتو تولنه این آرزوی ما را بر آورد و مملکت را دارای یک اکادمی گردانید .

توجهات حکومت و زحمتی که وزیر دانشمند معارف سردار محمد نعیم‌خان در پیش برد مراسم پشتو تولنه متحمل می‌شوند و در اکثری از جلسات آن شخصاً حضور بهم می‌رسانند بما یقین میدهد که پشتو تولنه مانند تمام اکادمی‌های دنیا بالمره به مراسم خود نائل خواهد شد .

تاریخچه اکادمی‌ها :

برای اینکه خوشر توانسته باشیم اهمیت پشتو تولنه و بالنتیجه اهمیت اقدام حکومت را درین زمینه نشان بدیم رجوع می‌کنیم به تاریخچه اکادمی‌های دنیا تا دیده شود که ممالک عالم در طی چگونه زحمت اکادمی‌ها را اساس گذاشته و اکادمی‌های آن‌ها در ممالک خودشان مصدر چگونه خدماتی شده و دارای چه نوع اهمیت میباشند ؟ این است بالنوبه نگاشته می‌شود ولی باید ملتفت بود که ما تنها به

رول عمده آن را دانت، پترارک، بوکاس به عهده داشتند جلوه نموده اولاً زمینه سبک ادبی موسوم به هوما نیزم (بشردوستی) را حاضر و بعد ازان سبب انتشار دوره رنسانس (انتباه ویداری) در اروپا شدند.

دوره رنسانس در اروپا در حقیقت آفتابی بود که با اروپا طالع شده زوایای تاریک آن دیار را منور گردانید زیرا دوره رنسانس ادبیات ملل اروپائی را احیاء، صنایع ایشان را ترقی، علوم و معارف را ترویج داد.

گویا در نتیجه مهارت و تبحر اشخاصی که رول های رنسانس را به عهده داشتند علما، ادبا، صنعتکاران از در و دیوار پاریس گرفته هر طرف اروپا مخصوصاً فرانسه بالاخص قسمت جنوبی آن مملکت یعنی (پراونس) کانون شعرا و نویسندگان شد پس اکادمی های امروزه را میتوان نتیجه مستقیم حرکت یکدسته شعرای جنوبی فرانسه که ابتدا در شهر پراونس ظهور و از قرن ۱۱ الی اواخر قرن ۱۳ رونق افزا بودند دانست زیرا در سنه ۱۴۳۳ درین شهر اکادمی معنوی (اکادیمیا پوشانیانا) تاسیس گردیده فکر تاسیس کردن اکادمی و لزوم آن را در اروپا ترویج و تعمیم دادند تا اینکه رفته رفته در هر مملکت اروپا اکادمی های متعددی که مصروف اصلاح و ترقی یک شعبه زندگانی ملی بودند روی کار آمد گویا باین صورت اکادمی های امروزه دنیا را میتوان به پنج نوع تقسیم کرد:

- ۱) اکادمی های علمی و فنی (۲)
- ۲) اکادمی های ادبی (۳)
- ۳) اکادمی های آثار عتیقه و تاریخ (۴)
- ۴) اکادمی های طب و جراحی (۵)
- ۵) اکادمی های صنایع نفیسه.

بعد ازان که یونان از سیادت و عظمتیکه داشت افتاد و بیرق علم و معرفت بتوجه جانشینان اسکندریه اسکندر در اسکندریه بلند شد مدرسه فلسفی دیگری در اسکندریه بوجود آمد که دارای عنوان اکادمی بوده است و آن را (Neu academy) اکادمی جدید نام میگذاشته اند، این اکادمی هم دارای مراسم فلسفی بوده بعلمی اکادمی جدید نامیده شد که مؤسسون آن میخواستند فلسفه افلاطون را با بعضی ایزادات از مدارس دیگر فلسفی که بصورت انتخاب Eclactic (۱) ۹ بوجود آورده بودند تجدید نمایند و نیز در اوائل قرن ۳ میلادی اولین شاه بطالسه در اسکندریه انجمن دانشی به نام موزیم تاسیس کرد که شبیه به اکادمی های امروزه بوده است و اعضای آن اکادمی متبحرترین مردان شرق و یونان بوده اند.

روپهرفته اکادمی هائیکه بعد ازان در اسکندریه و سپس در مراکز علمی و ادبی رومی کبیر تاسیس شدند تماماً شبیه بانجمن هائی بوده است که نمی توان آن ها را اکادمی نام داد یعنی دارای شرایطیکه اکادمی ها میباشند نبودند.

اساس اکادمی های امروزه :

بعد از قرن ۱۲ میلادی نهضتی در اروپا دیده شد که منشأ آن ایتالیا بوده است این نهضت اولاً بشکل یک نهضت ادبی که بعدها

فلسفی (۱) مدعا اقتباس افکار صحیح و طرد افکار ضعیف از طریقها و مذاهب سائره است و چنین یک طریقه را که در اخذ افکار دیگران پابند انتخاب باشد مدرسه انتخابی میگویند.

اما این تعداد تا سنه ۱۶۳۹ اکمال نگردیده بود .
 وظیفه مهم اعضا تحریر مقالات ادبی بود که به نوبت مینوشتند .
 بزرگترین خدمتیکه اکادمی مذکور در آن وقت نمودها نا تدوین
 قاموس زبان فرانسوی بود که در سنه ۱۶۳۹ آغاز و اولین طبع قاموس
 مذکور در سنه ۱۶۹۳ و آخرین آن که دفعه ششم بود در سنه ۱۸۳۵
 به عمل آمد و از آن به بعد ضامنی به قاموس مذکور الحاق گردیده است .
 کارتدوین قاموس زبان فرانسه در آن وقت در حقیقت آب حیاتی
 بود که به گلوئی مریض محتضری ریخته شد زیرا السنه دیگر اروپایی
 به شدت تمام بالای زبان فرانسه نفوذ میکرد و کمر آن را در زیر بار
 لغات بیگانه خم مینمود از همین جهت (ولته بزرگترین نویسنده آن
 عصر) این اقدام را چنین تمجید نموده بود ؛
 « این هیئت کوچکی که آن را جمعیت میگویند شگوفه بشریت است
 و بزرگترین انسان ها برای اجرای مراسم آن ها کار میکنند » و مولیئر
 گفته بود : « چیزیکه باید از همه بیشتر حاصل کرده شود ذوق دربار
 شاهی است زیرا در هیچ جامانند در بارشاه تصاویر درستی اتخاذ
 کرده نمی شود . »

تشکیل دوباره اکادمی مذکور :

انقلاب معروف سنه ۱۷۹۳ فرانسه هم چنان که اکثری از موسسات
 قبل از انقلاب را از بین برد اکادمی فرانس هم سقوط کرد و بعد از آن
 مجلس کونواسیون که در خرابه های باستیل بوجود آمده بود ، تصمیم
 کرد تا تمام موسسات ویران شده انقلاب را بصورت یک موسسه جامعه

اینک در ذیل به نهایت اختصار در اطراف معروف ترین اکادمیهای
 مذکور وارد بحث می شویم و قبلا باید گفت که از اکادمیهای
 درجات دوم و سومی به نهایت اختصار و از اکادمی های درجه اول
 که در دنیا دارای شهرت و مقام بزرگی میباشند قدری مفصل تر بحث
 خواهیم کرد تا خوبتر بتوانیم درجه لزوم و اهمیت اکادمی ها و
 وظایف آنها را خاطر نشان نماییم .
 یکی از همین اکادمی های بزرگ و معروف اکادمی فرانس است
 که اینک مورد بحث قرار داده می شود .

اکادمی فرانسه :

در سنه ۱۶۲۹ چند نفر ادبای پاریس در بین خود مجلس نموده فیصله
 کردند که هر هفته جلسه کرده در اطراف موضوعات ادبی بحث کنند و
 وقتیکه یکی از ادبای مذکور کدام مضمون ادبی مینوشت همان مضمون
 را در محضر رفقای دیگر خود قرائت میکرد . اگر چه اعضای این مجلس
 تعهد نموده بودند جلسات ایشان مخفی بماند ولی آوازه مجلس مذکور
 به سمع ریشلیو وزیر معروف لوی ۱۳ رسید وقتی ریشلیو دید جلسه های
 ایشان به حال ملک و ملت بسیار مفید است عهد کرد که شخصا از ایشان
 حمایت نماید همان بود که برای تشکیل یک انجمن بحضور پادشاه وقت
 پیش نهاد نموده پیش نهاد مذکور در ۲۹ جنوری ۱۶۳۵ منظور شد .
 اعضای ربهسنه این انجمن عبارت بود از یک مدیر و یک نفر مهر دار
 که بطور قرعه انتخاب میگرددند و یک منشی که بقرار رای مقرر میشد ،
 وظیفه مدیر ریاست بود و مهر دار سندات رسمی اکادمی را
 مهر و لاک میکرد . عده اعضای این اکادمی معین و چهل نفر بود

مجدداً تشکیل و احیای نامید همین بود که اکادمی معروف فرانس را که تا کنون وجود داشته از معروف ترین و بزرگترین اکادمی های دنیا میباشد تاسیس نمود اعضای اولیه این اکادمی ۱۸۴ نفر از مرکز پاریس و ۱۸۴ نفر از اهالی اطراف و ولایات داخلی فرانسه و ۲۴ نفر خارجی تعیین گردیدند .

هر کدومی از اعضای این اکادمی در وظیفه خود مختار بوده همه وقت مورد نوازش حکومت واقع میشدند .

این اکادمی در اول تا سیس خود دارای سه شعبه بوده است از قبیل : « ۱ » علوم طبیعی و ریاضیات « ۲ » علوم اخلاقی و سیاسی « ۳ » ادبیات و صنایع نفیسه .

اولین جلسه این اکادمی در سنه ۱۷۹۶ منعقد گردید و بعد از آن ناپلیون کبیر در اکادمی مذکور بعضی تعدیلاتی وارد کرد و تعدیلات مذکور در سنه ۱۸۳۲ دوباره فسخ شده اکادمی بحال اصلی خود عودت و اکنون دارای پنج شعبه مثل : (۱) شعبه علوم طبیعی و ریاضیات « ۲ » ادبیات و زبان فرانسه « ۳ » تاریخ و ادبیات قدیمه « ۴ » صنایع نفیسه « ۵ » شعبه علوم اخلاقی و سیاسی میباشد .

این اکادمی دارای یک خزانه عمومی و یک کتابخانه بزرگی میباشد که بادیگر معاملات مربوطه از طرف هیئت داخلی اکادمی که بصورت انتخاب معین می شوند اداره کرده می شود .

همان سکسیون اکادمی مذکور که موظف به زبان و ادبیات فرانسه است به نسبت سکسیون های دیگر بر آن دارای مزیت و اولویت

میباشد و این سکسیون همان سکسیون معروفی است که ادبیات امروزه فرانسه مرهون خدمات او میباشد .

این سکسیون که امروز مدلول یگانه اکادمی فرانسه میباشد دارای چهل نفر اعضا است که ایشان را اهل فرنگک Immortels (لایموت ها) نام میگذارند .

رجال معروفیکه درین اکادمی بالذوبه حائز رتبه سکرتری بوده اند عبارت اند از : سوار د ، فرانسواژ وست رینوارد ، فرانسوا آندرو ویلامین ، لامارتین ، و یکتور هو گو .

این اکادمی در معاملات سیاسی هیچ رابطه و علاقه ندارد و تمام مساعی خود را در احیا و ترقی زبان و ادبیات فرانسه حصر کرده اند ازین سبب رژیم های متوالی و بیهم سیاسی که مانند صحائف کتاب در آن مملکت زود زود ورق میخورند هیچوقت در امور اکادمی مداخله نمی نمایند .

برای این اکادمی عطایای هنگفتی وقف گردیده است که میتواند تمام حوائج اکادمی و اعضای آن را جبران نماید .

این اکادمی هر ساله در حدود چهل هزار فرانگک به اشخا صیکه در زمینه های علمی و ادبی و غیره توجه اکادمی را بخود جلب کنند بنام جائزه میدهد .

شرائط دخول درین اکادمی :

درا اکادمی فرانس محض همان اشخاصی حق دخول و عضویت را دارند که دارای سن معینه اکادمی بوده صاحب شهرت و سوابق

خوبی باشند از همین جهت در قرن ۱۷ مولیر بزرگترین نویسنده آن عصر را به علتی به اکادمی نه پذیرفتند که او مشهور به (آکتور) بوده به شهرتش لکه موجود بود ولی بعد از آنکه او مرد اکادمی دانست که درباره آن شخصیت بزرگ مرتکب سهو عظیمی شده است پس برای تلافی این کفاره ادبی و علمی مجسمه نیم تنه او را تراشیده در سالون اجتماع عمومی اکادمی نصب کردند و به نوشتن این عباره حق آن مرد نامی را ادا نمودند :

« در شرافت مولیر نقصی عائد نگردیده تقصیر از ما ست »
 کرسی های این اکادمی وقتی يك مرتبه اشغال شد تا وقتیکه صاحب آن زنده است مال اوست و باز وقتی دارنده کرسی فوت کرد نام او را در زمره (به عقیده خودشان) لا يموت ها داخل مینمایند و شاید این لقب برای این باشد که آثار ایشان تا ابد نام آن هارا زنده نگه میدارد .

مؤثرات این اکادمی :

اما در اینکه این اکادمی چه تاثیر کرده است ؟ بزرعلاوه اینکه میتوان ادبیات ، زبان ، علوم ، فنون ، فلسفه و صدها عوامل دیگر مدنی مملکت فرانسه بلکه اکثری از ممالک دیگر را از مؤثرات این اکادمی پنداشت ، رجال بزرگ و متفکرین نامور هر کدام در تعریف و توصیف این اکادمی چیزهایی نوشته که از همه و یا چند نفر آن ها به علت ضیق بودن صحف مقاله صرف نظر کرده تنها قول ارنست رینان فیلسوف فرانسه را ذکر مینمائیم :

ارنست رینان مینویسد : « بواسطه همین اکادمی است که شخص میتواند در اطراف زبان ، شرف ، ادب فرانسه بدون خودنمایی و علم فروشی هر چه میخواهد بگوید ، نگویند که آن ها (اعضای اکادمی) چیزی نکرده اند این مخلصان و فدائیان راه تهذیب حیات خوش را وقف تحقیق و تدقیق الفاظ و سنجش اجزای کلمه نموده اند . آن ها چنان شاه کاری بوجود آورده اند که عبارت از زبان فرانسه است . »
 این است مقام ، اهمیت ، خدمت و بالاخره رؤس معلومات در اطراف اکادمی فرانسه .

انجمن شاهی لندن یا اکادمی انگلستان :

انجمن مشهور شاهی لندن در اثر تحریک فرانسیس بایکن (۱) بوجود آمد چه مشارالیه در یکی از محررات خود سفارش کرده بود که باید در انگلستان انجمنی که در تربیت و ترقی دادن علم بصورت درستی بکوشد تشکیل نمود اما حلول جنگ داخلی در انگلستان اجرای این تجویز را به تعویق انداخت و باز در سنه ۱۶۶۳ در اثر فرمان چارلس دوم در انگلستان انجمنی بنام انجمن شاهی تاسیس گردید و چارلس پادشاه انگلستان که میل زیادی به تعمیل آن داشت (۱۳۰۰) یونند برای لوازم اداری و تعمیل نقشه مذکور از جیب خود داد ، جلسه نخستین این اکادمی در ماه مارچ سنه ۱۶۶۳ تحت ریاست (وسکونت بروکر)

(۱) بایکن : فیلسوف معروف انگلیس و همان مردی است که فلسفه تجربی را که امروز مروج است اساس گذاشت . گرچه ابتکار آن راجع بابن سینا است ولی تعمیم مذکور و مدنیت حاضره بوسیله بایکن شده است (توه کی)

که شخص نجیب و در علم ریاضی تبحرز زیادی داشت انعقاد یافت .
این اکادمی مدت ۲۷۰ سال در حیات فکری و علمی ملت انگلیس
رول منحصر به فرد و نهایت مهمی را بازی کرده است .

روسای آن بآلانو به عبارت از نیوتن کبیر ، دیوی ، هوگر ، کلونین
وها یکنس است که هر کدام در موضوعات متخصصه خود علامه ز مان
خویش بوده اند .

چون انجمن شاهی لندن در میان مجامع دیگر علمی انگلستان دارای
مقام شایخی میباشد ازین جهت باید قدری مفصل در اطراف آن بحث کرد .

اکادمی مذکور دارای ۴۵۰ نفر عضو میباشد و غیر ازین اعضا
که همه انگلیس و دارای تابعیت انگلستان اند دارای تقریباً ۵۰ نفر
عضو خارجی هم میباشد که از جمله اعضای طبیعی ۷۷ نفر برای فزیک و علم
المواسم و ۵۳ نفر برای ریاضیات و ۲۴ نفر برای انجنیری و ۷۰ نفر
برای کیمیا و ۹۰ نفر برای طب و ۳۶ نفر برای حیوان شناسی و ۳۴ نفر
برای گیاه شناسی و ۳۵ نفر برای علم طبقات الارض و ۱۰ نفر برای
علم النفس و ۱۸ نفر برای موضوعات متفرقه علوم و ۸ نفر برای
امور منی و ۳ نفر برای عتیقه شناسی است .

منتظری که میخواهد به صفت عضویت وارد اکادمی شود باید
یکی یا چندی از اعضای اکادمی را طرفدار خود بسازد تا اسم او را
در اکادمی به صفت عضویت پیش نهاد کنند و این انتخاب را باید
شش نفر عضو دیگر اکادمی تصدیق نمایند تا بعد ها به تصویب برسد .

امور اداره و انتظامات اکادمی از وظیفه رئیسی است که برای
دو سال به اکثریت آرا از طرف اعضای انجمن انتخاب میگردد این رئیس
وظیفه مفوضه خود را به اتفاق یک نفر خزانه دار و ۲۲ نفر عضو که از طرف

اعضا با کثرت آرا ازین خود اعضای انجمن انتخاب می شوند اجرا
مینماید بعد از آنکه مدت تقرر رئیس مذکور ختم شد دوباره انتخابات شروع
میگردد و جایز است اگر رئیس برای دوم بار هم انتخاب کرده شود .

حکومت انگلستان در هر سال برای تحقیقات علمی تقریباً ۶۰۰۰
پوند بانجمن مذکور میدهد .

اعضای انجمن مذکور در هیئت های انتخابیه که برای تقرر پروفسور ها
در دارالفنون ها و مدارس عالی دیگر تشکیل می شود نیز نمایندگی دارد .

باین اکادمی از طرف متمولین محض بغرض خدمت در راه پیشرفت

علم هر ساله يك مبلغ هنگفت پول بطور اعانه داده می شود و انجمن
مذکور از همین مبلغ هر ساله مبالغ هنگفتی را بنام جائزه به مقتدا یان
علم و فن بطور تشویق انعام میدهد . اما در اینکه این اکادمی در
تطور ذهنی و علمی و ادبی ملت انگلیس چه تاثیری نموده است ؟ میتوان
گفت و کتب تاریخ علوم ، فنون ، فلسفه ، ادبیات صنایع و یا لاخره
تواریخ تمام شئون زنده گانی بشر گواهی میدهد که تاثیر بسیار نموده
است و اینکه اگر بخواهیم درجه تاثیر این اکادمی را با اسکادمی
فرانس مقایسه کنیم مجبوریم به نوشته یکی از علمای انگلیس ما تو
آرنولد رجوع نمایم زیرا او در بین این دو اکادمی مقایسه و قضاوتی نموده است
ماتو آرنولد در مقاله خود که به عنوان تاثیرات ادبی اکادمی ها
نوشته و نوشته مذکور را عیناً در دائرة المعارف بریتانیکا اقتباس کرده اند
وما این بسططور را ازان دائرة المعارف النقاط مینمائیم :

« در انگلستان که چنین اکادمی وجود ندارد آن حرکات غریب
و غیر معمول آن روحیه محدود و آن خشونت و پستی به نظر میرسد که

بواسطه نوابغ آن جبران پذیر نیست «
 کلمه (چنین) درجمله فوق اشاره به اکادمی فرانس است زیرا
 او در نوشته خود اکادمی فرانس را دربار عالی ادبی نام داده است .
 این است مقام و تاثیر علمی و ادبی و دو اکادمی بزرگ
 اروپا ولی در اینکه نهضت اکادمی در ممالک دیگر اروپائی چطور و در
 چه وقت رو داده است ؟ این خود موضوعی است که از دائره احاطه
 این مقاله خارج میباشد و صرف اینقدر میتوان گفت که : اولین اکادمی
 در استریا در سنه ۱۸۴۶ عیسوی و در سنه ۱۶۷۲ در جرمنی و در سنه
 ۱۷۲۵ در روسیه تزاری یعنی امپراطوری روسیه و تا سیس
 شده است که هر کدامی ازان ها در ممالک خودشان خدمات گران بها
 و در ممالک دیگر موثراتی دارند که رویهمرفته غنیمت بوده است .
 تصور میکنم حد محدودیکه برای این مقاله در نظر است در زمینه
 اکادمی های فرنگستان کافی باشد .

حالاً نوبت آن آمد که قدمی نزدیک تر آمده در اطراف انجمن های
 علمی و ادبی ممالک اسلامی مخصوصاً تورک، ایران، هند، مصر صحبت
 کرده به بینیم که اوضاع انجمن های دول مذکور که هر کدام در عصر
 خودش به منزله اکادمی بوده است چطور بود ؟ و اکنون چیست ؟
 تورکیه :

نخستین مجمع دانش تورکیه که میتوان آن را شبیه به اکادمی پنداشت
 انجمن (ثروت فنون) بود که در اواخر سلطنت عبدالحمید ثانی (اواخر
 قرن ۱۹) در دولت عثمانی تاسیس گردیده بود .

این انجمن غیر رسمی و مرکب از فضلا و دانشمندان تورکیه بود که در
 زمینه های مختلفه علمی، ادبی، تاریخی و بالاخره تمام مسائل اجتماعی خدمات
 شایانی به ملت عثمانی انجام داد .

این انجمن در اوقات معین هر ماه مجمع میکرد و مجله هم بنام ثروت
 فنون از آن مجمع انتشار می یافت .

از رجال بزرگیکه این اکادمی را بذریعه قلم و افکار خود اداره
 میکردند میتوان رجائی زاده، محمود اکرم، نامق کمال، احمد مدحت
 و بعد از ان ها عبدالحق حامد، احمد احسان، فیلسوف رضا توفیق و حسین
 جاهد را نام برد .

بعد از انجمن ثروت فنون در آن مملکت انجمن دیگری معنون به
 (فخر آنی) تاسیس و سپس مجمع بزرگتری بنام (تورک انجمنی) که
 موسس آن فیلسوف جوان تورک (ضیا کوک آلب) بود تاسیس گردید
 این انجمن طوری که از نام آن فهمیده می شود انجمنی بود دارای
 مرام مفرط ناسیونالیزم (ملت خواهی) زیرا در آن انجمن اعضای عالم
 و در عین حال باحرارتی جا گرفته از جریانات ناسیونالیزمی اروپا متأثر
 و در زمینه علم، تاریخ، ادبیات طوری رویه میکردند که تمام علوم
 قدیمه را باید هر طوری هست به ملت خود شان نسبت بدهند و اثبات
 کنند که پیش قدمان تمدن دنیا افراد ملت ایشان بوده اند .

بعد ازین انجمن اگرچه در آن مملکت انجمن های متعدد و مختلف
 دیگری از قبیل (تورکیات انستیتوسی) و امثال آن روی کار آمد
 ولی هر کدام آن ها دارای عمر کمی بوده و بیه سقوت رفتند . ولی اکنون
 امروز در مملکت تورکیه مؤسسه یگانه که میتوان آن را بتمام مفهومش
 اکادمی نام داد همانا (انجمن زبان و تاریخ تورک) میباشد .

روپهرفته اعضای اکادمی مذکور ادعا دارند که با وضع کردن نظریه های تاریخ و زبان در زمینه های مذکوره حائز موفقیت شده اند .

ایران :

اگرچه از سنوات قبل یعنی از ابتدای انقلابات سیاسی ایران باین طرف دران مملکت انجمن های متعدد و مختلفی با دارائی مرام های علمی ، ادبی ، تاریخی ، اجتماعی و بالاخره هرگونه شئون حیاتی روی کار آمده هر کدام آن ها علی قدر قدرتهم در زمینه های متعده خویش خدمت کرده اند اما انجمن های معروف آن مملکت که هر کدام بشکل اکادمی های کوچکی بوده است عبارت از انجمن دانشکده بود که مؤسس آن آقای ملک الشعراى بهار و انجمن فرهنگ که مؤسس آقای ترجمان الممالک و انجمن تربیت در تبریز که مؤسس آن میرزا محمد علیخان تربیت و انجمن ادبی ایران که مؤسس آن آقای شهزاده افسر بوده است .

از انجمن های متذکره فوق اکنون فقط تنها انجمن ادبی ایران باقی و پایه دار است که فعلاً هم ریاست آن را همان مؤسس اولیه او آقای شهزاده افسردار میباشند . یگانه اکادمی که بهر اسم و رسم میتوان آن را اکادمی گفت فرهنگستان ایران است .

این اکادمی که دارای نام فرهنگستان میباشد مستیماً اکادمی است زیرا آقای فروغی در موقعیکه زمام اداره و سیاست ایران را بدست داشته رئیس الوزرای آن مملکت بودند اکادمی مذکور را شخصاً افتتاح و در خطابۀ افتتاحیه خود (فرهنگستان) را مقابل کلمه اکادمی استعمال کردند .

این انجمن مؤسسه رسمی دولتی بود ه رئیس بزرگ آن کمال آتا تورک (رئیس جمهور) آن مملکت میباشد ، اعضای آن عبارت از مبرزترین رجال تورک و اشخاصی میباشد که هر کدام در زمینه های متخصصه خودها به رتبه دکتری نائل شده اند .

این انجمن دارای دو شعبه است یکی سکسون (شعبه) تحقیق تاریخ تورک و دیگر سکسون (شعبه) زبان و ادبیات تورک میباشد . اکثری از اعضای این دو شعبه در فاکولته تاریخ ، زبان ، جغرافیه هم سمت استادی (پروفیسوری) دارند و اکثراً در مجله رسمی سکسون های مذکور مضامینی را که پروفیسورها در اثباتی درس برای شاگردان ایراد کرده اند برای اطلاع عامه نشر میکنند .

این انجمن ها بعد از يك مدت معینی از پروفیسورها و متخصصین زبان و تاریخ خارجه دعوتی نموده مجلس بزرگی که آن را (کورولتای یعنی لویه جرگه) نام میگذارند منعقد میکنند تا نتیجه تحقیقات ایشان کاملاً شایع و تعمیم گردد .

روپهرفته قیمت و اهمیت علمی کار ایشان هر چه می خواهد باشد اکادمی مذکور با جدیت و عزم مرادۀ کار میکنند و طرف توجه آتا تورک واقع شده است و از همه مهمترینکه این اکادمی در زمینه زبان تطوری (نظریه زبان آفتاب) و در موضوع تاریخ نظریه مقایسه جمعه را بوجود آورده از ان حسب مطلوب نتیجه بر آورده اند که این نتایج در نزد مبتکرین آن بسگران بها و قناعت آور است .

اعضای مبرز این اکادمی : بای شمس الدین و بای فواد کوپر و بای یوسف ضیا و بای احمد جواد و بای عبدالقدیر و بایان آفت و ... میباشد .

مضی از انجمن های علمی آن دیار که اکنون هم موجود است انجمن ریاضی کلکته - و انجمن ریاضی هند و انجمن گیاه شناسی هند و انجمن کیمیا وی هند است که زیاده تر از دارائی ماهیت یک اکادمی شیئ، انجمن های عمده و بزرگ علمی میباشد که در یک رشتا از علوم طبیعی دارای اختصاص اند .

انجمن های علمی هند که میتوان آن ها را دارای ماهیت اصلیه اکادمی پنداشت همانا دو اکادمی است که یکی آن (انجمن آسیائی بنگال) و دیگری (اکادمی علوم و لایات متحده) میباشد که این است به نوبت بحث کرده می شود :

انجمن آسیائی بنگال در سنه ۱۷۸۴ از طرف مستشرق معروف سرولیم جونز تأسیس گردید تا در اطراف تاریخ قدیمه هند و تاریخ قرون وسطی و آثار عتیقه مشغول شود. همان بود که در هر سه مورد مخصوصا در قسمت سوم وظیفه خود . خدمات شایانی نموده است .

اکادمی علوم و لایات متحده در سنه ۱۹۳۰ در آله آباد تأسیس گردید اعضای این انجمن اغلب از همان ولایت بوده و یک عده اعضای دیگر مذکور از ولایات دور دست میباشدند . این انجمن دارای یک کتابخانه و یک مجله است که در هر سه ماه یکبار نشر می شود .

غیر از این اکادمی ها و انجمن ها یک که ذکر شد در هند بسا انجمن های غیر رسمی دیگری هم وجود دارد که با انجمن های علمی رسمی و دولتی همیشه معاونت مینمایند و این انجمن ها هر کدام در یک یک زمینه های عمده علمی مصروف تحقیقات و تنبغات میباشدند .

مصر :

علامه فرید وجدی در جلد اول دائرة المعارف وجدی در ختم ماده

این اکادمی در ۲۹ ماه ثور سنه ۱۳۱۴ با راده اعلیحضرت پهلوی دران مملکت تاسیس گردیده دارای ۲۴ نفر عضو طبیعی است که ریاست آن را آقای حسن وثوق (وثوق الدوله) که یکی از فضلای نامور آن کشورند دارا و مهمترین وزبده ترین اعضای آن آقای ابوالحسن فروغی و آقای بدیع الزمان فروزان فرو آقای سعید نفیسی و آقای دکتور شفق و آقای علی اصغر حکمت و آقای دهخدا و آقای یاسعی میباشدند .

سرام این اکادمی حفظ و ترقی زبان و ادبیات ایران و جمع کردن آثار مبی و بالاخره انجام هر گونه وظائفی است که مربوط به ثقافت (کولتور) ایران میباشد .

این اکادمی در مواعید معینه قانون نامه خود جلساتی عقد و در اطراف موضوعات موظفه خویش شور و غور میکنند و میتوان گفت که از روز تاسیس خود تا امروز که در حدود دو سال می شود اکادمی مذکور در وظائف خود مخصوصاً در قسمت وضع کردن لغات جدیده که آن را وسیله یگانه استقلال زبان فارسی قرار داده اند خدمات خوبی کرده است .

هند :

دیار وسیع و پهناور هند که سر زمین فلسفه ، ریاضی ، نجوم و بالاخره اکثری از علوم و ادبیات قدیمه است در قرون اخیره هم در زمینه های علمی نهضتی نموده انجمن ها و مؤسسه های بزرگ بزرگ علمی ادبی را دیده است که دران دیار تاسیس و بعد از یک مدتی از بین رفته اند .

روپهمرفته این اکادمی طوری تاسیس شده که شبیه به اکادمی فرانس باشد و مقرر گردیده است کده نفر از اعضای این اکادمی از افراد علمای تبعه مصر و ما بقیه از اقطار ممالک دیگر عربی و مستشرقین باشند که به لغت و ادب عرب رابطه و علاقه دارند .

چون اساس این اکادمی بر روی مبانی قویه و وسائل اساسی گذاشته شده است امید میرود بتواند در مصر و بالاخره در ممالک دیگر عربی زبان از ناحیه لغت ، زبان ، ادبیات و علوم مصدر خدمت شایانی شود .

این است مطالعات مختصری که در اطراف اکادمی های ممالک نموده شد حالا موقع داریم به وطن خود برگشته به بینم ما درین راه چه کرده و چه میکنیم ؟ :-

نخستین انجمن علمی در افغانستان در قرون اخیر :

در سنه ۱۳۰۹ اعلیحضرت منفور شهید (محمد نادرشاه افغان) بنا بر عشق و علاقه که به مطبوعات و مفاخر ملی خود داشتند اراده فرمودند در کابل انجمنی تاسیس شود که مرام آن پیش برد ، ادبیات ملی ، تعمیم علوم ، تدوین تاریخ وطن و مسائل دیگر بیکه رابطه بجمیات علمی مملکت دارد باشد . این فکر شاهانه عملی شده ، انجمنی بنام (انجمن ادبی) تاسیس و یکده فضلا و نویسندگان وطن را به صفت عضویت وارد انجمن کرده ریاست آن را به ع ، ج ، محمد نوروز خان سرمنشی حضور شاهانه شان سپردند .

انجمن ادبی از روز تاسیس خود الی اول ثور ۱۳۱۶ که روز تحویل آن به پشتو توله میباشد بدستگیری اعضای فاضل و حسن

اکادمی مینویسد :- « در مصر هم جمعیتی شبیه با این اکادمی (اشاره به اکادمی فرانس) تاسیس شد ولی چون آن ها مستند به معاونت و سلطه حکومت نبودند منحل شدند »

علامه مذکور در دائره المعارف مزبور احتیاج شدید زبان و ادبیات عربی را به وجود یک اکادمی خاطر نشان کرده در اخیر تاسیس یک اکادمی شبیه به اکادمی فرانس را از حکومت مصر التجا کرده است . پس معلوم است که در مصر تا زمان تدوین دائره المعارف موصوف و اکادمی لغویه که ذیلا عرض کرده می شود موسسه شبیه به اکادمی موجود نبوده و اگر بوده هم بعد از یک مدت کوتاهی از بین رفته است که در محضر علم شهرتی ندارد .

اکادمی لغویه عربیه (الاکادیمیه اللغویه العربیه) :

در ماه ستمبر ۱۹۳۲ حلمی عیسی پاشا وزیر معارف مصر اکادمی در مصر به عنوان (الاکادیمیه اللغویه العربیه) تاسیس کرد و اساس اکادمی مذکور طوری گذاشته شد که باید از فضلی تمام ممالک عربی اللسان و برخی از مستشرقین راجع به لغت و ادبیات عربی و بعضی از علوم دیگر استعانت نموده شود .

این اکادمی موظف است تا بوسیله وضع کردن لغات جدید و تدوین قاموس مکمل عربی زبان عربی را برای رفع حوائج علمی و فنی و بالاخره تمام شئون زندگانی مستعد نماید زیرا علمای مصر عقیده دارند « و حقیقت هم همین است » که زبان چون مولود زندگانی بشر است طبعاً مثل نوامیس دیگر بشری محکوم به تحول و تکامل میباشد ازین جهت اکادمی که یگانه و سیله تکامل السنه میباشد برای زبان عربی کمال لزوم و اهمیت را داشت .

اداره رئیس صاحب فعال و توجهاتیکه از مقام منبع پاد شاهی مبذول میشد به انواع وسائل پیشرفت امور که شائسته يك انجمن فعال و کارکنی باشد متوسل شد مثلاً وقتاً فوقتاً دعوتی از اعضای افتخاری خود نموده در زمینه های مهمه و وظائف خویش از اوشان استعانت و برای اینکه نتیجه کارها و نتایج اعضا به عامه تبلیغ شده خدمتی بعرفان مملکت نموده شود مجله بنام مجله کابل انتشار داد .

چون افغانستان درین چند سال اخیر در اثر جدیت و زحمت مقامات عالیه مملکتی درهر رشته از امورمصدر اصلاحات عمده و بزرگی شده است، لهذا انجمن ادبی برای اینکه از جاری امورسالانه وطن و اجرا آت مامورین و دوائر و بالاخره روح سعی و عملیکه خوشبختانه در مملکت تولید شده است سالیانه تذکری نموده باین وسیله روح کار رادر افراد داخلی تنمیه و سبب معرفت پیش رفت های امور اداری مملکت درخارج شود به نشر سالنامه معنون به سالنامه کابل اقدام کرد .

این مملکت قدیم و دارای هزارها افتخارات تاریخی بازمه متأسفانه تاریخ مدونی از ملت و نیاکان خود نداشت پس انجمن ادبی بوسیله اعضای طبیعی و افتخاری خود سعی کرد تاریخ وطن را از چندین جنبه مثل تاریخ سیاسی ، تاریخ ادبی ، علمی ، احیای اسمای رجال نامور و امثالهم در طی مقالات ، کتب ، رسالات ، سالنامه ها روشن نموده زمینه را برای تحقیق و تتبع در تاریخ افغانستان باز کرد بجدی که اکنون بنامی انتشارات انجمن ادبی هر فرد صاحب سواد وطن بکمال سهولت میتواند نقاط باعث افتخاری تاریخ و طن خود را به خاطر بیاورد .

یکی از بزرگترین خدماتیکه انجمن ادبی نمودهمانها به میدان بر آوردن

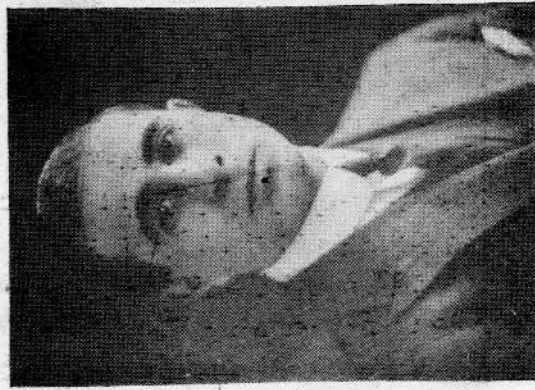
یکعده شعرا، محررین، تذکره نویسان است که در اثر نشریات و اقتراحات و جوایز انجمن تشویق شده خود را بذریعه مقالات ، اشعار ، نوشتن تذکره های بعضی از رجال ادبی ، علمی و غیره وطن بجامعه معرفی کردند و این خدمت انجمن بجدی بارزاست که اگر احصایه نویسندگان و شعرای قبل از انجمن باشماره نویسندگان و شعرای حاضره مقایسه کرده شود دفعه حس کرده می شود .

رو بهمرفته انجمن ادبی در اثر انتشار کتب ، مجلات کابل ، سالنامه ها ، طرح نمودن اقتراحات و اعطای جوایز و امثال آنها در راه بیداری و عرفان مملکت خدمات غیر قابل انکاری نموده است چنانچه یکی از خدمات بزرگ او این است که او سبب نشر افکار شاهانه راجع به احیای زبان پشتو و تهیه نمودن زمینه برای ترقی و تعمیم زبان شده است زیرا انجمن ادبی از اشعار شعرای نامور پشتو منتخبات واقباساتی نموده وقتاً فوقتاً به مجله کابل نشر و در اطراف اهمیت زبان پشتو و رو بهمرفته اهمیت السنه و زبان مستقل برای يك ملت مستقل در مجله ، سالنامه کابل مقالات متعددی نشر کرد تا اینکه از داخل و خارج اذهان را ملتفت و متوجه اهمیت و مقام زبان پشتو نمود و بتاریخ ۲۰ حمل ۱۳۱۶ که ع ، ج ، سر دار محمد نعیم خان بوزارت معارف مقرر شدند ریاست رسمی انجمن را حائز و آن را مبدل به پشتو تولنه فرموده بشکل اکادمی در آوردند .

بعد از آنکه انجمن ادبی عنوان پشتو تولنه یا اکادمی افغان را یافت وظائف آن وسعت و برعده اعضای مذکور افزود شده به چهار شعبه منقسم گردید از قبیل : شعبه تالیف و ترجمه ، شعبه ادبیات ، شعبه نشریات ، شعبه لغت و صرف و نحو پشتو .



ع. ح. شهزاده احمد علیخان درانی مدیر عمومی
انجمن ادبی
M. Chahzadah Ahmad Ali Khan Durrani
directeur général



ع. غلام جیلانی خان اعظمی معاون عمومی
انجمن ادبی
M. Gholam Djelani Aazami
vice-directeur

سالنامه « کابل »

پشتو تولنه در ظرف يك سال بوسیله شعب خود مصدر خدمات قابل قدری شده است که میتوان گفت- بهمین اندازه موفقیت در مراحل اولیه برای يك موسسه علمی منتهای موفقیت است .
این است برای اینکه نتیجه اجراآت و کارهای يك ساله پشتو تولنه را بطور مختصر از نظر قارئین گرام گذرانیده باشیم امورات هر شعبه علیحده علیحده مورد مطالعه قرار میگردد .

شعبه تالیف و ترجمه :

چون مرام عمده شعبه مذکور تدوین تاریخ افغانستان است ازین جهت اجراآت او زیادهتر در اطراف تحقیق تاریخ افغانستان انحصار دارد و بنابراین شعبه مذکور طوریکه ذیلامطالعہ میفرماید در ظرف این مدت قلیل موفقیت خوبی حاصل کرده است :

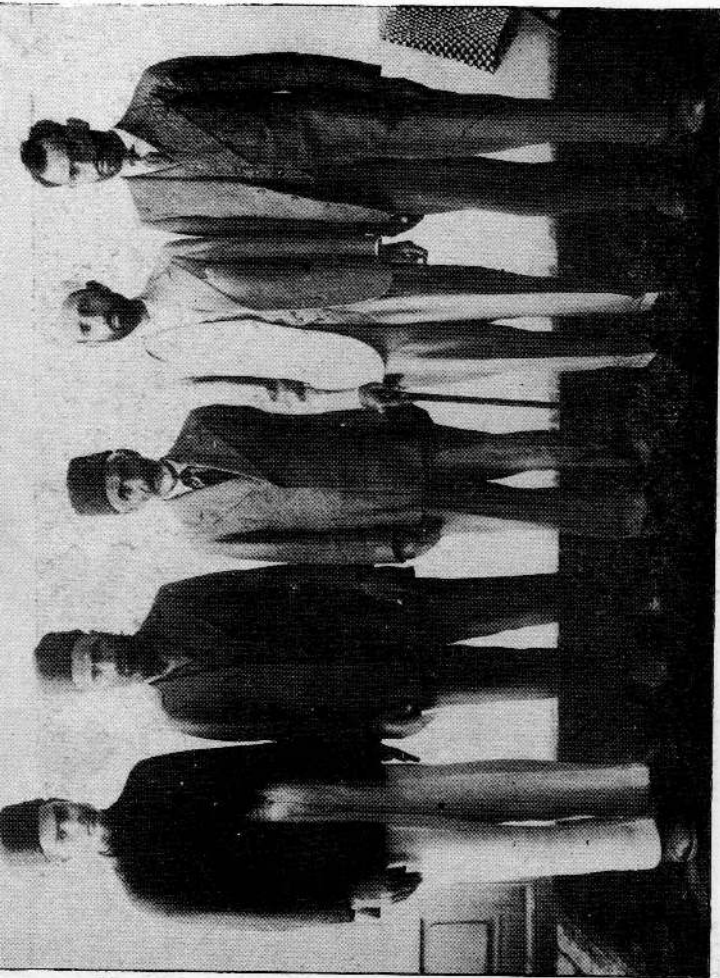
مؤلفات و ترجمات شعبه مذکور :

« ۱ » صنعت باختر :

تالیف موسیو ژوزف هاکن : ترجمه جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبه تالیف و ترجمه : این کتاب که بشکل رساله کوچک به فارسی و فرانسه نشر شده اگرچه بیش از يك مقاله نمیشد بذات خود خیلی مهم است زیرا بعد از کشفیات فندوز ثابت میسازد که مهد تولدی صنعت گریک و بودیک در شمال هندوکوه در بکتریان است .

« ۲ » بگرام :

تالیف جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبه تالیف و ترجمه :



هیئت انجمن ادبی ، شعبه لغت و صرف و نحو . از چپ بر راست : ص عبدالصمد خان کتاب -
ع ، عبدالخالق خان اخلاص عضو ، ع ، محمد اعظم خان ایازی مدیر - ع ، صالح محمد خان
مبصر پشتو ، ع ، گل پاچا خان الفت عضو

L'Académie Afghane-section de la langue ; au centre M. Mohd Azam Ayazi
directeur de cette section.



هیئت انجمن ادبی . - شعبه نشریات : از چپ بر راست ع ، یار محمد خان عضو -
ص ، میر عبد الواحد خان کتاب - ع ، احمد الله خان کریمی عضو - ع ، سید قاسم رشقی
مدیر نشریات و مهتمم سالنامه - ص ، محمد معصوم مصحیح - ع ، قیام الدین خان خادم عضو
L'Académie Afghane - section des publications et de la presse.
3ème personne de droite M. S. Kassém Reshtya directeur
de cette section et rédacteur en chef de l'Almanach de Kaboul

پشتو تولنه

این کتاب که عجلتاً بصورت مقاله درجمله کابل نشر شده میرود در آخر چهارصدجلد مستقل هم طبع خواهد شد . این اثر کوچک بصورت مختصر وقایع تاریخی بگرام پای تخت شاهی وامپراطوری افغانستان را درعصر قبل الاسلام باچیزی فلكلور مربوطه آن شرح میدهد .

« ۳ » سلطان محمود :

تالیف داکتر ناظم ترجمه جناب عبدالغفور خان « امینی » مترجم انگلیسی شعبه تالیف و ترجمه : این اثر که بادقت وبه اساس ماخذ معتبر نوشته شده برای روشن ساختن وقایع عصر سلطان بزرگ افغانستان محمود غزنوی کک زیاد میکند این اثر مفید عجلتاً در مجله کابل نشر میشود وبصورت مستقل هم طبع خواهد شد .

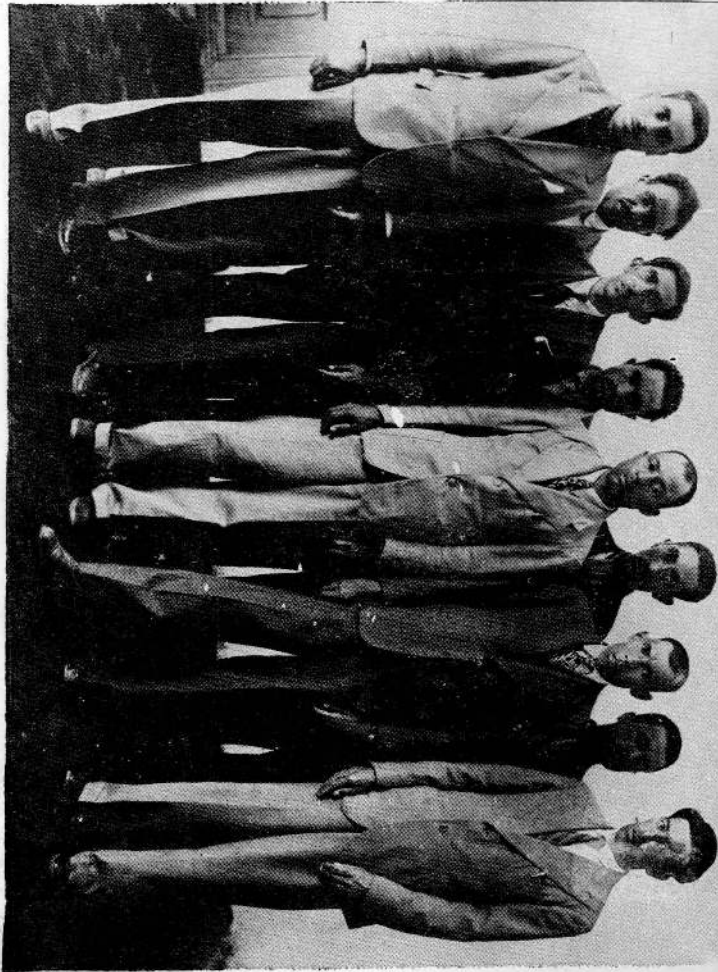
« ۴ » قلب آسیا :

تالیف « هنری اسکر این » و « سردینی سن راس » ترجمه جناب عبدالغفور خان امینی : این کتاب شامل دو حصه است : چون حصه اول آن مشتمل بر ۱۷ فصل است وسراسر مربوط به افغانستان میباشد آقای امینی محض همین قسمت را ترجمه نموده اند .

« ۵ » یسوعیان در افغانستان :

تالیف پروفیسر هانری هراس ترجمه جناب عبدالغفور خان امینی : این اثر کوچک رساله ایست مرکب از مجموعه یادداشت های که مبلغین مسیحی حین ورود خود در افغانستان نوشته اند . این رساله هنوز به طبع نرسیده .

۲



هیئت انجمن ادبی : شعبه محاسبه و تحریرات و توزیع و غیره : از چپ بر راست س : محمد امان خان کاتب اجراییه س : سید غلام خان خانه سامان - س : محمد یعقوب خان کاتب توزیع س : بهرام خان کاتب اجراییه - س : امیر محمد خان مامور اجراییه - س : غلام جان خان کاتب اخبار س : عبداللہ خان سر کاتب تحریرات - س : محمد شعیب خان خوجوبلدار - س : محمد کریم خان کاتب تحریرات
L'Académie Afghane : les fonctionnaires des bureaux administratifs.

« ۶ » تاریخ هرات :

تالیف جناب فاضل جلالی معاون سابق شعبه تالیف و ترجمه مدیر معارف ولایت کابل : این اثر به صورت عمومی وقایع تاریخی ولایت هرات را ترسیم میکند . هنوز به طبع نرسیده .

« ۷ » تاریخ اراضی خلافت شرقیه :

تالیف لوستراج : ترجمه جناب عبدالباقی خان لطیفی عضو شعبه تالیف و ترجمه : از این کتاب راجع به بعضی ولایات غربی افغانستان معلومات خوبی بدست میآید جناب لطیفی محض ۶ فصل آنرا که مربوط خراسان و سیستان میباشد ترجمه نموده اند .

« ۸ » یوچی و کوئی شوانگک :

کنفرانس پروفیسر « هانداتورو » جاپانی ترجمه کهزاد : در تاریخ افغانستان قبل الاسلام مسئله یوچی ها و کوشان سی از مسائل خیلی مهم و نسبتاً تاریک است : این کنفرانس که بصورت رساله طبع و ترجمه آن در شعبه تاریخ موجود است از شرح اقصی در آن روشنی خفیه می اندازد .

« ۹ » مسکوکات افغانستان :

مقاله مفصل راجع به مسکوکات افغانستان در عصر قبل الاسلام نگارش جناب « کهزاد » این مقاله در سالنامه امسال طبع میشود .

« ۱۰ » اشیای قدیم « مرگزی و جنوب شرقی » قرار

نظریات بصلیموس

تالیف « آندره برتلو » : ازین کتاب مراد زیاد راجع به جغرافیا و تاریخ اعصار قدیم افغانستان بدست میآید . عجلاناً فصل بکتریان و مارژیان واری « آنرا کهزاد ترجمه نموده و در شعبه تاریخ موجود است .

« ۱۱ » چنکیز و چنگیزیان :

مقاله ایست در ۶۲ صفحه جناب فاضل جلالی از تاریخ حبیب السیر و بعضی کتب دیگری اقتباس و خلاصه نموده اند .

« ۱۲ » مواد متفرقه راجع به افغانستان :

جناب غلام جیلانی خان جلالی از کتب مختلف عربی مثل طبری - ابن خرداد به - المسالك و الممالک - بیهقی - تاریخ امم و الملوك حبیب السیر و غیره اقتباس و ترجمه نموده اند .

« ۱۳ » درامه تاریخی « مردان پارو یا میرزاد :

نگارش جناب احمد علیخان کهزاد این درامه در حقیقت یک افسانه قدیم ملی است که با وقایع تاریخی تطبیق داده شده و شهادت ملی پشتون و اشکالاتی را که اسکندر در افغانستان دچار شده بود ترسیم میکند . هنوز بطبع نرسیده است .

(تبصره : کتب و رسائل فوق با طبع شده مثل صنعت باختر و یا تحت طبع و یا آماده طبع میباشد)

(۱۴) ایجاد رابطه با علمای تاریخ و مؤسسات تاریخی عالم که دامنه آن روز بروز دتر اید میباشد.

شعبه تالیف و ترجمه برای تدوین يك دوره مکمل تاریخ افغانستان پلانی ترتیب داده و برای اینکه این مرام ملی بزودی عملی شود مفردات آنرا علاوه بر اعضای منسو به شعبه تالیف و ترجمه يك عده فضیای وطن تقسیم نموده تا اگر خدا خواسته باشد ماهم بزودی دارای يك دوره تاریخ مکمل گردیم:

شعبه ادبیات و حفظ آثار :

این شعبه متعاقب تاسیس خود مجموعه کوچکی بنام رهنمای مردم شناسی نشر کرده دران خط مشی خود را اعلان نمود تا مردم از يك طرف به اهمیت کار این شعبه بدانند و از طرف دیگر بنا بر اشتراک مفاد ملی با او معاونت نمایند.

رهنمای مذکور در عین اینکه مجموعه ایست که بغرض تامین تعاون ابنای وطن نوشته شده معینا برای اطلاع از رؤس مسائل فولکلور (مردم شناسی) اثر مفیدی میباشد. شعبه ادبیات این اثر را بذریعه مکاتیب متحدالاعمال بتمام فضیای مرکز و اطراف فرستاد تا ایشان هم به سهم خود در تدوین و جمع کردن مواد مذکور باشعبه موصوف امداد نمایند. چنانچه بعضی از فضیای دیار خواهش او را قبول نموده بفرستادن آثار متنوع و مختلف ما را ممنون ساخته اند و شعبه ادبیات برای اینکه بتواند عهده خود را خوبتر انجام بدهد با فضیای و ادبای پشتو زبان روابط ادبی و لغوی خود را قائم نمود.

شعبه ادبیات از روز تاسیس تا کنون چند جلد کتابی هم مطابق

وظائف خویش آماده چاپ نموده است از قبیل کتب ذیل :

۱ : ضرب المثل های پشتو حصه اول :- این کتاب محتوی ضروب امثال است که هر کدامی از ان ها در دستون مقابل هم دیگر بزبان پشتو و فارسی شرح گردیده است و انشاالله تعالی عنقریب چاپ خواهد شد
۲ :- منتخبات اشعار خوش حال خان ختک : منتخب این اشعار ومدون آن به موضوعات چند از روی تناسبی که اشعار مذکور موضوعاً باهم دارا بود جناب زمریالی معاون شعبه ادبیات میباشد .

۳ :- کتاب عرف و عادات قومی و ملی و : مدون و مؤلف این کتاب، هم کارماجناب سرورخان «گویا» مدیر شعبه ادبیات میباشد و نیز درین کتاب شجره انساب خانوادهای معروف و عرف و عادات ملی بعضی ضوایف افسانه های محلی و ترانه های ملی را جمع کرده بصورت کتاب در آورده است .

۴ :- کتاب فضیلت : مؤلف این کتاب محرز عا جز این مقاله محمدقدیر «تره کی» است این کتاب حاوی مطالب و مذاهب فلسفی در تعیین فضائل انسانی بوده بغرض تربیه اخلاق اجتماعی که یگانه حافظ عرف و عادات مستحسنه ملی میباشد نوشته و چاپ شده است .

۵ :- کتاب داستان های ملی بزبان پشتو : مدون و مؤلف این کتاب جناب محمد گل خان نوری عضو شعبه ادبیات میباشد این کتاب محتوی افسانه و داستان های مهمی که نماینده اصلی روح ملی میباشد هست .

۶ :- کتاب سوم درسی پشتو : مؤلف این کتاب جناب زمریالی معاون شعبه ادبیات اند این کتاب يك کتاب مفید متودیک (اصولی)

برای آموختن زبان پشتو است که برای مرحله سوم نو آموزان افغانی نوشته شده .

۷ :- کتاب لندی های پشتو :- (اشعار ملی) این کتاب حاوی يك تعداد لندی های پشتو است که از طرف شعبه ادبیات تدوین شده است .

این بود کار های شعبه ادبیات و چون سلسله مراودات او بافضلاي مملکت جاری است و مواد موفقه خود را از سینه های عوام نه از روی کتب و وثائق مطبوع جمع میکند ازین جهت امید میرود در آتیه مصدر خدمات خویشی در زمینه متعده خود شود .

شعبه نشریات :

شعبه نشریات بعد از آن که شروع بکار کرد در نظر گرفت امور طباعت و سروقت چاپ شدن مجله کبابل و نفاست طبع مطبوعات « پشتو تولنه » شبیه به مطبوعات ممالک مهمه دنیا باشد . این آرزو بکار بردن سلیقه خوب درین راه شعبه مذکور را موفق باجراي امور ذیل نمود :

۱ :- چون مرام اساسی پشتو تولنه احیا و تعمیم زبان پشتو است ازین جهت شعبه نشریات برای اینکه نصب العین پشتو تولنه از ناحیه نشریات زود تر و بصورت مطلوب تر بر آورده شود به نشر نمودن يك جریده هفته گي تعلیمی بنام (زیری) اقدام کرده آن را به تمام مامورین و عامه طور رایگان توزیع نمود .

این جریده که در ابتدا بصورت يك ورقه دو صفحه بود بعد از شماره ۳۲ بقطع کوچکتر در چهار صفحه چاپ شد تا کلکسیون آن در آتیه بصورت کتاب مستقل و مقبولی در آید .

۲ :- شعبه نشریات از روز تاسیس تا اکنون اصلاحات عمده و اساسی در مجله کبابل بعمل آورده است و این اصلاحات عبارت از زیبائی طباعت و طرز تدوین مضامین و افتتاح عناوین و مباحث تازه و ایزاد قسمت پشتو و امثال آن میباشد .

۳ :- شعبه نشریات در ظرف این مدت قلیل دو اقتراح مهم (وسائل و طرق ترقی و تعمیم پشتو - درامه نویسی) با دارائی مرام های عمده و اساسی طرح کرده است که اولی منتج و بیرندگان درجه جوائزی اعطا و دومی تا کنون از محضر قضاوت نگذشته است .

۴ :- شعبه نشریات در طبع کردن و در نظر گرفتن مزایای صوری و صنعتی مطبوعات پشتو تولنه جدیت خوبی کرده است چه در ظرف این مدت قلیل موفق به طبع نمودن کتاب های ذیل شده است :

۱ :- صنعت باختر تالیف موسیو ها کن ترجمه جناب احمد علیخان « کهزاد » مدیر تالیف و ترجمه .

۲ :- آثار عتیقه ککو تل خیر خانه تالیف موسیو ها کن ترجمه جناب سید قاسم خان « رشتیا » مدیر نشریات .

۳ :- مرام نامه انجمن تدوین شعبه نشریات .

۴ :- رهنمای فولکلور « » ادبیات .

۵ :- کتاب فضیلت مؤلفه جناب محمد قدیر خان « تره کی » عضو شعبه ادبیات .

۶ :- پشتو ژ به (لمړی ٹوک) برای تدوین و یس به کورس های پشتو ، تالیف جناب صالح محمد خان مبصر پشتو که بصورت رایگان به نو آموزان زبان توزیع گردیده است .

۷ :- ترتیب مجلس تذکار این سینا و نشر مجله مخصوص بیاد گار آن

مرد نامی با بهترین اصول طباعتی و گراورهای زیبا و تاریخی .

۸ :- تألیف يك كتاب در سی پشتو برای تعلیم زبان پشتو که مؤلف آن جناب قیام‌الدین خان «خادم» عضو شعبه نشریات میباشد .

۹ :- تدوین و ترتیب سالنامه ۱۳۱۶ با در نظر گرفتن قسمت پشتو و زیبایی طبعی و خوبی مضامین و مقالات و اطلاعات متفرقه آن .

۱۰ :- توجه به تعمیم آثار به مقصد نشر معارف و جهت ترغیب عائدات پشتو قولنه چنانچه در سال ۱۳۱۶ عده مشترکین مجله نسبت به سال ۱۳۱۵ فیصده ۳۵ زیاد و هم فروش سالنامه فیصده ۱۲ بیشتر بوده اکنون هم روز بروز بر عده مشترکین مجله زیادت میکند .

۱۱ :- طبع و تهیه عموم اشیای مطبوعه پشتو قولنه از قسم کارت ها اعلانات پروگرام ها و غیره .

۱۲ :- تشویق عموم شعرا و نویسندگان به ابراز هم کاری با مجله و سالنامه چنانچه کثرت و تراکم اشعار و مقالاتی که از دور و نزدیک وارد میشود دلیل است بر اینکه تشویقات مذکور مؤثر واقع شده است .

۱۳ :- اتخاذ ترتیب جدید و اصولی برای کتبخانه انجمن و تاسیس يك فرائت خانه و خریداری کتب تازه از داخل و خارج بمقصد توسیع کتب خانه موجوده .

شعبه لغات و صرف و نحو :

این شعبه از روز تاسیس تا اکنون کتب لغات پشتو را که در داخل و خارج نوشته شده به هم کرده بر روی آن ها مرور و لغات خالص پشتو را ازین آن کشیده بالغاتی که خود شعبه مذکور ازین اقوام و طوائف جمع کرده اند يك جا کرده سلسله لغات مردفه ذیل را

ترتیب داده است چون نهضت زبان در وطن ما يك چیز جدیدی است و وسائل مطلوبه ، به صعوبت یافت میشود ازین جهت مقدار موجوده کار شعبه مذکور اطمینان بخش و استقبال آن مارا بآتیه درخشانی نوید میدهد :

۱ - تدوین لغات :

ردیف	لغت خالص پشتو	مشتقات آن	جمله
» (ا) :	۵۱۶	۱۵۴۸	۲۰۶۴
» (ب) :	۵۷۳	۲۰۰۰	۲۵۷۳
» (پ) :	۵۵۷	۱۶۷۱	۲۲۲۸
» (ت) :	۵۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰
» (ث) :	۲۱۸	۶۵۶	۸۷۲
» (خ) :	۲۳۶	۷۰۸	۹۴۴
» (ج) :	۲۴۷	۷۴۱	۹۸۸
» (چ) :	۲۹۰	۸۷۰	۱۱۶۰
جمله	۳۶۳۷	۹۴۹۴	۱۳۱۳۱

۲ - قوا عد ز بان پشتو :

چون دومین وظیفه شعبه مذکور تدوین صرف و نحو پشتو است ازین جهت درین زمینه هم ذیلاً اقدام کرده است :

(الف) کتاب اول (صرف پشتو) : با اصول عصری تألیف و تدوین شده است که تقریباً ۶۰۰ صفحه میباشد بايك جلد در مصادر و صفی و ترکیبی که آن هم تقریباً ۶۰۰ مصدر میشود .

(ب) کتاب دوم (نحو پشتو) : با اصول عصری تألیف و تدوین شده است که تقریباً ۱۶۰ صفحه میشود . البته میتوان فهمید که در مراحل

اولیه نهضت زبان وعدم وسائل مرتب ساختن گراسر هم باین زودی
وباین ملکیت شایسته تقدیر است .

این بود مختصر ترین معلوماتی که در اطراف اکادمی های دنیا
وانجمن ادبی (پشتوتولنه) داده شد و چون درج تمام سرانامه این
انجمن از احاطه این مقاله خارج بود، و از طرف دیگر چون مواد مهیة
مرام انجمن موصوف در ضمن تشریحات فوق تذکار گردیده لهذا از
درج اصل سرانامه صرف نظر نموده، مقاله را به همین جا ختم مینمایم.

ماخذ هائیکه در تحریر این مقاله بکار برده شده :

- ۱ - تاریخ مدنیت مولفه شارل سه نیوبوس جلد اول و دوم و سوم .
- ۲ - تاریخ فلسفه مؤلفه آبه بارب .
- ۳ - اصطلاحات فلسفیه مؤلفه نامدار رحمی .
- ۴ - تاریخ عمومی از قرن ۴ الی زماننا مؤلفه ارنست لاویس
ورامبو و رفقای شان .
- - نوت های نگارنده که برای تدوین اصطلاحات عمیه
گرفته شده :

۶ - مجله عصری منطبعه کابلکته

۷ - انسایکلوپیدی بریطانیکا ماده اکادمی .

ترجه مضمون مجله عصری و انسایکلوپیدی مذکور رادوست فاضلم
جناب عبدالغفورخان « امینی » مترجم « پشتوتولنه » از راه لطفی که
دارند در دست رس بنده گذاشتند تا مطالب لازمه ومایحتاج خود را

- از ان بگیریم ازین جهت از ایشان تشکر مینمایم .
- ۸ - انسایکلوپیدی حیات منطبعه استانبول ماده اکادمی .
 - ۹ - دائرة المعارف وجدی « قاهره »
 - ۱۰ - مجله کل شی والدنیا « »
 - ۱۱ - مجله ثروت فنون « استانبول .
 - ۱۲ - مجله ارمغان منطبعه طهران خطاب آفای فروغی راجع به
فرهنگستان ایران

۱۳ - سالنامه معارف ایران منطبعه طهران .
بعضی کتب و یادداشت های دیگر بکه ذکر آن ها بطول میانجامد .



پشتو نولی

تاریخ سره بیل کړی دی نوله دغه پورته سببه څخه زینو علماؤ ددی
 متشابه الخلق قومونو دویس معیار ژبه ، مذهب او دسیاست د نظام
 اختلاف مقرر کړی دی . ولی داهم نه ده صحیح !

اصل خبره داده چه انسان یوازی دیو سو جسمانی اعراضو د مجموعی
 نوم نه دی ، بلکه دی په خپل لجان کین یو کلمک روح ، ټینگه سجه
 او را سخ اخلاق هم لری . عناصر و دترکیب نه چه کوم مزاج
 پیدا کړی ددی نه علاوه یو عقلی مزاج هم شته چه په استقلال ،
 استحکام او کلکوالی کین د جسمانی اعراضو سخته په هیس شان کم نه دی
 د اعقلی او اخلاقی او صاف چه د دوی د مجموعی نه په هر قوم کین
 یو مشترک روح پیدا کړی د زمانی د سوونو کالو دگر د شونو
 نتیجه وی . نو زکه دا د هر قوم د تیرو وختونو خلاصه او ددوی
 د پلرونو او نیکو نو وراثت او ددوی د موجوده روش د رومینی مبدء
 حسابیژی . دغه اوصاف که ه هم په زیني افراد وکین متفاوت اوسی
 ولی د جسمانی عوارضو غو ندی د قسام په زیاته برخه کین مشترک
 لیده کړی . او دا د جسمانی عوارضو په شان تل دنوی نسل سره نوی
 او تازه کړی ، د دغه اوصافو د مجموعی نه هغه عام وصف پیدا کړی
 چه هغی ته دیو قام اخلاق و ای . د دغه پورته میزانونو او بیلو ونکو
 په ذریعه یو قام د بل سخته پیژندل کړی د دغه متحده عقلی مزاج
 په لحاظ ، موننگ وپلی شو چه قام تش دخپل مور او پلار اولاد نه دی
 بلکه دخپلی پوره خاندانی سلسلی زوی دی . د هر قام د اخلاقو
 د نظام پیدا کوونکی ددوی پلرونه او نیکو نه دی . او هر فرد
 همیشه د دغه زنی برخواته را خکيل کړی چه دی یی روستنی کړی حسابیژی .
 نو انسان د مادر وطن پرستش تش د جذباتو او احساساتو په لحاظ

پشتو نولی

پقلم د جناب قیام الدین خان « خادم »

عضو د پشتو تولنی

مخکیني خبری :

د نباتاتو او حیواناتو په شان بلکه دهغونه زیات انسان د قدرت
 د کرشمو یو عجیب او غریب مظهر دی . د افراد و تشخصات خولا پریده
 خپله د هر قام ، هر ملک او نسل په میز کین دومره لوی لوی فرقونه
 موجود دی چه پرته د انسانیت دکلی مفهوم سخته په دوی کین بل قسم
 اشتراک اهو لیدل کړی نه ! طبیعتو د انسان د نوع ما به الامتیاز -
 درنگ ، ډول ، قد و قامت اود د ماغی ساخت اختلاف مقرر کړی دی
 او په دی لحاظ سره ئی د انسان نوع په سین ، تور ، سور او زیر
 اقسامو ویشلی ده . بنا به دی ویش د انسان نوع په سو محدود و قسمو ویشل
 کړی . ولی په دنیا کی د اسی ډیر قومو نه شته چه په ظاهری
 خط و خال کین چند این فرقه نه لری لیکن سره د دی هغوی په
 قومیت کین بېل دی . دهغوی احساسات جلادی . او ددی احساساتو
 او جذباتو دا اختلاف په سبب د دوی عقائد ، تمدن او ددوی علوم اوفنون
 دنور و قومو سخته بیل شوی دی . دغه دی چه موننگ وینو چه د ډیرو
 ایشیائی او یورپی اقوامو په میز کین سه سر گند جسمانی اختلاف
 نه شی لیده - لیکن بیا هم یو قوم نه شی شمیرلی په دی چه د دوی په
 میز کین یو عقلی فاصل حد قایم دی ، چه دغه فاصل د دغه اقوامو

(۱) هغه موقتی افکار او خیالات دی چه دزینی موقتی حوادثو او واقعاتو په اثر دقوم په ذهن کین پیدا کیژی .

(۲) هغه اساسی افکار او خیالات دی چه دکوم مخصوص ما حول وراثت وغیره په اثر پیدا کیژی ، او رسوخ پیدا کوی . د اساسی افکار و او خیالاتو حال دهغه او یو پشان دی چه په دریاب کین په لاره اوسکون سره بهیژی او فرعی افکار ، دهغه ورو ورو وچپو غونډی دی چه د دریاب او بوته سپیری ورکوی ، او پیدا کیژی او ور کیژی ؛ لیکن سره ددی کموالی او ضعفه د دریاب په ملاحظه او کتلو کی همدوی سترگو ته رازی او ینکاری . نودغه قومی روایات دی چه نسل په نسل همداسی مسلسل را درومی . ددغو څخه قومی روح ، یا په بل عبارت سره دقوم عقلی مزاج تشکیلیژی . دغه روایات دقومونو په یت وپاس او ترقی او تنزل کی ډیر دخل او اهمیت لری .

شاه ولی الله صاحب په حجة الله البالغة کی لیکلی چه : « داپه یقین سره ومنه چه (رسم و رواج د تمدن سره هغه نسبت لری لکه د انسان زړه ئی چه دده د جسم سره لری . هر کله چه هر قوم بیل قومی روح ؛ زانته عقلی مزاج ؛ علیحده قومی روایات ؛ او مخصوص رسم و رواج لری ، او دغه پورته شیان د هر قوم په تمدن او کو ذویاس کین زیات اهمیت لری . نوددعی بیژندل دهر همدرد او خوا خوگی دپاره لازمی او ضروری دی . نوزه غواړم چه په دی مقاله کی دپښتنو په ملی عاداتو او خصایلو باندی یوه تته رنډا و غور زوم . ددی موضوع لیکن علاوه دپورته فوایدو سره دقومی روح داستحکام او ټینگوالی دپاره فایده لری . اودادشکه وتلی خبره ده چه قومی روح چه هرڅومره زیات یو خوالی او اشاعت او نفوذ ومومی هماغومره قومی اتفاق ؛

نه کوی . بلکه ددغه جذباتو په پیدا کو او کین دجسمانی نظام په شان د موروثی اخلاقی نظام عنصر هم شامل دی . د موروثی اثراتونه علاوه ، آب و هوا ، جغرافیائی حدود ، او ما حول هم اثر لری . ولی دا اثرونه د موروثی اثراتونه لاندی درجه لری . قام دهغه مجموعه خلیاتو سره مشابهت لری چه دهغی نه هر فر د پیدا شوی دی . ددغه خلیاتو د ژوند زمانه په خپله ډیره لگه وی . لیکن دهغو نه چه کوم ذات پیدا کیژی هغه ډیری مودی ژوندی اوسی . دغه رنگ دقام هر فرد ډیر لږ محدود شخصی ژوند لری لیکن دده کلی ژوند چه دقول قوم دژوند سره عبارت دی ، ډیر اوگد او پاتی کیدونکی وی . دغه روستنی ژوند ته « قومی ژوند » وائی . اوقام تل ددی داتارو او نتایجو سره متاثر کیگی .

بنا په دی ، قام یو داسی پاتی کیدونکی ذات دی چه دزمانی دقیدو سره ازاددی چه دژوند و افرادو د عنصر نه د مړ او پخوانو د خا ورو د عنصر اثر پکین ډیر لیدل کیژی لڅکه چه دهغوی تعد اد دژوند وسخه زیات وی . او غیر شاعرانه ژوند ډیر دهغو د اثر لاندی وی . ژوندی خوتش دقام تشکیل کوی ، لیکن عدم اباد او سیدونکی په دغه ژوند و افراد و کین دخیالاتو او جذباتو روح پو کوی . د قومیت اثر دومره قوی دی چه ددی اثر د وجود په حال کی دیوقام د تمدن مظاهر دهغه وڅه پوری بل ته نشی تلی ترسو چه خپله په دی مظاهر و کین تغیر او تبدل و نکړی شی .

دکو مو افکار و او خیالاتو چه په قام باندی عموما اثر او یگی داپه دوه قسه دی :

لږ دی ، نو وی به چه د دوی په مینز کې به هم نور قومونه گډ شوی وی ولی دا قاعده ده چه لږ د پيرو تابع وی او قلیل په کثیر کې منحل کیږی نو دغه لږ تعداد - د پښتو د زیات او قوی قومیت سره داسی خلط او مزج شوی دی لکه غوړی د شو دو سره ! چه اوس ئی په قومی روح او اساسی افکارو کېن هیس یلتون نه شی کاوه .

دغه دی اوس مونک د پښتو نولی عنوان په لاندی برخو ویشو . او په هر یو باندی بیل بیل بحث کوو ، ولی د موضوع د اهمیت ، وسعت او باریکی له کبله زه نه شم ویلی چه د دی موضوع حق به ادا کړی شم نو زکه زه په دیری خوشحالی د هغه ذو اتو د زیار ، زحمت او زهیر تباخته استفاده کوم چه په دی موضوع کېن ئی له ما نه مخکین څه لیکلی دی او ما ته معلوم دی . داسی : چه د خپلی مدعا لیکلی ورنه انړوم او د خپلو یاداشتو او مشاهد و سره ئی پیوندوم . او که بیا هم په مضمون کېن څه نقص پاتی شی هغه د نورو پښتو ورونو همت ته پر یگدم !

توره :

پختانه توره یو قسم خاصی وسلی ته وائی چه تقر بیا یو گز او ژد شاولی تیغ وی ، او په خپل مخصوص ټپکی کې ساتل کیږی پخوا چه جنگونه په میدان کېدل ، توپ ، توپک ، او نور حربی الات نه وو پیدا شوی ، دا وسله پیره بیکاریده . او مخصوص بیا په پښتنو کېن داوسنه د د پيرو د پيرو ، و دوخته مروه وه . لیکن اوس د توپک او نورو نازیه وسلو پیدا یخت د بته سقوط ور کړو . ا گر چه اوس هم د توپ او پښتویه کور وکښ داوسله د پلر ونو ، نیکونو دوخته څخه ساتلی لیدل کیږی ولی زما مطلب دلته د توری په لفظ سره دغه مخصوصه وسله نده

اتحاد ؛ قوت مومی . انزاع او محاصمات کیږی . په دی موضوع کېن رومی خبره چه پختانه ورباندی دنور و قومو سخته ممتاز شویدی هغه داده چه دوی د خپلو ملیاتو او روایاتو سره زیات شغف او پیره دلچسپی او پوره مینه لری . زکه چه دوی دغه پورته قول عنوانونه په سبب د پراهمیت چه دوی ئی ورکوی ؟ په خپله ژبه کېن را لیدل کړی دی ؟ او پوه کله ئی ورته وضع کړی ده ؟ او د هغی کللی بیخی زیات احترام او پاسداری کوی ! گویا دغه ددوی د ژوند « نصب العین » دی .

هغه کلمه څه ده ؟ - هغه د « پښتو نولی » خوگه کلمه ده . د پښتون په لږد پښتونولی داسی یوه کلمه ده چه په دی کېن هغه قول شیان پراته دی چه ددوی د قومی روح او تاریخی عظمت او ملی روایاتو بیخ او اساس شمیرل کیږی - وگورئ ! « پښتو » ددوی د ملی ژبی نوم دی . « پښتون » ددوئی قومی نوم دی . اوله همدی لفظ څخه د « پښتو نولی » معنی دار لفظ جوړ شوی دی . د دغه دری کلمو لفظی تناسب چه په یو عمیق معنوی او روحی ربط باندی دلالت کوی دنور و قومو په لغاتو کېن هیس نه موندنه کیږی . « پښتون » د هغه قام نوم دی چه د - آمود دریاب نه د - اباسیند د غاړی پوری د جگو غرو په مینځ کېن پروت دی چه ددوی د هر فرد د فراح تندی ؛ متناسب او خکلی قواری ؛ تودو و پښتو ، غمی رنگو ، تیزو او بریشیدونکو ستر گوسخه سغا ، میلمه پالنه ، رواداری ، عزم ، استقلال ، شجاعت او اقدام معلوم پیږی او چه ددوئی هر یو په خپل ملیت « پښتونولی » خورانا زان او مغرور دی . ددی قام په دغه ملک کی د پیره پخوا سخته استوگنه ده . - هر کلمه چه په دنیا کی یوازی ؛ خالص اوبی اختلافه قومونه د پیر

بلکه زما مراد د لته د ددی لفظ په اطلاق سره هغه لازمه معنی ده چه پښتانه یی عموما ددی لفظ څخه مراد وی . د مثال په طور : پښتو د پښتنو د ژبی نوم دی . لیکن پښتانه یی په عهد ، لفظ و قول او عزم و ثبات اطلاق کوی او بیاد همدی لفظ نه د دغو معانیو د قیام د محل خود لو د پاره صفت مشبه جوړوی : مثلا د پښتونه « پښتون » .

دغه رانیکه د توری د لفظ اطلاق په زړ ورتیا ، شجاعت بهادری او میدان گتلو باندی کوی ، او د دغه معانیو په اعتبار د دغه لفظ نه صفت مشبه جوړوی : لکه « توریالی » . او کله د فارسی په رنگ کښ د دغه معنی د پاره د توری نه « توزن : شمشیر زن » سازی . او د همدغه معنی گانو په ملاحظه د توری نه « توره کول » : مصدر - او ددی مصدر نه افعال جوړ یگی .

پښتانه عموما توری ته ډیر اهمیت ورکوی . او داپه دوی کش یوه منلی عنعنه ده چه پښتون باید ضرور توریالی ؟ شمشیر زن ، زړور او بهادر اوسی . د میدان نه به هیسکله مخ نه اړوی ؟ او نه به شاگرزوی اوضرور به میدان گتتی یا به مری !

د اصفت د پښتون دختی سره دومره کلک اڅکل شوی دی چه که دا صفت دیو پښتون نه لری کړی شی ؟ نو پښتو نولی ورسره زی ؟ او پښتون ، پښتون نه یاتی کیژی . نو گویا پښتون یوشجاع ، بهادر ، جنگیالی او توریالی قام دی .

داپورته مدعا دومره ښکاره او سرگنده ده چه اړ و براهینو او شواهدو ته ضرورت نه لری :

دیوقام دملی روح نمایندگی د دغه قام دملی ادبیاتو پر ذمه ده ؟ او

د پښتو ملی ادبیات که څه دی هغه ټول تقریبا له یونجه رزمیات او حماسیات دی ؟ او د توریالی توب په مدح اوستاینه نک دی . وگوری ! لاندی لنبی :
 « چه توری و خیزی گپیره — مایه همزولو پوری ډیر خندلی دینه »
 « په تور ټوپک ویشتلې راشی — دبی ننگی احوال دی مهراڅه مینه ! »
 « جانان می جنگ کښ توره وکړه — څکه همزولی راله کونښی سموینه »
 « یار می له تورو رایه شاشو — په بیگانی ورکړی خوله پښیماننه یمه »
 « توریه رنچک سورشی به وینو — سالم په تن بی ننگه را مشی مینه »
 « دتو روجنگ وی ما به کړی — د نصیب جنگ دی وار خطا ولاړه یمه »
 غږ شو په کتئی جانان راوړ

زړه می په پرشوچی په شانوی زخمو نه

تر تور یالی مین به جار شم

چه د غلیم په وینو سره کاندی لاسونه

د پښتنو زلمیو ، و اړدی

پر خپل وطن به توریالی مه ونه مریته

زلمی ولاړ توری تر ملا دی

غزاله زی پر خپل وطن سرور کوینه

جانان می سر په وطن کښیښود

په تار د زلفو به کفن و راله گنډمه

ستا تر دی خکلی بوړی جار شم

یه اوږه ستادی کږه زه درسره څه

دمیر نو خویندی به ژاړدی

د سیموزیا نو خویندی سترگی توره وینه

پښتو نولي

دا دواړه توگه سره تړلي
 چه محنت کاندې راحت هغه مومي
 د جنگ تجربه کارزسري خوشحال خان دېري د گتلو چار داسې بشي .
 که د جنگ په کار کښې ډير دې حکمتونه
 چه په سر صرفه و نکړي نو پري دي
 د سردار دې د تکميل د پاره دادوه شيان دي ضروري بولي :
 ورکول ، توره وهل دا دواړه بويه
 چه پري چار د سردار دې شي انصرام
 خوشحال خان د يو او کارو دا تمام د پاره د خدای د توکل
 نه روسته په خپل مه او توره تکیه کول د کاميابي سبب بولي :
 يا تسکيه د يوه خدای ده ياد توري
 په جرگو مه کونه شي کار تمام
 همدارنگه د تورياليتوب په باب وايي :
 خوره شور وا د خپلو ليچو غضنفر شه نه رو باه
 مزري توب بويه د تورو په ميدان کښي
 په خالی ميدان هريو گيدر مزري دي
 د افغان په ننگ و تړاه توره
 ننگيالی د زهاني خوشحال ختک يم
 يو گڼتون شاعر د تورياليتوب ستاينه داسې کوي :
 چه په جنگ کښي ملاوستي تری جوړ نه شي
 د هغه شملي په ول باندې نو شه !

جانانه جنگ نه پشانه شسي
 چه د همز و لورا له نه شي بيغورونه
 توره به کړي پري به راوړي
 که پري نه وي زوانان تل په تورو مرينه
 هلك به خنگه توره نه کا
 تر نيمائي مور چله زه ورسره هغه
 له خپله لاسه مي پري مه کړي
 چه ډزي وشوي زه پر بام درو ختمه
 خال به ديار دوينو کښي دم
 چه شينکي باغ کښي گل گلاب وشرمويته
 غازي په اوږه غونډي کښي دي
 چه بي زيارت کا د گيلان ملالی نجنونه
 خوشحال خان توريالی ادیب خوددي هنر فدائي دي . دي وايي
 چه خرگنده سر بازی کاندې د تورو
 زه خوشحال ختک ترداسي هنر چارشم
 دانا مقوسردار د پښتو د يو لور او علاج تورياليتوب بولي ؛ او وايي :
 پښتانه چه نور غه فکر کا نا بود دي
 بي د توري خلاصي نه شي په بل کار
 په دي لاندې رباعي کښي خوشحال خان د پښتوالي د لازمه
 غريزه داسي بيانوي :
 چه ننگيالی دي دولت هغه مومي
 چه جنگيالی دي دولت هغه مومي

(۱) اخسته د کابل د مجلی څخه .

یوبل پښتون شاعر د پښتو نولټی په غرور سره وایي :
شا اړول مخ د دښمن ته مونږ ته دین نه وایي ملی آښ نه وایي
مونږ خپلو توروته د سرو وینو جوهر ورکو و آب د خطر ورکو
په بل لځای کښ وایي :

سر به تری غوس کړو که کاږه ز مو نړه کورته گوری
کور خولاڅه کوی که سببی ته ز مونږ پورته گوری
پښتانه په دی خوی تردی پوری ټینګ دی چه دپرستی او سپری
سینې مرګ نه خوښوی. دوی تل آرزو اری چه په خپلو سرو جا موکښ
بی داینزوونکی دلاس دوهلونه په خاورو کښ کښودل شی لکه چه یو پښتون
شاعر ددی ملی احساس ترجمانی داسی کوی ،
« دامصره به زه ورنکړم دقیصر په تاج و تخت
د پرستی مړی نه دی د پښتون دکلی کور »

زما باور دی چه زه به په دی موضوع کی په همدی لفظ سره
دناقد دخولی نه خلاص شم ، چه نور و او بریه خلقو ویلی دی هغه
دا دی ، چه : « فارسی زبان بزم است و پښتو زبان رزم » مگر
دزیات ټینګار دپاره نور هم تحقیق کوو ، نو اوس گوزو چه په دی
باب کی نور د فکر او قلم خاوندان څه وایي :

حضرت سید جمال الدین افغانی د تنمته البیان د دریم فصل په سرکی
ایکې : « داامت په جلالت او اقدام زیږ یدلی دی ، او بحر بی ملت دی .
د اجنبی سلطی ایسکله انقیاد نه کوی تردی چه چنگیز ، او تیمور
گورگانی ته هم دا ملت له خطر خالی نه و ، سره له دی چه هغوی
په ټولو قوتوسره په دی قام مسلط و و . »

دغه حضرت ، د تنمته البیان د څلورم فصل په سرکی داسی لیکي :
« لوی او ستر قام چه د افغانستان په اقطار وکی او سیگی هغه افغان
« پښتون » جنس دی . ددی جنس غالب خوی انتقام ، جنگ -
اوپه جګړو او منا زعاتو کی زړ ورتیا ټینګاره کول دی . لکه چه دوی
ظاهری صور تونه ددی خوی ترجمانی کوی . همدارنگه ددوی دلغت
او ژبی او غځونو زیږ والی او سختی ددوی په دی خوی او ددوی
د طبیعتونو او زړو نو په کلکوالی دلالت کوی . »

کرنیل میلسون دخپل کتاب : تاریخ افغانستان ، په اول باب کی
داسی لیکي : « د سرحد عام اوسیدونکې بالکل غرسه دی . او په دی
خوی کی زینتی له زینونه کم نه دی . » دده مراد په غرسه توب سره
د پښتو چالاکی رشادت او دغره دخکته پورته کیدو قوت دی .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په آخر فصل کی ، په
کوم زای کی چه نوری ختیری کوی ، هلته داهم لیکي ، چه : « پښتانه
د مرګ نه ډیر لږ ویر یژی . د جنگ په میدان کی مره کیدلوته
د عزت په نظر گوری . که په جنگ کی څوک مهاشی ، او دهغه څوک
داسی وارث پاتی وی چه دهغه توره جګه کی ، نو دپښتو ښزی په هغه
بساندی غم کول عیب گنځی ، او وایي چه سپری دروح دور کو لو
د پاره پیدا شویدی ! دخپګان موقعه به هغه وای چه دده توره په
کسج کی یا تی شوی وای ! » په پښتو کی دا مشهور مثل دی چه :
« نر پسر دحلالولو دپاره دی »

مولوی عبدالمجید صاحب دخپل کتاب په بل زای کی وایي : « پښتانه
په تورزنی اونیزه بازئی کښ فطرتا ماهر دی . دغه رنگ داس په
سورلی کښ هم . په دی خبرو کښ دوی ته داستاذ ضرورت نشته . »

ددی زمانو انبظام ته پر زردی دی ؟ هغه دادی چه دوی صفونه تری ؟ او ټینګ ترتیب جوړوی . جګ او خکنه منصبداران مقرروی . دسوق په وخت کی منصبداران محکم کیږی چه قیادت وکړی . ولی ، کوم وخت چه جګړه ونهلی نو عسکری مشران ددی دپاره وروسته کیږی چه فکروکی اودوران دی کید واو وروسته کیدو ، دښی خوا ، آو کیږی خوا دتوقف ، اقدام او دنور و لازمو کار وحکم پخپل وخت کښ اجرا کړی ددوی په عادا تو کښ یوه داهم ده چه کوم عسکر د تیختی په نیت دښمن ته شاوړ وی ، نوسزائی مرګ دی . لکه چه دا صفهان په واقعه کښ داسی پیڅه وشوه چه یو عسکر یو ظابط و لید چه له جنگه پر شا کیږی ، نو ظابط په قرار د خپل جنگی قانون دخپل دغه عسکر د مرګ اراده وکړه ولی عسکری ده ته خپل ښی لاس وښود چه په جنگ کښ پری کړه شوی و ، نومنصبدار دی پرینود ، خوییا هم دده دعتاب آو د راخکولو نه خلاص شو ، او منصبدار دده په تیښته او وروسته کیدو ډیر ناراض شو او عسکرهای ته ښی بیر ته ولیږلو ، او ورته ښی وویل ښو نو کیه کیښ لاس دی نشته ؟ که داهم درنه پر یکره شی ، غاښونه خودی شته په ډی دښمن غوښی پر یکوډ ! زه ، آو داخری خلگی پوری د دښمن مقابله کوډ ! »

بله د پښتو د جنگی قوانینو څخه داده چه خپل می هیسکله د جنگ په میدان کښ نه پریږدی ، چه د دښمن لاس ته ورنشی او بی حرمته نشی نو په عین دزو او توده جګړه یا تیاره شپه کښ خپل می هی لږ زخمی په شا کوی د جنگ دمیدان نه ښی اوباسی . که مروی نو ښخوی یی . او که زخمی وی نو د خپل وطن او تجربی به موافق ښی علاج کوی .

همدارنگه دی وای : « دپښتو ښو سازدیر دمزی اومهیج وی . دوئی په بدلو کښ اکثره دخپل قام ، بهادران ستای . په سندرو کښ هیس تصنع نه وی ؟ شاعرانه لوازمات هم نه لری ؟ خود ، فطری جذباتو نه ډکی وی . »

هو ، دا هماغه دتوریا لیتوب دروح اثر دی چه ددی قام دشو و ، نرو ، ورو ، غوږه وینه کښ کیددی . مونګ داوسه پوری ، صبا ، بیګا ، د سردار محمد ایوب خان ، غازی محمد جانخان ، وزیر محمد اکبر خان ، عمراخان دناوگی ، ملتان دتیرا ، او داسی دنورو بهادرانو دبهادرنی سندری په کوڅو کښ دماشو مانو ؟ په کورو کښ دښو ؟ او په حجرو اودیرو کښ دزلمیانو دخولی څخه په موثره او خونندوره لهجه سره اورو ؟ او حظ اخلو . دادتوریا لیتوب حس نه دی نوڅه دی ! دپښتو په ښو و کښ دادمتل په طور مشهوره ده ، چه : « ښی په گانړه نه ستری کیږی او نارینه په وسله »

دجنگ قوانین:

غه رنگه چه پښتانه دتوری ، شجاعت اومیدان گتلو خاص استعداد اوددی کار سره خاصه دلچسپی لری ؟ دارنگه دوی دجنگ او محاربی دپاره لڅانته قوانین هم لری چه هغه پدی لڅای کښ د ذکر قابل دی : حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمه البیان د څلورم فصل په اول کښ لیکي : -

« له دی سیه چه دپښتو په طبیعت کی شجاعت ؟ تعرض ؟ اود جنگ طبیعی میل راسخ شوی دی ، نو دوئی ته طبیعت دډیر وپیر یوڅخه دعسکر نظام او دجنگ قوانین ښو ولی دی ؟ په داسی ډول سره چه

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانستان په ۱۹۱ مخ کښ داسی لیکي « د مړی وړ لوانه پر پښو دو عادت تراوسه په پښتنو کښ دو مره کلک دی چه دیوه مړی په وړ لو سوونه مړی و لی مړی نه پریږدی . دوی که څه هم ډیره کامیابی حاصله کړی وی ، خو چه مړی ئی د دښمن په لاس کښ یا ته شی - هغی ته دوی لوی شکست وائی . اوس هم که چیری کم وخت افغانی قبائل په انگریزی حدودو حمله وکی نو چه له دوی څخه څوک مړ شی او یا ته شی نو د هغی د پاره دوی مخبر مقرر ه وی . قبرئی معلوموی او د شبی ئی له قبره او باسی وړی ئی » .

د پښتنو په نزد د جنگ سخته تمیینه یادښمن ته شا گرزول اوی عیب دی چه نسل تر نسل پوری پیغور پاتی کیږی . پښتانه د توریالو پښتنو په مدح کښ ملی ترانی لری . اودوی هغه زلمیان ستائی چه په جنگ اومقابله کښ مقاومت ښکاره کی ، اومخ و نه گرزوی !

یوه معشوقه دخپل گران مین د مرگ غمگ اوری ، نوری ټول غمونه هیردی . فقط په دی فکر کښ ده چه ټپ (زخم) ئی له شاد خوانه وی خوړلی ! چه دی ته د آشنا د تمیینه ؛ اوددوسی د مرگ پیغور پاتی نشی . نو وائی :

غږ شو په کت ئی جانان را و وړ
زده می ډ پر شو چه پر شاهه وی زخمونه

د سلطان بهلول لودین په وختو کي چه پنزړه سوه کاله دغه د هندوستان پاچا و ، ملک فیروز یونگیالی پښتون و چه د جسرت کهکړ په لاس بندی شو . د ده زوی چه شاهین خان نومید و ، په جنگ کښ مړ شو ، د ملک فیروز د ملگرو سره د سرهند ته د جسرت کهکړ

د کتلو د پاره را وړه شوی وو . ده ، ملک فیروز را وغوښت او د دی سرو و دخاوندانو نومونه ئی زنی و پوښتل ؛ ملک سرو نه وکتل ؛ او نومونه ئی ورته وویل . په دغه جمله کښ د ده د زوی د شاهین خان سر هم راغی ؛ ملک وویل : « دا نه پیژنم » - ولی څه وخت چه د جسرت کهکړ خلقو وویل چه دا سپری ډیر توریالی و ؛ او تر آخره ئی د جنگ نه مخ وانه وړولو . نو د ملک د سترگونه او ښی جاری شوی ، وی وویل « دا زما زوی دی » جسرت کهکړ ورته پوښتنه وکړه چه « مخ کښ دی ولی نه وویل ؟ » ملک فیروز ورته وویل چه « ماته نه وو معلوم چه زما زوی په میپانه مړدی او که نه ! نو بیریدم چه د بی ننگی پیغور را وانه وړی . »

په تور و ټوک ټوک شی لالیه !

د بی ننگی غمگ دی رامشه تروطنه ! (۱)

دغه اعتقاد چه د جنگ په میدان کښ به یابری وی اویا مرگ دمخ گرزولو دریم شق پښتانه نه پیژنی . داد هر پښتون فرد په روح کښ نرویی او که ښه را سخ دی . لکه چه یوه معشوقه خپل مین ته وای :

توره به کړی بری به را وړی - که توره نه وی زوانان تل
په تورو مرینه « د جنگ په وخت کښ چه دښمن زور ښکاره کړی
نروینزی ، واړه غټ ، ټول ، د جنگ میدان ته حاضر ژی ،

« ټلوله به زو د جنگ میدان ته - نه چه پیغور کوم دښمن را
پاتی شینه » د جنگ په وخت کښ ښی ا کشره د نارینه و پشان میدان

(۱) طلوع افغان .

ته حاضرېږي. او په قومي او وطني دفاع کېن دنرانو غوندې برخه اخلي لکه چه يوه معشوقه خپل عاشق ته داسې وايي :

« پر سپين ميدان به در سره يم - زه پښتنه دتوري نه تر پلم مينه »

دجنگ په وخت کېن چه سوک تپښته وکړې يادښمن ته شا واړې نو پښتانه هغه ته دؤس وايي. اودې ټول عمر بيا خپل قام او عزيز ته سترگې نه شي پورته کولې ! - او که دشا اړولو په وخت کېن مړ شي نو پښتانه يې مړې نه وړې - او نه يې ښخوي . په دې موضوع کېن دالاندې قصه بايد زموږ لگک د مقالې لوستونکي په پوره دلچسپي سره ولولي :

قصه :- دخپلو سپين ژيرو اومشرانو دخپلې ذمې داخبره ياده ده چه دتيرا په لام سنه ۱۸۹۷-۱۸۹۸ع کېن چه کوم وخت اير يدي دخپلو لوړ وغړو دساتلو دپاره دخپل اسلاميت او پښتونولي په جذب په سرو مال جنگيدل . نو يوه ورز داسې پښنه وشوه چه دجگړې دسرښت نه پس ته دمرو ورو دپاره دصلح غږ وشو ، نو دواړو خواؤ به خپل خپلې مړې وړل. په دې مينز کېن يو انگريز جر نيل په يوه خړه غولڼې ناست دوربين په لاس دښمن وخوا ته گوري ، سه وينې چه يوه غټه لوړه بنزه جبي دارخت (کيمس) اغوستې ، تور پورڼې په سر ؟ توپک په اوږه ؟ گردنې تر ملا ؟ دجنگ ميدان ته راغله : په مړ وگړي . ديو مړې سر را پورته کړې ؟ وي گوري ؟ نو په دواړو مخونو ځکل کې ؟ پري يې ايښدي . بيا دبل سر را پورته کې وي گوري ؟ ځکل يې کې ؟ نو پري يې گډي. دښپرومرو سره خوي دغه چل وکړو داوم سړي چه راپورته کړو ؟ وي کوټ ؟ نوزري په زمکه وغورزو او او بوخو څپير يې په مخ مخ و وهلو .

جر نيل صاحب خو په ډير تعجب ورته په زير شوي دي ، مگر

پښتو نولي

هيس يوه نه شو چه مطالب څه دي ! نو په صلح کېن يې سړي ورو ليکنو چه يو پښتنه تړي وکړې - چه سړي ورنژدي شو ، بنزي وليد ، ورباندي غږ يې کړو چه : « سړي څوک يې ! څه مطلب لري ؟ ... ! »

سړي : « موري ! زه صاحب را ليږلئ يم چه تانه ديوي خبرې پوښتنه وکړم ... ! »

بنزي ورته په خپله لهجه وويل : « بس ، رادري ناشي ! ويايه ، څه ويايي ؟ ... »

سړي : « صاحب پوښتنه کوي چه تاڅنگه دښپږ وتنومې و سرونه را پورته کړه ځکل دي کړلې : او داوم سردې دکتلو نه روسته ه زمکه وويشت ، او په سپير و دي ووهلو ... ؟ »

بنزه : « يا چه درومه ، خونه دي وپروته شه ! يتو په دا کي څه کور دي ! ... »

سړي : « موري په ديکتس خوستا نقصان نشته ، نوولي ... ؟ »

بنزه : « نسخون خو يې مي نه وي ، خو نويدا څه ؟ ... »

سړي : « زه اوس راغلي يم ، پوښتنه درنه کوم ، نو څنگه جواب نه را کوي ؟ ... »

بنزه ، « خبره خود وده چه دوشپير مي زومن دي ، دو مردک دنجي نه خوړلې دي ، په توره مېه دي : شهيدان دي . نو زکه مي ځکل کړه . ودو يومي څښتن دي ، دده مردک په شوگيدلې دي ، دي په دؤسني (تپښته ، بيما توب) کس مېدي . ددؤس مخ په کفن کش هم کسل نه دي په کور ، نو ايسې مي وغور زلو ... ! » (۱)

(۱) دادخزي دپښتونولي جذبه ده ؟ که نه ! دکوم سړي نه چه داسې توريالي زامن زيرې ، هغه هيسکله دښمن ته په تپښته شانه اړوي . « خادم »

سری : « بس نور نو خدای سیارلی ! »

بیزره : « خلوی دی مل شه ! . . »

... د دینه روسته بیزره خپل مهمی یو یو په شا کوی ، او وری یی .
سری چه بیرته راغی ، جرنیل ته یی ټوله واقعه ټکی په ټکی وویله .
جرنیل رو مبی د تعجب نه گوته په غابن و نیوه . بیا یی واقعه یو په
یو خپل گور نمښته ته ولیکله ، او وی لیکل چه : « د دی قام سره
جنگیدل او د دوتی نه گټه کول ډیر گران دی . دستی خو کا میایی
نه ده ممکنه ! که شه زمانه پسته د دی خلقو اخلاق بدل کړی شی ،
نو امکان به وی . »

د او چه د دینه روسته ادر (حکم) راغی چه « جنگ بند ! »

داره :

لکه شه رنگه چه مونږ مخ کی اشارت وکړلو پښتانه د توری او میدان
په جنگ کی وتلی او ښکاره دی . په همدغه مناسبت میدان گتلوته توره
او گتندوی وی ته توریالی وائی . ډیر کرته داسی شویدی چه د تویونو
او مشین گینونو مقابله دوی د شریو په سپر کړیده : داسی چه د تویونو
په اور او مشین گینونو په گولبو روی لاس ورختلی دی او د تویونو
توری خولی یی د شریو په کلولو بندی کړیدی . دا واقعات تل لیدل
شوی دی شه ډیری تشریح ته حاجت نه لری .

په دی لحای کی مونږ یو بل رقم جنگ چه پښتانه پکی خاص
مهارت لری بیا نول غواړوو . دی قسم جنگ ته پښتانه په خپله اصطلاح
(داره) وائی چه په فارسی باید ورڅخه په (شیبخون) تعبیر وکړه شی .

ز مونږ اسلامی شاعر حضرت اقبال دا قسم جنگ د ترکانو
له خواصو څخه بولی . او دوی ته یی نسبت کوی لکه چه (د ز بور
عجم) په یو غزل کی وائی :

بر عقل فلک یمما ترکانه شیبخون به
یکدره درد دل از عقل فلاطون به
وی به چه ترکان هم په شیبخون کش ماہراوسی ، لیکن د (روه)
پښتانه په دی قسم جنگ کش دومره معروف او میرنی دی چه زمونږ
په یاد دوی همیشه په دغه رقم جنگ کامیایی حاصله کړی ده او
دښمن یی مات کړیدی .

دغه پورتنی څلور حرفی کلمه په دوه ډوله لوستل کیږی چه
یوه تلفظ سره اوز د او نیغ وتلی غابن ته وائی ، لکه د سبی یا دیل
غابن . ولی په دی بل تلفظ سره دغه مخصوص جنگ ته وائی چه
« نا گهانی یو مسلح ټولی د دښمن به سیمه ورو اوړی » د لغت
په معنی کښ دانه ده داخله چه نا گهانی حمله دشیی وی یاد وړزی .
لیکن د دی قسم جنگ د پاره شپه ډیره مساعده ده .

زما خپل فکر دادی چه دا رقم جنگ دوی ته د دوی غر خنی
توب ، مشکل پسندی او د دښمن د و سلی تفوق ښودلی دی . پښتانه
اکثره په غرونو او کوهستانو نو کښ پراته دی . د غره په ختلو ،
کوژید لو او گرژید لو کش ضعا بددی . د بلی خوانه دا هم شویده
چه دوی اغلباً توره په لاس ، توپ - او ټوپک په لاس ، طباری ته
مخامخ شویدی . میدان کش شاورون خود دوی دروایاتو برخلاف ده .
نو . دوی ته طبیعت دا تعلیم ور کړیدی چه که ورز د زور ورو ده
شپه خود کمزور و ده . نو دورزی دومره کوی چه خپل سنگر ونه

پښتو نولی

چه خپله دغه مدعی د دښمن کاله ته پری په غاړه او واښه په خوله ورشی . ددی دا معنی ده چه زه ملامت یم ، عفو غواړم . مگر دا ذلت ډیر شاذ او نادر قبول کیژی . کله کله د ننوتی دپاره دسین ډیرو جرگه یا خوتنه سیزی هم لیژل کیژی ، پښتانه د سیزو پلودیر محترم گنړی او هیسکه یی تش نه پریدی !

ننوتی په پښتنو کښ خورا زیات اهمیت لری او په دی کښ که د جانب مقابل هر خومره ډیر تاوان وی نوهم تری تیریزی . دپښتو بدی چه ډیر اوږد او مسلسل دوا لری په ننوتی سره داسی قطع کیژی چه بل هیس دستور دومره مؤثر نه واقع کیژی . دننوتی نه منل د پښتو په نزد ډیر لوی کبر او ډیر مذموم خصلت دی . چه هیسکه هیس پښتون هغی ته نه شی تیاریدی . په ننوتی سره د عمر و نوبدی او د ډیر و سر و نو بدل بختل کیگی .

دهشرا نو منښت

عموما د پښتنو په باب دا خبره خوره شوی ده چه دوی یو تر بله سره منښت نه لری اوددی خبری د دلیل د پاره دمتل په صورت داواغی چه « پښتانه هریو من دی ، نیمن پکښ نشته » دا صحیح ده چه پښتون هر یو من دی ، ولی ددی معنی داده چه د اقام د عزت نفس ، شرف اوشخصی حریت په اعلی معیار پیدا شوی دی ، د شرف مرگی د بیعزتی په ژوند باندی ډیر افضل بولی ، او په بیعزتی او ذلت سره هبسکله هرچاته سر نه ټیوی ، او دایمی معنی نده چه دوی د خپل مشرانو منو نکي ندی ، تاریخ مونگک ته د دوی ددغه پورته خصلت د اثبات د پاره ډیر ډیر شواهد او دلائل ساتلی دی .

ټینگ کړی او دښمن درا وړاندی ولی څخه منع کی . ولی دشپی چه دښمن ډوند کونړوی نو وار د دوی وی په دی وخت کښ دوی د دښمن په سنگر ونو وراوړی او څه ئی چه د لاسه وشی هغه کوی .

برمه :

دایو مخصوص عادت دی چه په پښتنو کښ په قومی طور سره رواج لری . برمه دی ته وائی چه د یو چایه بل باندی یو نوع حق وی اوهغه بل ددغه حق دا دأ کولر دپاره نه وی تیار . نو د دی د پاره چه دغه حقدار خپل حق شته کی . او په دغه بل باندی ئی ومنی ، نو ددغه پر - مال یا سړی وړی . او د زازه سره ئی ساتی خو چه خپل حق بودکی ، نو دغه مال یا سړی بیرته ور کوی .

د سرحد پښتانه ډیر زاه داسی برمتی د حکومتو څخه هم کوی . دشپی په داره یا پټ ، حکومتی حدودوته وردا خلیژی او هرډر اوښزه چه په لاس یی ورشی په برمه ئی وړی . سباهه بیا اظهار کوی . اودهغه برمتی په ذریعه خپل بندیان را خلاصوی .

ننوتی :

د جنگ اوعداوت دقطع کیدو د پاره دایوه مخصوصه طریقه ده کوم وخت چه د دوه کسو په مینر کښ جنگ او جگره ډیره موده جاری اوسی او بیا یوه خوا مغلوبه شی یا وغواړی چه نوره جگره قطع کی نو په دی وخت کښ لازمه ده به ننوتی وکی . هغه نو داسی ده چه میا ، ملا به دښمن ته ورلیژی هغه به دده له خوا عذر کوی او وائی به چه فلانی نور بدی کول نه غواړی . کله داسی هم کیژی

حضرت سید جمال الدین افغانی د تنمة البیان په (۱۴۱) مخ کښ داسی لیکلی : « د پښتنو د عا کر و افراد د خپلو مشرانو هغو مره اطاعت او انقیاد کوی چه په یو متمدن مملکت کښ هم د هغی مثال نه موندنه کیژی ، تردی چه که دوی په کوم دا گڼ کښ سره خواره او یو یو شوی وی خوچه دا او از واورى چه دوی خپل رئیس او مشر ته راغوسبتل کیژی نوډیر زر په تندى او جلتى سره د رئیس او مشر خای ته دا مرور لود پاره را حاضر یگر ، او که په ډیره و لږه او تنده کښ دوی ته ضمام او او به لاس ته ورغلی وی نو هغه هم پر یردی او دامر منلود پاره د مشر حضور ته رازغلی .

د دوی دښه اطاعت څخه داده چه پخوا به دوی کوم ښار فتح کړو نوچه سردارانو او مشرانو به دا امر و کړو چه د خلغو پوری غرض مه کوی. نو د دوی نه به یوڅه ادنی داسی کار نه صادر ید لوچه دعومى امن او راحت نه به برخلاف وی . تردی چه که په سرو او سپینو زرو جرا و ښخی به تیریدلی ، نو ورته به یی کتل قدری هم نه !

یو وارداسی پښنه و شوه چه دا شرف خان د تخت کینا ستلو په اول کښ په اصفهان کښ د پښتنو د دوه ډلو په میتر کښ جگړه جوړه شوه او جگړه سخته شوه تردی چه ډیر مړی وشوه ، نو د کاندارا نو خیل دکانونه له دی ویری بند کړل چه دوی ته څه تاوان ونه رسیژی نو په دی وخت کښ شاه اشرف حکم وکړ لوچه « د کانونه دی نه تړل کیژی او که چاته څه خساره ورسیزی نوزه بی تاوان ورکوم » ددی نه وروسته په ښار کښ څو موده جگړه جاری وه ، لیکن د جگړه مارو له خوا اهالی و ته هیس ضرر ونه رسید .

پښتنو چه د غور د ټبر ، میرویس خان هوتکی ، احمد شاه کبیر

شیر شاه سوری ، غازی اکبر خان ، محمد ایوب خان ، او په آخر کښ دا علحضرت محمد نادر شاه شهید په مخ کښ په خپلو سر و نو کومی لوبی کړی دی دا د پښتنو د مشرانو د منلو او فدا کاری پوره پوره ثبوت ورکوی ، نوری وړاندی خبری به ټولی پریږد و یوازی د وطن د نجات واقعی ته به و گور و چه پایتخت او ټول ما فیها د لاسه و تل او بیا د یوداسی ملی قانده د سیوری لاندی چه بی دزره د درد او قومی اخلاص څخه دده سره نور هیس وسائل موجود نه وو ، د پښتنو تش د پښتو نولی او د ملی مشرانو د منلو په برکت بیرته هر څه لاس ته راوستل څه آسانه خبره نه وه ، په دی کښ ډیرو قربانیو ، فدا کاریو او دوینو ټویولو ته حاجت و .

داهم پریږده ، د سرحد پښتانه او د عمر ونو عمر و نو جگړی او د ډیر مقتدر او زور ورفوت په مخ کښ د خپلو ملی قانده ښو د بیرغ لاندی جنگیدل چه د پښتنو د مشرانو د منلو جذبه ثابت نه کی نو بل به ځی څه شی ثابته کی ؟

هو د پښتو نولی روح یوداسی خاصیت لری چه د قومی لطف مهربانی خوا خوگی ، او د ملی قیادت اومساوات په مخ کښ لیکه رښم پستیژی او د سختی ، زور ، حاکمیت ، او ظلم په مخ کی داسی کلکیژی چه د ټویونو اور ، د طیارو بمونه او د فولاد و توری ټی هم نه شی نرمولای !!! چاچه ددی قام سره سختی کړیده هغوی روسته په خپلی سختی سخت پښمانه شوی دی !!!

بدل اخیستل :

په پښتنو کښ د بدل اخیستلو او انتقام خوی پیخی کلک دی که

یواحسان وکی او هغه احسان دی دده په اور میزه پور پاتی شی !
پښتون دغه وضعیت بی شرفی گنډی !

غزا :

مخ کی موژ دپښتو دمحار بوی قوت او جنگی روح څخه خبری
وگرې ؟ غزاهم یونوع محاربه ده ولی فرق دومره دی چه غز ایومقدس
جنگ او قربانی ته وائی چه ددین اومذهب په نامه باندي کیژی .

پښتانه داقسم قربانی ډیره مقدسه گڼی او په ډیر فخر اوعشق سره
دغزایه وخت کی چه دبانډینی اوددین نه ونلی دښمن دپښتو په کوم منک
تعرض وکی ؟ دخدای په لازکی دسرور کولو دپاره میدان ته راووزی .
دغزایه موقع کی کوم وخت چه دښمن غلبه وکی واړه ، غټ ، بزی او
ترقول جنگ ته راووزی . دهرخای نه ډلی جوړیژی سره بیرغونه
تری اود جنگ خای ته روانیژی دهری ډلی سره ډولونه ، نغاری
اوسازونه وی ؟ په ډیری مستی اوشوق سره دشهدات خای ته درومی .

دپښتو په عقیده سره کوم د ساز آلات چه په غزا کی شرکت
وکی دآلات اودغه سازندگان چه په غزا کی ښی غږوی پس له غزا څخه
هم په ډیره ښه سترگه کتل کیژی ، او هیسکله یودینی مشراوم اذون
د دغه ساز اوسازنده بیحرمتی ته اقدام نه کوی .

ډول والا کشره د لښکر په مخ کی زی او دجگر ی یاد کشت
یاد فتح په لږ وخت ډول درزوی او ډول په او از ټول غازیان سره
راغونډیژی او موقع ته زان رسوی .

د پښتو استقلال او آزادی چه په دی پرشور او خطرناک عصر

دوی ته سپک وکتل شی یا ددوی بیحرمتی وشی یاددوی حق تلف شی ،
نواول دستی په دستی او په سپین میدان دخپل حق درا گرزولو دپاره
تښنگ کوشش کوی ؟ په داسی خای کی خپل سرته اهمیت نه ورکوی ؟
که سره ددی ټولوی بدل پاتی شی ؟ نودپښتون دزړه نه هیسکله دانه
وزی چه ده ته چا په انفرادی یا قومی حیثیت سره په بی احترامی
کتلی وی . دامشهوره ده چه « پښتون داوښ کینه لری » نو کله نه
کله صبر کوی او هغه دانتقام جذبه دده د زړه نه نه کیژی چه خو
وارومومی او خپل بدل واخلي . په پښتو کی سخت پور دسرپور دی .
دسرپور کله خاندانی وی او کله قومی ، په خاندانی کی د خاندان
نه سری وژنی شی . او په قومی کی دقام نه بدل اخستل کیژی .
دپښتون بدل په میراث سره منتقل کیژی ، بدل اوانتقام ته پښتانه پور
هم وائی ، کله او بیړنی تیریژی مگر خپل بدل ی نه هیر یژی . په
پښتو کی داد متل په دود مشهوره ده چه « پښتون سل کاله پس خپل
پور واخیست هم ولی ئی چه جلتی می وگره »

بدل په دوه قسمه دی . یودبندی پوردی چه بیان ئی مخکی تیر شو .
بل دنیکی صلی ته هم بدل وائی ؟ په پښتو کی دالوی عیب دی چه
دچاسره څوک نیکی وکی او هغه ددغه نیکی عوض ورویه گرزوی . بدل
پاتی کیدل دپښتو په نزد سخته نامردی شمیرل کیژی .

معلومیژی چه داد بدل اخستلو اوبدل گرزواوخوی چه پښتو ته
دعنی او کلسکی سچی په شان پاتی دی ، داددوی دعزت نفس ،
شجاعت اومزاجی استقلال دناحیی نه په دوی کی راسخ شویدی ،
یومخترم لجان خوشی ، اوشجاع سری کله غواړی چه څوک دی ده
ته سپک وگوزی اودی دی هغه باسنده تیره کی ؟ یادی څوک دده سره

کښن ساتل شويده د دغه مقدس روح او د دغه پاک خصلت په برکت ده .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په (۲۰۴) مخ کښ داسی لیکي : « دغزا لفظ د پښتنو په نزد دومره خوځک دی چه هیت دولت د دوی مقابله نه شی کولی ، په افغانی سیاست کی چه که څه روح شته نو هغه فقط دغزا د شوق په برکت سره دی . »

کر نیل میلسون انگریز د خپل تاریخ افغانستان د اول باب په آخر فیو پارو کی پخپلو الفاظو کی وائی : « پښتانه د خپلو ملایانو او مذهبی مشرانو د لاس لاندی دی ، او د کافرانو سره که هغه تورو کی او که سین ، هر وخت دغزا د پاره تیاروی . دغرو نو په غارونو کی په امان ناست دی خدای خبر کله را ایسی ئی د هغه ټولو جا کانسره جگړی کی پدی چه د مونږ نه رومی ئی په سر حد بندی حکم کولو او پخپلو ارمانو نور زیدو ئی زړونه سخت شوی دی . »

جرگه :

د پښتنو په ملی عنعناتو کی جرگه خورا اهمیت لری . پخوا پښتنو ټول مهمات په جرگه فیصله کول ، وائی چه سلطان بهلول لردین د هندوستان پاچا به د پښتنو سردارانو جرگه درلوده ، هر وخت به چه داجرگه تشکیل شوه ، دی به د پاچائی د تخت نه را کوز شو دنور وسره به یو زای د پښتانه به ټول کښیناست په دی جمعیت کی ده هیت امتیاز نه درلود . (۱)

د پښتنو جرگی خورا مشهوری . دی زینی مدققین وائی چه دا

(۱) د خانجهان لودین قامی تاریخ او تاریخ سلطانی « طلوع »

جرگی د پخوانو آریا نانو له رسومو څخه په دوی کی پاتی دی . اوس هم د آ زاد وسرحد و پښتانه د جرگی پابندی هر وخت چه یومهم کار پښن شی پښتانه پکی جرگه کوی ، د پښتنو جرگه زانته اصول او مخصوص قانون لری ، د جرگی زای معلوم وی . چه یا حجره یا دیره او چوتره ، او یا لوی مسجد وی ، په پښتنو کی د جرگی او پوه خلق فطر تامعلوم وی چه په هغو کی څوک اختلاف نه لری ، نو دوی سره راغو نه لری او په موضوع باندی بحث کوی ، بحث وار په واروی ملکات ، خانان او پوهان او د جرگی خلق په خپل طبیعی لمر ، واریه وار په موضوع باندی تبصره کوی ، اوسا وخوا واضحوی . د تقریر په شروع کولو کی هر مقرر د خپل مدعا په موافق حکایات او مثالونه د تمهید په طور بیانوی ، نو بیا مدعا ته رازی ، او په عین مدعا کی په خوژه لجه چه د پخوانو او هوشیارانو افوالوته پکی حوالی وی ، بحث کداوه شی . د پښتنو په نزد د پښتو مثل دیوی مدعا د پاره قطعی ثبوت ملل کیژی . په بحث کی آزادی وی ، هلته فضول او بیباکه وینامنع وی . په جرگه کی چه څوک نامساو وائی نو د هغه جزا داده چه جرگه مخ ورته راواړوی او ورته ووائی چه بددی وویل ، ته ملامه ئی . بس داد پښتون مرگک دی . ددی ویری څخه هر څوک د مجلس احترام کوی . مشران او مرکاؤ سړی په جرگه کی شرکت او خبری کوی ، او کشران اکشره مسلح ولاړوی ، د چای ، او بو ، چلم خدمت او نور لوازم په لخی کوی ؛ په سره سینه خبری او بحث کیژی ، داسی جرگی هم وی چه ورزی ورزی ورباندی تیر لری چه خصوصیح او منلی صورت معلوم شی . او ټول مجلس قانع شی ؛ نو مصوبه مواد

وښتی چه فیصله دا ده ؟ نو پس له هغی په دغه فیصله باندي بسونه حلال کی
په گڼه ئی و خوری ، او جرگه پاخیژی .

د جرگی حکم به هرڅوک منی ، او کورب به مخالف زنی نه شی کولی .
که چا د جرگی د تصویب نه مخالفت و کړو هغه ته د قام له خوا سزا
ورکول کیژی او دغه سزاته ناغه وائی ؟ په ناغه کی ناغه شوی ته کله
مالی تاوان رسیژی چه پسه ، غوا ، غوی به ورته حلا لوی ، د یته
گناهگاره وائی ؟ او کله د سخت عصیان په وخت کی قام را پاخیژی
د گناه گار کو رسیزی ؟ او کله داسی هم کیژی چه د وطن نه ئی
و شړی او فرار ئی کی .

د پښتنو د استقلال د ژوند یو لوی سبب دغه دی چه دوی هر وخت
خیل ملی معاملات په جرگه او مشوره فیصله کوی ، پیر زله دوی بيله
یو منظم حکومت په ملی ډول سره هم چلیدلی دی ؟ د پښتنو ټولی د ننه
او د باندي وړانی او و یجاری په جرگه فیصله کیژی . نو جرگه
د پښتو نولی یو لوی اساس دی . اودامبارک دود د زر و پښتنو او نیکه
گانو یو مقدس اساس دی . توریالی خوشحال خان وائی ؛ بی جرگی
نه به هیس کار په لاس وانه خلی . چه خبروی د جرگی په برکت .

روغه :

روغه وائی جوړی او مصالحت ته . د جرگی د فیصلی نه روسته چه
کوم قرار داد کیژی او دوه متخالفین سره ساز کاندی ؟ هغی ته
روغه وائی . پس له روغی کیدلو نه چه په کومه خبره . .

تیره :

دعا وشي هغی ته تیره وائی ؟ تیره اینودل : مصالحت کول

دی لکه سه رنگه چه د حکم متو په مینز کښ معاهده کیژی
دارنگه پښتانه په خپل منز کښ او دنورو گوانو یانو سره د تیژی
ایښود و اصطلاح لری . د پښتنو په نرد تیره ډیر احترام او اهمیت لری .

د تیژی نه چه سوک مخالفت وکی اود جرگی د فیصلی نه بر خلاف
عمل وکی د پښتنو په اصطلاح کی وائی « تیره ئی ما ته کړه » تیره
م ترن لویه گناه ده چه چا د جرگی په رایه یا ناغه کیژی یا فرار کیژی
لکه چه ښکښ و ویل شوه .

عهد او وفا :

اجتماعی ژوند بيله یو اخلاقی نظام څخه نه شی چلیدلی . هر قوم
ار هره جامعه ضرور ده چه یو قسم اخلاقی نظام به لری ؟ یعنی یوڅه
داسی اصول به لری چه ټو له جامعه په هغی کپ نه کوی ؟ د دغی
اصولو د چلی څخه عهد او وفا یو ډیر مهم اصول دی چه گویا د اجتماعی
ژوند محور بلل کیژی ؟ که د یوی جامعه له مینزه څخه د عهد او وفا
ټکی پورته شی نو ددی جامعه په افراد و کښ به څومره بی اعتباری
اوبی اعتمادی اوسی ؟ اوڅه رنگه چه د دنیا ا کشره کارونه د اعتبار
او اعتماد پوری اړه لری نو که اعتبار او اعتماد لری شی په اجتماعی
ژوند کښ به دومره بینظمی او تشیت پیدئ شی چه د وحشت اندازی ته
به انسان و لویگی . نو هیس تمدن گویا بيله اعتبار او اعتماد نه شی
قائمیدلی ز که انسان د اعتبار ساتلو مراعات ونه کی ، نو داسی هیس
قانون جوړ ول ممکن نه دی چه په هغی کښ د حیو او خبرو کولو
ځای نه وی .

د اعتبار او اعتماد پیدا کېدل او اوښکېدلو لوی عامل عهد او وفا دی په هرتمدن کېښ چه عهد او وفا کلک او محکم اوسی او دافرادو په میتر کېښ چه هرڅومره یو تر بله اعتبار اعتماد زیات او ټینګ وى هغومره دغه تمدن فاضل تمدن شمیرل کیږی ، داخصت دومره اهمیت لری چه ټولو آسمانی ادیانو او خصوصا د اسلام مقدس دین د دی نهایت تا کید کړی دی ، قرآن کریم ډیر زله (اوفوا بعهد کم) - (اوفوا بالعقود) او په داسی نورو رنگونو کېښ دقول او وفا هدايت کوی. نبی کریم (صلعم) دمتفاق په خصلتو کېښ یوه داهم شمیرى چه (اذا وعد خالف) .

په پښتو نولی کېښ عهد او وفا خورا ډیر اهمیت لری د « پښتو » دلفظ په معنایو کېښ یوه « په خپل عهد او قول باندى ټینګیدل او دریدل » هم دی. پښتون ځان وژانی خرد خپل عهد نه تیریږی د پښتنو دا روح پردوا و بیګانه قومونو ښه پیژندلی دی او دخپل مفاد دپاره د دوی د دی خوی نه استفاده کوی ، داسی چه په څه چل ول دپښتنو نه یو وار قول او عهد اخلی نر دا خو ورته معنومه ده چه پښتون د قول او لفظ نه نه اوږی ، نو بس یائی پخپل مفاد مستعملوی .

پښتانه د اقوامو دا اختلاف په لحاظ ددی معنی څخه په قول ، عهد ، وینا ، لوظ ، بول او گای سره تعبیر کوی ، پښتون چه و عده وکی یا به هغه پرزای کوی یا به مری ، توربالی خوشحال خان وائی : « که ئی سرله تنه درومی نور به نه شی - دخو شحال چه د خپل یار سره میثاق دی » . - حمید بابا وائی : « قول بول په ژوندون نه شی بدلولى - زکه ځان په جهل وژنی پښتانه » - یا داچه : « ځان به مه دعشق په جهل کړم ناصح ! وابه نه ورم زه حمید هسی پښتون یم » - بل ځای حمید بابا

د وعدی او قول د ټینګار تعلیم په ادبیانه تخنیک داسی ورکوی : « چه پښتینی سیده صاف نه وی حمیده - بولی بولی عاقلان داهسی بول » پښتانه په لوظ دومره ټینګ دی چه که په غلطیا یا په سهوور څخه هم قول او عهد وشى او روسته ورته خپله غلطی معلومه هم شی ، پښتانه خو ډیر وی مگر د عهد دما ټولو چل پښتون نه نه ورزی ، بیچاره قول تکالیف تیروی ، مګر عهد ساتی لکه دیوه کما کړ څخه حکایت کوی چه : دی هند و شوی و ، نورو خپلوانو ناچاره کاهه چه بیرته خپل پاک دین ته را واورى . مګر ده د هغو ټولو فلسفو په مقابله کېښ په خپله ژبه دا ساده جواب و وایه « مړه ! اوس می گای کړی دی » .

پښتانه په دى خوی شیدا یان دی. حمید بابا په څه ارمان دپښتونولى دا وی غواړی « چه دعشق په جهل ځان وژنی وگړى - کاشکی زه عبدالحمید هغه پښتون شم » . « طلوع »

د پورته بیان څخه په پښتو نولی کېښ د عهد او وفا اهمیت ښه څرګند شو ، او داچه پښتانه په دى خوی څومره ټینګ دی ، اوس هم پښتانه په دى خوی هماغومره کلک دی ، ول دعلم او پوهنی دخپروالی او ښه تربیت څخه چه د خپلو خوا خوږو له خوا څخه دوی ته ورکړل کیږی دوی ددی ، لاری څخه د دښمن په چل کېښ نه ښلی اونه په بدو چارو کېښ لوږی .

پښتو :

پښتو د پښتو نولی پرومبی عنصر دی. دپښتون په لغت کېښ پښتو لفظ ددغه قام دژبی ، غیرت ، ایمانداری ، عهد او وفا ، کلکى ارادى

ټینګیدلو په معنی راغلی دی. دژبې په متعلق زه دلته بحث نه شم کولی چه د موضوع نه وړاندی ونه اوږم. دعهدا او وفاته مو مخکښ بحث وکړو.

زه غواړم چه دلته دغیرت څخه لږ څه بحث وکړم: غیرت دمدا فمی هغه حس دی چه سړی ته د فردی، اجتماعی او ملی حق دسلولو په وخت کښ را ولاړیږی؟ یا په نژدیه آسان عبارت سره غیرت ننگک دی؟ غیرت کول یا غیرت خوړل ننگک کول دی؟ غیرتی سړی: ننگالی سړی.

غیرت یو قدس حس دی چه د دین، وطن، قام او ناموس داستلو د پاره په انسان کښ لږ او ډیر ایشوده شویدی؟ غیرت هغه عصیت او هجیت دی چه د قومیت او ملیت د مانږی اساس بلل کیږی هیس قام او ملیت بی ددغه عصیته ژوندی نه شی پاتی کیدلی؟ قومی او ملی خصائص ددغه عصیت په اعتبار ساتل کیږی؟ هر څو مره چه داعصیت زیات او کڼک وی قومی مانږی هما غو مره محکمه اړکلیکه وی؟ په هر ټولی اوقام کښ چه دا حس کم شی هغه ټولی ور کیږی دور کیدو دوه لاری دی. یا داچه استقلال بابلی او دنوزو دسیوری لاندی شی چه څو پکښ مدغم شی اوبه تاریخ کښ فقط ورنزی قصی پاتی شی؟ یا داچه ورو ورو خپل میزات بائلی، او دنورو په رنگ کښ رنگیږی، نوهغه داسی وی لکه ماسه چه په شړو مېو بدل شی، نو که ددی تبدیل په وخت کښ هم څه محکم خصائص ونه لری نو بس د اول قسم غوندی آخر مدغم شی او ورک شی.

دپښتنو غیرت او عصیت دومره ښکاره دی چه هیسوک ورته انکار نه

شی کولی اودهدغه عصیت وجه ده چه دمود و مودو څخه ئی سره ډیر و انقلابو او تحولاتو خپل ملی خصائص، رسوم، عادات او خپل قومی حیات ساتلی دی؟ غیرت په څوقسمه دی؟ ملی، قومی، وطنی اودینی غیرت چه دهریوه بیان بیل بیل په خپل لځای کی رازی.

ایمانداری:

دپته وائی چه سړی په خپلو ټولو افغانو او اعمالو کی درښتینولی او صداقت مراعات کوی. اود چاله وبری یاد خپل لځان د مفاد، یاد دینمن دتذلیل یاد نفس په ښودنه دحق او صداقت نه وانوری. غالبه داده چه دامضمون پښتو دقرآن کریم د هدایا تو څخه اخستی دی اود پښتو نولی په کتاب کی ئی داخل کړی دی ولی چه د اسلام دټیو اوهندایاتو اواحکامه و خلاصه هم داده چه دایمانداری په لفظ کی لځای شوی ده.

کلیکه اراده او ټینګتیا:

کلیکه اراده او استقلال یومهم خوی دی، فلاسفه دکلیکی ارادی او استقلال خورا ډیره ستاینه. اودبی استقلاللی او هر دم خیالی ډیره غندیده کوی. دکامیابی او کامرانلی په علو او اسبابو باندی چه کوم وخت بحث کوی نو کلیکه اراده او استقلال ددوی په سرکی را وږی، انگریز حکیم «هربرت اسپنسر» د خپل کتاب (ایجوکیشن) په څلورم باب کی څواره په تاکید سره دا خبره لیکي چه «په اخلاقی اواجتماعی لحاظ سره هر هغه عدل او انصاف چه په بی استقلاللی سره اجرا کیږی دهنی نه هغه ظلم او استبداد ښه دی چه په استقلال سره اجرا شی» حکما په دی مصدری چه پسه فکر او تدبیر نه چه کومه رایه

قائم کرده شی، نوبه آخرکی که څه هم په دی عزم کی انسان ته لږ ضررهم څرگند شی؛ د دغه ضررمتحمل کیږی دی؟ او استقلال دی نه پرږدی. حکما د کلبکی ارادی او ټینګتیا پیری ټینګتیری بیانوی؛ چه ټولی دلته نه ځایږی. دیومسلمان دپاره په دی باب کښ د حکمت د ټولو کتابو څخه دقرآن کریم داهدایت دیراهمیت لری چه « و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله! » په پښتو کښ دقرآن حکیم د هدایت داد واړه جزاه په ښه شان سره معمول دی؛ دوی اول په مهمو کار وکښ جرگه کوی او بیا پس له فیصلی څخه دخپل عزم نه په هیس شان نه اوړی. دامشهوره ده چه « د پښتون هو، هو، ده اونه یی نه! » زینې بد بینان د پښتنو ددی خوی څخه په صدی توب او جهل سره تعبیر کوی، لیکن « چشم بد اندیش که برکنده باد - عیب نماید هنرش در نظر » داهغه ستایلی او ښاغلی خوی دی چه ټول ژوندی قومونه ددی په اثر ژوند کوی.

ثبات او استقامت:

هم ددی عنوان لاندی داخلږی. ولی ثبات او استقامت اکثره د شدائدو او مشکلاتو په مقابل کی وی. وفا دودعی انجامز، او ټینګتیا په خپل عزم کو لوته وائی دا ټول سره نژدی دی خوڅه لږلږ فرق هم لری.

مايوه ورز د پښتنو په ثبات او استقامت بحث کواوه چه ماته وویل شوه چه « د پښتنو په حربی روح او جنگیالی توب کی هیث شک نشته یو حربی قوم دی، لیکن ثبات او استقامت نه لری، داته د خوش عقیدکی څخه وائی ».

ماورته وویل چه « انصاف وکی په دی عصرکی چه تقریبا زیاته ایشیاد استعمارسیلاب وپورته، او زړه دنیا له یونجه د یورپ په مقابل کی په سجده پریوته، مگر دغه د ایشیا دمیز د غر و پښتانه سره د ټولو کمزورتیاؤ اوبی وزلی توب دمقتدرمقتدرقومو په مقابل کی مودی مودی د غره په شان ود ریده او خپل استقلال ئی چاته ورته کړو. آیا داد استقلال او ثبات مجسمه نمونه نه ده! »

په دی بیان سره زما حریف قانع شواونور ئی څه ونه ویل. د پښتنو داخوی د مملکت او آب و هوا د اثر مولوددی، موژ به په دی باب روسته چیری بحث وکړو.

ملی غرور:

ملی غرور یو دیر شریف حس دی، داحس په هغه مللو کښ لیده کیږی چه ترقی یافته وی، ولی چه انسان د رومی منفرد او یوازی و، دده حیات هم په یوازی او منفردانه ضورسره و، هر یو به علیحده علیحده دخپل ژوند د ساتلو دپاره کوشش کواوه. مگر هرڅومره چه زمانی تیری شوی د تکامل په قانون سره د انسان په فکر او مغز و کښ هم تطورات او تغییرات راغه، ده کور و پیژند، خپل خیلوان ئی و پیژندل، قام ئی و پیژند، وطن ئی و پیژند او ملت ئی و پیژند، هر کله چه داحس ده دخپل تکامل په وخت کښ میندلی دی، نو هماغه انعام مترقی او متکامل گنل کیږی چه داحس پکښ قوی او مترقی وی.

موژ و بلی شوچه د ملیت داحس په پښتنو کی خورا کلیلک او ټینګک دی تردی چه په خپل ملیت باندی ناز د پښتون غریزه گرزیدلی ده

د مذهبی احاطه نه پرته یو پښتون په دنیا کېن دځان نه هیسوک زیات نه بولی بلکه دځان سره ئی برابر هم نه بولی .

سړی ویلی شی چه ددی نورو سچو په شان داهم د دوی دوطن د لوړ واو اوچتو غرود استقلال او غرور ا شردی چه د دوی په مزاجو کېن فطر تا اڅکلی شوی دی ، لکه چه ژور ژ شمت د خپل کتاب « انسان » په لسمه صفحه کې (۱) داسی لیکلی :

« هغه طبیعی اثرات چه لوړ غرونه ئی دخیلو اطرافو اونواحیو داوسیدونکو په رو حیاتو کې لری ، غیر له هغه موثر اتو څخه دی چه هواری زمکی ئی د خپلو مسکو نینو په رو حیاتو کې پیدا کوی زکه چه د غرنی مملکت او سیدو نکی تل د طبیعت سره په چکره کې وی زکه چه د سیلابونو او خړو ونسکو حیواناتو وجود او هغه مشکلات چه په ژمی کېن دغه خلقوته رسیږی همیشه دوی ته تهدید ورکوی . او طبیعی ده چه داسی ژوندون نه یوازی د غرو نود ش او خوا داوسیدونکو دبدونو او پښو تقویت سبب گرزی بسکه شجاعت مقاومت د فکر سرعت ته هم تقویت ورکوی . هغه بنیاد مان چه د غره په لمنو او اطرافو کېن ژوند کوی نوله دی کیله چه د هغوی روز مره تماس غیر له غره نه د نورو طبیعی عناصر و سره هم وی ، نوزکه دخدای تعالی عظمت او صنعت په هغوی کېن زیات نفوذ کوی اودوی دیندازئی ته مائل کوی .

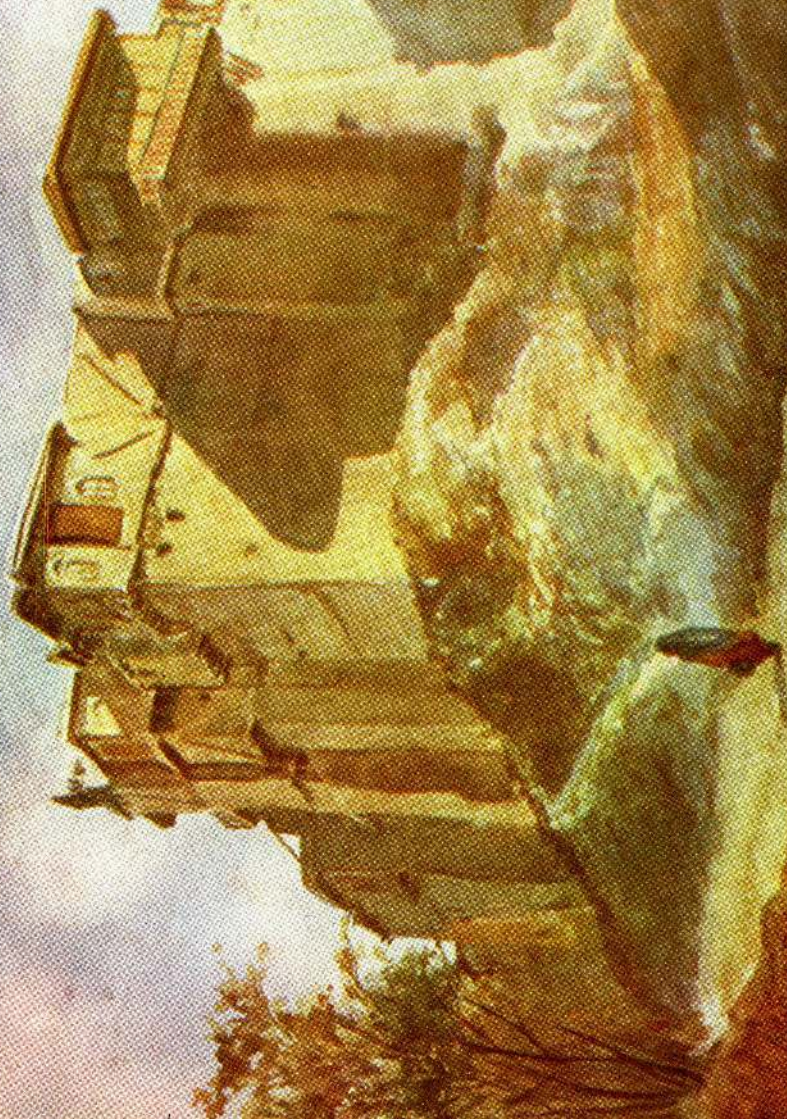
دغرونو خلق مغرور اوازادطبیعته اوسی اوددوی دغرور او حریت سبب دادی چه له یوی نخی ددوی داسترگنی زای اکره داچانو دظلم نه په امن وی اوله بلې خوادوی مجبور وی چه خپل حوائج بیله دی چه (۱) دا کتاب جناب محمد قدیر خان تره کی په فارسی ترجمه کړیدی

بعضی مناظر دلچسپ افغانستان

تشریحات تصاویر رنگه

در صفحات آینه چند نمونه از رسامی های نفیس مکتب صنایع را بصورت رنگه و یک رنگ طبع کرده ایم . اکثر این تصاویر مناظر حیات سابق وطن را بصورت جذابی نمایش میدهد . شرح تصاویر مذکور بترتیب صفحات قرار ذیل است :

- ۱ - بازی برغاله تازی که یکی از ورزش های ملی مردمان صفحات شمال افغانستان بشمار میرود .
- ۲ - کالسکه قدیمی با هر چهار اسپ آن .
- ۳ - گوشه یکی از بازار های قدیم کابل .
- ۴ - گوشه یکی از کوچه های قدیم کابل .
- ۵ - منظره طبیعی استالف .
- ۶ - منظره یک دهکده در تاریکی شام .
- ۷ - یکی از دهات اطراف کابل .
- ۸ - تصویر یک سالخورده .
- ۹ - منظره ویران کردن برای آبادی جدید .





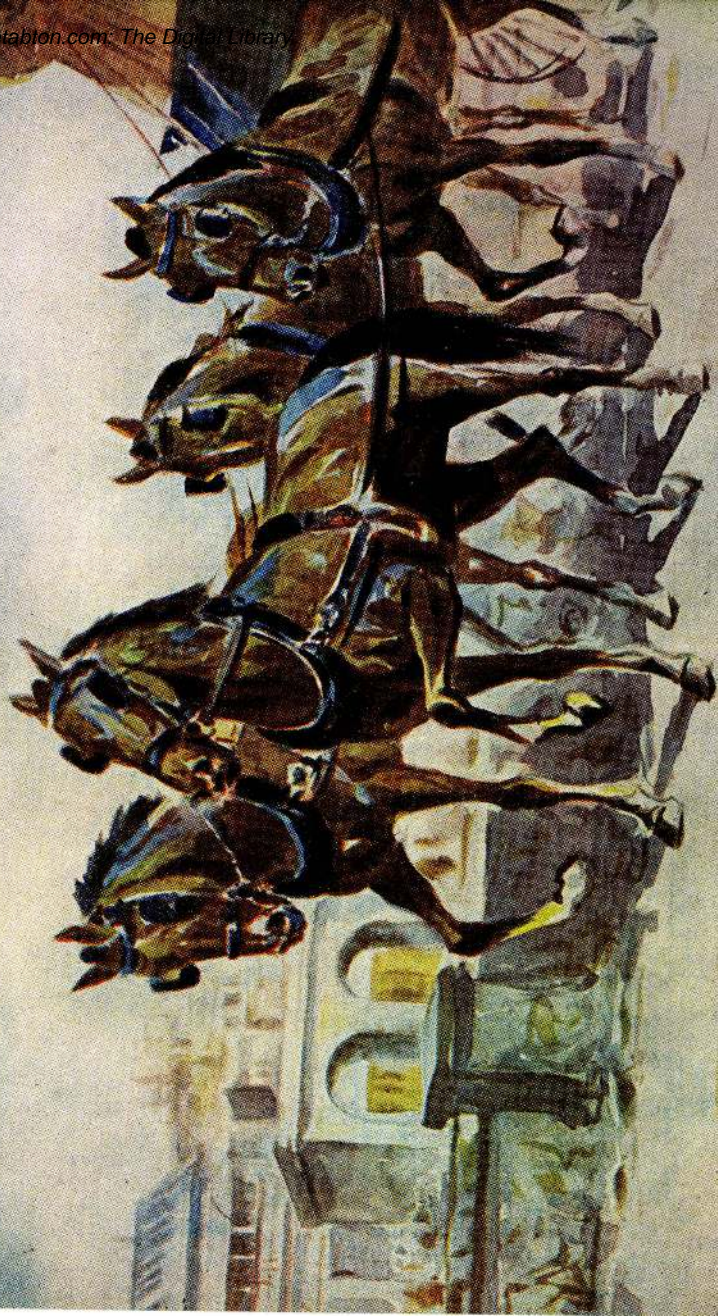


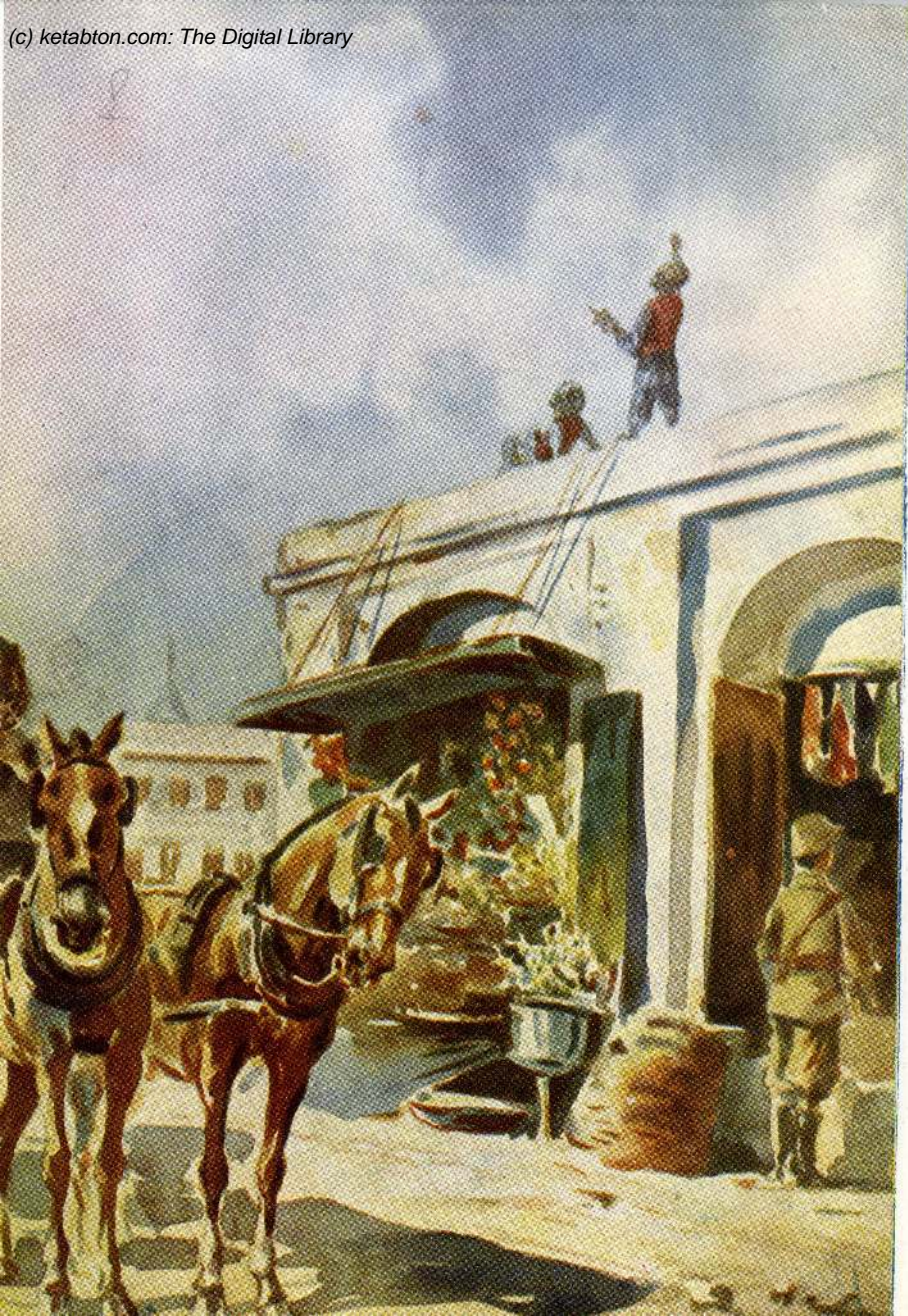


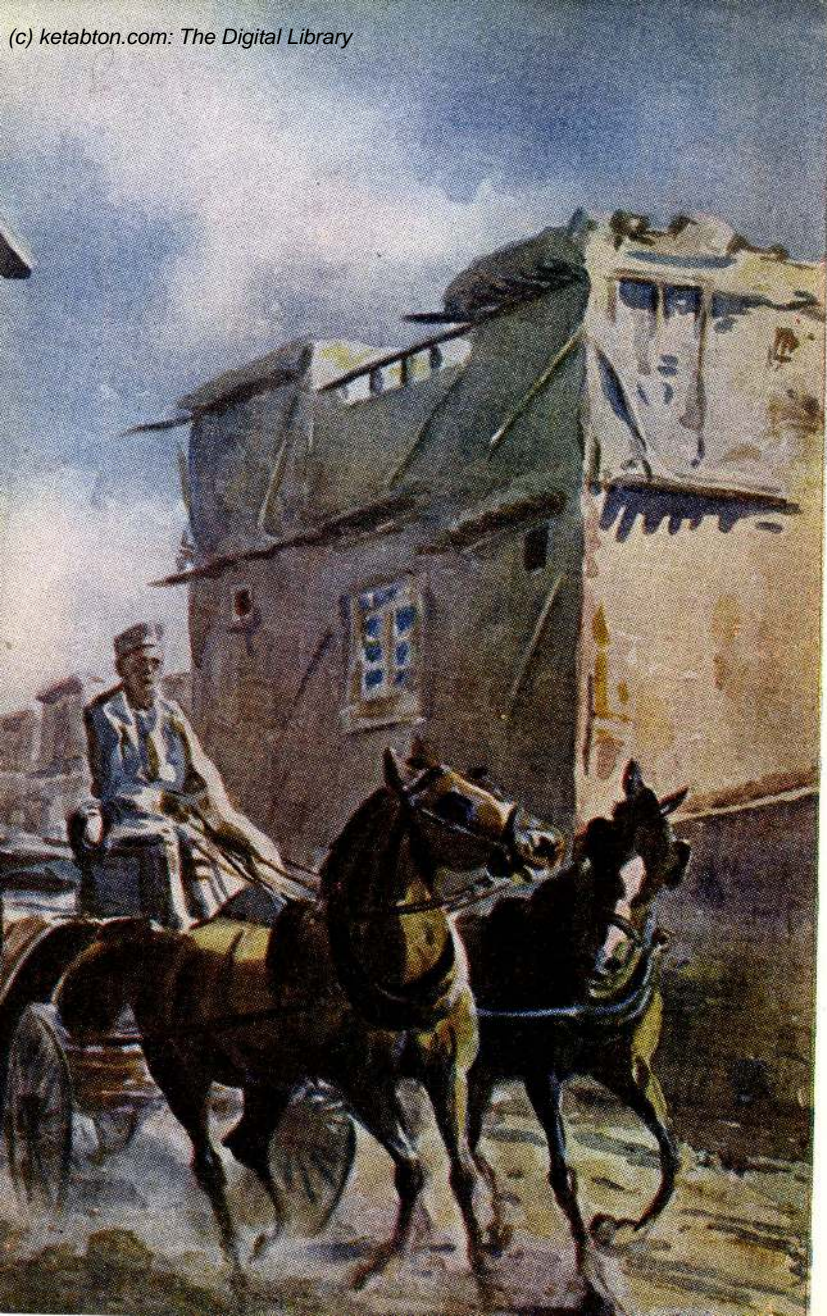
L'Afghanistan pittoresque

Les explications des photographies en couleur nous reproduisons sur les pages suivantes quelques spécimens des travaux artistiques des étudiants de l'école des arts et métiers composés de tableaux très pittoresques, à savoir :

- 1) Le célèbre sport national : la course au chevreau,
- 2) La carrosse princière d'autrefois.
- 3) Un coin du bazar dans l'ancienne ville de Caboul
- 4) Un coin de la rue dans l'ancienne ville Caboul
- 5) Paysage d'Istalif (prov. de Caboul)
- 6) Coin de village (Caboul)
- 7) Village aux environs de Caboul
- 8) Portrait d'un vieillard
- 9) Les travaux de démolitions pour la reconstruction (Caboul)







پښتو ټول

دچانه پکې مرسته وغواړي پخپله ئې رفع کوي . نوبه دې صورت کې د طبيعت استقلال په زمان اعتماد ، غرور او مناعت په هغو کې زيری او ورو ورو دزمانې په تيريد لوسره کمليکي .

دغره په او سيدونکو خپل وطن اوملت دهر چانه زيات گران وي او دخپل استقلال اوملي حريت دساتلو په باب په هين قسم فلدا کسای صرفه نه کوي ؟ او پرته له هغه معنوي قوت څخه چه طبعاً ئې دوی لري ددوی دممکت سختی لاری اودشوار گدار منازل هم ددوی داستقلال دساتنی دپاره مدد ناپيژي که ددنیا تاريخ ته وکتل شي له دای قسمه متعدد شواهد زموږ سترگوته رازی ! کوم وخت چه روما دروم په اضرافو او جوا نيوکي په فتوحاتو شروع وکړه او مختلف ملل ئې يو يو د تسلط لاندې راوسته نو دآب ، بالقان ، کارپات غرونو دا وسيدونکو په مقابل کې ئې پرله پسې فاحش شکستونه وخو اړه . ددې نه پرته هغه جگړې چه دتبرون خلقو دخپل حريت اوملي استقلال دحاصلو او دپاره دفرانس سره کړی دی ، ياهغه مدافعی چه دهسپانيه خنقو دنا پليون د مظهر عسکر په مقابل کې کولی ؟ ياهغه جنگو نه چه قفقازيانو د روس داستعمار په مقابل کې کول دا ټول دهمدغه نه بدلید وکي طبيعي قانون نمونی دی .

زه په بل چا کې نه غږيږم زما خبرې دپښتنو دملي غرور دغريزي سره دی ؛ هو ! پښتا په خپل مليت (پښتونولي) خورا نازان او مغرور دی پښتا په خپل مزيت پوه وي او که نه ؟ مگر ډير اجنبی پوهان او مدققين چه دپښتنو په ژبه او اخلاقو کې ئې پلټنی اوتدقيقات کړيدي دپښتنو داملي مزيت ئې ستايلي دی .

یو خارجی محقق چه دپښتو او پښتونولۍ دلداده دی لیکي چه « که دیوه خورا بیوزلی اوس بر بنو پښتون څخه چه ستامز دور به وی پوښتنه و کړی چه « څوک ئی ؟ » دی به درته په ډیر غرور او مباحث سره ووا ئی چه « پښتون یم !!! » چه دده د لهجې څخه به دمنبت غرور او له سیما څخه به ئی د « پښتو نولی » علوت ښکاره کیژی اوتا به په درانه غلگت او خورا متانت او وفارداسی دائرلاندی کی چه ته به وائی دی بادار اوزه نو کریم »

یوبل ایرانی سیاح او نقاد داسی لیکي « هر پښتون فردا ول خان او بیا خیل قام دخدای برگزیده گنړی اود مزکی په مخ هیسوک دیو پښتون به برابر نه گنړی. چه ددی فضیلت اعتدال لیکونکی د ایران دمنبت دپاره دخدای نه غواړی .

کوم وخت چه یو پښتون سړی خپلی صافقی اوقام لیکونکی ته شماری نو د « داریوش بزرگت » خبره را یادیزی چه په څه مباحث په د که لهجه خپل نژاد لیکي : « پارسی فرزند پارسی ، ایرانی فرزند ایرانی » (۱) دپښتو ملی شاعر خوشحال خان ختک په خپل منبت ازیزی او وائی : « دافغان په ننگ می وتړله توره - ننگیالی دزمانی خوشحال ختک یم » یوبل پښتون شاعر چه د قبائلی اختلافاتو څخه لوړ پرواز کوی او په خپل منبت فخر کوی داسی لیکي «

داسلام نه پس دافخراله بس دی - چه پښتون یم څه زا خیل او څه بارک؟ » مولوی عبدالمجید افغانی په تاریخ افغانه کښ داسی لیکي :

« په پښتو کښ دشرافت معیار دادی چه سړی دی پښتون وی ؟

(۱) ستاره جهان ۱۱۰ شماره در حیم زاده صفوی لیکنه (ضلوع)

اوپه دی شرافت دکوم یو کار اثر نه لویزی ؟ کوم افغان ته د غیرت راوستودپاره داوښا کافی ده چه ده ته وویل شی چه « ته پښتون یی اوداسی کبار کوی ! » اود ټولونه سخت قسم دادی چه دی ووائی : « زه به پښتون نه یم که داسی وکړم » دسیدانونه پرته دوی د هیس قوم شرافت دخپل شرافت نه زیات نه گنړی . »

حضرت سید جمال الدین افغانی په اتمه البیان کښ داسی لیکي : « هر پښتون که څه هم فقیروی داخیال لری چه دی دهرچانه شریف دی ؟ څکه چه پښتون دی ؟ او بل داچه کمال ایمان اواسلام پرته دپښتون اوعرب نه بل څوک نه لری »

کرنیل میلسون انگریز دخپل تاریخ افغانستان دا ول باب په آخر کښ دیوی خبری په ضمن کښ دا عبارت را وړی :

« دوی (پښتانه) ډیره خپل منک مین او په خپل قام غاوردی یو پښتون شاعر چه د قام په انحطاط زهیریزی نوله همدغی خوا څخه لمان ته وائی اوقام ته پیغور ورکوی چه ویش شی :

: مغروره شومه په دی چه افغان یمه زه

آگاه نه یمه هیس چه نادان یمه زه »

« د لمانه نه یم خبر ، نه له بده حاله .

والله خزان وهلی ، گلستان یمه زه : »

د لمان عزت :

هر کله چه د پښتو دا ټینگک یقین او خیال دی چه په دنیا کی شریف قام پښتون دی ، نو زکه دوی همیشه زاتنه په درنه او د علو په سترگه گوری ، او کوم کبار چه سپک او در زیلانو کبار وی د هغه نه

زان ساتی ؛ او داتقاضا لری چه باید هرڅوک دی دوی ته د شرافت. په کتنه گوری. د همدی حس د تیزولو د پاره یو پښتون شاعر وائی: «ته په خپله د زان قدر وکړه یاڅه که دنیا کی په عزت اوسیدل غواړی» حضرت سید جمال الدین افغانی د تئمه الیابان په (۱۴۷) مخ کی داسی لیکلی:

«پښتانه بندیان نه خرڅوی، که څه هم کافروی، د عاجزانو او لاره وو عزت او احترام کوی؛ غلا غالباً بده گنډی اگریچه په داره او لوټ فخر کوی؛ او دا معلومه ده چه د لوټ او غلا په میتر کی د قوت او ضعف فرق دی.»

دغه ستائلی شوی حضرت د خپل کتاب (تئمه الیابان) د مقدمی په اول کی دا عبارتونه راوړی: «په دی ورزو کی اخبارونه دافغان امت په احوال کی بحثونه کوی چه د زان په عزت، توره اولوی همتی سره پیژندل شوی دی؛ دا هغه امت دی چه د دوی نفوس دا نه منی چه په عجز سره دی د مکر، حیلی او غلونی د سیوری لاندی راشی؛ او ذلت او سپکاوی دی قبول کی»

د دی عبارتو پسی داسی وائی «د نفس شرافت د دوی قائد دی دوی د شرافت مرگ د بی شرفی په ژوند باندی چه دا جنیبا نو دلاس لاندی وی که څه هم د ډیر عیش، ښو خورا کو او څکارو سره وی غوره کوی.»

لوړ همتی:

لوړ همت او د زان عزت دوه لازم او ملزوم شپونه دی. زکه هر څوک چه د زان د عزت حس لری هغه هیسکله دستستی او بی همتی

کنارونه نه کوی، ولی چه داسی شیان دده په عزت او شرافت کښ نقص را ولی. او داسی سړی هیسکله دانه قبلوی. همدارنگه څوک چه لوړ همت لری هغه هم بیعتی ته تن نه ور کوی. نوز که د زان د عزت د عنوان نه وروسته د لوړ همتی بیان ډیر مناسب دی. پښتانه لوړ همتونه لری هیسکله پستی نه قبلوی. دوی په خپله محاوره کښ بی همته سړی ته وائی (سپی دی) او سپیتانه هم بی همتی ته وائی. له دی څخه ښکاره کیژی چه پښتانه له دی پستی څخه ډیر بدوړی او هبس وخت دسپی نسبت پر زان نه قبلوی. پښتانه دچامنت هم پر زان نه ایژدی اوفطرتا استغنا لری. د پښتو ملی شاعر خوشحال خان په دی لاندی بیت کښ د پښتو نولی دا روح ښه بیانوی:

«دمنت داروکه مرگ به کارمی نه دی. که علاج لره می راشی مسیحا هم»
حمید با با په دی بیتو نو کښ د پښتو نولی د روحی علو تصویر په ډیر ښه ډول کوی:

«وژی توی پروت په خپل پوزی کی ښه بی. نه په تخت دیاسه ناست دبل کره»
«دمنت پلاو د زهر شه کی مو می. د نخت سوی سکرک د ساگ سره»
په دی بیت کښ حمید با با د پښتو نولی دا ضروری شرط په څه ډول ښیځی:

«یو به نسیم مغلواری در رقیب ستا. که زوکړی وم رښتیا له پښتنی زه»
کاظم خان شیدا د تور یا لی خوشحال خان لمسی د عالی همتی اقسام په ښه ډول شمیرلی دی. او د لوړ همت په سبب سره د مخالف سره هم موافق دی.

«موافق د مخالف لکه افتاب یم. هیس شعله می دچشمی به اثر نه مری»

داور همت تقاضا داده چه هر سومره سړی اوړشی سره ددی
به هم تکبر نه کوی . شیدا دا اخلاقی مسئله په شاعرانه استدلال داسی
بیا نوی :

« سیه رویه لورفت لکه دود مښه د افتاب غونډی کړه مخ په رخشانۍ کښی »
عالی همت سړی دهرچا سره په ورین تندی گړیژی ، چه شیدائی
نتایج داسی گنړی :

« شگفته کړلکه امر تندی هرچا ته چه په تله دی سیاه پوش تمام جهان شی »
طمع هم دلور همت سره ضده عالی همت سړی طامع نه وی ، شیدا
په ادیبانه مهارت په خورا دلچسپ ډول داد پښتو نولی خوی روښانه
کړی دی :-

په صورت می شی خولی د حیا ماتمی
که ونان ته دافاب څخه نظر کړم

سوال اوغوښتنه دپښتو نولی دلور همت سره نه بیانی . هیس
پښتون دچا څخه د فقر او در یوزه گری په ډول څه نه غواړی
شیدا وائی :-

سوال می خوی له درافشانه ابر نه دی

صدف ورانه خپله خوله کړه په غوښتلو

د افتاب په کمند نه خپلم اسمان ته

نه ژدم بار لکه شیم پر دوش د گلو (۱)

آزادی او حریت :

حریت دری درجی لری ؟ حریت د فکر ، حریت د قول ، حریت

(۱) د طوع د ۱۴ کابل اوله گنړه .

د عمل ، د فکر حریت دادی چه فکر په هغه مسایلو کښی چه په ده
بانندی واردیگی آزاد او حروی . او د عقل دنوامیسو په مقتضی پکښی
حکم وکړی . او حریت د قول دادی چه انسان دخپل اعتقاد او وجدان
له رویه څه چه په زړه کښی لری هماغه ووائی . بی ، له دی نه چه نه
چا څخه وویریژی یا وشرمیژی یادخپلو نفسانی خواهشاتو دا ترلا ندی
راشی یادچا خو شامندی وکړی او دخپل اعتقاد او وجدان نه مخالف ووائی .

د فکر حریت د اجتماعی ترقی په لار کښی اول قدم دی . بلکه
داد دغی ترقی اساس دی . لیکن حریت د قول د دینه ډیرا همت لری
زکه که یو انسان په خپل فکر کښی خطاشی نو ددغه خطا ضرر دهمده
پوری منحصریژی . نورامت ته تعدی نه کوی . او هر څه چه د قول
حریت دی ، نو دا دملت دارتقا عنوان بلل کیژی . او ددی خوی خاوندان
دمصلحت عامه خادمان دی . حریت د قول په ډیر و مظاهر وسره ظهور
کوی چه هغه دا حیوالا توبه اختلاف سره اختلاف مومی . د خلقو
سره په شخصی معاملا تو کښی دده نه په صدق او رښتیا سره تعبیر
کناوه شی ؟ اودارشاد اوتنبیه په وخت کښی ورته دوینا صراحت او
صدق اللهجه ویلی شی ؟ اودانتقاد او اعتراض په لار کښی ورته په
شجاعت ادبی سره تعبیر کیژی . مگر هر څو سره چه نومونه او
اعتبارات ئی ډیردی . لیکن خپله دی بسیط تجدید لری ، هغه دادی
« دخپل اعتقاد سره سمه وینا » د توگونه لوړه درجه ئی « په خپله
خطا اعتراف او په خپل عجز اقراردی . » سرا د دادی چه انسان
له خپل اعتقاد سره سم ووائی . که څه هم دده په حق کښی وی . یوله
علماءو څخه وائی « چه انسان همیشه په خطا دی تر څوچه په خپله خطا

اعتراف و کمی نودغه وخت مصیب شی . او تل ضعیف دی تر خو چه به خپل عجز اقرار و کمی نوقوی شی « هر خومه چه سړی دن و زری مترقی امتوته و گوری . نووینی چه ددوی دارتقا اندازه به همدغه خصلت کیدی شی . یعنی هر خومه چه یو امت مترقی او مهذب بلل کپړی هماغومه دا خصلت په هغو کښی مترقی او قوی لیده شی . (۱)

دا پیره د فخر خبره ده چه پښتانه بالکل حردی . او خصوصاً د قول حریت ، رښتیا ، اوترت و یل د دوی اصلی طبیعت گرزیدلی دی په د پروسخنیو اوشداید او د زان په خضر کښی هم د صدق او خپل اعتقاد نه خلاف نه وائی . اودا دوی پښتونولی گنړی . د یورښتیني پښتون په خبره کښی که څوک یو څه شک یا تردد د ښکاره کی ؟ دی به په خورا تاثر او احیاناً په قهر او غضب ووائی « بابازه خوهم پښتون یم ! » د تیرو خبرو په مناسبت زما یوه قصه یاده شوه ، غواړم چه دلته ئی ولیکم :

قصه :

داسی وائی چه د اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان په وخت کښی د مشرفی شنواروته یو حاکم مقرر شو . و یل کپړی چه د حاکم د چرگک غوښه او ورچی پیری خوښی وی ؟ نو د خهغو نه به ئی چرگان ، غوری او ورچی غوښتی . داسی و یل کپړی چه د دغه زای سین ژيرو خوواری ده ته عذروکړو ؟ خوسړی خپله رویه بدله نکړه . په آخر کښی خنق ټنگک شوه ؟ کوم پوته ئی و ویل چه دلحد تبری ته ئی ولیژی . نو په ټوپک ئی وو یش او مئ ئی کړو . چه امیر عبدالرحمن خان ددی واقعی نه خبر شو ؟ نو دده طبیعی شدت او قهر یو په سله زیات شو ؟ نو په دیر تشدد او غصی سیه ئی حکم وکړو چه

(۱) مختارات جرجی زیدان

د حاکم قاتلان دی زنی راووزولانه راوستل شی . داوه چه د مئ ی وژونکی په پیره جلتی سره راوستل شو ؟ او امیر صاحب ته وړاندی کړی شوه . امیر صاحب په شاهانه جلال او دبد به سره چه زنگنونه ئی لگولی وو او توره ئی وړ بانندی ایښی وه ؟ د قهره د کی سترگی ئی ورته راواړولی ؟ او په پیر دروند غگک ئی ورته وو یل « ! زما حاکم تاسی وژلی دی !!! - تاسی مانه پیژنی زه عبدالرحمن یم !!! زه به تاسی سره خپل سلوک و کړم !!! » د امیر صاحب دا خپال دی چه دوی به اوس منکر پړی او دی به ئی په دی سیاست قایل کی . د پښتیا نو ددی نه یوه په پیر د اده زړه وروړاندی شو . او وی ویل : « صاحب ! هو ، ماوژلی دی . »

امیر صاحب : « ولی ! ستا »

بندی : « که اجازه وی زه به حقیقت بیان کړم . نور امیر صاحب اختیار لری « امیر صاحب : په دیر قهر سره » - « ښه ، وایه !!! »

بندی : « صاحب ! ما حاکم د امیر صاحب د مخالفت د پاره ندی وژلی . موئ د حاکم صاحب دیر قدر او عرت کولو . او دده هر قسم خدمت او متابعت ته تیار وو . ولی دده چرگان د پیر خوښی وو د موئ نه به ئی چرگان په زور غوښته . که موئ هر خومه ده ته وویل او جرگه موړبانندی وکړه چه موئ تیار یو چه تا ته پسونه احوال کړو . و ریتی درته وکړو ؟ میلمستیا درکړو او نور خدمت دی وکړو . چرگان څه کوی ؟ چرگان د گیدر و خوراک دی . زمونږ پادشا زمیری دی او موئ پښتانه پړانگان یو .

د دینه لاس واخه ! مگرده نه مننه . نودی گبډرو ، گبډر او زمري او پراڼگان سره نه چلیژی ؟ نو مو وژ او . نو را میر صاحب اختیار لری !

هر څومره چه بندی دا تقریر آخر ته رسو لوی دامیر صاحب په تریو او گونجی گونجی تندی کښ پراختیا پیدا کیده . د تقریر په خلاصید وسره ئی و خندل ؟ او بندیان ئی ایله کړه . او خاص دغه سړی ته ئی دده د پښتو نولی په احساساتو او رښتیا وینا بخشش هم ورکړو . او کورته ئی رخصت کړل .

خوشامندگر خلق چه دجامعی مضرمیکروب بلل کیژی ددوی عادتوی چه مخامخ سړی ته رنگا رنگ غوره مالی و کړی ؟ رقم رقم لقبونه اوصفات پیدا کړی ؟ او خپل ممدوح ورباندی وستائی . دا ټول ددی دپاره چه ددغه مخاطب په روح کښ له دغی خواخه تاثیر وکی او خپل څه شخصی غرض ورو راندی کړی .

ولی پښتانه دغه د خوشامند و عادت هیس نه خوښوی . دوی ته په حقیقت او ، صاف ویلو کښ که ښه پښه ښی او که بده دحقیقت نه ، نه تیریزی ؟ خوشامندی کول په پښتو نولئی کښ ډیر لوی عیب دی . ددی خبری دا ثبات ایازه همدا کنافی ده چه مونږ د پښتو ژبه چاژ کړو ؟ نو په ټوله ژبه کښ به هیس د خوشامند و القاب او لغات نه کړو مینده !

دوی خپلو اشنايانو او دوستانوته د هغوی په نومو خطاب کوی ؟ په پښتو کښ دو زور او ملگری لفظ ډیر خو ز او معنی داره دی . کله کله ددغو کلمو سره دگران لفظ ؟ هغه هم په لیک کښ یو لځای

کیژی ؟ کشرانوته د « روکی » « لالی » او « کوکئی » لفظ مستعموی . په پښتو کښ داهیس عیب ندی چه څوک په خپل ساده نامه سره یادشی . پدی خو کښ پښتانه دومره بی تکلفه دی چه زښی قبایل لکه شنواری او داسی نور ، کشران مشرانو ، او زامن پلرو نوته مخامخ نوم اخلی . او هیس بدنه منل کیژی . کشران هم دا په سیک نظر سره نه کوی . دعزت په لځای کښ چه د پښتو کشران دخپلو مشرانو څومره متابعت او فرمان برداری کوی دا بحث به دبل کوم عنوان لاندی بیان کړم . په لوپولو بوچرگو کښ دخپو خانانو او ملکانوسره ددوی په نومونو مخاطبه کوی . داپیرکم ویل کیژی چه « خانه ! یا ملکه ! » دخپلو مشاهیر او اولویانو دنامه دیادولوسره د « بابا » لفظ احتراماً یو لځای کوی . لکه احمدشاه بابا ، رحمن بابا ، اوداسی نور . !

باد شاه ته ئی ددینه مخکښ امیر صاحب ویو . او س خپل قومی باد شاه ته اعلیحضرت خطاب کوی . ددینه علاوه کوم څه چه د مساوات دعنوان لاندی داخلیزی هغه هم د آزادی او حریت سره پوره دخل لری .

مساوات :

پښتانه څرنگ چه په خبرو کښ القاب او تجدیدات نه لری . دغه رنگ په خپلو معاملو او اطوار کښ هم دتکلیفی امتیاز اتو طرفدارنه دی . یوازی دانه چه پښتانه داشیان کوی نه ! بلکه پښتانه ئی غواړی هم نه ! حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمه لیان په ۱۷۴ مخ کښ داسی لیکي « دپښتو امیر دنور مشرق دباد شاها نوغو ندی دبدبه

ویل کیژی (ښه او سی - خدای دی لره) د جنوبی او مشرفی پښتانه وائی (سترې مه شی ! ښه خیر راغلی !) په جواب کښ ویل کیژی (مه خوار یژی ، سلامت اوسی ، خدای دی و ښه !!) د پښتو پښتانه وائی : « ښه خیر راغلی ! هرکله راشی ! هرکله ! هرکله ! » په جواب کښ ویل کیژی « ښه خیر اوسی ! » مهمند او د باجوړ پښتانه وائی « ښه چاری ! » په جواب کښ ویل کیژی چه « چار دی ښه شه !!! »

دی فعل او کارته زینی پښتانه « روغبړ » زینی ورته « سترې مشی » زینی ورته « هرکلی » اوداسی نور وائی .

ددی فعل رسوخ په پښتون قام او خصوصاً د سرحد په پښتنو کښ لخته او مخصوص اصول پیدا کړی دی . پښتانه اکثره په کلو کښ اوسیدی . ښاری استوگنه اکثره دوی نه خوښی . هرکلی ضرور ، دننه یاد باندی مسجد لری . اود مسجد په خوا کښ حجره وی . داهله چه کلی وروکی وی . او که اوی وی نو د پیر مسجد ونه او د پیری حجری لری . په هره حجره کښ شل دیرش کتونه پراته وی . او په حرکت کښ دخوب کالی چه عموماً لاند ستون پرستن او بالنت وی : ایبی وی . د حجری په منځ کښ اوی نغری وی چه اوریکښ بلوی ، نغری نه چاپیره په ټوله حجره کښ یولوی پور (پوزی) غوړیدلی وی ؟ چه کله کله ورباندی لیمسی اچوی . نو دکلی خلق د خپلو میلمنو سره هر سبا لمانښام په دی حجره کښ کښینی . او پوځای دوهی خوری .

د میلمه پاللو او دوهی ورکولو د پاره پښتانه زینت د پیر ښه دستور لری : د پښتنو میلمه دا نه دی ضرور چه د دوی آشنا او پښتونکی

نه لری . بلکه په حکومتی دربار کښ د خپل حکومت دارکانو سره یوځای کښی . او دنور وار کانوسره د پیر لږ تفاوت لری . دروازه ساتونکی (پهره دار) څوک نه منع کوی . هر سپری کولی شی چه خپل عرض د باد شاه حضور ته ورسوی . او مخامخ ورسره په جگ اواز یی پروا خبری وکړی . دارنگ نور دولا یا تو حاکمان هم دی . هو ! د باد شاه په مخکښ د پیر مسلح عسکر ولاړوی . چه د امر د اجراء د پاره تیار اوسی ! « مواوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په ۱۹۵ مخ کښ داسی لیکنی :

« پښتانه امیران امتیاز نه خوښوی . بلکه دخپل لاس لاندی خلقو سره عزیزانه سلوک کوی . اود ادنی ادنی خلقو سره هم مهمتی خوری او په معمولی فرشو نو ورسره کښی . دنور و امر او غندی آرایش نه خوښوی ؟ مگر ددی بی تکلفی په وجه ددوی په اقتدار کښ څه فرق نه زرای »

میلمستیا :

د میلمه پاللو عادت په پښتنو کښ د پیر پخوانی او د پیر راسخ دی : میلمه پالل هر پښتون دخپل ژوندانه ضروری برخه گنځی . پښتانه تردی میلمه پاللو ته اهمیت ورکوی چه په کوم ځای او کوم حال کښ میلمه نشی پاللی هغه او خوښوی نه !

که سپری په پښتو ژبه کښ لږ عمیق شی نو ور معلوم به شی چه د میلمه داستقبال او ملاقات د پاره څو مره محاوری لری . نو دا د پښتنو د میلمه پاللو په خصلت باندی ین ثبوت دی ؟ د قندهار پښتانه وائی « ښه راغلی ! - خدای دی راوله » چه په جواب کښ

دجی دوش په وخت کېن ملیمانه په کتونو کېن قصا ر ناست وی
د کښی مشران سړی او ملکبان چاینگ په لاس هر یو ملیمه ته ورزی
او چای ورا چوی . او په دی باندی ډیر فخر کوی چه ملیمه ته
او به یا چای په خپله ورکړی . دا کار پښتانه په کشرانو او
نوکرانو باندی دسره نه کوی . د پښتنو په دی خصلت باندی نورو
مؤلفینو هم شه بختونه کړیدی . کرنیل میلن په خپل تاریخ کېن لیکي :
« پښتانه ملیمه دوست او د فقیرانو په باب سخیان دی » حضرت سید جمال الدین
افغانی د نهمه البیان په ۱۴۷ مخ کېن وای « پښتانه دغرباؤ او مساکینو
عزت او نماز نه کری »

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افغانه په ۱۹۷ مخ کېن لیکي :
« په افغانستان کېن هیس مسافرت په دلاری د خراج ضرورت نشته ؟ په
میلمه یا لمر کېن شزی د نارینه و نه کمی نه دی . که سړی په زای
کښی نه وی هم ملیمه ته شه تکلیف نه رسی . دمیله یا اللو قول
ضروریات شزی په خپله پوره کوی . د پښتنو دملک په زینی بر خو کېن
اوربشی ډیری کږی . مگر دمیله دپاره ضرور دپته په کومه برخه کېن
غنم کری . د فصل داخستونه پس داغنم په ډیر حفاظت سره ملیمه ته
ساتی . تردی چه خپل اولاد ته یی هم نه ورکوی . »

دا کتر سړهنری هراس هسیا نوی د بهی دیو نوردستی د تاریخ
پروفیسر دخپل هغه سفر په حالاتو کېن چه په ۱۹۳۵ ع کېن یی په
افغانستان کېن کړی و . داسی لیکي : « افغانان » پښتانه او نو قبایل
چه دلته اوسیدی « دمیله په وجود ډیر فخر کوی کوم وخت چه زای
ته یی راشی ، نو ستا دصحت پوښتنه کوی . در ته به وای چه په کت

دی وی . نه ! هر خوک او هر مسافر او لار وی چه کښی ته راشی
هغه د دوی میلمه دی . او په دوی یی قدر لازم دی . کښی وال او
کور بانه رومی ملیمه ته پاسی سترې مشی ورته وائی . (۱) لاس ورکوی .
که شه توپک سامان یا پښو په شالری ؟ تری اخلی یی ؟ په خپل زای
کښی یی زدی . چه ملیمه کښینی . نو بیا ورسره مجلس کوی . او پوښتنه
تری کوی چه خوک یی ؟ . . . څنگه راغلی یی او داسی نور . چه
د نماز په وخت شی هر سړی یوه کوزه یا زیاتی تودی او به راوړی
چه ملیمانه پری او دسونه وکی . دمانیام د نماز په وروسته دستی قول
کور بانه کوروته زی . هر شه چه پاخه وی مری او نکولی هر یو بیل
بیل را واخلی حجری ته یی راوړی . چه دا قول د ستر خانونه او
شکرونه او اوسنی حجره کی جمع شی . نو ملیمانه کښینی مری خوری او
کور بانه داو بو ورکولو خدمت کوی . چه دوی ماره شی نو او به
ورواچوی . دوی کتونو ته پاسی . نو د کښی خلق کښینی خانونه
ماره کړی . نو پاتی مری سره بیرته په د سترخانو او شکرو ویشی
نوی .

سبایگما همدغه حال وی دغرا و نو پښتانه دچا یو عادت دسمی دپښتنو نه
زیات لری . مگر په غرو کېن هر کور دچا یو دپاره اوزه یا غوا
ضرور ساتی ، او شوده یی په چا یو کېن لگوی . په سرحد اتو کېن
اکشره توری چای دشو دوسره شکل کږی . شین چای کم وی .

(۱) پښتانه دا عادت لری چه هر ورکښی او غت بیل بیل ملیمه
ته سترې مشی وائی .

یا لمسی کښینه . که بل هیس شی هم نه وی نو درته وائی چه دیوزکی
 په ټوټگی کښینه ؟ ستومانی او باسه ! دمخ اولا سونو دایتر لودپاره
 درته تودی او به را وړی . چای درته تیار وی . ټینگیژی چه
 غرمه مونږ سره تیره کړه . او ډیر کوشش کوی چه شپه دده سره
 پاتی شی . ددی طبیعی او مخلصانه احتراماتو او نماز لو نتیجه داوی
 چه سړی په افغانستان کښ داخیال کوی چه په کورکی یم . بی له
 افغانستان نه بل هیس زای کی دانسانی ورور ولی حس دومره زیات
 او عام نه لیده کیژی (۱)

په میلمه غیرت :

دپښتنو په میلمه پالنه کس داهم دا څه ده چه څوک دوی ته پنا
 راوړی او ددوی دبوټی شی نوپښتانه دخپل سرومال نه تیریری مگر
 میلمه او دخپل بوټی سړی بی آبی ته نه ور کوی .
 داحس دپښتنو دمیلمه پالنی دحس څخه پیدا شوی دی . دی ته باید
 « په میلمه غیرت » وویل شی . په میلمه بانندی غیرت کول دوه رقمه دی :
 یوداچه هر کله څوک دچاد ظلم او تعدی نه تنگت شی اونور
 د مدافعی قوت ئی نوی . نو په دی وخت کښ دی زی دچاد بوټی
 کیژی . ددی معنی داده چه دی دچا په سمه یعنی دهغه په محروسه
 حدود وکښ د پناه وړ او په نیت دا خلیژی . نو دسیمی خاوند دده
 دحمایت او ساتلو دپاره خپل ټول زیار خر خوی . نو که دښمن ددغه
 پنا گزین پسی ددغه سړی په سیمه کښ دتقصان کوشش وکی یاد هغه
 دبوټی شوی سړی ته لاس واچوی اوڅه مالی یا جانی تاوان ورواړوی

نودپښتنو په بین الافغانی قانون کښ داد سیمی والاد شرف بی احترامی
 او دده په علیه بانندی اقدام کول گنډل کیژی . نو دسیمی خاوند
 هماغوسره په کلکه سره دټوپک په خوله دخپل پناه گزین بازخواست
 کوی . لکه څنگه چه بو پښتون د خپل زان دبی احترامی دپاره
 کلک بدل او عوض غواړی .

هو ! که په دغه پناه نیوونکی میلمه بانندی دچا څه حقوق یاپوروی نو
 د جرگی ، مرکی او اصلاح په صورت ئی غوښتلی شی . ولی په زور
 سره که څه هم پناه غوښتونکی ډیر ملامته وی ، څوک ده ته څه ویلی
 نه شی . مگر هغه وخت چه دسیمی د خاوند بدی او دښمنی ته ملا
 وتری . نو په دی وخت کښ چه جانینوته څه پیښ و ، هغه به پښ
 وی . حضرت سیدجمال الدین افغانی د (تمة البان) په ۱۵۳ مخ کښ
 داسی لیکلی :-

« پښتانه په رانوتونکی او پناه غوښتونکی بانندی په سر او مال
 ودریری او حمایت ئی کوی »

بل داچه که یو لاروی یامسافر ، یا هغه څوک چه دچا په حجره
 کښ ئی شپه تیره کړی ، یا ئی می ی خور لی وی او د همدغه سیمه
 والا په لځای کښ د ده په مال یا حق څوک و بلوسی . نو سیمه والا
 په ده غیرت کوی او دمیلمه د حقوقو او دسیمی د احترام ساتلو دپاره
 خپل ټول کوشش کوی .

کله داسی هم کیژی چه دسیمی خاوند ټوپک غاړی ته اچوی
 خپل میلمه د خطر د لځایه تیروی . نو په دی وخت کښ که څه پیښید

د هغی مدافعه دی په خپله کوی .

او میله د خطر د لاینه او باسی . دی ته د پښتو په اصطلاح کښ « بدرگه » وائی .

بدرگه :

بدرگي ته په پښتو کښ په درنه سترگه کما ته شی . مثلاً دکوم سړی سره چه د دغه قام یا د دغه وطن څوک سړی ، بدرگه روان وی ؟ نور پښتانه هغه ته په دروند نظر گوری . نو که څه هم په هغه د چا حقوق وی مگر د بدرگي په لحاظ ورته څه نه وائی . او رښتیا داده چه څه ورته ویلی هم نه شی !

د وطن مینه او دفاع :

د وطن مینه او خپل کورساته په انسان کښ یوه حقیقی غریزه ده حیوانات هم د خپل کور او خالی سره محبت لری . مونسکیو فرانسوی وائی ، چه : « انسان په خپلو وینوسره تر مرگه پوری د وطن مدیون دی » پول دومروائی : « د وطن حب تر ټولو فضیلتو لوړ دی ؟ وطن یوه کلمه ده چه د سرداری ، باداری او قوت معنی پکښ پرته ده دلور تیا ، استقلال او لو بو آما او منبع وطن دی . « تر یشکه المانی وائی : « د مملکت د فائدی دپاره جنگ تر هر څه د مخه او ضروردی » ولی یو بشتون او مسلمان ته ددی ټولو خبرونه دا ډیره گرانه او غریزه ده چه « جاهد و اباموالکم و انفسکم » یا داچه « حب الوطن من الایمان »

مونږ دا مخکښ ثابته کړیده چه د غرونو داوسیدونکو د غرائزو

څخه یوه داده چه دوی د خپل وطن سره نسبتاً ډیره مینه لری . رښتیا هم داده چه پښتانه د خپل وطن سره زیاته مینه لری . د وطن د دفاع په لار کښ په سرو مال لوی د پښتنو فطری غریزه ده . او په دی غریزه کښ بنزی او نر مساوی دی . وگوری د لاندی ملی لنډی په څومره ژوره وطنی مینه دلالت کوی :-

« د پښتنو زلمیو وار دی — پر خپل وطن به توریالی مهرونه مرینه »
 « زلمی ولاړ توری ترملا دی — غزاله زی پر خپل وطن سرور کویته »
 جانان می سر په وطن کښینود . په تار د زلفو به کفن ورانه گنډمه »

د پښتنو په دی غریزه لکه چه مونږ مخکښ ولیکل نور پردی خلق هم قائل دی . او د همدغه حس په برکت پښتانه د خپلو لوړو غرونو په میتر کښ د — آزادئی او حریت څا اخلی !

ملی استقلال :

پښتانه چه لکه څنگه چه د وطن په مینه کښ باخه دی ؟ دارنگه په خپل ملی استقلال هم ډیر مین او تر سر تیردی . د دنیا لویو لویو فاتحینو لکه اسکندر ، چنگیز ، نادر او تیمور هم دوی پوره د خپل تسلط لاندی نه دی راوستی .

دا خبره په یقین سره نده معلومه ، چه د دوی استقلال خواهی دوی ته د غرونو استو گنه بنو دلی ده ، او که دغرو استو گنی دوی دومره په استقلال ټینگ کړیدی .

د پښتنو اکثره وخت د خپلی آزادئی پر دفاع کښ تیر شوی دی . دوه دری سوه کاله د مخه چه د پښتنو د — زاړه عظمت دوره تیره

شوه ؟ په هندوستان کېن دمغولو ، او په ایران کېن دصغوی کورنئی شاهنشاهی وی ؟ دوی پر پښتنو خانونه سترې کړه ؟ - سره ددی هم دوی مغلوب نشوه ؟ او دپردو غلامی یی ونه منله ! چه په آخر کېن یی دخپل مټ په زور خپل وطن په خپل واک کېن کړو . دارنگه یی دانگریزی لامونو په مقابل کېن هغه پافشاری وکړی چه تل به د پښتنو د خپلواکی غوښتنه دنیاته خرگندوی . داهمه امتحانونه دی چه پښتون قام د دنیا نخی ته وړاندی کړیدی ؟ اود دغه ټولو واقعاتو څخه دا ښکاره کېزی چه دپښتون قام د - آزادی روح دهغه پوری نه مری ، ترڅو چه دی په دنیا ژوند کوی - اوهیسکه په ذلت سره هیچاته سرته شی ټیټولای !

د پښتو ملی ادبیات د - آزادی له روحه ډک دی . حمید او رحمن بابا دمغولو پر خلاف چه ددوی آزادی یی محو کوله سخت ادبی کوششونه کړیدی ؟ په دی لحاظ دوی در آزادی علمبرداران گنرل کېزی . خوشحال خان خټک خود پښتنو د استقلال لوی قائد او ملی مشر دی . ده په دی لار کېن لمان ، مال ، قام ، خانی ، عزت ، دباچانو نواز شونه ، ټول پری ایښی دی . لکه چه وای :

دمغل منصب می پریشی هسی خو ښیم

لکه خلاص چه له زندانه بند یوان شی

آزادی تر باچی لا تیری کاندی

چه دبل د حکم لاندی شی زندان شی

خوشحال خان د خپلواکی د روح په گناه ډیره موده بندیخانی اوقیدونه تیر کړه . کوم وخت چه د دیلی د محبس نه په خپل پښتنی حمت اوتدبیر سره خپلو آزادو غرونوته راغی ، ددینه روسته خپل د - آزادی

احساسات داسی ښکاره کوی :

شکر دا چه په پروازیم و ښکار ونو و ته سازیم

زه خوشحال دغرونو بازیم چه په بند وم دمغلو

داملی سردار چه کوم وخت مه کیدو ، نو پس له مرگه یی لاهم
په خپله خاوره د غلامی گردنه قبلوه . نواخرنی وصیت یی داو کړو :-

« مایه یوه لوی غره اوداسی خای شیخ کړئی چه هلته دمغلو د سپرو داسونو د پښو گرد راونه رسیژی ! » - د قندهار د هوتکو مشهور شاعر عبدالرحیم خو - د آزادی غوښتلیو په سبب دهغه وخت پر په باچا له وطنه و شړلو (۱) .

دوطن اوقام دآزادی دپاره چه زمونږ مشرانو لکه : میرویس خان احمد شاه بابا ، محمد اکبر خان ، اعلیحضرت محمد نادر شاه خومره جانفشانی او کوششونه کړیدی ، هغه ؟ تاریخ هیسکه نه هیروی . زه غواړم چه دلته د ښاغلی میرویس خان نیکه د استقلال خواهی یوه نمونه ولیکم :-

کوم وخت چه میر ویس خان د بدخوا هانو په خوله اصفهان ته و غوښتل شو . او هلته یی څه موده پس په خپل عقل او فراست سره دبادشاه ، او د دربار د خلقو حسن اعتقاد حاصل کړو ، نو حج ته لاړ . پس له حجه څخه بیرته اصفهان ته راغی . او بیا خپل وطن قندهار ته راولیکل شو ؟ او دلته یی د وطن دآزادی دپاره عاقلانه کوششونه وکړه . او خپل ملک یی آزاد کړو . نو چه د قندهار فضاء د مخالفینو څخه پاکه شوه ، نو د قبائلو مشران یی راوغوښتل ، چه ټول حاضر

(۱) د طلوع افغان د ۱۴ کال او له گنډه .

شول ، جرگه جوړه شوه ؟ نوډی پاسید دالاندی خطبه یی وویله :
 « ای زما ورونړو ! که تاسی ماسره یو شی ، اوزما ملاوتړی
 نوډیر زربه خپل او رمیژونه د ذلت درسی دغړوندی نه خلاص کړو .
 اودحریت او آزادی اوغرت علامی به نشر کړو ؟ اود اجابو دسلطی
 نه به خلاص شو . هو . هر څوک چه د دښمنانو خواته مخ وگرزوی
 اودعبودیت رسی په خپل اورمیژ کښ واچوی ، هغه دی ددینه ضمع
 قطع کړی چه دمونگ سره به زمونگ په وښ کښ اوسی . زکه چه
 د داسی سپری استوگنه دمونگ سره نده ممکنه ! - اودانه کیژی چه
 داسی خلق دمونډونه دوستی اومینه وگوری !!! » (۱)

دیانت :

مونډ په پورته بیا نوکښ داثابته کړه چه دغړونو او آزاد وفضاؤ
 اوسیدونکی چه دقدرت اوفطرت په غیر کښ ژوند کوی ، هغوی
 تل دخدائی عظمت اوجبروت سره همرازوی ؟ او داسی خلق رښتینی
 متدین وی .

داسلامی عصره مخکښ زه څه ویلی نه شم ، زکه چه په دی بابکښ
 دما سره پوره مستند تاریخی شواهد نشته . مگر دکوم وخت نه چه
 پښتون قام اسلام قبول کړیدی . نو په ډیر کلک اعتقاد ، ټینگ غرم او
 اخلاص سره دوی په اسلام چلیدلی دی او داسلام دشر او دلوی
 خفتن دکلمی دجگوالی دپاره چه دی قام کرمی فداکاری کړیدی
 پس له عمروزه نه شم ویلی چه کوم قام به ددوی سره برابر تیاوکړی ؟
 دپښتو دیانت داثبات لوی شاهد دادی چه څومره چه تاریخ

(۱) تتمه البیان ۲۲ مخ

مونډته معلومات را کوی ، ددی ملک قول حرکات اوزیاتره واقعات
 ددین داتر لاندی دی . په حاضره وخت کښ چه دچانه داسلامی
 غیرت امید سکولی شی هغه پښتون قام دی . لکه چه دشام مشهور
 لیکونکی حضرت امیرشکيب ارسلان دحاضر العالم الاسلامی په تعلیقاتو
 کښ د افغانستان دعنوان لاندی لیکي :

« په عالم کښ داسلام دیانتی کیدو دډیر ولویو زاو څخه افغانستان
 دی . دازای پخوا لا څه کوی چه نن هم داسلامی قربانی دډیرومهمو
 زاو څخه دی . زمادی قسم وی چه که چری په قوله دنیا کښ داسلام
 یورگک هم خوزیدونکی یاتی نه شی . نوهم ته به وینی چه دهمالیه
 اوهندوکش غرونود اوسیدونکو په وینه کښ به داسلامی غیرت تودوخه
 باقی وی ، اوداسلام دحیات رگونه به په دوی کښ ټوپیونه زهی
 اواسلامی عزم به دلته محکم وی دهمدغه زایه عربی فاتح محمدبن القاسم
 غزاته پورته شو ؟ اوسندی په ۷۱۲ ع کال کښ فتح کړو .

اودهمدغه غرونو څخه لوی مجاهد ، داسلام اسکندر ، دعلومو
 اومعارفو حامی : سلطان محمود غزنوی دمیلاد دیوولسم قرن په اوائلو
 کښ څکه شو ، او داسلام بیرغ یی په هندوستان کښ دیو سره دبله
 پوری جگک کړو . »

پښتانه ټول مسلمانان اوسنیان او دامام ابوحنیفه په مذهب دی .
 تراوتیزی ، وایره اوغرت ددینی رسومو په ادا کو لو خورا کلک
 او ټینگ دی . دنمانزه ، روزی او نورو عبادتو په کړنه کښ هیس
 تساهل نه لکوی . بی د (توری) قبیلی څخه چه دوی شیعه دی ، اود
 خپلوسنی گوانه یانو سره تل جگری اومحاربی لری (۱) نور قول

(۱) تتمه البیان

پښتانه په يودين اويو مذهب دی .

هو ، ددی روشنخیالی په سبب چه نن صبا په مسلمانانو کښ خورږی ددی دفرقه بندی مضر تعصب هم دېخوا نه ډیر کم شویدی . امکان لری چه دپوه مشرانو په برکت دا اختلاف وړک شی ، او دمسلمان او پښتون په نامه یو شی !

داسلام په اوائلو کښ چه فتنی کمی وی . ښزی به هم مساجد و ته دجم کولو دپاره خاصریدی . لکه چه اوس هم زموږ دغه کتا بونه په داسی مسالوډک دی . ولی خورمه چه روسته پساتونه او پښنی زیاتی شوی ؟ نو په زینی ډیر وخبر و کښ تغیر پیدا شو . اوس به په اسلامی مالکوکښ ډیر کم زای داسی وی چه هلته به داسلامت داقدم دودجاری وی . مگر زموږ په وطن کښ داوسه پوری دخدای په فضل سره دادودلاشته دی : په قندهارکښ دخرقی شریفی په مسجد اوداسی نور و مساجد وکی دجعی په ورز اغلبا او کله کله په نورو جمعو او ختمو نو کښ هم زری ښزی مساجد و ته حاضرږی : نو نروڼه په جمع کوی ، اودخطبی او وعظ و نصیحت داوړیدو څخه اسلامی استفاده کوی .

پښتانه سره ددغه دینی ، مذهبی ، او جنسی سخت تعصبه چه دوی پلری ؟ د نورو په حقوقو کښ مداخله نه کوی . اوددینه بدنه وړی چه کوم غیر مسلم ؟ خپل مذهبی رسوم ددوی په مخکښ اداکی او په خپل حکومت کښ په دی هم رخه نه کوی چه کوم غیر دین یا غیر مذهب والا لوړی او جگی درجی ته ورسږی . دغه وجهه ده چه د پښتو په مملکت کښ ډیر غیر دین او غیر مذهب والا اوړولو وړو درجوته رسږی . (۱)

(۱) تتمه البیان ۱۰۲ مخ

پاکی او عفت :

په عمومی لحاظ سره پښتون قام یو عقیف قام دی . په ښره بانندی غیرت دپښتون یو کلک خصلت بلل کیږی . نر او ښزی د ناجائزوو تعلقاتونه ډیر پرهیز کوی . ددی پرهیز موجب یوه ددوی ددیانت جذبه ده اوبل دپښتولی غیرت دی . په پښتو کښ داسی خلق ډیردی چه هغوی اډ و په دی یو ښزی هم نه ! چه گندی پښتون هم کله نا جائزه تعلقات کوی ! - او په دغه لحاظ چه دداسی اکثر و خلقو ماغزه او اعصاب ددی قسم تجریکاتو څخه بالکل مامون دی ، نو ددینه ددغه خلقو په صحت او جسمانیت بانندی ډیر ښه اثر لوږی . دغه وجهه ده چه دغرونو او سیدونکی پښتانه او خصوصاً کوچی قومونه چه دهغوی عقیف بد نونه ددی داغ نه خالی دی ، اکثره جوړ ، تندرست ، او نومند وی .

اکثره کوچی قومونه خوبی مبالغی په دی خبره ندی خبر ، چه زرگندی هم د نر سره ناجائز افعال کولی شی !!!

پښتانه یو تر بله سره بی دمه ، اومنح څخه ډاډه یو دبل په نغری کیناستی شی . ددوی دوسته ډیره ساده ، کلسکه اوبی الاښه وی دمیله دیالنی په باب کښ مونگک وویل چه که نارینه په کور کښ نه وی اوڅوک میلمه یاراشنا راشی څو د هغه دمیله مستیا ټوله نماز نه دکاله ښږی په ډیره مهانه سره پوره کوی .

پښتانه دښرو په باب ډیره بدگمانی نه لری . ولی چه دوی پوهیږی چه دپښتو ساتنه په ښرو او نورو یورنگک ضروری ده ، نوهر نزاوخره خپله

پښتو نولی

کره. پس دواډه دلواز موخڅه نجلی دبادشاه کره راغله؛ پښتو نولی
 شیه ده، بادشاه اونجلی یوازی په یوه کوټه کښ ناست دی
 کوټه دگیسو نویه رنډا منوره ده، قیمتی فرشونه غوړیدلی دی.
 بادشاه دنازله نه خلاص شو دعائی وکره نجلی په خپل داوډی
 مخ پتی ناسته ده. مگر د تشو د حریت نه معلومیزی چه یوقسم اضطراب
 لری. ساعت ډیر تیر شو. مگر ددوی په مینځ کښ څه غږک غوږک
 نه اوریده کیژی. په اخر کښ پښتون دیندار بادشاه د نجلی په اضطراب
 پوهیژی، اوددی په ژرغونی اود لښکر حالت رسژی، لوتری پوښتنه
 کوی، چه:

امیر صاحب: « ولی ژاری؟ »

نجلی په خپل پښتنی حیا او شرم کښ خولی خولی ده غږنه کوی!
 اود بیتابی نه څلگي وهی. رحمدله یاد شاه ورځ بیا په ډیره دلاینه
 اومهربانی سره پوښتنه کوی، چه -

امیر صاحب: « ولی ژاری؟ . . . اخر و خو وایه! . . . »

څه ډیر ساعت تیریژی. . . . بادشاه ورڼه بیا پوښتنه کوی، چه:
 « آخر و خو وایه، دژر اسب څه دی؟ . . . » نجلی خپل زړه
 ټینگوی، او په غلی غږ اوزری اواز سره وائی: نجلی: « صاحب،
 زما حال دوپلونه دی! »

امیر صاحب: « نه! تاته خو څوک څه نه وائی. ووايه! »

نجلی: « صاحب، زه شرمیزم! »

امیر صاحب: (د-د) ډاډ گبرنی اود دلاینه په لهجه) « ولی
 شرمیزی دلته خو هیترک نشته! باید صاف صاف ووائی! » - نجلی:

دخپل ناموس او حیات ساتلو ذمه وار بلل کیژی. هان! که چیری دبد
 گمانی څه موجبات پیدا شی: نو پښتانه بیا د شاهدی او سپینولو پسې
 نه گززی. تش په بدگمانی سره نراوینزه دوزلو مستحق بلل کیژی.
 اود پښتون زړه هله بیخیزی چه د مرگ سزادواوړته پخپله ورکړی
 دهمدغی روح په برکت دنا پاکي خیالات اود پښتنو په مغزو کښ رازی نه!
 دپښتون د غیرت مشتعل کوونکو شیانو څخه لوی شی ښه ده
 په لږه شبهه سره ښه وژل کیگی. اوسری هم ژوندی نه پریژدی
 که سړی بیج شی نو هیس ممکنه نه چه په خپل لځای دی پاتی شی
 اوسنکاره دی وگززی که څه هم ډیر معتبر وی! په دی باب کښ
 مصالحت هم مشکل دی (۱) دپته په ښه باندي غیرت وایی.

یوه بله تاریخی واقعه هم دلته دیا دورد ده: -

کوم وخت چه په قندهار کښ دامیر شیرعلیخان اودده دوزور
 محمد امین خان دقندهار دثائب الحکومه په مینځ کښ د مهمندویه رباط
 جنگ وشو، په دغه جنگ کښ دامیر صاحب بهادر او هو شیار زوی
 سردار محمدعلیخان، اود دامیر صاحب ورو محمد امین خان یو، دبل دلایه
 په جنگ کښ مهم شول. ددی واقعه څخه دامیر صاحب په دماغ
 ډیر بد اثر ولوید. اودماغ یی خراب شو.

ددر بار خلقو دباد شاه د فکر بدلولو اودده ددماغ د اصلاح
 دپاره داچاره وسنجوله چه دده نه سیاسی افکار کم کره شی. اود
 تفریح او خوشحالی سامان ورته تیار شی. نو لتون یی وکړو، یوه
 ډیر ښایسته لوانامتو خکلی نجلی یی پیدا کره، اودباد شاه په نامه یی

(۱) تاریخ افغانه ۱۹۵ مخ

دلالت کوی : « دوی (پښتانه) د کافرانو سره که هغه توروی او که سپین هر وخت د غزا د پاره تیار وی »

داسی وایی چه یو وخت د پښتنو د اتفاق په متعلق دیوسیا ح نه یو پښتنه وشوه ده وویل خوسیی او یو گیدر راته راوړی ؛ چه راوړه شوه ، نوسیی یی په جنگ و اچول ، په عین جنگ کښ یی د دوی په مخکښ گیدر پرېښود . نو په دی وخت کښ اول سبی د گیدر پسی په زغاسته شوه ؛ - نوده ویلی دغه دی د پښتنو حال !

که څه هم دا یو بد تمثیل دی چه دیو دښمن له خوا د پښتنو په باب ور کړه شویدی مگر بیا هم د پښتنو اتفاق دا جانو په مقابل کښ ښه ښکاره کوی .

زمونگ ؛ هغه ټولی فدا کاري او خوا خوژئی یادی دی ، چه د افغانستان سره د دباندينو پښتنو ورو نړوله خواشویدی . دا واقعات ؛ په ښه شان سره ثابتوی چه په پښتنو کښ دوینی د گډون اثر په نورو ټولو اختلافاتو غالب اودپاسه دی . په قومی اوملی معاملو کښ پښتانه کورنی اختلافات ټول شاته غور زوی . او اکثره بی تیگی او جرگی سره یو کیژی .

زینی کورنی اختلافات که په پښتنو کښ وو ، دهغی وجهه داوه چه پښتنو یو صحیح مرکز نه درلود ، نو په داسی حال کښ دا اختلافاتو وجود طبعی و - مگر نن ورز چه دلوی څښتن په فضل سره پښتون قام د پښتون ټولئی صحیح مرکز لری . اوس کورنی اختلافات له یونجه حل اوفصل شوه ، ټول قام په پوره سر گرمی سره د وطن دا با دی او دملیت د استحکام دپاره په یو زړه سره بخت دی او زیار کازی !

« صاحب ! زه په کوچنیوالی کښ مور وبلار چاته ورکړی یم هغه پیره موده کیژی ، چه هندوستان ته ورک دی . زه ، د هغه په نامه ناسته یم !!! »

ددی خبرونه روسته داسی معلومیژی چه خلگی وهی ، ژاری . امیر صاحب ؛ « اوه ! واقعه داسی ده !!! - زه اوس پوه شوم -

ته هیس مه خفه کیژه ! - بیخی ډاډه اوسه ؛ ته زما لوری !!! »
شبه تیره شوه ، سحرشو . امیر صاحب درر بار خلق ، د نجلی مورو پلار ، راغ غوښته . او ډیر قهراو عتابئی ورته وکړه او نجلی وئی بیرته خپل کورته ولیز له .

لوستونکی دی پخپله انصاف وکی چه د دی واقعی نه دجانینو څومره دیانت ، تقوی عفت او پښتو نولی معلومیژی !

داسی واقعی نوری هم ډیری دی ، چه دلته یی مونږ نه شو لیکلی !

اتفاق :

د اتفاق لویه علامه د مشرانو منښت دی . دا خوی په پښتنو کښ شته دی . چه دوئی د خپلو ملی مشرانو پوره متابعت کوی . په دی باب کښ مونگک مخکښ خبری و کړی .

هو ! پښتانه څه نه څه په خپل مینر کښ سره نقاضت لری . مگر دا نقاضت د ملی مفاد د پاره ضرر نه کوی ولی چه که یو پریه دښمن د پښتنو حقوقو ته لاس وړاندی کړی . په دی وخت کښ د کاله ټولی وړی غتی خبری پاتی کیژی او د پریه دښمن د مدافعی د پاره په اتفاق پاسیژی لکه چه د کر نیل میلسون دا لاندی عبارت په دی مدعا ښه

سادگی :

د پښتو دکلکو عادتو څخه یوه سادگی او بی تکلفی ده . پښتانه په هیس خواکی تکلف نه خوښوی . نه په خبروکتین دچاسره دخوشامند گری الفاظ هستملوی ، اونه بیزاره اومبالغه آمیز القاب ورکوی . او نه په معاملو اومعشرت کښ تکلفی اوضاع کوی . دمیلمه په پالنه کښ دوی ډیر تلینگ دی مگر هلته هم ټوله پذیرائی په ساده طور سره وی . نه غواړی چه دخپل طاقت نه زیات بار په لښان کښ دی . چه بله ورزی بی بیان شمی وړی . په پښتنو کښ دامتل دی چه « پیازدی وی خو په نیازدی وی » یعنی دمیلستیا څخه غرض د محبت مینوی او گویون اظهار دی . نه د ژبی ترقی ! نودوی پخپله هم د رنگارنگ خورا کونو او اوبښو شوقیان ندی اومیلمه ته هم چه څه یی هر وخت دلاسه کښی هغه کوی . دانه وای چه ښه می دلاسه نه کښی ، نودا معمولی هم نه کوم . دکالو په باب هم د رنگارنگ پستو او نرمو شوق نه لری بلکه بدی گڼری عموما خپ پتکی ، خړ کښ او پرتوگک واسکت او کورتی ددوی جامه ده . دپنډ و او بوتونونه پښتانه خپلی ډیری خوښوی . زکه چه دادمنه یی چالاکی او دغره د وضعیت سره ښه مناسبت لری . زه گمان کوم چه دا رنگ او دا رقم جامه دوتی ته ددوی حربی مزاج ورښودلی ده زکه چه یو خوبی تکلفه ده او بل ساته یی اسانه ده . او بل داچه خړرنگ ا کشره له ورايه نه ښکاری . مولوی عبدالمجید افغانی په دی باب کښ داسی لیکي :

« پښتون که څه هم ډیر شته من وی د لباس په باب تکلف نه خوښوی په دی بی تکلفی کښ ښاریان اودکلو پښتانه برابر دی .

د تمدن په طرز کښ هم لکه خړرنگ چه په نور ملکوکښ فرق وی ، دبهر او دکلو دخلقو اخلاق او نور تمدنی معاشرتی او اجتماعی حالت سره بیل بیل او جدا گانه وی . پښتانه داسی نه دی بلکه ددوی طبیعتونه بیخی پورنگک دی . څه رنگ چه کیلی وای د تکلف نه آزاد دی . دغه رنگ ښاریان هم بی تکلفه دی . پښتانه دکالو د آرایش نه بیخی غافل دی . څه کالی چه ورور سیږی په خوشحالی سره ئی اغونډی . څه رنگ چه په لباس کښ بی تکلف دی دغه رنگ په خوراک کښ هم دی . یو معتبر پښتون څه رنگ چه نفیس خوراک په خوشحالی سره خوری . دغسی سکرک ، روتی شرومی اویاز هم په خوشحالی سره خوری . او په دی خوی کښ خانان اوعاجزان برابر دی دښار دتمولینو دژوند طرز هغه دی چه دصحرا نشینانو دی . دخوند ونو څخه څه رنگ چه دکلو اوسیدونکی بر پروادی ، دغه رنگ دبهر اوسیدونکی هم دی .

ددی دخوراک طریقته ډیره ساده ده ، خان او غریب سره په یو دستارخان او په یولوشی کښی مری خوری . څه چه پاتی شی هغه ، نور خلق په ډیره خوشحالی سره خوری ، او هیس قسم نفرت نه کوی . داطرافو اوعلاقو په لحاظ دپښتنو په مینزکی څه لؤل دعات اولباس اختلاف شته . مگر اصل تمدن بالکل یودی (۱) -

ډانس او روایاتو ساتنه :

په بین الافغانی قانون کښ دا ضروری گڼل شویده چه پښتون

(۱) تاریخ افغانه ۱۹۲ مخ

به د پښتون سره خپلولی کوی پښتانه داعیب گنړی چه خپله خوراو لوری له پښتون نه بل چاته ورکړی . گمان کوم چه دا حس د همدی نه پیدا شویدی چه پښتانه خپل قومیت تر هر چا عزیز او پورته گنړی . او په دی لحاظ کبڼ چه په بنزه کولو کبڼ هم دا خبره مد نظر لری چه باید بنزه دی د پښتو نولی مزا یا لری ، نوله دی جهته یو پښتون د پردی قام نه بنزه هم دیره لږه کوی . نوبه دی لحاظ سره د پښتون قام ونه مزم وجه نده !

دروایاتو دساتنی په باب ، مونگک په مقدمه کبڼ خپری کړی دی دایو انسانی فطرت دی چه هر قام په خپلو روایاتو ټینگ او محکم وی . مگر پښتون قام بدی کبڼ یو مخصوص امتیاز لری . ولی چه په دوی کبڼ داستقلال ماده دنورونه زیاته ده . اوداددوی د ملی غرور تقاضا ده چه خپل هر یو خوی او خصلت او هر روایت ته په در نه او دحقیقت په سترگه گوری . اوحتی المقدر په هغی کبڼ تمیر کولو ته تیار نه وی . دپښتنو دارقم ټینگوالی نور قومو نه دتعصب او حسد په نامه یاد وی . مونگک منوجه حسد او تعصب منهبها اوتمدنا یومذموم صفت دی ، مگر دهغه وخته پوری چه شخصی وی . هو ! هغه وخت چه دذاتی او شخصی حسودو څخه تیرشی اوقومی رنگ واخلی ، نود ترقی دپاره خوراشبه عامل حسابیژی اودقام دتهذیب دپاره لازمی عنصرگرزی !

خومره چه دحسد ، خودغرضی ، اوتعصب صفات په مغربی اقوامو کبڼ موجوددی د دنیا په هیس جاهل قوم کبڼ هغونه نشته . مگر هرکله چه دغه صفات هلته په قومی رنگ کبڼ شویدی نوزکه محاسن شمیرل کیژی (۱) هرکله چه په پښتنو کبڼ قومیت اوملیت جذبه غالبه ده نو ټینگ امید

(۱) تاریخ افغانه ۵۴ مخ

کاوه شی چه د موجوده تعلیمی نهضت په برکت به دا اخلاق نور هم ملی رنگ واخلی . زکه چه تعلیم نظر براخوی اوانصب العین بنی . دپښتنو سین زیری اوزپری بنزی دقومی روایا تومجسم تاریخونه دی . په کور ، مجلس هره حجره اوهره دیره کبڼ زاړه او مشران دپخوانو بهاد رانو قصی کوی او کشران ورته په دیر شوق غوړیسی . هر پښتون دخو پښتو پوری د نسب مکمله سلسله یاده لری ! چه تری یو پښتنه وکړی نود قبائلو اوعشائرو بشاخونه به په ښه شان دروښی .

په نکاح کبڼ د عمر داندازی اشراط :

دصغارت نکاح پښتانه ښه نه بولی . اودپښتنو اکثره کوچی قومونه په دی باب کبڼ یوه اندازه لری . چه دهغی نه مخکبڼ نه نجلی و دوی اونه هلك نکاح کوی . په دوی کبڼ دا خبره مشهوره ده چه په خام عمر کبڼ و اده کول سړی سوزی اوهلك اوانجلی نه لوئیژی ، ضعیف یاتی کیژی او نسل هم ضعیف رازی . تقریباً دسرا هقت پوری هلك ته پرتوگک هم نه اغوندی . وائی داد هلك په لوئیدوکبڼ نقس اچوی بیاناو کوم وخت چه پرتوگک وکی ، نود مبرانی او واده کولو پوری تور پرتوگک وراغوندی عموماً هلك ۱۸۵۰ او ۲۰ کالو پوری اوانجلی دشیار سو ترا تلسوکالو پوری واده نه شی کولی !

اومعفت په فضا کبڼ دبی اغزی گل په شان لوئیژی . دغه وجهه ده چه پښتانه تندرسن ، تنومند ، زړور جسم او خکلی اوسی . او ټینگ عزم او استقلال لری .

ناموس :

د ناموس کلمه په اصل کې عامه ده د وطن ناموس ، د قام ناموس د بڼې ناموس د اتول ويل کيږي . مگر پښتانه د « ناموس » کلمه مخصوصا پر بنزه اطلاق قوی پښتانه په ناموسداري کې د مقابل د احترام طرفدار دی يعنی که څوک د بل ناموس و نشي ساتلی خپل هم نشي ساتلی ، حميد بابا د پښتو نولي دا مهم رکن داسی بيا نوي :

« چه د بل ننگک و ناموس ساتلی نه شي — و به نه ساتي څوک خپل ننگک و ناموس »
 دا يوه اخلاقي کليمه ده چه په پښتونولي کې مراعات کيږي .
 اوبی ناموسه سرې ته پښتون نه ويل کيږي د پرنګي په کال چه ۲۵ زره پر ننگيان په کابل کې غازيانو مړه کړه وزير محمد اکبر خان ددوی بڼې دخپل ناموس په ډول و ساتلی ، او بيرته يي وروړ سولی د پښتو غازيانو به دوی ته ډير په احترام کاته (۱)

د هندوستان د مشهور پښتون شاهنشاه - زوی يو وخت په ناپوهي کېښ ديو هند و بڼې ته کتلی وو ، چه هغه اوڅه يو زای کېښ لمبيده هندو پر پښتون عادل باد شاه عرض و کړ و شیر شاه حکم و کړ و چه دده د زوی ماندپه دی هغسی لوڅه کې چه هغه هندو ورته په هغه ډول وگوري .
 د در بار سردارانو چه د پاد شاه د احکم او ورید ، هغه عارض هندوئی په خورانيه شان سره په پته راضي کړو چه دی بيرته د شیر شاه په حضور کې خپل حق دشهزاده و ماندپنی ته وروڅخي نو هند ولاړ ، او خپل حق هم د پاد شاه په حضور کې وروباڅپه پاد شاه ورته وويل

(۱) سراج التواريخ ج ۲ « طلوع »

ما خو په هغه ډول چه پر تا تيري شوی و، ستاحق اخيست . اوس چه ته ئی په خپله رضا بخي اختيار لری هندو عارض يي ډير ونازاوه او رخصت ئی کړو (۱)

د شزو و وظائف په غائله کېښ :

دامونډ ويلي دی چه پښتني بڼې د کاله په ژوند او کورنی معاشرت کېښ د سر و سره سه برخه اخلي د نارينه و داوژ و بار نه کيږي پښتني شزې په غائله کېښ پوره وظائف لری . چه مونډگ ئی لاندی بيا نوو .

د کور سامانول او انتظام ، صفائی ، مهی پخول ، کالی گڼل ؛ کالی اينزل لوشل ، شار بل ، د مال خدمت ؛ د اولاد تربيت ؛ څرخه کول ؛ تا رونه و ريشل ، په باغ بوټی او فصل پام کول ؛ او به راوړل ؛ دا کارونه عموما د پښتنو بڼو وظائف بلل کيږي .

د غرونو او آزاد و فضا و پښتني بڼې د دینه زیات او مهمه وظائف نور هم لری د غرونو نه په سرو نو کورو نوته لرگی راوړی .
 د خپلی زمکی فصل او کوی . تلی ته ئی په سرو نورا چلوی . غوبلونه کوی . غلی کورونو ته وړی . او مېچنی کوی . پښتني بڼې زیني خاص صنعتونه هم لری چه د پښتنو د هواد په بازار و کېښ ښه رواج لری د تیرا او با جوړ بڼې شکرونه او ټوکری جوړوی د ډيرښور بڼې قرصی ټوولی جوړی . دکټر بڼې چکن خولی رغوی . د لعلپوری بڼې تيله داری خولی گڼی . د قندهار خامک دوزی ډير شهرت لری .

(۱) تاريخ شیر شاه

په زینې زینې لځایو کېښ قالیښې لغرونه ، کیژدی اولیمسی جوړول ، دوریو و ریشل هم پښتنې سزې کوی . په نوي نهضت کېښ پښتنې سزې په نورو ډیر و فنونو او کمالو نو کېښ هم کمال حاصلوی .

تربیوي اصول :

د اولاد د پالنې او تربیت د پاره هم پښتانه څه اصول لری . چه هغه په پښتنو کېښ په ښه شان سره تعقیب کیژی . ماشوم ویرول چه « وئی ، بخوړی دی ! وئی ، بیودی ! » اوله دی قسمه نوری ویرونی ډیری بدی گنډل کیژی . دوی وائی چه په دی باندی کوچنی بی زړه او ویرندوکی رازی . یعنی باید کیچنی هیسکله و نه ویرول شی . کچنیان نازولی آموخته کول او دهغوئی په هر اصرار او هر خواهش باندی توجه کول او هغه پوره کول دا هم بد گنډل کیژی .

پښتانه وائی « اولاد پت ساته ، مورین ساته او په ادبئی ساته ! » دوی وائی « نازولتیا د پښتون سره نه ښائی »

پښتانه دور کوټوالی څخه واړه او کوچنیان او جرگوته راوباسی او چه لږ غټ شی د حجری او میلمه خدمت ، و په ډله کېښ کښیناسته او پاسیده ورښی چه دور کوټوالی نه زړور اموخته شی او خپل پښتنی خو یونه زده کی . او په رشد کېښ د ډلی او جرگی نه متاثر نه شی . په اخبارونو کېښ مالوستی وه چه اوس د جایان په تربیوي اصولو کېښ دا خبره منل شویده چه کوچنیان په غرونو رغونو ؟ واورو او یخنی ؟ شپواو تیرو کېښ د هدرو او داسی نورو دوبری او مشقت په لځایو کېښ معروض کیژی چه دور کوټوالی نه کملک ، زړور اومشکل پسند راشی او صبا د ژوند د هیس قسم تکالیفو څخه مخ وانه روی ! -

عیناً همدغه نظر به په پښتو کېښ په ملی ډول سره تطبیقیزی . پښتانه په زینې لځایو کېښ قصدا د اولاد وسره بی پروای کوی چه دوی خپله ذمه واری پخپله وپیژنی . مشکلاتو ته یی وړاندی کوی چه کملک راشی . د ټوپک ویشتل او نور حربي چلونو څه زړور راشی ! پښتانه ډیر یانوقصی او د بیاناتوب واقعات د ماشومانو په مخکېښ نه وائی . اکثره داسی قصی کوی چه په فلاڼی جنگک کېښ فلاڼی ؟ او په فلاڼی واقعه کېښ فلاڼی داسی توره اومیرانه کړی و ه ! او که د چاد بیاناتوب واقعه بیانوی نوهم په ډیر ، کرغیږن اومنجوس صورت سره یی ښی چه د کو چنیانو په زړه کېښ د دغسی کسارو په نسبت سخت نفرت پیداشی .

ملی لوبی :

د شطارت او بدنی ورزش او تفریح د پاره پښتانه مخصوصی لوبی لری چه د کوچنیانو ، زنی کیانو ، زلمو او لویو سروله خوا اجرا کیژی . د لوبو وخت د پسرلی یاد منی معتدلی ورزی شپی اوسی . حضرت سید جمال الدین افغانی د تنمة النبیان په ١٥٥ مخ کېښ داسی لیکي : « اکثره قبائل اود کلو او علاقو اوسیدونکی لوبو اوتفریح ته مبل کوی . او په وزگارو وختونو کېښ د دائری په شکل راغندیژی او خپله مشهوره لوبه چه « اتڼ » ورته وائی اجرا کوی . اوداسونوز غلول او سپر بازی کوی « سپر بازی ، او نښی ویشتل اکثره په اخترونو کېښ کیژی .

د بیښور په لوبو لویو کلو کېښ د پسرلی په ورزو کېښ د پهلوانی تماشا جوړیژی دالو به هلته ډیر لوی شهرت لری . دلری لری لځایو

څخه ورته خلق رازی خانان ، ملکان معتبرات او عام خلق راغونډیږي کله داسی هم کیږي چه لوی لوی شرتونه سره تړي . نو بیا پهلوآنان په میدان کښ سره په لوبه کښیږي . نو کومه خوا په لوان چه ورشی هغه ته ډیر ډیر انعامونه ورکول کیږي . دالوبه ډیری ورزی وی ! دغرونو خلق د پسرلی په ورزو کښ دزرکوسیسواو صحرائی پسونو ښکارته ووزی . داپه عین زمان کی تفریح هم ده او یو قسم عیش هم دی . دښکار دپاره اکثره خوځو کسه ډله کیږي اوزی او خوځو ورزی په صحرا تیروی اودښکار غوښی خوری !

دپسرلی او گلانو په ورزو کښ اکثره ښزی او پیغلی هم ډلی جوړوی اودصحرا دغرو دلمنو خواووته دغاږول اوریښی دسیل او پراخی فضا د تماشی دپاره ووزی !

داسی نوری ډیری لوبی هم شته لکه : هنده ، خوسی ، لوبونه ، توب لندی ، انگی ، دانگی ، شامیر ، سره ډیری داقسم لوبی اکثره دما شومانو دخوا اجرا کیږي مشران اومعمر خلق لوبوته حاضر کیږي مگر دما شومانو اوزلمیانو په ساعت تیری کښ دخل نه کوی د ډیر دو جواب :

زینی اروپائی مصنفینو اکثره د پښتنو ښه خوږونه اوعده اخلاق په بد او نا کاره صورت ښوولی دی . مثلا د دوی د مزاجی استقلال نئی په ضد او جهالت سره تعبیر کړی دی . یا مثلا د دوی د وطن پرستی او حریت خواهی څخه یی په بیو فایبی او چلولی توب تعبیر کړی دی او داسی نور مگر دا کسان څوک دی ؟ داهغه کسان دی چه هغوی خپل مقاصد درلوده . نو د هغوی حق و ، چه دخپل ملی مفاد دپاره یی

بل قام ته هر څه و یلی وای . زکه چه داد دنیا سیاست دی . مگر حق خبره داده چه « ولیکن قلم در کف دشمن است » زینی نور خلق هم ددغه پروبیگندی وڅخه متاثر شویږي او څه څه د حقیقت نه وړاندی لوبولی دی . زینی داسی خلق هم شته چه د خواخوږی او اصلاح دپاره یی زینی ستغی او سپوری لیکلی دی . دا خلق هم حق په جانب دی لکه چه پښتانه وایی « دوست به دی وژر وی او دښمن به دی وخنډوی ! » دی کسا نودزړه د درد نه ترخی و یلی دی . مگر دغه ترخی خبری دی چه د پښتنو د اجتماعی مرضو نو دپاره تریاق ثابتیږي او شکر دی نن پښتانه خپل خیر وشر ښه پیژنی !

زه په آخر کښ خپله وینا دحضرت علامه « اقبال » په هغه نظریه ختموم چه ده د مولانا جمال الدین احمد خان بی ای ، په هغه کتاب باندی چه دافغانستان په متعلق یی ترتیب او چاپ کړی دی د تقریظ په وخت کښ د افغانستان په باب لیکلی ده . حضرت اقبال وایی : « دمانه خواهش وشو چه یو څو کرښی د مقدمی په عنوان د دی قیمت کتاب په باب چه د افغانستان په متعلق لیکل شویږي ، و ښکم - زه دی تکلیف ته درضا اواستحسان په نظر گورم . زکه چه زما خوشحالی او علاقه د افغانستان په نسبت یوازی له دی چهته څخه نده چه زه پښتانه تل یو غیور ملت او په ژوند کی دنه ستړی کیدونکی قوت لرونکی گنیم . بلکه د اعلحضرت غازی محمد نادر شاه شهید چه د توری او تدبیر خاوندو کی دحضور شرفیابی زه لاندیر قانع کړی یم چه دده نبوغ دملت په وجر دکی تازه روح پوکړی . او د ملت سترگی یی دنن ورزی عالم په منظر بیرته کړی دی . دافغانستان تاریخ داوسه پوری دمصطلمی

او تقدیر دلاس رسیدونه یو خواپا تې شوی دی زکه چه دوقا معوضبط حقیقتاً تاریخ نه! بلکه د تاریخ د مواد و څخه شمیرل کیږی. هو! وقایع د الفاظو په شان دی. هغه مورخ چه غواړی د الفاظو څخه، دهغو معانی معلوم کی. دا مطلب د او سه پوری د پښتنو په تاریخ کښ نه په هند او نه په افغانستان کښ د ظهور میدان ته وتلی.

هغه ملت چه د محمد غوری، علاؤالدین خلجی، شیر شاه سوری احمد شاه ابدالی، امیر عبد الرحمن خان، او په آخر کښ داعلحضرت نادر شاه، اوتر ټو لوچک مولانا سید جمال الدین افغانی چه ز مونگ په عصر کی د خوجها تو څخه په مسلمانانو کښ دیر پورته اوبی شکه د ایشیاد اویو سر وڅخه دی. دنیات ورکړی وی. البته داسی ملت د ایشیا په ژوند کی د مهمو عناصر وڅخه شمیرل کیږی. په تیر و زما نو کښ بلخ، بامیان، هیده، کابل، غزنی، هرات دیر کنونه په خپل وار هر یو د ایشیاد علمی ادبی او تهذیب مرکز و څخه و.

دموجوده شاهي کورنی علاقه او صمیمیت مونگک ته پوره اطمینان را کوی چه دوی به خپل پخوانی شوکت او حشمت بیرته واخلي هروخت چه زما افغانستان یادیري؟ زما زره ددغه وطن یوه تابلو لکه څنگه چه دتیر کال دپانړو دتوئید وپه وخت کښ ما لیدلی و؟ په یو ساحرانه قوت سره زما دستر گولاندی ژدی. زه د مطالعی په یوه داسی کوله کښ چه په ډیره ساده گی اومتانت سره مخ په باغ جوړه شویده، ناست یم. ماته مخامخ یادباغ په هغه خوا کښ یوه ټوټه زمکه ورو ورو مخ پورته تللی دداسی غونډیو سره ملافی شویده چه هغه

ددریاب دموجونو په شان متوالیاً مخ پورته زی، دهندوکښ د لوړو غرونو سلسلی ته رسېږی.

دبرق دلویو سترو قطار چه دکوم لوی آبشارنه برق راوړی. دامیل غندی ددی سلسلی په سینه پروت دی. آسمان دلمر دلوید وپه تقریب په ځکلو نظر غولونکو رنگورنگ شوی او اوژده سیوری په ډیری چلنی اوتندی سره ددی وادی په مخ په حرکت کښ دی. دچنارلوړی اوقرتی ونی. ماښام په تیاره، کښ دشمال دلویو په نسبت دخپلوخزانې یاڼرو سره نری اهتر از لری.

دشفق په نیم رنگ سکوت کښ، ډاک، قصیه، دایرو کلوونی آود غرونو زرنیر چه دماښام په دریاب کښ لامبووهی؟ یوه داسی منظره لری چه دهغی دنیااست اوحسن، دخوب او خیال په لیسو پوری تعلق لری. ددغه ما ښام په سکوت کښ یو واردان غنگ پورته کیږی، زما ملگری یوزل زای پریدی، زه دمؤذن د اواز دتأثیر څخه بیخودشوی دټولونه وروسته دنمانزه کوټی ته رسیم. گورم چه ماوکانه ذات دخپلو لاندی خادمانو سره اوزه په اوزه ولاړدی. داوړه واقعه دپښتنو دری برجسته صفتونه څرگندوی:

۱- ژور مذهبی احساسات.

۲- دجنسی اونسبی امتیازاتو څخه کامله ازادی.

۳- کامل توازن، دهغی په واسطه پښتنوتل خپل ملی اومذهبی شون ساتلی دی. دغه دمحافظه کاری روح همیشه دپښتنو دقوت لویه منبع ده اووی به. اوهمدغه سی دی چه دوی دخپلو تیرو او پخوانو

سره ، بی له دی چه ددوی په موافقت او هم آهنگی کښ سره ددوی نومی دوری ، سخته وارده کی ، په یوژوندی تماس کښ ساتی .

دپښتنو محافظه کارانه پسه ، ددوئی پخوانی عرف او عادات ، ددوی په نزد ډیر محبوب گرزولی دی . او په عین حال کښ ددی عرف عادت دروند والی ددوی دراتلونکی پیشرفت روح نه خمه کوی ،

یوه ورز په لاهور کښ دیو سین ژیری افغان دکاندار په دکان چه د عطاری پیشه ئی لراه بیښ شوم . ده دپنوسو کالونه خپل زیات عمر په مغرب کښ تیر کړی و ، او په آخر کښ ئی په استریلیا کښ توطن نیولی و ، استریلیائی انگریزی ئی ویلای اولیکلای نشوه خوبه تکلم ئی کاوه . ماورته وویل ، « پښتو به دی تراوسه هم یاده وی ؟ » دی پوښتنی دده دزړه په عمق کښ نفوذ وکړو ؟ دلمدوسترگو زلیت ئی لازیات شو ؟ او معلومه شوه چه دزلمیتوب خاطر ات ئی یوزل بیا په مخله کښ حاضر او په ئی اخر کښ ئی دپښتو د عشقیه غزلو دیوی قطعی په شکل تراوش وکی ؟ اوداپښتون سین ژیری ئی دلاهور دسوزونکی تودوخی څخه دنیکو نوسې واوگوا را یید یاوته یو وږ .

د پښتنو محافظه کارانه غریزه ډیره تعجب انگیزه ده ؛ په عین حال کښ چه دهغی محکم تهداو رخنه قبلوونکی نه دی . ددوی تمدن دموثراتو او ایجاباتو څخه متحسس شوی دی اود هغی سره یو ډول همرنگی ښکاره کوی دادپښتو د صحت اوقوت یگانه رازدی .

افغانستان په رومبنيو قرونو کښ د تجارت لوی مرکز و ، او په مازنیو پیړیو کښ ئی هم دامقام ساتلی دی . کم وخت چه د تجارت

بحری لاری په دنیا کښ کشف او استعمال شوی ، نودغه مملکت د موقعیت په لحاظ ، دایشیاء سیاست اوتاریخ کلی په لاس لرله اولاری ئی .

پروفیسور لائیو وائی ؛ « دلته (په افغانستان کښ) یود ښو مهمو ټوټو څخه دایشیا لیدل کیژی - دهغه کسانو په نزد چه په ملی او بین المللی روا بطو کښ اتقاد لری . (ولی په دی نظر به چه ددیامقدرات د جنگ سره اخل شوی دی ملگری نه لری) هغوی ددی سره ډیره علاقه لری .

ددینه وروسته علامه دکتاب په موضوع کښ بحث کوی چه زما دمطلب سه ربط نه لری ؛ ئوئی نه اخلم .

په آخر کښ دا اسره لرم چه ای گرانو ورونړو ! - :

په پښتو او پښتنوالی گتل کیژی
پخوانی شان و شوکت د پښتنو

داوه زما هغه تتبع چه دپښتنو د ملی دودونو او کبر یکتیره باب کښ می کړیده کابل لاهوری دروازه ۱۷-۱۲-۱۳۱۶ ش ع ه « خادم »



وقایع مهمه داخلی

در افغانستان

بقلم جناب یارمحمد خان عضو انجمن

سال ۱۳۱۶ يك سال نهایت خوبی و فرخنده بود که در سرور آن الحمدالله در وطن عزیز ما اتفاقات سوء ناگهانی از قبیل زلزله، صاعقه، خشک سالی، قحطی، و امراض وبائی و غیره واقعات مضره که موجب تلفات جانی و مالی خساره آوری و قابل ذکر شده باشد واقع نگردیده است.

از طرف دیگر جای بسی شکر گذار است. که این سال نیک بسلامتی وجود سعادت آمود پدر معنوی تاجدار جوان جوانبخت افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه و اعمام بزرگوار شان که رجال صالح و خیر خواه و طن عزیز ما میباشند، با يك امنیت تامه که در تمام این مملکت کوهستانی حکمفرما بود سپری گردید.

در طول این سال نیک و فرخنده حکومت و ملت بدستباری و معاونت همدگر در هر رشته از امور حیاتی و مملکت داری و غیره و غیره. چیزهای منفعت بخشی که سر اسر برای منافع و بهبود ملت و مملکت بی سابقه بفرک و مشاهده میرسد. از قوه بفعل آمده است.

از طرف دیگر آب و هوای مملکت در طول سال ۱۳۱۶ روی

همرفته خوب و اطمینان بخش بوده، در موسم بهار باران های نافع باریده و در زمستان برفباری زیادی در سر تاسر مملکت بعمل آمده که نظیر آن در چند سال گذشته دیده نشده بود و طبیعی است که این برف برای خوبی فصول و حاصلات سال آینده مؤده خوبی را در بردارد.

واقعات و گذارشات مهم و قابل ذکر این سال تا جائیکه بدست آمده و با اجرا آت دوائر که علیحده درین سالنامه ذکر شده ربط ندارد ذیلاً از نظر خوانندگان گرام گذارش داده میشود. (یار محمد)

نهال شانی و غرس اشجار

این يك امر قابل انکار نیست، که زراعت اشجار در شعب حیاتی انسانها رول مهمی را بازی میکنند، زیرا در قسمت ضروریات و احتیاجات ارتزاقی بشر اثمار اشجار دخل قوی داشته و علاوه از تکمیل ضروریات ارتزاقی مسئله محروقات است خصوصاً در مملکتی که هنوز معادن ذغال دران بکار نیفتاده و قوه برق هم بطور عام مورد استعمال قرار نگرفته باشد علاوه برین اشجار سبب سرسبزی و اعتدال آب و هوا و تولید اقلیم صحت بخش و سالم میباشد.

این موضوع مهم را حکومت ملت دوست رعیت پرور ما همه ساله در روزهای ماه حمل که موسم نهال شانی در وطن عزیز ما افغانستان میباشد بذرائع اعلانات یاد شاهی خاطر نشان عموم رعایای صداقت شعار خویش ساخته، و یک روز را هم در ماه حمل بنام (میله قلبه کشی) یا (جشن نهال شانی) تعیین فرموده اند و در آن روز عموم وزارتخانهها و سائر دوائر رسمی و مؤسسات ملی تعطیل گردیده، ذات

مبارک همایونی و والاحضرتین ج، ع، ج، ا، ا، نشان صدر اعظم صاحب
وع، ج، ا، نشان وزیر صاحب حریبه و وزیر عالی مقام و مامورین
گرام و معززین و معتبرین مرکز در نقاط معینه و افراد زا رع در
اراضی شخصی خود به نهال شانی میپردازند .

همچنین به پیر وی این اقدام خیر خوانه حکومت متبوع ما که
مقصد از سر سبزی و شادابی مملکت و رفاهیت و آسوده حالی ملت
است ، در عموم ولایات و حکومت اعلی و کلان و غیره حکومتیها
و علاقه داربها نیز در یکی از روز های اول بهار (نظر به آب و
هوا و موقع نهال شانی) تعطیل عمومی حکم فرما گردیده و عموم افراد اهالی
بغرس اشجار شمر و غیر شمر اقدام میورزند .

در سال ۱۳۱۶ حسب اصول موضوعه سالهای گذشته ، بروز
یکشنبه اول حمل در مرکز تعطیل عمومی حکم فرما و اهالی عموماً
مشغول نهال شانی بودند .

نظر به اجزایه های که در مضبوطات مرکز و ولایات شایع گردیده
در سال ۱۳۱۶ نسبت بدگر سالها نهال شانی زیادی از اشجار شمر
و غیر شمر در مرکز و اطراف مرکز و ولایات دور دست و سایر
نقاط و ضلع عزیز ما (افغانستان) غرس شده که تعداد آنها از میلیونها
تجاوز می کنند .

سواد اعلان پاد شاهی راجع به نهال شانی و غرس اشجار را
قراردیل جهت معلومات قارئین گرام خود شائع میکنیم :

اعلان پاد شاهی

ملت عزیزم :

یکی از منابع ثروتی وطن عزیز ما و فرت مبود و کثرت اثمار
است ، منشأ تولید فوا که هم وجود درخت ها و اشجار آن بوده ،
و مجاهدت درین رشته بهترین خادم اقتصاد یات ما گفته می شود ،
علاوتاً تکثیر اشجار و تربیه نهال میوه دار در تصفیه هوا و سر سبزی
دره ها و طراوت کوه و صحرای وطن عاملیت مهمی داشته سعادت
اجتماعی بار می آورد ، لهذا درین وقت که موسم بهار و فصل ربیع
از اعتدال هوا و تابش آفتاب خود وهم بواسطه برف و یاران زمستان
اراضی وطن را برای غرس نهال و تکثیر اشجار و شانندن قلمه ها
و طرح بساتین واحداث جنگلات و تشکیل قوریه ها مستعد ساخته است
به تمام رعایای عزیز خود اهام از مامورین کشوری و لشکری و تمام
افراد اهالی امر و توصیه میفرمائیم ، که در راه حصول این مفاد ملی
و ضرورت اجتماعی و حیاتی خود ها مشارکت ورزیده هرکس درخور
توان و طاقت خود در اراضی شخصی یا زمین های لامرروع و بی مالک
که متعلق بمفاد عمومی باشد ، نهال شانی کنند و این ایام مسعود را
که برای سر سبزی وطن و بسط نهال شانی آن ایادی عمومی کار
میکنند بجدیت و فعالیت تمام به پایان رسانیده ، درین عمل خیر یعنی
شادابی و خرمی و طراوت افغانستان عزیز حصه گرفته و به اندک زحمت
امروز خود آئنده جامعه را خرم و برومند گردانند .

وقایع مهمه داخلی در افغانستان

ياك آن فخر کائنات حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و آل اطهارش فرستاده شد .

پس از تقدیم ادعیه و تحیات از طرف شاملین مجلس ، مجلس مذکور در حدود ساعت ۱۱ و نیم قبل الظهر منحل گردیده و حضار محترم مرخص شدند .

نزد هجین سال استقلال وطن

جشن حریت و آزادی افغانستان که یکی از یادگارهای تاریخی و محصول فداکاری فرزندان فوق العاده و زعیم بزرگ و وطن ما (اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید) میباشد ، مراسم میل و جشن آن در سالهای گذشته در اواخر ماه اسد بعمل میآمد ، در سال ۱۳۱۶ حسب اراده سنیّه ذات شاهانه و تصویب مجلس وزراء بنا بمساعد بودن هوای کابل در هفته اول جوزا تبدیل یافته يك جشن مسرت باری بعمل آمد .

این چهارمین بار است که جشن استقلال افغانستان بدوره زمامداری اعلیحضرت المتوکل علی الله یاد شاه محبوب ما تصادف میکند ، و در ایام حلول خود از طرف حکومت متبوع و ملت پذیرائی شایانی میگردد خصوص درین سال حسب اراده ذات شاهانه و توجهات مخصوص ج ، ع ، ج رئیس الوزراء و سائر اولیای امور اقسام تزیینات و تجلیلات فوق العاده که در خور این روز تاریخی و جشن ملی ما است ترتیب یافته و از روز شروع جشن الی اختتام آن هر نوع و سائل تفریح و ساعت تیری از قبیل رسم گذشت عسکری و مسابقه های

درخاتمه ترقی و آبادی این مملکت اسلامیه را از خداوند غنی مسئلت نموده آرزو مندیم هر فرد رعایای عن یرم بذوق تمام در راه سرسزی وطن جاهد و کوشان باشند .
(محل امضای همایونی)

مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم
در سلاخانه عمومی

از اثرات مهمه و برگزیده دوره اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید یکی انعقاد مجالس تذکری است که بمناسبت روز میلاد فخر کائنات حضرت محمد مصطفی (ص) در عمارت سلاخانه همه ساله انعقاد مییافت ، و در آن مجلس مبارک رجال بزرگ مملکت و علمای محترم و اعضای محاکم ثلاثه (ابتدائیه ، مراقبه ، ریاست عالی تمیز) و باقی معارف کابل حضور بهم رسانده به تذکر و ادعیه و تحیات بروان ياك آن سید اولاک صلی الله علیه وسلم می پرداختند .

این اثر خوب و فرخنده مثل سایر اثرات عهد درخشان اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید ، در عصر فرخنده و منور اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه نیز محفوظ و باقیمانده که همه ساله بعمل میآید .

چنانچه بروز یکشنبه ۲ برج جوزای ۱۳۱۶ بمناسبت مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم در سلاخانه بحضور ج ، ع ، ج اولان ، نشان ، والاحضرت صدراعظم صاحب و وزراء و رجال بزرگ و علمای محترم و اعضای محاکم ثلاثه و طلاب دارالعلوم و باقی معارف کابل مجلس بزرگی ترتیب یافته و در مجلس مذکور ادعیه و تحیات کثیره بروان

متنوع و نمایشات صنایع و ورزش و ورزش کاران افغانی، سرود و آتینهای ملی، موزیک عسکری جریان رادیو و غیره. چیزهای ساعت تیری و تفریح آور که انواع آن در اخبار روزهای جشن مفصل نشر شده در منطقه جشن آماده و مهیا گردیده بود:

در روز اول جشن جهت استماع نطق ذات اشرف اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فرزند انجب استقلال بخشای افغانستان هیئت معظم وزرا و علماء و وکلای محترم شورای ملی و هیئت مجلس عالی اعیان و مأمورین بزرگ عسکری و کشوری و هیئت کوردیلوماتیک و دیگر معزین و معاریف بسلاخانه عمومی حضور بهم رسانده جشن نزد همین استقلال وطن عزیز بنطق غرا و بلیغ ذات ملوکانه افتتاح گردیده و از جانب عموم حضار محترم مخصوصاً هیئت شورای ملی بعرایض تبریکه و نطق جوابیه ج، ع ج، ا، ا، نشان و الاحضرت صدراعظم صاحب و هیئت کوردیلوماتیک بکمال احترام استقبال شد.

قرار شائعات جرائد، طوریکه این عید ملی از طرف حکومت وطن دوست و طبقات اهالی بانهایت جوش و خروش در مرکز کابل پذیرائی و استقبال شد، در تمام ولایات و محلات از جانب عموم ملت عزیز ما بمناسبت حلول نزد همین سال استقلال وطن پذیرائی و استقبال شایانی بعمل آمد.

این جشن ملی با کمال مسرت و انبساط با انواع ساعت تیریه پس از مرور یکپخته خاتمه پذیرفت.

افتتاح سومین دوره دارالشورای ملی افغانستان

ذوات شریف فوق العاده که در یک مملکت و جامعه عرض موجودیت میکنند، از استعداد فطری و اوصاف خدادادیکه در دنیای هستی دارند

کار گرفته برای تأمین مصالح و حفظ شئون مملکت و جامعه خویش از بذل هیچگونه فداکاری و اقدامات حسنه خودداری و از حقوق مشروع ادنی ترین افراد جامعه چشم پوشی و اغماض نمیرمایند.

از همین باعث است که اعلیحضرت غازی محمدنا در شاه شهید فرزندی صالح و حق شناس و وطن مو سه شورای ملی را (که یک چیزی بی سابقه و بی نظیری در افغانستان عزیز ما شناخته می شود) که واجد هرگونه سعادت و بختیاری طبقات ملت میباشد تاسیس و این عطیه عظمی راحق مشروع ملت عزیز خود دانسته برایشان ارزانی فرمودند.

اعلیحضرت تا جدا ر جوان جوان نبخت، فرزند خلف الصدق اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید، نیات پاک و حق جو یانه پدر بزرگوار خویش را پیروی نموده، همیشه عطف توجه شاهانه را درباره نمایندگان ملت معظوف داشته و از بذل هیچگونه نوازش باین موسسه ملی دریغ نفرموده اند.

چنانچه بر روزهای اختتام دوره دوم تقنینیه شورای ملی از حضور ذات اشرف همایونی فرمان مرحمت توامانی بعنوان عموم ملت افغانستان در خصوص تجدید انتخابات وکلای دارالشورای ملی شرف اصدار یافته بود.

تعمیل فرمان ذات شاهانه چندی سلسله تجدید انتخابات جریان و وکلای معتمدی ملت دسته دسته یکی بعد دیگری بمرکز حضور بهم میرسانند.

قرآر معمول یک هیئت تحقیقیه جهت معائنه تصدیق و لواحق انتخابیه وکلای موصوف مقرر گردیده، تار ضایت طبقات ملت را بوکالت آنها علم آوری و تحقیق نمایند.

پس از عرض شکریه ع ، ج رئیس شورا و ج ، ع ، ج ، والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب مجلس به بسیار گرجوشی و مسرت خاتمه پذیرفت .

عرفان پروری و ملت دوستی

اعلی حضرت همایونی

سعادت و سربلندی ملت و ارتقای شوذات اجتماعی زاده افکار عالیه و تدابیر برجسته رجال بزرگست که در بین جامعه ابراز لیاقت نموده زمام امور مملکت و قیادت ملت بدست با کفایتش سپرده میشود حقیقتا ذوات بزرگ بقل سرشار و ذکاوت فطری خداداد خود بنیض روحیات ملت را بطور یک طیب حاذق از روی حقیقت تمیز و تشخیص نموده برای تامین صحت و رفع علل و نواقص آنها بذل اهتمام میفرماید و شک نیست که وجود این قبیل رجال بزرگ که طیب حاذق ملت اند ابواب صحت و سعادت را بر روی توده ملت می کشاید .

ملت افغانستان خود را خو شبخت و مسعود میداند که بد اشتن اینگونه طیب حاذق (مانند وجود سعادت آمود اعلی حضرت المتوکل علی الله) مغر می باشد که همیشه در تهیه وسائل راحت و آسایش ملت از بذل هیچگونه مساعی دریغ نفرموده و در نتیجه رسیدن بسر منزل سعادت ما را از راه توسعه معارف و صحت بدن تشخیص فرموده اند .

چنانچه در سال ۱۳۱۶ ذات اشرف همایونی شان مبلغ چهار صد هزار افغانی را از بردجه مصارف شخصی خویش تقیص و امر فرمودند تا از جمله این مبلغ ، مبلغ دوصدهزار افغانی برای توسعه امور عرفانی بوزارت معارف و مبلغ دو صد هزار افغانی جهت توسیع امور صحی

پس از تدقیق و تحقیق هیئت تحقیقیه چون و سائل مقدمانی دوره سوم شورای ملی تهیه گردیده بود ، به اراده سنیه ذات شاهانه روز پنجشنبه ۲۷ برج جوزا جهت افتتاح آن تخصیص و بعموم وزراء و معینانها و رؤسا و اراکین معظم دولتی اطلاعا ده شده بود تا در ساعت ۴ بعد الظهر روز مذکور در سلامخانه عمومی حضور بهم رسانند .

بتاریخ روز مذکور در ساعت معینه عموم مدعوین حاضر گردیده و ساعت (۱۵ و ۴) دقیقه ذات اشرف همایونی در مجلس افتتاحیه مذکور نزول اجلال فرموده اولاً از طرف قطعه تشریفات که در صحن عمارت دارا لشورای ملی قبلاً انتظار موبک همایونی راداشتند ، احترامات ذات شاهانه بعمل آمده ، سپس در موقع ورود در سلامخانه از طرف والا حضرتین ج ، ع ، ج ، رئیس الوزراء و ع ، ج وزیر صاحب حریره و عموم حضار مجلس بکمال احترام پذیرائی و استقبال شایانی که درخور ذات اشرف همایونی بود گردیدند .

حاضرین مجلس عموماً طرف تلطف و نوازش اعلی حضرت ملوکانه واقع گردیده ، بعد از آن بر منبر خطابه دارالشورای ملی صعود فرموده سومین دوره شورای ملی را بنطق جامع و غرای شاهانه افتتاح فرمودند .

بعد ع ، ج ، عبدالاحد خان رئیس شورا بعد استجازه حضور ذات شاهانه و ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان و الا حضرت صدر اعظم صاحب یکی بعد دیگری معروضات شکریه خودها را بمناسبت فرمایشات قیمتدار ملوکانه که سراسر بخیر و بهبود ملت و ارتقا و تعالی افغانستان بود بسم حضور ذات اشرف همایونی رساندند .

مملکت بوزارت صحیحه تخصیصیه داده شود ، تا بر حسب لزوم مورد استفاده قرار گیرد .

به تعقیب وتأسی ازین رویه ملت دوستی و عرفان پروری ذات همایونی ، علیا حضرت ملکه صاحب والده ماجده اعلیحضرت همایونی ووالا حضرات همشیره های اعلیحضرت مبلغ پنجاه هزار افغانی نیز از جمله وجه منظوری معاش و مصارف شخصی خود برای امور فوق الذکر عنایت فرمودند .

هکذا اعلیحضرت تاجدار محبوب جوان جوانبخت ماچنانیکه در فوق ذکر شد که برای تأمین هرگونه وسائل راحت و رفع هر قسم علل و نواقص ملت عزیز خود بذل اهتمام و مساعی شاهانه میفرمایند فقرا و بینوایان (که حقیقتاً قابل ترحم میباشند) نیز از زیر نظر عطوفت و مهربانی ذات شاهانه شان دور نیست .

چنانچه بر حسب معمول همه ساله در موقع حلول زمستان مبلغ یازده هزار افغانی بربیاست بلدیة کابل عنایت و اعطا فرمودند که درین مساکین و مستحقین شهر توزیع کرده شود . پس نظر که بهرام پدرا نه این شاه بادیان و غمخوار ما که کرده میشود ، ماملت نهایت بختیار و خوش قسمت هستیم که زهام امور مملکت مارا بدست با کفایت اینچنین یاد شاه خیر خواه مهربان تفویض نموده که بلااستثنا از هر طبقه ملت زیر ظل رفت همایونی اش امرار حیات مینماید و امیداست که در اثر نیات خیر اندیشانه ذات شاهانه افغانستان عزیز ما بزود ترین اوقات بمدارج ترقی و تعالی نائل و حیات اجتماعی ماملت از هر حیث قرین راحت و آسایش گردد .

واقعه جانی خیل :

دراوائل برج سرطان يك دسته اشراجانی خیل واقع کیتواز ، بريك تهايه عسکری بغرض چاول حمله برده اگرچه عسکر ساخلوی مقام مذکور جدیدانه به آنها مقابله ورزید ولی بمجردیکه اطلاع بمركز رسید اقدامات لازمه برای سرکوبی و گوشمالی اشراج مذکور بعمل آمده در نتیجه تمام اشراج مذکور همزاه سردسته های شان از طرف مردمان خود همان علاقہ تسلیم حکومت شدند و قضیه مذکور کاملاً خاتمه یافت .

عزیمت ع ، ج ، وزیر صاحب معارف

بولایات شمالی و معاودت شان

قارئین محترم مستحضرو خواهند بود ، که عالیقدر جلالتماآب سردار محمد نعم خان وزیر جوان و فعال معارف علاوه بر کارهای وزارت و رسیدگی بامور عرفانی مملکت که بکمال جدیت انجام میفرمایند ، کفالتاً بکارهای ریاست بانگ ملی هم واری می نمایند ، بنابراین در ما اسد جهت معائنۀ فابریکه نساجی و فابریکه برق که تحت نظر بانگ ملی درپل خمیری بنا میگردد ، بایک هیئت اقتصادی تشریف برده بودند . پس از معائنۀ و واری بامور فابریکات و غیره کارهای مربوطه آن جهت معائنۀ امور معارف ولایت قطغن و بدخشان و ولایت مزار شریف نیز تشریف فرما شده در هر نقطه از طرف عموم مامورین ملکی و صاحب منصبان عسکری و نمایندگان اهالی و طلاب معارف و غیره نفری مراسم استقبال و پذیرائی شان بکمال احترام بعمل آمده و خطاب به های خیر مقدم از طرف اهالی و طلاب مکاتب ایراد میگردد .

پس از انجام کارهای مربوطه ولایات قطعن و بدخشان و مزار شریف که ع، ج، وزیر صاحب موصوف تشریف فرمای مرکز شدند، قراریکه از شائعات جرائد ولایات مذکور معلومات حاصل کرده ایم، وزیر جوان و فاضل معارف سردار محمد نعیم خان در حین توقف چند روزه خود برای طبقات اهالی و مامورین و معلمین طلاب معارف و صاحبمنصبان عکسری بیانات قیمتداری فرموده و هر صنف را در حدود ایفای وظائف شان و بکار و عمل تشویق نموده اند.

اهتمام ذات شاهانه در تعمیم و توسعه زبان پشتو

حسب تحقیقات و تتبع فضلا و مورخینیکه بزبان پشتو داجسی و علاقه دارند، زبان پشتو را یکی از زبانهای قدیم و از اصیل ترین زبانهای آریانی شناخته اند. زیرا باستناد اینکه بسا کلمات قدیمه که نزدیکی این زبان را به السنه باستانی آریانی میرساند، تا کنون در سینه ملت پشتو زبان محفوظ و مورد استعمال است.

ولی حوادث سوء روزگار و بی پرداختی اسلاف ما پیشرفت و توسعه این زبان را مانند سایر شئون حیاتی این ملت در حال وقفه گذاشته بود؛ مگر خدایا شکر گذاریم که این وقفه و معطلی بطور دائمی نبوده زبان پشتو در ضعف و سستی خود را بدوره زمام داری فرزند صالح خود اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید خاتمه داد، اینک در نتیجه توجه فرزند جوان جوانبخت آن مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در جمله دیگر ترقیات عرفانی و ادبی و زنده ساختن آثار و افتخار ملی ما ترویج زبان پشتو که وسیله مهم وحدت یک ملت است از قوه بغفل آمد، که در مدت کمی از فیض

زحمات و توجه وزارت معارف این زبان ملی ما به پیشرفتهای مهمی نائل گردیده و هموطنان حساس ما را به آینده درخشان خود مزده میدهد.

چنانچه امروز علاوه بر شائعات اخباری که بزبان پشتو نشر می شود، در تمام وزارتخانهها و ریاستها و غیره دوائر رسمی و موسسههای ملی مرکز و تمام ولایات و حکومتات اعلی و کلان و حکومتات ثلاثه و علاقه داریها یعنی به جمیع نقاط وطن عزیز ما کورسهای افغانی جاری و معلمین پشتو مشغول درس دادن هستند و کتب درسی و اخبار برایشان توسط انجمن ادبی بصورت رایگان مرتب میرسد. و اهالی عموم ما براج ساختن این زبان ملی خود شوق مفرطی دارند.

نظر باین توجه حکومت و زحمات شبان روزی و زیر فعال معارف و شوق سرشار و مفرطی ملت که می شود، امید است که ترویج زبان و ترقی واقعی لسان پشتو صورت خوبی بخود بگیرد، و نژاد آینده اینخاک مرهون این اقدام بزرگ دودمان اعلیحضرت نادر شاهی اضافه بر اضافه گردد.

پنجمین سال جلوس اعلیحضرت همایونی

روز دو شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۱۶ مراسم حلول پنجمین سال جلوس ذات اشرف همایونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پدر معنوی و غمخوار افغانستان بعمل آمد، اگر ما بنظر دقت و تعمق ملاحظه کنیم جای بسی افتخار و سعادت برای ما ملت است که باین دوره پنجسال زمامداری فرزند جوان جلیل القدر وطن چرخهای ترقی و تقدم مملکت به محور اصلی خود دور خورده، امنیت که یکی از اساسی ترین اساس یک مملکت

وقایع مهمه داخلی در افغانستان

پس ما بکمال احترام از درگاه حضرت مجیب الدعوات سلامتی وجود سعادت آمود و بقای سلطنت شاه جوان خود را مسئلت مینمائیم و آرزو میکنیم که ملت افغانستان تا سالیان دراز در ظل رفاه ذات همایونی اش اصرار حیات نموده و مملکت عزیز ما بترقیات خوبی نائل گردد .

نهادن سنگ تهاداب عمارت مکتب

حریبه احضاریه

بمناسبت نهادن سنگ تهاداب عمارت مکتب حریبه احضاریه در باغ بابر شاه که یک موقع خوب و باصفای برای تعمیر مکتب حریبه دارد، در مرور سال ۱۳۱۶ از طرف مقام مرهونه از محترمین رجال و صاحب منصبان ارشد عسکری در محل مذکور دعوتی بعمل آمده ج، ع، ج، ا، ا، ا، نشان، والا حضرت صدر اعظم صاحب و ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت وزیر صاحب حریبه نیز تشریف آورده از طرف حاضرین محترم و قطعه تشریفات و طلاب حریبه محترمانه استقبال شدند، پس از آن والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب بعد از دعا و فاتحه سنگ تهاداب مکتب حریبه احضاریه را بدست مبارک خود گذاشتند، و بدیناسبت نطق غرای راجع به اهمیت و موقعیت عسکری و وظایفی را که در حفظ شئون دینی و ملی دارند قرائت فرموده و بعد از آن یک سلسله بیانات قیمت دارشانرا معطوف شرح توجهات و علاقه مندی که اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه بترقی و پیشرفت شئون عسکری دارند نموده و درخاتمه برای سرافرازی و سرخروئی دائمی اردوی افغانستان دعا نموده و اظهار امید فرمودند

است از فضل خداوند (ج) با مفهوم صحیح خود در افغانستان موجود شده است .

ترقی تجارت و اقتصاد مملکت بسته بامنیت بوده و از همین جهت است که سرمایه های ملی بفعالیت تمام بدوران افتاده و شرکتهای بزرگی در وطن عزیز ما تاسیس گردیده که بمقصد تقویه بنیه اقتصادی مملکت مصروف کار و عمل میباشند .

معارف که منبع و سرچشمه ترقیات یک کشور است ذات اشرف عرفان پرور ما اعلیحضرت همایونی درین نیز ابراز علاقه کاملی فرموده چنانچه شرح آن در فوق گذشت .

عسکر که حافظ امنیت وطن و نوامیس ملت یک مملکت است، ذات همایونی توجه خاصی باینطرف مبذول داشته که از مصارف شخصی ذات شاهانه شان صرفه جوئی نموده و مبالغ هنگفتی برای شئون عسکری اعطا فرموده اند . در اثر همین توجهات، ذات شاهانه و زحمات خسته گئی ناپذیر ع، ج والا حضرت سردار شاه محمود خان وزیر حرب است که وطن عزیز ما امروز الحمد لله دارای یک عسکر کامل بوده، ترقیات روز افزونی در آن مشاهده می شود .

در باب راهها و عمرانات، اوضاع صحی و زندگی مرهه الحال که ملت عزیز ما بریر سایه تاجدار جوان خود دارند، (چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان) هموطنان عزیز ما و کسانیکه چند سال پیش افغانستان را دیده بودند و حالا می بینند، میدانند که ترقیات امروزه افغانستان در حقیقت از مساعی یک زمامدار صالح و بزرگبخت که با اعمال و افکار پاک خود بختیاری و سعادت ملت این مملکت را خواسته و میخواهد و او شانرا بمدارج ترقی و اعتلا روز بروز صعود میدهد .

وقایع مهمه داخلی در افغانستان

انجمن ادبی بنام قدردانی از رجال بزرگ تاریخی و طن بر روز پنجشنبه ۱۲ عقرب ۱۳۱۶ ساعت ۲ بعد الظهر در کلوب استور بمناسبت نهمین سالگره ابن سینای بلخی مجلسی منعقد و در آن عموم وزراء و سفراء، معین ها و رؤسای ادارات، علماء و فضلا و ارباب جرا ئد مراکز دعوت شده بودند .

درین مجلس ادبی ج، ع، ج، ا، ا نشان سردار محمد هاشم خان رئیس الوزراء و ع، ج، ا، ا نشان سردار شاه محمود خان وزیر حربیه کادب پروری و علم دوستی مخصوص خاندان نجیب شان است نیز تشریف آورده بودند .

مدعوین محترم از طرف ع، ج وزیر صاحب معارف رئیس و ع، شهزاده احمد علیخان درانی مدیر عمومی و دیگر اعضای پشتوتولنه پذیرائی و استقبال می شدند .

بعد از حضور عموم مدعوین محترم ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیر فاضل معارف نطق افتتاحیه بنام قدردانی از علم و رجال تاریخی وطن ایراد فرمودند .

و متعاقب آن مطابق پروگرام موضوعه که از طرف انجمن ادبی ترتیب یافته بود، ذوات محترمی که در باب مقام علمی و فلسفی شیخ قبلاً مقالات و قصائد ترتیب و انشاد فرموده بودند یکی بعد دیگری قرائت نمودند این حفله ادبی خیلی زیاد طرف دلچسپی حضار محترم واقع و هر کدام با کف زندهای متوالی تحسین و پذیرائی میگردیدند بالاخره مجلس مذکور بعد از صرف عصریه بمسرت تمام انجام و خاتمه پذیرفت .

که ازین مکتب که فعلا اساس عمارت آن گذاشته شد صاحب منصبان رشید و با علم و تربیه و فداکاری برای افغانستان تربیه و فارغ شوند . پس از نطق والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب ع، ج، ا نشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه سردار شاه محمود خان غازی متقابلاً نطق جامعی ایراد فرموده از حسن نظریات والا حضرت صدراعظم صاحب درباره عساکر افغانی تشکر نموده، و علاوه نمودند که عسکر امروزه افغانستان بخوبی ملتفت اند که اعلیحضرت همایونی المتوکل الله تا چه اندازه درباره عساکر نظر شفقت و مرحمت پدرا نه دارند که روز و شب برای بهبود اوضاع عسکری افغانستان میکوشند، عسکر امروزه وطن عزیز ما بهیچوجه نمیتوانند از عهده شکران آنهمه مراحم و توجهاتیکه درباره شان مبذول میشود برآیند . بیانات ع، ج، وزیر صاحب حربیه از طرف عموم صاحب منصبان عسکری که حاضر بودند تأیید شده و بدعا گوئی دوام سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی الله و بقای دودمان اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید خاتمه یافت .

نهمین سالگره ابن

سینای بلخی

ابن سینای بلخی که فضل و کمال و شهرت علمی او دنیا شرق و غرب را فرا گرفته و هیچکس از علو مقام علمی او انکار کرده نمیتواند، از مفاخر تاریخی خاک پاک وطن عزیز ما گفته میشود، بر ایما جای بسی مجدو افتخار است که خاک وطن عزیز ما مهد پرورش اینطور حکما و فیلسوفهای عالمقام واقع گردیده که از فکر بلند و ادراک برجسته آنها عموم عالم بشریت استفاده نموده و همه را بلا استثنا در ذیل عطوفت خود قرار داده است.

توزیع شهادتنامه بطلاب فارغ التحصیل

فا کولته طبی و دوا سازی

دارالفنون افغانستان که یکی از مؤسسات علمی یادگار عهد با افتخار اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید مصلح کبیر افغانستان میباشد اینک خوشبختانه اولین نمره پرفیض خود را برای حفظان صحت عمومی ابنای وطن میدهد .

این نمره شیرین و قیمتدار عبارت از فارغ التحصیلی او این دسته شاگردان فا کولته طبی دارالفنون وطن عزیز ما میباشد .

بمناسبت فارغ التحصیلی و اعطای شهادتنامه به فارغ التحصیلان فا کولته و صنف دوا سازی از طرف وزارت جلیله معارف روز سه شنبه (۲۹) قوس در عمارت صدارت عظمی ترتیب انعقاد مجلسی گرفته شده بود ، در مجلس مذکور ج . ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه و عموم وزراء محترم و جلالتمآب شوکت بای سفیر کبیر تورکیه مقیم کابل و ارا کین وزارت معارف و طلاب ارشد مکاتب و مامورین بزرگ شمولیت ورزیده بودند ، مدعوین محترم از طرف اعضای وزارت معارف پذیرائی می شدند .

درین مجلس عرفانی که اولین بار بمناسبت فارغ التحصیلی اولاد وطن عزیز ما از مکتب فا کولته طبی انعقاد یافته بود نطقهای مهمی از طرف ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر صاحب معارف و جناب پرو فیسر حسن رشاد بای رئیس فا کولته و ج ، ع ، ج ، ا ، ا ،

نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم و جناب فقیر محمد خان فارغ التحصیل فا کولته طبی تعاطی گردید ، و در ضمن آن شهادت نامهها با انعامات لائقه بدست مبارک والا حضرت اشرف صدراعظم صاحب بطلاب مذکور که درجه دکتوری یافته بودند اعطا گردید ، و جناب دکتور رفقی مشاور وزارت صحیه و جناب پرو فیسر حسن رشاد و جناب ربیع حکمت و دیگر معلمین فا کولته عالی حسب مراتبهم از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی نشانهای سردار عالی و استور اول و استور دوم و معارف اعطا گردید .

جلس بعد از صرف عصریه بدعا گوئی اعلیحضرت جوان معارف پرور المتوکل علی الله و مزید ترقیات افغانستان خاتمه یافت .

اعطای تصدیقنامهها بفارغ التحصیلان

دارالمعلمین مستعجله

وزارت جلیله معارف با اثر فعالیت خسته گمی نا پذیری که دارد ، در برج اسد ۱۳۱۶ جهت توسیع مکاتب ابتدائی کورس و بنام دارالمعلمین مستعجله تاسیس و یک عده جوانان لائق با اخلاق را از ولایات و اطراف جلب کرده بغرض تعلیم و تربیه اطفال ابتدائی شامل این موسسه عرفانی نمود .

طلاب مذکور در ظرف شش ماه مواد پروگرام موضوعه مضامین را تکمیل و بتاريخ ۲۹ دلو از طرف ریاست تدریسات وزارت معارف جهت توزیع تصدیقنامههای شان ترتیبات گرفته شده بود .

ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف بساعت معینه تشریف آورده ، باعطای تصدیقنامهها و انعام طلبه مذکور پرداختند و پس ازان

عموم طلاب را مخاطب ساخته ، نطق نصیحت آمیزی ایراد فرمودند
بعد از اختتام بیانیه وزیر فاضل معارف دو نفر از فارغ التحصیلان
مکتب مستعجله یکی بزبان پشتو و دیگری بفارسی ، بجواب فرمایشات
وزیر صاحب معروضاتی قرائت نمودند .

در خاتمه بروح پاک اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه
شهید که بزرگترین فرزند معارف پرور وطن بودند دعای مغفرت
فرستاده وزنده باد اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه منور عرفان
دوست ما گفته مرخص گردیدند .

فرمان عید مبارکی ذات اشرف همایونی

بعنوان اهالی افغانستان

یکی از عادات برجسته و مراسم مفیده که از عصر منور اعلیحضرت
غازی محمد نادر شاه شهید باقیمانده و در عصر درخشان فرزند انجپ شان
(اعلیحضرت المتوکل علی الله) همه ساله در مواقع لزوم ازان تأسی
و پیروی میشود اصدار فرامین پادشاهی (که حاوی يك سلسله وصایا
و نصایح قیمنداری میباشد) است که بعنوان معززین و ریش سفیدان
ملت در ایام اعیاد مذهبی میشود . چنانچه امسال نیز در هر دو عید مذهبی
(عید فطر و عید اضحی) فرامین تبریکه از حضور والای شاهانه بنام
رعایای صداقت شعار شان صادر گردیده .

تبریک روز میلاد ذات اشرف همایونی

روز جمعه ۲۲ میزان حسب معمول همه ساله هیئت کور دیپلو ما تبریک
متوقف کابل و وزرای محترم کابینه و نمایندگان ملی و باقی رجال بزرگ

و معززین به قصر دلکشا بمناسبت تقدیم تبریکات سالگره تولدی بحضور
ذات اشرف همایونی شرفیاب شده و بعد از سالهای گذشته مراسم و احترامات این
روز سعید را بجا آور دند ، روز ۲۲ میزان که روز تولدی فرزند جلیل القدر
وطن اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب افغانستان و مقارن
بروزهای نجات وطن از خانه جنگی و برادر کشی و بدبختی ملت میباشد ،
یکی از برجسته ترین روزهای تاریخی و اعیاد ملی ملت افغانستان محسوب
بوده و در شیرازه بندی حیات اجتماعی ما سهم بزرگی دارد .

فلهذا سفرای دول متحابه مقیم کابل و وزرای محترم و معززین
حسب دعوتنامه هائیکه قبلاً از طرف وزارت جلیه دربار توزیع شده
بود ، ساعت معینه در قصر دلکشا حاضر شده ، نهمین سال نجات وطن
که محصول فداکاری های نابه قرن بیستم اعلیحضرت غازی محمد نادر
شاه شهید و برادران رشید و نامور شان میباشد ، بنطق غرا و جامع
اعلیحضرت همایونی افتتاح و از طرف حاضرین محترم بایک حرارت
وصمیمیت فوق العاده استقبال گردید .

هکذا قراریکه معلومات داریم در تمام نایب الحکومگی ها
و حکومت های اعلی و کلان باستقبال این روز نیک که
روز تجدید سعادت و نیک بختی ملت افغانستان بوده مجلس های خوشی
باترئینات مجلی بعمل آمد و عموم اهالی قدر شناس این خطه اسلامی
خودهارا از دل و جان مرهون خدمات برجسته خاندان نجیب نادرشاهی
دانسته و نمیدانند و با کمال خلوص و نیات بی آرایش ادعیه خالصانه
خود را بروح پاک یگانه منجی وطن اعلیحضرت سعید شهید و باقی
ذواتیکه درین خدمت بزرگ بدل مجاهدت نموده و حصه دار هستند تقدیم

نموده، و از خدای بی نیاز ارتقای دائمی وطن و ضلوع عمر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و اعمام شریف خیر اندیش و عموم خاندان سلطنتی و ذواتیکه از صمیم قلب باین وطن خدمت مینمایند بکمال عجز و احترام نیاز نمودند.

شرقیایی و کلاهی شورای ملی

به حضور اعلیحضرت همایونی

حسب معمول همه ساله در سال گذشته نیز چون دوره ششماهه مجلس شورای ملی با ختام رسید و نماینده های ملت مرخص می شدند، بر روز سه شنبه ۳ عقرب و کلاهی محترم بحضور پادشاه محبوب خود به قصر دلیکشا شرفیاب گردیدند.

ذات همایونی در محضر و کلاهی ملت یک سلسله بیانات قیمنداری که حامل احساسات نیک حکومت در باره ملت و همدستی و اتحاد ملت با حکومت بوده ایراد فرمودند، که مورد دلچسپی و مسرت و کلاهی محترم واقع گردید.

از جناب و کلام معروضات مملو از اخلاص و صمیمیت بعرض حضور ذات شاهانه تقدیم گردید که رضایت و خورسندی ذات همایونی در آن شامل بود.

در ختام معروضات و کلاهی محترم شورا ج، ع، ج، والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب نیز نطق جامعی که مبنی بر لیاقت و فعالیت و کلا و همدستی شان با هیئت کابینه وزراء در تنظیم اصول نامها و حسن تدویر امور مملکت بود ایراد فرمودند، که موجب رضایت ذات شاهانه از فعالیت و کاردانی و کلاهی ملت حاصل گردید.

در خاتمه نطق والا حضرت صدر اعظم صاحب که بمفادش اختصاراً اشاره شد، و پس از صرف طعام و کلاهی محترم از حضور اعلیحضرت همایونی مرخصی حاصل نموده از قصر دلیکشا مراجعت کردند.

وفیات مهمه

جناب حاجی صاحب ترنگزائی :

حاجی صاحب ترنگزائی در وقت خود از اجله مشائخ و روحانیون عالم اسلام بودند که خدمات برگزیده شان به ملت افغانه قابل بسی تقدیر و تمجید است، اخیراً در ماه قوس ۱۳۱۶ جهان فانی را پدیدرود گفته بعالم جاودانی شتافتند.

(انالله وانا الیه راجعون)

حاجی صاحب ترنگزائی بعد از جناب آخندزاده صاحب صوت علیه الرحمه و جناب مولانا نجم الدین صاحب هده علیه الرحمه سومین شیخ ضریقت بودند که سرمایه علم و تبلیغات خویش را به ملت افغان ارزانی فرمودند، ملت افغان از تبلیغات و مساعی آن مرحوم استفاده های زیاد گرفتند.

شخصیات حاجی صاحب تماماً نذر اصلاح قوم شد، به معنای صحیح فقیر و بی طمع بودند، پایه تقوای شان بس عالی و بلند بود. فقدان جناب حاجی صاحب در تمام افغانستان با تأسف زیاد تلقی شد و عموم ملت افغان از اوفات آن مرحوم مغفور متأثر گردانید.

بروز جمعه ۳ برج جدی سال مذکور در مساجد جامع کابل از طرف علمای محترم نسبت بسوانج درخشان آن مرحوم نطق های بلیغی با یکعالم تحسیر از فقدان آن مرحوم ایراد گردید.

حکومت متبوع مهربان ما اعطا گردید ، و علاوه مبلغ دو هزار افغانی بقره مذکور نیز جهت فائحه داری آن مرحوم عنایت و برای تأمین اعاشه عیال داری او معاش مستمری مقرر گردید .

ما نسبت باین ضیاع المناک اظهار تأسف و از مراجع حکومت متبوع مهربان خود که در باره عموم خدام صادق خود دارند تشکر مینمائیم ، و برای فقید مرحوم طلب مغفرت و بیازماندگانش صبر و تسلیت از درگاه حضرت خالق خود استدعا میکنیم .

محصلین افغانی در تور کیه :

محمد صدیق خان ولد محب علیخان و محمد سالم خان ولد سید محمد خان محصلین افغانی در تور کیه جهان فانی را وداع و بعالم جاودانی رحلت نمودند .

ضیاع مؤله این دو فرزند عزیز وطن علاقمندان علم و عرفان را نهایت متحسر ساخت .

(انا لله وانا الیه راجعون)

وزارت جلیله معارف در مواقع بروز همچو حوادث ناگواری بطلاب معارف همیشه از طریق شفقت و مهربانی پیش می آید . بنا برین بتقریب وفات این دو جوان ناگام و وطن مجلس ترحیم را بروز شنبه ۵ سرطان و روز پنجشنبه ۷ میزان ۱۳۱۶ در خود وزارت منعقد فرموده ، بحضور علاقمندان آن مرحومین مراسم فائحه داری شان اجرا گردید .

ما نیز بنوبه خود از حضرت قادر بیچون برای مرحومین مذکور طلب غفران و برای بازماندگان شان صبر و تسلیت میخواهیم .

عموم مردم برای مغفرت و خوشنودی روحانیت پاك اودعا نمودند ما هم بنوبه خود از خداوند عالم استدعای درجات عالیتری را برای آن مرحوم نموده و بیازماندگان شان صبر جمیل را میخواهیم .

جناب قاضی عبدالشکور خان :

جناب فضیلت ماب قاضی عبدالشکور خان مشاور شرعی حضور اعلی حضرت هائیونی که از علمای جید و فاضل و وطن عزیز ما (افغانستان) بودند ، در برج عقرب ۱۳۱۶ در قندهار برحمت ایزدی بیوستند .
(انا لله وانا الیه راجعون)

ما از درگاه حضرت خداوند (ج) برای ان مرحوم طلب غفران و آمرزش و بیازماندگان او صبر و تسلیت را استدعا مینمائیم .

جناب عبدالعزیز خان بلو کشر هوا باز :

جناب عبدالعزیز خان بلو کشر میخانیک که جهت مشق و تمرین بروز ۱۵ اسد ساعت ۶ صبح در حالیکه یکی از طیارات افغانی را در فضای کابل پرواز میداد . قبل ازینکه طیاره از زمین بلند شود ، پروانه طیاره در حرکت بوده متأسفانه بسر بلو کشر مذکور اصابت کرد در اثر جراحت شدیدی که بوی عارض گردیده بود بلافاصله وفات نمود .

(انا لله وانا الیه راجعون)

میت مذکور با شمولیت صاحب منصبان عسکری با تجلیلات شاندار در قریب میدان طیاره دفن و تمام مصارف تجهیز و تکفین آن از طرف

شرکت های تجاری

خدمات بس بزرگی را در اقتصاد ملی افغانستان بوجود آورده میتوان گفت که این موسسه در تحول اقتصادیات و وطن از وضعیت ابتدائی و انفرادی آن به سیستم عصری و شرکتی سهم بزرگی گرفته و علاوه بر آن بسا اقدامات مهم و نافع برای بهبود اوضاع اقتصادی مملکت بعمل آورده که نتایج آن علالاکثر ظاهر و برخی عنقریب تاثیرات نیک خویش را آشکار خواهد ساخت ، مخصوصا فعالیت بانك در سال ۱۳۱۶ که ع ، ص عبدالمجید خان رئیس آن در اروپا مشغول مسافرت و خدمت اقتصادی بودند و ضمنا علاوه بر معرفی صحیح تشکیلات و حالات اقتصادی افغانستان بموسسات اقتصادی مهمه دنیا بیک سلسله مطالعات و مذاکرات و عقد قرار دادها و خریداری کارخانه جات و اجرای معاملات تجاری پرداخته اند قابل اهمیت بوده امید است که نتایج بهتری را در راه ترقیات اقتصادی افغانستان عزیز وارد سازد - خطوط اساسی فعالیت بانك ملی در سال ۱۳۱۶ قرار ذیل است :

الف تشکیل موسسات جدید اقتصادی :

۱ - شرکت صادرات قره قلی : بر هیچکس پوشیده نیست که قره قلی بزرگترین و مهمترین اقدام صادرات افغانستان را تشکیل داده در اساس تجارت صادراتی ما واقع و همچنین پرحیات اقتصادی مملکت رول مهمی را بازی میکند تا سال پیش تجارت آن بصورت غیرمستقیم و بشکل ابتدائی بوده نه تنها منافع صحیح به تجار افغانی نمیرسید بلکه ازسبب اقدامات تجارذات الیینی اکثر اوقات موجبات ضررهای فاحش برای تجار و صدمات خطیری

شرکت های تجاری

میتوان گفت که سیستم اقتصادی افغانستان که از چند سال به اینطرف برای تحویل آن به اصول شرکتی توسط تمرکز سرمایه از طرف حکومت متبوعه و بانك ملی و سایر افراد منور وطن صرف مساعی بعمل می آمد ، در سال ۱۳۱۶ درین قسمت موفقیت های بی سابقه بدست آمده و روی هم رفته آغاز دور جدیدی را برای انبساط اقتصادیات مملکت در نظر مجسم میسازد . چنانچه شرکت های مهمه جدید و توسعه و موفقیت شرکت های سابقه و انعقاد معاملات تجاری بس بزرگی که درین سال بوجود آمده ، بهترین شاهد مدعای فوق است . البته از طرف هم مشکلاتی از رهگذر بحران مواد خام که در دنیا رونما گردیده و پاره عکس العمل هائی که از طرف بعضی مشتریان مواد صادراتی افغانستان به عمل آمده . از بعضی جنبه ها بالای اقتصادیات ما نیز اثر افکنده اما خیلی جای مسرت است که از برکت اقدامات سنجیده و تشکیلات اساسی که برای اقتصادیات و وطن تجویز و طرح شده ، تا امروز با این موانع بصورت خوب مقابله شده است . خلاصه اجراءات موسسات تجاری مهم مملکت ذیلا از نظر خوانندگان عزیز گذارش داده میشود :

بانك ملی و شرکت سهامی

بانك ملی که مهمترین موسسات اقتصادی وطن ما بشمار رفته و درین مدت ه سابقه از تاسیس آن میگردد از جنبه های مختلف

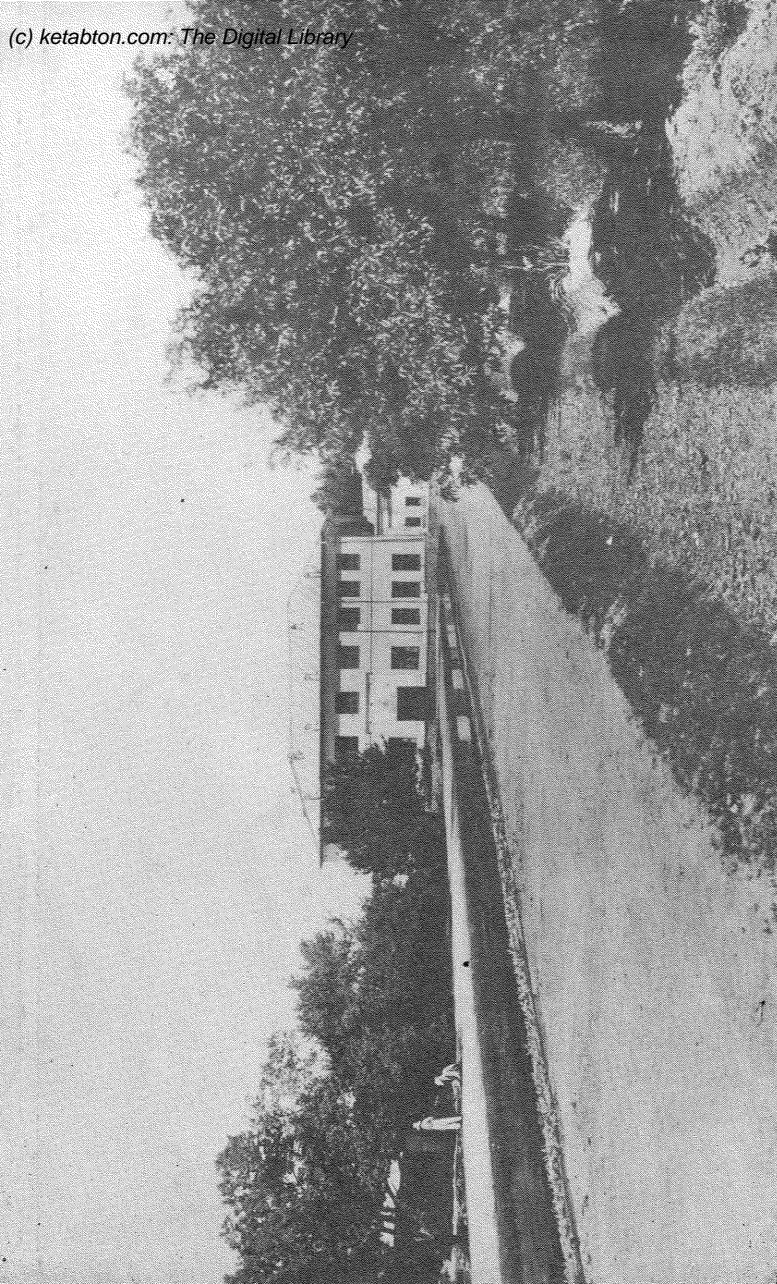
با اقتصادیات افغانستان وارد میگردد. بانک ملی از بند و تاسیس خود با نظرف عطف توجه نموده بتدریج تجارت قره قلی را اصلاح و قدم به قدم به عصری ساختن و سر راست گردانیدن معاملات پوست و همچنین در حسن باریندی و غیره تنظیمات آن موافقت حاصل کرده چنانچه منافعی که درین چهار سال از درک تجارت قره قلی نصیب تجار و شرکت های افغانی و با او سیله عاید حکومت و ملت شده بهمه کس معلوم است ازین رو اخیراً قدم بزرگتری که تجارب از قدم آخری باشد در معاملات قره قلی از طرف بانک ملی برداشته شده که عبارت از تشکیل شرکت عمومی صادرات قره قلی میباشد و این شرکت ب سرمایه هفتاد ملیون افغانی جدیداً در کابل تاسیس و جناب محمد رفیق خان تاجر کابلی ب ریاست آن مقرر شده به سهم شرکت مذکور پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی تعیین و در دسترس عموم تبعه افغانی قرار داده شده است.

شرکت نساجی :

یکی از مهمترین اقدام و ارداتی ما را منسوجات پنبه ئی تشکیل میدهد که از روی احصائی مرتبه در سال (۹۰) ملیون افغانی برای تهیه آن از مملکت خارج صرف میشود طبیعی است که اصدار اینقدر مبلغ بزرگ در میزانیه تجارتی تاثیر زیادی می اندازد و از طرف دیگر صنعت منسوجات در اکثر ممالک يك صنعت ملی بوده ، در خود ممالک تهیه میشود خصوصاً در حالیکه مواد خام و لوازم آن که عبارت از پنبه و جریان برق برای تمویر قاربتیکه باشد ، در مملکت فراوان باشد از اینست که حکومت متبوعه و بانک ملی سه سال پیش باین سمت توجه خود شان را معضوف فرموده برای خریداری (۲۰۰۰) دستگاه نساجی عصری

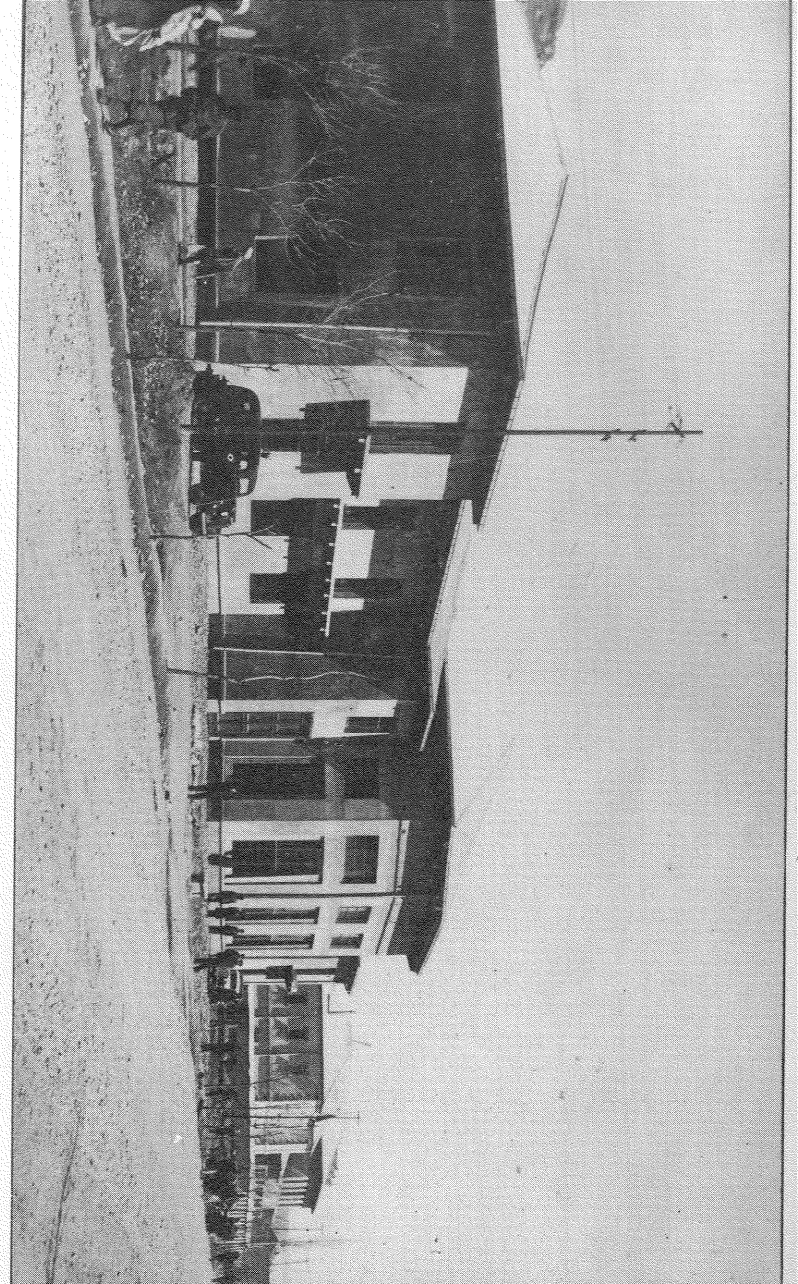
از عمرات مهمه جدید در کابل : بانک ملی و خزانه عمومی
Nouvel immeuble de la Banque Nationale Afghane



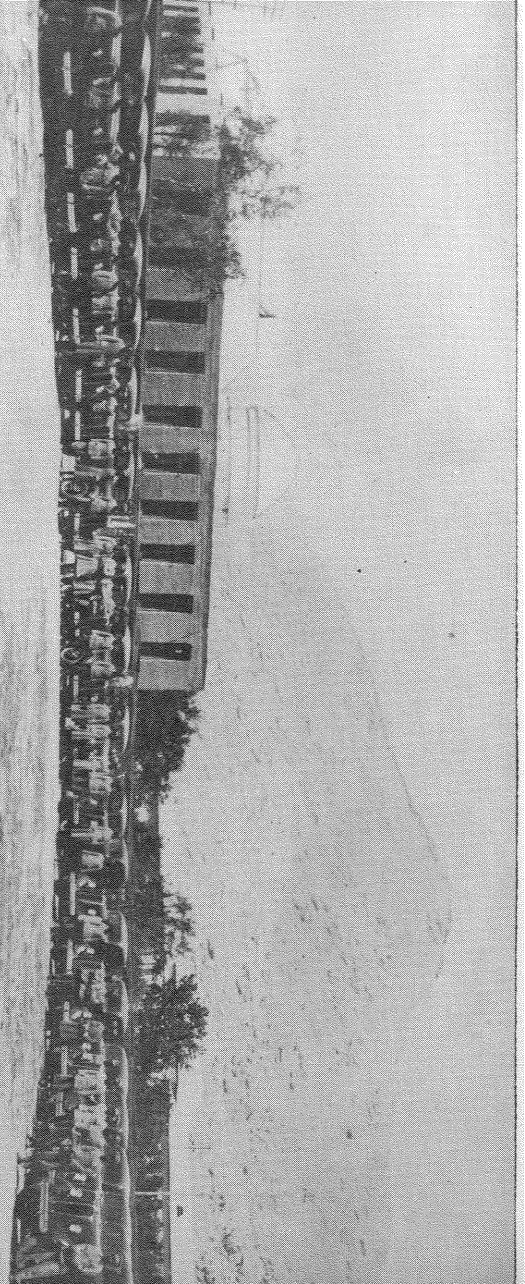


از عمرا نالت سال ۱۳۱۶ مکز : عمارت ریاست و دفاتر مطبیه عمومی
Nouvelle imprimerie de l'about : vue externe des bureaux

فابریکه جدید ترمیم موتور با نیک هلی : مظهره خارجی دفاتر فابریکه
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des bureaux administratifs



از کارروائی های مهمه ۱۳۱۶ درس کنی : موزنهای بارکشی جدید که از کارخانه تورد و بندفورد خریداری شده
Une partie des camions nouvellement achetés pour les services du gouvernement



شرکت های تجاری

داخل اقدامات شده اند چنانچه در سال گذشته از یکطرف اساس شرکتی بنام (شرکت نساجی) جهت خریداری و نصب فابریکه مذکور در تحت نظر بانك ملی و از درك قیمت فروش پوست قره قلی طرح و از طرف دیگر برای ساختمان جای نصب فابریکه در حصه یل خمیری ولایت قطن که دارای اشارهای کافی جهت تولید قوه برق و ضمناً شامل کشت زارهای ینبه قطن میباشد عملیات شروع شده و از طرفی هم ع : ص ، رئیس بانك ملی در دوران مسافرت اخیر خویش کارخانه مکمل مذکور را از اروپا خریداری نموده اند .

بهین مناسبت است که در اواخر سال ۱۳۱۶ چون کار تند ویر فابریکه مذکور از هر جهت سر بر اه شده بود شرکت مذکور سرمایه (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی با تشکیلات کافی تشکیل و ع ، ص ، خواجه تاج الدین خان سابق رئیس شرکت ینبه بریاست آن و ع ، امیر الدین خان دیپلوم انجنیر بمدریت فنی آن مقرر و برای تدویر فابریکه جداً مشغول کار شده اند امید است که فابریکه مذکور تا سال ۱۳۱۹ شروع بکار نموده قسمت بزرگ احتیاجات ما را از حاصلات خویش تسکین نموده ما را از واردات بزرگی مستغنی گرداند.

شرکت صادرات ینبه :

ینبه یکی از صادرات مهم افغانستان را تشکیل داده و روز بروز میدان فروش آن و سعت یافته میرود و از طرف دیگر آب و هوا و اراضی اکثر حصص افغانستان خصوصاً علاقه قطن و چغانسور برای کشت ینبه مساعدت نشان میدهد ازینست که از سه سال باینطرف موضوع زراعت و صادرات ینبه مورد توجه خاص حکومت متبوعه و بانك ملی

و هر سهم مذکور هزار (۱۰۰۰) افغانی تعیین شده است چون کنار خریداری و تدویر کار خانه يك اندازه سرمایه زیادی را بکار دارد از لحاظ اینکه شرکت مذکور یکجا از موسسات اقتصادی خیلی مهم وطن بشمار میرود و استفاده های ملی مهی را برای آینده در بر دارد ازین رو به پیشنهاد نظر بانک ملی حکومت متبوعه ما حبه تقویت مؤسسه مذکور انحصار واردات شکر و پترول تمام افغانستان را برای مدت ده سال به شرکت قند سازی اعطاء کرده است چنانچه اخیراً شرکت مذکور افتتاح و بک کارخانه قند سازی مستقله زراعت حبه بذر لیبو در قطن برای کارخانه قند سازی مشغول اقدامات شده است :

شرکت تعمیراتی افغانی :

بدیهی است که یکی از لوازم ترقی و پیشرفت مدنی يك مملکت کثرت و وسعت عمران است، خواه عمرانات مذکور از قسم کارخانه جات و موسسات صنعتی باشد و خواه موسسات عرفانی و مدنی و یا منازل شخصی و غیره ، و بهمین اساس هر قدریکه فعالیت حیاتی در مملکت زیاد شود ، بهمان پیمانه احتیاج به تعمیرات عصری بیشتر احساس میگردد . و از طرف دیگر کثرت عمرانات تا وقتیکه بر روی يك اساس صحیح قرار نگرفته باشد ، مشکلات بزرگی را از قبیل قلت و گرانی مصالح و لوازم تعمیریه و نقصان مهندسی و قلت گرانی عمله پیش میکنند .

برینوجه موضوع مذکور از مدتی تحت توجه حکومت متبوعه و بانک ملی واقع و اخیراً شرکتی سرمایه بانک ملی و شرکت سکودای چکسلواکیه بنام شرکت تعمیراتی افغانی ابا گک سرمایه (۲۰۰,۰۰۰) پوند استرلینگ تشکیل و شرکت مذکور درین اوقات در کابل افتتاح شده

واقع و مقدار کلمی تخم پنبه اعلی بین زارعین بصورت را یگان تقسیم و هر قسم تشویق برای توسعه آن بعمل آمده در نتیجه روز بروز دامنه زراعت آن وسعت یافته میرود از طرف دیگر از اثر قرار دادهاییکه با خا رجه جهت فروش پنبه عقد شده ترقی بزرگ آتیه این جنس صادراتی افغانستان بنظر مشهود میباشد . چنانچه برای دیگرانی زراعت و اداره صادرات آن درین سال شرکتی سرمایه (۱۵) ملیون افغانی تاسیس و ع : ص عبدالعزیز خان تا جر به ریاست آن مقرر شده است .

شرکت قند سازی :

اگر يك نظر بسوی احصایه واردات چند سال اخیر افگینده شود دیده خواهد شد که سالانه چه مبالغ خطیری برای خریداری قند و بوره بکار صادر میگردد و بدتر اینکه مصرف قند و شکر سال به سال دراز دیاد بوده ، بطور نا محدودی بلند رفته میرود . از این است که بانک ملی که توازن بخشیدن میزانیه تجارتی را از مدتی به عهده گرفته و همواره برای ترقی صادرات و تقلیل واردات بیلزوم و تقویه شئون اقتصاد ملی مشغول کوشش میباشد ، درین اواخر مخصوصاً به اینطرف توجه خود را مبذول و ع ، ص ، عبدالعزیز خان رئیس بانک ملی در حین مسافرت اخیر خود با اروپا يك کارخانه بزرگ قندسازی (از لیبو) را از چکسلواکیه خریداری کرده اند و از طرف دیگر به توجه بانک ملی برای تدویر کار نصب کارخانه مذکوه ، شرکتی سرمایه سی ملیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) افغانی در کابل تاسیس شده که ریاست آن به جناب عبدالخالق خان عضو هیئت مدیره بانک تفویض

است. رئیس این شرکت ع، ص، دوست محمد خان ایماق عضو هیئت مدیره بانک ملی و معاون آن عزت مند مکرم مدیر شعبه سگو داد در کابل و مدیر اقتصادی آن ع، محمد عتیق خان رفیق و مدیر تکنیکی آن عزت مند میکار دیپلوم انجنیر میباشد.

ب: فروش اسهام بانک ملی:

چون روز بروز معاملات و موسسات بانک ملی وسعت یافته میرود و از طرف دیگر بانک در نظر دارد که عده روز افزون ابناى وطن را در معاملات و منافع خویش شریک بسازد، ازین رو در اول سال ۱۳۱۶ یکمده اسهام جدید را که بالغ بر (۵۰۰،۰۰۰) افغانی میشد توزیع و تا اخیر ثور بفرش رسانیده و بر علاوه بران برای سال ۱۳۱۷ نیز در اخیر سال ۱۳۱۶ اعلان ترئید سرمایه بانک را از سی و پنج ملیون (۳۵۰۰۰،۰۰۰) به شصت ملیون (۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی نموده است.

ج: توسعه معاملات بانکی:

چون اساس بانک ملی را امور بانکی آن تشکیل میدهد، لهذا روز بروز دامنه معاملات بانکی خود را وسعت داده رفته و مخصوصاً این فعالیت در سال ۱۳۱۶ بیشتر شده است و در نظر است که برای سال ۱۳۱۷ امور بانکی هنوز هم توسعه یافته بالمقابل امور تجاری بانک محدود کرده شود.

د: فعالیت بانک در قسمت اسعار خارجه:

درین مدت سه سالیکه بانک ملی امتیاز خرید و فروش اسعار خارجه را در تصرف خود دارد، همواره سعی کرده است که شرح مبادله

را طوری قرار بدهد که هم برای تجار صادرکننده وهم برای تجار وارداتی مساعد بوده ضمناً به طبقات عامه ازیک رهگذر یا از رهگذر دیگر نقصان و صدمه نرسد. اما هرکس خیر دارد که در یکسال اخیر تغییرات بزرگی که در امور حیاتی افغانستان و همچنان در دنیای خارج رخ داده از یکطرف منجر به تقاضای روز افزون اسعار خارجه و از طرف دیگر منتج به قلت تدریجی آن از درک باقی ماندن اموال صادراتی ما گردیده است مبصرین اقتصادی عوامل این کیفیت قرار ذیل میدانند:

۱- باثر بحران عالم گیر اقتصادی همچنانکه مواد خام در اکثر نقاط جهان از قیمت اصلیه خود تنزل کرده بود مواد خام افغانستان نیز از ماه اسد تا ماه دلو امسال چهل فیصد تنزل نمود و این یک مدرک مهمی بود که عائدات اسعار مملکت را محدود گردانید.

۲- حصه مهم قره قلی و میوه خشک ما در سال ۱۳۱۶ تا پانزدهم ماه حوت بفرش نرسید و ازین جهت یکی از مدارک مهمه اسعار به تعویق افتاد.

۳- مصرف اسعار و اثر حکومتی در سال ۱۳۱۶ نسبت بسال ۱۳۱۵ صد فیصد ترقی نموده.

۴- حجاج افغانی که همه ساله به بیت الله شریف برای ادای فریضه حج میرفتند تعداد آنها به (۱۶۰۰) نفر بالغ نمیشد حالانکه امسال تعداد حجاج ما تقریباً به پنج هزار نفر میرسد که اگر اینها بصورت متوسط فی نفر سه و نیم هزار افغانی اسعار برده باشند یک کرور و هفتاد پنج لک (هفتمده و نیم ملیون افغانی) مصرف آنها شده.

۵- واردات مال جاپانی و موتر در ۱۳۱۶ نسبت بسالهای ماقبل ترقی زیاد نموده.

۶- در سال ۱۳۱۶ برای عملی نمودن پروژهای صنعتی مملکت مبالغی از اسعار خارجه بمصرف رسیده که در سالهای سابق نظیر آن در بودجه مصارف مملکتی وجود نداشت .

۷- ما در اوائل ۱۳۱۶ از روی احصائیه زراعتی عائدات پنبه را در حدود سی هزار تن تخمین نموده و ازدیاد مصارف خود را بر روی همین تخمین عائدات پنبه قراردادیم ولی در ماه میزان و عقبرب يك حصه زراعت پنبه در اثر امراض وارده مورد تلف گردید و يك حصه دیگر را سرما ضایع کرد ، در نتیجه بجای سی هزار تن کمتر زهفت هزار تن بعمل آمد .

با وصف این ها بانک ملی در سال ۱۳۱۷ برای موازنه معاملات تجاری پلان جدیدی را ترتیب داده که در ان اقسام مال وارداتی مورد بعضی شرائط واقع و در طی يك قسمت شروط برای تجار و معامله داران وسائر اشخاص اسعار خارجه تهیه خواهد شد .
از طرف دیگر با وجود مشکلات مذکور ذخائر اسعار خارجه بانک که جزو اعتبار آن میباشد بحال خود باقی بلکه نسبت به چند سال پیش زیادتر میباشد که تفصیلات آن محض معلومات قارئین ذیلا درج میگردد :

موجودی اول حمل ۱۳۱۶

- ۱ - اسعار خارجه در داخل و خارج عموما بقیمت ۲۹۰۲۵۰۰۰۰۰ افغانی
 - ۲ - موجودی مال صادراتی شرکت ها در کدام بانک در مقابله آن اسعار تعهد داشته پوست قره قلی ۸۵ هزار جلد ۸۰۲۰۰۰۰۰۰ افغانی
- » ۳۷۰۴۵۰۰۰۰۰

موجودی ۲۹ حوت ۱۳۱۶

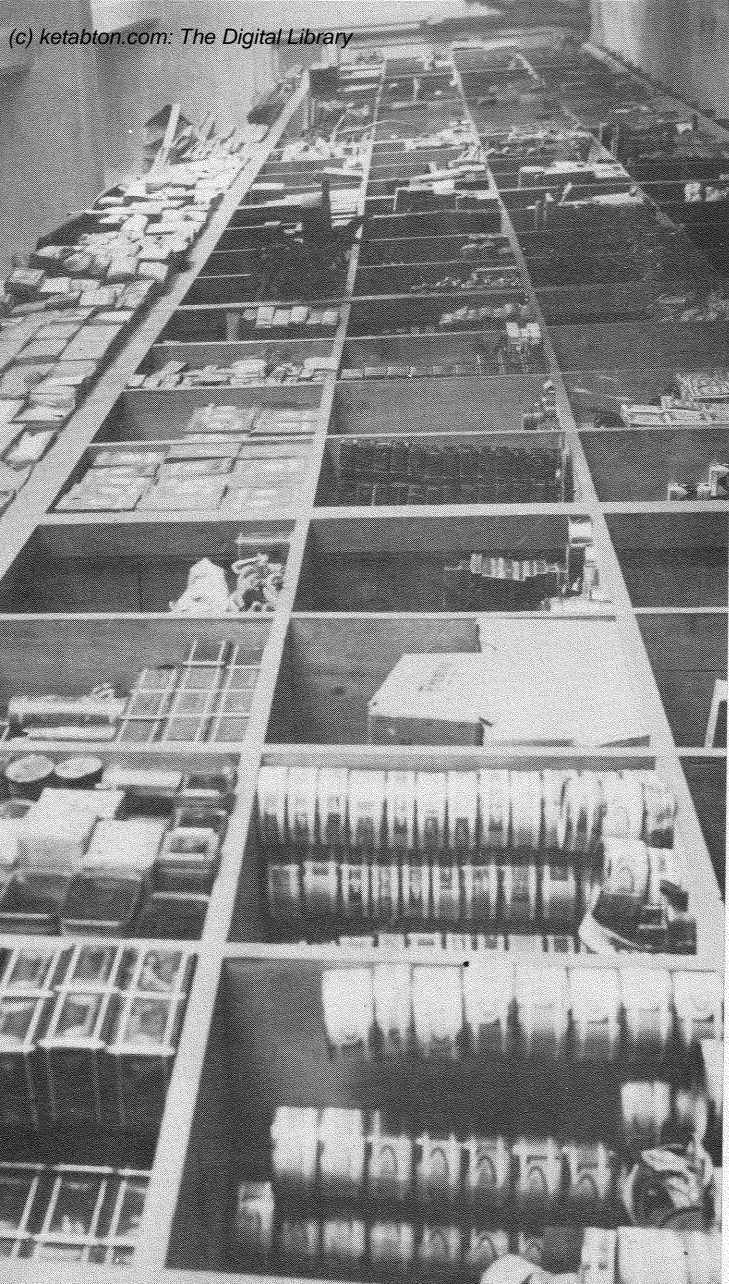
- ۱ - اسعار خارجه در داخل و خارج عموما بقیمت ۱۱۰۲۰۰۰۰۰۰ افغانی
 - ۲ - موجودی مال صادراتی در کدام بانک که تعهد اسعار داشته قره قلی هشتصد و چهل هزار جلد ۵۴۰۰۰۰۰۰۰
- ۶۵۰۲۰۰۰۰۰۰

ه - فابریکه ترمیم موتورها :

بانک ملی که انحصار موتر و پرزه های آنرا دارد از سه سال باینطرف جهت خریداری و توبرید و نصب يك کارخانه مکمل ترمیم موتر و بسته کاری از سیستم جدید اقدام و در سال ۱۳۱۶ موفق به تدویر آن شد ، چنانچه در ۸ ماه سال مذکور متجاوز از ۷۰۰ عمده موتر در فابریکه مذکور ترمیم گردیده است .

این فابریکه جدیدترین ماشین آلات را برای ترمیم و ساختمان بعضی آلات و بسته کاری موترها وسائر ماشین ها و عمده ها و غیره دارا بوده با جرت نازولی فرمایشات مراجعین را انجام میدهد خلاصه موسسات و تشکیلات این فابریکه ذیلا از نظر خواننده گان محترم گذشتاننده می شود :

- ۱ - شعبه ماشین کاری دارای ۱۶ پایه ماشین برقی اتوماتیکی خردای برمه و غیره
- ۲ - شعبه بسته کاری دارای يك ماشین قتن کاری و لغت برقی - و ماشین لیم کاری و بجه اتوماتیکی و غیره
- ۳ - شعبه برق بر موتر دارای ماشینهای پر کردن باتریها و غیره
- ۴ - شعبه آهنگری دارای کوره و دم و غیره برقی
- ۵ - شعبه حلبی سازی ، دارای ماشینها و لوازم جدید
- ۶ - شعبه رنگمالی با لوازم و آلات برقی و غیره
- ۷ - شعبه نجاری و بادی سازی دارای لوازم و آلات برقی جدید .

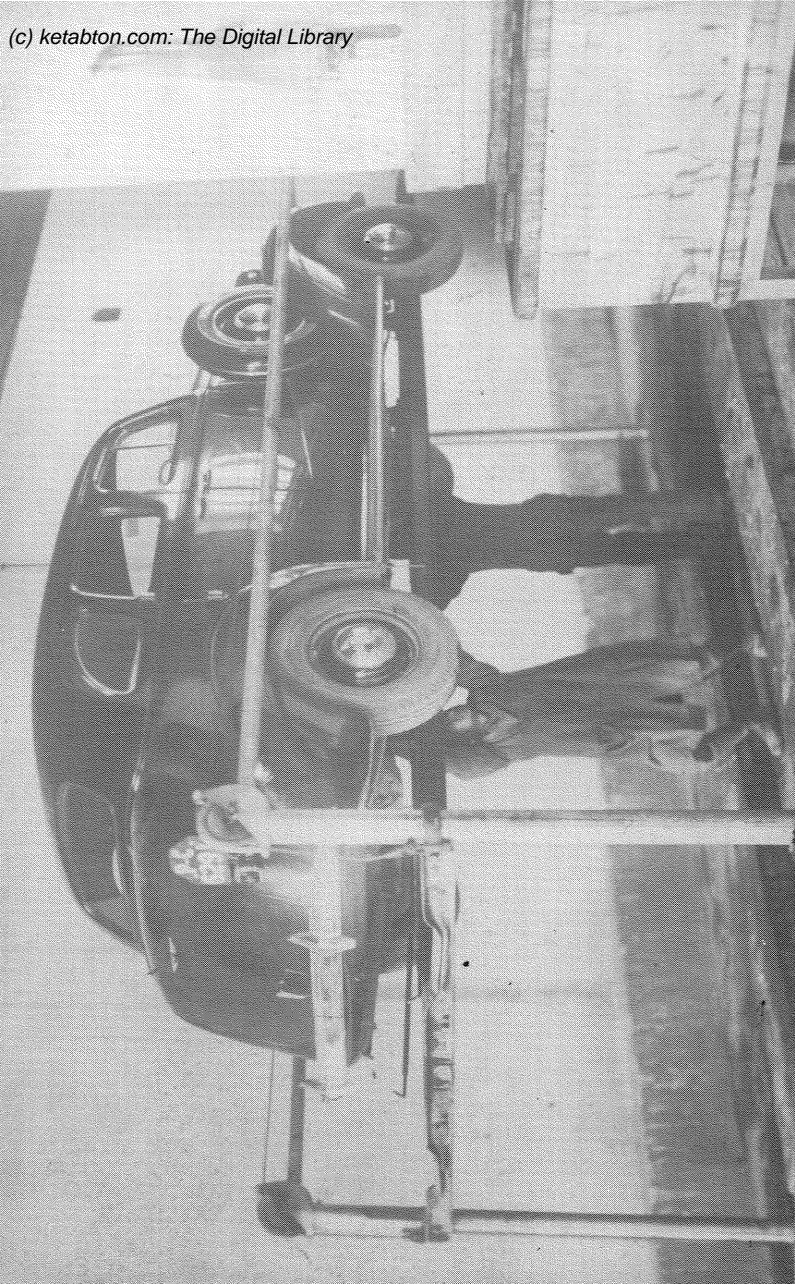


فابریکه ترمیم موٹر بانک ملی : شعبه ذخیره پیرزہ فروشی

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : le magasin de la vente des pièces de repaire

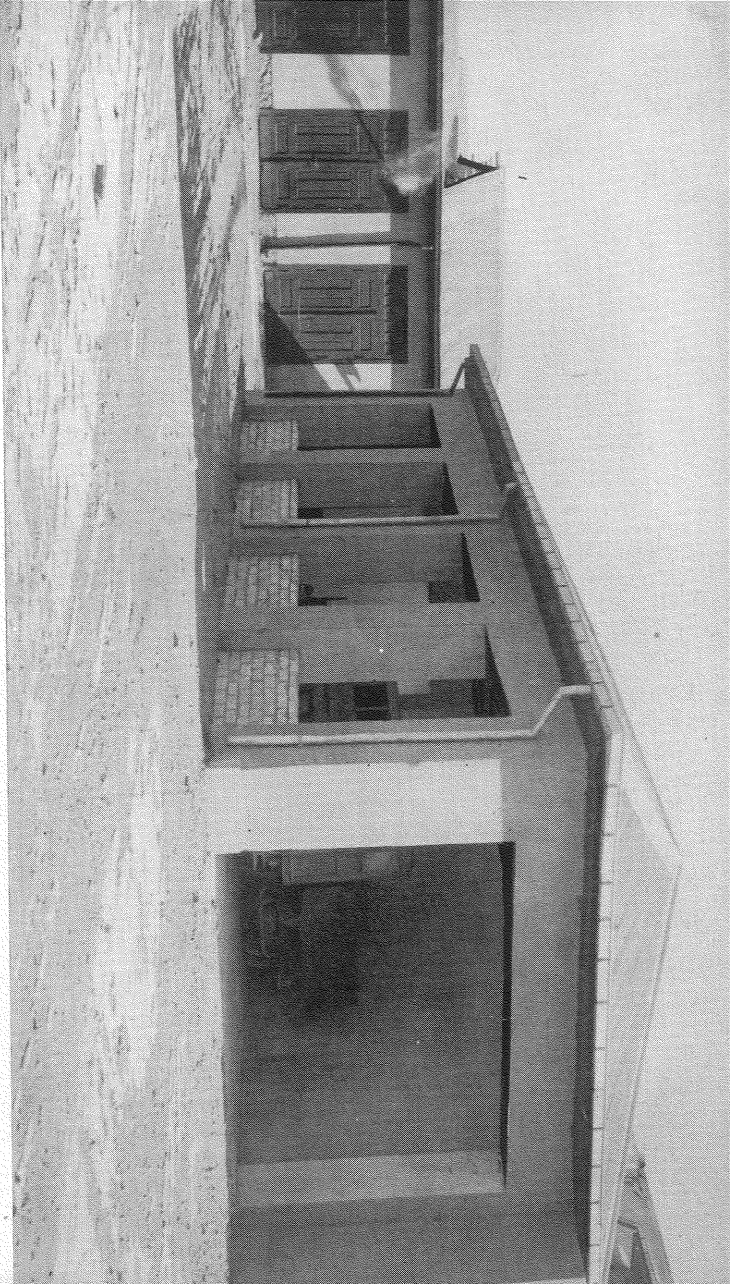
هیئت مدیره و مامورین عالی رتبه بانک ملی :

- الف : هیئت مدیره :
- ع ، ص عبدالمجید خان رئیس
- « دوست محمد خان ایماق معاون شعبات تجارتی حال رئیس شرکت تعمیراتی
- ع ، غلام حیدر خان مختارزاده معاون شق بانکی .
- « سیدکریم خان (مدیرشعبه هرات)
- « حاجی عبدالغالب خان (رئیس شرکت قندوشکر)
- « محمد عمر خان (رئیس شرکت اتحادیه شمالی) .
- « خیرمحمدخان (مدیر محومی انحصارات - حال معاون تجارتی)
- ب : مامورین شعبات مرکزی بانک :
- ص ، محمد موسی کاظم خان مدیر تفتیش و کنترل
- « محمد عمر خان ، مدیر محاسبه بانک .
- « غلام علیخان مامور تحریرات ریاست .
- ص ، غلام علیخان سرخوش مامور اوراق ریاست .
- « محمد موسی خان مامور انحصارات .
- « عبدالمجیدخان مامور اجرائیه .
- « عبدالکریم خان احرار مامور فابریکه ترمیم موٹر .
- ج : مدیران بانک در داخل مملکت :
- ع ، سید کریم خان در هرات
- « محمد امین خان در مزار شریف ص ، شاه محمدخان در اندی خوی
- ص ، سید احمد خان در میمنه ، صالح محمدخان در فراه



فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : لغت اتوماتیکی برقی ، و کار گرانیکه در حصه تختانی آن کار میکنند.
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : l'ascenseur automatique pour les autos.

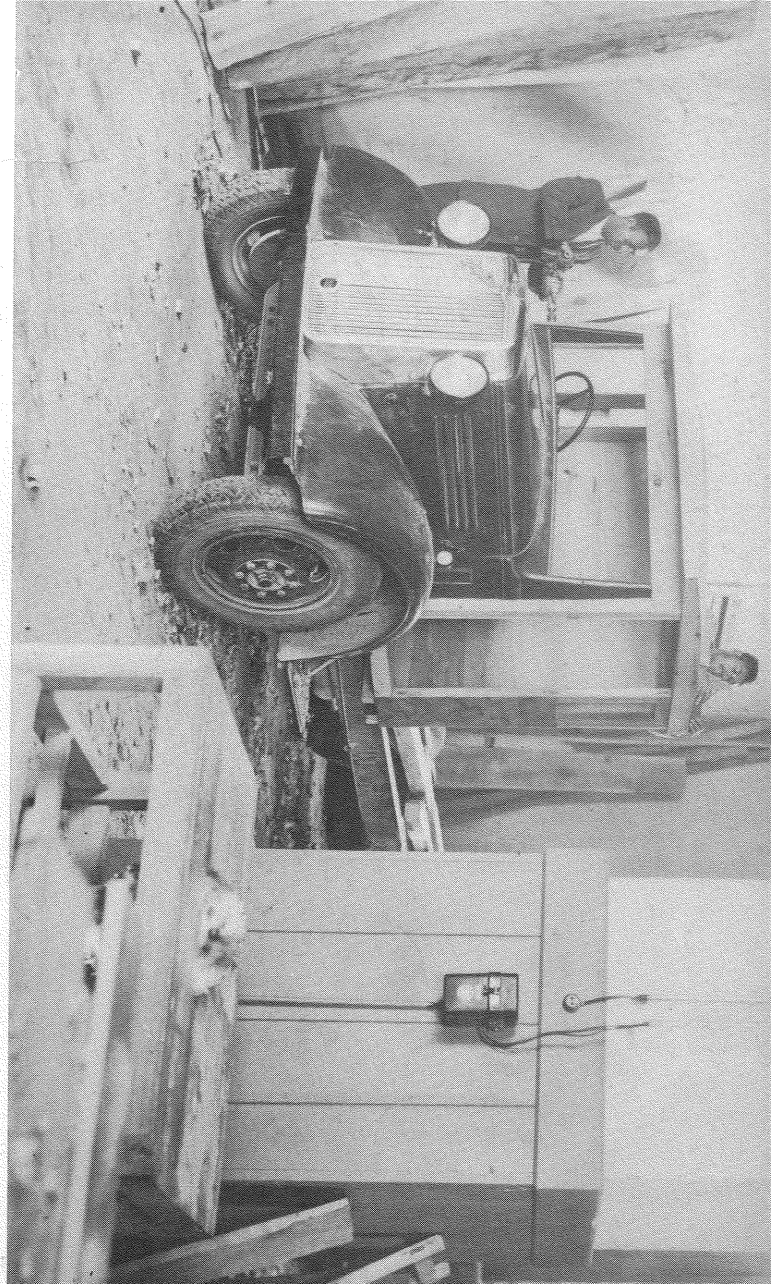
فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : اطابق شستنی موتورها
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des chambres de lavage des autos

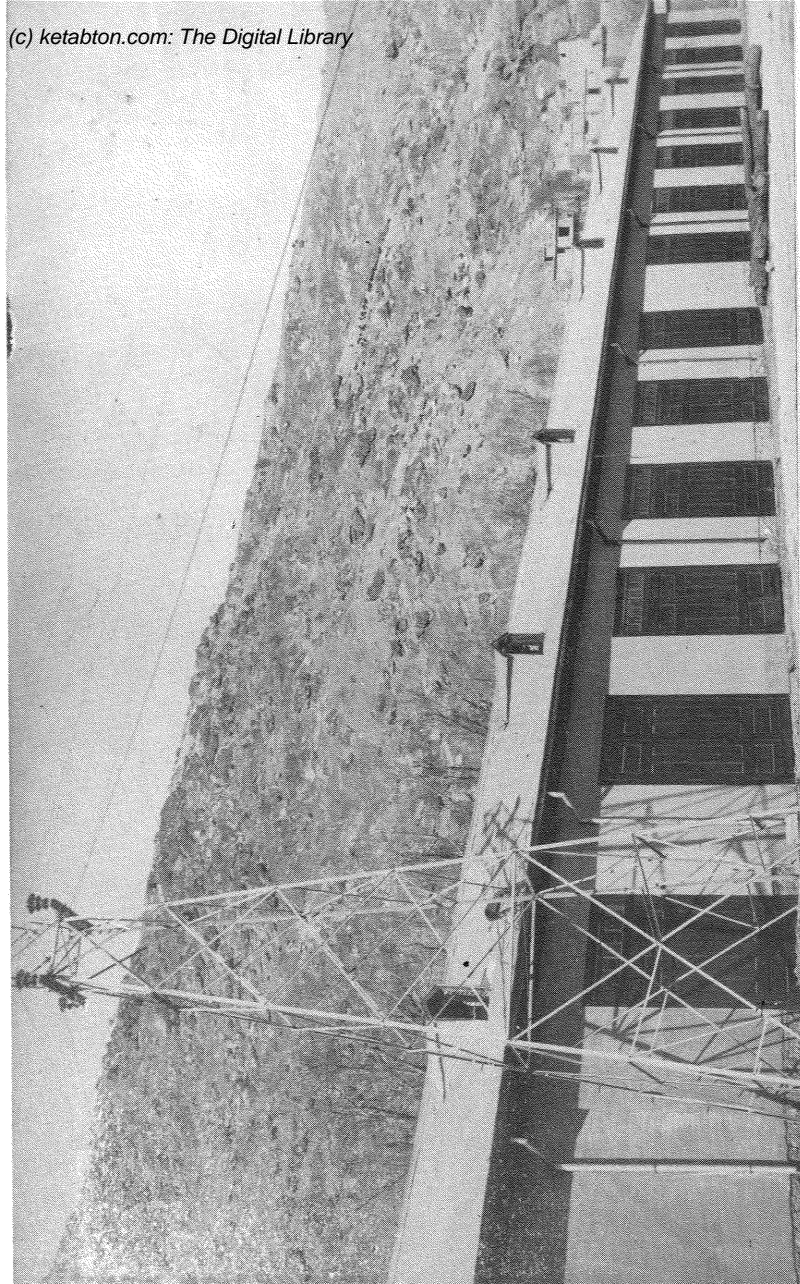




فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : شعبه بازو بسته نمودن ماشین موتورها ، و کارگران آن درحین کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue générale de l'atelier de montage des autos

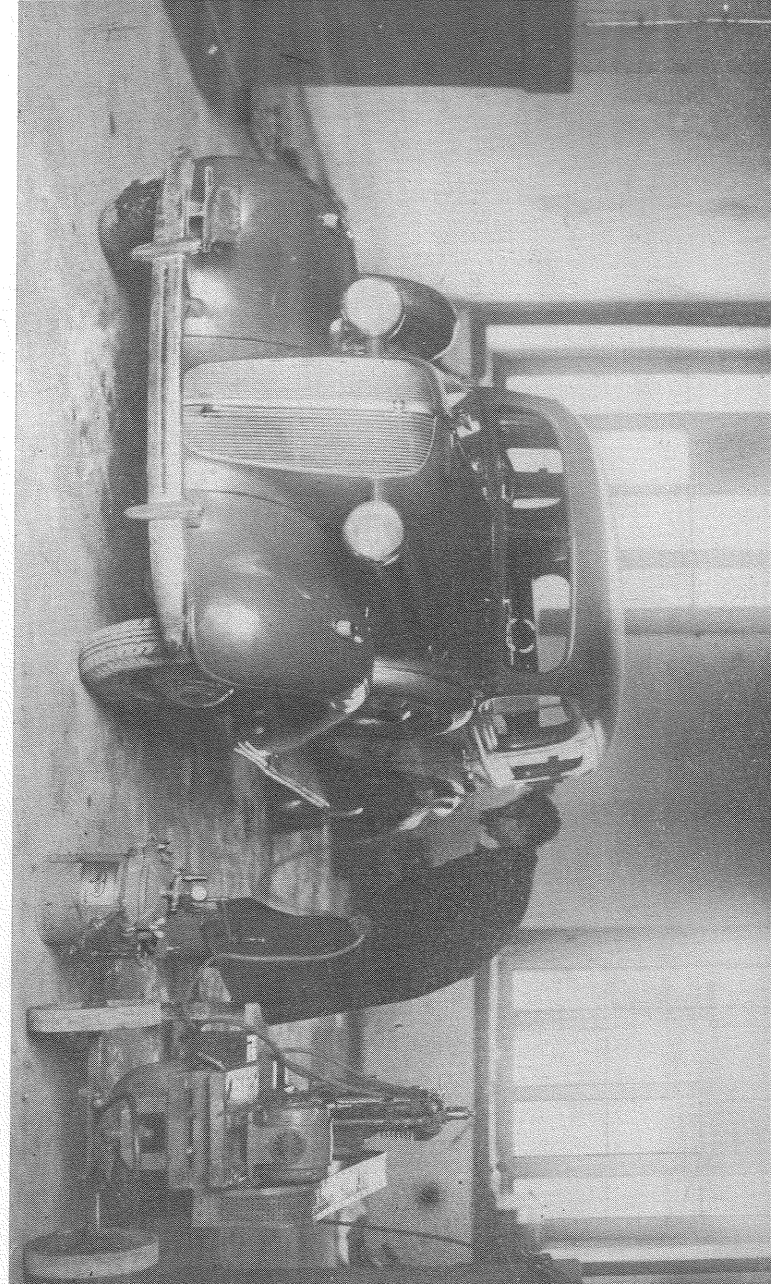
فابریکه ترمیم موتور بانک ملی : شعبه نجاری و بادی سازی و کارگران مربوط آن درحین اجرای کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : l'atelier de menuiserie

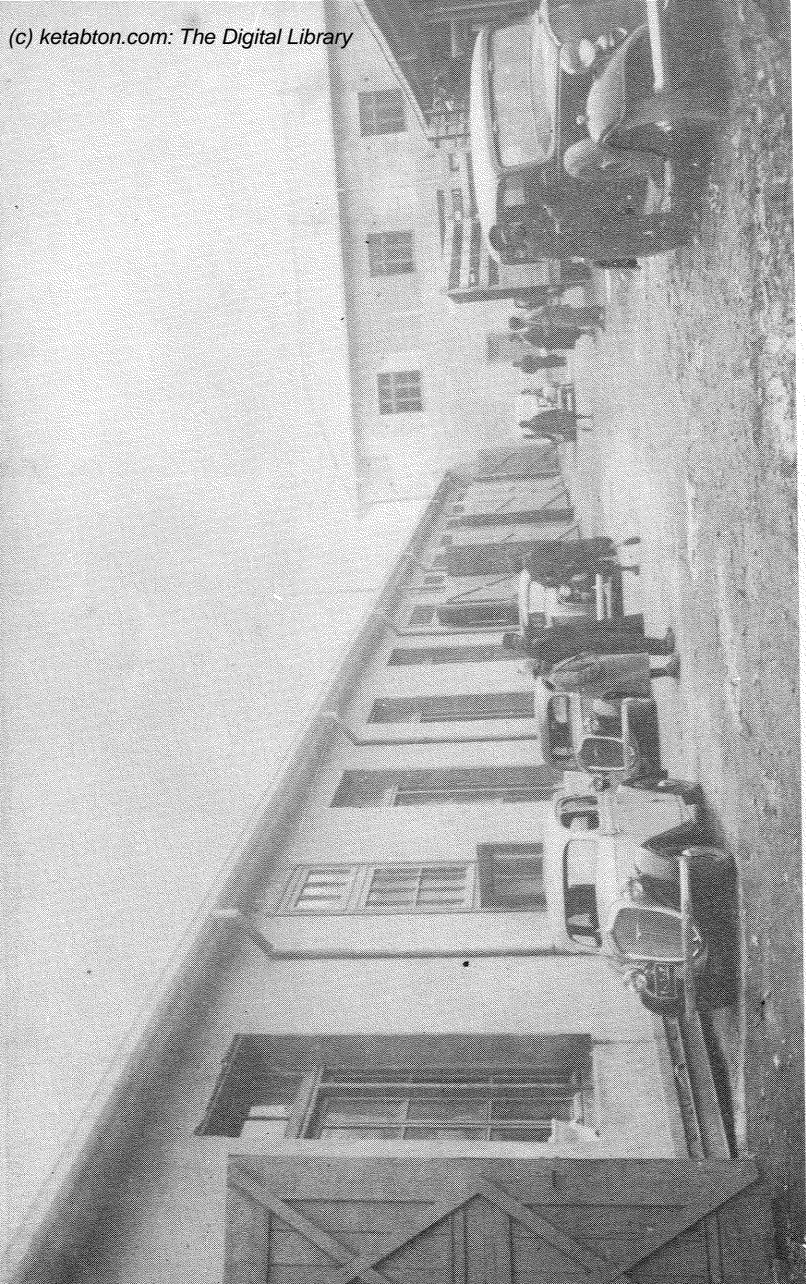




فابریکه ترمیم موٹر بانک ملی : منظره عمومی کاراژها
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : les garages

فابریکه ترمیم موٹر بانک ملی : شعبه رنگت مالی
Nouvelle fabrique de réparation d'auto à Kaboul : l'atelier de la peinture





فابریکه جدید ترمیم موتور یانک ملی : میدان مقابل کارهای ترمیم موتور
 Nouvelle fabrique de réparation d'auto : la cour des ateliers

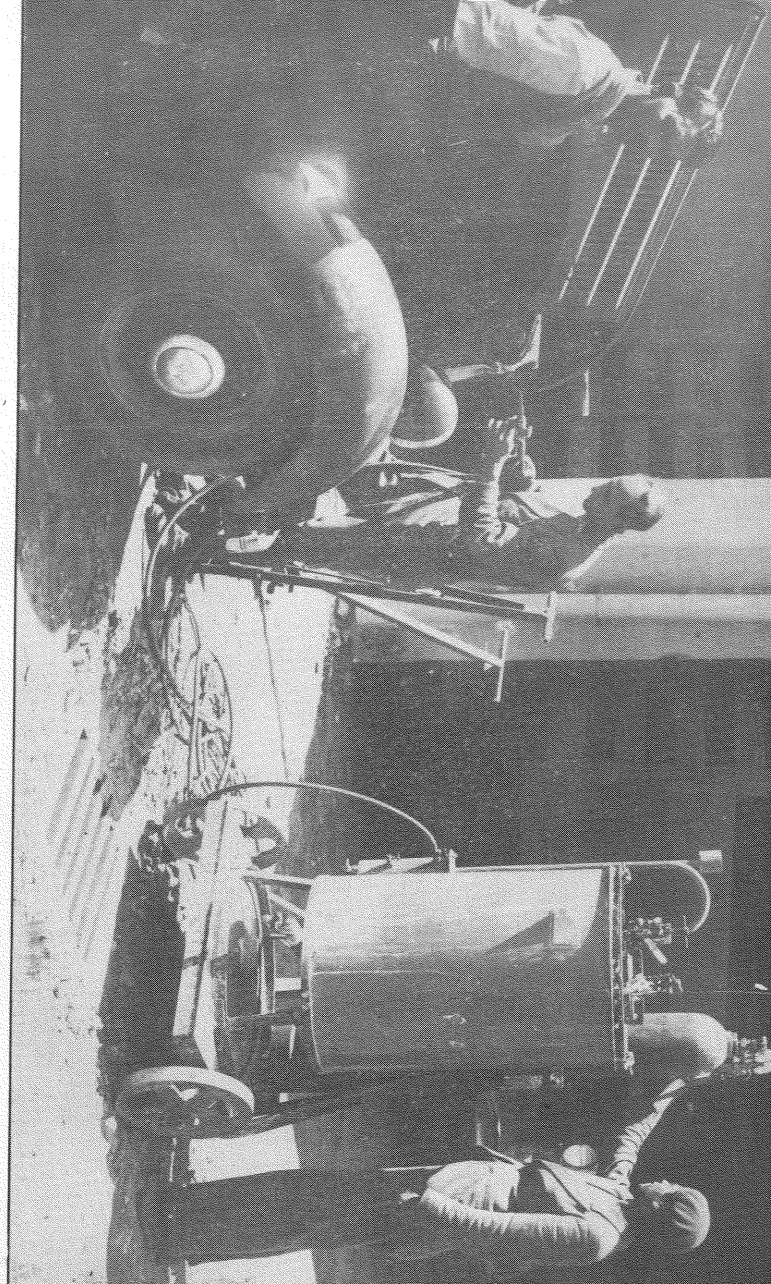
فابریکه ترمیم موتور یانک ملی : شعبه ماشینکاری با ماشین های برقی اتوماتیک
 Nouvelle fabrique de réparation d'auto dépendant de la Banque Nationale
 une vue des machines automatiques





فابریکه ترمیم موتر بانک ملی : یک حصه اطاق نمایش
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : un coin de la salle d'exposition

فابریکه ترمیم موتر بانک ملی : ماشین و لندنگت (لیه کاری)
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : la machine de wilding



شرکت های تجاری

ص ، عزیزالله خان در جلال آباد ، محمد عثمان خان در غزنی
 « ، پاینده محمدخان در خان آباد ، غلام رسول خان در گردیز
 « ، عظامحمد خان در مقر
 د : مدیران بانك در خارج :
 ص ، محمد یعقوب خان در لندن ، ع ، خان محمد خان در پشاور
 « ، صلاح الدین خان در چمن ، عبد الرؤف خان در برلن
 « ، سیدعبدالوهاب خان در کشکی ، محمد عثمان خان در یاراچنار
 « ، عبدالحسین خان علی اوف ، رحیم آقای احمدی در کرکی
 در ترمز

بیلاانس سال ۱۳۱۵ بانك ملی

اصل سرمایه : ۳۵۰۰۰۰ سهم فی سهم - یکپنزار افغانی

» ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ -

اول : سهام

الف : سهام فروش شده

ب : « نا فروش »

جمله : ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ / -

دوم فروش :

الف : حساب جاری ۱۹ ونیم / ۹۰۸۱۲۰۵۹۴ -

ب : امانات ۲۳ / ۰ ۴۰۶۵۰۶۲۹ -

ج : طلبه متفرقه ۶۵ / ۰ ۶۶۰۴۴۷۰۵۵۶ -

جمله ۷۷ ونیم / ۸۰۰۷۲۵۰۷۸۰ -

فابریک جدید ترمیم موتور بانك ملی ، شعبه ماشینکاری ، با بنج دستگاه ماشین های بازگ آن
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : une vue des machines automatiques



شرکت های تجارتي

سوم :

- الف : شعبه تجارتي و کيسه ۲ ونيم/۷۷۰۸۹۴۰۸۹۹ - افغانی
- ب : « انحصار وشکر وموتر ۵ ونيم/۷۰۱۴۱۰۳۸۷ - »
- جله ۸۵ ونيم/۱۶۵۰۷۶۲۰۰۶۶ - »
- از بابت نقلشد اسهام ۳۵۰۰۰۰۰۰۰/۰ - »
- « منافع خالص ۱۹۰۲۸۸۰۲۴۵/۸۹ - »
- جله ۷۴ ونيم/۲۲۰۰۰۰۰۰۰۳۱۲ - »
- وجود و جايداد :
- الف : موجود :-
- ۱ - بانک ملی ۵۸۰۷۸۰۰۲۰۲/۷۷ - »
- ۲ - تجارتي و کيسه ۸۸۰۰۰۱۰۹۱۷/۷۵ - »
- ۳ - انحصار شکر و موتر ۸۰۲۹۲۰۵۹۰/۹۴ - »
- جله ۱۵۵۰۰۷۴۰۷۱۱/۴۶ - »
- ب : جايداد :-
- ۱ - بانک ملی ۵۳۰۴۳۳۰۰۶۱/۸۸ ونيم - »
- ۲ - تجارتي و کيسه ۲۰۷۴۴۰۵۷۱/۱ ونيم - »
- ۲ - انحصار شکر و موتر ۱۰۱۸۷۰۹۶۸/۳۸ ونيم - »
- جله ۲۸ ونيم/۵۷۰۳۶۵۰۶۰۱ - »
- جله ۷۴ ونيم/۲۱۲۰۴۴۰۰۳۱۲ - »
- ج : اسهام نا فروش ۷۰۶۱۰۰۰۰۰/۰ - »
- جله ۷۴ ونيم/۲۲۰۰۰۰۰۰۰۳۱۲ - »

منافع و ضرر :

الف : منافع :-

- ۱ - بانک ملی ۷۰۷۵۳۰۰۱۲/۶۶ - افغانی
- ۲ - تجارتي و کيسه ۱۳۰۹۴۵۰۴۶۴/۹۲ ونيم - »
- ۳ - انحصار شکر و موتر ۲۰۷۱۸۰۶۴۱/۴ - »
- جله ۶۲ ونيم/۲۴۰۴۲۷۰۱۱۸ - »
- ب : ضرر :
- ۱ - بانک ملی ۳۰۶۵۵۰۵۲۸/۷۸ - »
- ۲ - تجارتي و کيسه ۱۰۰۹۳۰۸۷۵/۱۸ ونيم - »
- ۳ - انحصار شکر و موتر ۳۷۹۰۴۶۸/۷۷ - »
- جله ۷۳ ونيم/۵۰۱۳۸۰۸۷۲ - »
- ج : باقی مفاد خالص :-
- ۱ - بحساب از باب سهم ۱۹۰۰۹۵۰۳۶۳/۴۴ - »
- ۲ - « فيصد يك بييمه ۱۹۲۰۸۸۲/۴۵ - »
- جله ۱۹۰۲۸۸۰۲۴۵/۸۹/۰ - »
- » ۲۴۰۴۲۷۰۱۱۸/۶۲ ونيم - »

نوت : منافع که از درک سرمایه بانک ملی در شرکت شمالی عاید خواهد شد چون بیلانس شرکت مذکور هنوز تمام نشده لذا شامل بیلانس هذا نشد، که آنهم بمنافع سال مذکور ایزاد می شد .

شرکت اتحادیه شمالی

۱- درمزار شریف بچهارموضع : مرکز مزار ، تاشقرغان ، اقیچه و دولت آباد و درخان آباد به سه حصه : قندوز ، تالقان ، امام صاحب کارخانه پخته پاک کنی و عدل بندی تاسیس یافته که کارخانه های

شرکت های تجاری

- ۷- برای بذرسال ۱۳۱۶ سه لک و سی هزار سیر تخم پنبه به زارعین سمت شمال شور رایگان توزیع شده .
- ۸- يك مقدار كنچيد خريداري وبخارج صادر گرديده .
- ۹- يك تعداد پول نقد طور تقاوی برای زارعین پخته پيشه کی داده شده .
- ۱۰- يك تعداد پوست گوسفندی خريداري وبخارج صادر گرديده .

شرکت وطن

شرکت وطن که یکی از موسسات اقتصادی خیلی مهم افغانستان و شرکت وطن از دوسال با اینطرف در قندهار برای صادرات پشم و واردات بعضی اجناس رخت باب تاسیس یافته روز بروز ترقیات بهتری را نائل میگردد .

خلاصه کار روائی ها و موفقیات شرکت موصوف درسال ۱۳۱۶ قرار ذیل است .

- ۱- شرکت وطن که در سال ۱۳۱۵ تاسیس و شروع بکار نموده بود در برج سرطان هذا سنه ۱۳۱۶ که یکسال آن بسر رسیده و بیلاسن آن مرتب گردیده فایده یکساله شرکت در يك سهم که بکهنرا افغانی شود - ۴۴ پـول ۵۸۰ - افغانی معین شده از انجمله ده يکه را برای تلافی خساره آینده گشتانده شد و ما بقی برای صاحبان اسهام پرداخته شد .
- ۲- يك عدد تراكتور برای يك کردن پنبه خريداري و به چغانسور و آزد کرده شده که عنقریب دائر خواهد شد .
- ۳- نسبت بوسعت کار این شرکت يك نماینده گي جدید در کابل تاسیس گردیده است .

مذکور بصورت فنی با گدام های وسیع ساخته و تکمیل شده .

۲- بخصه خان آباد موضع کارخانه پخته يک کنی و عدل بندی و روغن کشی تاسیس یافته و کارخانه های مذکور بصورت فنی آباد گردیده و کار تعمیر آن باتمام رسیده و کار آن جاری است .

الف : در حکومت قندوز .

۱- کارخانه روغن کشی و صابون سازی .

۲- « پخته يک کنی و عدل بندی .

ب : در تالقان کارخانه پخته يک کنی و عدل بندی .

ج : در حضرت امام صاحب کارخانه پخته يک کنی و عدل بندی .

۳- در سال ۱۳۱۶ از سمت شمال بیست و پنج لک سیر پخته خريداري

و بصورت فنی بار بندی بخارج صادر شده .

۴- پشم هم يك مقدار زیادی خريداري و در پنج حصه ولایت شمال

بصورت فنی شسته و عدل بندی گردیده و حمل خارج شده و نسبت بسال

۱۳۱۵ پنجصد تن پشم زیاد تر صادر گردیده مواضع گدام پشم و شستن

و عدل بندی آن قرار ذیل است :

خير آباد میمه - اند خوی - سريل مزار شريف - پل امام بکری

مزار شريف - خان آباد .

۵- شرکت شمالی پنجاه ، عدد موترلاری برای سهولت حمل و نقل

پخته و سامان زاهد و غیره از روسیه خريداري کرده و همچنین يک تعداد

تراكتورهای زياد برای کارخانه پخته خريداري و توريد نموده .

۶- چهار عدد تانک پترول در مواضع ذیل نصب و در مواضع مذکور

عمارات عصري نیز ساخته :

در چهار سرک مزار شريف - در با با قمبر مزار شريف

در خان آباد - در اندخوی .

زرد پکتر و با مخارج کمتر داخل مملکت شده همان فائده که از این رهگذر بخارج عاید میشد در داخل مملکت باقی می ماند .

۴ - علاوه بر يك فابریکه بیخ سازی که شرکت در سنوات گذشته بکار انداخته بود درین سال يك فابریکه جدید بزرگ دیگری را خریده و عنقریب وارد و نصب خواهد کرد تا در موسم گرمای سنه ۱۳۱۷ از فابریکه مذکور کار گرفته برفاه اهالی بیفزاید .

۵ - خبر بداری يك ماشین اژه کشی برای ساختمان صندوق جهت حفظ میوه و غیره کارهای نجاری تعلق شرکت و اهالی .

۶ - خدمت به عایدات گمرکی ؛
محصولاتیکه شرکت در سنه ۱۳۱۶ - اردوران (۲۰۰۰۰۰۰۰)

سرمایه خود از روی یقین و تخمین بگمرک تادیه کرده عبارت از (۱۰۱۶۸۲۰۳/۵۴) افغانی بوده و تفاوت از دیاد محصول دادگی سال مذکور به نسبت محصول دادگی سنه گذشته ۱۳۱۵ عبارت از (۳۰۰۰۰۹۴/۵۴) افغانی میشود .

۱ - شرکت پشتون در باب صادرات میوه مطابق ترتیبات فنی اقدامات خود را ادامه داده اصول قطعی بست و صندوق بست را بصورت صحیح و فنی خیلی ترقی داده یعنی مقدار بیشتری به نسبت سالهای گذشته میوه در قطعی و صندوق صادر کرده است .

۲ - صادرات میوه هم درین سال طبق احصائیة مرتبه بسیار ترقی کرده چنانچه اگر با صادرات سال ۱۳۱۳ که بد و تاسیس شرکت بلوئید ، مقایسه کرده شود درست صد فیصد بلند رفته و بقیمت مناسبی بفروش رسیده است .

معلومات کار روانی یکساله شرکت اتحادیه هرات تا اختتام ترتیب و طبع مضمین سالنامه بانجمن نرسید .

۴ - يك عمارت برای پنبه پاکي وشست وشو (و سرت) پشم در مرکز قندهار تحت تعمیر گرفته شده است .

شرکت پشتون قندهار

درین سال شرکت پشتون قندهار مانند سایر موسسه های منی بسی مراحل ارتقای خود را طی نموده و در بر تو توجهات یگانة حکومت بهی خواه خویش واجد ترفیات و انتظامات مناسبی گردیده است ، چنانچه در تورید اموال انحصاری (شکر و پضول) و فروش آنها براهالی سهولت کفای بهم رسانیده و اصول صادراتی را نیز چون باصول عصری مرتب کرده است به پیمانه کفای اضافه برگذشته خارج بعائدات گمرکی کمک نموده همچنین نظر بوسعت کار و ورود موسسات جدید و لوازم محتاج الیه که در همین سنه بعمل آمده بيشرفت شایانی در کارهای شرکت بهم رسیده که تفصیل آن قراذیل است :
موسسات جدید :

۱ - نظر به ترویج و توسعه اموال صادراتی افتتاح يك نمایندگی جدید در دهلی .

۲ - نظر به ترویج و توسعه اموال صادراتی افتتاح يك نمایندگی جدید در کاکتکه .

۳ - يك شعبه جدید نقلیه تاسیس شده که بوسیله يك دسته موتر های باز کشی همان شکر یکه از کراچی براه پشاور رفته مصرف کابل و ملحقات آن میگردد اکنون همان شکر را در يك مسافه محدود بداخل خاک افغانی حمل نموده بکابل میرساند یعنی شکر بوره مذکور که از کراچی تا پشاور يك مسافه طولانی را قطع نموده با مخارج گزاف قطار آهن بکابل میرسد حالا از راه

نامهای تازه

چون درین اوقات اکثر اشخاص به نامهای زیبای پشتو تما بیل نشان میدهند، لهذا محض خدمت بدوق هموطنان عزیز، يك عده نامهای مردانه و زنانه پشتورا که آقایان قیام الدینخان « خادم » و گل پانچاخان « الفت » و عبدالخالق خان « اخلاص » و محمد گل خان « نوری » اعضای انجمن فراهم کرده اند ذیلا تقدیم مینمائیم :

مردانه	زنانه
گلان	گلالی
لینکر	زگره
خاتول	وری
لونگین	وا کداره
غمی	نازولی
کچر	بناد منه
پشتون	تور پیکمی
گرندی	سیو ژمی
وزر	زنا
مروند	خاتوله
مین	وزر
خیا لور	سینه
ننگیالی	برپیننا
تور جان	پسته
سین	بنایسته

مردانه	زنانه
گران	ماخی
غاقول	نیک مرغه
زلمی	گوره
منهک	پستکی
خمت	لمبه
پرا تون	کجلی
تور گل	لالی
ژپر گل	میرمن
اختر	مشکونوی
پرانگ	اشربی
غلجی	اور،
تور یالی	پیلوشه
زده گی	سانگه
لیوال	لپته
ساهو	لونگیته
مل	زده وری
ستوری	مروند
پازّه	پشتون
غرفی	غبتلی
کسیا	تنا

پادداشت‌های سودمند

پاك نمودن کارت های بازی

ورق های بازی که در اثر استعمال چرك شده باشد و دستمالی که در تیل خاک غوطه شود پاك کرده شود بروی آن علیحده مالیده شود و برای اینکه جلا پیدا کنند تلك (پودر) بر آن پاشیده شود.

پاك کردن قالین

قالین ها برای اینکه مدت درازی خراب نشده و تاب پیدا نکنند همیشه لوله کرده بر داشته شود تاب های قالین او باید ترک کرده شود و بعد ازان از روی چیه اتو کشیده شود و بروی چیه آن (کار لو) دوخته شود.

گم کردن موشها

در جایکه گمان میرود موش باشد دستما لها نیکه در تار پین غوطه شده باشد گذاشته شود موشها از بوی تاریین خیلی نفرت دارند.

تجر به شیر

یکدانه سوزن در شیر فر و برده شود اگر شیر خوب باشد سوزن را سفید مینماید اگر سفید نشد آب داشته میباشد.

تخم های بد بوی

تخم شکستانده گی را چند ساعت و یا یک شب در هوای آزاد بگذارند بوی بد آن گم میشود تخم بیخ زده گی در آب تازه چند ساعت گذاشته شود تا یس خوب شود.

پخت و پز

فاصولیه

گوشت ۱۲ خورد - روغن زرد ۴ خورد - فاصولیه ۱۱ خورد
دنبه ۳ خورد - بادینجان رومی ۱۲ خورد - پیاز ۴ خورد - نمک
۶ منقال - مرچ سرخ تازه بقدر کفاف - گشنیز رومی ۸ منقال
شوربای یخنی ۱۲ خورد.

اول روغن را داغ کرده بعد دنبه را ریزه کرده بروغن انداخته بهمره قدری نمک بعد که دنبه سرخ شد گوشت را شسته انداخته شود گوشت که آب خود را خشک کرد پیاز را چهار چهار تکه کرده انداخته شود و شور بدهد تا که همراه گوشت برنگ بادامی شود بعد آب را بقدر ضرورت انداخته شور بدهد که گوشت کمی نرم شود بعد نصف بادینجان رومی را کشیده بهمرای شوربای یخنی جوش داده و فاصولیه بالای همان گوشت که بدیگ انداخته و شوربای یخنی و آب بادینجان رومی را که یکجا جوش داده بالای آن انداخته شود و جوش داده شود تا وقتی که آب آن کم شود بعد گشنیز رومی و مرچ تازه را خلال کرده بیندازد بعد نصف بادینجان رومی را که باقیمانده دو دو تکه کرده بالای آن چیده و بسر آتش نرم گذاشته تا وقتیکه بروغن بیاید و پخته شود.

سلاتنه ترکی

کاهو ۴ دانه - گشنیز رومی ۲ خورد - بادینجان رومی تازه ۶ خورد

شور داده گوشت را در با لای سیرمذ کور انداخته سرخ کرده بعد از آن آب انداخته جوش بدهد تا گوشت نرم شود و قتیکه بروغن آمد همان پیاز ماشین کرده را با لای گوشت انداخته سه دفعه بلکه چهار دفعه کم کم آب انداخته که بوی پیاز براید بعد از آن بسم پارچه ریزه کرد ه شود بعد از گذشتن پنج دقیقه تیار میباشد نمک و سرچ سرخ نیز داخل شود .

سبزی پالک کو فته تخمدار

ابتدا گوشت را قیبه نموده بصورت یا شان یعنی غیر کلوله کردن چون قورمه با پیاز تازه طبخ کنید بعد برگهای پالک را با چیزی گندنه ریزه نموده باقیه جوش دهید تا آنکه آب آن جذب و سر روغن بیاید سپس در پر یان و یا کرائی هموار نموده چند دانه تخم راعلاوه کنید بعد از پخته شدن سفیدی تخم با سرچ سیاه صرف شود .

حفظ الصحه

جوان ساختن فوری چهره

وسيلة فوری که چهره شما را تازه و جوان ساخته و در او این استعمال اثرات عجیبی به آن می بخشد اینست ؛ یک عدد تخم مرغ تازه را بگیرد سفیدی آنرا یک اندازه در سر تاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که در حین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت نکند بعد از آن با آب شیر گرم آن را بشوئید پس از شستن یک کاسه آب جوشان گرفته و باد استعمال دست درشتی ۴ الی ۵ مرتبه تکرر گرم بر چهره بگذارید مدت هر تکرر نیم دقیقه باشد بیای آن با آبیکه یخ داشته باشد ۴ الی ۵ مرتبه تکرر سرد نمائید مدت این تکررها چهار دقیقه باشد پس از آن باد استعمال نرمی روی خود را خشک نموده و با کریم روی خوبی مالش دهید این عمل را مدت

آب لیمو و یا نارنج و سرکه با اندازه خواهش - بیضه جوش داده ۵ دانه نمک و سرچ سرخ بقدر خواهش .

کاهو را برگ کرده ریزه نماید گشنیز را هم شسته چیده ریزه کرده نوش پیاز را هم ریزه نموده همراه کاهو در ظرفی که بمجلس میبرند مخلوط کشیده با دینجان رومی و بیضه جوش داده را حلقه کرده بر روی آن آرایش بدهد آب لیمو یا سرکه را نمک و سرچ زده بر روی ظرف بپاشید بعد از آن طعام مذکور مکمل و قابل خوردن است .

سجوسه شیرین

آرد ترمیده دهلی ۸ خورد - قند سفید ۸ خورد بادام مقشرمیده ۴ خورد - آرد نخود ۲ خورد هیل میده نیم مقدار دار چینی میده بقدر ضرورت .

اول آرد ترمیده را خمیر سخت ، قند را شربت تیار کند آرد نخود را در آب حل کرده در روغن سرخ شود از لته آرد بریان را علیحده کند و همراه هیل میده و بادام میده مخلوط کند بعد از آرد ترمیده فرص ها تیار کرده در شکم او هیل و بادام و آرد نخود بیندازد و فرص ها را در روغن سرخ کرده در شربت قند بیندازد لایق خوردن است .

قورمه روی نان

گوشت ۲۴ خورد - روغن زرد ۴ خورد - پیاز حلقه کرده ۴ خورد نمک با اندازه کفاف - سرچ سرخ بقدر خواهش - سیر ۴ مقدار اول روغن را سرخ کرده پیاز را بریان کرده و کشیده ماشین کرده علیحده نگاه دارد روغن را سرخ کرده سیر را در آن انداخته

حفظ الصبحه

جوان ساختن فوری چهره

وسيله فوری که چهره شمارا تازه و جوان ساخته و در او این استعمال اثرات عجیبی به آن می بخشد اینست : يك عدد تخم مرغ تازه را بگیريد سفیدی آنرا يك اندازه در سر تاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که در حین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت نکند بمذازان بآب شیر گرم آن را بشوئید پس از شستن يك کاسه آب جوشان گرفته و باد استعمال دست درشتی ۴ الی ۵ مراتبه تکر گرم بر چهره بگذارید مدت هر تکر نیم دقیقه باشد بیای آن با آبیکه یخ داشته باشد ۴ الی ۵ مراتبه تکر سرد نمائید مدت این تکرها چهار دقیقه باشد پس ازان بادستمال نرمی روی خود را خشک نموده و با کریم روی خوبی مالش دهید این عمل را مدت چهارده روز تکرار نمائید و اگر احتیاج افتد از سر شروع کنید.

تقویت چشم

يك وسيله بسیار مفیدی برای تقویت و محافظت چشم اینست که انسان عادت بگیرد باینکه روز چند مراتبه ابروها و شقیقه ها را با آب سرد تر نماید این علاج ساده چشم را از فشار خون که اساس مرضهای متعدده چشم است حفظ مینماید و اعصاب آن را قوی میسازد خصوصاً برای اشخا صیکه چشم شان مجبور است فعالیت

مشکلی بعمل آرد به تجربه رسیده که این بهترین وسيله محافظت چشم است.

علاج افتیدن چین روی

قبل از خواب چهره بآب سرد شسته شده و بعد ازان از دواي ذیل کافی بصورت مالیده شود - ۲۵ گرام موم سفید ۲۵ گرام روغن زنبق با قدری عسل جوشانده و با آب پیاز که در آن مخلوط شود آتقدر بالای شعله ملایم زیرو سر شود تا به قیام آید . صبح چهره با دستمال نرمی پاک کرده شود .

تب های سبک

برای تب های سبک و خصوصاً سر ما خوردگی اطفال یله های لیمو که بالای شقیقه ها گذاشته شود تا سیر بزگی می بخشد و مریض را راحت میسازد کینین و از قبیل وی دیگر ادویه جات حاجت ندارند .

ناخنهای گلابی و قشنگ

برس کردن کافی با آب لیمو ناخنها را قشنگ و گلابی می سازد .

خار ماهی

بیاوه سخت کچالو و یا مغز نان نرم که بدون جویدن فرو برده شود خار ماهی را از گلون می کشد .

علاج آفتاب سوختاندگی

اگر پوست بدن را آفتاب سوختا نده باشد با دوغ شسته و با تلون مالش کرده شود .

اختراعات و اکتشافات

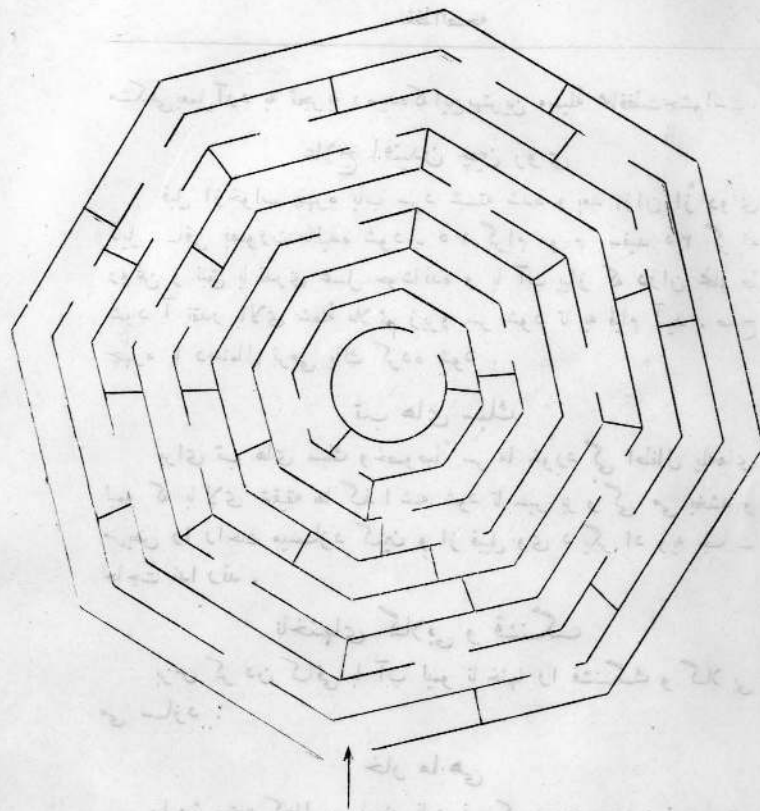
نفت از چوب

در آلمان از چوب نفتی کشیده اند که با اندک ترکیبات کیمیاوی شرایط نفت عادی را دارا میشود. متخصصینیکه باین کشف موفق



صندوقچه مخصوص که در آن اطفال کوچک را درموقع خطر گاز زهردار حفظ میکنند.

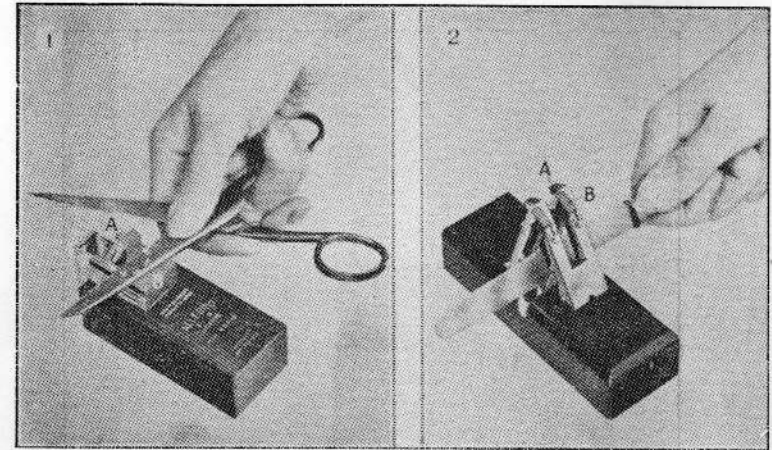
شده اند، خاصیت در گرفتن سریع و دوام دار بعضی چوبها و اینکه از چوب الکل نیز کشیده میشود در نظر گرفته بالاخره به اختراع مذکور کامیاب گردیده اند - این نفت بر مراتب از زان تر از نفت اصلی بوده، پیداوار آن نیز زیاد میباشد. حکومت آلمان در ضمن نقشه اکتفاء بخود در قسمت نفت های مصنوعی که تازه بدست آمده این نفت را اهمیت زیاد داده است.



نقشه یکی از قلعه های زمان قدیم است که به هارت هندسی جالب توجهی ساخته شده - سعی فرمائید تا از درب بزرگت به مرکز قلعه برسید بدون آنکه از دیوارها عبور کرده باشید. اگر در دفعه اول کامیاب نشدید بار دوم و سوم کوشش کنید بالاخره موفق خواهید شد - سپس ز کماوت دوستان خود را امتحان فرمائید.

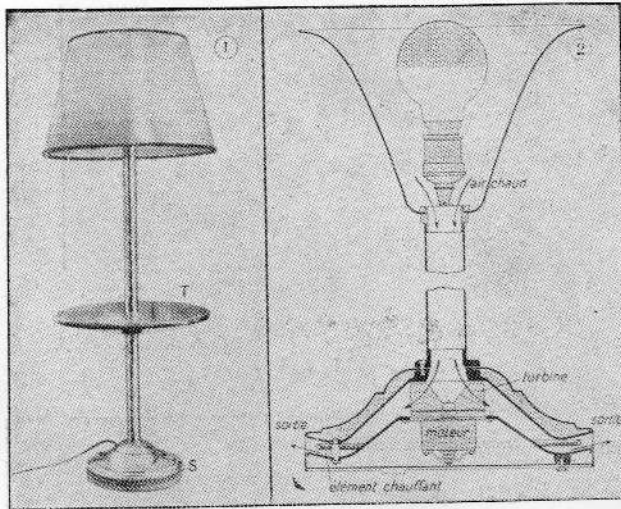
معالجات بذریعہ امواج رادیو

امواج رادیو کہ جدیداً برای معالجات استخدام شده ، چنان کامیابی هایی را نه تنها در قسمت تشخیص و تداوی بلکه در حصه جراحی بمیان آورده که انسان را دوچار حیرت میسازد . منحصصین امریکائی



ماشین های تیز کاری جدید که بفشار خود قیچی یا پاکتی بدون دسته با قوه برق بگردش می افتند .

داخل جسم را بنظر مکشوف ساخته است ، در هوا مقابل پوست بهمان حصه بمقصد جراحی حرکت کرده و درعین زمان بواسطه امواج رادیو همان حرکات آلات مذکورہ بداخل بدن بهمان حصه معینه وارد و عملیات را انجام داده است . این تجارب تا کنون امتحانی است ، اما این میرود که درآینده خدمات فوق العاده از آن گرفته خواهد شد .



چراغ برقی جدید که علاوه بر روشنی اطاق را هم گرم میسازد یعنی حرارتی را که از آن متصاعد میشود وایس جمع میکنند .

امواج برقی دماغ

تحقیقاتی که علمای انگلیسی ماتپوز و میلن نسبت به مغز سرانسان انجام داده اند ، ظاهر کرده است که مغز در حال کار ، از خود یک عده امواجی را خارج میسازد که این امواج برقی بوده و شباهت

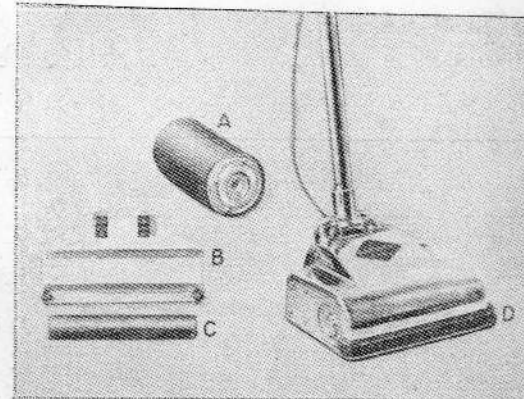
موفق شده اند که عملیات جراحی بسیار دقیق و مهم داخلی و جود را بواسیله امواج رادیو بدون آنکه خود آلات جراحی به جسم تماس بکنند ، انجام بدهند ، مثلاً در موقع عملیات قلب ویا جراحی غدود های شش ، آله در تحت تاثیر امواج رادیو در موقعیکه آله رادیو گرافی

سالنهای ۱۳۱۷

۱۳۱۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
میزان	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
روزت اسفند است	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
مهرت شنبه است	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
۱۳۱۷	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
سبب جشن است						۳۰	۲۹
۱۳۱۷							
عقرب	۵	۴	۳	۲	۱		
سبب سال است	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
عقرب	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
سبب جشن است	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
۱۳۱۷						۳۰	۲۹
قوس	۳	۲	۱				
سبب جشن است	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۱۳۱۷	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
سبب جشن است	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸
۱۳۱۷						۲۹	۲۸
جکلی	۲	۱					
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
دو	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
سبب جشن است	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
سبب جشن است	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
۱۳۱۷	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
						۳۰	۲۹
حوت	۵	۴	۳	۲	۱		
سبب جشن است	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
سبب جشن است	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
سبب جشن است	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
۱۳۱۷						۳۰	۲۹

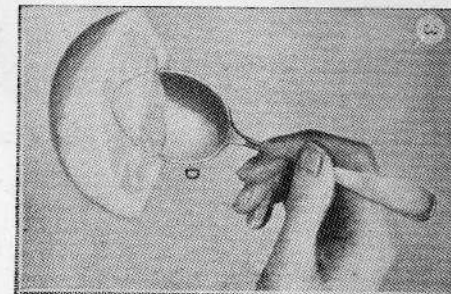
۱۳۱۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
حمل	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۰
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷
	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
شور	۲	۱					
سبب جشن است	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
سبب جشن است	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
سبب جشن است	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
سبب جشن است	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
						۳۱	۳۰
جوزا	۵	۴	۳	۲	۱		
سبب جشن است	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
سبب جشن است	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
سبب جشن است	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
سبب جشن است						۳۱	۳۰
سرطان	۲	۱					
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
						۳۱	۳۰
اسد	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
						۳۱	۳۰
سنبله	۳	۲	۱				
سبب جشن است	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
سبب جشن است	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
سبب جشن است	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸
سبب جشن است	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵

کلی با سایر امواج رادیو دارد. پس از اینقرار علمای مذکور عقیده دارند که میتوان امواج برقی دماغ انسان را بواسطه آلات مخصوصه



آله اتو کردن فرش که خود رطوبت داده سپس قات های قایلین و غیره را کم میکند.

زیر تاثیر گرفت تا شخصی طوریکه اداره کننده آله مذکور خواسته باشد فکر کند و یا کم از کم از فکر خود مانع کرده شود.



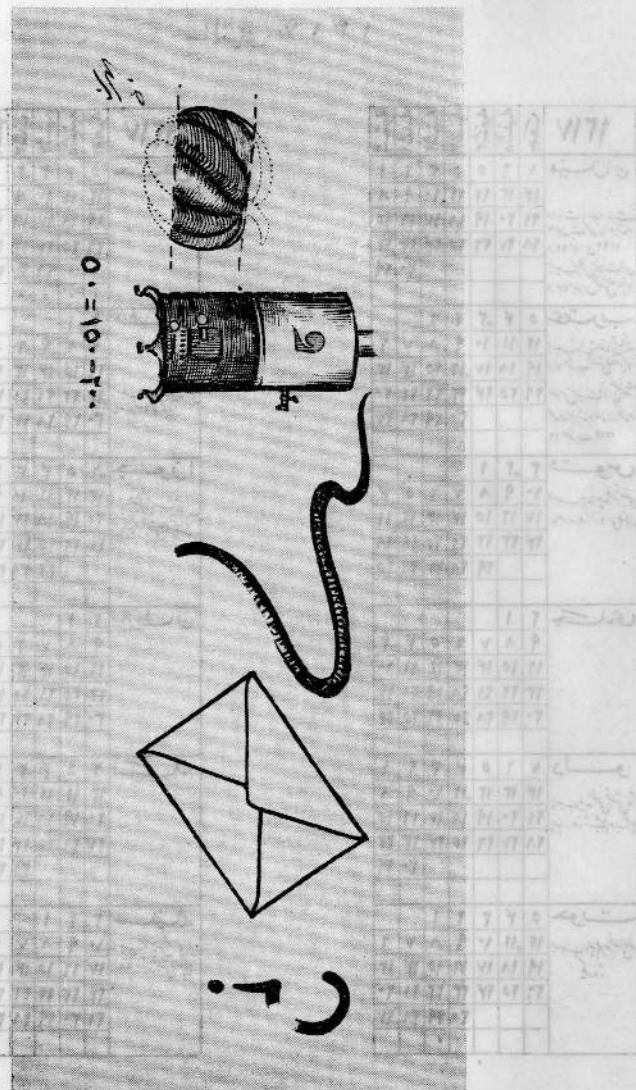
فاشق دنداندار برای خالی کردن میان لیمو و نارنج و غیره امواج دماغ انسان بر روی صفحات مخصوصی موفق شده اند.

غلطنامه سالنامه کابل

۱۳۱۶

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲	۳	د ا ط با	اطبا
۲۱	۴	احمد شیر خان	احمد سیر خان
»	۱۲	مدیریت مکتب موزیک	مدیریت مکتب موزیک
»	۱۳	مدیریت کورس عالی	مدیریت کورس عالی
۸۱	۵	توزیع	توزیع
۸۵	۱۴	کسب	کسب
۸۵	۱۸	هیئت تدقیق و معاینه	هیئت تدقیق و معاینه
»	»	تعلق ریاست	تعلق ریاست
»	»	لوازمات آمده	لوازمات آمده
۸۸	۲۰	افغانی	افغانی
۹۷	۱۶	سال تمام	سال تمام
۱۰۰	۲۱	را بایستی	که بایستی
۱۰۶	۶	آنی	آنی
»	۸	معنای برای آن	معنای
۱۰۷	۸	معنای	معنای
۱۱۹	۱۴	اسپین بولدک	اسپین بولدک

معنای منقوش برای تفریح و طبع آزمائی خوانندگان سالنامه



غلطنامه

صحیح	غلط	سطر	صفحه
الفاظ	انفاظ	۱۲	۲۷۲
استازی	وراست وال	۲	۲۷۵
یادنور و کسانو نومونه	یانور کسان	۲۳	۲۷۶
سوی دی	سوی دی	۱۰	۲۷۹
کړېده	کړېدلی	۸	۲۸۲
لیکلی ده	لیکلی دی	۴	۲۸۳
خوز وینه	خوزینه	۱۳	۲۸۹
مسکوکات	سکوکات	۱۲	۳۰۲
Vieh	ieh	۱۴	۳۰۳
صنعتی	صنعتی	۱۰	۳۰۷
Lénormant	Léotinant	۵	۳۰۸
داویک	وا دیک	۲۰	»
شاهی	شاهی	۳	۳۱۹
هرمایوس	هرمالوس	۹	»
دمتر یوس	دمترلوس	۳	۳۲۱
Poseidon	Posridon	۱۶	۳۲۳
Heliokles	Heiokles	۱۰	۳۲۳
منا ندرس	منا ندراس	۸	۳۲۵
Hermaios	Hermaias	۲۰	»
ب م	ق م	۲۰	»
Vonones	Uonônès	۸	۳۳۰

سالنامه « کابل »

صحیح	غلط	سطر	صفحه
کار	سار	۲	۱۳۰
امراض مهلکه	امراض و مهلکه	۱۹	۱۳۲
معاهدات	معاهداتپا	۳	۱۵۸
دول	درل	۱۹	۱۷۲
مستعمراتی	مستعراتی	۲	۱۸۴
قضایا	قضایا	۱۲	۱۸۵
بالدوین	بادوین	۱	۱۸۶
مدیر	عضو	۱	۲۱۱
یجتلا	تجلا	۱۹	۲۱۵
منبت	منبسط	۱۴	۲۱۷
مطلوب	مکلوب	۱۱	۱۱۸
Sumer	Somr	۲۲	۲۱۹
ضمنا ارائه	ارائه و ضمنا	۱۶	۲۲۳
کرد	کر دیم	۲	۲۲۵
(پلنگ)	« پلنگ ها »	۵	۲۲۶
البسه	البته	۱۷	۲۲۷
درولای	در دولای	۲۰	۲۴۵
خلور و	خلور	۱۱	۲۶۶
خایونه	خایونی	۱۴	۲۶۷
خای یی	زای	۱۳	۲۶۸
خور لسه	خلور لسه	۲۳	۲۶۹

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۰۶	۷	استعمال	استعمال
۵۷۲	۱۸	تودو	تورو
۵۷۷	۱۷	ننگک و ترله	ننگک می و ترله
»	۲۱	به	به
۵۷۹	۲۰	پسر	پسه
۵۸۳	»	آلوه	آواه
۵۸۶	۱۴	وی	.
۵۹۱	۱۵	هوا	هو
۵۹۳	۴	پیشتر	پیشنو
۵۹۹	۱۱	وی	خوی
۶۰۰	۷	ننگکالی	ننگکیالی
۶۰۶	۱۱	نه غواړی	خچه غواړی
»	۱۹	خیل	خیل
۶۰۹	۱۸	در	د
۶۱۵	۳	خو	خوی
۶۱۶	۱	نه لری	نه خوبوی
»	۱۳	نه زرای	نه رازی
۶۱۹	۲۰	نو	نور
۶۲۴	۱۲	در آ زادی	د ازادی
۶۳۰	۲۰	لتونیی ورو	لتون بی و کرو

سالنامه « کابل »

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۳۱	۳	Gondopharnps	Gonqopdanes
۳۳۷	۳	لووشانی‌ها	کوشانی‌ها
۳۳۹	۵	a omanto oeva	Samanta-deva
۳۳۹	۱۰	(بهی و)	(بهی)
۷۴۰	۷	Chudavayaka	Khndavayaka
»	»	خود اوایا کنا	خود اوایا کنا
۳۴۶	۱۷	بسزا دارد	بسزا داشت
۳۵۷	۲۲	چکمن	چکمن يك
۳۶۶	۹	میگویند که	میگویند
۳۹۳	۹	آج	انلاج
۴۰۲	۱۳	نسبت	نسبتاً
۴۱۰	۱۷	استملاك	استهلاك
۴۱۰	۱۸	قانها	قانها
۴۱۱	۴	غریزی	عزری
۴۳۰	۷	کوهدان	کوهدامن
۴۷۷	۱	مجزع	مجموع
۴۸۵	۹	تفصیل البته آن	تفصیل آن البته
۴۹۲	۱۸	سنگلاخپای	سنگلاخها
۴۹۷	۹	بکر خادمان	دیگر خادمان
۵۰۱	۱۴	کمانی	کافی

مضمون	صفحه	نویسنده
مسکوکات افغانستان	۳۰۱	بقلم جناب احمد علیخان « کهزاد »
صنایع و فنون در افغانستان	۳۴۱	« احمد الله خان » کریمی
نباتات مشهور افغانستان	۴۱۳	« محمد زمان خان »
نهضت اقتصادی افغانستان	۴۴۷	« رشتیا »
مطبعه در افغانستان	۴۹۷	« کریمی »
فابریکه نختابی جبل السراج	۵۰۹	« محمد ابراهیم خان »
پیشرفت های سیورتنی	۵۱۹	« محمد یعقوب خان »
پنبتو تولنه	۵۳۱	« ق تره کی »
وقایع مهمه داخلی	۶۴۸	« یاز محمد خان »
شرکتهای تجارتی	۶۷۴	
نامهای تازه	۶۹۲	
یادداشت های سودمند	۶۹۴	
پخت و پز	۶۹۵	
حفظ الصحه	۶۹۸	
اختراعات و اکتشافات	۷۰۰	

فهرست تصاویر

صفحه	تصاویر
۴	اعلیحضرت همایونی
۱۳	« فقید شهید »
۱۵	والاحضرت صدراعظم صاحب

صنحه	سطر	غلط	صحیح
۶۵۶	۱۹	وج ۰ ع	ج ۰ ع
۶۵۸	۱۶	نظر که	نظر
•	۱۹	از هر طبقه	هر طبقه
۶۶۳	۱۷	بدینما سبت	بدینما سبت
۶۶۴	۱۷	دنیا شرق	دنیا شرق

فهرست مضامین

مضمون	صفحه	نویسنده
ششمین سالنامه	۱	انجمن
پادشاه افغانستان	۴	»
افغانستان	۶	»
تشکیلات مملکتی	۱۴	.
اجراء آت دوائر مملکتی	۷۹	.
اعطای نشان	۱۵۰	.
مطبوعات وطنی	۱۶۰	.
سفرای نو وارد	۱۶۱	.
کور دیپلو ماتیک مقیم کابل	»	.
گزارشات دنیا	۱۶۳	جناب میر محمد صدیق خان
حفریات جدید در افغانستان	۲۱۱	« موسیوها کن »
دینتو ادبیاتویوه کشته	۲۲۹	بقلم جناب « زمر یالی »

صفحه	تصاویر	صفحه	تصاویر
۱۰۴	عمارت انجمن ادبی	۱۷	والاحضرت وزیر صاحب احریه
»	تجربه خانه کیمیا	۲۴	جلالتاب وزیر خارجه
۱۱۲	از موسسات عرفانی مرکز ۴ قطعه	۳۱	» » » داخله
۱۲۰	از عمارات ولایت هرات ۶ قطعه	۳۲	» » » عدلیه
۱۲۸	» » » و میمه ۴ قطعه	۳۳	» » » تجارت
»	حکومت اعلیٰ مشرقی و مزار ۴ قطعه	۳۷	» » » معارف
»	ماشین دیزل برق ۳ قطعه	۴۰	» » » فوائد عامه
»	منظره عمومی کارخانه جات حربی کابل	۴۵	» » » پست و تلگراف
۱۳۶	از عمارات مشرقی ۲ قطعه	۶۴	» » » رئیس شورای منی
»	مزار شریف	۷۰	» » » رئیس مجلس اعیان
»	از موسسات جدید وزارت صحیه	۷۵	جلالتاب وزیر دربار
۱۴۴	» جدید وزارت پست ۴ قطعه	۷۷	» سرمشی حضور
۱۶۰	سفرای نو وارد ۴ قطعه	۸۰	مقررهای مهمه ۱۳۱۶-۱۸ قطعه
»	کافراس بروسل	۸۱	طیارات که جدید خریداری شده ۴ قطعه
»	نیون	»	نماینده گان افغانستان در مجالس بین المللی ۳ قطعه
»	کابینه انگلستان	۸۸	از عمارات جدید کوتوالی کابل
»	پذیرائی لارد هیلیفکس	۹۶	» جدید منظره عمومی ولایت »
۱۶۷	مراحم آ فای سمی	۱۰۴	تربیه خانه خرگوش
»	عصمت انینو	»	سنگ گذاشتن تهداب مکتب رشديه مزار
»	جلال بایار	»	فارغ التحصیلان فاکولته طبی
»	نحاس پاشا	»	

صفحه	تصاویر
۳۰۸	مسکوکات قدیم افغانستان ۸۰ صفحه
۳۳۲	» » » ۳ صفحه
»	دیوار کوه کابل
۳۴۸	نمونه صنعت نجاری کابل ۳ قطعه
»	قالینچه نفیس وطنی
۳۸۰	نمونه کار زرگری ۲ قطعه
»	» اشیاء سنگی
»	» کار نجاری کابل
۴۱۲	از عمارات قدیمه هرات ۲ قطعه
»	از آثار تاریخی هرات ۲ قطعه
۴۲۸	» » » ۴ قطعه
۴۴۴	مسجد عید گاه
»	نمونه از چوبکاری قدیم
»	منار چکری
»	دیوار قدیم کابل
۴۷۶	نقشه افغانستان
۵۰۰	مطبعه جدید کابل ۸ صفحه
۵۷۰	» » » ۱۲ صفحه
۵۰۹	منظره عمومی فابریکه نختایی جبل السراج
۵۱۱	کار خانه ترمیم » »

صفحه	تصاویر
۱۷۶	آغا خان
»	کانفرانس پروسل
۱۸۴	مر بوط بواقعات ممالک عربی
»	اجلاس جامعه ملل ۲ صفحه
»	مر بوط بواقعات شوروی و شرق اقصی
۱۹۲	» » انگلستان ۲ صفحه
»	» » المان ۵ قطعه
»	» » ایتالیا ۳ قطعه
۱۹۴	لودندورف
۱۹۶	فون بلومبرگ
۲۰۰	رئیس الوزرای اسپانیا
۲۰۱	جنرال کوئبو د لانو
۲۰۴	هنلاين رئیس نازیها
۲۰۵	کنفرانس اتحاد صغیر
۲۰۷	آدم کوك رئیس حزب ملی پولیند
۲۱۲	خرابه های سیستان ۴ قطعه
»	از آثار مکشوفه بگرام ۲ قطعه
»	» » تاریخی مزار
۲۴۴	نمونه خطوط نستعلیق قدیم ۴ قطعه
۲۶۸	از آثار تاریخی بلخ ۴ قطعه
۲۹۲	» » » هرات ۴ قطعه

Table des matières

Sujet	Page
Préface	1 (۱)
Le roi d'Afghanistan	4 (۴)
Afghanistan (vue générale)	6 (۶)
Organisation administrative du pays et les fonctions des principaux titulaires	13 (۱۴)
Activité des administrations gouvernementales	79 (۷۹)
Décorations remises au cours de l'année	160 (۱۶۰)
La presse afghane .	
Corps diplomatique à Kaboul	161 (۱۶۱)
Principaux événements de l'année dans le monde	163 (۱۶۳)
Nouvelles recherches archéologiques en Afghanistan	221 (۲۲۱)
Vue générale sur la littérature de Pashto	229 (۲۲۹)
Les anciennes monnaies d'Afghanistan	301 (۳۰۱)
Les industries et les arts en Afghanistan	341 (۳۴۱)
Les principales plantes d'Afghanistan	413 (۴۱۳)
Les progrès économiques réalisés au cours de l'année dernière en Afghanistan	447 (۴۴۷)
L'imprimerie en Afghanistan	497 (۴۹۷)
Nouvelle fabrique de filature de	509 (۵۰۹)

صفحه	تصاویر
۵۱۳	ماشین نفاق فابریکه جبل السراج
۵۱۴	ماشین شاه « »
۵۱۵	مشله « »
۵۱۶	« های بافت فابریکه نختابی
۵۱۷	« اتو « »
۵۲۴	ورزشکاران داخله و خارجه در کابل ۴ صفحه
۵۵۶	هیئت انجمن ادبی ۶ صفحه
۶۰۴	تصاویر رنگه از قلم رسامان جوان وطن ۹ صفحه
۶۷۶	عمارت بانك ملی
»	دقتر فابریکه ترمیم موتر
»	موتر های بار کشی جدید
۶۸۴	فابریکه ترمیم موتر بانك ملی ۱۲ صفحه
۷۰۰	حفظ اطفال از خطر گاز
»	ماشین های تیز کاری جدید
»	چراغ برقی جدید
»	آله اتو کردن فرش
»	جنتری
»	معما
»	رسم رنگه گل و میوه



Djaboul-Séradj	497 (٤٩٧)
Mouvement sportif en Afghanistan	519 (٥١٩)
L'Académie Afghane	531 (٥٣١)
Les événements de l'année en Afghanistan	648 (٦٤٨)
L'activité des sociétés commerciales et de	
La Panque Nationale Afghane .	674 (٦٧٤)
Des noms en Pashto	692 (٦٩٢)
Quelques renseignements utiles	694 (٦٩٤)
Conseils de cuisine	695 (٦٩٥)
L'hygiène pratique	698 (٦٩٨)
Quelques inventions nouvelles	700 (٧٠٠)
(On trouvera les explications des photos en dessous de chacun de ces photos .)	

اعلان

ذواتیکه خواهش خریداری سالنامه‌های کابل ویا کلمکسیون های هفت ساله مجله کابل و یا اشتراک مجله مذکور را داشته باشند ، لطفاً به آدرس ذیل مراجعه فرمایند: انجمن ادبی- جاده ابن سینا - کابل .

Avis

Les personnes désireuses d'acheter les Almanachs de Caboul ou les collections de la Revue de Caboul ainsi que de s'abonner à cette Revue, sont priées de s'adresser à l'Académie Afghane (Caboul- fghanistan)



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**